بسم الله الرحمن الرحيم

فتاوای

منبع‌العلوم کوه‌ون

جلد چهارم

اثر:
مفتی بزرگ، فقیه عصر
حضرت علامه مولانا محمد عمر سربازی

ملازهی، محمد عمر، ۱۳۱۲،
فتاوای منبع‌العلوم کوه‌ون / اثر محمد عمر (ملازهی) سربازی. تهران: ۱۳۸۳ ـ.
جلد چهارم
ISBN: 964-7701-61-6 (دوره)
ISBN: (ج۴)

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
فهرستنویسی براساس جلد چهارم، ۱۳۸۳.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. فقه حنفی ---- رساله علمیه. ۲. فقه اهل سنت --- رساله علمیه. الف عنوان .
۲ف ۷م / ۵ / BP ۱۷۴ ۲۹۷/۳۳۲
کتابخانه ملی ایران. ۳۲۵۵٦-۸۱م

□ نام کتاب: فتاوای منبع‌العلوم کوه‌ون (جلد چهارم)
□ مؤلف: مولانا محمد عمر سربازی (ملازهی)
□ ناشر: مدرسهٔ دینی منبع‌العلوم
□ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
□ نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۳
□ حروفچینی: صدّیقه و سهیلا گنجی
□ لیتوگرافی: امید
□ چاپ و صحافی: معراج

شابک دوره: ۶-۶۱-۷۷۰۱-۹۶۴ ISBN: 964-7701-61-6
شابک ج۴: ISBN:

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق بنواقض الوضوء

چه چیزهایی وضو را باطل می‌کنند

الاستفتاء: چه چیزهایی موجب باطل شدن وضو و نمازِ زن و مرد می شوند؟ تشریح فرمایید.

الجواب بسم ملهم الصواب: دوازده چیز موجب باطل شدن وضو می‌باشند؛ آنچه از پس و پیش آدمی خارج شود، بجز باد راه پیش، و وضع حمل کردن برای زن به غیر دیدن خون، و نجاست سائله از غیر سبیلین مثل خون و ریم، استفراغ خوراک و آب و خون زردآب و غیره به پری دهن سوای بلغم، و خون غالب بر آب دهن، و خواب تکیه و خفته و بیهوشی و دیوانگی و مستی و قهقهۀ زیاد در نماز رکوع و سجده‌دار و مباشرت فاحشه.

همچنین سخن گفتن در نماز، دعایی که مشابه سخن مردمان باشد، سلام به نیّت جواب، ردّ سلام به زبان، عمل کثیر، چرخاندن سینه از قبله، خوردن چیزی کم یا بیش از خارج یا از میان دندان اگر قدر نخود باشد، نوشیدن و تنحنح بی عذر، اُف و اُه و اِن گفتن از درد، گریه از درد و مصیبت، جواب عاطس، جواب مستفهم، رؤیت آب برای متیمم، تمام شدن مدت ماسح موزه، تعلیم امّی آیت را، دیدن عاری، ساتری را، قدرت یافتن اشاره کننده به رکوع و سجده، یادآمدن فائته ترتیب‌دار و خلیفه گرفتن امی و زن و طفل و معذور، طلوع آفتاب در صبح، دخول عصر در جمعه، زوال عذر معذور، حدث به قصد یا بصنع غیر، بیهوشی، دیوانگی، جنابت، یکجا بـا زن مشـتهات ایسـتادن و چیزهایی دیگر از این قبیل باعث شکستن نماز می شوند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

خواب رفتن در حالت احتباء و چهار زانو

الاستفتاء: آیا خفتن به حالت چهار زانو و احتباء ناقض وضوء است؟ و آیا به ایـن شکل نشستن، استقرار مقعد بر زمین متحقق می شود؟ و آیا این مسئله جزو اسـناد و

تکیه بر چیزی که اگر کشیده شود حتماً می‌افتد، به حساب می‌آید و به آن شبیه است یا خیر؟ مستدعی است با نقل حواله و ذکر قول راجح و مفتیٰ‌به مسئله را روشن فرمایید.

الجواب بسم ملهم الصواب: در این دو حالت، خواب ناقض وضوء نیست مگر آنکه تکان خورده ازاله‌ی مقعد از زمین ثابت گردد. و از این نوع نشستن، استقرار مقعد بر زمین متحقق و این مسئله جزو اسنادی که لوازیل لسقط نیست.

قال فی الهندیة:

«و ان نام متربعاً لا ینقض الوضوء»[1]

و فی الدرّ:

«أو محتبیاً و رأسه علی رکبته»[2] عطف است بر **«لا ینقض الوضوء»**.

و در مورد خوابی که استقرار مقعد در آن متحقق نمی‌شود، صاحبِ «درّ» می‌نویسد:

«و هو النوم علی احد جنبیه أو ورکیه او قفاه او وجهه»[3]

از این عبارت معلوم شد که نومِ متربع و محتبی از این قسم نیست وگرنه آن را در ردیف این نوع خواب‌هایی که ناقض وضوءاند بیان می‌کرد، زیرا مفهوم قول فقهاء معتبر است.

و فی الفتح:

«و لو کان محتبیاً و رأسه علی رکبتیه لا ینقض»[4]

شیخ عبدالحی لکنوی در «سعایه» شرحِ «شرح وقایه» مسئله‌ی نوم را نزد احناف نوزده نوع ذکر کرده است، چنانچه می‌فرماید:

«وسادس ان ینام محتبیاً بان جلس علیٰ الیتیه و نصب رکبتیه و شدّ ساقیه بیدیه او بشیء یحیط من ظهره علیها و هو غیر ناقض لشدّة تمکن المقعد و عدم تمکن الاسترحاء و ان وضع رأسه علی رکبتیه، کذا فی المنیة و شروحها و العتابیة»

۱- الهندیة: ۱۰/۱، نواقض الوضوء. ۲- رد المحتار علی الدر: ۱۴۲/۱، نواقض الوضوء.

۳- المرجع السابق: ۱۴۱/۱.

۴- شرح فتح‌القدیر: ۳۲/۱، نواقض الوضوء، وکذا فی الجوهرة: ۹/۱.

و قال: «والثانی عشر ان ينام متربعاً و هو غير ناقض كما فی الخلاصة»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ شوال ۱۳۹۸ هـ ق

خواب شخصی که مبتلا به انفلات الريح است

الاستفتاء: آیا کسی که انفلات الریح دارد، خوابش ناقض وضوء است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ناقض نیست. «كذا فی الشامی نقلاً عن فتاویٰ ابن الشبلی»[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ ذیحجه ۱۳۹۹ هـ ق

وضوء شخصی که در سجده خواب برود

الاستفتاء: اگر کسی در سجده عمداً خواب رفت، نماز و وضوء او می شکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: وضوء او نمی شکند، اما نماز او فاسد می‌گردد. «كذا فی الشامی نقلاً عن جوامع الفقه»[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

وضوء بیماری که با اشاره نماز می‌خواند و در عین نماز به خواب برود

الاستفتاء: مریضی که به اشاره نماز می‌خواند اگر در عین نماز به خواب رفت وضویش می شکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح آن است که می شکند. «كذا فی الشامی نقلاً عن الفتح و غيره»[۴]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

۱- السعاية: ۲۳۷/۱ و ۲۳۹.

۲- ردالمحتار: ۱۴۱/۱.

۳- المرجع السابق، ۱۴۱/۱.

۴- المرجع السابق: ۱۴۲/۱.

بر اثر چُرت زدن (غنودگی) وضوء می‌شکند یا نه؟

الاستفتاء: کسی که دراز کشیده، اگر او را غنودگی آمد (چورت بزند)، آیا وضویش می شکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر غنودگی به حدّی رسیده است که بیشتر سخنان مجلس را نمی شنود، وضویش می شکند و اگر اکثر آنها را می شنود، نمی شکند. «**کذا فی الشامی نقلاً عن الرحمتی**»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

آیا در بیهوشی بیماری صرع وضوء می‌شکند؟

الاستفتاء: کسی که وضوء داشت و بر اثر صرع و مری بیهوش شد، بعد از به هوش آمدن، لازم است وضوء بگیرد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم است.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

حکم شخصی که جهت بناء نمازش وضوء کرده بود و در بین راه قهقهه زد

الاستفتاء: شخصی در نماز وضویش شکست، رفت تا وضوء کرده، نمازش را بنا کند. چون وضوء کرد در بین راه قهقهه زد، آیا وضوی جدید و نمازش فاسد می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در بُطلانِ نماز او اتفاق است و در نقض وضوء او دو روایت وجود دارد؛ اما اَحوَط، نقض است.[3]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

۱- المرجع السابق: ۱۰۵/۱.

۲-کذا فی الشامی: ۱۴۳/۱.

۳-کذا فی الشامی: ۱ / ۱۴۴.

قهقه‌ای که قبل از شروع در نماز وضوء را می‌شکند و بعد از شروع در نماز وضوء را نمی‌شکند

الاستفتاء: آن کدام قهقه است که اگر قبل از شروع نماز باشد وضوء را می شکند و بعد از شروع نماز وضوء را نمی شکند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آن، قهقه‌ی شخصی است که در نماز وضویش شکست و به نیت بناء رفته وضوء کرده، اما مسح سر یا مسح موزه یا مسح جبیره یا غسل بعضی اعضاء را فراموش کرده و قبل از شروع در نماز، قهقهه بزند، این کارش ناقض وضوء و نماز است. و بعد از شروع اگر قهقهه زد، وضوء او نمی شکند.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

حکم آب چشم و بینی شخصی که نزله دارد

الاستفتاء: کسی که چشم او درد می‌کند یا نزله دارد و از چشم و بینی او آب می آید، آیا وضوء را می شکند و نجس است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر درد هست و آب هم متغیر است، اتفاقاً وضوء را می شکند و ناپاک است و اگر این هر دو نیستند، یا فقط اول هست، در این مورد اختلاف است. البته فتویٰ بر عدم نقض است لعموم البلویٰ، و اگر دوم هست تنها، هم می شکند.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

بیرون آمدن آب از ذَکَر، بعد از وضوء

الاستفتاء: کسی که از ذَکَر او چیزی خارج شد و دچار شک شد که آیا آب است یا چیزی دیگر، آیا بر او وضوء لازم می‌گردد یا نه؟

۱- شامی: ۱۴۵/۱.

۲- ردالمحتار: ۱۴۷/۱ عن الفتح.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر قریب العهد به وضوء هست و این حالت بار بار او را پیش می‌آید، نماز بخواند، وضوء لازم نیست. و اگر بار اول است و یا از وضویش خیلی گذشته است، وضوء را اعاده کند، اما غلبهٔ گمان به هر طرف باشد به همان عمل کند.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حکم آب نزله و رمد

الاستفتاء: آیا آب نزله و رمد پاک است یا پلید و ناقض وضوء است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تا وقتی به خون و ریم و زردآب متغیر نشده‌اند، پاک می‌باشد و غیر ناقض، اما بعد از تغییر، ناپاک و ناقض‌اند. **کذا حققه ابن الهمام فی فتح القدیر**[۲].

علامه شامی ـ رحمه الله ـ مطلقاً ناقض گفته است ولی قول او، خلاف تحقیق است.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم الحرام ۱۴۰۳ هق

حکم وضوء وقتی که مذی سوراخ ذکر را پوشانده باشد

الاستفتاء: شخصی وضوء کامل می‌گیرد، و در اثناء وضوء احساس شکستن وضوء نمی‌کند. اما بعد از آن وقتی برای قضای حاجت می‌رود می‌بیند که اثر مذی، سوراخ ذکر را پوشیده است و بیرون سرایت نکرده است، آیا وضوء این شخص صحیح بوده یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی شکند.

قال فی الدر:

«و الا لا کما لو سال فی باطن عین او جرح او ذکر و لم یخرج...»

و فی الشامیة:

۱- ردالمحتار: ۱۵۱/۱.

۲- شرح فتح القدیر: ۲۶/۱، اول نواقض الوضوء.

۳- ردالمحتار: ۲۲۳/۱، مطلب فی احکام المعذور.

«قوله (مجردالظهور): فلو نزل البول الی قعبة الذکر لا ینقض لعدم ظهوره بخلاف القلفة فانه بنزوله الیها یتقض الوضوء»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۴۰۰ هق

حکم وضوء بر اثر چرکی شدن گوش و عدم سیلان آن

الاستفتاء: اگر در گوش کسی ریم و چرک وجود داشت، اما به دهن گوش نرسید و جاری نشد، و همیشه ریم و چرک وجود داشته باشد ولی بیرون گوش نیاید، آیا وضوء چنین شخصی درست است یا نه؟ چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر ریم از سوراخ گوش بیرون آمده و به جای گشادگی گوش رسیده باشد ولو اینکه از کناره‌های گوش بیرون نیامده باشد، وضویش می شکند و اگر از سوراخ بیرون نیامده و اندرون سوراخ است، وضوء لازم نیست.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ صفر ۱۴۰۹ هـ ق

خروج باد از دُبُر

الاستفتاء: بادی که در دبر خیلی کم محسوس شود به طوری که اخراج شدن آن احساس نشود، شکننده‌ی وضوء می‌باشد یا نه؟ منظور این است که در داخل دُبُر حرکت می‌کند و آواز خیلی کوچکی در دبُر محسوس می شود، یعنی حرکت در رگها پیدا می شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت اگر ظن این است که این هوا از بالا آمده است، وضوء می‌شکند و اگر ظن غالب نیست و مشکوک و مشتبه است، وضوء نمی شکند.

۱- ردالمحتار:۱۳۵/۱.

۲-کذا فی رد المحتار: ۱۴۸/۱، تحت قول الدرّ (کما لا ینقض لو خرج من اذنه).

قال فی الدر:

«حتی لو خرج من الدبر و هو یعلم انه لم یکن من الاعلی فهو اختلاج فلا ینقض».

و فی الرد:

«(قوله و هو یعلم): ای یظن لان الظن کاف فی هذالباب، ح ای الظن الغالب...»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاول ۱۴۱۱ هـ ق

خونین شدن سرانگشت از دست زدن به دندان

الاستفتاء: شخصی که دندانش خونی شده است، اگر بر اثر دست زدن به دندانش، سر دستش خونین شود آیا در این صورت وضویش می‌شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌شکند. کذا فی الهندیّة حیث قال:

«المتوضی اذا عض شیئاً فوجد اثر الدم او استاک بسواک فوجد فیه اثر الدم لا ینتقض ما لم یعرف السیلان، کذا فی الظهیریة»[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـق

خونین شدن غذا هنگام خوردن به خون دندان

الاستفتاء: اگر شخصی مشغول خوردن باشد و در همان لحظه اثر خون پیدا شود، آیا در این صورت وضوء می‌شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌شکند. کذا فی الهندیة.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـ ق

خواب رفتن بر روی صندلی ماشین

الاستفتاء: خواب رفتن بر صندلی ماشین وضوء را باطل می‌کند یا نه؟ با وجودی که شایع است که اگر کسی بر روی اسب خواب رفت وضویش باطل نمی‌شود و آن

۱- المرجع السابق: ۱۳٦/۱.

۲- الفتاوی الهندیه: ۱۱/۱، نواقض الوضوء.

۳-نفس المرجع السابق.

شخص لگام اسب را در دست دارد که تکیه شمار می‌شود.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر صندلی ماشین طوری نشسته و چنان تکیه داده است که اگر بالفرض صندلی کشیده شود او بر پشت نمی‌افتد و خواب رفت وضوء او نمی‌شکند و اگر تکیه کامل به نحوی کرده است که اگر صندلی بالفرض کشیده شود، او می‌افتد وضویش از این خواب می‌شکند. **کذا فی الشامية.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ ربیع الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

خواب رفتن زن در نماز بر هیأت مسنون

الاستفتاء: خفتن زن در نماز بر هیأت مسنون، شکننده‌ی وضویش می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در دیگر جاها مثل رکوع و تشهد شکننده‌ی وضوء نیست، ولی اگر در سجده در خواب رفت وضویش می‌شکند، چرا که هیأت سجده‌ی زن، هیأت سجده گفته نمی‌شود. مراد از هیأت مسنون نزد فقهاء، هیئت مسنون سجده‌ی مرد است که شکم از ران و بازو از پهلو دور باشد. و ظاهر است که هیأت زن این طور نیست، بلکه برای او سنت این است که شکم را با ران و بازو را با پهلو بچسباند.

قال فی الهندية:

«الا فی السجود فانه یشترط ان یکون علی الهیئة المسنونة له بان یکون وافعاً بطنه عن فخذیه مجافیاً عضدیه عن جنبیه»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجة ۱۴۱۴ هـ ق

خواب رفتن به حالت سواری بر الاغ و یا پائین کردن پاها در چاه و غیره

الاستفتاء: اگر شخصی بر دیوار یا سنگی یا چاهی پای خود را آویزان کرده است و در خواب رفت یا بر کرسی یا بر الاغ نشسته بود و خواب رفت، وضویش می‌شکند یا نه؟

۱- الهندیه: ٦/١، ط کانفور، وکذا فی بهشتی زیور: ۵۲/۱، و حاشیهٔ آن.

الجواب بسم ملهم الصواب: در همه‌ی این صورت‌ها وضوء او می‌شکند به استثناء حالت سواری که وضوء او نمی‌شکند.

قال فی الهندیة:

«**و ان نام علی رأس التنور و هو جالس قد ادلی رجلیه کان حدثا**».[۱]

از این عبارت معلوم شد در صورتی که بر دیوار و سنگ و چاه و کرسی که پایش آویزان باشد و خواب رفت، وضویش می‌شکند چون در این صورت، مقعد برقرار نیست. نه در حالت سواری، زیرا مقعدش متمسک و راسخ است. دلیل حالت سواری این است:

«**و ان نام علی ظهر الدابة فی اکاف لا ینتقض وضوئه**».[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم کشیدن خون به وسیلهٔ سرنگ

الاستفتاء: خونی که توسط سرنگ یا وسیله‌ای دیگر کشیده می‌شود و از موضع سوزن هم خون جاری نباشد وضوء را می‌شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای نقض وضوء خروج و استخراج خون هر دو برابرند. همان طور که به بیرون آمدن خون وضوء می‌شکند، به بیرون کردن وکشیدن خون هم وضوء می‌شکند. لذا بر اثر کشیدن خون به هر وسیله‌ای باشد، وضو می‌شکند.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

حکم وضوء از بیرون آمدن اشک از چشم و قول محقق در این مورد

الاستفتاء: اگر از چشم به سبب دردی اشک بیرون بیاید وضوء می‌شکند یا خیر؟ حضرت گنگوهی ـ رحمه الله ـ در فتاوی رشیدیه (ص ۲۶۹) نوشته که وضوء نمی‌شکند، و در

۱- الهندیة: ۷/۱، بحواله قاضیخان.
۲- الهندیة: ۷/۱، ط کانفور
۳-کذا فی الدر المختار: ۱۳٦/۱.

کفایت المفتی ۲۶۵/۲ نوشته است اگر اشک صاف باشد و متغیر نشود، وضوء نمی‌شکند، و در خلاصة المسائل نوشته که وضوء می‌شکند، قول محقق کدام است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در «شامی» طبق قول مفتی و خلاصة المسائل تحریر فرموده و فتوی داده است و در فتح القدیر شرح «هدایه» طبق قول حضرت گنگوهی ـ ﷺ ـ تحریر کرده است.

احقر از اساتید خود سؤال کرده‌ام، فرموده‌اند که خاتم المحدثین و الفقهاء حضرت کشمیری (قدس سره) قول فتح القدیر را مدلل و مرجح فرموده‌اند. و احقر هم به همین فتوی می‌دهم و قول حضرت گنگوهی ـ ﷺ ـ را مرجح می‌دانم.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی صفر ۱۴۱٦ هـ ق

رسانیدن آب زیر خون خشک شده بر زخم ضروری است یا نه؟

الاستفتاء: نام رجل فنهسه بعوضة او بعوضتان فخرج منه الدم بقدر رأس الا برة والتصق على بدنه اى الوجه و اليدين والرجلين فى موضع النهس و جف و استيقظ فتوضأ و صلى ثم وجد هذا الدم و الظاهر ان الماء لم تبلغ اصول الدم فهل يصح وضوءه ام لا؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ان خرج الدم من مكانه و التصق فى غير مكانه فلا يصح وضوءه و ان كان فى مكانه و مقره و لم يخرج فيصح الوضوء لان ايصال المآء تحت الجلد و مقر الدم ليس بفرض و هذا الدم اذا لم يخرج ليس بنجس لأن ما لم يكن حدثاً لم يكن نجساً.

قال فى التنوير و الدر:

«وكل ما ليس بحدث اصلاً ليس عند بنجس عند الثانى و هوالصحيح رفقا با القروح...».(۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ رجب ۱۴۱٦ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۱۰۴/۱.

بر اثر نیش زدن زنبور وضوء می‌شکند یا خیر؟

الاستفتاء: آیا از نیش زدن زنبور وضوء می شکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعد از نیش زدن زنبور، خون از جای گـزیده بـدون فشردن خارج شد و از زخم متجاوز و روانه شد، وضوء می شکند و اگر خون جاری نشد، فقط از نیش زدن یا از خروج زهر زنبور وضوء نمی شکند.

قال فی غنیة المـتملی:

«القراد اذا مص العضو و امتلاء دماً ان کان کبیراً بان کان ما مصه یمکن ان یسیل بنفسه لو خرج من العضو انتقض به الوضوء و ان کان صغیراً بان کان ما مصه دون ذلک لا ینقض بمنزلة الذباب، و اما الذباب او البعوض او البراغیث و نحوها فانه اذا مص و امتلاء دما لا ینقض لانه غیر سائل».[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۲ ربیع الاول ۱۴۱٦ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

پاک کردن خون قلیل تا دو، سه مرتبه

الاستفتاء: اگر از زخم خون بیرون آید ولی تجاوز نکند، اما دو، سه بار با دست و غیره آن را پاک کرد، آیا این خون ناقض وضوء است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر فرضاً آن خون مسح شده گذاشته و ترک داده شود، خون جاری نمی شود، وضوء نمی شکند و اگر جاری می شود، وضوء می شکند. **کذا فی الهندیة حیث قال:**

«ذکر فی الاصل اذا خرج من الجرح دم قلیل فمسحه ثم حرج ایضاً و مسحه فاذا کان الدم

۱-المـتملی (حلبی کبیر): ۱۳٦/۱.

بحال لو ترک ما قد مسح منه سأل انتقض وضوئه و ان کان لایسیل لا ينتقض وضوءه».[1]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

١٨ محرم الحرام ١۴١٨ هـق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

خواب رفتن مریض در حالت اضطباع

الاستفتاء: کسی که در حالت اضطباع نماز را به اشاره می‌خواند، ناگاه در این حالت به خواب برود، آیا وضوء این شخص می‌شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مورد علماء مختلف‌اند. صحیح آن است که وضویش می‌شکند.

قال فی الهندية:

«و اختلفوا فی المریض اذا کان یصلی مضطجعاً فنام فالصحیح ان وضوءه ینتقض هکذا فی المحیط و التبیین و البحر الرائق و علیه الفتوی، کذا فی النهر الغائق».[2]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

١٨ محرم الحرام ١۴١٨ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

خروج باد از ذَکَر و فرج ناقض وضوء نیست

الاستفتاء: بادی که از ذَکَر و فرج زن بیرون می‌آید آیا ناقض وضوء است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح این است که وضوء نمی‌شکند. البته اگر زن مفضاة است بر او وضوء گرفتن مستحب است.

قال فی الهندية:

«و الریح الخارجة من الذکر و فرج المرأة لاتنقض الوضوء علی الصحیح الا ان تکون

١- الهندية: ١١/١، و مثله فی الشامية ١٣٥/١ و... ٢- الهندية: ١١/١ وکذا فی ردالمختار: ١۴٢/١.

المرأة مفضاة فانه یستحب لها الوضوء. کذا فی الجوهرة».[1]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۸ محرم الحرام ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

رطوبتی که از زخم پیدا می‌گردد ناقض است یا نه؟

الاستفتاء: اگر از زخم رطوبت پیدا گردد لیکن روان نباشد، آیا بر اثر آن وضوء می شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رطوبتی که از زخم بیرون و روان نشود، بر اثر آن وضوء نمی شکند.

قال فی الهندیة:

«و ان قشرت نفطة و سال منها ماء او صدید او غیره ان سال عن راس الجرح نقض و ان لم یسل لا ینقض...»[2]

و فی الرد:

«لو تورم راس جرح فظهر به قیح و نحوه لاینتقض ما لم یتجاوز الورم...»[3]

و چون وضوء نمی شکند، لباس هم ناپاک و نجس نمی شوند، چرا که فقهاء می نویسند: «**ما لیس بحدث لیس بنجس**»[4] در صورت مسئوله نه وضوء می شکند و نه لباس ناپاک می شود. البته اگر لباس یا بدن را برسد احتیاطاً شسته شود.

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

تری تا زمانی که از ذکر بیرون نیامده ناقض وضو نیست

الاستفتاء: شخصی آله‌ی تناسلی خود را دست زده و نگاهش کرد ولی هیچ گونه تری احساس نگردد و وضوء نگرفت و به همین حال نماز خواند، بعد از نماز آله‌ی

۱- الهندیة: ۹/۱ ۲- الهندیة: ۱۱/۱

۳- ردالمحتار: ۱۳۹/۱، و مثله فی فتح القدیر: ۲٦/۱.

۴-کذا فی رد المحتار: ۱۳۵/۱.

تناسل را تکان داد و فشرد، کمی آب معلوم گشت، آیا وضویش می‌شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت وضوء نمی‌شکند، چرا که اینجا شبهه بیرون شدن قطره هم نبوده که به دست نگاه کرده، تری نبوده است و بعد از نماز وقتی که از تکان دادن تری بیرون شده از این معلوم شد که قطره در توی ذَکَر بند شده و از حرکت دادن بیرون آمده است، و قاعده است تا زمانی که قطره در بیرون ظاهر نشده است وضوء نمی‌شکند. **كما فی الدر المختار:**

«ثم المراد بالخروج من السبيلين مجرد الظهور...»

و فی الرد:

«قوله (مجرد الظهور): ای الظهور المجردة عن السيلان، فلو نزل البول الی قصبة الذكر لا ينقض لعدم ظهوره»[1]

و فی الدر ايضاً:

«و ان ابتل الطرف الداخل لاينقض...»[2]

والله اعلم و علمه اتم - كتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۸ هق

الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

خارج شدن خون بسته از بینی و دهن

الاستفتاء: اکثر در اوقات زکام در بلغم یا در فضلهٔ بینی خون بسته می‌آید، آیا ناقض وضوءاند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خون بسته که از بینی و غیره می‌آید ناقض وضوء نیستند. «**و اما العلق النازل من الرأس ففير ناقض**».[3]

«الرجل اذا انتشر فخرج من انفه على قدر العدسة لا ينقض الوضوء كذا فی الخلاصة عالمگيری مصری»[4]

خون بسته اگر متیقن یا ظن غالب آن است که نی نند بینی بالا جاری شده در حصهٔ

۱- ردالمحتار: ۱۳۵/۱. ۲- المرجع السابق: ۱۴۹/۱.

۳- فتاوی دارالعلوم ۱۱۸/۱ به حواله‌ی الدر المختار علی هامش رد المحتار ۱۲۷/۱.

۴- فتاویٰ دارالعلوم: ۱۸/۱، بحواله‌ی عالمگیریه: ۱۱/۱.

پایینی نرم بسته است وضوء می شکند و اگر متیقن و ظن غالب نیست یا که متیقن است که بالا بسته و از اثر فشار دادن بینی بیرون آمد، نمی شکند. اما بلغم دهن اگر آلوده با خون است و خون از بلغم غالب است و بیرون آمد وضوء می شکند، برابر است یا جاری است.

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم
۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۸ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

فضلات انبیاء ناقض وضوء بوده‌اند یا نه؟

الاستفتاء: آیا فضلات آن حضرت ـ ﷺ ـ ناقض بوده‌اند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در شامی منقول است:

صحح بعض ائمة الشافعية طهارة بوله ـ ﷺ ـ و سائر فضلاته.

و به قال ابو حنيفه كما نقله فى مواهب اللدنيه عن شرح البخارى للعينى و ايضاً فيه من نواقض الوضوء عن القهستانى لانقض من الانبياء عليهم الصلواة و مقتضاه التعميم فى كل النواقض لكن نقل عن شرح الشفاء لملا على الاجماع على انه ـ ﷺ ـ فى نواقض الوضوء كالامة الاماصح من استثناء النوم».

از این روایات معلوم می‌گردد که قول راجح درباره‌ی بول و براز و دیگر فضلات آن حضرت ـ ﷺ ـ طهارت است و در نواقض وضوء و موجبات غسل آن حضرت ـ ﷺ ـ مثل تمام امت است. و بر این اجماع قائل است البته در نوم آن حضرت ـ ﷺ ـ وضوء او نمی شکند و این برای جملۀ انبیاء ـ علیهم‌السلام ـ است که نوم انبیاء ـ علیهم‌السلام ـ ناقض وضوء نیست.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم
۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۸ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱-كذا فى الدر المحتار على هامش رد المحتار ۱۴۵/۱ و فتاوى دارالعلوم ۱۱۳/۱.

خواب رفتن بر روی صندلی

الاستفتاء: آیا خواب بر صندلی ماشین و هواپیما و هم چنین صندلی‌ها بر روی زمین ناقض وضوء است یا خیر؟ ضمناً اگر در مواردی احتیاج تشریح دارد، لطفاً بنویسید.

الجواب بسم ملهم الصواب: خواب بر صندلی ماشین چهار صورت دارد:

۱) اینکه بر صندلی خواب است بدون تکیه، پشتش بر صندلی و پاهایش را بر پشت ماشین نهاده است و در خواب تکان هم نمی‌خورد، در این صورت ناقض وضوء نیست.

۲) تکیه داده است و پاهایش بر پشت ماشین ثابت است و زور سرش به جلو است نه به پشت و اگر بلندی صندلی از پشتش جدا شود نمی‌افتد، در این صورت هم ناقض وضوء نیست.

۳) در همین صورت اگر تکیه صندلی از او دور شود می‌افتد، اما وقت خواب نشستگاهش چنان ثابت بود که اصلاً میل به هیچ طرف نداشت، بلکه به کمال درجه مستقیم نشسته بود. در این صورت اختلاف است، ظاهر مذهب از امام بزرگ ـ ﷺ ـ عدم نقض است و به اخذ **عامة المشايخ و هو الاصح**. و امام طحاوی و صاحب قدوری و هدایه نقض را اختیار کرده‌اند، و **مشی علیه بعض اصحاب المتون**. لذا فتوی به قول امام است ولی احتیاط به قول امام طحاوی و غیره.

۴) اینکه بر صندلی نشسته و پایش آویزان است، به پشت ماشین نمی‌خورد، و این طرف و آن طرف تکان می‌خورد و پشتش بر تکیه صندلی قائم است یا نه، در این صورت نقض وضوء است. **هذا ما فهمت من عبارات الدر المختار و رد المحتار للشامی و غیره.**[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۵ شوال ۱۴۲۰ هـ ق

۱- رد المحتار: ۱۴۱/۱.

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق بالغسل

روش غسل دادن جنازه‌ی مرد در جایی که مرد نباشد

الاستفتاء: اگر در جایی مردی فوت کرده و غیر از زنان دیگر کسی از مردان و زنان محرم حضور ندارند، در چنین وقتی این مرد چگونه غسل داده شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت دیده شود اگر در آنجا مردی کافر حضور داشته باشد، زنان مسلمان روش غسل را به او تعلیم دهند تا همان کافر او را غسل دهد. و اگر کسی از مردان موجود نباشد، زنی کوچک که به حد شهوت نرسیده باشد و قدرت غسل آن را دارد او را تعلیم دهند تا او را غسل دهد. در صورت نبودن هیچ کدام از اینها، آن گاه اگر زنی محرم برای او موجود است او را بدون پارچه پیچیدن بر دست تیمم دهد. مثل تیمم وضوء و اگر محرم وجود ندارد، زنان نامحرم او را تیمم دهند. در صورتی که به دست خود پارچه‌ای بپیچند و در خاک زده تیمم دهند.

قال فی الدر المختار:

«ماتت بین رجال او هو بین النساء یممه المحرم فان لم یکن فالا جنبی بخرقة».

و فی الشامیة:

« (قوله یممه المحرم): ثم اعلم ان هذا اذا لم یکن مع النساء رجل لامسلم و لاکافر و لا اجنبیة صغیرة فلو معهن کافر علمنه الغسل...»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیقعده ۱۳۸۳ هق

سدر چه درختی است؟

الاستفتاء: درخت سدر کدام است که به آن آب غسل را جوش می دهند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سدر درخت کُنار را گویند، مراد ورق‌های آن است که ورق‌هایش را گرفته جوش داده با آن بشویند تا نظافت شود. **کذا فی الشامی نقلاً عن القاموس و المعراج**[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیقعده ۱۳۸۳ هـ ق

۱- رد المحتار: ٦٣٦/١،الجنائز.

۲-الشامی: ٦٣٢/١، باب الجنائز.

مرده اگر طفل باشد (زن یا مرد) چه کسی او را غسل دهد؟

الاستفتاء: اگر طفلی دختر یا پسر، فوت کرد هرکسی از مردان و زنان می توانند که او را غسل دهند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می توانند او را غسل دهند، اگر صغیر پیش از زمان سخن گفتن فوت کرد یا صغیره همچنان و بعد ازگویا شدن هر جنس خود را غسل دهد نه غیر را.

قال فی الشامیّة:

«قال فی فتح القدیر: الصغیر اذا لم یبلغا حدّ الشهوة یغسلها الرجال و النساء و قدره فی الاصل بان یکون قبل ان یتکلم»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

١٦ ذیحجة ١٣٨٣ هـ ق

حکم غسل از جماع خنثی مشکل

الاستفتاء: اگر خنثی مشکل کسی را جماع کرد یا خود را جماع کرد یا دیگری آن را جماع کرد، آیا غسل واجب می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به مجرد دخول در این همه صورت به غیر انزال واجب نمی‌گردد. آری اگر جماع کننده او را در دبر وطی کرد به مجرد دخول بر هر دو غسل واجب می‌گردد یا از طرفین جماع واقع شد یعنی خنثی کسی را جماع کرده و آن شخص در عوض خنثی را جماع کرد آنگاه بر هر دو به مجرد دخول غسل لازم است.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

برای زنی که پس از وضع حمل خونی از او خارج نشود، غسل لازم است؟

الاستفتاء: زنی وضع حمل کرده اما از او خون نیامد، آیا غسل بر او لازم است یا نه؟

١- ردالمحتار: ٦٣٦/١.

٢-کذا فی الشامیّة: ١٢٠/١.

الجواب بسم ملهم الصواب: در قول اصح واجب است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم شستن داخل فرج در وقت غسل

الاستفتاء: آیا لازم است زنان در وقت غسل، انگشت را در اندام نهانی داخل کرده بشوید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم نیست. فقط خارج را بشویند.

قال ابن عابدین:

«قوله (و لا تدخل اصبعها فی قبلها): ای لا یجب ذلک کما فی الشرنبلالیة...»[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

وجوب غسل بعد از تولد فرزند

الاستفتاء: اگر بعد از متولد شدن فرزند اصلاً چیزی نیامد، غسل کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: باز هم غسل واجب است.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم شستن آله‌ی تناسل در مجامعت مرحلهٔ دوم

الاستفتاء: شخصی با زن خود جماع کرد، بعداً دوباره او را خواهش پیدا شده آیا می‌تواند بدون شستن نجاست اول عضو مخصوص خود، مرتبهٔ دوم جماع کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در چنان جایی است که آب میسر می‌گردد به غیر از شستن روا نیست، اما جماع کسی که استحاضه جاریه دارد یا شوهر سلسل البول دارد با

۱- المرجع السابق: ۱۲۴/۱.	۲- المرجع السابق: ۱۵۲/۱.

۳-کذا فی المرجع السابق: ۱۲۴/۱، و بهشتی زیور ص ٦۲.

آلودگی جائز است که مرتبهٔ دوم جماع کرده زیرا که این شخص در حالت عذر می‌باشد.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم خروج منی بعد از غسل کردن

الاستفتاء: آیا بعد از غسل اگر یک یا دو قطره منی ظاهر و خارج گردید باید از سر نو غسل کند یا نه فقط کثافات را دفع و وضوء کند و بس؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر قبل از غسل کردن، ادرار کرده بود و بعداً این حادثه پیش آمد، آنگاه مرتبهٔ دوم وضوء گرفته و بر او غسل لازم نیست. اما اگر قبل از غسل، ادرار نکرده بود، بر او لازم است که دوباره غسل کند.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اگر بعد از جماع زن حائض شد، غسل کند یا نه؟

الاستفتاء: اگر در اول شب شوهر با زنش جماع کرد و در سحرگاه زن حائض شد، صبح غسل کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این وقت غسل نکند. بعد از طهارت از حیض، غسل کند.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

رؤیت منی بعد از بیدار شدن از خواب و به یاد نداشتن احتلام

الاستفتاء: شخصی از خواب بیدار می‌شود می‌بیند از ذکرش منی خارج شده، لیکن خواب هم ندیده است و وقت خروج منی بیدار هم نشده است، آیا بر این شخص

۱-کذا فی رد المحتار: ۲۹۸/۱، مطلب فی حکم غسل المستحاضة.

۲-کذا فی فتح القدیر: ۴۲/۱، و ردالمحتار: ۱٦۱/۱.

۳-کذا فی الفتاویٰ التاتارخانیة: ۱۵۹/۱، متفرقات الغسل. حلبی کبیر ص ۵٦.

غسل واجب می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله، ملقب به مسئله‌ی اثناعشریه است نزد فقها، و این چهارده صورت دارد:

یا او می داند که آن منی است، یا ودی یا مذی، یا دچار شک شد در اوّلین یا در طرفین یا در اخیرین یا در هر سه و در هر صورت احتلام دارد یا نه؟

پس در هفت صورت اتفاقاً غسل واجب می‌گردد؛ یکی اینکه می داند که مذی است یا شک دارد در اولین یا طرفین یا اخیرین یا هر سه با تذکر احتلام یا بداند که منی است، احتلام یاد دارد یا نه؟ و اگر می داند که ودی است، اتفاقاً واجب نیست؛ مطلقاً.

و هم در صورت علم مذی یا شک در اخیرین مع عدم تذکر احتلام، و نزد طرفین در صورت شک در اولین یا طرفین یا هر سه احتیاطاً واجب و نزد ابویوسف واجب نیست.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ ربیع‌الاخر ۱۴۰۶ هق

افتادن قطرات آب از بدن در آب غسل

الاستفتاء: اگر شخص در حمام کوچکی غسل کند و قطرات آب از بدنش در ظرف آبی که آن را برای غسل آماده کرده است بیافتد، آیا غسل این مرد صحیح می‌باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بدنش به ظاهر نجاست ندارد، آب پلید نمی‌گردد و غسل این مرد صحیح است. کذا فی البحر و غیره.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ذیحجه ۱۴۰۹ هق

پر کردن دندان و صحت غسل

الاستفتاء: آیا پر کردن دندان در مذهب حنفی درست است یا نه؟ اگر اشکالی ندارد آیا غسل صحیح می‌باشد یا نه؟ لطفاً این مسئله را توضیح دهید.

۱- شامی: ۱۲۰/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: پر کردن دندان جائز است، و غسل با آن نیز صحیح می باشد.

قال فی التنویر و الدر:

«لا یجب غسل ما فیه حرج کعین و ان اکتحل بکحل نجس و ثقب انضمّ و لا داخل قلفة...»

و فی الرد:

«و لا یتکلّف بغیر الامرار من ادخال عود و نحوه فان الحرج مدفوع»[1]

و ظاهر است که دندان در حکم ظاهر بدن است مثل گوش. و در وقت غسل، رسانیدن آب بر پشت آن لازم است نه در داخل آن. البته تا مدتی که سوراخ او باز است مثل سوراخ گوش که به خاطر گوشواره سوراخ کنند رسانیدن آب در داخل آن لازم می‌گردد، ولی چون بسته شد به خاطر حرج در رسانیدن آب داخل آن، لازم نمی‌گردد ؛ چراکه حرج در شریعت مدفوع است، لذا رسانیدن آب در داخل آن ساقط شد و حق بندکردن سوراخ دندان دارد چراکه برای او ایجاد ناراحتی فوق‌العاده می‌کند. درکفایت المفتی[2] نیز این فتوی داده شده است.

و در مورد پشت دندان که در غسل رسیدن آب به آن فرض است، فقهاء نوشته‌اند: وقتی که ضعیف باشد آن را به طلا و نقره روپوش کردن جائز است و با وجود آن غسل ادا می شود، چنانچه از صاحب مذهب خود، امام محمد ـ ﷺ ـ در این مورد روایت موجود است. البته بلاضرورت این عمل مکروه است. پس پر کردن دندان که اولاً رسانیدن آب به آن ضروری نبود، چه مانعی دارد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ صفر ۱۴۱۱ هق

خروج منی از ذکر پس از بول کردن و خروج منی از فرج زن بعد از غسل

الاستفتاء: اگر مردی بعد از ادرارکردن مشاهده کند که از ذکرش منی خارج می شود

۱- ردالمحتار للشامی: ۱۵۲/۱، ابحاث الغسل.   ۲-کفایت‌المفتی: ۲٦۲/۲.

آیا بر او غسل واجب می‌گردد، و همچنین اگر زن بعد از جماع و غسل، خروج منی از فرجش مشاهده کرد، آیا بر او غسل دیگری واجب می‌گردد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در مورد مرد، اگر ذکرش منتشر بوده و منی بیرون شده بر او غسل واجب است و اگر ذکرش منکسر بوده، غسل واجب نیست.

قال فی الهندیة:

«رجل بال فخرج من ذکره منی ان کان منتشرا علیه الغسل و ان کان منکسراً علیه الغسل و ان منکسراً علیه الوضوء، کذا فی الخلاصة» (۱)

اما در مورد زن، بر او وضوء لازم می‌گردد نه غسل.

و فی الهندیة:

«اذا غتسلت بعد ما جامعها زوجها ثم خرج منها منی الزوج فعلیها الوضوء دون الغسل»(۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۸ محرم الحرام ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح، محمد عمر (غُفِرَله)

حکم غرغره در غسل و مفهوم عبارت فتاوای محمودیّه

الاستفتاء: فتاوای محمودیه صفحه ۴۳ در مورد جواب سؤالی درباره‌ی غسل چنین می‌نویسد:

«غراره کرنا غسل مین معتمد قول پر واجب نهین لهذ صورت مسئوله مین فرض غسل ادا هوگیا...»

و استدلال می‌کند از عبارت طحطاوی. این عبارت به ظاهر مخالف و معارض تمام عبارت‌های متون است؛ زیراکه در تمام کتاب‌های فقهی تصریحاً بیان شده است که مضمضه و استنشاق از فرائض غسل می‌باشند. در عالمگیریه صفحه ۱۳ می‌نویسد:

«الفصل الاول فی فرائضه و هی ثلاثة. المضمضة و الاستنشاق...»

صاحب تنویر می‌نویسد:

۱- الفتاوی الهندیه: ۱۴/۱، و لذا فی ردالمحتار: ۱۶۰/۱

۲- الهندیة: ۱۴/۱، وکذا فی رد المحتار: ۱۶۱/۱.

«فرض الغسل غسل ضمه و انفه».

صاحب الدر در تشریح این عبارت می‌فرماید:

«اراد به مایعم العملی کما مر و بالغسل المفروض. کما فی الجوهرة. و ظاهره عدم شرطیة غسل فمه وانفه فی المسنون. کذا فی البحر. یعنی عدم فرضیتها فیه و الا فهما شرطان فی تحصیل السنة».

صاحب ردالمحتار درباره‌ی شرح عبارت بالا چنین می‌گوید:

«و المراد بعدم الفرضیة ان صحة الغسل المسنون لا تتوقف علیها و انه لا یحرم علیه. ترکهما الی ان قال کون المراد بعدم الفرضیة هنا عدم الاثم».

لیکن عبارت محمودیه مبهم وگنگ به نظر می‌رسد و در آن هیچ نوع توضیحی داده نشده که مراد از غسل کدام است. زیراکه غسل به انواع مختلف تقسیم می‌شود. چنانچه صاحب بدائع در این مورد می‌فرماید:

«اما صفة الغسل فالغسل قد یکون فرضاً و قد یکون واجباً و قد یکون سنة و قد یکون مستحباً»

اگر فتوای محمودیه محمول بر غسل سنت باشد آن‌گاه هیچ اشکالی پیش نخواهد آمد، زیراکه مضمضه در غسل سنت، ضروری نیست چنانچه در شامی و بحر تصریح شده است.

اما اگر گفته شود که عبارت محمودیه مطلق و آن دلالت دارد به عدم فرضیّت مضمضه و استنشاق در غسل آن‌گاه است که معارض با تمام عبارت‌های فقهاء قرار خواهد گرفت. پس سؤال این است که مدلول عبارت محمودیه و توافق آن با دیگر عبارات فقهاء چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب:

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست سخن شناس نه‌ای دلبرا خطا اینجاست

عنوان فتاوای محمودیه این است (**غسل مین غراره کاحکم**) نفرموده است که (**غسل مین مضمضه یا کلی کاحکم**). معنی غراره به مبالغه غرغره کردن است. یعنی آب را در اندرون گلو فرو بردن و حرکت دادن است. و غرغره در غسل و وضوء هر دو سنت

است، واجب نیست. به قول محقق فقط مضمضه فرض است یعنی آب در تمام فضای دهان رسانیدن در غسل فرض است به هر نوع که باشد. در اردو آن را «**کلی**» گویند.

حالا معنی عبارت فتاوی محمودیه این است که اگر کسی غسل و وضوء کرد و مضمضه هم کاملاً کرد، فقط غرغره نکرد به قول معتمد غسل و همه‌ی نماز او صحیح است. این بالکل صحیح است.

عبارت طحطاوی این است: (در فرائض غسل)

«غسل الغم و الانف ای بدون مبالغة فیهما فانه سنة فیه علی المعتمد و شرب الماء عبا یقوم مقام غسل الغم لامصاً».[1]

و قال فی شرح التنویر:

«غسل کل فمه و یکفی الشرب عبا لان المج لیس بشرط فی الاصح».

و قال الشامی تحت قوله:

«عبر عن المضمضة و الاستنشاق بالغسل لافادة الاستیعاب او للاختصار... قوله (و یکفی الشرب عبا): « ای لا مصا»، فتح و هو بالعین المهملة و المراد به هنا الشرب بجمیع الغم و هذا هو المراد بما فی الخلاصة ان شرب علی غیر وجه السنّة یخرج عن الجنابة و الا فلا و بما قیل ان کان جاهلاً جاز و ان کان عاملا فلا ای لان الجاهل یعب و العالم یشرب مصاً کما هو السنة»[2]

البته حلبی الکبیر در صفحه ۵۰ از واقعیات ناطقی نقل کرده است که تا غرغره و بیرون کردن آب از دهن نباشد از جنابت فارغ نمی‌شود، یعنی واجب است. ولی این قول غیر معتمد است.

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ربیع الثانی. ۱۴۱۱ هق

۱- حاشیةالطحاوی علی المراقی ص ٦٠.

۲- ردالمحتار: ۱۵۱/۱، وکذا فی الهندیة: ۷/۱، ط کانفور.

غذا خوردن در حالت جنابت

الاستفتاء: آیا در حالت جنابت می‌توان غذا خورد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است و می‌توان، البته بتهر است که مضمضه کند و دهن را بشوید.

قال فی الدر:

«و لا اکله و شربه بعد غسل ید و فم»[1]

یعنی ممنوع نیست خوردن و نوشیدن جنب بعد از شستن دست و دهن. البته قبل از شستن دست و دهن، مکروه تنزیهه و خلاف اولیٰ است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الآخر ۱۴۱۱ هق

انزال منی بر اثر التقاء ختانین

الاستفتاء: اگر ذکر مرد با فرج زن ملاقی شود، اما ذکر مرد در فرج زن داخل نشود، و زن انزال شود، بر زن غسل واجب است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: وقتی حشفهٔ ذَکَر داخل شد، اگرچه تمامش داخل نشده باشد و انزال شد، بر هر دو غسل واجب است. و اگر حشفه هم داخل نشد، فقط سرش به اعضای مخصوصه‌ی زن دچارکرد و انزال شد، پس فقط بر مرد غسل واجب است، نه زن.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ جمادی الآخر. ۱۴۱۲ هق

حکم غسل به سبب بستن و روکش کردن دندان با طلا یا نقره

الاستفتاء: کسانی که دندان طلا یا نقره می‌بندند، آیا غسل و وضوء ایشان صحیح می‌باشد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر دندان را بیرون کرده، فقط به جای آنها طلا و نقره بسته

۱- ردالمحتار: ۱۲۹/۱.

است و بیرون کردن آنها وقت غسل مشکل است یا بنابر ضرورت دندان‌ها را روپوش کرده است، پس غسل و وضوی او رواست، کشیدن آنها چونکه حرج است، لازم نیست. و اگر به نحوی بسته‌اند که در بیرون آوردن آنها حرجی نیست یا به خاطر زینت روپوش کرده است، پس غسل او بدون کشیدن آنها روا نیست.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ رجب ۱۴۱۲ هـ ق

حکم غسل و وضوء به سبب استعمال وسمه

الاستفتاء: کسانی که وسمه به ریششان می‌زنند، آیا غسل و وضوء ایشان درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر وسمه جرم دارد و مانع رسیدن آب به ریش‌هاست، پس غسل و وضوء ایشان درست نیست. و اگر فقط رنگ و غیرجرم است، غسل و وضوء آنها رواست. و این هم در همان حصهٔ ریش که بر رخسار و زنخدان متصل است و در همان وسمه که مانع است. و اگر وسمه مانع بر همان حصهٔ ریش است که از زنخدان به پایین است، پس این مانع وضوء نیست البته مانع غسل است، چراکه در وضوء شستن ریش آویزان از رخسار و زنخدان فرض نیست، اما در غسل فرض است.

کذا فی التنویر و الدر حیث قال:

«و غسل جمیع اللحیة فرض یعنی عملیاً ایضاً علی المذهب الصحیح المفتی به المرجوع الیه و ما عدا هذه الروایة مرجوع عنه کما فی البدائع ثم لا خلاف ان المسترسل لا یجب غسله و لامسحه بل یسن» [۱]

و فی مجمع الانهر:

«و یجب ایصال الماء (ای فی الغسل) الی اثناء اللحیة کلها بحیث یصل الی اصولها اذا لا حرج فیه» [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ رجب ۱۴۱۲ هـ ق

۱– ردالمحتار: ۱۰۰/۱، فی ارکان الوضوء.

۲– مجمع الانهر شرح ملتقی الابحر: ۳۶/۱.

حکم غسل هنگام ضیق وقت

الاستفتاء: فردی در منزل خود شب احتلام شده یا اینکه با زن جماع کرده است، بنا به سستی و تنبلی یا سهواً به خواب رفته، زمانی که از خواب بیدار می‌شود وقت کم است، اگر غسل کند نماز فجرش قضا می‌شود، آیا چنین شخصی می‌تواند با تیمم نماز بخواند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: وقتی به آب دستری دارد، تیمم روا نیست، حتماً غسل کند و بعداً قضای نماز واجب است.

قال العلامة ابن عابدین:

«(قوله: و لا ما یدفئه):... قال فی البحر فصار الاصل انه متی قدر علی الاغتسال بوجه من الوجوه لایباح له التیمم اجماعاً»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

حکم چرک‌هایی که بر موها و بدن یا... انسان چسبیده است

الاستفتاء: در غسل رسیدن آب به تمام بدن فرض می‌باشد و خشکی به اندازه‌ی یک تار مو باطل کننده‌ی غسل است، در مقابل با این قاعده کلی، انسان‌گاهی اوقات در موهای زائد خویش احساس می‌کند که لایه‌های چرک به موها چسبیده و ازاله‌ی آنها جز ساییدن موها امکان‌پذیر نیست و اگر چنین باشد باید لااقل هفته‌ای دو بار موهای زائد را تراشید، آیا آب رسیدن به این‌گونه موهای چرک رسیده، فرض است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: چرک‌هایی که بر بدن یا بر مو یا بر زیر ناخن یا در بینی یا بن مو و... می‌چسپند از دو حال خالی نیستند: ۱ـ ذی جرم. ۲ـ غیر ذی‌جرم. و ذی‌جرم هم دو نوع اند: یکی آنکه اندرونش نرم و خلأدار است که آب به لطافت خودش در اندرونش نفوذ می‌کند، مثل خاک وگل. دوم آنچه اندرونش سفت و چسپنده است، مثل خمیر و... پس تفصیل حکم آنها این است: غیر ذی‌جرم هر چه باشد، مانع وصول آب بر بدن قرار داده نمی‌شود و با وجود آن غسل و وضوء جائز است. مثل روغن و سرخی حنا و غیرهما.

۱ـ ردالمحتار: ۲۳۴/۱، التیمم، وکذا فی الکتاب الفقه علی المذاهب الاربعة: ۱۵۷/۱-۱۵۸.

و ذی جرم نوع اول هم بنابر ضرورت و حرج مانع قرار داده نشده است مثل خرء مگس و چرک‌های بدن که از خود بدن پیدا شوند و چرک موی‌ها و ناخن و غیرها و خاک وگل در ناخن‌ها و... برابر است که شخص دهاتی باشد یا شهری؛ در قول اصح. فقط ذی جرم نوع دوم مانع است و ازاله‌ی آن واجب.

دلیل الکل ما قال فی التنویر و الدر:

«و لا یمنع الطهارة ونیم ای خرء ذباب و برغوث لم یصل الماء تحته و حناء و لو جرمه، به یفتی، و درن و وسخ و تراب و طین و لو فی ظفر مطلقاً ای قرویا او مدینا فی الاصح. بخلاف نحو عجین و لا یمنع ما علی ظفر صبّاغ و لا طعام بین اسنانه او فی سنه المجوف به یفتی و قیل ان صلبا منع و هو الصح» [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ربیع الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

کیفیت جماع جن با انسان و حکم غسل

الاستفتاء: آیا جن با انسان جماع می‌کند، به چه طریق و غسل واجب می‌شود یا نه ؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همین طور جماع می‌کند که انسان با انسان. چراکه جن دارای آله‌ی تناسلی است. و حکم غسلش این است که اگر انسان مرد یا زن در خواب دید که با جنی جماع کرد و هنگام بیدار شدن اگر منی مشاهده کرد، غسل بر او واجب است و اگر ندید، واجب نیست.

و اگر در بیداری با او جماع کرد، نزد بعضی اگر دخول کرد و انزال نشد بر وی غسل واجب نیست. تمایل علامه شامی به همین طرف است و نزد بعضی بدون انزال بعد دخول، غسل واجب است، احتیاط درین است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۱۵۴/۱، ابحاث الغسل.

۲- هکذا فی ردالمحتار: ١٦١/١.

حکم کسی که در مسافرت و منزل دیگری، در خواب احتلام شد و از غسل کردن خوف وقوع فتنه باشد

الاستفتاء: مسافری در شهر یا در دهی ماند و شب فرا رسید. این شخص در خواب احتلام شد، آب و وسائلش آماده و معذور هم نیست، ولی به این گمان که اگر غسل کند صاحب خانه و دیگران گمان بد می‌بردند که این شخص حتماً کار بـدی انـجام داده است، در چنین حالتی این شخص غسل کند یا تیمم؟ حکم این مسئله چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص را اگر خوف ظن غالب مردم خوف وقوع فتنه باشد، پس بدون تیمم و غسل و وضوء فقط تشبه به نمازگزاران کند، یعنی بدون قرائت و قیام و رکوع و سجده و قعود، نماز بخواند و بعد از غسل و رفتن از آنجا نماز را اعاده کند.

قال فی مراقی الفلاح:

«و یفتی بقول ابی یوسف لضیف خشی التهمة و اذا لم یتدارک مسکه یتستر بایهام صفة المصلی من تحریمة و قرائة» [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

١٦ جمادی الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

استفاده از رنگ ناخن در صحت غسل تأثیر دارد یا خیر؟

الاستفتاء: زنانی که بر ناخن‌های خود لاک می‌مالند، به اصطلاح بلوچی (سُرکی) می‌زنند، و با همین غسل می‌کنند، یا وضوء می‌گیرند، آیا غسل و وضوء ایشان درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این رنگ، جرم دارد که مانع رسیدن آب به ناخن و... باشد، نه غسل ایشان صحیح می شود و نه نماز و نه وضوء. و اگر محض رنگ است که

١- حاشیة الطحطاوی ص ۵۷، فصل ما یوجب الاغتسال، وکذا فی ردالمحتار: ١٦٠/١.

مانع رسیدن آب نیست و جرم ندارد، مانع غسل و وضوء نیست.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

ریختن جوهر بر اعضای وضوء یا غسل

الاستفتاء: اگر رنگ و جوهری بر اعضای غسل و وضوی شخصی بریزد و وقت غسل و وضوء کردن پاک نشود، آیا غسل و وضوء او با همین حالت درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم این جوهر و تفصیلش مثل رنگ است که اگر جرم دارد مانع است و الا مانع نیست.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

روپوش کردن دندان و صحت غسل

الاستفتاء: غسل با دندان طلائی چه حکمی دارد؟ اگر شخصی دندان را با طلا روپوش کرده غسل او روا می‌باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر دندان شکسته و به جای آن دندان طلا بسته است یا که دندان اصلی حرکت می‌کرد و او ناراحت می‌بود و به طلاء دندان اصلی را روپوش کرده است، غسل او روا نیست.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم الحرام ۱۴۱۶ هـ ق

خشک ماندن قسمتی از بدن در غسل به خاطر تمام شدن آب، آیا هنگام پیدا شدن آب، اعاده غسل لازم است یا شستن جای خشک شده؟

الاستفتاء: شخصی جنب شده و به اندازه‌ی کافی آب با خودش به حمام برد در حین غسل کردن یک دفعه آب‌هایش ریخت و قسمتی یا عضوی کمتر یا بیشتر خشک ماند وکسی هم نبود که برایش آب بیاورد. لباس‌هایش را پوشیده و در جستجوی آب

۱-کذا فی الشامیة: ۱۵۴/۱.

رفت. پس از حصول آب، آیا همان قسمت و عضو را بشوید یا غسل را اعاده کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همان قسمت خشک مانده را بشوید، ضرورت اعاده‌ی غسل نیست. **کذا فی الشامی.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۱٦ هـ ق

جنازه‌ای را که در بیمارستان یا در سردخانه غسل داده‌اند، اعاده غسل لازم است یا نه؟

الاستفتاء: کسی که در بیمارستان فوت نموده باشد وکارکنان بیمارستان او را غسل بدهند، باز هم غسل داده شود یا نه؟ و اگر یک کفن کرده باشند و داخل آن مرده را با مشما پیچیده باشند، آن مشما بیرون کرده شود و آن کفن کافی است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر غسل دهنده مرده‌ی مسلم، مسلمان است و میت را به طریق مسنون و شرعی غسل داده است، دو مرتبه ضرورت غسل ندارد. و اگر کافر است، دو مرتبه غسل داده شود، اگرچه غسل اول گنجایش دارد زیرا که غاسل میت باید دیندار و صالح باشد نه غیر دیندار. «**و الا ولی فی الغاسل ان یکون عقرب الناس الی المیت فان لم یحسن الغسل فاهل الامانة والورع**».[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۳ ذیقعده ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحیح، محمد عمر (غُفِرَله)

ادخال آلت تناسل مرد در فرج زن در حالی که زن شلوار به پا داشته باشد

الاستفتاء: زن و مردی با هم بازی کردند. مرد ذکرش را بر فرج زن در حالی که زن شلوار به پا داشت، گذاشت و به اندازه‌ی حشفه داخل کرد، البته مرد برهنه بود، در این صورت غسل بر کدام یکی از آنها واجب است ؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم مسئله فوق به این شرح است: عدم وجوب غسل

۱- فتاوی دارالعلوم ۲۵۰/۵ به حواله‌ی غنیة المستملی ۵۳۷.

در صورت فوق، وقتی است که خرقهٔ ملفوفه و پرده، غلیظ و کلفت باشد، طوری که حرارت و لذت فرج محسوس نشود. پس اگر در مسئله مذبور شلوار زن به همین صورت بوده که حرارت بدن احساس نشده است، بر هیچ یکی از زن و مرد غسل واجب نیست، البته بهتر و احوط این است که غسل انجام گیرد.

و اگر پرده (یا شلوار) نازک باشد، طوری که با آن لذت جماع و حرارت بدن حاصل شود، پس به مجرد دخول حشفه، غسل بر هر دو لازم و واجب می‌گردد.

قال الشامی:

«اولج حشفة ملفوفة بخرقة ان وجد لذة الجماع بان كانت الخرقة رقيقة بحيث يجد حرارة الفرج و اللذة وجب الغسل و الا لا على الاصح و الاحوط الوجوب...»

و فی الهندية:

«و لولف على ذكره و اولج و لم ينزل قال بعضهم يجب الغسل و قال بعضهم لايجب و الاصح ان كانت الخرقة دقيقة بحيث يجد حرارة الفرج و اللذة وجب الغسل و الا لا و الاحوط وجوب الغسل فی‌الوجهین»

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۱ ربیع الثانی ۱۴۲۲ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

بیرون آمدن منی بعد از غسل و یا ادرار

الاستفتاء: شخصی بعد از اینکه ادارکرده بود غسل کرد، بعد از غسل مقداری منی از او خارج شد. آیا غل مجدد لازم است یا نه؟ و اگر ادرار نکرده بود چطور؟ و همچنین مردی بدون جماع خواست ادرارکند، بدون شهوت از او منی خارج شد، آیا غسل لازم می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر قبل از اینکه ادرارکند یا بخوابد، غسل نمود و سپس

- ردالمحتار ۱۵۲/۱، ابحاث الغسل. - الهندية: ۱۵/۱.

بقیه منی بیرون آمد، نزد امام بزرگوار ـ رحمه الله ـ و امام محمد ـ رحمه الله ـ، بر او اعاده‌ی غسل واجب است و نزد امام ابویوسف ـ رحمه الله ـ غسل مجدد واجب نمی‌گردد. احتیاط و بهتر، عمل کردن به مذهب طرفین می‌باشد. البته عمل بر قول امام ابویوسف ـ رحمه الله ـ از جهت اینکه سهولت بیشتر در بردارد و خصوصاً هنگام ضرورت، گنجایش دارد. و اگر بعد از ادرار و خوابیدن و... غسل نمود و منی بیرون آمد، به اتفاق، اعاده‌ی غسل لازم نیست.

قال فی الهندیة:

«لو اغتسل من الجنابة قبل ان یبول او ینام و صلی ثم خرج بقیة المنی فعلیه ان یغتسل عندهما خلافاً لابی یوسف و لکن لا یعید تلک الصلاة فی قولهم جمیعاً کذا فی الذخیرة و لو خرج بعد ما بال او نام او مشی لا یجب علیه الغسل اتفاقاً کذا فی التبیین»[1]

و فی هذا تفصیل جید فی الدر و الرد.[2]

و آنچه هنگام ادرار، آب رقیق و سفیدی که بیرون می‌آید «ودی» نام دارد، از خروج آن غسل لازم نمی‌گردد.

و فی الدر:

«لا (ای لا یفرض الغسل) عند مذی و ودی بل الوضوء منه و من البول جمیعاً»[3]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲۸ ذیقعده ۱۴۲۲ هـ ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

اگر کسی قریب انزال ذَکَرش را بگیرد تا اینکه آن حالت از بین برود

الاستفتاء: شخصی نزدیک بود انزال شود، ذَکَر خود را محکم گرفت تا اینکه خاموش شد و بعد انزال شد، برای غسل چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعد از کنترل و محکم گرفتن ذَکَر، منی بدون شهوت خارج شد، نزد امام ابویوسف ـ رحمه الله ـ غسل واجب نمی‌گردد و نزد امام اعظم ـ رحمه الله ـ و امام

۱- المرجع السابق: ۱۴/۱.
۲- ردالمحتار: ۱۶۵/۱، ابحاث الغسل.
۳- المرجع السابق.

محمد ـ ﷫ ـ واجب می شود و احتیاط در همین است. البته هنگام سفر و مواقع ضرورت و اعذار، عمل بر مذهب امام ابویوسف ـ ﷫ ـ گنجایش دارد.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع العلوم

۲٦ صفر ۱۴۲۳ هـ ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- المرجع السابق: ۱۴۹/۱.

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق بالمياه

در چه صورتی استفاده از آب درست نیست؟

الاستفتاء: آب به چه رنگ و حالت باشد که وضو بدان روا نیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آب جاری است و یا در حکم جاری است، مثل آب ایستاده‌ی کثیر که در آن نجاست افتاده باشد، عام است که غلیظه باشد یا خفیفه و یکی از صفات سه‌گانهٔ آن‌که طعم و رنگ و بو است، تغییر کرده باشد، در چنین وقتی وضوء روا نیست.

و اگر آب جاری نیست و قلیل است و در آن نجاست افتاده باشد، پس اگر نجاست سیّال باشد، مثل خون و شراب و بول، به یک قطره نجس می‌گردد و اگر جامد باشد، مثل پس افکنده‌ی حیوانات در حالت جمود، پس قلیل که در نظر بیننده کم نماید تا اثر پیدا نکرده است، نجس نیست و الاّ نجس است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیحجه ۱۳۸۴ هـ ق

اگر جریان آب بسته شود، اما منقطع نباشد، وضو چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: اگر آب جوی را از بالا بستند اما در پایین در جریان باشد، از آن آب وضوء جایز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

وضوگرفتن از لوله یا کانالی که در طرف‌بالاتر، دیگری از آن وضو بگیرد

الاستفتاء: لوله‌ی آبی که در یک طرف آن شخصی وضو بگیرد و آب مستعمل در همان آب جاری، جاری شده از طرف دیگر بیرون بیاید و آن طرف، شخص دیگری

۱-کذا فی الفتاویٰ الهندیة: ۱٦/۱، المیاه و حاشیةالطحاوی ص ۱۷ و ۲۳.

۲- شامی: ج۱، باب المیاه. الهندیة: ۱۷/۱.

وضو بگیرد، از آنجا نیز لوله‌ای دیگر وصل باشد و آن طرف دیگرش، شخص دیگری وضو بگیرد و حال آنکه آب همان یک آب است که قبلاً مستعمل شده است، آیا وضو گرفتن از چنین آبی جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است، هر اندازه که برود.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

وضو گرفتن از آبی که در آن نجاست ته‌نشین شده است

الاستفتاء: اگر در تهِ آب ایستاده یا روان، پس افکنده‌ی حیوانات افتاده و ته‌نشین شده باشد، آیا می‌توان از چنین آبی وضو گرفت؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آب جاری است، یا در حکم جاری است، تا اثری پیدا نگردد (متغیر نشود)، پاک است. اگر آب ایستاده است و در حکم آب جاری نیست و اثرش هم ظاهر نشد به حکم ضرورت، نیز پاک است؛ فرق نمی‌کند که این پس افکنده‌ها اولاً در حوض بوده و یا اینکه آب به همراه خودش آورده است.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

آب نجس و پاک را یکجا در لوله آب ریختند، وضو از آن چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: دو ظرف پر از آب بودند، یکی نجس و دیگری پاک. هر دو را یکجا در لوله‌ی آب ریخته، روان شدند، وضوگرفتن از چنین آبی جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- شامی: ج۱، باب المیاه.

آب نجس به متغیر شدن پاک نمی‌گردد

الاستفتاء: اگر آب نجس باشد و بدون مخلوط شدن با آب پاک، خودش متغیر شود، آیا پاک می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پاک نمی‌شود مگر وقتی که خشک شده، گِل گردد.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

آب نجس به مخلوط شدن آب پاک، پاک می‌گردد

الاستفتاء: اگر آب نجس باشد ولی از یک طرف آبِ پاک در آن وارد شود و از طرفی دیگر لوله‌ای در آن یا سوراخی در زیر آن حوض کشاده باشند که آب جاری گردد، اما کناره‌های بالایش بسته باشد، آیا این آب پاک می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: طبق قولی، وضو از آن جائز نیست و به قولی جائز و آب پاک است. وَ بِهِ اَفتیٰ للضرورة.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اضافه کردن آب پاک به آب حوضی‌که نجس بوده، چه تأثیری در پاکی آن دارد؟

الاستفتاء: اگر در آب حوضی که نجس بوده، مقداری آب پاک ریخته شود و از لبه‌های آن آب خارج شود، آیا این آب پاک می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قول مختار همین است که به مجردِ خروجِ آب از لبه‌های آن، پاک می‌گردد و لازم نیست که نصف یا ثلثان آب بیرون رود.

قال العلامة الشامی:

«و فی شرح المنية يطهر الحوض بمجرد ما يدخل الماء من الانبوب و يفيض من الحوض،

۱-کذا فی الشامية: ۱۸۹/۱، باب المياه.
۲- شامی: ۱۹۰/۱، باب المياه.

هو المختار لعدم تیقن بقاء النجاسة فیه و صیرورته جاریاً»[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حوض نجس به لبریز شدن از آب پاک یا به خروج از آن پاک می‌گردد

الاستفتاء: حوض یا اوتگی که نجس بود، از آب پاک آن را پر کرده و از جوانب آن لبریز شد، سپس خوشید یا آب را درکنار آن زمین فرو برد یا بیرون آمد به مقدار دو سه گز و متر، و خوشید یا ظرفی پر از آب نجس بود و آن را پر از آب پاک کردند و لبریز شد، پاک می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این همه به همین کیفیت پاک می‌گردند در اصح الروایات.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم سایر مایعات مثل آب است

الاستفتاء: آیا حکم دیگر مایعاتِ نجس مثل عصیر و زیت و سرکه بعد از دخول پاک از آنها و جاری شدن، مثل آب‌اند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم همه در قولِ معتبر، آب است.

قال فی الدر:

«و حکم سائر المائعات کالماء فی الاصح»

و فی الرد:

«قوله (حکم سائر المائعات): فکل ما لا یفسد الماء لا یفسد غیرالماء و هو الاصح»[۳]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۱۹۰/۱. ۲- شامی: ۱۹۰/۱، باب المیاه.

۳- المرجع السابق: ۱۸۵/۱.

حکم استفاده‌های دیگر از آب نجس به غیر از وضو

الاستفتاء: آبی که به دخول نجاست صفت آن متغیر است برای ترکردن گِل و دادن الاغ، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر صفت آن متغیر شده است، هیچ‌گونه استفاده از آن روا نیست.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر تخم مرغ تر یا بزغاله‌ی تر در آب افتاد

الاستفتاء: اگر تخم‌مرغ تر یا بزغاله‌ی تر در آب افتاد، آب فاسد می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فاسد نمی‌گردد.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر کافری زنده در آب افتاد، چه حکم دارد؟

الاستفتاء: اگر کافری زنده در آب افتاد و بیرون آمد، آب فاسد می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر بدن و لباس او نجاست نبوده، آب پاک است، اما احتیاط کرده شود.[۳]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

افتادن سقط مستهل یا غیر مستهل در آب

الاستفتاء: اگر سقط مستهل یا غیر مستهل در آب افتاد چه حکمی دارد؟

۱- ردالمحتار: ۲۰۱/۱ قبیل مطلب مسألة البئر جحط.

۲- المرجع السابق: ۲۱۱/۱.فصل فی البئر. ۳- المرجع السابق: ۲۱۴/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: مستهل را اگر غسل داده‌اند و در آب افتاد، پاک است وگرنه، نجس است. و غیر مستهل را اگر غسل داده‌اند یا نداده‌اند، آب را پلید می‌کند.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

نوشیدن آبِ پس مانده‌ی اجنبیه

الاستفتاء: آیا نوشیدن آب پس مانده‌ی اجنبیه درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر لذّت یابد، مکروه است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

جلاله و حکم سؤر آن

الاستفتاء: جلاله کدام و سؤر آن حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جلاله از مرغ وگوسفند وگاو، آن است که بیشتر نجاست می‌خورد وگیاه نمی‌خورد و از دهن آن همیشه بوی نجاست می‌آید. پس فروختن گوشت و شیرش و هبه و صدقه و سؤر و غیره‌ی آن مکروه است؛ ولی در صورتی که بسته نشود، مرغ تا سه روز وگوسفند تا چهار روز وگاو و شتر تا ده روز.[۳]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم جره‌ی گوسفند و شتر

الاستفتاء: جره‌ی گوسفند و شتر چه حکمی دارد؟

۱- المرجع السابق:۲۱۵/۱.

۲- المرجع السابق: ۲۲۲/۱، مطلب فی السور.

۳- المرجع السابق: ۲۲۳/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: جره‌ی این هر دو تا مثل پس افگنده‌ی‌شان نجس است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر آب حوض و... نجس بود و از آب باران پر شد

الاستفتاء: در حوض یا اوتگی بزرگ مقداری آب نجس بود، باران بارید و آب باران بر آن اضافه شد، آیا آب پاک می‌شود یا هنوز پلید است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پاک می‌شود.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

افتادن سگ در حوض بزرگ در حالی که زنده بیرون بیاید

الاستفتاء: اگر در حوضی که مقدار طولش دوازده ذراع بلوچی است و عرضش از نه ذراع، شش اینچ کمتر است، سگی بیفتد و معلوم نباشد که بر بدنش پلیدی موجود بوده یا نه، یعنی نجاست ظاهری معلوم نشد و همین سگ در حالت زنده بیرون آمد، آیا آب این حوض نجس است یا خیر؟ و اگر نجس است، آیا به محض رسیدن به جسم و یا لباس شخص آن را پلید می‌کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آب این حوض، آب کثیر است؛ چراکه حساب مذکور یکصد و هشت گز شرعی شش اینچ کم است. صد گز ده در ده است، و آن گز که در مقدار آب معتبر است به قول اصح همین شش قبضه خالصه است که برابر همین دست بلوچی می‌گردد که ذراع کرباس می‌نامند نه ذراع مساحت، و حکم آن حکم آب کثیر است.[۳]

۱-نفس المرجع السابق.

۲- از فتاوی دارالعلوم: ۱۴۳/۱ طبع جدید.

۳-کذا فی ردالمحتار: ۱۹۳/۱.

حکم آب کثیر در فقه مصرح است. وگز معتبر نوزده اینچ است؛ **کما فی کفایت المفتی**[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر در چاه آب سوسماری افتاد و زنده بیرون آمد

الاستفتاء: اگر در چاه سوسماری افتد و زنده بیرون آید، آب چاه نجس می شود یا نه؟ اگر بمیرد چند دلو آب کشیده شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر سوسمار زنده از آب قلیل بیرون آمد و نرسیدن آب به دهنش متیقن نیست، استحباباً بیست دلو کشیده شود، چراکه سور این حشرات مکروه است. و حکم سوسمار در حکم گربه است و امثال آن در جثه، چنانچه از بعض عبارات هندیه معلوم می‌گردد. و اگر مرده است و آماسیده نیست و پاره پاره نشده است، چهل تا پنجاه دلو وجوباً کشیده شود، و اگر آماسیده و غیره است، همه‌ی آب بیرون کشیده شود.[۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

مقدار فاصلهٔ چاه آب با چاه توالت

الاستفتاء: فاصلهٔ چاه آب و توالت باید چقدر باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقها، پنج الی هفت ذراع نوشته‌اند، اما مدار اصل این مسئله این است که فاصله تا حدودی باشد که اثر مدفوع و ادرار به آب نرسد، لهذا از مجرّبین این کار مقدار عدم اثر آن دریافت کرده شود.[۳]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱ محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ ق

۱- : ۲۴۵/۲.

۲-الفتاوی الهندیة: ۱۰/۱ و ۱۱ ط کانفور.

۳-کذا فی فتاوی رحیمیه: ۱۲۷/۱.

آب کثیر در تمام احکام مثل آب جاری است

الاستفتاء: آبی که ده در ده باشد، آیا در آن غسل جائز می‌شود یا نه؟ اگر چنانچه شخص جنب در این آب برود، نجس می‌شود یا نه؟ و آیا حکم این آب در تمام حکمها مانند آب جاری است یا فرق دارد؟ و اگر کسی در همین آب پلید لباس را بشوید پاک می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در تمام حکم‌ها مثل آب جاری است. غسل جنابت و غسل لباس همه در آن جائز است.

قال فی التنویر و الدر:

«و کذا ایجوز براکد کثیر کذالک، ای وقع فیه نجس لم یراثره و لو فی موضع وقوع المرئیة به یفتی، بحر»(۱)

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاول- ۱۴۱۰ هـ ق

حکم آب چاهی که حیوانی در آن بمیرد

الاستفتاء: اگر در چاهی حیوانی مانند (کیفُک) افتاد و مرد و دم آن در آن مفقود گشت، آیا آب این چاه پلید می‌شود یا نه؟ و اگر پلید می‌شود چند دلو بیرون کشیده شود تا پاک گردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: کیفُک به اندازه‌ی موش است، اگر افتاد و مرد ولی ورم نکرد و پاره نگردید، بیست تا سی دلو کشیده شود. چون دمش جدا شده و گم شده است، حکمِ ورم کردن و پاره پاره شدن دارد، پس تمام آب چاه کشیده شود. و اگر چاه چشمه دارد که بیرون کردنش مشکل است، سیصد دلو کشیده شود، پاک می‌گردد.

قال الشامی:

«و لهذا لو وقع ذنب فأرة ینزح الماء کله، بحر. و به ظهر انه لو خرج الحیوان بلاتفسخ و

۱- ردالمحتار: ۱۹۰/۱.

نحوه ينزح الجميع كما فی الفتح و ان قطعة منه كتفسخه و لهذا قال فی الخانية قطعة من لحم الميتة تفسده» [1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
٢٦ ذيقعده ١۴١٠ هـ ق

حوض و... چه مقدار باشد که آب آن کثیر نامیده می‌شود؟

الاستفتاء: در منطقهٔ ما اکثر حوض‌های آب کمتر از چهل گز می‌باشد، عمق آنها یک الی دو متر می‌باشد تقریباً سی هزار لیتر آب جای می‌گیرد، از افتادن پرنده‌ی کوچک مثل گنجشک و مانند آن آب ناپاک می‌شود یا نه؟ و این آب از جاهای بسیار دور با صرف هزینهٔ سنگین آورده می‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر حوض‌های شما به شکل مربع درست شده‌اند، پس دوره‌ی آن اگر چهل گز به گز کرباس که آن دو شبر و شش قبضه و هر قبضه چهار انگشت عرضاً که مجموعه‌اش بسیت و چهار انگشت عرضاً می‌باشد، اگر آن حوض این قدر است، پس آن صد گز است و آب کثیر است. مراد از گز متر نیست. و اگر حوض مدور است، پس اگر دوره‌ی آن سی و شش گز باشد، باز هم صد گز تمام می‌شود. و اگر حوض مثلث است و هر جانبش پانزده گز و ربعی و خمسی باشد، باز هم صد گز می‌گردد.

خلاصه نزد متأخرین فقهاء در آب کثیر همین مقدار معتبر است و بر ما هم لازم است اتباع آنچه آن را ترجیح داده و تصحیح کرده‌اند.

آری به حکم قاعده کلیه «**الامر اذا ضاق اتسع**» در این مسئله قولی دیگر هم صحیح و قوی موجود است، و آن این است که قلت و کثرت آب به رای مبتلی به معتبر است، پس در چنین مقامات که چنین مشکلات دارند اگر به این قول عمل کرده شود، (انشاء الله تعالی) مسئول نخواهند شد. یعنی همان اهل محله اگر آب آن حوض‌ها را به رای

١- ردالمحتار: ٢١٢/١.

خود بسیار و کثیر می دانند، پس آب کثیر شمرده می شود و به مجرد افتادن حیوانات پلید شمرده نمی‌شود تا وقتی که در آنها همان حیوان باد نکند و پاره پاره نگردد و یکی از صفات سه گانهٔ آب که رنگ و بو و مزه‌ی آن است، متغیر نگردد و اگر در اثر افتادن آن یکی از این سه صفت متغیر شد، پس ناپاک قرار داده شود. همین است خلاصه‌ی ترجمه و مفهوم آنچه علامه شامی در فتاوی خویش جلد اول باب المیاه، توضیح و تحقیق نموده است.[1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ذیحجه ۱۴۱۲ هـ ق

افتادن دست جنب یا قطرات آب بدن در سطل آب غسل

الاستفتاء: شخصی جهت غسل جنابت سطلی پر از آب می‌کند، ناگهان دستش را قبل از شستن، در آن سطل داخل می‌کند یا اینکه قطرات آب از بدنش در همین سطل بریزد، آیا آب این سطل مستعمل می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر دست او پلیدی نبود، آب مستعمل نمی‌گردد و پلید نمی شود، البته داخل کردن دست در آب، قبل از شستن، خلاف سنت و مکروه است.

قال الطحطاوی:

«**قوله (صار الماء مستعملاً) « لما فی الخانية و نصها: المحدث او الجنب اذا ادخل يده فی الماء للاغتراف و ليس عليها نجاسة لايفسد الماء...**»[2]

و اگر قطرات غسل در آب سطل ریخت، مستعمل و پلید نمی‌گردد.

و فی الهندية:

«**جنب اغتسل فانتضح من غسله شيئی فی انائه لم يفسد عليه الماء اما اذاكان يسيل سيلانا**

۱- ردالمحتار: ۱۹۰/۱.

۲- حاشية الطحطاوی علی المراقی ص ۳٦، سنن الوضوء.

افسده» [۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۷ ربیع الاول ۱۴۱۳ هـ ق

عمل بر مذهب غیر در طهارت و نجاست آب

الاستفتاء: اگر شخص در جایی مقداری آب بیابد که در مذهب حنفی نجس محسوب شود، اما در مذهب مالکی پاک باشد، آیا می‌تواند آن را استعمال کند؟ عمل به مذهب غیر تا چه حد جائز است؟ آیا در زمانهٔ فعلی می‌توان در مورد مسائل آب به مذهب امام مالک ـ رحمه الله ـ عمل کرد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت اگر امکان دریافت آب پاک نباشد، تیمم کند، نمی‌تواند که در طهارت و نجاست آب، به مذهب غیر رجوع کند؛ چراکه آب را بدل میسّر است، که تیمم است. البته در دفع تشنگی که به اضطرار برسد، می‌تواند از این آب استفاده کند، چراکه آن بدل ندارد.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۴ جمادی الاول- ۱۴۱۳ هـ ق

اگر چلپاسه یا گنجشکی در حوض افتاد

الاستفتاء: اگر در حوض چلپاسه‌ای (که در دیوار خانه‌ها می‌گردد) افتاد و مرد، آیا آب حوض‌هایی که مساحتشان از ۲۰/۹ متر مربع کمتر است، از افتادن آن نجس می‌شود یا نه؟ و لفظ «وزغه» که در کتب فقه همانند شامی و غیرهم مذکور است، آیا همین چلپاسه است یا چیزی دیگر است؟ و اگر گنجشکی، در حوضی که مساحت آن از ۲۰/۹ متر مربع بیشتر است افتاد و مرد، حکم آب این حوضها چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این چلپاسه در آب حوض افتاد و مرد و پوسیده شد یا ورم کرد، پس باید تمام آب حوض بیرون کشیده شود و اگر حوض یا چاه چشمه دار

۱- الفتاوی الهندیة: ۲۳/۱. باب المیاء، الفصل الثانی.

است که هر دم آب از عمقش حرکت می‌کند، وجوباً دویست و ندباً سیصد دلو بعد از بیرون کردن چلپاسه، کشیده شود و اگر این بیست متر مربع به مقدار ده در ده به گز شرعی می‌باشد و چلپاسه در آن، بو یا طعم یا رنگ آب، یکی را تغییر داده است، همه‌ی آب کشیده شود. و اگر در هیچ کدام یک تغییر نیامده است، آب پاک است.

«وزغه» در عربی دو قسم است: یکی آنکه در صحراء می‌گردد که آن را در فارسی «چلپاسه دشتی» و به بلوچی آن را «باگاد»می‌گویند.

دوم، خانگی که در خانه‌ها می‌گردد و آن را در عربی **«سام ابرص»** و در فارسی «چلپاسهٔ خانگی» می‌گویند و به بلوچی این را «لِدوک» می‌نامند.

و حکم گنجشک پوسیده و غیره هم همین طور است.

و اگر چلپاسه وگنجشک فقط مرده‌اند و پوسیده نشده‌اند، فقط بیست دلو وجوباً و سی دلو ندباً کشیده شود. و اگر زنده بیرون کرده شدند و دهن‌شان به آب رسیده یا نرسیده، در هر دو صورت آب پاک است.[1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۸ ربیع الثانی- ۱۴۱۴ هـ ق

مقدار فاصله چاه آب و چاه توالت

الاستفتاء: زید و بکر همسایه بودند در بین ایشان فقط یک دیوار فاصله بود. زید در منزل خود، چاه آبی حفر کرد، بعد از مدتی بکر هم در منزل خود برای توالت یک چاه حفر کرد و حال آنکه برای دفع اثر از نظر بهداشت باید چاه آب از چاه توالت چهل متر فاصله داشته باشد، آیا زید را با بکر حق ادعا هست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: زید را با بکر در این مورد حق ادعاء هست. فقهاء کرام نیز فاصله چاه آب و چاه توالت را پنج تا هفت متر فرموده‌اند، مناسب زمین‌های خود. لیکن مدار اصلی در این مسئله این است که اثر مدفوع و ادرار به آب نرسد. از این وجه

۱- هکذا فی رد المحتار: ۱۸۵/۱، المیاه و ۲۱۲ و ۲۱۵، فصل فی البئر. فتاوی الهندیة: ۱۰/۱ ط کانفور

فاصله‌ای معین مقرر نیست، بلکه به دید و نظریهٔ ارباب دانش و تجربه‌کار و به نرمی و تندی زمین هم تعلق دارد.

قال فی شرح التنویر:

«البعد بین البئر و البالوعة بقدره مالایظهر للنجس اثر»

قال الشامی:

«... الحاصل انه یختلف بحسب رخاوة الارض وصلابتها» (۱)

آنچه نظر بهداشتی به آن حکم کرده است، شرع مقدس هم به آن توافق دارد، زیرا که آنها در این موضوع ارباب نظر و تجربه‌اند.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ ق

شخصی بی‌وضوء دست‌ها را داخل آب قلیل کرد

الاستفتاء: شخصی وضوء نداشت و دست‌های خود را در آبی که کمتر از ده در ده بود یا در سطلی داخل کرد، آیا آب مستعمل می‌شود یا نه؟ و وضوءگرفتن به این چنین آب صحیح است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر دست او نجاست نبود، آب مستعمل و ناپاک نمی‌گردد، و اگر دستش ناپاک بود، آب ناپاک است. البته دست اگر احتمال نجاست داشت، داخل کردن آن در آب قبل از شستن، مکروه است، ولی آب ناپاک نمی‌گردد. و وضوء به آن روا است.(۲)

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ربیع الثانی- ۱۴۱۴ هـ ق

توضیح مسئله‌ی «البئر جحط» و قول مفتیٰ‌به در این مورد

الاستفتاء: البئر جحط یعنی چه؟ و فتوی بر قول کیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله چهار قول موجود است: حرف (ج) اشاره

۱- المرجع السابق: ۲۲۱/۱، قبیل مطلب فی السور.

۲-کذا فی الشامی: ۱۱۲/۱، و حاشیة الطحطاوی علی المراقی ۳٦.

به قول امام بزرگ ـ﷫ـ است یعنی آب و شخص جنب هر دو نجس‌اند.

و حرف (ح) اشاره به قول امام محمد ـ﷫ـ است یعنی هر دو پاک‌اند، یعنی آب هم پاک و جنب هم پاک است. فتوای اصح، هیچ یکی از این سه قول نیست و قولی چهارم از امام بزرگ ـ﷫ـ مروی است و آن اینکه آب طاهر غیر مطهر و جنب پاک است، این قول اصح و مفتی‌به است.

قال فی الدر:

«اختلف فی محدث انفس فی بئر لدلواً و تبرد مستنجیاً بالماء و لانجس علیه و لم ینو و لم یتد لک والاصح انه طاهر و الماء مستعمل...»

و فی الرد:

«هذا القول غیر الاقوال الثلاثة المارة المرموز الیها بجحط ذکره فی الهدایة روایة عن الامام. قال فی البحر فعلم ان المذهب المختار فی هذه المسئلة ان الرجل طاهر و الماء طاهر غیر طهور...»[1]

این همه در صورتی است که جنب استنجاء کرده و نجاست ظاهر بدن را دورکرده است وگرنه نزد همه هر دو پلیداند، اگر آب قلیل باشد.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ جمادی الاول- ۱۴۱۴ هـ ق

درست کردن حمام و توالت به صورتی که چاه‌شان یکی است و آب وضوء و غسل در همان چاه می‌ریزد

الاستفتاء: از نظر شرع درست کردن حمام دو دستشوئی به صورتی که چاه‌شان یکی باشد و آب بدن از غسل یا وضوء در همان چاه بریزد، جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: عین جزئی در این مسئله دیده نشد، ولی از قواعد معلوم می‌شود که جائز است اما بهتر نیست، چراکه به قول امام محمد ـ﷫ـ آب مستعمل در

۱- ردالمحتار: ۲۰۲/۱.

وضوء و غسل که نجاست ظاهری نباشد، پاک و غیر پاک کننده است.[۱]

و عمداً بدون ضرورت پاک را به ناپاک مخلوط کردن تضیع آن و خلاف اولی است. بنابر اصل شیخین اشکال ندارد.

در حدیث آمده است که آب وضو و غسل در حسنات وزن کرده می شود. از این وجه ضائع کردن آنها عمداً در محل نجاسات، خلاف اولیٰ است.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۱۵ هـ ق

وضو و غسل کردن در حوض کوچک و آب راکد قلیل

الاستفتاء: اگر شخصی در حوض کوچک یا در آب راکد وضوء یا غسل کرد در حالی که آب حوض کم و و یا آب ایستاده آب کثیر نباشد، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر استنجاء کرد و آب استنجاء در حوض رفت یا در همان آب رفت و غسل کرد، آب پلید میگردد و غسلش هم صحیح نیست. و اگر با ظرفی یا به دست آب گرفته از حوض، وضوء و غسل کرد، جائز است. **کذا فی الهندیة و غیرها.**

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۴ ذیحجة ۱۴۱۵ هـ ق

غسل و وضوء از آب قلیل ایستاده که فقط در زیر زمین جریان دارد

الاستفتاء: آب قلیل که ایستاده است ولی همین آب ایستاده در زیر زمین جریان و حرکت دارد، بعد از چند قدم همین قلیل ظاهراً پشت زمین جاری است و می‌رود، غسل و وضوء گرفتن در این آب چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این آب در حکم آب جاری نیست. اگر از ده در ده کمتر باشد، در آن غسل روا نیست و پلید میگردد. البته آب را به ظرفی گرفته، بیرون آن

۱- الهندیة: ۲۲/۱.

غسل و وضوء کند.

قال العلامة الشامی:

«ثم ان کلا مهم ظاهره ان الخروج من اعلاه فلو کان یخرج من ثقب فی اسفل الحوض لایعد جاریاً لان العبرة لوجه الماء...»(۱)

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

جمادی الاول ۱۴۱٦ هـ ق

آبی که وقت شستن نجاست می‌چکد، نجس است

الاستفتاء: در وقت شستن نجاست غیر مرئیه آبی که از آن می چکد، پاک است یا نجس؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آبـی کـه از نـجاست غـیر مـرئیه در حـالت شسـتن آن می چکد، در حکم نجاست است.

قال فی الفتاوی التاتارخانية:

«الثوب النجس اذا غسل فی ماء طاهر و عصر ثم غسل فی ماء طاهر و عصر ثم غسل فی ماء ثالث طاهر و عصر فان الثوب يطهر و المياه کلها نجسة و ذکر الشيخ الامام شـمس الائمة السر خسی فی شرحه. ان الماء الثانی او الثالث من غسالة الثوب النجس اذا اصاب الثوب لایطهر الا باالغسل ثلاثاً» (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ شوال ۱۴۱٦ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حکم آب مستعمل

الاستفتاء: آیا آب‌هایی که در وقت شستن محل استنجاء و قطراتی که از آن آب‌های مستعمل به نقاط دیگر بدن بخورد، پاک‌اند یا نجس؟ و باید شسته شوند یا نه؟

۱- ردالمحتار: ۱۹۰/۱، مطلب لو دخل الماء من اعلی الحوض و خرج من اسفله فلیس بجار.

۲- الفتاوی التارتارخانیه: ۳۰۴/۱، الطهارة، آخر الفصل السابع

الجواب بسم ملهم الصواب: آب مستعمل چند صورت دارد: یکی اینکه نجس است به نجاست حقیقیه، مثل آب استنجاء و غساله‌ی ثیاب نجس.

دوم اینکه طاهر و طهور است مثل **غساله ثیاب طاهرة** و **حبوب** و **بقول** و **غیرهم** .

سوم همان آب مستعمل است که در نجاست حکمیه مستعمل شده است، مثل غساله‌ی وضوء و غسل. صورت اول و دوم اتفاقیّه و صورت سوم مختلف فیه است.مطابق قول مختار و مفتی به، آب مستعمل پاک است، اما پاک کننده نیست.(۱)

و فی الخانیة:

«استنجی فاصاب الماء کمه اوذیله ان اصابه الماء الاول او الثانی او الثالث یتنجس بنجاست غلیظه»(۲)

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ شوال ۱۴۱۶ هـ ق

الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

کمی و زیادتی در مقدار آب وضوء و غسل

الاستفتاء: برای مقدار آب وضوء و غسل مُد و صاعی که وارد شده‌اند، از آن کمی و زیادتی جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مد و صاع که در وضوء و غسل داخل اند، تحدیدی نیستند، لذا در آن کمی و زیادتی جائز است.

قال العلامة ابن عابدین:

«قوله: (وقیل المقصود) الاصوب حذف قیل لما فی الحلیة انه نقل غیر واحد اجماع المسلمین علی ان یجزیء فی الوضوء و الغسل غیر مقدر بمقدار و ما فی ظاهر الروایة من

۱- هکذا فی الفتاوی التارتارخانیة: ۲۱٦/۱، احکام الماء المستعمل. ردالمحتار: ۲۰۰/۱، مبحث الماء المستعمل. الهندیة: ۲۲/۱.

۲- الفتاوی الخانیة علی هامش الفتاوی الهدنیة: ١٦/۱. و مثله فی الفتاوی التاتارخانیة: ۳۰۴/۱.

ان ادنى ما يكفى فى الغسل، صاع و فى الوضوء، مد للحديث المتفق عليه... ليس بتقدير لازم بل هو بيان ادنى القدر المسنون. قال فى البحر: حتى من اسبغ بدون ذالک اجزأه و ان لم يكفه زاد عليه لان طباع الناس و احوالهم مختلفة كذا فى البدائع» (۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ كتبه عبدالغنى (عفىعنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴ محرم الحرام ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

جهت پاک نمودن چاه پی در پی کشیدن آب لازم نیست

الاستفتاء: اگر در چاه حیوان نجس العینی افتاد، واجب است که دوصد دلو بکشد. آیاکشیدن این دویست دلو پی در پی واجب است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پی در پی کشیدن دلوها شرط و لازم نیست.(۲)

و الله اعلم و علمه اتم ـ كتبه ابواسحاق حملی از دارالافتاء.

۲۰ ذیحجه ۱۴۱۹ هـ ق

الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اگر بعد از وضو و نماز معلوم شود که در آب، موشی افتاده است

الاستفتاء: اگر کسی وضو گرفته و نماز خواند سپس معلوم شد که موشی در آب افتاده بود، وضو و نماز او چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز و وضو را اعاده کند؛ اگر موش مرده است و اگر وقت افتادنش مشخص نیست پس تا وقت دیدن اعتبار دارد و قبل از ددن، آب پاک تصور کرده می‌شود. و بعد از دیدن حکم آب ناپاک دارد. وقتی موش را بیرون می‌آورند نگاه کنند اگر پوسیده و ورم نکرده بود، شصت دلو استحباباً و چهل دلو وجوباً از آب آن کشیده شود. و اگر پوسیده و ورم کرده بود، کشیدن تمام آب ضروری است.

۱- ردالمحتار: ۱۵۸/۱، سنن الفسل.

۲- فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۱۵۸/۱، طبع جدید بحواله‌ی ردالمحتار و خانية.

در مورد نماز بهتر این است که احتیاط شود و دربارهی اشیاء دیگر فتویٰ برقول صاحبین است که از وقت علم نجس تصورکرده شود.[1]

و الله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ جمادی الثانی ۱۴۲۱ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- خیرالفتاویٰ: ۹۸/۲، بحواله‌ی درمختار و...

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق بالتيمم

کیفیت تیمم در حالتی که دست‌ها به علت سرمای شدید باز نشوند

الاستفتاء: چه می‌فرمایند علمای دین در این مسئله، مردی که به علت شدت سرما دست‌های او باز نمی‌شوند، آیا تیمم او بدین شکل (دست‌های بسته) جائز است یا نه؟ و یا نماز از او ساقط می‌گردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تیمم این مرد با همین پنجه‌های مقبوضه جائز است. البته استیعاب رو و دست‌ها لازم است، اما اگر از غایت سردی در بازکردن پنجه، حرج شدید است، از روی همین مشت بر مشت دیگر مسح کند؛ زیرا که صرفاً مسح، مفروض است به دست باشد یا غیره. خاصةً با کف شرط نیست، بلکه با کفین سنت است، اما اگر با کفین مسح کرد پس اکثر اصابع در استعمال شرط است.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاول ١٣٩٢ هـ ق

اگر پشت دست‌ها را بر زمین زده و مسح کرد

الاستفتاء: در تیمم اگر پشت دست‌ها بر زمین زده و بمالد، روا باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست، اما سنت آن است که کف دست و پشت هر دو را زده، سپس بمالد.[2]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تخلیل ریش و مسواک در تیمم سنت است

الاستفتاء: آیا تخلیل ریش، و مسواک در تیمم سنت؟

۱–کذا فی الشامیة: ۲۳۰/۱ و ۲۳۱، اول باب التیمم. کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة: ١٦١/١، ارکان التیمم و ١٦٣، سنن التیمم.

۲–کذا فی فتاوی الشامی: ۲۳۱/۱ تحت قوله: و سننه (التیمم) ثمانیة.

الجواب بسم ملهم الصواب: آری تخلیل سنت است. و بعضی گفته‌اند تقاضای قیاس این است که مسواک هم سنت باشد.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم بیماری که خادم یا فرزند و... دارد که او را وضوء بدهند

الاستفتاء: کسی که سخت مریض است و نمی‌تواند وضو بگیرد، اما خادمی یا فرزندی یا اجیری دارد که وضوی او را انجام دهند، آیا با این حال می‌تواند تیمم کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تیمم، این شخص را روا نیست.[۲]

و الله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم به هنگام شدّت سردی

الاستفتاء: آیا می‌توان از خوف سردی سخت، به عوض وضوء، تیمم کرد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌توان، اگر ضرر وضو محقق گردد.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم در حالت خوف حمله‌ی فاسق بر زن و امرد، خوف از مال خودویا از امانت

الاستفتاء: زن یا امردی که از حملهٔ فاسقی خوف داشته باشند، یا ازگرفتن صاحب دین خطر احساس کنند، یا از بردن مال خود یا امانت خوف کنند، آیا با وجود در دسترس بودن آب رواست که تیمم کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست، اما اگر صاحب دین مفلس نیست و در صورت

۱- فتاوی شامی: ۲۳۲/۱کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة: ۱٦۳/۱، سنن الوضوء.

۲- ردالمحتار: ۲۳۳/۱. ۳- همان: ۲۳۴/۱.

خوف بردن مال یا امانت، از یک درهم و بیشتر اگر خوف داشته باشد می‌تواند، نـه کمتر.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم هنگامی که آب در دسترس باشد، اما برای غذا، چای و... به آن نیاز باشد

الاستفتاء: اگر شخصی آب همراهش باشد، ولی الاغ او یا الاغ همراه او احتیاج به آب داشته باشد، یا برای درست کردن غذا و چای احتیاج باشد، و آب هم کم باشد، آیا رواست که تیمم کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست اگر همه را کفایت نمی‌کند.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

بیمار به وسیلهٔ شخص دیگری می‌تواند تیمم کند

الاستفتاء: مریضی که خودش نمی‌تواند تیمم کند، آیا جائز است به وسیلهٔ شخص دیگری تیمم کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند که دیگری را بگوید که او را تیمم دهد ولی نیّت بر خود مریض لازم است، اگر نیّت نکرد، روا نباشد.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حرکت دادن سر در گرد و غبار به نیّت تیمم

الاستفتاء: اگر کسی سر خود را در وقت غبار بلند کرده و حرکت دهـد، تـیمم او رواست یا نه؟

۱- همان: ۲۳۴/۱.

۲- ردالمحتار: ۲۳۵/۱.

۳- ردالمحتار: ۲۳۷/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست، البته به همراه نیّت.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر کسی در ضربهٔ دوم فقط بر یک دست مسح کرد، برای مسح دست دوم چکار کند؟

الاستفتاء: اگر مریض هر دو دستش راکه بر زمین زده و به رویش مالید و بار دوم به یک دستش مالید، پس برای دست دیگر چکار کند؟ آیا بار سوم بزند یا به همان دو بار بمالد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بار سوم دست زده و مسح کند.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم جهت ادای سنن رواتب و نوافل هنگام ضیق وقت

الاستفتاء: شخصی می‌خواهد سنن رواتب یا نماز ضحی بخواند، اما به دلیل تنگی وقت اگر وضو بگیرد، وقت این سنت فوت می‌شود، در چنین وقتی آیا رواست که تیمم کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

برای حدث و جنابت یک تیمم کافی است

الاستفتاء: آیا جایز است برای شخصی برای حدث و جنابت فقط یک تیمم انجام دهد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست. البته برای هر دو (حدث و جنابت) نیّت کند.

۱- ردالمحتار: ۲۳۸/۱.

۲-ردالمحتار: ۲۳۹/۱.

۳- رد المحتار: ۲۴۲/۱.

قال ابن عابدين:

«قال فی الوقاية: اذاکان حدثان کالجنابة و حدث يوجب الوضوء ينبغی ان ينوی عنهما فان نوی عن احدهما لایقع عن الآخر لکن يکفی تيمم واحد عنهما»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ محرم الحرام ۱۴۰۰ ه ق

تیمم برلؤلؤ

الاستفتاء: آیا رواست کسی بر قسمی از لؤلؤ که در قعر دریا متصل زمین به وجود می‌آید، مثل نبات، تیمم کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: روا باشد.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ محرم الحرام ۱۴۰۰ ه ق

تیمم به وسیلهٔ غباری که بر پارچه ناپاک نشسته است

الاستفتاء: اگر بر پارچه ناپاک غبار نشسته باشد، تیمم از آن غبار رواست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعد از خشک شدن پارچه، غبار نشسته، روا باشد و اگر در حالت تری غبار بر آن نشسته باشد، روا نیست.[۳]

و الله اعلم عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ محرم الحرام ۱۴۰۰ ه ق

تیمم جهت ادای سجده‌ی تلاوت

الاستفتاء: برای سجده‌ی تلاوت در صورت عدم وجود آب، تیمم روا باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در سفر روا باشد، نه در حضر.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ ه ق

۱- ردالمحتار: ۲۴۸/۱.

۲- ردالمحتار: ۲۳۹/۱.

۳- ردالمحتار: ۲۴۱/۱.

۴- رد المحتار: ۲۵۳.

در صورت قلت آب چه کسی از جنب، حائض و میت احق بالاستعمال است

الاستفتاء: در حالی که جنب و حائض و میّت وجود داشته باشد و مقدار کمی آب در دسترس باشد که فقط یکی را کفایت می‌کند نه همه را، در این حالت آب برای کدام یک استعمال شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آب مباح است، جنب احق است و اگر ملک یکی از ایشان است، مالک آب احق است و اگر مشترک است، زیباست که میت را بدهند وگرنه همه تیمم کنند. و در صورت سوم برای جنب و یا حائض جائز نیست که تنها استفاده کند، زیرا میّت سهیم و حق‌دار است.[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم چند فرد از یک جا یا یک فرد چندین بار از یک جا

الاستفتاء: آیا بر اثر تیمم کردن چند نفر از یک جا یا تیمم کردن یک نفر چند بار از یک جا، خاک آنجا مستعمل می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مستعمل نمی‌گردد. و تیمم با آن جایز است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

چگونگی وضوی شخصی که بر اکثر اعضای وضوء و تیمم او جراحت وجود دارد

الاستفتاء: اگر بر اکثر اعضای وضوء و تیمم شخصی جراحت باشد، طوری که نه قابل وضوء است و نه قابل تیمم، چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به قول ابویوسف ـ ﷬ ـ هر مقدار که می‌تواند، بشوید و

۱- رد المحتار: ۲۵۳/۱/۱، التیمم مطلب فاقد الطهورین.

۲- ردالمحتار: ۲۵۴/۱. الفتاوی الهندیة: ۳۱/۱. حبلی کبیر، ص ۸۰.

نماز بخواند، بعد از صحت نماز را اعاده کند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

مسح عذار[۲] در تیمم

الاستفتاء: مسح عذار در تیمم لازم است یا نه؟
الجواب بسم ملهم الصواب: آری لازم است.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

کیفیت تیمم شخصی که هر دو دست او شل شده و نمی‌تواند وضو و تیمم کند

الاستفتاء: کسی که هر دو دستش شل شده است، و نمی‌تواند وضوء و تیمم کند، نمازش را چگونه بخواند؟
الجواب بسم ملهم الصواب: دست‌ها را بر زمین بمالد و رو را به دیوار و نماز بخواند.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تیمم علی التیمم قربت نیست

الاستفتاء: تیمم بر تیمم همانند وضوء بر وضوء، قربت است یا نه؟
الجواب بسم ملهم الصواب: خیر، قربت و عبادت نیست.[۵]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- فتاوی شامی: ۲۵۸/۱.
۲- عذار: در فارسی بناگوش وبندریش راگویند.
۳- الفتاوی الهندیة: ۲٦/۱، اول باب التیمم
۴- الفتاوی الهندیة: ۲٦/۱.
۵- الفتاوی الهندیة: ۳۱/۱، متفرقات التیمم

تیمم بر مسجد و زمین آن

الاستفتاء: بر مسجد و زمین آن تیمم جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است.[1] و در متانه عدم کراهت را ترجیح داده است.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ ه ق

تمام شدن آب در موقع نماز صبح

الاستفتاء: شخصی برای نماز صبح مشغول وضوگرفتن است که ناگاه آب تمام و یا قطع می شود، اگر بخواهد به دنبال آب بگردد نمازش قضا می شود، آیا در چنین حالتی می تواند تیمم کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر امکان دستیابی به آب به صورت رایگان و یا با قیمت یا در جایی دیگر، وجود دارد، تیمم روا نیست، اگرچه نمازش فوت شود، قضا کند.[2]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ جمادی الاول ۱۴۰۹ ه ق

کیفیت تیمم مقطوع الید

الاستفتاء: کسی که یک دستش از بند دست و یا مچ دستش قطع شده است، چطور تیمم کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقط یک دست را بر زمین بزند و تمام آن را مسح کند، دو مرتبه همان یک دست را بزند و آن دست قطع شده، اگر از آرنج به پائین‌تر است آن را مسح کند و اگر تا آرنج قطع است، همان جای مقطوع و دور و برش را مسح کند و اگر بالای آرنج از بازو قطع است، مسح نمی خواهد. سپس دست سالم را بر زمین نهد، هر

۱-کذا فی فتاوی امدادیة: ۳۹/۱.

۲-کذا فی غنیة المتملی للحلبی ٦۴، اوائل تیمم.

طرفش را بمالد و بس. و به همین صورت تیممش تمام می‌شود. کما فی الشامی و غیره.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۵ ذیحجة ۱۴۰۹ هـ ق

تیمم به خاطر مطالعه و دخول مسجد

الاستفتاء: آیا برای مطالعه کتب فقهیه و حدیث و همچنین برای دخول مسجد و خفتن در آنجا، تیمم کردن جائز است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تیمم به خاطر همه‌ی این موارد جائز است، اگرچه وضو افضل است.

قال فی الدر:

«قال فی البحر: و کذا لکل مالا تشترط له الطهارة لما فی المبتغی و جاز لدخول المسجد مع وجود الماء و للنوم فیه»[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۹ ذیقعده- ۱۴۱۳ هـ ق

تیمم به خاطر خواندن قرآن و مطالعه کتب

الاستفتاء: آیا می‌توان برای خواندن قرآن و کتاب تیمم کرد، در صورتی که آب هم وجود داشته باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای خواندن قرآن از بر یا از رو به شرطی که به قرآن دست ندهد و همچنین برای خواندن کتب حدیث و فقه و غیره با وجود آب هم تیمم رواست. و مطالعه با این شکل جائز است. البته دست رسانیدن به قرآن کریم با این تیمم

۱- رد المحتار (شامی): ۲۳۷/۱.

۲- الدر المختار بهامش ردالمحتار: ۲۴۳/۱.

که آب موجود است و قدرت استعمال آن دارد و عذر شرعی به ترک استعمال آب ندارد، جائز و درست نیست.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الاول- ۱۴۱۴ هـ ق

تیمم برای چوپانی که آب همراه ندارد و احتمال دارد گوسفندان، زراعت مردم را تلف کنند

الاستفتاء: اگر چوپانی آب همراهش نباشد، ولی در همان نزدیکی موتور آب وجود دارد که دور و بر این موتور، کشت و زراعت دیگران می‌باشد. حال اگر چوپان برای وضو برود، احتمال زیاد گوسفندان زراعت را می خورند، آیا این چوپان می تواند در این حال تیمم کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر امکان دارد گوسفندان را در صحراء بگذارد و برود نزد موتور وضو کند و اگر امکان ندارد مثلاً ظن غالب این است که اگر آنها را در صحراء بگذارد، دزد آنها را می برد یا درندگان می خورند، پس اگر می تواند گوسفندان را با خود تا نزدیک موتور ببرد، و قبل از خوردن زراعت، وضوء کند، پس ببرد و وضوء بگیرد، اما اگر نمی تواند و متیقن است یا ظن غالب دارد که زراعت را می خورند و موجب ضمان یا موجب آبروریزی او و موجب فتنه می‌گردد، وضو را ترک کرده و با تیمم نماز بخواند؛ اگر چه گوسفندان در دست او امانت یا ملک او باشند، زیرا همان طور که در خوف ضرر مال خود می تواند تیمم کند، در ضرر امانت هم می‌تواند، و همچنین برای دفع ضرر از دیگر مسلمانان هم می تواند تیمم کند.

قال فی مراقی الفلاح و شرحه:

«و منه خوف عدو آدمی او غیره سواء خافه علی نفسه او ماله او امانته »(۱)

و قال الحلبی فی غنیة المـتملی:

۱- حاشية الطحطاوی علی المراقی: ٦٨.

«اقول فیه اتلاف مال الغیر و هو انما یباح بشرط الضمان عند ضرورة لا یندفع الا به و لم توجد. و فی تعریض العرض باللسان الذی هو اشد من طعن السنان سیما فی الزمان الذی غلب فیه الشح و عدم الرغبة فی الخیر...»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ ربیع الثانی– ۱۴۱٦ هـ ق

تیمم در صورتی چاه آب وجود دارد، اما درب آن قفل است و در آن نزدیکی هم آب وجود نداشته باشد

الاستفتاء: اگر وقت نماز در حال تمام شدن باشد، و شخصی برای وضو به جز چاه آبی که درب آن قفل شده است، دیگر آبی در آن نزدیکی‌ها نیابد، آیا قفل درب چاه را بکند یا تیمم کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: شکستن درب چاه جائز نیست، ظاهر است که شکستن درب چاه سراسر ضرر و تاوان است برای صاحب چاه و وارد کردن ضرر بر مسلمانان حرام و ناجائز است. در چنین حالتی برای او تیمم جائز است، نیازی به شکستن درب چاه نیست.البته در صورتی که آب به فاصله یک میل دورتر باشد.

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه ابواسحاق حملی دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۹ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

تیمم هنگامی که چند نفر برای وضو گرفتن سر چاهی جمع شده باشند و خوف فوت نماز بعضی وجود داشته باشد

الاستفتاء: اگر چند نفر سر چاهی برای وضوگرفتن صف کشیده باشند، و وقت نماز هم داخل شده باشد. این افراد به نوبت آب بالا می‌کشند و وضو می‌گیرند. حال چند

۱– غنیة المتملی (حلبی کبیر): ٦٦.

نفرشان که آخر صف هستند، خوف دارند که اگر منتظر بمانند نمازشان فوت می‌گردد، آیا اینها می‌توانند تیمم کنند یا باید صبر کنند تا وضو بگیرند؟ و همچنین اگر لباس ندارند، صبر کنند تا رسیدن لباس یا عریاناً نماز بخوانند؟ و یا اینکه جای تنگ است و وقت نماز رسیده است، تنها تنها می‌توانند که ایستاده نماز بخوانند، اما وقت فوت می‌گردد، آیا می‌توانند نشسته نماز بخوانند یا نه؟ یا در وقت از قیام یا آب عاجز است ولی بعداً امید قیام و آب هست، تأخیر کند یا نه؟ یا لباس او پلید است اگر بشوید وقت فوت می‌گردد، چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آنان که بر چاه به نوبت نشسته‌اند، صبر کنند، اگر چه بعد از وقت باشد، و در این صورت قضای نماز را با وضو بخوانند، تیمم نکنند.

شخص عریان هم صبر کند تا به او لباس برسد. صاحب جای تنگ هم صبر کند، نشسته نماز نخواند. عاجز از قیام و آب اگر امیدوار است، هم صبر کند. بر صاحب پارچه هم لازم است که آن را بشوید، اگر وقت فوت شد، نماز را قضاءً بخواند.[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم ۱۴۰۰ هـ ق

شخصی در مسجد جنب شده، چگونه از مسجد خارج شود؟

الاستفتاء: شخصی که در مسجد جنب شد، چکار کند و چه طوری از مسجد بیرون آید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تیمم کرده سپس بیرون بیاید بهتر است. و بدون تیمم بیرون آمدن هم جایز، اما مکروه است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ شوال ۱۴۱۰ هـ ق

۱-کذا فی ردالمحتار: ۲۳۲/۱ - ۲۳۲، تحت قوله (... لبعده)

۲- المرجع السابق: ۲۴۳/۱، وکذا فی المتانه اول.

عدم جواز تیمم در صورتی که آب زیاد دور نباشد

الاستفتاء: شخصی با وضوی کامل برای کار و بار خود از خانه بیرون رفت و همین که به جنگل رسید، وضویش فاسد شد و البته آن چنان هم دور نشده که تیمم برایش جائز باشد و برگشتنش از آن بیابان بنابر عذری ممکن نباشد، آیا برای چنین شخصی تیمم کردن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آب به اندازه‌ای دور باشد که گنجایش جواز تیمم داشته باشد، جائز است وگرنه تیمم جائز نیست، ولو اینکه وقت نماز فوت شود.

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع العلوم

۲٦ جمادی الاول ۱۴۱۸ ﻫ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

تیمم در صورتی‌که آب چاه نجس باشدویا وسیله‌ای‌برای بیرون‌کشیدن نباشد

الاستفتاء: اگر شخصی مسافر در جنگل بزرگ چاه آبی یافت، اما در آن چاه حیوان نجس العین مانند خنزیر و غیره افتاده باشد در حالی که چاه خیلی بزرگ باشد یعنی به اندازه‌ی صد یا دویست متر، در آنجا فقط دلو خیلی بزرگ وجود دارد که این شخص نمی‌تواند به وسیلهٔ آن آب را بالا بکشد مگر بـه انـدازه‌ی نـوشیدن. آیـا بـرای چـنین شخصی در چنین جایی تیمم کردن جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع العلوم

۲۰ ذیحجة ۱۴۱۹ ﻫ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

آب باید چه مقدار دور باشد تا تیمم جائز گردد

الاستفتاء: آب چه مقدار دور باشد که تیمم جایز می شود؟ (البته به حساب کیلومتر امروزی)

الجواب بسم ملهم الصواب: مقدار یک میل شرعی که قریب دوکیلومتر و خوردی می‌باشد.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۹ جمادی الاخر ۱۴۱۵ هـ ق

حکم مسافرانی که در مسیر سفر در نزدیکی آب با تیمم نماز می‌خوانند

الاستفتاء: بعضی اتوبوس‌ها کنار جاده یا نزدیک شهر می‌ایستند و مسافران تیمم می‌کنند و نماز می‌خوانند و آب هم خیلی نزدیک است، حکمشان چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت تیمم روا نیست، اگر امکان دارد باید وضوء کرده و نماز بخوانند و اگر ممکن نشد و اتوبوس توقف نمی‌کند؛ اگر امکان دارد پیاده شده وضو کرده و نماز بخواند و با وسیله‌ای دیگر برود و اگر اصلاً امکان ندارد، نماز را به اشاره یا نوعی دیگر بدون وضوء بخواند و بعداً با وضوء قضاء کند، البته اگر نزد آب خطر جان خود دارد که دزد آنجا باشد یا دشمن، پس تیمم رواست. **کذا یفهم من الشامی و غیره.**

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۹ جمادی الاخر ۱۴۱۵ هـ ق

آب چه مقدار دور باشد، تیمم جایز می‌شود

الاستفتاء: بسا اوقات به شکار می‌رویم و آب فقط به مقدار خوردن همراه داریم و بر بالای کوههای خیلی بلند می‌رویم که ممکن است آب در پایین وجود داشته باشد ولی رسیدن به آن مشکل است چون کوه خیلی بلند و راه ناهموار است، حداقل ۵ الی ۶ ساعت وقت می‌برد، بنابراین ما تیمم کرده و نماز خوانده‌ایم، پس آیا این تیمم در این صورت جواز داشته و قابل قبول بوده است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر فاصله شما تا آب از راهی که فرضاً می‌خواهید به اب برسید، به مسافت یک میل راه است، پس برای شما تیمم جایز بوده است و اگر فاصله

کمتر از این است، برای شما جایز نیست ولو اینکه نماز و وقت نماز فوت شود. و نمازهایی که در این مدت به جا آورده‌اید، بدیهی است در صورت دوم باید دو مرتبه قضای این نمازها را ادا کنید، نه در صورت اول.

قال فی الهندية:

«يجوز التيمم لمن كان بعيداً من الماء ميلاً هو المختار فی المقدار سواء كان خارج المصر أو فيه و هو الصحيح و سواء كان مسافراً أو مقيماً... والمعتبر المسافة دون خوف الوقت، كذا فی الهداية»[۱]

و فی الخانية:

«و من خرج من المصر أو السواد للاحتطاب أو للاحتشاش أو لطلب الدابة فحضرته الصلاة فان كان الماء قريباً منه لا يجوز له التيمم و ان خاف خروج الوقت»[۲]

و الله اعلم و عمله اتم - دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۲۲ هـ ق

الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

۱- الهندية: ۲۷/۱.

۲- الخانية بهامش الهندية: ۵۴/۱.

كتاب الطهارة / باب

المسح على الخفين

مسح بر موزه‌ی حرام و مغصوب

الاستفتاء: مسح کردن بر موزه‌ی حرام و مغصوب رواست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسح کردن بر هر دو جائز است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر به خاطر باران پشت موزه تر شد یا شخص دیگری موزه‌اش را مسح کرد

الاستفتاء: اگر صاحب موزه زیر باران رفت و پشت موزه‌اش تر شد، یا دیگری را گفت که بر موزه‌اش مسح کند، روا باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

مسح بر پای مقطوع

الاستفتاء: اگر پا قطع شده باشد و فقط مقدار سه انگشت از جانب قدم یا عقب مانده باشد و با این حال موزه پوشیده باشد، مسح بر آن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت بقای جانب قدم مسح جائز است و در صورت بقای عقب، مسح جائز نیست.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر یک پا از بند آن قطع شده باشد، چگونه باید مسح کرد؟

الاستفتاء: اگر پا از عین بند قطع شده باشد، بر موزه‌ی پای دیگر مسح کند یا خیر؟

۱– ردالمحتار: ۲۷۳/۱.

۲– الفتاوی الخانیة بهامش الهندیة: ۴۹/۱.

۳– همان: ۴۸/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌تواند مسح کند، بلکه جای بریده و پای دیگر را بشوید.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

مسح بر یک پا در صورتی که پای دوم کاملاً یا از زانو قطع شده است

الاستفتاء: اگر شخصی فقط یک پا دارد یا پایش از زانو قطع شده باشد بر موزه پای دیگر مسح کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسح کند، جائز است.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

در مسح بر موزه حکم زن و مرد یکسان است

الاستفتاء: در مسح بر موزه، حکم زن و مرد یکسان است یا فرقی می‌کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم هر دو یکسان است.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

بر کفش‌هایی که تمام پا را می‌پوشند مسح جایز است یا نه؟

الاستفتاء: بر کفش‌هایی که (بوط) می‌گویند و تمام پا را تا شتالنگ می‌پوشد، مسح جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر از نجاسات احتیاط کامل کند جائز است، ولی بردن آن در مسجد خلاف ادب است. لهذا احتیاطاً نکند.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- همان: ۴۸/۱. ۲- همان: ۴۸/۱.

۳- همان: ۴۹/۱.

۴- امدادیه ۴۳/۱. البته باید دانست مسح بر همان‌کفش‌ها جواز دارد که سر آنها نرم بوده و هنگام سجده، سر و شکم انگشت‌های پا، به زمین قرار بگیرد، اما باز هم این عمل خلاف ادب و تشبه باکفار است (مؤلف). در همین جلد باب الامامة و الجماعة، مسئلهٔ نماز خواندن باکفش مدللاً بیان شده است.

ابتدای مدت مسح موزه

الاستفتاء: آیا ابتدای مدت مسح موزه از موقع پوشیدن است یا از موقع مسح؟ مثلاً زید صبح موزه را پوشید تا ظهر وضو می‌گیرد آیا مدت آن از ظهر شروع می‌شود یا از صبح؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ابتدای مسح موزه از وقت حدث بعد از پوشیدن شروع می‌شود. مثلاً شخصی ساعت نه (۹) صبح وضوء کامل گرفته بعد از آن موزه پوشید و ساعت دوازده (۱۲) او را حدث آمد. پس ساعت یک ظهر وضوء کرده، مسح کرد و نماز خواند. حالا وقت ابتداء آن از ساعت دوازده شروع می‌شود.

قال فی الغنیة:

«و ابتدائها ای اول المدة المذکورة للمقیم و للمسافر عقیب الحدث لانه قبل ذالک کان متطهراً بطهارة الغسل»[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاخر ۱۴۰۹ هـ ق

درآوردن موزه قبل از مسح

الاستفتاء: اگر شخصی که موزه پوشیده، قبل از اینکه مسح کند آن را بیرون آورد، آیا تجدید وضوء کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر موزه را بعد از طهارت کامل پوشیده بود و قبل از مسح درآورد، وضوء را اعاده نکند و اگر یک بار حدثش آمد و مسح کرد و بعد از وضوء آن را کشید، فقط پا را بشوید، کافی است، اعاده‌ی تمام وضوء ضروری نیست.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاخر ۱۴۰۹ هـ ق

۱- غنیة المتملی: ۱۰۷.

مسح بر جوراب

الاستفتاء: اگر شخصی چند جفت جوراب روی هم بپوشد، طوری که به زودی زیر آنها آب سرایت نمی‌کند، آیا مسح بر این جوراب‌ها جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جوراب تا مجلد و منعل نباشد کلفتی آن را اعتبار نیست و بر آن مسح روا نیست.(۱)

و فی غنیة المستملی:

«اما المسح علی الجوراب فلایجوز عندابی حنیفة الا ان یکونا منعلین او مجلدین»(۲)

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ رجب ۱۴۱۰ هـ ق

مسح بر موزه‌ای که روی آن جوراب پوشیده باشند

الاستفتاء: مسح بر موزه‌ای که بر آن جوراب پوشیده‌اند، جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر جوراب زیر و موزه بالا باشد، بلااشکال مسح بر آن رواست؛ چراکه این مسح بر موزه است نه بر جوراب.(۳)

ولی اگر جوراب بالا و موزه زیر آن باشد و جوراب هم از آنهاست که مستقلاً مسح بر آن روا نیست. پس در این صورت مسح بر جورابی که بالا پوشیده است روا نیست چراکه این مسح بر جوراب است نه بر موزه.(۴)

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

۱-کذا فی فتاوی دارالعلوم دیوبند مدلل و مکمل: ۲۱۲/۱، طبع جدید.

۲- غنیة المتملی ص ۱۲۰.

۳-کما فی احسن الفتاوی: ٦٥/۲.

۴-کما فی احسن الفتاوی: ٦٥/۲، نقلاًالشرح المینة.

پوشیدن جوراب زیر موزه

الاستفتاء: اگر شخصی جوراب بپوشد و بر سر جوراب موزه بپوشد، جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله تفصیل این است که جوراب را بر سر موزه پوشیده است، یا زیر موزه بر پا پوشیده است، یا موزه را بر سر موزه‌ای دیگر پوشیده است، یا زیر موزه بر سر پا پارچه‌ای پیچیده است؟ پس اینها همه در صورت آن که بر سر پوشیده است از دو حال خالی نیستند، یکی اینکه این قدر تنگ‌اند که وقت مسح آب به مقدار فرض به موزه می‌رسد، پس در این صورت بر آنها مسح رواست.

دوم اینکه آنها کلفت‌اند که آب وقت مسح به موزه نمی‌رسد، پس اگر آنها چنان کلفت‌اند که خود مستقلاً بر آنها مسح روا نیست. پس با این تفصیل بر آنها مسح رواست: یکی اینکه در آنها پاریدگی مقدار مانع مسح نباشد. دوم قبل از مسح موزه را پوشیده باشد و قبل از حدث بعد از مسح موزه را پوشیده باشد و اگر این طور نباشد، مسح روا نیست.

و در صورتی که در زیر موزه پوشیده است و تنگ است، مانع مسح موزه نیست چراکه آن غیر معتبر و در میان موزه و پا می‌باشد. و اگر مقداری کلفت است ولی نه آن طورکه مسح بر آن روا باشد هم مانع مسح بر موزه نیست. و اگر مقداری کلفت است که مسح بر آن رواست، پس حکمش مثل حکم آن است که بالا پوشیده است.

خلاصه‌ی جواب شما این است که مسح بر موزه با وجود پوشیدن جوراب زیر آن در هر دو صورت رواست. فقط وقتی که چنان کلفت باشد که مسح بر خود آن روا باشد، پس بر موزه‌ای که بالای اوست همان شرط‌های بالاکه در شق دوم صورت دوم بودند، ملاحظه شوند.

قال فی الدر:

«او جرموقیه و لو فوق خف او لفافة».

و فی الرد:

«قوله (او جرموقیه): افاد جواز المسح علیهما منفردین ایضاً و هذا لو کانا من جلد فلو من کرباس لایجوز و لو فوق الخف الا ان یصل بلل المسح الی الخف ثم الشرط ان یکونا بحیث لو انفردا یصح مسحهما...»(۱)

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاخر ۱۴۰۹ هـ ق

شخصی موزه را در مسافرت پوشیده و سپس مقیم شد

الاستفتاء: اگر شخصی موزه را در مسافرت پوشیده و یک شبانه روز بعد به شهر خودش آمد و مقیم شد، بلافاصله باید موزه را از پا بکشد یا اینکه یک شبانه روز باقی بماند؟ و در صورتی که زید موزه را در شب پوشید و صبح حرکت کرد و از وسط شهر خودش عبور کرد و به جایی دیگر رفت، حکم این موزه چیست؟ و اگر موزه را شب پوشید بعد از ۲۴ ساعت به شهر خود بازگشت در حالی که آخر وقت نماز یا اینکه جماعت برپاست با همین موزه نماز بخواند یا اینکه تنها موزه راکشیده و پاهای خود را بشوید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بلافاصله بکشد، و اگر از محل خود عبوراً از وسط گذر کرد هم مدت موزه که شبانه روزی تمام نشده تمام کند. و در صورت دوم چون شبانه روزی تمام شده است با این موزه نماز نخواند، اگر چه وقت تنگ است یا جماعت برپاست، باید موزه را بکشد، اگر وضو دارد فقط پا را بشوید و بس.

قال فی الدر:

«مسح مقیم بعد حدثه فسافر قبل تمام یوم و لیلة... مسح ثلاثاً و لو اقام مسافر بعد مضی مدة مقیم نزع و الا اتمها، لانه صار مقیما»(۲)

۱- ردالمحتار: ۲٦٨/۱، و مثله فی غنیة المتملی ۱۱۲.

۲-الدر المختار علی هامش ردالمحتار: ۲۷۸/۱.

و فیه ایضاً:

«و بعدهما ای النزع و المضی غسل المتوضی رجلیه لا غیر لحلول الحدث السابق قدمیه...»[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ رجب ۱۴۱۲ هـ ق

مسح روی محافظ موزه

الاستفتاء: آیا مسح روی محافظ موزه جایز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر باریک و رقیق‌اند به طوری که بر اثر مسح ،تری به موزه نفوذ کرده و می‌رسد، جایز است، در غیر این صورت جایز نیست، بلکه باید آهـا را کشیده و روی موزه مسح کند.

در خیر الفتاویٰ بحواله‌ی عالمگیریه می‌نویسد:

«و اذا لبس الجرموقین فان لبسهما وحدهما ـ الی قوله ـ فان لبسهما فوق الخفین فان کانا من کرباس او ما یشبهه لا یجوز المسح علیهما الا ان تکونا رقیقین یصل الماء الی ما تحتها»[2]

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع العلوم

۱۱ ذیقعده ۱۴۲۳ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- المرجع السابق: ۲۷٦/۱.

۲- خیر الفتاویٰ: ۱۲۷/۲.

كتاب الطهارة / باب ما يتعلق

بالحيض و النفاس و الاستحاضة

مسائل حیض، نفاس و استحاضة

الاستفتاء: حضرت مولانا صاحب ـ زاد لطفه ـ السلام علیکم و رحمةالله. اما بـعد؛ لطفاً تفصیلی از مسائل حیض و نفاس و استحاضه تحریر فرمایید تا طبق آنها عمل کرده شود. (۸ شعبان ۱۳۸۴هـ ق، از ایرانشهر)

الجواب بسم ملهم الصواب: حیض خونی است حقیقتاً بـاشد یـا حکـماً مـثل طـهر متخلل، که خارج می‌شود از رحم زن به غیر ولادت. و آن زن بالغه و سلیمه از امراض خونی باشد. و از نظر سنی کم از نه سال و زائد از ۵۵ سال اگر خون خالص یا همان رنگ که اولاً عادت او بوده است برآمد، حیض گفته می‌شود وگرنه پس نه.

و آن خونی که از اندام نهانی زن به طرف خارج برآید، و اگر در حصهٔ داخل است تا حال حیض نیست. مثلاً زنی پاک بود و پنبه در اندام نهانی خود نهاد، چون پنبه را خارج کرد بر آن اثر خون دید، از وقت برداشتن حائض گفته می‌شود و اگر حـائض بـود و گذاشت و چون برداشت اثر خون ندید، حکم پاکی از وقت نهادن داده می‌شود.

و نیز خون، وقتی حیض گفته می‌شود که سرخ یا سیاه یا زرد یا خاکستری رنگ یا سبز یا غبار رنگ باشد نه سفید خالص، همچنین رنگ آن در تری اعتبار دارد نه وقت خشکی. مثلاً اگر وقت تری از این شش رنگ به یک رنگ بود، ولی بعد از خشک شدن سفید شد، خون حیض است و اگر اولاً سفید بود، بعد از خشکی به رنگی غیر از این رنگ‌ها تبدیل شد، حیض نیست.

و نیز کمتر از سه شبانه‌روز و زائد از ده روز خون حیض نیست. و زن باردار نباشد. اگر در حالت بارداری خون آمد به هر نوع و هر اندازه که باشد، حیض نیست. و نیز از حیضِ گذشته تا بار دوم، ۱۵ روز به پاکی گذشته باشد و اگر ۱۵ روز نگذشته باشد، اگر چه به مقدار دو و سه دقیقه کم باشد، هم حیض نیست، بلکه مرض است.

باید دانست که زنان به اعتبار آمدن حیض و نیامدن بر چهار قسم‌اند:

۱): آنکه اصلاً حیض ندارد و حکم او ظاهر است.

۲): آنکه در ماهی یک بار او را حیض می‌آید.
۳): آنکه در ماهی دو بار او را حیض می‌آید.
۴): آنکه ماه و غیره مقرر ندارد، بلکه گاهی یک بار وگاهی دو بار، وگاهی در دو ماه یا سه و... یک بار، پس حکم هر یکی جداست. که ذیلاً خواهید دید. و همه‌ی آنها به اعتبار احکام سه نام دارند:

۱) مبتدئه، و او زنی است که برای اولین بار دچار حیض و نفاس می‌شود.

۲) معتاده، و او زنی است که یک خون و طهر صحیح یا یکی از این دو بر اوگذشته است.

۳) مضلة یا متحیره، و او زنی است که عادتش را فراموش کرده است.

و هر یکی از مبتدئه و معتاده بر دو قسم است: مستمره و غیر مستمره. و احکام هر یکی جدا است.

و مضلة (متحیره) بر سه قسم است: یکی آنکه عدد حیض را فراموش کرده است. دوم آنکه مکان حیض را فراموش کرده است. سوم آنکه هر دو را فراموش کرده است. و حکم هر یکی جداست. تفصیل هر یکی در ذیل خواهد آمد:

زنی که او را در ماه یک بار حیض می‌آید، سه روز باشد یا چهار و به تعبیر دیگر در میان ده روز یا ده، همه حیض است.

و زنی که او را در ماه دو بار حیض می‌آید، دیده شود که اگر از حیض اول تا دوم ۱۵ شب و روزگذشته است، بار دوم نیز حیض است، و اگر از اول تا این وقت، از این مدت به قدر دو و سه دقیقه کمتر است، هم حیض نیست، بلکه استحاضه است که مانع نماز و روزه نیست.

و منظور از شبانه روز این نیست که شب و روز بگذرد، بلکه مراد از همان وقت است که حیض شروع می‌شود. اول روز باشد یا نیم روز یا آخر روز و شب هم چنان. غرض که از وقت شروع خون شمار کنند تا وقت بندی خون. و حکم زن چهارم نیز مثل اینهاست.

زن مبتدئه که مستمره نیست اگر از سه بیشتر تا ده روز در این میان هر قدر که خون

آید، حیض اوست و اگر مستمره[1] است، از اول جاری شدن تا ده روز حیض اوست و باقی بیست روز پاکی او شمرده می‌شود. او در وقت هر نماز وضوء کرده، نماز بخواند، سپس همچنین در هر ماه. و نفاس او چهل روز است، پس پاکی بیست روز است، و ده روز حیض زیرا که حیض و نفاس پی به پی نمی‌شوند.

و زن معتاده که مستمره نیست، حیضش عادت اوست و اگر اولاً عادت او پنج روز بود بعداً جاری شد در هر ماه حیض و طهر او عادت او شمارکرده شده و باقی مرض و استحاضه است که مانع نماز و روزه نیست.

زن مضلة (متحیره) آن است که اولاً او را چند روز حیض آمده و بعداً جاری شد، سپس عدد ایام حیض را فراموش کرد. مثلاً می‌داند که در اول یا در میانه یا در آخر ماه بوده است، ولی نمی‌داند که چند روز حیض بوده است، این مضله در عدد است. حکم او این است که تا ۲۰ روز در وقت هر نماز وضوء کرده نماز بخواند، بعداً تا هفت روز همچنان کند و در سه روز اخیر ماه نماز را ترک دهد و در آخر ماه غسل کند. و اگر می‌داند که خون قبلاً بعد از بیستم آمده و عدد را نمی‌داند پس سه روز بعد از بیستم، نماز را ترک کند و در آخر ماه بعد از ۲۳ روز در وقت هر نماز غسل کرده، نماز بخواند.

و یا مکان آن را فراموش کرد، مثلاً می‌داند که سه روز بوده است، ولی نمی‌داند که در اول یا در میانه یا آخر ماه بوده است وگمان غالب به یکی از این اوقات هم ندارد. پس حکم او اینکه تا سه روز از ده روز اول، با وضوء در وقت هر نماز، نماز بخواند و بعد از این سه روز تا آخر ماه برای هر نماز غسل کند و اگر حیض او چهار روز بوده است، نیز از اول تا پنج روز با وضوء و برای باقی غسل کند. و اگر شش روز بوده است در پنجم و ششم نماز را ترک کند و در چهار روز اول در هر وقت با وضوء و بعد از ششم در تمام نمازها با غسل نماز را اداکند. و اگر هفت روز بوده است، چهار روز بعد از سه روز اول، حیض است و اگر هشت روز بوده، شش روز بعد از دو روز اول، حیض است. و اگر نه

۱- مستمره زنی است که به مجرد خون دیدن، خون او جاری شده و بند نشود.

روز بوده است، هشت روز بعد از اول حیض است. پس آنچه حیض است، نماز را ترک کند و در ماقبل آن، با وضوء، و در مابعد آن، با غسل در هر وقت نماز بخواند.

اگر عدد و مکان هر دو را فراموش کرده است. پس حکم او و متحیرین دیگر به مکان و عدد این است که فکر کند اگر گمان غالب این شد که در این وقت پاکم، پاک شمرده شود و اگر گمان غالب این بود که در این وقت، حیض است، حیض گفته شود و اگر گمان غالب به هیچ طرف نشد، بلکه به هر جانب مساوی است، مثلاً غلبه گمان نه حیض است نه پاکی و نه دخول در حیض، پس وضوء کند برای هر نماز و اگر متردد است در میان پاکی و حیض و دخول در پاکی؛ مثلاً زنی یاد دارد که در هر ماه حیض او یک بار است و انقطاع او در نصف اخیر است و غیر از این چیزی یاد ندارد، پس گویا او متردد است در نصف اول بین حیض و طهر و دخول طهر، بنابراین حکم او اینکه در وقت هر نماز غسل کرده نماز بخواند. و در وقت دوم چون غسل کرد برای نماز دوم، همان نماز اولی را قبل این وقتی اعاده کند، همچنین در تمام نماز. و اگر زن هیچ چیزی از مکان و عدد و غیره به یاد ندارد، پس حکم او اینکه مثل مترددە در حیض و طهر و دخول طهر، نماز گذارد. و همین زن مترددە در حیض و طهر و دخول طهر، به جز از فرائض و واجبات و سنن مؤکده، نوافل دیگر و دخول مسجد و جماع و دست زدن به قرآن به غیر غلاف و روزه‌ی نفل همه را ترک دهد. البته اگر در طواف حج است در صورتی که خطره‌ی آلودگی مسجد از خون نیست طواف را ادامه دهد وگرنه طواف را ترک کند.

و همین زن رمضان را روزه بگیرد، ولی بعد از رمضان قضای روزه بیست روز بر او واجب است؛ اگر می داند که حیض در شب شروع شده است. و اگر در روز شروع شده است، پس قضای ۲۲ روز واجب است ولیکن این همه در صورتی است که زن می داند که حیضم در هر ماه یک بار است وگرنه، پس اگر نمی داند که ابتدا از شب است یا روز؟ و یا اینکه می داند که از روز است و لیکن حساب رمضان کامل است، قضای ۲۲ روز واجب است؛ اگر متصل رمضان یعنی دوم شوال قضاء را شروع کرد. و اگر منفصل

شروع کرد، پس قضای ۲۸ روز واجب است. و اگر رمضان حسابش ناقص بود و متصل شروع کرد، قضای ۲۲ روز واجب است. و در غیر متصل، ۲۷ روز را قضاء کند و اگر می داند ابتدای حیض را در شب، و ماه کامل است،در صورت اتصال و انفصال، قضای ۲۵ روز، و اگر ماه ناقص است، پس در صورت اتصال، قضای ۲۰ روز و در انفصال، قضای ۲۴ روز واجب است.

و یکی از مسائل مشکله این باب طهر متخلل است یعنی پاکیی که در میان دو حیض بیاید، آن را باید فهمید. و در این مورد شش قول هست و چون که فهم شما از ادراک همه قاصر است، لذا قول ایسر که قول ابوحنیفه و ابویوسف است می‌نویسم، و آن این است: پاکیی که در میان دو حیض است فاصل نیست بلکه مثل خون متوالی است؛ به شرطی که خون در دو طرف پاکی محیط باشد. پس اگر زن مبتدئه است و یک روز خون دید و ۱۴ روز پاک شد و روز ۱۵ هم خون دید پس ده روز اول حیض است و اگر زن معتاده است و قبل از عادت خود روزی خون دید و ده روز پاک شد و روز ۱۱ خون دید، پس آن ده روز که خون دید حیض است و اگر طرف اول دید کمتر از سه روز، یا آخر دید کمتر از سه روز نه در هر دو طرف، پس آن حیض نیست.

یکی از مباحث مهم این باب، مسائل انتقال عادت است یعنی نقل عادت زن معتاده، مثلاً اول عادت او ۷ روز بود بعداً کم یا زیاده یا دائماً جاری شد، پس آیا عادت اولی معتبر است یا اقرب‌تر؟ و انتقال عادت اصلیه معتبر است یا عادت جعلیه؟ پس بدانید که اثبات و انتقال عادت اصلیه معتبر است نه جعلیه.

عادت اصلیه این است که دو حیض و دو طهر متفق پی در پی ببیند یا بیشتر. و جعلیه اینکه‌اطهار و حیض مختلف می‌بیند که یکی یا دیگری موافق نیست. پس در این صورت عادت دوم ناقض عادت اولی است.

بعد از این، عادت او همین اخیر می‌گردد، مثلاً در یک ماه، پنج روز و در ماه دوم، هفت روز و در ماه سوم جاری شد دائماً، پس در هر ماه باقی هفت روز حیض است.

و اصل در این مسئله این است که اگر مخالف عادت در نفاس است، پس اگر خون از

۴۰ روزگذشت و عادت باقی است، ردکرده شود به عادت خود. مثلاً عادت اولی سی روز بوده و این مرتبه از چهل گذشت، نفاس سی ۳۰ روز است و اگر از ۴۰ نگذشت نقل می‌شود عادت به جانب آن. مثلاً عادت اولی ۳۰ روز بود و این مرتبه ۳۵ شد، همه نفاس است، و اگر مخالفت عادت در حیض است و از ده روز تجاوز کرد، پس دیده شود اگر در میان زمان عادت به قدر نصاب حیض که سه روز است از همین حیض واقع نشد گویا که عادت منتقل شد زماناً و عدد بر حال خود است اعتبار کرده شود از آن جایی که اول دیده است و اگر در میان زمان عادت به قدر نصاب از این حیض مخالف واقع شد پس همین واقع حیض است و بس و باقی استحاضه است. و نیز دیده شود که همین واقع مساوی به عادت اولی اوست یا نه؟ اگر متساویست پس عدد باقی است و اگر مساوی نیست منتقل می‌شود عادت از روی عدد به جانب آنچه دیده است ناقصاً و اگر تجاوز نکرده است از ده پس همه حیض است. پس اگر مساوی نیستند، دوم عادت اوست وگرنه عدد بر حال خود اوست.

و **نفاس** خونی است که از رحم زن بعد از وضع حمل خارج می‌شود. اگر زنی از ناف شق شده زایمان کرد و خون از اندام نهانی جاری شد، نفاس است و اگر از همان شق خون برآمد، نفاس نیست. و اگر بعد از خروج اکثر حصه ولد برآمد هم نفاس است و اگر قبل از خروج اکثر حصهٔ ولد، خون ظاهر شود، نفاس نیست، استحاضه است وضوء یا تیمم کرده نماز بخواند، اگر چه به اشاره باشد و اگر نه عاصی می‌شود.

اکثر نفاس ۴۰ روز است وکمتر آن را حدی نیست، یک روز باشد یا کمتر یا بیشتر.

و نفاس زنی که دو بچه به یک بار آورد از اول شمار کرده شود. و اگر بچه در شکم مرده خارج شود، دیده شود اگر عضوی از اعضای او ظاهر شده است مثل ناخن و انگشت وگوش و... پس خونی که بعد از آن خارج می‌شود، نفاس است. و اگر هیچ عضوی از اعضای او ممیز نیست، خونی که بعد از آن خارج می‌شود، اگر از سه روز کمتر یا از سه روز بیشتر است ولی از مدت پاکی او از حیض گذشتهٔ او ۱۵ روز نگذشته است، استحاضه است و اگر ۱۵ روزگذشته است، حیض ثانی شمرده شود و بیشتر از

ده روز، مرض است و اگر دانسته نشد که اعضاهای او ممیزاند یا نه؟ و عدد ایام حمل خود را هم نمی داند و خون هم دائماً جاری شد، پس در ایام حیض نماز را ترک کند و در باقی با غسل در وقت هر نماز، نماز بخواند؛ مثل معذور. مثلاً حیض او ده روز بود و طهر او ۲۰ و نفاس او ۴۰، اگر همان پسر در اول روزهای حیض سقط شد، تا ۱۰ روز نماز را ترک کند و ۲۰ روز با غسل نماز بخواند. و بعد از این دائماً ۱۰ روز حیض و ۲۰ روز طهر است. و اگر بعد از روزهای حیض سقط شد، از همان وقت نمازش را با غسل بخواند و سپس به مقدار عادت حیض خود، نماز را ترک کند.

و **استحاضه** خونی است که از حیض و نفاس نباشد، بلکه کمتر یا بیشتر باشد، آن مانع نماز و روزه و جماع نیست، بلکه در وقت هر نماز وضوء کرده نماز بخواند. و احکامی که به این هر سه خون تعلق دارند در ذیل خواهد آمد:

حیض و نفاس مانع نماز است و فقط مستحب است که در اوقات نماز وضوء کرده بر مصلَّیٰ نشسته ذکر و تسبیح و تهلیل بگوید، او را ثواب نمازی مقبول می‌رسد و قضای نماز واجب نیست، بلکه قضای او خلاف اولی است. و همچنین مانع روزه است و لیکن تشبه با روزه داران، بعضی گفته‌اند مکروه است و بعضی گفته مکروه نیست و قضای روزه واجب است.

اگر زنی نماز نفل یا روزه‌ی نفل را شروع کرده و در میان آنها حیض و نفاس جاری شد، قضای این هر دو واجب است. و اگر در نماز فرض این حادثه پیش آمد و وقت آخر بود، قضا واجب نیست و اگر در روزه فرض بود، قضا واجب است. و اگر زنی خُفت و پاک بود، چون برخاست خود را حائضه دید، از وقت برخاستن حائض به حساب می‌آید، نه از وقت خفتن. بنابراین اگر نماز نخوانده بود و خوابید، در این صورت بر او قضا لازم می شود و به مجرد دیدن خون، نماز را ترک کند. پس اگر از سه روز بیشتر شد، نماز ساقط است و اگر از سه روز کمتر شد، قضای نمازهای این مدت واجب است.

همچنین حیض و نفاس از دخول مسجد منع می‌کند مگر آنکه آب برای خوردن و... در مسجد باشد و دیگر راهی نباشد، و در این صورت تیمم کرده داخل شود.

همچنین حیض و نفاس، مانع جماع و استمتاع و فائده گرفتن از زیر ناف و بالای زانوی زن بی‌پرده، به لمس و نظر شهوت می‌باشد؛ و با پرده مانعی نیست، ولی ادخال با پرده هم حرام است؛ البته یک جا خفتن و خوردن و آشامیدن و دست رسانیدن زن به شوهر و در این حالت اگر چه بی‌پرده باشد، جایز است، اما بالای زانو و زیر ناف خود را بی‌پرده به بدن شوهر نمالد.

همچنین منع می‌کند خواندن و دست رسانیدن بی غلافِ جدا از قرآن و نوشتن قرآن را اگر چه نوشته به لوح و دیوار و درهم باشد، همان جا دست نرساند و اگر چه نوشته فارسی باشد. و خواندن قرآن مجید به قصد قرائت، ممنوع است، نه به قصد دعا. و خواندن دعا و اذکار ممنوع نیست. و اگر زن معلّمه است کلمات را جدا جدا کرده تعلیم دهد.

و اگر خون به اکثر مدت حیض و نفاس بند شد، بدون اینکه غسل کرده باشد، جماع جائز است و اگر به مدت سه روز و به تعبیر دیگر به مدت کمتر از ده روز بند شد، بدون غسل جماع جائز نیست و اگر غسل نکرد ولی این قدر مدت که لباس کشیده غسل کند و باز لباس پوشیده و به قدر گفتن تحریمۀ لفظ الله، گذشت، نیز جماع بعد این مدت جائز است به غیر غسل. و غسل فرض مراد است نه غسل سنت، اگر چه عادت او کمتر از ده روز بوده است یا تیمم کنند اگر آب نیست.

و لیکن در رمضان اگر قبل از صبح صادق خون بند شد و وقت صبح به فقط به قدر غسل مانده بود نه به قدر غسل و تحریمه هر دو، روزه صحیح نیست، قضای آن واجب است. و اگر به قدر غسل و تحریمه هر دو مانده بود، روزه صحیح است و زمان تحریمه و غسل کردن، از طهر (پاکی) شمار است ولی در صورتی که خون به اکثر مدت بند شده است و اگر به کمتر مدت بند شده است، زمان غسل، حیض شمار است.

مثلاً زنی او را یک حیض آمد و بند شد بعد از بند شدن آن به اکثر مدت، بعد از ساعتی غسل کرد و پس از ۱۵ روز از وقت بندی نه وقت غسل، خونی دیگر دید، این خون، حیض دوم گفته شود؛ زیرا که اگر چه از وقت غسل ۱۵ روز نیست ساعتی کم

است ولی از وقت بندی ۱۵ روز تمام است و آن وقت نیز از پاکی بوده است. و اگر زنی حیض او در کمتر از اکثر مدت بند شد و وقت بعد غسل و تحریمه باقی بود، قضا واجب است. و اگر صرفاً به قدر تحریمه باقی بود یا تنها به قدر غسل، قضای آن نماز واجب نمی‌شود. و اگر به اکثر مدت بند شد و وقت فقط به قدر تحریمه باقی بود، قضا واجب می‌شود اگر چه وقت غسل نبود. و اگر کسی جماع را در حالت حیض و نفاس حلال داند بعضی او را کافر گفته‌اند و اصح آن است که کافر نمی‌شود زیرا که حرمت آن لغیره است نه لعینه ولیکن این عمل شدیداً گناه است و حکم زن و مرد درکفر و... برابر است. و اگر کسی در این حالت جماع کرد، بجز از توبه، چاره‌ای نیست و بر مرد صدقه یک دینار یا نصف دینار مستحب است نه بر زن. و اگر زن گفت که من حائضم و زن متقیه است شوهر با او مقاربت نکند و اگر فاسقه است و مدت حیض نیست و غالب گمان عدم حیض و دروغ زن است، مقاربت جائز است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ شعبان ۱۳۸۴ - هـ ق

حائضه شدن زن در طواف زیارت یا وقوف کعبه

الاستفتاء: اگر زن برای حج رفته بود و در مدت طواف زیارت و یا در وقت وقوف عرفه حائض شد چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله چند صورت است. یکی اینکه‌از وقت طواف زیارت، حائض شد و تا خاتمۀ ایام نحر به همین حالت ماند. دوم اینکه‌بعد از دخول وقت طواف، حائض شد و از ایام نحر هم گذشت. سوم اینکه‌در اول وقتِ روز اول ایام نحر، حائض شد و وقت به قدر چهار شوط گذشته بود و قدرت ادا هم داشت و

۱- مأخوذ و اقتباس از فتاوای شامی ج۱ باب الحیض، الدر المختار و تنویر الابصار بر حاشیه ردالمحتار شامی. فتاوی هندیه. رساله‌ی برکویة و شرح آن (از علامه شامی). فتاوی قاضیخان. سراجیه. فتح القدیر. البحر الرائع و طحطاوی علی المراقی.

ادا نکرد یا در همین صورت به قدر چهار شوط نگذشته بود. پس در صورت اولی، بعد طهارت طواف کند و بر او دم هم لازم است. و در صورت دوم بعد طهارت طواف کند بر او دم هم لازم است. و در صورت سوم شق اول نیز دم لازم است نه در شق دوم. و مدت طواف زیارت تا آخر عمر می‌رود موقوف به چند روز نیست.(۱)

و اگر زن حائضه وقت رجوع حجاج نیز پاک نشد، تأخیر کرده بعداً طواف کند و اگر عین حیض طواف کرد طواف او ادا می‌شود به همراه اثم و برا و بدنه‌ای لازم می‌آید. (۲)

و حیض مانع قیام عرفات نیست به همراه حیض در عرفات قیام کند.

والله اعلم و عمله اتم – محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی رجب المرجب ۱۳۸۹ هـ ق

مفهوم شعر نام حق (هر زنی را که گم شود ایام...) و توضیح مسئله متحیره

الاستفتاء: معنی این بیت چیست که شیخ شرف‌الدین بخاری ـ ﷫ ـ در «نام حق» (پنج کتاب) ذکر کرده است.

هر زنی را که گم شود ایام　　　غسل باید بهر نماز مدام

معنی در فهم نمی‌آید، بیان فرمایید.

الجواب بسم ملهم الصواب: در این شعر شرف الدین بخاری ـ ﷫ ـ به جانب مسئله متحیره اشاره فرموده است. مسئله متحیره سه صورت دارد: اول اینکه شمار روزهای عادت خود را فراموش کرد یعنی چنان می‌داند که حیض او در ماه یک مرتبه است ولی شمار روزها را فراموش کرده نمی‌داند که چند بوده‌اند. پس در این صورت حکم او این است که در اول هر ماه سه روز نماز را ترک کند بعد از آن هفت روز پی در پی برای هر نماز غسل کند. پس ۲۰ روز دیگر برای وقت هر نماز وضوء کند و در این ۲۰ روز برای شوهر صحبت نیز جائز است. دوم اینکه مکان حیض خود را فراموش کرد یعنی می داند

۱–کذا فی الشامیة ۱۹۹/۲، الحج، مطلب فی طواف الزیارة. ارشاد الساری الی مناسک الملا علی القاری ص ۱۹.

۲–کذا فی الشامیة ۱۹۹/۲.

ایام عادت من سه روز یا چهار روز بود، اما نمی‌داند که در اول ماه بودند یا وسط یا اخیر. پس در این سه صورت سه روز اول ماه با وضوء نماز بخواند، باقی ۲۷ روز برای هر نماز غسل کند و شوهر را صحبت جائز است.

سوم اینکه روزها و مکان هر دو را فراموش کرده است، در این صورت هر وقت که یقین شد به پاکی، در آن وقت با وضو نماز خوانده و روزه‌گیرد و شوهر هم صحبت کند و هر وقت که یقین کرد به حیض، همه را ترک کند. و اگر درکدام وقت شک شد تحری کند و بر غالب ظن عمل کند. و اگر تحری هم نشد پس برای هر نماز غسل کند. و اگر دائم شک شد و تحری هم نداشت، دائم برای هر نماز غسل کند. و به تحری جماع جایز نیست تا غالبِ ظن نشود. پس این زن فرائض و واجبات و سنن مؤکده را اداکند، نفل نخواند و قراءت قرآن در نماز به قدر مفروض و واجب کند نه بیشتر. البته در دو رکعت اخیر نمازهای فرض فاتحه بخواند. خارج از نماز قرآن نخواند و به آن دست هم نرساند. داخل مسجد نرود. روزه‌ی رمضان را بگیرد و بعداً قضای ۲۰ روزه واجب است؛ اگر می‌داند که ابتدای حیض به شب بوده است. و اگر به روز بوده است قضای ۲۲ روزه لازم است و اگر نمی‌داند پس ۲۰ روز قضاکند و عدت او در طهر دو ماه است و در حیض به ده روز مقرر کرده شود.[1]

البته شعر «نام حق» مجمل است به هیچ یکی از این صورت‌ها صحیح نمی‌آید زیرا که از ظاهر آن معلوم می‌شود که گم کرده ایام برای هر نماز غسل کند و این صحیح نیست. و اگر از ایام، اوقات مرادگرفته شود باز هم صحیح نیست. زیراکه هر مکان صادق نمی‌آید اول شعر دلالت بر صورت اول دارد و مصرع دوم دلالت بر سوم مسئله دارد لذا این شعر به فکر احقر مخلوط و مجمل است.

۱- حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۸۳.

آری اگر شعر چنین تغییر داده شود همه‌ی صورت‌ها صحیح می‌آیند و جامع هر سه صور متحیره می‌گردد:

هر زنی را گم شود احـوال غسل آید بـه اعـتبار مـال

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ ذیقعده ۱۳۸۹ هـ ق

اگر خون نفاس قطع شده و پس از مدتی دوباره جاری گردد

الاستفتاء: اگر زنی بعد از وضع حمل مدت بیست روز یا کمتر خون نفاس از او خارج شد، و پس از آن تا ده روز منقطع شد. بعد از ده روز، دوباره جاری شد، آیا جزو خون نفاس شمرده می‌شود یا حیض یا استحاضه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این خون بعدی در ۴۰ روز یا کمتر بند شد، نـفاس است و همان ایام طهر هم نفاس بودند زیرا که طهر متخلل در نفاس هم اعتبار ندارد و نفاس به حساب می‌آید.

قال فی الهندیة:

«الطهر المتخلل فی الاربعین بین الدمین نفاس عند ابی حنیفة و ان کان خمسة عشر یوماً فصاعداً و علیه الفتوی» [1]

و اگر این خون از ۴۰ روزگذشت نه حیض است و نه نفاس بلکه استحاضه است.

و فی ملتقی الابحر:

«و ان زاد علی اکثره و لهاعادة فالزائد علیها استحاضة و الا فـالزاد عـلی الاکـثر فـقط استحاضة...» [2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۵ ربیع الاول ۱۳۹۸ هـ ق

۱- الفتاوی الهندیة: ۳۷/۱.

۲- مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابحر: ۸۲/۱، و مثله فی الشامیة: ۳۰۰/۱.

اگر فقط سه روز خون دیده شود ولی سه شب مکمّل نباشد

الاستفتاء: اگر حائض را سه روزگذشته، ولی سه شب مکمل نشده است، این خون حیض به شمار می‌آید یا استحاضه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: استحاضه است مانع نماز و روزه نیست.

قال فی شرح التنویر:

«و اقله ثلاثة ایام بلیالیها الثلاث»[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر زن نه ساله بود و خون آمد

الاستفتاء: اگر زن نه ساله بود و خون آمد، حیض شمرده شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نه ساله مکمل شده است، حیض شمرده شود.

قال فی الهندیة:

«منها الوقت هومن تسع سنین الی الایاس هکذا فی البدائع »[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم خونی که هنگام زایمان قبل از ولادت فرزند، خارج می‌شود

الاستفتاء: قبل از اینکه فرزند پیدا شود و یا وقتی که قسمتی از بدنش بیرون آمده است، خونی از زن خارج می‌شود، این خون را چه می‌گویند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تا وقتی که فرزند زیاده از نصف خارج نشده است، قبل از آن هر چه دیده شود، استحاضه است، مانع نماز نیست.[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۲۸۴/۱. وکذا فی الفتاوی الهندیة: ۳٦/۱. و بهشتی زیور: ۵۷/۲.

۲- الفتاوی الهندیة: ۳٦/۱.ردالمحتار: ۲۸۵/۱.

۳-کذا فی ردالمحتار: ۲۹۹/۱، الفتاوی الهندیة: ۳۷/۱. بهشتی زیور: ۵۹/۲.

اگر در عین نماز فرض یا سنت و نفل یا روزه‌ی فرض و نفل خون بیاید

الاستفتاء: اگر در عین نماز فرض یا نفل یا سنت یا در میان روزه فرض یا نفل خون بیاید، چکار باید کرد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به جز نماز فرض که آن معاف است، باقی قضای همه بعد از پاکی واجب است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

تغییر عادت ماهانه

الاستفتاء: اگر عادت زنی پنج روز بود، یک بار چهار روز خون آمده بند شود، چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: غسل کرده نماز بخواند اما برای شوهر صحبت روا نیست مگر تا روز عادت نگذارد.(۲)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

عدم وجوب غسل از آمدن خون به مدت یک یا دو روز

الاستفتاء: اگر یک یا دو روز خون آمده بند شود، غسل واجب می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: واجب نیست، چرا که استحاضه بود. وضوء کرده نماز بخواند. ولی برای شوهر صحبت روا نیست. پس اگر قبل ازگذشتن ۱۵ روز خون آمد معلوم شد که آن زمان حیض بود اگر بعد ۱۵ حیض آمد معلوم شد که آن روزها استحاضه بودند قضای آن نمازها واجب است.(۳)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- هکذا فی ردالمحتار: ۲۹۱/۱، و بهشتی زیور: ۵۹/۲.

۲- فتاوی الهندیه: ۳۹/۱. بهشتی زیور: ۶۰/۲. ۳- از: بهشتی: ۶۰/۲.

پاک شدن از عادت ماهیانه در روزی از ماه رمضان

الاستفتاء: اگر در روز رمضان بعد از صبح پاک شد، باقی روز را امساک کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: امساک باقی روز بر او واجب است و قضای روزه واجب است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

هر خونی که در مدت حیض دیده شود، حیض به حساب می‌آید

الاستفتاء: واضح است اکثر مدت حیض ده روز است، اگر دو روز جاری شد و دو روز بند شد و سه روز جاری شد و یک روز بند شد، در این مدت نماز از او ساقط می‌شود یا نه؟ حکم این خونها چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اینها همه خون خیض شمارند، نماز از سر او در این مدت ساقط می‌گردد.

قال فی الهندیة:

«و الدماء فی مدة الحیض یکون حیضاً (الی ان قال) فان لم یجاوز العشرة فالطهر و الدم کلاهما حیض سواء کانت مبتداة او معتادة».(۲)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ صفر ۱۴۰۱ هـ ق

حکم جماع زنی که در مدت ۱۵ الی ۲۰ روز از نفاس پاک شود

الاستفتاء: اگر زنی در مدت ۱۵ الی ۲۰ روز از نفاس پاک شود، جماع با او جائز است یا نه؟

۱- از: بهشتی زیور: ۶۱/۲. ۲- الهندیة: ۱۹/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از غسل یا بعد ازگذشتن ادنیٰ وقت نمازی، جماع با او جائز است.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۴ ربیع الاول ۱۳۸٦ هـ ق

پاک شدن زن قبل از چهل روز از خون نفاس

الاستفتاء: اگر زنی بعد از وضع حمل خون نفاسش قبل از چهل روز قطع شد، آیا شوهر می‌تواند با او جماع کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر زن اولین زایمانش است، هر وقت که نفاس بند شد، مقاربت با او جائز است. البته بعد از غسل یا بعد ازگذشتن وقت نمازی بر او. و اگر اولین زایمان او نیست پس اگر عادتی داشته است و خون قبل از عادت قبلی بند شده است، مقاربت او جائز نیست تا وقت عادت نرسد و اگر بعد از عادت بند شده است، جماع اشکالی ندارد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۴ ربیع الاول ۱۳۸٦ هـ ق

حکم خون رؤیت شده در ایام حمل

الاستفتاء: اگر در ایام حمل از زن حامله خونی خارج شود، آیا عباداتش را متوقف کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: عبادات را متوقف نکند زیرا خونی که در حالت حمل می‌آید، استحاضه است نه حیض، و استحاضه مانع نماز و روزه و... نیست.

قال فی التنویر:

۱-کما فی الطحطاوی علی المراقی ص ۸٦. ردالمحتار: ۲۹۴/۱.

«و ما تراه حامل استحاضة» [۱]

و فیه ایضاً:

«و دم استحاضه کرعاف دائم لایمنع صوماً و صلواة و جماعاً»[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ جمادی الاخر ۱۴۰۹ ه ق

حکم زنانی که هنگام زایمان خون نمی‌بینند

الاستفتاء: بعضی از زن‌ها هنگام ولادت خون نمی‌بینند، آیا نماز یا روزه را انـجام دهند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری، نماز را اداکنند، البته غسل کرده نماز بخوانند، طبق قول امام بزرگ.[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ شوال ۱۴۱۱ ه ق

حکم زنی که ایام حیض او معلوم نیست

الاستفتاء: زنی که ایام حیض او معلوم نیست، گاهی خون حیض وی به مدت پنج روز منقطع می‌شود وگاهی به مدت هفت روز وگاهی به مدت نه روز، پس این زن چند روز حیض شمارش کند؟ آیا هر وقت بند می‌شود غسل کند و نماز بخواند یا اینکه ده روز تکمیل کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این زن اگر از ابتدای حیضش همین طور بـوده است و سابقهٔ عادت ندارد، از ده روز به پائین هر خونی بیاید، حیض است. پس بعد از بند شدن آن، غسل کرده نماز بخواند؛ اگر از سه روز کمتر نباشد.

قال الشامی:

۱- تنویر الابصار مع الدر علی هامش ردالمحتار: ۲۸۵/۱.

۲- المرجع السابق: ۲۹۸/۱.

۳-کذا فی الهندیة: ۱۹/۱. ط کانفور

«اما الاولی (المبتداة) فکل ما رأت ای کل دم رأته حیض ان لم یکن اقل من نصاب »[۱]

و اگر این زن معتاده است که در اول بار پنج یا شش روز خون دیده است، بعداً برقرار نمانده است و به یک بار آمدن حیض زن مبتدئه را، عادت او همان، مقرر می‌گردد و نزد شیخین ـ رحمهما الله ـ حکم معتاده همین است. پس اگر عادتش در ماه اول پنج روز بود و در ماه دوم منتقل شد ولی از ده نگذشت به مدت کمتر از ده بند شد، این همه حیض اند.

و اگر از ده روز گذشت همان مقدار عادت که چند روز اول بوده، حیض است و باقی همه استحاضه است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ ربیع الاول ۱۴۱۳ ه ق

اگر خون جاری شده پس از چند روز قطع شدن دوباره جاری شود

الاستفتاء: زنی که ایام حیضش معلوم نیست و خونش جاری شد تا سه روز، البته سه ساعت کم بند شد و وی سه یا چهار روز نماز خواند، بعداً به سبب زدن یک آمپول دو مرتبه خون جاری شد. آیا این زن سه روز اولی را حیض شمارش کند یا تمام این ده روز را با طهر میانگی حیض شمارش کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: کمتر از ده روز همه را حیض شمارش کند. [۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ ربیع الثانی ۱۴۱۳ ه ق

اگر یک روز خون جاری شود سپس تاروزپنجم قطع شده، دو مرتبه جاری شود

الاستفتاء: زنی که یک روز او را خون حیض آمد و بعداً پاک شد تا روز پنجم دوباره خون دید، حکمش چیست؟

۱- مجموعة رسائل ابن عابدين ص ۸٦ (الرسالة الرابعة: منهل الواردين).

۲- المرجع السابق: ۸۲. ۳- المرجع السابق.

الجواب بسم ملهم الصواب: این پنج روز همه حیض او شماراند بعد از آن پاک شمرده شود، در این صورت برابر است که زن مبتدئه باشد یا معتاده.

قال فی الهندیة:

«فان لم یجاوز العشرة فالطهر و الدم کلاهما حیض سواء کانت مبتدأة او معتادة...»[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

استفاده از داروی مانع حیض

الاستفتاء: زنی که خون حیض خود را به وسیلهٔ قرص بند می‌کند، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعداً عود نکند، پاک می‌باشد.[2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

زنی که به مدت سه روز حیض او بند می‌شود و تا روز چهارم کمی می‌آید، عادت او چند روز است؟

الاستفتاء: زنی که همیشه به مدت سه روز حیض او بند می شود و تا روز چهارم کمی می‌آید، دوباره بند می شود آیا وقتی که در روز سوم بند شد، این زن نماز بخواند یا صبر کند که روز چهارم بیاید و بند شود، سپس نماز را شروع کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این طور است پس عادت او سه روز نیست، چهار روز است چراکه همین خون کم که می‌آید از حیض است. تا کاملاً بند نشود، نماز نخواند. وقتی که متیقن شد که بند شده است غسل کرده نماز را شروع کند. و در روز چهارم

۱- الفتاوی الهندیة: ۱۹/۱، ط کانفور

۲-کذا فی ردالمحتار: ۲۲۵/۱، آخر باب الحیض. استعمال دارو و قرص در صورتی جایز است که سلامتی زن بر اثر آن به خطر نیفتد. بنابراین اگر از نظر طبی ضرر داشته باشد، از استفاده دارو بپرهیزد. (آپ کی مسایل اور ان کاحل: ۲۷۸/۳. مجموعهٔ فتاوی خواتین ۳۱۹/۱).

جماع آن حرام است تا اینکه‌روز چهارم بند شود و بعد آن غسل کرده و نماز بخواند، پس جماعش روا است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۵ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

حکم نماز و روزه‌های زنی که خون نفاس او تا مدت معتادش قطع شد و باز در روز ۳۹ جاری شود

الاستفتاء: زنی که خون نفاس داشت و خونش تا مدت معتاد تمام شد، مثلاً مدت معتاد او شش روز بود خونش منقطع شد باز تا روز ۳۹ باز آمد حالا حکم این نماز و روزه‌هایی که در این مدت انقطاع داشته بود چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعد از ۳۹ یعنی در عین ۳۹ یا عین روز یا شب چهلم آمد و چهل روز را تکمیل نکرد از روز ولادت، این همه روزها روز نفاس شمرده شود، زن معتاده باشد یا مبتدئه. اگر نماز خوانده است، مجرم نیست، قضاء هم ندارد البته اگر روزه داشته است مجرم نیست ولی قضای آن بر وی لازم است. و اگر بعد مدت عادت که شش روز بود ۳۹ روزگذشت و بعد آمد، این استحاضه است و نماز و روزه‌ی او همه صحیح شده‌اند و یا اینکه‌این خون حیض شمار می‌رود.

قال فی الهندیة:

«الطهر المختلل فی الاربعین بین الدمین نفاس عندابی حنیفه ـ رحمه الله ـ و ان کان خمسة عشر یوماً فصا عداً و علیه الفتوی»(۲)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۴ ذیقعده ۱۴۱۴ هـ ق

۱-کذا فی الطحطاوی ص ۸٦ و شامیة: ۲۱۰/۱. ۲- الفتاوی الهندیة: ۱۹/۱، ط کانفور.

اگر خون حیض طبق عادت به مدت هفت روز منقطع شود و بعد از ده روز دو مرتبه جریان پیدا کند

الاستفتاء: عده‌ای از زنان قبل از عادت ماهانه خود خون می‌بینند مثلاً خون حیض طبق عادتش که هفت روز بوده بند شده و شروع به نماز خواندن کرده است. بعد از ده روز دیگر دوباره خون دیده است آیا این خون جزء خون حیض است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این زن اگر از هفت روز عادت قدیمۀ خود ده روزگذشته، و خون دیده است این خون دوم حیض نیست این استحاضه و مرض است که نماز را مانع نیست بلکه او معذور است در وقت هر نماز وضوء کرده نماز بخواند.

قال فی الهندیة:

«و الدماء فی مدة الحیض یکون حیضاً و لو خرج احد الدمین عن مدة الحیض بان رأت یوماً دماً و تسعة طهراً و یوماً دماً لایکون حیضاً لان الدم الاخیر لم یوجد فی مدت الحیض»(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجة ۱۴۱۴ هـ ق

استفاده از داروی ضد حیض در ماه رمضان

الاستفتاء: زنی می‌خواهد روزه‌ی ماه مبارک رمضان را تکمیل بگیرد و حیضش نیاید و برای این نیامدن حیض قرص جلوگیری می‌خورد، آیا ایام حیض که قبلاً عادتش بوده که چند روز هستند، قضای این ایام را بکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: چون حیض بند شده و روزه‌ی رمضان راگرفته است دو مرتبه قضا لازم نیست، کذا فی الفقه.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۴ ربیع الاول ۱۴۱۵ هـ ق

۱- الفتاوی الهندیة: ۱۹/۱، ط کانفور

حکم خونی که بعد از سقط جنین رؤیت می‌شود

الاستفتاء: جنین یک ماهه یا زیر یک ماه وقتی که سقط کند، خونی که دنبال آن می‌آید، آیا نفاس به حساب می‌آید یا خیر؟ پس حکم نماز این زن چیست؟ در صورت لزوم نماز، چطور وضوء بگیرد؟ لطفاً توضیح دهید.

الجواب بسم ملهم الصواب: این خون نفاس شمار نمی‌شود. این خون زمانی بعد تولد فرزند، خون نفاس به شمار می‌رود که بچه بعد از ظهور اعضاها سقط شود و ظهور اعضاها کمتر از ۱۲۰ روز که چهار ماه است، نمی‌شود. و این یک ماهه وکم از آن حتماً خون محض است یا گوشت محض، اعضاء ندارد.

لهذا خونی که بعد از آن جاری گردد، نفاس نیست. ولی در آن این تفصیل است: اگر جریان این خون سه روز به بالا ادامه پیدا کرد و قبل از این سقط یک طهر کامل گذشته است یعنی ۱۵ روز این زن پاک بود و بعد از ۱۵ روز سقط شده پس این خون حیض شمار می‌شود تا مدت حیض ترک نماز و... کند و بعداً غسل کرده نماز و... را ادا کند.و اگر ۱۵ روز طهر نشده سقط کرد، این خون استحاضه است مانع نماز و... نیست. او در حکم معذور است. در وقت هر نماز وضو جدید کرده نماز بخواند یا ۱۵ روز طهر گذشته ولی سه روز ادامه پیدا نکرد یا سه روز ادامه پیدا کرد ولی ۱۵ روز طهر بر وی نگذشته یا دوام سه روز هم نشد و طهر ۱۵ روز هم نگذشته بود، در این تمام صورتها استحاضه است.

و اگر در حال سقط دانسته نشد که اعضاء داشت یا نه؟ و نه عدد ایام حملش، و خون سه روز ادامه داشت پس عدد ایام حیض راکه در ماه‌گذشته بودند حیض شمرده نماز را ترک کند و در باقی ایام ماه بعد غسل از حیض به هر نماز وضوء کرده نماز را ادا کند مثل معذورین.

قال فی التنویر و الدر:

«و سقط ظهر بعض خلقه کیداً و رجلاً او اصبعاً او شعر و لایستبین خلقه الابعد مائة و عشرین یوماً ولد حکما تصیر المرأة به نفساء (الی ان قال) فان لم یظهر له شیء فلیس

بشیء و المرئی حیض ان دام ثلاثاً و تقدمه طهر تام و الااستحاضة و لو لم یدر حاله و لاعدد ایام حملها و دام الدم تـدع الصـلواة ایـام حـیضها بـیقین ثـم تـغسل ثـم تـصلی کمعذور»[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ صفر ۱۴۱٦ هـ ق

اگر مثلاً سه روز از ایام حیض گذشته باشد، به وسیلهٔ استعمال دارو خون منقطع شده چه حکم دارد؟

الاستفتاء: در ایام حیض که مثلاً سه روز از ایام حیض گذشته و زن قرص بخورد یا داروئی دیگر استعمال کند که خون حیض منقطع شود، جائز است یا نه؟ و اگر منقطع شد آیا قبل ازگذشتن تمام ایام عادت مجامعت مرد با او جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است البته مرد احتیاطاً قبل از تمام شدن ایام عادت با زن مجامعت نکند. بنابر احتمال اینکه شاید در همین ایام عادت، حیض عود کند و به وسیلهٔ استعمال دواء خونش منقطع نشود.

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲۳ ذیقعده ۱۴۱٦ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نفاس زنی که به وسیلهٔ سزارین بچه‌اش متولد می‌شود

الاستفتاء: زن حامله‌ای که به وسیلهٔ سزارین بچهٔ او متولد می شود برای نفاس این زن چه حکمی وجود دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر جراحی از راه اعضای مخصوص بود و بعد از بیرون آوردن بچه، خون از اعضای مخصوص جاری شد، خون نفاس شمار می شود تا زمانی که بند نشود آن زن از نماز و روزه و... معذور است. و اگر جراحی از شکم و یا جای دیگر

۱- ردالمحتار: ۳۰۲/۱و ۳۰۳، مطلب فی احوال السقط و احکامه.

غیر از راه مخصوص انجام گرفت و خون دیده نشد مسئله‌ای نیست زن پاک است و نماز و روزه بر او واجب و لازم است. و اگر خون از همان زخم به راه غیر رحم جاری شد او معذور است ولی این عذر مسقط صوم و صلوات نیست. بلکه اگر قدرت دارد روزه گیرد و اگر قدرت ندارد بعداً قضاء واجب است، و نماز را هم هر وقت با وضوء جدید بخواند و اگر نمی‌تواند وضوء کند، تیمم کند. و اگر عمل جراحی به نحوی شد که خون از راه رحم بیرون می‌آید پس نفاس شمار می‌شود.

قال فی الدر:

«فلو ولدته من سرتها ان سال الدم فنفساء و الا فدات جرح».

و فی الرد نقلاً عن البحر:

«من قبل سرتها بان کان ببطنها جرح فانشقت» [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

٦ شوال ۱۴۲۰ هـ ق

اگر در اول ماه هفت روز خون حیض آمد و در آخر ماه دو مرتبه هفت یا شش روز جاری شد، چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: عادت و مدت حیض زنی در اوائل هر ماه هفت روز بود، در یک ماه هفت روز در اول و هفت روز و یا شش روز در اخیر همین ماه خونش آمد. آیا هفت روز اخیر این ماه از حیض شمار می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر از وقت انقطاع خون اول تا خون دوم ۱۵ شبانه روز کامل فاصله بوده است پس این خون دوم حیض شمار است. و اگر از ۱۵ روز کمتر و از ده روز بیشتر فاصله داشت خون حیض نیست و مانع نماز و روزه و جماع و... نیست بلکه استحاضه و مرض به شمار می‌رود و در این مدت در وقت هر نماز وضوء کرده و نماز بخواند.

قال فی الهندیة:

۱- رد المحتار: ۲۹۹/۱

«اذاکان الطهر خمسة عشر یوماً او اکثر یعتبر فاصلاً فیجعل کل واحد من الدین او احدهما بانفراده حیضاً... و اقل الطهر خمساً عشر یوماً و الدماء فی مدة الحیض یکون حیضاً و لو خرج احد الدمین عن مدة الحیض بأن رات یوماً دما و تسعة طهراً و یوماً دماً لایکون حیضا لان الدم الاخیر لم یوجد فی مدة الحیض»[1]

والله اعلم و عمله اتم - دارالافتاء منبع‌العلوم‌کوه‌ون
۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۱ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

زنی دو روز خون ببیند و بعد از ۱۵ روز پاکی باز سه روز از او خون جاری شود

الاستفتاء: زنی دو روز خون دید و ۱۵ روز پاک و بعد سه روز خون دید، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دو روز اول خون حیض نیستند خون فاسد گفته می شود. اگر در این مدت از زن نمازی فوت شده قضای آن الزامی است. و خون دوم اگر بعد از ۱۵ روز کامل آمده و در سه روز مکمل بوده، حیض به شمار می‌رود. و این خون دوم با اول متعلق نیست و جدا است زیراکه طهری که بین این دو خون واقع و فاصل است به ۱۵ روز تکمیل شده است.[2]

والله اعلم بالصواب - دارالافتاء منبع‌العلوم‌کوه‌ون
۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۲۱ هـ ق / الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

استمتاع و ارضای غریزه جنسی در غیر از محل شرعی در وقت حیض

الاستفتاء: در وقت حیض و نفاس آیا شوهر می‌تواند از زن خود در قسمت از ناف به بالا و از زانو به پائین استفاده بگیرد یا خیر؟ مثلاً ذکرش را زیر بغل زن و یا بالای شکم و یا در میان پستان قرار داده و انزال شود. آیا این طریق جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در ایام حیض و نفاس، استفاده از زن از زانو تا ناف بدون

۱- الفتاوی الهندیة: ۱۹/۱.
۲- المرجع السانق: ۱۹/۱.

پرده و حائل حرام است و با پرده و پشت لباس سوای وطیء، استمتاع دیگر مثل بوسه و... جائز است. استفاده از سایر بدن او ولو اینکه بدون پرده نیز باشد، جائز است و هیچ مشکلی ندارد و همچنین اگر به خاطر تسکین خود و تحفظ از زنا ذکرش را بر پشت یا شکم و یا در میان دو پستان زن گذاشت و یا به کمک دست زن خود را انزال کند، گنجائش دارد. تا از گناه نجات حاصل کند.

قال العلامة الشامی:

«فیجوز الاستمتاع بالسرة و ما فوقها و الرکبة و ما تحتها ولو بلا حائل و کذا بما بینها بحائل بغیر الوطی ولو تلطخ دماً»[1]

و فی الهندیة:

«و له ان یقبلها و یضاجها و یستمتع بجمیع بدنها ماخلابین السرة و الرکبة عند ابی حنیفة و ابی یوسف هکذا فی السراج الوهاج» [2]

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۱ ربیع الثانی ۱۴۲۲ هـ ق / الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۱۹۴/۱.

۲- الفتاوی الهندیة: ۳۹/۱.

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق باحكام المعذورين

تعریف و احکام مربوطه به معذور

الاستفتاء: شخصی تا حد کمی به مرض انفلات الریح مبتلا است. اگر ساعت پنج بعدازظهر که وقت اذان است وضوء بگیرد تا نماز عصر که ساعت پنج و بیست دقیقه برگزار می‌شود، وضویش باقی نمی‌ماند بلکه از شکمش باد خارج می‌شود، لیکن در بعضی اوقات یا بیشتر اوقات این مرض پیش نمی‌آید و او آرام نماز خود را می‌خواند به خصوص در صورتی که غذای کم خورده باشد. البته غذا هم فرق دارد، اگر غذایی مانند لوبیا و یا غذایی که در آن نخود و عدس باشد یا میوه‌ای مثل انگور بخورد، باد زیادی از شکمش خارج شده و وضویش می‌شکند. ولی اگر طعامی مانند برنج و گوشت یا اطعمه‌ای که منجمد و خشک است، تناول کند وضویش نمی‌شکند یا اینکه دیر می‌شکند، حکم شرعی درباره‌ی این شخص چیست؟ نماز خود را چطور بخواند؟ آیا در حکم معذورین حساب می‌شود یا نه؟ این هم ناگفته نماند که شخص مذکور عالم و پیشوای مردم است و دیگران همه عوام هستند ولی از حیاء وکم‌رویی نتوانسته است که از کسی سؤال کند، آیا جائز است که با این حالت برای مردم امامت کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ثبوت عذر برای صاحب باد شکم و تسلسل ادرار و... به این طور می‌باشد که معذور، وقتی را از اوقات نماز که کوتاه باشد مثل وقت مغرب یا دراز باشد مثل وقت عشاء، خود انتخاب کند و از اول آن وقت متوجه و مراقب باشد به اهتمام کامل تا آخر آن وقت. پس اگر عذر او در آن وقت به مقدرا وضوء ضروری و فرض به مقدار ضروری آن او را در آن وقت مهلت ندهد، پس او معذور می‌گردد و اگر این طور نباشد، معذور نمی‌گردد.

تفصیل این اجمال: مثلاً زید معذور با اهتمام کامل متوجه شود، چون وقت مغرب داخل گردد برای وضوء برخیزد. سریعاً وضوء بگیرد و فقط چهار اعضای فرض را بشوید، یعنی رو و دست و سر و پا. دیگر همه سنن و مستحبات را ترک کند و برای نماز عجلةً برخیزد و نماز را هم این طور اداکند که در آن غیر فرائض و واجبات، دیگر چیزی انجام ندهد. سنن و مستحبات را هم ترک کند. مثلاً در ابتدا ثناء و تعوّذ و تسمیه را ترک

کند و بعد از فاتحه آمین نگوید و از قرآن فقط مقدار سی حرف بخواند و در رکوع و سجده فقط یک تسبیح بگوید و در قومه **ربنا لک الحمد** نگوید و در دو رکعت اخیر فاتحه نخواند، فقط به مقدار یک تسبیح قیام کرده، رکوع کند و در آخر فقط تشهد خوانده سلام دهد. درود شریف و دعاء نخواند.

خلاصه: اگر به این نحو، زید را عذر او به همین مقدار هم برای نماز خواندن در یک وقتِ نماز، مهلت نمی دهد، پس عذر او ثابت است و او معذور شمرده می شود، بنابراین برای او امامت اصحاء روا نیست و او برای دخول هر وقت یک بار وضوء کند و هر نمازی که می خواهد در آن وقت اداکند. و برای او تا آن وقت باقی است، ضرورت وضویی دیگر نیست و چون بیرون شد وضوء او می شکند. برای وقت دیگر وضوء دیگر کند.

البته اگر ناقضی غیر از این عذر برای وضوء در همان وقت دیده شد، وضوء او می شکند. و اگر صاحب باد است به خواب هم وضوء او در آن وقت نمی شکند.

و چون عذر او یک بار ثابت شد، پس در هر وقت جریان او از اول تا آخر لازم نیست بلکه بعد ثبوت فقط یک بار دیدن آن عذر در یک وقت برای ثبوت عذر او کافی است و چون یک وقت هم در تمام وقت دیده نشد پس او از عذر خود بیرون آمده است.[1]

والله اعلم و عمله اتم - محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ صفر ۱۴۱۱ هـ ق

مثل سؤال قبل

الاستفتاء: مردی مرض زخم معده دارد و از شکم او باد خارج می شود، همین که وضوء گرفت هنوز دست‌هایش خشک نشده یا چند لحظه بعد از آن وضویش می شکند و وضوء دوم می‌گیرد، حکم شرعی در این مورد چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این شخص این طور است که در تمام وقت نماز او را به

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۷٦/۲. ردالمحتار: ۳۰۵/۱، احکام المعذور. البحر الرائق: ۲۲٦/۱ - ۲۲۸، آخر باب الحیض.

قدر وضوء کامل و ادای نماز مکمل فرصت نمی‌دهد، پس او معذور است و حکم او این است که در هر وقت نمازکه داخل شد یک وضو بکند و به آن وضوء در آن وقت هر چه خواهد از فرائض نوافل و قرائت قرآن می‌تواند که بخواند. اگر چه هر قدر باد بیاید ولو اینکه در داخل نماز هم بیاید، باک نکند وضوء او نمی‌شکند تا وقت بیرون شود.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

غره رجب ۱۴۱۲ هـ ق

حکم معذوری که ادرار او دیر بند می‌شود

الاستفتاء: شخصی معذور است یعنی اینکه ادرار او بعد از ادرار کردن دیر بند می‌شود. اگر این فرد معذور مسافر شود صاحب ماشین و دیگر مسافران صبر نمی‌کنند تا او پاک شود و نماز بخواند و اگر این فرد معذور تأخیر یا دیر کند از ماشین عقب می‌افتد و برای او مشکل پیش می‌آید. پس این فرد چطور نماز بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر ممکن باشد در سوراخ حشفه بعد ادرار مقداری پنبه داخل کند و وضوء کرده نماز بخواند، تا وقتی که اثر ادرار به قسمت بیرونی پنبه ظهور نکند، وضوء او باقی می‌ماند. یا بالاتر از حشفه پارچهٔ گرفته اعضای مخصوصه را ببندد نه این قدر تند که اذیت شدید شود، بلکه معتدل ببندد تا اذیت نشود. و قطره هم از قضیب عضو جاری نگردد و وضوء کرده نماز بخواند.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

معذور نمی‌تواند با وضوء ظهر مثلاً، نماز عصر را بخواند

الاستفتاء: آیا فرد معذوری که به طور دائم از او باد یا ادرار خارج می‌شود، می‌تواند با وضوء ظهر نماز عصر را بخواند؟

۱- ردالمحتار: ۳۰۵/۱ و ۲۹۸

۲- مأخوذ از رد المحتار: ۳۰۵/۱، البحر الرائق: ۲۲٦/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: وقتی که معذوریت او ثابت شده است نمی‌تواند بلکه وضوء او مقید است تا آخر همان وقت که وضوء کرده است. چون وقت نماز دوم داخل شد وضوء او خود به خود باطل می‌شود. برای نماز دوم لازم است که بعد از دخول وقت آن، وضوء مجدد بگیرد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

حکم معذوری که دائماً از او باد خارج می‌شود

الاستفتاء: فردی معذور می‌باشد و دائماً از او باد خارج می‌گردد و معذوریت او ثابت شده است. گاهی چنین موارد پیش می‌آید که فرد معذور احساس توالت یا دستشوئی می‌کند ولی این اطمینان را هم دارد جز باد معذوریت چیز دیگری خارج نخواهد شد، آیا به این حالت خواندن نماز جائز است یا نه؟ و اگر نمازها به این وضع خوانده شدند چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است و نمازهایش صحیح‌اند. نمازهای معذورین با وجود عذر و حالت تنگی درست‌اند.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۷ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

ترک جماعت برای شخص معذور

الاستفتاء: فردی به سبب معذوریّت، اگر در جماعت شرکت کند به احتمال خیلی زیاد نمی‌تواند خود را کنترل کند و وضویش می‌شکند اما اگر در منزل بخواند این احتمال وجود دارد که بتواند وضویش را کنترل کرده و با طهارت نماز بخواند و اگر وضوء شکست هم می‌تواند آن را تجدید کند، حکم این فرد چیست آیا می‌تواند جماعت را ترک کند؟

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۷۸/۳.

الجواب بسم ملهم الصواب: برای این فرد ترک جماعت جائز است و او را ثواب جماعت در تنها نماز خواندن می‌رسد.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴۱۴ هـ ق

حکم معذوری که عذری دوم و قابل کنترل دارد

الاستفتاء: مسلمانی مریض می‌باشد و طوری معذور شده که اصلاً اجازه پیدا نمی‌کند با طهارت نماز بخواند و از طرفی دیگر عذر دیگری از همین مرض دارد که قابل کنترل بوده و می‌تواند باکنترل آن نماز بخواند. آیا عذر دومی را هم مثل عذر اول حساب کرده با یک وضوء ولو اینکه عذر دومی در نماز پیش بیاید نماز بخواند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مرض دوم که قابل کنترل است یعنی تمام وقت نمازی را اشغال نمی‌کند. گاهی در وقت دیده می‌شود وگاهی بند می‌شود. این مثل اول نیست یعنی او به آن مرض اول شرعاً معذور است و حکمش این است که در وقت دخول هر نماز یک وضوء کند تا آن وقت باقی است می‌تواند به همان یک وضوء هر چه بخواهد از نمازها می‌توند اداکند. اگر چه آن عذر بار بار بیاید ولی به این مرض دوم که مثل اول همه وقت را اشغال نمی‌کند او معذور نیست و این در اول داخل نمی‌گردد پس به وسیلهٔ مرض دوم وضوء در وقت یا در میان نماز بشکند، باید دو مرتبه وضوء کند، آن وضوء اول کافی نیست.

قال فی الدر و التنویر:

«والمعذور انما تبقی طهارته فی الوقت بشرطین اذا توضأ لعذره ولم یطرأ علیه حدث آخر بان سال منخریه او قرصیه ولو من جدری ثم سال الاخر فلا تبقی طهارته»[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجة ۱۴۱۴ هـ ق

۱-کذا فی الشامی: ۵۱۸/۱. احسن الفتاوی: ۲۸۳/۳.

۲- ردالمحتار: ۲۲۵/۱.

بیماری تقطیرالبول چه وقت عذر شرعی محسوب می‌شود

الاستفتاء: مرض «تقطیرالبول» درکدام حالت عذر شرعی محسوب می‌گردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همان وقت معذور محسوب می‌گردد که عذر او تمام وقت مفروضه را به طوری پوره می‌گیرد که در تمام وقت چنین وقت و زمانی که حالی از حدث باشد نمی‌یابد که در آن وضوء گرفته و نماز بخواند.

قال فی الدر و التنویر:

«و صاحب العذر من به سلسل البول (الی ان قال) ان استوعب عذره تمام وقت صلواة مفروضة بان لایجد نه جمیع وقتها زمنا یتوضأ و یصلی فیه خالیاً عن الحدث... و هذا شرط العذر فی حق الابتداء و فی حق البقاء کفی وجوده فی جزء من الوقت و لو مرة...»(۱)

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۶ شوال ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حکم لباس‌های معذور

الاستفتاء: معذوری که امکان پاک کردن لباس ندارد حتی در عین نماز هم عذر دارد و لباسش آلوده می‌گردد، چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر می‌تواند که بشوید و تا خاتمهٔ نماز توقف کند، واجب است و اگر نه با نجاست نماز بخواند و اگر مریض است که رخت خواب و مصلی او بار بار نجس می شود هم، همین حکم را دارد، نماز بخواند نماز را ترک نکند، **کذا فی التنویر و شرحه و الشامیة و البدائع.** (۲)

والله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۳۰۵/۱.

۲- ردالمحتار: ۲۲۴/۱. بدائع الصنائع: ۲۹/۱.

استنجاء و وضوء مفلوج

الاستفتاء: شخصی فلج است و نمی‌تواند با آب استنجاء کند فقط با سنگ بهتر می‌تواند خودش را پاک کند اما باز هم گاهی اوقات بلکه در بیشتر اوقات، لباسش پلید می‌شود و خودش نمی‌تواند لباسش را پاک کند. در هر ساعت بیرون آوردن لباس‌هایش هم مشکل است. و هم نمی‌تواند وضوء بگیرد، پس این شخص چطور وضوء گرفته و چگونه نماز بخواند و لباسش را چه تدبیر کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این شخص بالغ است ظاهر است که نماز بر وی فرض است پس یکی از اهل آن منزل او را وضوء بدهد و اگر خودش مال و ثروت دارد پس برای وضوء گرفتن خود یکی را مقرر کند و او را حقوق بدهد.

حاصل مسئله این‌که: اگر وقت نماز برایش وضوء دهنده وجود دارد بر وی وضوء ضروری می‌شود و اگر ندارد تیمم کرده و نماز بخواند نمازش صحیح خواهد شد.

قال فی الشامیة:

«و ان جد غیره ممن لو استعان به اعانه ولوز وجته فظاهر المذهب انه لاتیمم ایضاً بلاخلاف»[1]

و اگر دست او اصلاً به وضوء و تیمم قدرت ندارد و کسی دیگر که او را کمک کند وجود ندارد در این حالت مجبوری جائز است که به جای وضوء وتیمم فقط چهره و پیشانی را بر دیواری یا چیزی دیگر چنان بمالد که مسح دیده شود پس نماز بخواند. و اگر قدرت این را هم ندارد پس به همین حالت و بدون وضوء و تیمم نماز است خداوند کریم قبول می‌فرماید.[2]

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۹ ذیقعده ۱۴۲۱ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۲۱۵/۱. وکذا فی خیر الفتاوی: ۴۸/۲.

۲- فتاوی محمودیة: ۱۵۵/۱٦

حکم شخصی که ادرار او خشک نمی‌شود

الاستفتاء: شخصی ادرار می‌کند و بعد از آن به مدت ۱۵ دقیقه یا بیشتر و کمتر خشک نمی شود و بعد از خشک شدن و بلند شدن در حالی که تمام اعمال راکه برای خشک شدن مفیدند مانند سرفه کردن، تکان خوردن، قدم زدن و غیره همه را انجام می دهد و با وجود این اگر بعداً یک قطره بیاید، چه حکمی دارد؟ و آیا این فرد می تواند امامت کند یا نه؟ حکم مسئله را توضیح دهید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در کتب فقه برای معذور شرعی شدن، نخست این شرط تحریر شده است که بر شخص معذور در وقت یک نماز ولو کوتاه در چنین حالت بگذرد که او نتواند وضو را به مقدار ضروری و نماز را هم به مقدار ادای فرائض و واجبات نه سنن، سالم انجام داده و اداکند و باز هم آن عذر پیش نیامده باشد و او را به همین مقدار هم برای وضو و نماز مهلت ندهد.

پس با توجه به این توضیحات چون شخص مذکور که با این همه تدابیر، ادار او خشک نمی شود، اگر در چنین حالت ات که بالا توضیح داده شد، او معذور شرعی به شمار می آید، و حکم او این است که برای وقت هر نماز، وضو گرفته و در این وقت هر مقدار نماز که می تواند، ادا کند. سپس به مجرد خروج این وقت، وضوی او خود به خود نقض می شود و این شخص نمی تواند برای افراد سالم امامت کند.

و اگر در چنین حالت نیست، او معذور شرعی گفته نمی شود. پس در این صورت اگر هر بار که خروج ادار از او متیقن باشد، هر بار باید وضو بگیرد.[1]

والله اعلم و عمله اتم ـ دارالافتاء منبع‌العلوم
۲٦ جمادی الثانی ۱۴۲۲ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱-کذا فی ردالمحتار: ۲۸۰/۱ و ۲۸۱. فتاویٰ دارالعلوم دیوبند: ۲۲۲/۱.

كتاب الطهارة / باب

ما يتعلق باحكام الانجاس

خون مار و سوسمار و کژدم و پس‌افکنده‌ی شتر و گوسفند

الاستفتاء: خون مار و سوسمار و کژدم اگر بر لباس و بدن بیافتد، چه حکم دارد؟ و اندازه‌اش چیست؟ و پس‌افکنده‌ی شتر و گوسفند چه اندازه نجس است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خون مار به قدر کف دست معفو است، بیشتر مانع نماز است و اگر سوسمار خون جاری دارد همین حکم است و پس افگنده‌ی شتر وگوسفند بیشتر از وزن مثقال مانع نماز است.[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیحجة ۱۳۸۴ هـ ق

حکم آب قلیان و آبی که تنباک را خیس می‌کنند

الاستفتاء: آب چلیم و آبی که تمباک را خیس می‌کنند چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خود آب چلیم و آب خیس کرده‌ی تمباک تا در آن نجاست دیگر نیفتد نجس نیست ولی از سبب بوی بدی که دارد، احتیاط اولی‌تر است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیحجة ۱۳۸۴ هـ ق

فراموش کردن جای پلیدی در لباس

الاستفتاء: کسی که بر لباس او پلیدی افتاد و همان جای را فراموش کرد آیا همه‌ی لباس را باید بشوید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فکر کرده و به ظن غالب عمل کند هر قسمت را به ظن غالب بشوید، پاک نمی‌گردد.[2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- الفتاوی الهندیة: ۲۳/۱.

۲- باب النجاس: ۳۲۷.

نگهداری پیه در شکمبه‌ی گوسفند

الاستفتاء: در بعضی جا مروج است که ظروف نجاسات گوسفند را صاف کرده در آن پیه می‌نهند آیا این کار جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است، نزد طرفین زیرا که کرش (شکمبه) و مثانه و روده همه با صلاح پاک می‌گردند.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم پوست مار

الاستفتاء: پوست کشیده‌ی مار که خود می‌کشد، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پاک است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

استعمال لباسی که توسط شخص دیگری پاک شده است

الاستفتاء: پارچه‌ای ناپاک بود و صاحبش به طریق شرعی سه بار شست، پس دیگری می‌تواند استعمال کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند فقط قوه‌ی صاحب لباس در افشردن کافی است.[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

رطوبت اندام نهانی زن

الاستفتاء: رطوبتی که از اندام نهانی زن بیرون آید، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اینجا سه صورت است، آن رطوبت که از فرج خارج باشد

۱- ردالمحتار: ۱۴۹/۱، مطلب فی احکام الدباغة ۲- ردالمحتار: ۱۴۹/۱.

۳-کذا فی فتاوی امدادیة (امداد الفتاوی): ٦١/١، ٦٢، حاشیة مسئله ۹۸.

پاک است. و رطوبت نفس فرج داخل مختلف فیه است. و رطوبت فرج داخل که از رحم بیرون آید، ناپاک است.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم نشستن مگس بر لباس

الاستفتاء: در توالت مگس بسیار است بر لباس‌ها می‌نشینند، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر اثر نجاست به مقدارکف دست بر لباس پیدا می شود، لباس ناپاک می‌گردد و در غیر این صورت نجس نمی شود.

قال فی الخانیة:

«ذباب المستراح اذا جلس علی ثوب لایفسده الا ان یغلب و یکثر» [۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

ازاله‌ی رنگ نجاست ضروری نیست

الاستفتاء: اگر نجاست به حدی هست که ازاله‌ی رنگ آن جز به صابون نمی‌رود، لازم است به صابون شسته شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقط ازاله‌ی اثرش لازمی است، رفتن رنگش ضروری نیست بعد از ازاله‌ی اثر دیگر تکلف ضروری نیست.

قال فی الهندیة:

«و ان کانت شیئاً لایزول اثره الا بمشقة بان یحتاج فی ازالته الی شیء آخر سوی الماء کالصابون لایکلف بازالته هکذا فی التبیین»[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- امداد الفتاوی: ۷۴/۱.
۲- الفتاوی الخانیه علی هامش الهندیه:۳۰/۱.
۳- الفتاوی الهندیة: ۴۲/۱.

داخل نمودن دست در روغن نجس

الاستفتاء: اگر شخصی دست خود را در روغن نجس غوطه داد و شست، اما چربی روغن پاک نشود مگر با صابون، آیا استعمال صابون برای ازاله‌ی چربی لازم است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم نیست شستن به آب کفایت می‌کند.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

شیر گوسفند مرده و بیضهٔ مرغ مرده

الاستفتاء: شیر گوسفند مرده و بیضهٔ مرغ مرده چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: هر دو پاک‌اند به شرطی که تخم مرغ سفت، و پوست داشته باشد.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

نیفشردن لباس نجس به قوه‌ی کامل

الاستفتاء: اگر لباس نجس را به قوه‌ی کامل خون نیفشرد، پاک می‌گردد یا نه؟ سه بار هم شست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پاک نمی‌گردد، بلکه صاحب لباس به قوه‌ی کامل خویش آن را باید بفشارد و بشوید، آنگاه لباس مطلقاً پاک خواهد شد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

مختلط شدن نجاست غلیظه و خفیفه

الاستفتاء: اگر نجاست غلیظه و خفیفه مختلط شدند یا مختلط نشدند، اما در جایی از این و در جایی از آن چیزی رسید که مانع نماز نیست، چه حکم دارد؟

۱- هکذا فی الهندیة: ۴۲/۱.

۲- ردالمحتار: ۱۵۲/۱، احکام البداغة.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر مختلط شدند، ترجیح مطلقا مر غلیظ راست فقط مقدار در هم مانع است و در عدم اختلاط در تساوی یا ازدیاد غلیظ، نیز غلیظه مرجع است و در صورت ازدیاد خفیفه، حکم خفیفه داده شود.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر خانه حصیری یا خیمه‌ی نجس باشد و به علت بارش باران، قطرات بر لباس بیافتند

الاستفتاء: اگر خانهٔ حصیری یا خیمه سقفش نجس بود و در هنگام بارش باران، قطرات آب بر لباس‌های پاک ریخت، پلید می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر لباس‌ها را خیس کند طوری که اثرش ظاهر شود، در این صورت آنها را نجس می‌کند.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم نوشادری که از دخان نجاست درست می‌شود

الاستفتاء: نوشادر که از دخان نجاست درست شود، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نوشادر مذکور پاک است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

اگر فرش نجس را شب تا صبح داخل آب بگذارند، آیا پاک می‌گردد

الاستفتاء: فرش نجس را شبانه در آب گذاشتند، آیا پاک می‌گردد به غیر مالیدن یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بدون مالیدن و فشردن پاک می‌گردد.[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۲۳۵/۱، باب الانجاس.
۲- ردالمحتار: ۲۳۸/۱.
۳- شامی: ۲۴۴/۱.

اگر کسی تقاطر ذکر دارد بالای حشفه را ببندد یا نه؟

الاستفتاء: کسی که تقاطر ذکر دارد اگر بالای حشفه را ببندد تا تقاطر نکند و لباسش پلید نگردد رواست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست. تا وقتی که اثر تقاطر بر لباس ظاهر نشود پلید نمی‌گردد.[۱]

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

طریق تطهیر خرمنی که به وسیله خنزیر نجس شده است

الاستفتاء: یک خرمن گندم مثلاً در جای قرار داشت، خوکی آمده و مقداری از گندم خرمن را خورده و بعد از خوردن توی همین خرمن، مدفوع و ادرار کرده است، آیا راه حل برای طهارتش دارد یا نه؟ اگر دارد به چه طریق است؟ آیا به غیر از آب هم امکان دارد که پاک شود یا خیر؟

بعضی‌ها می‌گویند خرمن مذکور به هیچ صورت پاک نمی‌شود مگر اینکه‌همین دانه‌های پلید شده را در زمین بکارند یعنی به عوض تخم در زمین بکارند وگرنه به غیر از این صورت دیگر راه حل ندارد و بعضی جواب داده‌اند که خرمن مذکوره پاک است حتی فرموده‌اند که اگر قبل از تقسیم خرمن پلید شده را مقداری صدقه و خیرات کنند پاک می‌شود. نظریهٔ شما در این مسئله چیست؟ آیا خرمن مذکور پاک می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگرگندم بر اثر ادرار آن خوک چنان خیس شده که به داخل آن نفوذ کرده باشد، آن دانه‌های تر راگرفته در آب بیندازید تا تر شده آب داخل آن برود، سپس بیرون کرده خشک کنند، سپس در آب کرده و خشک کنند، همین طور تا سه بار این کار را تکرار کنند، پاک می‌گردد.

و اگر این قدر تر نشده است، فقط بر سرش ریخته و خشک شده است، پس به سه

۱- ردالمحتار: ۲۵۳/۱.

صورت که اگر از هرکدام یکی راکند، پاک می‌گردد: یکی اینکه‌مقدار مشکوک راگرفته سه بار شسته خشک کرده و در باقی مخلوط کرده بخورد.

دوم اگر دهقان و مالک تقسیم کردند و عشر بیرون کردند پاک است.

سوم یا مقداری گرفته صدقه یا هبه کرد باقی پاک و حلال است فقط نجاسات ظاهر را دورکند و بشوید.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجة ۱۴۰۵ هـ ق

نجاست سرگین خشک گوسفند

الاستفتاء: آیا پاخانهٔ خشک گوسفند پلید است یا نه؟ و چه قدر پلید است؟ این مسئله را توضیح دهید. و اگر کسی نماز خواند و بعد از فراغ از نماز دید که در جیبش مشتی از پاخانهٔ خشک گوسفند موجود است آیا نماز را اعاده کند یا نه؟ و در همین صورت اگر چند نماز خوانده بعداً آنها را دید آیا نمازها را قضا کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تعجب است از شاگردی که جماعت سه و چهار را خوانده است و تا حال نمی داند که پشک گوسفند پلید است یا نه؟

آری پلید است به نجاست غلیظه، نزد امام اعظم صاحب ـ رحمه الله ـ و همین است قول راجح.

قال العلامة الشامی:

«قوله (من مغلظة) فالروث مغلظ عنده لانه علیه السلام سماه رکساً و لم یعارضه نص آخر»[۲]

و فی الدر و التنویر:

«من مغلظة کعذرة (الی ان قال) و روث و خثی افادبهما نجاسة خرء کل حیوان».

و فی الرد:

«قوله: (افاد بهما...)... و اراد بالحیوان ماله روث او خثی ای سواء کان مأکولاً کالفرس

۱-کذا فی الفتاوی الهندیة: ۲۲/۱، ۲۳، ط کانفور. ۲- ردالمحتار: ۲۳۳/۱، باب الانجاس.

اوالبقر اولا... لکن فی النکت للعلامة قاسم ان قول الامام بالتغلیظ رحجه فی المبسوط و غیره اه. و لذا جری علیه اصحاب المتون»

و فیه ایضاً:

«قوله (و روث و خنثی)... والبعر للابل و الغنم...»[۱]

و اگر همان پشک که در جیب بود به وزن مثقال می‌رسد که مقدار وزن یک تومان سکه‌ای می‌باشد، نماز را اعاده کند هر قدر از نمازها که یاد دارد قضای آنها را لازم است. و اگر کمتر است قضای نماز لازم نیست؛ اگر چه مکروه است و اگر نمازها را یاد ندارد و نمی‌داند که چند مدت است که در جیب من بوده‌اند هیچ نمازی را اعاده نکند.

قال فی الدر و التنویر:

«و هو مثقال عشرون قیراطا فی نجس کثیف». قال الشامی: «هذا هو الصحیح»

و فی الرد:

«قوله (و ان کره تحریماً)... اقول و یؤیده قوله فی القتح و الصلواة مکروهة مع مالا یمنع حتی قیل لو علم قلیل النجاسة علیه فی الصلواة یرفضها مالم یخف فوت الوقت و الجماعة»[۲]

و فی الهندیة:

«ان وجد فی ثوبه نجاسة مغلظة اکثر من قدر الدرهم و لا یدری متی اصابته لا یعید شیئاً من صلواته بالاجماع و هو الاصح»[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۱۱ هـ ق

در چه صورتی قی پلید است؟

الاستفتاء: آیا قی اگر بر لباس بیفتد پلید است؟ به چه دلیل؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قی اگر خون یا زرد آب یا آب یا ریم یا طعام و... باشد بلغم

۱- ردالمحتار: ۲۳۳/۱ و ۲۳۴، بحث فی بول الفارة و بعرها.

۲- ردالمحتار: ۲۳۰/۱ و ۲۳۲. ۳- الفتاویٰ الهندیة: ۳۱/۱. ط کانفور.

نباشد و آن هم به پری دهن باشد و مقدار پری این است که دهن او به آن پری بند نمی‌شود مگر به زحمت و تکلف پس وضو می‌شکند و هم پلید است به نجاست غلیظه.

در در المختار می‌گوید:

«و ینقضه قی ملأ فاه بان یضبط بتکلف من مرة...»

و قال الشامی:

«ای یمسک بتکلف و هذا مامشی علیه فی الهدایة و الاختیار و الکافی و الخلاصة و صححه فخر الاسلام و قاضیخان. و قیل ما لا یقدر علی امساکه قال فی البدائع و علیه اعتمد الشیخ ابو منصور و هو الصحیح. و فی الحلیة الاول الاشبه» [۱]

و مثله فی الهندیة، الی ان قال:

«و فیها ما یخرج من بدن الانسان اذا لم یکن حدثا لایکون نجساً کالقیء القلیل...»[۲]

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ صفر ۱۴۱۱ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: قی پلید است یا پاک؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در موضوع قی تفصیل وجود دارد.

۱ـ اگر چیزی نجس مثل شراب و ادرار نوشیده بود و قی کرد، بلاتفصیل قلیل وکثیر آن پلید است ولی ناقض وضوء نیست.

۲ـ و اگر ریم و خون قی کرد، بلاتفصیل پلید و ناقض است.

۳ـ و اگر آب یا غذا یا خون بسته یا زرد آب بسته و امثال اینها قی کرد، اگر به پری دهن بود ناقض و پلید است به نجاست مغلظه اگر چه از طفل باشد به قول صحیح و ظاهر الروایة. و اگر کم باشد به پری دهن نباشد پلید و ناقض نیست.

۱– ردالمحتار: ۱۰۱/۱. نواقض الوضوء، مثله فی مراقی الفلاح ۵۲ و ۵۳ .

۲– الفتاوی الهندیة: ٦/۱، نواقض الوضوء.

۴ـ اگر قی بلغم خالص است بدون مخلوطی و آمیزش چیزی دیگر اگر چه به پری دهن باشد برابر است که از سر آید یا از سینه، نه ناقض است نه پلید. تفصیل این مسئله در تنویر و در شامی و طحطاوی علی المراقی موجود است.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳ صفر ۱۴۱۳ هـ ق

اصابت دست یا لباس پاک خیس شده به لباس و... نجس

الاستفتاء: اگر لباس آلوده به نجاست مثل ادرار یا منی باشد و آن نجاست خشک شود، اگر دست خیس یا لباس خیس پاک با آن تماس پیدا کند آیا آن لباس و دست خیس پاک، نجس می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر اثر همان نجاست در دست یا لباس خیس دیده شود پلید می‌گردد و اگر اثر ظاهر نشد پلید نمی‌گردد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجة ۱۴۱۳ هـ ق

طریق پاک کردن لباسی که منی خشک شده روی آن هست

الاستفتاء: لباسی که بر آن آب منی دیده شود آیا به مالیدن لباس پاک می شود یا خیر؟ نماز خواندن با آن لباس جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله چهار صورت دارد: وقت بیرون آمدن منی، اگر سر ذکر اولاً پاک بود، در این صورت اگر منی بر لباس رسیده خشک شده است بدون شستن اگر بمالد و دورکند پاک می‌گردد. و اگر فقط بول و یا تنها منی منتشر شده است، باز هم به مالیدن پاک می‌گردد. و اگر قبلاً بول کرد و منتشر شود و منی هم منتشر شود در این صورت بدون شستن پاک نمی‌گردد اگر چه خشک باشد. و آن چه‌تر است حتماً شسته شود.

قال العلامة الشامی:

۱- ردالمحتار: ۱۰۱/۱ الی ۱۰۳، مطلب نواقض الوضوء. حاشیة الطحطاوی علی المراقی ۴۸، نواقض الوضوء.

«و حاصله کما قال نوح آفندی اما ان ینتشر کل من البول و المنی أولاً و لا أو الاول البول فقط أو المنی فقط ففی الاول لایطهر بالفرک و فی الثلاثة الاخیرة یطهر» [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ جمادی الاول ۱۴۱۴ ه ق

حکم استعمال ادکلن

الاستفتاء: مصرف ادکلن چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حقیقت ادکلن برای بنده معلوم نیست که آن را از چه موادی می سازند اگر در آن آمیزش شیء نجس نیست، پاک است و اگر آمیزش نجاست دارد، مثل شراب و غیره ناپاک است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم الحرام ۱۴۱۶ ه ق

اگر خون بیرون آمده از زخم پاک کرده شود، آیا باز هم شستن مکان زخم واجب است؟

الاستفتاء: اگر ساق کسی زخم شد و خون بیرون آمد و به وسیلهٔ پارچه اگر خونها را چنان پاک کند که از اثر خونها غیر از سرخی جای زخم چیزی نماند پس آیا شستن مکان زخم واجب است یا نه؟ و اگر وضوء کرد و جای زخم را نشست نماز را اعاده کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دانستن این امر ضروری است که ازاله‌ی نجاست واجب است و نجاست اگر ذی جرم و مرئیه است به ازاله‌ی عین و اثر آن، پاک می‌گردد و اگر چنین نجاستی است که اثر آن به ازاله‌ی عین زائل نمی‌شود باقی ماندن آن اثر از نظر شرعی عفو است اگر چه کثیر باشد و نجاست اگر غیر مرئیه باشد مثل ادرار و... پس سه مرتبه شسته و هر بار فشرده شود لذا در صورت مسئوله شستن مکان زخم واجب است

۱- ردالمحتار: ۲۲۹/۱، اوائل باب الانجاس.

زیرا که نجاست غیر مرئیه محض به مسح کردن بدون غسل پاک نمی شود.

البته این صورت دیده شود که اگر همان خون که به پارچه پاک کرده است اگر بدون صاف کردن قابل جریان بوده است، پس پاک کردن محلش فرض بوده است. اگر همان خون مانده به مقدار درهم شرعی یا بیشتر بوده و نماز خوانده است نماز را اعاده کند و اگر کمتر بوده اعاده لازم نیست. و اگر از اول قابل جریان نبود و او پاک کرده و محلش را نشست هیچ حرجی نیست نمازش هم صحیح است.

و فی **الفتاوی التاتارخانیة:**

«و اذا کانت النجاسة علی بدن الادمی ذکر فی الاصل انهالایطهر الا بالغسل رطبة کانت او یا بسة لها جرم او لا جرم لها. و فی القدوری لایطهر شیء مما کان فیه نجاسة من ثوب او بدن الا بالغسل الا المنی فانه یجوز فیه الفرک اذا کان یابساً علی الثبوت. و ان کان علی البدن لایکتفی باالحت. و اذا اصاب بدنه دم لم یجز ان یغسله بالماء. قال ابو یوسف فی المحتجم لایجزیه اب یمسح الدم عن موضع الحجامة حتی یغسله»[1]

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۴ ذیقعده ۱۴۱٦ ه ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر بدن کسی مثلاً زخم شد و خون آمد، سپس خون‌ها را به وسیلهٔ پارچه‌ای پاک نمود بعداً وضوء گرفت، آیا شستن جایی که به وسیلهٔ پارچه پاک کرده است لازم است یا پاک کردن کفایت می‌کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آن جای زخم بدون شستن به آب پاک نمی‌گردد؛ البته اگر موضع زخم را به سه خرقه پارچهٔ نظیف با آب‌تر کرده و جای زخم را مالیده و پاک کرده طوری که اثر نجاست زائل گردد هم پاک می شود.

قال فی التاتارخانیة:

۱- فتاوی تارتار خانیه: ۳۱۸/۱، تطهیر النجاسات.

«و اذا كانت النجاسة على بدن الادمى ذكر فى الاصل انها لاتطهر الا بالغسل رطبة كانت او يابسة لها جرم او لاجرم لها، و فى المقدورى لا يطهر شىء مما كان فيه نجاسة من ثوب او بدن الا بالغسل الا المنى. و لو اصاب بدنه دم لم يجز الا ان يغسله بالماء قال ابو يوسف فى المحتجم لا يجزيه ان يمسح الدم عن عن موضع الحجامة حتى يغسله».[۱]

و فى الهندية:

«اذا مسح موضع المحجمة ثبلاث خرقات رطاب نظاف أجزأه عن الغسل لانه يعمل عمل الغسل؛ كذا فى محيط السرخسى».[۲]

والله اعلم و عمله اتم ـ كتبه عبدالغنى، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حكم عرق جنب

الاستفتاء: عرق جنب انسان چه حکم دارد؟ اگر جنب عرق کرد و لباس‌هایش خیس شدند، حکم لباس‌هایش چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: عرق شخصی جنب و زن حیض‌دار و نفاس‌دار پاک است، چراکه جنابت و حیض و نفاس و حدث، نجاست حقیقی نیستند، بلکه نجاسات حکمیه می‌باشند.

قال فى الهنديه:

«و عرق كل شىء معتبر بسوره لانها يتولد ان من لحمه فاخذ احدهما حكم صاحبه و سور الادمى و مايؤكل لحمه طلهر. لان المختلة به اللعاب و قد تولد من لحمه طاهر و يدخل فى هذا الجواب الجنب و الحائض و الكافر...»[۳]

والله اعلم و عمله اتم ـ كتبه عبدالغنى، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۵ جمادی الاول ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- التتار خانيه ۳۱۷ و ۳۱۸/۱ ۲- الهندية: ۴۴/۱

۳- الهداية: ۴۴/۱. غنية المستملى ص ۱۷۰.

حکم شیر و شیر مایهٔ حیوان خود مرده

الاستفتاء: شیری که در پستان حیوان خود مرده مثل گاو و گوسفند وجود دارد، آیا پاک و حلال است؟ امیدواریم که حکم مفتیٰ‌به را با نقل از کتاب‌های فقه احناف برای ما بنویسید. چون بین علماء در این مسئله اختلاف واقع است (از زاهدان)

الجواب بسم ملهم الصواب: شیری که در پستان حیوان مرده وجود دارد، بالاتفاق حرام است. البته در پاکی و عدم پاکی آن بین اصحاب و صاحبین او اختلاف نظر وجود دارد: نزد صاحبین ـ رحمهما الله ـ ناپاک و نجس است و نزد امام بزرگوار ـ رحمه الله ـ پاک است. ولی فتوی به قول امام می‌باشد چراکه در پاکی نفس شیر و شیرمایه مردار، بین امام و صاحبین اختلافی نیست. اختلاف میان ایشان فقط در این است که شیر و شیرمایه بعد از موت حیوان چون که ظرفشان نجس است به نجاست آن متجنس می‌شوند یا نه؟ امام ـ رحمه الله ـ می‌فرمایند: متجنس نمی‌شود و نزد صاحبین ـ رحمهما الله ـ به نجاست ظرفشان متجنس می‌شود.

در طحطاوی علی المراقی می‌نویسد:

«قال فی الفتح لاخلاف بین اصحابنا فی ذلک و انما الخلاف من حیث تنجسها فقالا نعم لمجاورتها الغشاء النجس و قال ابو حنیفه لیستا بمنتجستین لان الموت لایحملها»[1]

«و قد افتی الطهر ابلسی فی فتاداه الکاملیة بقول الامام جزماً و هو بعد الشامی».[2]

و در درالمختار قول امام را ترجیح داده و از سبک عبارت هدایه و ملتقیٰ هم ترجیح قول امام و نیز دلیل امام قوی‌تر معلوم می‌شود. البته از عبارت مواهب ترجیح قول صاحبین معلوم می‌شود. **کما ذکره العلامة ابن عابدین الشامی ـ رحمه الله ـ حیث قال تحت قول الدر «علی الراجح»:**

«ای الذی هو قول الامام و لم أر من صرح بترجیحه و لعله اخذه من تقدیم صاحب الملتقی

۱- حاشیة الطحطاوی: ص ۱۰۰.
۲- الفتاویٰ الکاملیة ص ۱۲.

له و تأخيره قولهما كما هو عادتة فيما يرجحه و عبارته مع الشرح: و انفحة و لبنهما طاهر كاالمذكاة خلافاً لهما لتنجسهما بنجاسة المحل قلنا نجاسته لا تؤثر فی حال الحياة اذ اللبن الخارج من بين فرث و دم طاهر فكذا بعد الموت... و لدفع هذالوهم غيّر العبارة فی مواهب الرحمن فقال: و كذا لبن الميتة و انفحتها و نجساها و هو الاظهر... و افاد ترجيح قولهما و انه لاخلاف فی اللبن علی خلاف ما فی الملتقی و الشرح فافهم»[1]

اما از این قول که «**فافهم**» اشاره است که نزد شامی هم قول مواهب نیست وگویم: خلاف متون و شروح و غیر مدلل است. پس به این وجوه، ترجیح مواهب مرجوح است.

هذا ما فهمت من عباراتهم و الله اعلم و علمه اتم و احکم
احقر محمد عمر (غُفِرَله)
۲۴ ربیع‌المولود ۱۴۲۱ هـ ق

اگر موش یا گربه‌ای در حوض بیفتد و زنده بیرون بیاید

الاستفتاء: در حوض آبی که از ده در ده کمتر بود، موشی یاگربه‌ای افتاد وزنده بیرون آمد، آیا این آب نجس می‌شود یا نه؟ و اگر موش در حوض مذکور افتاد و مرد اما قبل از انفساخ بیرون آورده شود، آن آب چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر بدن آنها اثر نجاست نمایان نیست، اب حوض پاک است. البته باز هم احتیاطاً کشیدن بیست دلو برای موش و چهل دلو برای گربه، مستحب است.

قال فی الهندية:

«و اذا وقع فی البئر فارة يستحب نزح عشرين دلواً و فی السنور و الدجاجة المحلاة نزح اربعين (ان سور هذه الحيوانات مكروه و الغالب ان الماء يصيب فم الواقع حتی لو تيقنا ان الماء لم يصب فم هذه الحيوانات لا ينزح شیء من الماء»[2]

۱- ۲۰۶/۱ اواخر باب المیاه　　۲- الهندية: ۲۱/۱.

و در صورت دوم که قبل از انفساخ بیرون آورده شد، در موش بیست دلو و در گربه چهل دلو کشیده شود.

و فی الهندیة:

«اذا ماتت فارة أو عصفور فی بئر فاخرجت حین مات قبل ان تنتفخ فانه ینزح منها عشرون دلواً الی ثلاثین بعد اخراج الفارة أو العصفور، کذا فی المحیط»(۱)

والله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۲ هـ ق

الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

۱- المرجع السابق: ۱۹/۱.

كتاب الصلاة

تاریخ فرضیت نمازهای پنجگانه

الاستفتاء: در چه تاریخی نماز بر مسلمانان فرض شده است، و آیا نمازهای پنجگانه جمعاً فرض شده‌اند یا جداگانه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از ده سال از نبوت و سه سال قبل از هجرت، در شب معراج همه‌ی نمازها یکباره فرض شده‌اند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲ شعبان- ۱۴۰۲ هـ ق

نماز خواندن بر شیشه‌ای که زیر آن نجاست هست

الاستفتاء: آیا نماز خواندن بر روی شیشه‌ای که زیر آن پلیدی نمودار است، جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

عبور کردن از جلوی نمازگزاری که به یک طرف سلام داده است

الاستفتاء: اگر کسی از جلو نمازگزاری که به یک طرف سلام داده است عبور کند، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

کسی که جلو نمازگزار نشسته است، می‌تواند برخاسته و عبور کند

الاستفتاء: کسی که جلو نمازگزار نشسته است، آیا می‌تواند برخاسته و برود یا نه؟

۱- ردالمحتار: ۳۷۴/۱.

۲- ردالمحتار: ۴۳٦/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: می تواند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

گذشتن از جلو نمازگزاران در مسجدالحرام

الاستفتاء: در مسجدالحرام جلو نمازگزار گذشتن، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله تخصیص مسجد حرام نیست، در هر مسجد بزرگ مقدار دو صف گذاشته، جلو گذشتن رواست. البته برای طواف کننده در مسجد حرام جائز است که فقط موضع سجود راگذاشته جلوتر طواف کند.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

عبور از جلو نمازگزاران به خاطر فساد وضوء

الاستفتاء: اگر کسی به خاطر فساد وضوء، از جلو نمازگزاران بگذرد، جائز است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

گذاشتن سیگار و تنباکو در حالت نماز

الاستفتاء: در حالت نماز، سیگار و تنباکو در جیب داشتن چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز نیست، ولی نماز ادا می شود.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

۱- رد المحتار: ۵۹۵/۱.
۲-احسن الفتاوی: ۴۱۱/۳.
۳-احسن الفتاوی: ۴۱۲/۳.
۴-احسن الفتاوی: ۴۱۴/۳.

حکم شرعی تارک الصلاة

الاستفتاء: در نور الایضاح قبل از باب الوتر می‌آید «**تارک الصلاة عمداً کسلاً یضرب ضرباً شدیداً حتی یسیل منه الدم**». آیا این قول مفتی‌به است یا خیر؟ چه کسی را حق زدن هست حکومت یا ولی یا سرپرست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این قول مفتی‌به است اگر حکومت اسلامی است حواله‌ی اوکرده شود و اگر نیست، اگر سرپرست قدرت این امور دارد انجام دهد چراکه این از باب تعزیر و تأدیب است نه از باب حد که مخصوص به حاکم باشد بلکه حق و تأدیب هر سرپرست ذی قدرت را می‌رسد.

قال فی الشامیه:

«قوله: (و قیل یضرب) قاله الامام الحبوبی ح عن المنح و ظاهر الحلیة ان المذهب فانه قال: و قال اصحابنا فی جماعة منهم الزهری لایقتل بل یعذر و یحبس حتی یموت اویتوب»(۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جماوی الاول ۱۴۰۳ هـ ق

مقدار رکوع در حالت نشسته نماز خواندن

الاستفتاء: مقدار رکوع نمازگزاری که نشسته نماز می‌خواند چه قدر است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این قدر سر را پائین برد که مقابل دو زانوی اوگردد.(۲)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

طریق مسنون رفتن به سجده

الاستفتاء: طریق مسنون از قیام به سجده رفتن چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در وقت رفتن به سجده کمر را کاملاً راست دارد هیچ خم

۱- ردالمحتار: ۲۵۹/۱، اول کتاب الصلاة.   ۲- احسن الفتاوی: ۳۱/۳.

نگردد و اگر نه تکرار رکوع لازم می‌آید.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

زیادتی ثواب عبادات در حرم، مخصوص تمام عبادات است

الاستفتاء: زیادتی ثواب در تمام حرم و در هر عبادت هست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری! ولی به این معنی که نماز خواندن در مسجد حرام برابر است با بیشتر از صدهزار نماز در غیر از مسجدالحرام، و نماز خواندن در غیر مسجد الحرام ولی در زمین حرم، از نماز خواندن د غیر حرم هم همین قدر زیادتی دارد.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

بشارت چهل نماز در مسجد نبوی، صرفاً برای مردان است

الاستفتاء: بشارت چهل نماز در مسجد نبوی ـ ﷺ ـ عام است یا برای مرد است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقط برای مردان است با جماعت، نه زنان که نمازشان در خانه افضل است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

بشارت چهل نماز در مسجد نبوی مقید به تسلسل است یا خیر؟

الاستفتاء: بشارت چهل نماز در مسجد مدینه مقید به تسلسل است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای زیادتی ثواب قید تسلسل نیست، اما برای نجات عذاب و برائت از نفاق مقید به تسلسل با جماعت است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

۱- احسن الفتاوی: ۳۳/۳.

۲- احسن الفتاوی: ۳۴/۳.

دریافت فضیلت تکبیر تحریمه تا چه وقت است

الاستفتاء: فضیلت تکبیر تحریمه تا کدام وقت باقی است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به قول راجح تا ادراک فاتحه.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

حکم شخصی که در نماز بی‌وضوء می‌شود و با این حالت نماز را به پایان می‌رساند

الاستفتاء: شخصی مریض حال در جماعت شرکت می‌کند، در حین جماعت وضویش می شکند با اینکه وضویش شکسته وی از روی سستی و عار و ملامت مردم، نمازش را بدون وضوء با امام به پایان می‌رساند، حکم این فرد چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص سخت مجرم وگنه کار است، بعداً توبه کند، ولی کافر نمی‌شود مگر وقتی که هدفش اهانت نماز باشد که در اعتماد خود نماز را چیزی نمی داند.

قال فی الدر:

«و فی کفر من صلی بغیر طهارة مع العهد خلف فی الروایات...»

و فی الرد:

«ای اختلاف بین اهل المذهب، والمعتمد عدم التکفیر کما هو الظاهر المذهب»[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم الحرام ۱۴۱۱ هـ ق

زنی که در ادای نماز کوتاهی می‌کند، طلاق داده شود یا نه؟

الاستفتاء: مرد مسلمانی که خودش نمازگزار است، به زنش نصیحت می‌کند که نماز بخواند، ولی او در این امر کوتاهی می‌کند و مرد قدرت پرداخت مهریه زن را تماماً

۱- ردالمحتار: ۴۹۱/۱، و احسن الفتاوی: ۳۲۰/۳. ۲- ردالمحتار: ٦٠/۱، اول کتاب الطهارة.

ندارد، آیا با او زندگی کند یا اینکه جدا شود؟ در این مورد این بنده حقیر را راهنمائی کنید.

الجواب بسم ملهم الصواب: اولیٰ‌تر و بهتر ترک‌کردن چنین زنی است. زندگی با چنین زن و نگاه داشتن با کراهیت جائز است، اما چون قدرت دیگری ندارد زندگی با او رواست ولی از نصیحت آن دریغ ندارد. البته اگر انکار نماز می‌کند، زندگی با او حرام است.

در عالمگیریه می‌گوید:

«له امراة فاسقة لاتنزجر لا يجب تطليقها، كذا فى القنية»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ جمادی الاول ۱۴۱۱ هـ ق

حکم شخصی که گفت: (نماز نمی‌خوانم)

الاستفتاء: وقت نماز رسیده بود، شخصی به دیگری گفت که نماز بخوان، وقت نماز است. آن شخص دوم به شوخی گفت که نماز نمی‌خوانم، حکم این شخص چیست؟ و آیا عاصی می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ظاهر است که مسخره‌ی او به نماز نبوده است، بلکه با همان گوینده شوخی کرده است ولی به همین شوخی هم گنه‌کار می‌گردد، توبه کند، چرا که از حدیث معلوم می‌شود که اگر یکی دیگری را به گناهی دعوت دهد اگر چه مرتکب گناه نشود. باز هم توبه و صدقه کند که همین دعوت او ناروا بود. چنانچه فرمودند: ـ صلی الله علیه و سلم ـ **اذا قلت لاخيک تعال لاقامرک. الحديث او كما قال ـ** عليه السلام **ـ**

پس معلوم شد که انکار صوری و شوخی هم از دعوت خیر انسان را من وجه مجرم می‌کند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۱ شوال ۱۴۱۱ هـ ق

۱- الفتاوى الهندية (العالمگيرية): ۱۲۰/۴ ط کانفور.

مفهوم صیغه امر «اللهم صل علی محمد» و خطاب «السلام علیک ایها النبی»

الاستفتاء: عده‌ای می‌گویند: شما می‌گوئید (اللهم صلی علی محمد) لفظ امر استعمال می‌کنید در صورتی که انسان خدا را امر نمی‌کند. و بعضی می‌گویند شما در تشهد می‌گویید (**السلام علیک ایها النبی**). می‌گویند این برای افراد حاضر گفته می‌شود. و حاضر فقط خداوند است، لذا این شرک است.

الجواب بسم ملهم الصواب: قول این بعضی به چند وجه اشتباه است و معلوم می‌شود که این بعض و مرجع تقلیدش از سواد عربی بی‌خبر و صفراند.

اول اینکه کلمات خطاب به نداء در لغت عرب نزد محققین نحو و لغت محض برای استحضار مخاطب و برای متوجه کردن مخاطب‌اند به جانب خطاب خود تحقیقاً باشد یا فقط تخییلاً.

پس در این صورت دانستن مخاطب یا حاضر و ناظر شدن مخاطب اصلاً ضرورت نیست. چنانچه در عربی برای مرده می‌گویند: واجبلاه و واویلاه، و یا زیداه با وجودی که مرده معلوم نیست و نمی‌شنود. بنابراین لازم نیست که لفظ خطاب و نداء به زنده تعلّق گیرد و بس.

علاّمه زمخشری در مفصل و شیخ رضی در شرح کافیه و علامه سیبویه درکلام خود و غیرهم به این تصریح کرده‌اند.[1]

وجه دوم اینکه تمام تشهد و این لفظ سلام به صورت حکایت و اخبار خوانده نمی‌شوند بلکه به فرض انشاء و دعا خوانده می‌شوند. گویا وقتی که این شخص می‌گوید «السلام علیک» معنایش این نیست که یا رسول الله شما حاضر هستید و من به شما سلام می‌دهم چرا که عقیده حاضری و ناظری رسول اکرم - ﷺ - نزد ما هم کفر است بلکه مقصدش این است که شما برای ما همین‌طور فرستادن سلام را دستور داده‌اید، ما می‌خوانیم و فرشته به تو می‌رسانند فقط خیالاً و تخییلاً ما متوجه شما هستیم. چنانچه علامه شامی در ردالمحتار جلد اول این موضوع را توضیح داده

۱-کذا فی معارف السنن: ۳/۹۰.

است.[1]

سوم اینکه بسا اوقات در اقوال و تحریرات در اصطلاح عربیت و غیره چون رسیدن همان خطاب به مخاطب یقینی باشد ولو اینکه به وسیله باشد آن را به صورت خطاب غائبانه بنابر اعتماد رسیدن استعمال می‌کنند مثل اینکه ما و شما در نامه‌ها برای افراد غائب الفاظ خزابیه و السلام علیکم و رحمة‌اللهمی نویسیم محض به تیقن خیالی که این نامه حتماً به فلانی می‌رسد.

شما از همین قائل بپرسید که شما در نامه‌های خود چنین الفاظ یا هم معنای آن می‌نویسید یا نه؟ و اگر می‌نویسد و حتماً هم می‌نویسد، پس جواب شما در آنجا چیست؟ پس همانطور جواب ما را در این مقام باید فهمید.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۸ صفر ۱۴۱۲ هـ ق

مفهوم حدیث (کسی که نماز نمی‌خواند هیچ عبادت او قبول نمی‌شود)

الاستفتاء: مقصود این حدیث چیست؟ کسی که نماز نمی‌خواند هیچ یکی از عبادت او قبول نمی‌شود.

الجواب بسم ملهم الصواب: باید دانست که قبول دو قسم است؛ قبول اصابت و قبول اجابت. قبول اصابت این است که همان عبادت را با شرائط آن انجام می‌دهد و آن عبادت ادا می‌گردد و مسؤولیت فرضیت آن از گردن او ساقط می‌گردد. و قبول اجابت این است که همان عمل او نزد خدا مقبول می‌گردد و او را بر آن ثواب و درجات بزرگ می‌رسد.

مقصود حدیث این است که کسی که نماز نمی‌خواند دیگر عبادات او به درجۀ قبول اجابت کاملاً نمی‌رسد نه اینکه ادا و صحیح نمی‌شوند بلکه ادا و صحیح می‌شود و از مسؤولیت آن بری‌الذمه می‌گردد ولی ثواب و درجات آن به درجۀ قبول اجابت کاملاً نمی‌رسند اگرچه قبول اصابت در آنها دیده شود.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۷ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۵۱۰/۱.

نماز خواندن بر حصیر یا چیزی دیگر که در یک طرف آن نجاست باشد.

الاستفتاء: اگر شخصی بر سر حصیری نماز خواند و بر سر همین حصیر نجاست غلیظه به مقدار یک درهم افتاده بود نه از آن طرف که او رو به آن نماز می‌خواند، مقصد اینکه او کنار همان نجاست نماز می‌خواند، آیا نمازش درست می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: درست است.

در هندیه می‌نویسد:

«ولو صلی علی بساطٍ و فی ناحیة منه نجاسة ان لم تکن فی موضع قدمیه و لا فی موضع سجوده لا تمنع اداء الصلوة سواء کان البساط کبیراً او صغیراً بحیث لو حرک احد طرفیه یتحرک الطرف الاخر هو المختار (الی ان قال) و کذا الثوب و الحصیر»[1]

والله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

نماز خواندن در کشتی

الاستفتاء: کشتی نزدیک به اسکله لنگر انداخته و چندان فاصله‌اش با ساحل دور نیست و وسیله هم نیست اگر مردی یا ساکنین کشتی با این حال در کشتی نماز اداء نمایند، نمازشان درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله سه صورت هست؛ یکی اینکه کشتی در اسکله به طوری لنگر انداخته است که کناره‌ای از آن بر زمین قرار دارد، در این صورت به اتفاق در آن نماز جائز است. دوم اینکه به فاصله از زمین و اسکله لنگر انداخته است ولی امکان بیرون آمدن و بر زمین آمدن هست، در این صورت به قول راجح نماز او در کشتی صحیح نمی‌شود باید بیرون آمده نماز بخواند حتی اگر کشتی لنگر نینداخته در مسیر خود است ولی امکان دارد که آن را ناخدا برکنار برده و نماز را بیرون آن بر زمین اداکند، لازم برکنار برود وگرنه نمازش صحیح نمی‌شود.

۱- الفتاوی الهندیة: ۳۲/۱.

سوم اینکه کشتی در اسکله لنگر انداخته ولی ناخدا بر بردن آن بر لب دریا بر زمین راضی نیست یا عمله را بیرون آمدن به آن اسکله اجازت نیست در این صورت در کشتی نماز ادا کند ولی بعد بیرون آمدن اعادهٔ این نماز بر او واجب است.(۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

حکم نماز خواندن بر حوله

الاستفتاء: حوله‌ای که بعد از غسل برای خشک کردن بدن استعمال می شود، آیا نماز خواندن بر سر آن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ظاهر است آبی که بعد از غسل تا حال بر بدن است پاک است و مستعمل هم نیست. پس حوله هم پاک است و بر سر آن نماز خواندن جائز است ولی بهتر نیست که لباس بذله و حقیر است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۸ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

نماز خواندن بدون وضو عمداً یا در حالت جنابت

الاستفتاء: اگر کسی عمداً بدون وضو یا به حالت جنابت نماز بخواند کافر می شود یا نه؟ اگر کافر می شود زن او طلاق می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله سه صورت‌اند؛ یکی اینکه نماز را عمداً بدون وضو و غسل خواند و هیچ ارادهٔ دیگر نداشت، در این صورت به قول معتمد که ظاهر الروایت است، کافر نمی‌گردد و در روایت نوادر که مرجوح است کافر می شود.

دوم اینکه عمداً بدون وضو نماز می خواند و اراده دارد که نماز فرض است ولی من الآن وضو نمی‌توانم که زیاد سرد است یا اینجا اگر غسل و وضو گیرم مرا ملامت می‌کنند، در این صورت هم کافر نمی شود، اگرچه در این صورت نماز را خفیف می داند ولی از سستی و جهالت خود نه از راه تخفیف به دین و نفس نماز.

سوم اینکه نماز را عمداً بی وضو می خواند به این اراده که این دین و نماز کاری مهم

۱- احسن الفتاوی: ۸۹/۴ نقلاً عن ردالمحتار: ۷۱۴/۱.

نیست بلکه او را مسخره می‌کند و می داند در این صورت به اتفاق علماء کافر و زنش از او جداست.

قال فی الدر:

«قلت و به ظهر ان تعمد الصلوة بلا طهر غیر مکفر».

و فی الرد:

«قوله (غیر مکفر) اشاره به الی الرد علی بعض المشائخ حیث قال المختار انه یکفر بالصلوة بغیر طهاره،... (قوله کما فی الخانیه)... و ان الاکفار روایة النوادر و فی ظاهر الروایة لا یکون کفراً... و هذا مؤید لما بحثه فی الخانیة لکن بعد اعتبار کونه مستخفاً و مستهیناً بالدین کما علمت من کلام الخانیه و هو بمعنی الاستهزاء و لا سخریة بل المجرد الکسل او الجهل فینبغی ان لا یکون کفراً عند الکل. قوله (خلف) ای اختلاف بین اهل المذهب و المعتمد عدم التکفیر کما هو ظاهر المذهب...الخ»[1]

و آنچه در فتاوی هندیه[2] در موجبات کفر، حکم تکفیر نوشته است، مدارش روایت نوادر است که مرجوح است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۹ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

یکی از اغلاط عوام درباره‌ی شخص بی‌نماز

الاستفتاء: می‌گویند اگر کسی به شخص بی‌نماز یک لقمه خوراک یا یک پوشاک بدهد، گناهش بیشتر از اینکه کسی ۷۰ رسول یا ۷۰ قرآن را بسوزاند، این صحیح است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این دروغ محض است، هیچ ثبوتی ندارد.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۲ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

بی‌نماز با انجام عمل نیک ثواب کسب می‌کند.

الاستفتاء: اگر شخص بی‌نماز عمل صالح انجام دهد، آیا ثواب دارد یا نه؟

۱- ردالمحتار: ٦٠/١، اول کتاب الطهارة، و ص ۱۸۵، التیمم مطلب فاقد الطهورین.

۲- الهندیة: ۲۸۴/۲.

الجواب بسم ملهم الصواب: به قدر اخلاص خود ثواب دارد. و جرم بی‌نمازی مستقل بر او هست.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۲ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

سجده کردن روی موهای سر

الاستفتاء: اگر موی سر دراز باشد و پیشانی را بگیرد، سجده کردن بر اینها چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست، چرا که مو نرم است نمی‌تواند مانع رسیدن به زمین باشد.

قال فی‌الهندیة:

«و لو سجد علی الحشیش او التبن او القطن او الطنفسة او الثلج ان استقر جبهته وانفه و یجد حجمه یجوز و ان لم تستقر لا»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۱ ذیقعده ۱۴۱۴ هـ ق

حکم نماز کسانی که فاتحه و... را به خوبی یاد ندارند

الاستفتاء: حکم کسانی که هیچ چیزی به خوبی از قرآن یاد ندارند و فاتحه را نمی‌دانند. آیا نماز آنها در دربار خداوند قبول می‌شود یا نه؟ و آیا اینها را به همین نابلدی ثواب می‌رسد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز اینها صحیح است و امید ثواب هم هست، البته بر آنها واجب است که سعی کنند تا نماز را یاد بگیرند و صحیح بخوانند. به خاطر ترک سعی در یادگیری گنه‌کار و مسئول می‌شوند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۵ هـ ق

۱- الهندیة: ۷۰/۱، فرائض الصلاة.

نماز خواندن در خانه‌ای که ماهی یا حیوانی دیگر خشک شده و آویران است

الاستفتاء: در این زمانه بعضی از مردم حیوانات دریایی را می‌گیرند مانند ماهی و به آن موادی می‌زنند تا خشک شود و بعداً آن را داخل خانه بر روی دیوار برای آرایش و زینت نصب می‌کنند، نماز خواندن در چنین منزلی چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است. این مثل عکس نیست، چراکه خود جسم ماهی است نه عکس آن. چنانچه ماهی را در خانه نهاندن و نماز خواندن هم اشکال ندارد.

در حدیث آمده است که عبورکردن هیچ حیوانی از جلو نمازگزار، نماز او را فاسد و خراب نمی‌کند. و در مذهب هم همین طور است.[۱]

حضرت ابن عباس ـ رضي الله عنه ـ می‌گوید: بر ماده خری سوار بودیم و در جلو بعضی صف‌های نماز رسول‌الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ در منیٰ می‌گذشتم. هیچ کس بر من اعتراض نکرد و نماز آنان را قطع نکرد.[۲]

همچنین در حدیث است که حضور رسول اکرم ـ صلی الله علیه وسلم ـ و صحابه ـ رضي الله عنهم ـ گاهی شتران خود را به جای ستره جلو نماز نشانده، نماز می‌خواندند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۵ هـ ق

خواندن فاتحه در دو رکعت اخیر نمازهای فرض

الاستفتاء: اگر کسی عمداً در دو رکعت آخر از نمازهای چهار رکعتی فرض که خالی از سوره هستند، فاتحه نخواند و فقط بایستد، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خواندن الحمد بهتر است، وگر نخواند، نماز روا باشد.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۲ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

۱- رواه البخاری فی صحیحه: ۱۲۹/۱، الصلاة، باب ۱۰۵، ح ۵۱۴ و ۵۱۵.

۲- رواه مسلم فی صحیحه: ۲۹۵/۱، الصلاة، باب ۴۷ و الترمذی فی سننه ۲۵۲/۱، ابواب الصلاة، باب ۲۵۲.

اگر کسی در حالی وارد مسجد شود که جماعت به پایان رسیده باشد

الاستفتاء: مردی در مسجد داخل شد، دید نماز جماعت به اتمام رسیده، نماز خود را در مسجد ادا نماید یا دوباره برگردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اصل این است که برگردد و در خانه رفته نماز بخواند، اما چون داخل مسجد رسیده است آنجا نمازگذارد و صورت اول نزد بعضی بهتر است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۹ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

نیت نماز در صورتی که شخص نداند که وقت نماز باقی است یا نـه؟ و یـا بـه صورت تردد نیّت کند

الاستفتاء: اگر شخصی نیت نمازکرد اما ندانست که وقت این نماز منوی خارج شده است یا به این صورت نیت می‌کند که (نیت دارم که ادا کنم چهار رکعت نماز فـرض عشاء اگر وقت باقی است و نیت می‌کنم که قضای به جای آورم نماز عشاء را اگر وقتش گذشته است) پس این نیّت نماز ادا می‌شود، اگر وقت هست و قضایی به جا آورده شود، اگر وقت گذشته باشد نیاز به اعاده دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز به هر صورت صحیح است و ادا می‌گردد زیراکه اداء به نیت قضاء، و قضاء به نیت اداء جائز است.

قال فی التاتارخانیة:

> **«و اذا کان الرجل شاکا فی وقت الظهر هل هو باق فنوی ظهر الوقت فاذالوقت قد خرج یجوز بناء علی ان القضاء بنیة الاداء یجوز و الاداء بنیة القـضاء ایـضاً یـجوز هـذا هـو المختار»[1]**

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۹ رجب ۱۴۱۴ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- الفتاوی التارتار خانیه: ۴۲۳/۱کتاب الصلاة، الفرائض

نماز و وضوء شخصی که چشمش عمل جراحی شده است

الاستفتاء: شخصی هر دو چشمش یا یک چشمش عمل جراحی شده است و طبق دستور پزشک مدت چهل روز نباید صورت خود را بشوید، این شخص موقع نماز چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بر روی چشم پانسمان پیچیده شده، و شستن برای آن ضرر دارد، پس جایی که پانسمان پیچیده مسح کند، اگر از شستن صورت، خطر سرایت آب به سوی چشم دارد و از آن چشم ضرری به او عائد می‌گردد، پس همه روی خود را مسح کند و دیگر اعضاء وضوء را بشوید، موقعی که نماز می‌خواند اگر نمی‌تواند سجده را به جا آورد به اشاره نماز بخواند.

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه محمدیوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۷ صفر ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نماز خواندن در تاریکی

الاستفتاء: خواندن نماز عشاء در تاریکی با جماعت یا بدون جماعت درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ادا نمودن و خواندن نماز در تاریکی اگر روی نمازگزار به طرف قبله راست و برابر باشد و مقتدی‌ها از حالات و حرکات امام واقف و معلوم باشند، جائز است و اشکالی ندارد.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم
٢٦ ربیع الاول ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- آپ کی مسائل او ران کاحل: ۱۸۳/۲

اگر قرائت در نماز بسیار آرام باشد، طوری که خودش هم نشنود

الاستفتاء: شخصی که در نماز فاتحه و سوره را چنان نرم می خواند که صدا به گوش خودش هم نمی‌رسد، آیا نمازش صحیح می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح و معتبر این است که نمازگزار قرائت را به صدای بلند بخواند که درگوش خود نمازگزار برسد.

کرخی و ابوبکر بلخی همچنان هم نماز را صحیح قرار داده‌اند، ولی قول اول اصح و ارجح است.

قال فی‌الدر:

«و ادنی الجهر اسماع غیره و ادنی المخافة اسماع نفسه».

و فی الرد:

«اعلم انهم اختلفوا فی حد وجود القراءة علی ثلاثة اقوال: فشرط الهند و انی و الفضلی لوجودها خروج صوت یصل اذنه و به قال الشافعی، و شرط المریسی و احمد خروج الصوت من الفم و ان لم یصلی الی اذنه لکن بشرط کونه مسموعاً فی الجملة حتی لو ادنی احد الی فیه یسمع و لم یشترط الکرخی و ابوبکر البلخی السماع و اکتفیا بتصحیح الحروف... و ان ما قاله الهند و ان اصح و ارجح لاعتماد اکثر علمائنا»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۲ جمادی الاول ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اگر در صف اول جماعت جا نباشد، شخصی که تنها است چکار کند؟

الاستفتاء: شخصی به جماعت می‌آید، اما در صف اول جای نیست، آیا تنها در صف اخیر بایستد یا از صف اول کسی را بکشد به جای خود تا دو نفر باشند.؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در صف اول جای نیست، انتظارکشد تا یکی بیاید. اگر کسی نیامد از صف چنین کسی را بکشد و به جای خود بیاورد که در مسئله واقفیت

۱- ردالمحتار: ۳۹۳/۱، فصل فی القراءة.

داشته باشد، اگر چنین کسی در نظرش نیامد تنها مقابل امام پشت صف اول قیام کند.
قال فی الرد:

«انتظر حتی یجی آخر فیقفان خلفه و ان لم یجی حتی رکع الامام یختار اعلم الناس بهذه المسئلة فجذبه و یقفان خلفه و لولم یجد عالماً یقف خلف الصف بخداء الامام للفرورة»[۱]

اما در این زمان ترک جذب اولی‌تر است بنابر فتنه و جهالت.
و فی الدر:

«و کذا القیام منفرداً ان لم یجد فرجة بل یجذب احدا من الصف ذکره ابن الکمال لکن قالو فی زماننا ترکه اولی».

قال العلامةالشامی:

«و الاصح ما روی هشام عن محمد انه ینتظر الی الرکوع فان جاء و الاجذب الیه رجلا او دخل فی الصف ثم قال فی القنیة و القیام و حده اولی فی زماننا لغلبة الجهل علی العوام»[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم
۲٦ جمادی الاول ۱۴۱۷ ه‍ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نماز در کشتی

الاستفتاء: نماز خواندن در کشتی که کنار اسکله بسته شده است، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر کشتی که کنار اسکله بسته بر زمین مستقر است پس نماز درست می‌شود و اگر بر زمین مستقر نیست و خارج شدن از آن ممکن است که آن شخص از کشتی خارج شود و بر زمین نماز بخواند در این صورت نیز نزد بعضی نماز در کشتی صحیح است ولی قول را حج و محقق در صورت دوم عدم جواز است یعنی در کشتی نماز درست نیست.
قال فی الهندیة:

۱- ردالمحتار: ۵۳۱/۱. باب الامامة، مطلب کراهیة قیام الامام فی غیر المحراب.
۲- ردالمحتار: ۴۷۸/۱، مکروهات الصلاة.

«و لو كانت السفينة مشدودة لاتجرى لاتجوز اجماعاً كذا فى التهذيب، و لو صلى فيها فان كانت مشدودة على الحد مستقرة على الارض فصلى قائماً اجزأه و ان لم تكن مستقرة و يمكنه الخروج عليها لم يجز الصلاة فيها»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ كتبه يارمحمد، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۵ ذيقعده ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

ثبوت روگرداندن و دعا خواندن امام به طرف مقتدی‌ها بعد از نماز

الاستفتاء: حدیثی که دلالت بر این نماید که رسول الله ـ ﷺ ـ بعد از نماز رو به مقتدی کرده و دعاء خوانده، بنویسید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: گردانیدن روی به جانب مقتدیها از احادیث ثابت است برای خواندن دعاء البته رفع یدین به اجتماع ثابت نیست مگر یک بار یا دو بار روایت ضعیف.

۱) ما رواه البخارى عن سمرة بن جندب ـ رضي الله عنه ـ قال:

«كان النبى صلى الله عليه و سلم اذا صلى صلواة اقبل علينا بوجهه»[۲]

۲) ما رواه ابو داود عن جابر بن زيد بن الاسود عن ابيه قال:

«صليت خلف رسول ـ ﷺ ـ فكان اذا انصرف انحرف»[۳]

۳) ما رواه مسلم عن ابى عوانه عن السدى قال:

«سألت انساً كيف انصرف اذا صليت عن يمينى و عن يسارى؟ قال اما أنا فاكثر ما رأيت رسول ـ ﷺ ـ ينحرف عن يمينه»[۴]

و قد ذكر النووى الشافعى تحت هذا الحديث:

«و مذهبنا انه لاكراهة فى واحد من الامرين لكن يستحب ان ينصرف فى جهة حاجته سواء

۱- الفتاوى الهندية: ۱۴۴/۱، احسن الفتاوى ۸۹/۴.
۲- صحيح البخارى: ۱۱۷/۱، باب يستقبل الامام الناس اذا سلم.
۳- سنن ابى داود: ۹۰/۱، فى باب الامام ينحرف بعد التسليم.
۴- صحيح مسلم، ۲۴۷/۱، باب جواز الانصراف من الصلواة عن اليمين و الشمال.

کانت عن یمینه او شماله فان استوی الجهتان فی الحاجة و عدمها فالیمین افضل لعموم الاحادیث المصرحة لفضل الیمین فی باب المکارم و نحوها»

۴) ما وراه مسلم ایضاً عن البراء ـ رضی الله عنه ـ قال:

کنا اذا صلینا خلف رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ احببنا ان نکون عن یمینه یقبل بوجهه قال فسمعته یقول رب قنی عذابک یوم تبعث و تجمع عبادک »

قال القاضی تحت هذا الحدیث:

«یحتمل ان یکون التیامن عند التسلیم و هو الاظهر لان عبادته ـ صلی الله علیه وسلم ـ اذا انصرف ان یستقبل جمعیهم بوجهه»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم
۵ محرم الحرام ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حکم نماز خواندن دیوانه در حالت دیوانگی

الاستفتاء: اگر دیوانه‌ای در حالت دیوانگی با طهارت نماز بخواند، نمازش رواست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر دیوانه این قدر عقل دارد که نماز و نیت و وقت و رکعات و دیگر شرایط را می داند و می‌فهمد نمازش روا است و طهارتش صحیح است و اگر احساس این امور ندارد، طهارت و نماز او اعتبار ندارد.

قال الشامی:

«لان الجنون او الاغماء ینتضه»[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۲ رجب ۱۴۱۲ هـ ق

۱ـ صحیح مسلم مع شرحه للنووی: ۲۴۷/۱، باب استحباب عین الامام .
۲ـ ردالمحتار: ۲٦۲/۱، اول کتاب الصلاة

قول راجح در مورد فرضیت خروج از نماز به فعل مصلّی

الاستفتاء: از بسیاری از کتب فقهی معلوم می‌شود که خروج به فعل مصلی نزد امام اعظم فرض است و علامه حافظ محمد اعزاز علی در توضیح الضروری لمختصر القدوری باب الجماعة صفحهٔ ۲۷ شماره‌ی ۷ می‌نویسد که علامه کرخی این انتساب را به طرف امام اعظم صحیح قرار نمی‌دهد و می‌گوید در این مورد از خود امام بزرگوار ـ ﷺ ـ نصّی موجود نیست، بلکه این قول خروج بصنعه را که فرض است، ابوسعید برذعی به جانب امام ـ ﷺ ـ نسبت داده‌اند و ایشان را اشتباه پیدا شده، موضع اشتباه ایشان از اینجاست زمانی که امام ابو حنیفه ـ ﷺ ـ در مسئله اثناعشریه قائل به بطلان نماز نشدند پس ابو سعید برذعی فهمیدند که خروج بصنعه فرض است نزد امام. این را از طرف خود گفتند و این اشتباهی است از خود ایشان.

عبارت حافظاً این است: **قوله بطلت قيل هذا الخلاف مبنى على اصل و هو ان الخروج من الصلاة بفعل المصلى فرض عنده و عندهما ليس بفرض و كان الكرخى ـ ﷺ ـ يقول لاخلاف بين اصحابنا ان الخروج بفعل المصلى ليس بفرض و ليس فيه نص عن ابى حنيفة ـ ﷺ ـ انه فرض و انما استبطه ابو سعيد البرذعى لما رأى جواب ابى حنيفه ـ ﷺ ـ فى هذا السمائل انها تبطل فقال من ذات نفسه ان الصلاة لا تبطل الا بترک فرض و لم يبق عليه الا الخروج منها بفعله فقال الخروج من الصلاة بفعل المصلى فرض عنده و هذا غلط منه لانه لو كان فرضاً كما زعمه لاختص بما هو فوقه و هو السلام و لما لم يختص به علمنا انه ليس بفرض و انما قال تبطل صلاته فى هذا المسائل لان ما يغير فى اثنائها يغير فى آخرهاكنية الاقامة و اقتداء المسافر بالمقيم لا لان الخروج من الصلاة بفعل المصلى فرض عنده.**

الجواب بسم ملهم الصواب: مسلم است که در این مسئله نصّی از خود امام ابو حنیفه ـ قدس سره و رحمة الله علیه ـ در خصوص این جزئی نیست، اما از قواعد و اصولی که امام بزرگوار ـ ﷺ ـ طرح فرموده است این مسئله جزئیه برمی‌آید و تخریج می‌شود. لهذا تخریج حضرت برذعی صحیح و مختار و مؤید است چنانچه فقیه النفس العلامة الشرنبلالی در رساله‌ی «**المسائل البهیته الزکیة**» قول کرخی را رد کرده و قول برذعی را

مدللاً تأکید کرده است . قال الشامی فی ردالمحتار:

«قد انتصر العلامة الشر نبلالی للبرذعی فی رسالته المسائل البهیة الزکیة علی الاثناعشریة. بانه قد مشی علی افتراض الخروج بصنعه صاحب الهدایة و تبعه الشراح و عامة المشائخ و اکثر المحققین و الامام النسفی فی الوافی و الکافی و الکنز و شروحه و امام اهل السنة الشیخ ابو منصور الماتریدی»[۱]

و آنچه حضرت مولانا ـ ﷺ ـ در توضیح ضروری نقل کرده، قول کرخی است که مرجوح است و غیر مختار.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۵ ربیع الاول ۱۴۱٦ هـ ق

آیا بین نماز زن و نماز مرد تفاوت وجود دارد؟

الاستفتاء: آیا طریق و آداب خواندن نماز زن با مرد فرق می‌کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری فرق می‌کند مثلاً وقت تکبیر اولیٰ زن دست را تا شانه بردارد و بر سینه زیر پستان ببندد. و دست را از آستین بیرون نکند وقت بلند کردن دستها وکف دست را برکف نهد. و در رکوع کمی خود را خم کند نه بسیار. و انگشتها را در رکوع گشاده ندارد بلکه خم کند و در رکوع خود را جمع کند و در سجود نیز. و ساعدین را بر زمین فرش کند ومتورک در تشهد بنشیند.

خلاصه اینکه در ۲۶ مسئله، نماز زن با نماز مرد فرق دارد[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ ربیع الاول ۱۴۱٦ هـ ق

اهل سنت چرا و از چه زمانی دست بسته نماز می‌خوانند؟

الاستفتاء: از چه زمانی و به چه سبب برادران اهل تسنن به صورت دست بسته در پیشگاه حضرت اقدس احدیت اقامه نماز بجا می‌آورند و بدون مهر خاکی به سجده

۱- ردالمحتار: ۳۳۱/۱، صفحة الصلاة بحث الخروج بصنعه. احسن الفتاوی: ۴۸/۳.

۲-کذا فی ردالمحتار: ۳۷۳/۱، صفحة الصلاة، بعد مطلب فی اطالة الرکوع للجائی.

می روند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: زمانی که نبی امی، ختمی مرتبت ـ ﷺ ـ در شب معراج از حضرت احدیت ـ جل جلاله ـ مأمور به ادای نمازهای پنج‌گانه شدند. و ایشان اولین نماز ظهری که در مکه مکرمة به امامت حضرت جبرئیل ـ علیه السلام ـ ادا فرمودند در روایات صحیحهٔ احادیث وارد و موجود است که ایشان دست بسته نماز خواندند و و از آن به بعد همیشه تا دم موت به همین طریق دست بسته نماز ادا فرمودند.

لذا سنی‌ها نقش عمل نبی امی ختمی مرتبت را بر خود سنت و عمل پیرا دانسته عمل کردند. و نزد اهل سنت در تمام طول عمر نبی ختمی مرتبت ـ ﷺ ـ یک بار هم طبق روایات صحیحه دست باز و بر سرمهر خاکی نماز نخوانده‌اند، بلکه همیشه دست بسته و بر سر زمین سجده کرده‌اند و گاهی بر حصیر و گاهی بر سر فرش هم نماز خوانده‌اند. از این وجه سنی‌ها مذهباً و ایماناً مجبوراند که از مسیر مرجع و رهبر و پیغمبر و مقتدای خود کج روی و عقب‌نشینی نکنند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ شعبان ۱۴۱۸ هـ ق

نماز خواندن در جای اذان گفتن

الاستفتاء: اگر جای مؤذن بیرون از پیشگاه مسجد باشد و بر آن نماز بخواند چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر جای مؤذن خارج از پیشگاه مسجد باشد پس آن حکم مسجد ندارد نماز باید در مسجد اداء کرده شود.

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۰ ذیحجة ۱۴۱۹ هـ ق
الجواب صحیح محمد عمر (غُفِرَله)

ثبوت تسویهٔ صفوف توسط امام هنگام اقامت گفتن

الاستفتاء: هنگامی که اقامت‌گو در حال اقامت گفتن است و مردم در صف ایستاده‌اند، امام عادتاً هر روز مشغول حرف زدن است، مثلاً می‌گوید جلو بیائید و

صف را راست کنید، آیا این کار جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جایز است چراکه برابرکردن صفوف امری مهم است لذا برای امام باید است که مردمان را دستور و تذکر بدهد به تسویۀ صفوف هنگامی که کجی‌های صفوف را مشاهده کند. البته بدون ضرورت صحبت نکند.[1]

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۲۱ هـ ق
الجواب صحیح محمد عمر (غُفِرَله)

به علت خیس شدن زمین نماز ساقط نخواهد شد

الاستفتاء: شخصی در دشتی قرار دارد که به علت بارندگی زیاد زمین کاملاً خیس است و پستی و بلندی هم وجود ندارد، یعنی کاملاً هموار است. حالا وقت نماز فرا رسیده این شخص چطور نماز بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جای نرم و خوب پیدا کرده نماز را به نحوی اداکند. چرا که به خیس شدن زمین نماز از ذمه او ساقط نمی‌شود.

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۴ ذیقعده ۱۴۲۱ هـ ق
الجواب صحیح محمد عمر (غُفِرَله)

پیامبر - ﷺ - قبل از معراج چگونه و چند وقت نماز خوانده است

الاستفتاء: وقتی پیامبر - ﷺ - هنوز به معراج نرفته بود، چند وقت و چطور نماز خوانده است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: روزی دو بار صبح و شام نماز خوانده است.

امام مزنی شافعی می‌فرماید: قبل از فرضیت نمازهای پنج گانه آن حضرت - ﷺ - روزی دو بار قبل از غروب و بعد از طلوع نماز می‌خواند. و این گفته را این قول خداوندی تأیید می‌کند: ﴿و سبح بحمد ربک بالعشی و الا بکار﴾

۱-کذا فی الدرالمختار بهامش ردالمحتار: ۵۶۸/۱، الامامة. و در تفسیر ابن کثیر نوشته است: این عمل از حضرت عمر - رضی الله عنه - ثبوت دارد. (مختصر تفسیر ابن کثیر: ۱۹۲/۳، تحت آیۀ ۱۶۵ سوره صافات.

چنانچه بعضی این قول حضرت عائشه ـ رضی الله عنها ـ که «**فرضت الصلاة رکعتین...**» را چنین توجیه کرده‌اند که نماز قبل از معراج در دو وقت بود و در معراج زیادکرده شدند هم در اوقات و هم در تعداد.[۱]

وقال العلامة العینی الحنفی:

«**و یکن قولها فرضت الصلاة رکعتین» ای قبل الاسراء لان الصلاة قبل الاسراء کانت صلاة قبل غروب الشمس والصلاة قبل طلوعها و یشهد له قوله تعالی (و سبح بالعشی و الابکار) قال ابواسحاق الحربی و یحیی بن سلام»** [۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴۲۱/٦/۵ هـ ق

الجواب صحیح محمد عمر (غُفِرَله)

مفهوم کلمهٔ خطاب «السلام علیک...» در تشهد

الاستفتاء: کلمهٔ خطاب که در تشهد می‌خوانند، بعد از وفات آن حضرت ـ صلی الله علیه وسلم ـ چه معنی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: چون که تعامل صحابه و سلف (رضی الله عنهم) عملاً و تعلیماً بعد از وفات آن حضرت ـ صلی الله علیه وسلم ـ به همین طریق واقع است، برای ما اقتدا لازم است. و احادیثی که به لفظ «السلام علی النبی» آمده‌اند، ضعیف‌اند.

و اگر این اشکال پیدا شود که خطاب برای غائب چطور می‌شود؛ زیرا که اگر نیت حضوری روح گرامی ایشان داشته باشد، روا نیست.

جواب الزاماً این است که در زمان آن حضرت ـ صلی الله علیه وسلم ـ هم چنان تشهد پشت سر او می‌خواندند، غائب از مسجد او نیز می‌خواندند، چه جواب دارد؟ اینجا همان جواب دارد.

جواب تحقیقی این است که کلمات خطاب و نداء در لغت عرب مستعمل می‌شوند. برای استحضار و اقبال مخاطب تحقیقاً یا تخییلاً هر وقت حضور، لازم

۱- کزا فی الروض الانف شرح السیرة النبویة لابن هشام (١٦٢/١).

۲- عمدة القاری: ۵۲/۴.

نیست. چنان چه برای مرده یا زنده گفته شود: یا جبلاه و واویلا، و حال آن که نداء نزد محققین در حکم منادی است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۵ محرم‌الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

حکم نماز در تاریکی و انحراف سینه از سمت قبله

الاستفتاء: اگر شخص به مسجد آمد در حالی که مسجد تاریک باشد و بدون روشن کردن فانوس و... نماز بخواند، بعد از ادای نماز متوجه شود که رویم به طرف جنوب بوده، نمازش چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر قبل از شروع نماز، فکر کرد و فکر را به کار برد که قبله به این طرف است و نمازش را شروع کند، نمازش صحیح می‌شود. و اگر بدون فکر و تحری، نماز را شروع نمود، نمازش صحیح نمی‌شود؛ زیرا که استقبال قبله در نوافل هم در حضر بدون سواری و بر سواری، به قول صحیح، شرط است. تفصیل مسئله در شرح کبیری مذکور است.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۲ شوال ۱۴۱۰ هـ ق

۱-کذا حققه فی معارف السنن: ۹۰/۳.
۲- غنیة المتملی ص ۲۲۰.

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بالاذان و الاقامة

حکم اذان دادن بر قبر

الاستفتاء: اذان بر سر قبر جائز است یا نه؟ نزد شوافع چطور؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به قول محقق اذان بر سر قبر نزد شوافع هم بدعت است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ شوال ۱۳۹۵ هـ ق

اذان سحر

الاستفتاء: اذان سحر در زمان پیغمبر ـ ﷺ ـ موقوف به رمضان بود یا هر وقت دیگر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقط در رمضان بود، نه در اوقات دیگر.(۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غرهٔ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

استقبال قبله و تحویل به یمین و شمال در اذان نو مولود

الاستفتاء: در اذان نومولود، استقبال قبله و تحویل به راست و چپ مسنون است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسنون است، **كما فی احسن الفتاوی مبوب** (۲)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غرهٔ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

تقدیم و تأخیر در کلمات اذان

الاستفتاء: اگر در کلمات اذان تقدیم و تأخیر شد، چکار باید کرد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همان کلمهٔ مقدمه را دوباره اعاده کند و سپس متأخر را دوباره بگوید.(۳)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غرهٔ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

۱-كذا فی معارف السنن: ۲۱٦/۱. بذل المجهود شرح سنن ابی‌داود: ۱۰۰/۴.

۲-احسن الفتاوی: ۲۷۸/۲. ۳- ردالمحتار: ۳٦۱/۱.

اذان فاسق

الاستفتاء: آیا اذان فاسق و ریش تراش درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه تحریمی است، و اعاده‌ی آن مستحب است، اما اقامت را اعاده نکند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

اذان یک نفر در دو مسجد

الاستفتاء: اذان یک نفر در دو مسجد چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه تحریمی است، اگر مؤذن مسجدی باشد یا نباشد.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

اذان تهجد منسوخ است

الاستفتاء: اذان تهجد چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: منسوخ است نزد احناف.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

در صورت تعدد اذان جواب دادن کدام یکی مسنون است؟

الاستفتاء: در اذان‌های متعدده جواب کدام یک مسنون است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جواب همه اولیٰ‌تر است و اگر مشکل باشد، جواب اول احق است که اذان مسجد محلهٔ خود باشد یا دیگری.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۳۷۲/۱

۲- ردالمحتار: ۳۷۲/۱.

۳-احسن الفتاوی: ۲۹۱/۲

۴- ردالمحتار: ۳٦۹/۱

اذان دادن بر الاغ، ماشین و قطار

الاستفتاء: اذان بر الاغ و ماشین و قطار چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مستحب است، اگر تمام رفقاء موجود باشند و اقامت سنت مؤکده است و هر خانۀ قطار حکم دیگر مسجد را دارد، اگر چه آواز یکدیگر را بشنوند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

بوسیدن ابهامین و مالیدن آنها برچشم هنگام شهادت در اذان

الاستفتاء: آیا بوسیدن انگشت ابهام و مالیدن آن بر چشم در وقت (اشهد ان محمد رسول الله) در اذان، ثابت است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خیر در احادیث صحیح ثابت نیست.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۵ هـ ق

تعدد اذان در یک مسجد و در یک وقت

الاستفتاء: تعدد اذان در یک مسجد در یک وقت جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: وقت ضرورت جائز است، به غیر ضرورت مکروه است.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

خواندن دعای اذان با بلندگو و آواز بلند

الاستفتاء: بعد از اذان دعای اذان را از طریق بلندگو به صدای بلند خواندن جائز است یا نه؟

۱-احسن الفتاوی: ۲۹۴/۲ ۲- فتاوی رحیمیه: ۵۸/۱

۳-کذا فتح الملهم: ٦/۲، باب استحباب اتخاذ مؤذنین للمسجد الواحد، نقلاً عن ردالمحتار.

الجواب بسم ملهم الصواب: این عمل چون از سلف مروی نیست، لذا خلاف اولی و بدعت است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ محرم الحرام ۱۴۰۸ هـ ق

تکرار نکردن کلمات مکرره‌ی اذان و اقامه

الاستفتاء: اگر کسی در اذان یا اقامه قصداً کلماتی که مکرراً آمده‌اند تکرارش نکند مثلاً الله اکبر را دو بار بگوید و اشهد ان لاّاله‌الاالله را یک بار بگوید، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: الله اکبر را دو بارگفتن نزد ابویوسف و امام مالک ـ رحمهما الله ـ جائز است و باقی کلمات اذان را یک بار یک بارگفتن خلاف سنت مشهوره و خلاف مذاهب ائمه اربعه است، چراکه نزد هیچ امامی اذان به افراد و وتر نیامده است. **کما فی صحاح الستة و...**

البته وتر و افراد کردن اقامه نزد ائمه‌ی ثلاثه جائز است و اگر حنفی چنین کرد هم گنجایش دارد فقط خلاف اولیٰ است؛ اگر عادتاً چنین می‌کند. و اگر اتفاقاً چنین کرد، اشکال ندارد.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ جمادی الاخر ۱۴۱۰ هـ ق

برای اذان و اقامه جهتی در مسجد معین نیست

الاستفتاء: کسی که اقامه می‌گوید برای او لازم است که پشت سر و یا نزدیک امام باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای اقامه و اذان، جانب و قرب و بُعدی مقرر کردن در شریعت اصلی ندارد. هر طرف برابر است. وجهی تفصیلی ندارد.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ جمادی الاول ۱۳۹۰ هـ ق

۱- المأخوذ من معارف السنن شرح ترمذی: ۱۷۸/۱ الی ۱۷۹.

۲- فتاوی دارالعلوم دیوبند (حصه عزیز الفتاوی): ۱و۶۶/۲ و امداد الفتاویٰ: ۱۱۱/۱.

اقامه کردن منفرد در مسجد، بعد و قبل از جماعت

الاستفتاء: اقامه گفتن منفرد در مسجد بعد از جماعت چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از جماعت مکروه است مطلقاً و قبل از جماعت سرّاً مکروه نیست، جهراً مکروه است.(۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

حکم اقامه در نوافل

الاستفتاء: اقامه در نوافل چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است.(۲)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
غره‌ی محرم ۱۴۰۳ هـ ق

در اقامه هم التفات به راست و چپ سنت است

الاستفتاء: آیا در موقع گفتن حی علی الصلاة و حی علی الفلاح در اقامه، مانند اذان سر خود را بطرف راست و چپ بگرداند یا خیر؟ بعضی مولوی‌ها دستورگردانیدن را داده‌اند و بعضی بر خلاف آن، لذا این مسئله جهت تحقیق و تصحیح تقدیم می‌گردد، خواهشمند است نظریهٔ خود را با ذکر دلیل و حواله‌ی کتب در صورت امکان با درج عبارت آن ذیلاً مرقوم فرمایید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: گردانیدن رو به سمت راست و چپ در اذان و اقامه، و اذان درگوش مولود همه مسنون است.(۳)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۴ جمادی الآخر ۱۴۱۰ هـ ق

۱- احسن الفتاوی: ۲۷۹/۲ ۲- ردالمحتار: ۳۷۲/۱

۳- کذا فی ردالمحتار: ۱۰۵/۱. فتاوی امدادیه (امداد الفتاوی): ۱۰۹/۱. احسن الفتاوی: ۲۹۳/۲

آیا اقامه نمودن امام کفایت می‌کند

الاستفتاء: آیا اقامهٔ خود امام کفایت می‌کند یا نه؟ در صورتی که مقتدی‌ها اقامه بلد نباشند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بله، اقامهٔ امام خود کفایت می‌کند، بلد باشند یا نباشند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ربیع الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

حکم اذان توسط ضبط صوت

الاستفتاء: اذان دادن به وسیله نوار و ضبط درست است یا خیر؟ یعنی نوار را جلو بلندگو گذاشته و به وسیله آن اذان داده شود، آیا به این نحو ادا می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: درست نیست و سنت ادا نمی‌شود؛ به چند وجه:

یکی اینکه مقصود اصلی از اذان در شرع مقدس، اعلام و آگهی است به دخول اوقات نماز و بعداً یکی از شعائر اسلامی در هر کشور و شهر قرارگرفته است. پس، از حیث بودن آن یک اعلام به دخول وقت و قبول قول مؤذن، لابدی است که مؤذن یک نفر انسان مسلمان عاقل و بالغ و عادل باشد. بدون این صورت اذان، اذان شرعی گفته نمی‌شود و اعتبار شرعی ندارد. از این وجه اذان کافر و طفل غیر ممیز و مجنون و معتوه اعتبار ندارد.

دوم اینکه اذان از حیثیت دیگر برای به پاداشتن شعار اسلامی است تاگناه از مردم آن محله دور گردد، و ظاهر است که برای دور کردن گناه مکلفین، اذان ضبط و رادیو غیرمکلف، فائده نمی‌بخشد. از این وجه فقهاء نوشته‌اند که برای دفع اثم اذان طفل لایعقل اعتبار ندارد. مؤذن شرعی آن است که به اذان آن شعار اسلام و اعلام هر دو حاصل گردند، و در ضبط و رادیو این هر دو به طریق سنت مفقوداند.

و صاحب البحرالرائق عقل و اسلام را شرط صحت گفته است. ضبط و رادیو جماداند، نه عاقل. از این وجه علماء زمان به قرائت سجده‌ی تلاوت در اینها سجده را لازم و واجب نکرده‌اند. چرا که صدای‌شان، صدای ذوی‌العقول نیست، مثل صدای

مرغ وکوه و... قرار داده‌اند. این خلاصه‌ی ترجمه و مفهوم اجمالی تحقیق علامه شامی است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ جمادی الاول ۱۴۱۲ هـ ق

تقدیم اذان از وقت مشروع

الاستفتاء: در روز جمعه قبل از استوای آفتاب اذان گفتن و در وقت استویٰ نماز نفل و سنت خواندن چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد امام ابوحنیفه و مالک و شافعی ـ رحمهم الله ـ روز جمعه و یا غیرجمعه تقدیم اذان از وقت، روا نیست، به استثنای اذان صبح. و نزد امام اعظم و محمد ـ رحمهما الله ـ در صبح هم تقدیمش از وقت روا نیست و اگر جلوتر از وقت اذان کرد، باید در وقت دو مرتبه اعاده کند.

در هندیه می‌نویسد:

«تقدیم الاذان علی الوقت فی غیر الصبح لایجوز اتفاقاً و کذا فی الصبح عندابی حنیفة و محمد رحمهما الله و ان قدم یعاد فی الوقت...»[۲]

و فی **التنویر و الدر:**

«فیعاد اذان وقع بعضه قبله کالاقامة خلافاً للثانی فی الفجر»

و فی **الرد:**

«قوله (وقع بعضه) و کذاکله بالاولیٰ...»[۳]

و همین طور وقت استویٰ نزد احناف روا نیست **کذا فی الطحطاوی و الشامی و البحر و غیرها**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۲۸۹/۱ و ۲۹۰، مطلب فی الموذن اذاکان غیر محتسب.

۲- الهندیة: ۲۷/۱

۳- ردالمحتار: ۲۸۴/۱

حکم خوابیدن بعد از اذان

الاستفتاء: برخی می‌گویند بعد از اذان صبح یا (مطلقاً) بـعد از اذان، خـفتن حـرام است. آیا این گفته صحت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قبل از نماز عشاء و بعد از اذان اگر بخوابد و خوف فوت جماعت باشد، مکروه است وگرنه مسلک مختار همین است که مکروه نیست. و بعد از هر اذان حکم همین است و بعد از اذان صبح و بین سنت و فرض اختلاف است. نزد بعضی خفتن بدعت است و نزد بعضی سنت است و نزد بعضی واجب است و نزد بعضی مباح و جائز و نزد بعضی مستحب است.

نزد احناف اگر تهجدگذار است، جائز است به شرطی که جماعت از او فوت نشود.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

رفع الیدین در دعای بعد از اذان و اقامه

الاستفتاء: بعد از اقامه خواندن دعاء وسیله با رفع الیدین و همچنین بعد از اذان رفع الیدین چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رفع یدین در این دعاء لغو، و عدم رفع سنت است.

قال المحدث الکبیر فی فیض الباری شرح صحیح البخاری:

«و المسنون فی هذا لا ترفع الایدی لانه لم یثبت عن النبی ـ ﷺ ـ رفعها و التثبت فـیه بالعمومات بعد ما ورد فیه خصوص فعله ـ ﷺ ـ لغو، فانه لولم یرد فیه خصوص عادته ـ ﷺ ـ لنفعنا التمسک بها. و اما اذا نقل الینا خصوص الفعل فهو الاسوة الحسنة لمن کان یرجوالله و الدر الآخرة»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲ ربیع الثانی ۱۴۱۵ هـ ق

۱- فیض الباری: ۱٦۷/۲

هنگام اذان وارد مسجد شدن

الاستفتاء: اگر در وقت اذان‌گفتن‌کسی وارد مسجد شود، آیا توقف کند تا اذان تمام می‌شود یا بنشیند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اولیٰ آن است که توقف کند و ایستاده اجابت اذان کرده، بعداً تحیة المسجد خوانده و بنشیند. اما اگر نشست هیچ اشکالی ندارد.

قال فی الشامیة:

«فالافضل ان یقف بالاجاته لیکون فی مکان واحداه» [1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

آیا جن‌ها با شنیدن اذان به مسجد آمده و به امام اقتدا می‌کنند؟

الاستفتاء: آیا هنگام اذان، جن‌ها که اذان انسان‌ها را می‌شنوند برای نماز می‌آیند و به امام انسان‌ها اقتدا می‌کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری! جن و فرشته همه اقتداء می‌کنند. به جز جنی که کافر یا متمرد و تارک جماعت باشد.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم الحرام ۱۴۱٦ هـ ق

حکم اذان و اقامه برای نمازهای قضایی

الاستفتاء: هنگامی که کسی بخواهد نمازهای قضایی را به جای آورد آیا اذان و اقامه لازم است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر همان نماز فوت شده را در صحرا و بیرون از مسجد و بیرون از خانهٔ خود با جماعت می‌خواند، برای آن اذان و اقامه هر دو سنت‌اند. و اگر در مسجد یا در خانه خود بدون جماعت می‌خواند، در آن اذان و اقامه سنت نیست.

۱- ردالمحتار شامی: ۲۹۳/۱

۲-کذا فی مراقی‌الفلاح علی حاشیة الطحطاوی ۱۱٦

قال فی التنویر و الدر:

«و یسن ان یوذن و یقیم لفائتة رافعاً صوته لو بجماعة او صحراء لابیته منفرداً»

و فی الدر:

«قولو (بجماعة) ای فی غیر مسجد بقرینة مایذکرة قریبا من انه لایؤذن فیه للفائتة» (۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ رجب ۱۴۱٦ هـ ق

تحقیقی در مورد بوسه دادن ابهامین و مالیدنش به چشم هنگام‌شهادت در اذان

الاستفتاء: علماء دین و مفتیان شرع متین در مسئله‌ی بوسیدن هر دو انگشت ابهام و مـالیدن آنـها بـه چشـمان در اذان وقت شـنیدن «اشـهد ان مـحمد رسـول الله» چـه می‌فرمایند؟ در حاشیه جلالین تحت آیه ﴿**یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً**﴾ سوره‌ی احزاب پ ۲۲ می‌نویسد:

قوله: صلوا علیه و سلموا تسلیما ثم ان للصلواة و التسلیمات مواطن: فمنها ان یصلی عند سماع اسمه الشریف ـ ﷺ ـ و فی الاذان. قال قهستانی فی شرحه الکبیر نقلاً عـن کـنز العباد. اعلم انه یستحب ان یقال عند سماع الاولی من الشهادة الثانیة ـ ﷺ ـ ثم یقال اللهم متعنی بالسمع و الصبر. بعد وضع ظفر الابهامین علی العینین فـانه ـ ﷺ ـ قـائد له الی الجنة. انتهی.

و حضرت شیخ امام ابوطالب محمد بن علی المکّی در «قوت القلوب» روایت کرده از ابن عینیه که حضرت پیغمبر ـ ﷺ ـ به سجده در آمد و ابوبکر ـ رضی الله عنه ـ ظفر ابهامین چشم خود را مسح کرد وگفت: **قرة عینی بک یا رسول الله** ـ ﷺ ـ و چون بلال ـ رضی الله عنه ـ از اذان فراغتی روی نمود. حضرت رسول الله ـ ﷺ ـ فرمود که ابابکر هر که بگوید آن چه تو گفتی از روی شوق به لقای من، و انجام دهد آنچه تو کردی، خدای درگذرد گناهان وی را آنچه باشد، تازه، کهنه، از خطاء و عمد، نهان و آشکار، را در مضمرات بر این وجه

۱- ردالمحتار: ۲۸۷/۱

نقل کرده، و **قال عليه السلام:**

من سمع اسمی فی الاذان فقبل ظفری ابهاميه و مسح علی عينيه لم يهم ابداً (الی ان قال) و فی شرح اليماني. و يکره تقبل الظفرين و وضعهما علی العينين لانه لم يرد فيه و الذی ورد فيه ليس بصحيح. انتهی. يقول الفقير قد صح من العلماء تجويز الاخذ بالحديث الضعيف فی العمليات فکون الحديث المذکور غير مرفوع لايستلزم ترک العمل بمضمونه. و قد اصاب القهستانی فی القول باستحبابه... (طبع قديمی کتب خانه ص ۳۵۷).

اگر جواب عدم جواز است، پس جواب این محشی چیست؟ لطفاً جواب را با دلال مرصع فرمائید.

الجواب بسم ملهم الصواب: بوسیدن انگشتان یا ناخن‌های دو ابهام و مالیدن آنها به چشمان وگفتن «**صلی الله علیه و سلم علیک یا رسول الله قرة عینی بک یا رسول الله و اللهم متعنی بالسمع و البصر**» از دیدگاه علماء و محققین جائز نیست، اگرچه برخی از فقهاء این را مستحب و خوب قرار داده‌اند. دلیل آنهایی که آن را جائز قرار نمی دهند اینکه:

از پیامبر اسلام ـ ﷺ ـ و صحابهٔ کرام و ائمه‌ی مجتهدین عظام و مقتداهای ذوی الاحترام (رضی الله عنهم) ثابت نیست. در مسائل شرعیه استدلال و استناد از همین شخصیت‌ها معتبر و مورد قبول قرار می‌گیرد. و دلیل افرادی که آن را مستحب دانسته‌اند، قول علامه قهستانی می‌باشد که او از کنزالعباد نقل کرده است و مزید علامه شامی حواله فتاوی صوفیه داده است. از نظر علماء اهل تحقیق کنزالعباد و فتاوی صوفیه صلاحیت فتویٰ و استدلال ندارند، چراکه اینها شامل روایات مرجوح و ضعیف و غیر معتبر هستند که استدلال قوی آنها در مورد مسئله مسئوله از روایت مسند فردوس و روایت قوت القلوب می‌باشد. این روایات بی‌اصل است. اصل و منبع صحیحی ندارد، صرف نظر از اینکه ضعیف باشد.

اگر این روایت صحت داشته باشد، پس در خیرالقرون معمول‌بها قرار می‌گرفت. البته بعضی از علماء این عمل را به خاطر علاج از رمد اختیار نموده‌اند. اگر کسی به

غرض علاج این عمل را اختیارکند، گنجایش دارد. پس در این صورت از قبیل عملیات و تعویذ به شمار می‌آید.[۱]

هذا ما فهمت. والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب
کتبه ابواسحق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم ـ ۲۰ صفر ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

گفتن «صدقت و بررت» در جواب «الصلاة خیر من النوم»

الاستفتاء: بعضی مولوی‌ها می‌گویند در وقت اذان صبح در جواب الفاظ «**الصلاة خیر من النوم**»، «**صدقت و بررت**» گفتن از احادیث ثابت نیستند. سؤال این است وقتی که اینها از احادیث ثابت نیستند، پس گفتن اینها چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: گفتن «**صدقت و بررت**» در جواب **الصلاة خیر من النوم** چون که تصدیق و تأیید مؤذن و اظهار مسرت دل دیده می‌شود، خیلی جالب و موجب ثواب است. و در آن الفاظ چون که بزرگی خدا و شهادتین نیست از این سبب برای سامع تکرار کردن این الفاظ مفید نیست، بلکه به جای آن الفاظ «صدقت و بررت» گفته می‌شود.[۲]

و فی الهندیة:

«و کذا فی قول المؤذن الصلوا خیر من النوم لا یقول السامع مثله و لکن یقول صدقت و بررت کذا فی محیط السرخسی»[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۴ ربیع الثانی ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- هکذا فی کفایت المفتی: ۸/۲ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۸. فتاوی دارالعلوم دیو بند: ۹۰/۲ و ۱۰۶ و ۱۲۵
۲- فتاوی دارالعلوم: ۱۱۱/۲ ۳- هندیه: ۵۷/۱

حکم تثویب

الاستفتاء: تثویب برای همه‌ی نمازها هست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: طبق قول مفتیٰ‌به نزد احناف تثویب فقط در نماز صبح گنجایش دارد، نه در باقی نمازها.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ محرم الحرام ۱۴۰۸ هـ ق

اگر در حال تلاوت قرآن، اذان گفته شود.

الاستفتاء: شخصی در حال قرائت قرآن بود، اذان گفته شد، ایا تلاوت را رها کرده و اجابت اذان کن یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در مسجد تلاوت می‌کند و اذان گفته شد، تلاوت را کماکان جاری و ادامه دهد. و اگر بیرون از مسجد در منزل و غیره تلاوت می‌کند، در این صورت تلاوت را متوقف کرده و جواب اذان را بدهد.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۳ محرم الحرام ۱۴۲۳ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- فتاویٰ محمودیه: ۴۴/۱۲ بحواله‌ی تنویر و در مختار: ۲٦٧/١.

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بأوقات الصلاة

صحت نماز در صورتی که در اول وقت خوانده شود

الاستفتاء: در این کشور نماز صبح را در ابتدای صبح و در وقت تاریکی می خوانند، ما از این پس به ایشان اقتداء کنیم یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اقتداء کنید، نماز شما نیز صحیح است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ شعبان ۱۳۸۴ هـ ق

جمع بین الصلاتین در حالت عذر

الاستفتاء: ایشان مغرب و عشاء را به عذر باران در وقت مغرب جمع می‌کنند، ما هم جمع کنیم یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: شما جمع نکنید، بلکه مغرب را خوانده، عشاء را بگذارید تا وقت خود زیراکه نزد احناف سوای جمع عرفات و مزدلفه در دیگر جاها جمع حقیقی جائز نیست.

قال فی الکنز:

«و منع عن الجمع بین الصلاتین فی وقت بعذر»

در بین سطور آن می‌نویسد:

«کسفر و مطر او وحل او مرض».

و فی حاشیته:

«لما وردی عن ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ و الذی لاآله غیره ما صلی علیه الصلواة و السلام قط الا لوقتها الا صلاتین جمع بین الظهر و العصر بعرفة و بین المغرب و العشاء بجمع فما ورد عنه علیه الصلواة و السلام مما یقتضی جواز الجمع بین صلاتین لعذر مرض و نحوه محمول علی الجمع الصوری بان اخر الاولی و عجل الثانیة و قال الشافعی ـ رحمه الله ـ یجمع بین الظهر و العصر و بین المغرب و العشاء بعذر السفر و المطر و قال مالک ـ رحمه الله ـ: یجوز

الجمع لوحل ایضاً» و عن احمد ـ رحمه الله ـ مثلها».[۱]

پس در مذاهب ثلاثه این جمع جائز است، نه نزد احناف.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ شعبان ۱۳۸۴ هـ ق

حکمت فرضیت پنج نماز در یک شبانه روز

الاستفتاء: لماذا کررت الصلاة فی یوم و لیلة خمس مرات ماالفائدة و العلة لای حیثیة فرضیتها؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لما کانت فائدة الصلاة هی الحوض فی لجة الشهود و الاسلاک فی سلک الملائکة لاتحصل الابمداومة علیها و ملازمة بها و اکثار منها حتی تطرح عنهم اثقالهم و لایمکن ان یؤمروا بما یفضی الی ترک الارتفاقات الضروریة و الانسلاخ عن احکام الطبیعة بالکلیة اوجب الحکمة الالهیة ان یؤمروا بالمحافظة علیها و التعهد لها قبل ان یفعلوها وبقیة لونها و صبابة نورها بعد ان یفعلوها فی حکم الصلواة و تکون اوقات الغفلة مضمومة بطمع بصر الی ذکر الله و تعلق خاطر لطاعة الله فیکون حال المسلم کحال حصان مربوط بآخیة یستن شرفا او شرفین ثم یرجع الی آخیته و تکون ظلمة الخطایا و الغفلة لاتدخل فی جذر القلوب و هذا هو الدوام المستمر عندما امتنع الدوام الحقیقی ثم لما آل الا مرالی تعین الصلواة لم یکن وقت احق بها من الساعات الاربع التی تنتشر الروحانی و تنزل فیها الملائکة و یعرض فیها علی الله اعمالهم و یستجاب دعاؤهم و هی کاالامر المسلم عند جمهور اهل التلقی من الملأ الاعلی لکن وقت نصف اللیل لایمکن تکلیف الجمهور به کما لایخفی فکانت اوقات الصلواة فی الاصل ثلاثة، الفجر و العشی و غسق اللیل. و هو قوله تبارک و تعالی. اقم الصلواة لدلوک الشمس الآیة. و انما قال الی غسق اللیل لان صلواة العشی ممتدة الیه حکما لعدم وجود الفصل.

و لذالک جاز عندالضرورة الجمع بین الظهر و العصر و بین المغرب و العشاء فهذا اصل و لا

۱–کنزالدقائق و حاشیهٔ آن ص ۱۸، اول کتاب الصلاة. فتاویٰ قاضیخان بهامش الهندیة: ۳٦/۱.

يجوز ان يكون الفصل بين كان صلوايتن كثيراً جداً فيفوت معنى المحافظة و نسى ماكسبه اول مرةو لاقليلاً جدا فلا يتفرغون لابتغاء معاشهم و لايجوز ان يضرب فى ذالک الاحداً ظاهراً محسوساً تنبيه الخاصة و العامة و هو كثرة مااللجزاء المستعمل عند العرب و العجم فى باب تقدير الاوقات و ليست بالكثرة المفرطة و لايصلح لهذا الاربع النهار فانه ثلاث ساعات و تجزئه الليل و النهار الى ثنتى عشرة ساعات امرا جمع عليه اهل الاقاليم الصالحة و كان اهل الزراعة و التجارة و الصناعة و غيرهم يعتادون غالباً ان يتفرغوا لا شغالهم من البكرة الى الهاجرة فانه وقت ابتغاء الزرق و هو قوله تعالى: جعلنا النهار معاشا. و قوله تعالى: تبتغوا من فضله. و اتصاف كثير من الاشتغال ينجر الى مدة طويلة و يكون التهيؤ للصلواة و لتفرغ لها من الناس اجمعهم فى اثناء ذالک حرجا عظيما فلذالک اسقطه الشارع الضحى و رغب فيها ترغيباً عظيماً من غير ايجاب فوجب ان تشتق صلواة العشى الى صلواتين بينهما نحو من ربع النهار و هما الظهر و العصر و غسق الليل الى صلواتين بينهما نحو من ذالک و هما المغرب و العشاء، وجب ان لايرخص فى الجمع بين شقى الوقتين الا عند الضرورة لايجد منها ابداً والا لبطلت المصلحة المعتبرة فى تعيين الاوقات و هذا اصل آخر و كان جمهور اهل الاقاليم الصالحة و الامزجة المعتدلة الذين هم المقصودون بالذات فى الشرائع لايزالون مستيقظين مترددين فى حوائجهم من وقت الاسفار الى غسق الليل و كان احق ما يؤدى فيه الصلواة وقت خلوالنفس عن الوان الاشتغال المعاشية المنسية ذكر الله ليصادف قلباً فارغاً فتمكن منه و يكون اشد تأثيراً فيه و هو قوله تعالى: و قرآن الفجر ان قرآن الفجر كان مشهوداً. و وقت الشروع فى النوم ليكون كفارة لما مضى و تصقيلاً للصدأ و هو قوله ـ ﷺ ـ من صلى العشاء فى جماعة كان كقيام نصف الليل الاول و من صلى العشاء و الفجر فى جماعة كان كقيام ليلة و وقت اشتغالهم كالضحى ليكون مهوّنا للانهماک فى الدنيا و ترياقاً، له غير ان هذا لايجوز ان يخاطب به الناس جميعاً لانهم حينئذٍ بين امرين اما ان يتركوا هذا و ذالک و هذااصل آخر.

و ايضاً لاحق فى باب تعيين الاوقات من ان يذهب الى المأثور من سنن الانبياء المقربين من قبل فانه كالمنبه للنفس على اداء الطاعة تنبيهاً عظيماً و المهيج لها على منافسة القوم و الباعث على ان يكون للصالحين فيهم ذكر جميل و هو قول جبرئيل ـ عليه السلام ـ هذا وقت الانبياء من قبلک

لایقال ورد فی حدیث معاذفی العشاء و لم یصلها احد الا بالمدینة و نحو ذالک فالظاهر انه من قبل الروایة بالمعنی و هذا اصل آخر.

و العلم عند علام الغیوب و هو اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ شوال ۱۳۸۷ هـ ق

نماز و روزه در قطب شمال که شش ماه شب و شش ماه روز است

الاستفتاء: طریقهٔ نماز خواندن در قطب شمال که شش ماه روز و شش ماه شب است، به چه شکلی می‌باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز را طبق عادات شب و روز همان شهرهایی که متصل به همین سرزمین‌اند حساب کرده، پنج نماز شبانه‌روزی بگذارند. مثلاً اگر در مُلک قریب در میان صبح و ظهر چهار ساعت فاصله است و در میان ظهر و عصر مثلاً سه ساعت، پس آنها همین را حساب کرده نماز بخوانند. و روزه در این روزهای بزرگ فرض نیست و شبها هم اگر روزهای معمولی میسّر شد، قضاء واجب است.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: مشکلی دیگر که در اینجا ما با آن روبرو هستیم، مشکل نماز و روزه است. به این شکل که در تابستان در اینجا آفتاب ۲۱ ساعت بیرون و فقط سه ساعت شب است و در زمستان بیست ساعت شب و فقط چهار ساعت آفتاب بیرون است. و در شهر «اسلو» که مرکز این کشور است، دو مسجد وجود دارد که یکی مسجد ترک‌هاست و دیگری مسجد پاکستانی‌هاست و آنها طبق برنامه‌های ساعت ترکیه که نزدیک‌ترین کشور اسلامی بدینجاست، نماز می‌خوانند ولی این برنامه‌ها در هر فصل تغییر می‌کند و چون هم از شهر (اسلو) حدود دویست کیلومتر دور هستم و رفت و آمد به اسلو و گرفتن وقت ممکن نیست، به طور تقریبی و حدس وگمان نمازهای خود را می‌خوانم.

۱- فتاوی امدادیه: ۱۱۲/۱

حالا می‌خواستم بپرسم از نظر شرعی به این روال نماز خواندن جائز است یـا نـه؟ «سؤال کننده، از کشور نروژ».

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله به اوقات تابستان و زمستان همان شهرهایی که نزدیک‌ترند رجوع کرده شود یا که در تابستان به حساب ساعات هر نماز را تا دیگر نماز فصل دهد و ادا کند، مثلاً نماز صبح که ادا کرده تا ده ساعت توقف کند ظهر را ادا کند و سه ساعت دیگر فاصله گذاشته، عصر را ادا کند و بعد از غروب، فوراً مغرب را ادا کند و بعد یک ساعت و ۱۲ دقیقه نماز عشاء را ادا کند. و در زمستان وقت طلوع صبح صادق، صبح را ادا کند و بعد از توقف ده ساعت، ظهر را بخواند مثل تفصیل بالا تا آخر.

و مسئله‌ی روزه تغییر نمی‌کند. همان ۲۱ ساعت در تابستان و ۴ ساعت در زمستان روزه بگیرد.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ محرم الحرام ۱۴۰۸ هـ ق

ارکان و جهات قبله

الاستفتاء: یکی از اهل تشیع می‌گوید شما ارکان قبله را چهار می دانید ولی ما هشت صورت داریم، لطفاً در این مورد توضیح دهید.

الجواب بسم ملهم الصواب: مسلم است که ما ارکان کعبه را چهار می‌گوییم، نه ارکان قبله را. مراد ما از رکن، هرگوشهٔ مربع است. در عربی هرگوشهٔ دیوار مربع و غیره را رکن می‌گویند. و ظاهر است که کعبه معظمه مربع است، و هر مربع چهارگوشه دارد که آنها را رکن می‌گویند. نه به این معنی رکن‌اند که فقط قبله همین چهار رکن‌اند و بس، بلکه در تمام کتب ما احناف و اهل تسنن نوشته‌اند که کعبه از هر جهت و هر جزئش قبله است، چه برسد به هشت و ده بلکه برای کسانی که کعبه مشاهده‌ی آنها نیست، همان جهت و

۱-کذا حققه الشامی فی ردالمحتار: ۳۳۹/۱

فضاء مطلقاً ولو اینکه یک خط دقیقی به کعبه بگذارد، قبله است.

البته قول آنها به اعتبار لغت غلط است، چراکه هیچ شکل از اشکال کعبه به هشت رکن قرار نمی‌گیرد چرا که شکل شیء اگر مثلث باشد سه رکن دارد. و اگر مربع باشد چهار رکن دارد، و اگر مخمس باشد پنج رکن دارد، و اگرمسدس باشد شش رکن دارد، و اگر مسبع باشد هفت رکن دارد و اگر مخروطی یا مستطیل باشد حکمش دیگر است، و اگر شکل حماری باشد یا عروسی کیفیتش دگرگون می‌گردد ولی کعبه عظمه دیگر شکلی ندارد غیر مربع، پس هشت رکن ازکجا دارد. بلکه چهار رکن و چهار جهت دارد. شرق، غرب، جنوب، شمال. و این همه نزد اهل تسنن قبله‌اند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ صفر ۱۴۱۲ هـ ق

قول مفتیٰ‌به در مورد وقت نماز ظهر و عصر

الاستفتاء: در اوقات نمازهای عصر، ظهر، مغرب، و عشاء، امام ابو حنیفه ـ رحمه الله ـ و صاحبین ـ رحمهما الله ـ اختلاف کرده‌اند، لطفاً قول مفتیٰ‌به را مشخص بفرمایید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در نماز ظهر ظاهر روایت و ارجح و احسن قول امام همام ـ رحمه الله ـ است لهذا احسن همین است که نماز ظهر را تا مثل تأخیر نکند و عصر را هم قبل از مثلین نخواند تا که هر دو نماز بقول اجماع ائمه ادا شوند.

قال فی ردالمحتار:

«قوله (الی بلوغ الظل مثلیه) هذا ظاهر الروایة عن الامام نهایة و هوالصحیح، بدائع و محیط و ینابیع و هو المختار غیاثیة و اختاره الامام المحبوبی و عول علیه النسفی و صدر الشریعة تصحیح قاسم و اختاره اصحاب المتون و ارتضاه الشارحون... (الی ان قال) فیه ان الادلة تکأفات و لم یظهر ضعف دلیل الامام بل ادلته قویة ایضاً کما یعلم من مراجعة المطولات و شرح المنیة و قد قال فی البحر لایعدل عن قول الامام الی قولهما... و الاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لایؤخر الظهر الی المثل و ان

لایصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیکون مؤدیاً للصلواتین فی وقتهما بالاجماع» [۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ رجب ۱۴۱۳ هـ ق

تعیین زمان استوای آفتاب به اعتبار ساعت

الاستفتاء: استوای شمس از ساعت چند تا چند ادامه دارد؟ و در تابستان و زمستان حکم وقت استوی برابر است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسئله استوی شمس خیلی مسئله عمیق و مختلف است نه تنها در تابستان و زمستان بلکه روزمره و در هر ملک وکشور فرق می‌کند.

علامه بیرجندی در شرح نقایه خیلی کم قرار داده است. و شامی به حواله‌ی قهستانی نوشته است که استوای مکروه به اعتبار نصف نهار عرفی نزد ائمه ماوراء النهر و به اعتبار نصف نهار شریعت نزد ائمه خوارزم می‌باشد. نهار عرفی از طلوع آفتاب تا غروب خورشید است و نهار شرعی از صبح صادق شروع شده تا غروب آفتاب ادامه دارد. [۲]

الآن تا چند روزی استویٰ ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه شروع می‌شود و ممکن است تا ۱۱ ادامه داشته باشد به حساب نصف نهار شرعی.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۴ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

اوقات نمازهای پنجگانه

الاستفتاء: شخصی معذور است و باید برای هر نماز وضوء بگیرد. خواهشمندم بفرمایید اوقات نمازهای پنجگانه چه وقت شروع و چه وقتی تمام می‌شود؟ تا این فرد معذور وضوء و نمازش مطابق اوقات شرعی و درست باشند.

الجواب بسم ملهم الصواب: تعیین این اوقات به حساب ساعات امروزه مشکل است

۱- ردالمحتار: ۲٦۴/۱

۲-کذا فی الشامی: ۲۷۳/۱

چراکه شب و روزها در یک محدوده قرار نمی‌گیرند، بلکه عقب و جلو می‌گردند.

البته کلیه شرعیه را برای شما می‌نویسم، تشخیص آنها بر ذمهٔ خود معذور است. کلیه این است:

اول وقت فجر از طلوع صبح صادق و انتهای آن طلوع خورشید است. اول وقت ظهر از زوال خورشید و انتهایش آن وقت است که سایهٔ هر چیز دو چند آن باشد غیر از سایهٔ اصلی. اول وقت عصر از همین وقت شروع می‌شود و انتهایش غروب آفتاب است و اول وقت مغرب از غروب آفتاب تا اینکه شفق سرخ بعد از مغرب غروب کند. و اول وقت عشاء بعد غروب شفق سرخ است و انتهایش تا صبح صادق است. (۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

دلائل حنفیه در مورد افضلیت خواندن نماز صبح در روشنی

الاستفتاء: اهل حدیث می‌گویند باید نمازها در اول وقت خوانده شوند. پس برای نماز صبح در اول وقت حدیث موجود است، ولی برای آخر وقت حدیث نیست، در این مورد چه می‌فرمایید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این گفتهٔ آنها صحیح نیست که برای آخر وقت نماز صبح دلیل از حدیث وجود ندارد. باید دانست که در این مورد دو نوع روایت مروی و منقول است. از برخی روایات چنین برمی آید که نماز صبح به تغلیس و در تاریکی (اول وقت) و از برخی دیگر ثابت می‌شود که در روشنی و در آخر وقت خوانده شود. بنابر این نظریات ائمه مختلف هستند و هر یکی از حدیثی استدلال می‌کند. یعنی علت متفاوت شدن نظریات ائمه، اختلاف روایات است. چنانچه حنفیه و بسیاری از ائمه احادیث اسفار را ترجیح دادند. (حنفیه در این باره تنها و بی دلیل نیستند).

استدلال امام بزرگوار ابوحنیفه از آیه مبارکهٔ ﴿**و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفاً من**

۱-کذا فی الشامی: ۲٦۲/۱ تا ۲٦٦

اللیل﴾[۱]، به این نحو که مراد از طرفی النهار اولین قسمت زمان طلوع خوشید و غروب آن می‌باشد. البته چون در این وقت به اتفاق امت نماز خواند ممنوع است فلذا منظور از آن زمان اندکی قبل از طلوع و غروب است پس نتیجتاً منظور آیه مبارکه افضلیت خواندن نماز صبح به روشنی و نماز عصر به تاخیر می‌باشد. مفسر بزرگ علامه رازی ـ ﷺ ـ بر این استدلال امام اعتراف و اقرار می‌نماید. ایشان در تفسیرش می‌نویسد:

«اذا عرفت هذا کانت الآیة دلیلاً علی قول ابی حنیفة ـ ﷺ ـ فی ان التنویر بالفجر افضل و فی ان تاخیر العصر افضل... و اذا کان کذالک فکل وقت کان اقرب الی طلوع الشمس و الی غروبها کان اقرب الی ظاهر اللفظ و اقامة صلاة الفجر عند التنویر اقرب الی وقت الطلوع من اقامتها عند التغلیس... فثبت ان ظاهر هذه الآیة یقوی قول ابی حنیفة فی هاتین المسئلتین»[۲]

احادیث اسفار

۱) **عن رافع بن خدیج ـ رضی الله عنه ـ قال:**

سمعت رسول الله ـ ﷺ ـ یقول: «اسفروا بالفجر فانه اعظم للأجر».[۳]

۲) **عن محمود بن لبید عن رجل من قومه من الانصار ان رسول الله ـ ﷺ ـ قال:**

«ما اسفرتم بالصبح قانه اعظم بالاجر»[۴]

۳) امام نسائی نیز از رافع بن خدیج چنین روایت می‌کند: **عن النبی ـ ﷺ ـ قال: «اسفروا بالفجر».**

۴) امام ابوداود هم از رافع بن خدیج به این الفاظ روایت می‌کند:

«قال قال رسول الله ـ ﷺ ـ: «اصبحوا بالصبح فانه اعظم لأجورکم او اعظم للاجر».[۵]

۵. روایت ابی برزه، جابر و بلال ـ رضی الله عنهم ـ می‌باشد که امام ترمذی به آنها اشاره نموده ولی متن آن احادیث را ذکر نکرده است. می‌فرماید: **«و فی الباب عن ابی برزة و جابر و بلال»**

۱- هود، آیة ۱۱۴.　۲-التفسیر الکبیر للرازی: ۷۳/۱۷

۳- رواه الترمذی و قال: حدیث رافع بن خدیج حدیث حسن صحیح

۴- رواه النسایی.　۵- سنن ابی داوود: ۶۱/۱، باب وقت الصبح.

اما خاطر نشان باید ساخت که اختلاف نظر ائمه صرفاً در افضلیت است نه در جواز و عدم جواز.

و الله اعلم و عمله اتم - دارالافتاء منبع‌العلوم کوه‌ون
۱۹ صفر ۱۴۲۲ هـ ق
الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

نماز و روزه در قطب شمال

الاستفتاء: علمای دین و مفتیان شرع مبین در مورد نماز خواندن و روزه گرفتن در قطب شمال یا جنوب زمین که شش ماه شب و شش ماه روز است، چه می‌فرمایند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت بزرگ و دراز شدن روزها اگر خورشید در میان ۲۴ ساعت غروب نمی‌کند مگر مقدار اینکه روزه‌دار را موقع افطار به غذا می‌رسد. این وقت اگر چه کم باشد باز هم در این صورت بر او روزه داشتن فرض است. البته اگر انسانی کم زور و یا مریض است که تحمل این تمام روز را ندارد که سخت ناراحت می‌گردد پس روزه را خورد و در روزهای کوچک سال قضاء لازم است. و اگر در تمام ۲۴ ساعت غروب نمی‌شود یا مقدار افطار هم غروب نمی‌شود. در این صورت چهار قول از علماء مرویست و به هر کدامیک عمل کند گنجایش دارد.

۱. مناطقی که با آن سرزمین نزدیکتراند و در آنها بعد غروب مختصری از وقت گیر می‌آید مطابق آن عمل کند یعنی روزه را همان وقت افطار کند. همین است قول امام شافعی - رحمه الله -

۲. جلوتر از ۲۴ ساعت بقدر افطار روزه، روزه را بگشاید دو مرتبه روزه گیرد همین طور تا تمام رمضان.

۳. این روزها را بخورد و در روزهای کوچک سال قضاء به جا آورد.

۴. در روزهای که قبل از ۲۴ ساعت خورشید غروب می‌کند آنها آخرین روزها را نشان کنند که بعد از نماز عصر چند ساعت غروب شد. آینده بعد همین مقدار است افطار کند. این قول اخیر آسان‌تر است. این حکم روزه شد.

حکم نماز

درکشورهای که شفق سفید کناره غروب نمی‌شود یعنی آفتاب ۱۵ درجه زیر افق نمی‌رود. در آن مناطق به مجرد غروب شفق سرخ نماز عشا را بخواند. آن وقت آفتاب ۱۲ درجه زیر افق می‌باشد.

و در مناطقی که شفق سرخ هم غروب نمی‌کند نزد بعضی نماز عشا ساقط است و نزد بعضی فرض است همین راجح و احوط است پس ببینید که در آن مناطق همان جا که به این منطقه نزدیکتر است آخرین روزش غروب شفق سرخ چند دقیقه بعد می‌شود بعد آن مقدار نماز عشاء خواند. و اگر در ۲۴ ساعت تا شش ماه غروب نمی‌باشد. یا روز نمی‌باشد هم شش ماه روز یا شب است نزد بعضی در تمام سال پنج نماز بخواند. و نزد بعضی دیگر در ۲۴ ساعت پنج نماز بخوانند و صبح و ظهر را مقدار ۵ ساعت، و ظهر و عصر را مقدار سه ساعت، و عصر و مغرب را مقدار ۱ و ۱/۲ ساعت، و مغرب و عشاء را یک ساعت و نیم اداکند و این قول ارجح و احوط و مفتی به است.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- وکذا فی احسن الفتاوی ۱۱۳/۲ و ۱۱۴ نقلاً عن ردالمختار الشامی

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بالامامة و الجماعة

صحت اقتدای قائم پشت سر امام قاعد

الاستفتاء: چنانچه امام مریض بوده یا به علت عذری دیگر نتواند بایستد و نشسته نماز بخواند و مقتدیان هم با او اقتداء کنند، آیا نماز امام و جماعت درست می شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است، اگر بر رکوع و سجده اشاره نمی‌کند و اگر اشاره می‌کند، اتفاقاً جائز نیست اما در نفل و تراویح به اشاره هم جائز است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ ذیحجة ۱۳۸۳ هـ ق

امامت مسبل ازار

الاستفتاء: آیا اقتداء به امامی که مسبل ازار است بهتر است یا عدم اقتداء، زیرا که قلب آن را مکروه می داند، ولی فرمایش سرور عالم است که «**صلوا خلف کل بر و فاجر**». پس ما چکار کنیم؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اقتداء خلف مسبل ازار افضل از تنها خواندن است، برای احراز فضیلت جماعت. و فقها از حدیث مذکور استدلال کرده‌اند که نماز خلف فاسق اولیٰ‌تر است از تنها خواندن. **کما هو مذکور فی کتب الفقه**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ربیع الاول ۱۳۸۵ هـ ق

امامت شخصی که تلویزیون نگاه می‌کند

الاستفتاء: اگر امام قصداً تلویزیون نگاه‌کند و مقتدی‌ها هم این مسئله را بدانند آیا با وجود این پشت سر امام نماز خواندن جائز است یا نه؟ و اگر جائز نیست، نمازهای گذشتهٔ مقتدی‌ها چطور می‌باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این چنین شخصی را امام دائم قرار دادن روا نیست. پشت

۱- شامی ۵۵۱/۱

سر او نماز خواندن، مکروه تحریمه است ولی اگر خواند ثواب جماعت به او می‌رسد، و الا نماز را اعاده کند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ شوال ۱۴۰۷ هـ ق

امامت کسی که قلیان می‌کشد

الاستفتاء: نماز خواندن پشت امام چلیمی چگونه است؟ آیا مکروه تحریمی است یا تنزیهی؟

الجواب بسم ملهم الصواب: کشیدن چلیم گاهی مکروه تحریمه می‌شود و گاهی مکروه تنزیه وگاهی مباح. پس در صورت اولی مداومت این عمل او را به کبیره و فسق می‌رساند، اگرچه در اصل مکروه تحریمه صغیره است.

و امامت فاسق به طور دائم، مکروه تحریمی است. ولی باز هم از تنها نماز خواندن پشت سر او نماز خواندن اولی‌تر است و در دو صورت دیگر به او اقتدا کردن مکروه نیست. **کذا یفهم من کتب الفقه.**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ رجب ۱۳۸۹ هـ ق

اقتدای حنفی به امامی که در نماز صبح قنوت می‌خواند

الاستفتاء: آیا برای حنفی المذهب جائز است به امامی که در نماز صبح دعاء قنوت می‌خواند، اقتدا کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.

قال فی التنویر و الدر:

«و یأتی الماموم بقنوت الوتر و لو بشافعی یقنت بعد الرکوع لانه مجتهد فیه الا الفجر لانه منسوخ بل یقف ساکتاً علی الاظهر مرسلاً یدیه»[۲]

۱- احسن الفتای: ۲۸۸/۳.

۲- ردالمحتار: ۴۹۴/۱، باب الوتر و النوافل مطلب فی الاقتداء بالشافعی

و نیز علامه شامی در جلد مذکور مطلقاً جواز اقتداء حنفی را خلف شافعی ـ ﷫ ـ نقل کرده‌اند و آن را راجح دانسته و فتوی داده است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الاول ۱۳۹۰ هـ ق

اقتداء به امامی که مذهب دیگری دارد

الاستفتاء: اقتداء پشت امامی مخالف مذهب ما جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است **مطلقاً من غیر کراهة** در روایت محقق[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی محرم ۱۴۰۰ هـ ق

امامت عنین

الاستفتاء: امامت فردی که از زمان بلوغیت عنین است، قوه‌ی مردی ندارد، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ رجب ۱۴۰۲ هـ ق

امامت اقلف

الاستفتاء: امامت بنریده یعنی اقلف و ذبیحهٔ او چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است و ذبیحهٔ او حلال است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ رجب ۱۴۰۲ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۴۱۷/۱ الامامة.

۲-کذا فی معارف السنن شرح ترمذی: ۳۳۱/۲ نقلاً عن فتح القدیر ۳۱۱/۱ و فتاوی شاه عبد العزیز دهلوی و عن الجصاص الرازی و عن ابن عابدین الشامی

امامت خنثیٰ

الاستفتاء: امامت خنثیٰ چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر علامات مردی غالب است، جائز است. و اگر علامات زنان غالب یا هر دو مساوی روا نیست.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

امامت مسبل شلوار

الاستفتاء: کسی که لباسش دراز است، امامت او چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: کسی که عادتاً چنین می‌کند او را امام‌گرفتن روا نیست.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

امامت کسی که پتلون پوشیده است

الاستفتاء: امامت کسی که پتلون دارد چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است. این چنین اشخاص را نباید امام کرد.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ نمحرم ۱۴۰۳ هـ ق

حکم امامتی در فرائض قبل از ادای سنت‌ها

الاستفتاء: امام قبل از اینکه سنت را ادا نماید، می‌تواند برای فرائض امامت کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند، اما برای او رعایت وقت متعین لازم است.[۴]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

۱- شامی: ۵۴۰/۱

۲- احسن الفتاوی: ۲۹٦/۳

۳- احسن الفتاوی: ۳۱۸/۳

۴- احسن الفتاوی: ۲۸٦/۳

امامت کسی که مخالف جماعت تبلیغ است

الاستفتاء: آیا اقتدا کردن به امامی که مخالف گروه جماعت تبلیغی است، درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز درست می شود، البته این دوری و انکار او از جماعت تبلیغ موجب حرمان او از خیر است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۵ هـ ق

امامت بی‌ریش

الاستفتاء: آیا کسی که ریش ندارد، برای امامت قابل قبول است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بالغ ریش‌دار است، ولی ریشش را می تراشد او را امام دائمی کردن روا نیست. البته اگر اتفاقاً امامی دیگر پیدا نشد، پشت او نماز با کراهیت جائز است و اگر از نابالغی ریش ندارد، پشت سر او نماز بالغان روا نیست.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۵ هـ ق

امامت کسی که تجوید نخوانده است

الاستفتاء: اگر کسی تجوید نخوانده و حروف قرآن را خوب اداء نمی‌کند مثلاً به جای (ع)، الف می خواند و به جای (ق) کاف سرکش می خواند و به جای (ح) های دو چشم می خواند، آیا امامت او درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر امامی صحیح‌خوان پیدا شود، او را امام کردن روا نیست و اگر کسی نیست، امثال خود را نماز دهد، نه کسانی که صحیح می خوانند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۵ هـ ق

متولی مسجد و امام تعیین شده‌ی او احق به امامت هستند یا نه؟

الاستفتاء: مسجدی که متولی و بانی آن مسجد می‌خواهد خودش امام شود، یا دیگری را امام‌گیرد، قوم و اهل محل می‌خواهند غیر از این متولی و امام مقررکرده‌ی او دیگری را امام‌گیرند، آیا این متولی مسجد و امام مقررکرده‌ی او احق به امامت هستند یا امام تعیین‌کرده‌ی مردم؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر متولی یا امام او، اهل امامت و تولیت است، پس او احق است و اگر خائن و نااهل باشد، پس مردم حق دارند که او را معزول‌کرده، دیگری به جای او تعیین‌کنند، اما خیانت متولی و بانی و امام را باید به‌گواه شرعی ثابت‌کنند. فقط طعن مردم اعتبار ندارد تا ثبوت نااهلی و خیانت او به‌گواه شرعی نباشد.

قال فی التنویر و الدر:

«جعل الواقف الولایة لنفسه جاز بالاجماع و کذا لولم یشترط لاحد فالولایة له عند الثانی و هو ظاهر المذهب (الی ان قال) و نیزع وجوباً، بزازیة لو الواقف درر، فغیره بالاولی غیر مأمون او عاجز او ظهر به فسق...»

و قال الشامی:

«و قد منا انه لایعزله القاضی بمجرد الطعن فی امانته بل بخیانة ظاهرة ببینة و انه اذا اخرجه و تاب و اناب اعاده»[1]

در موضوع شرائط تولیت مسجد هم همین احکام وقف‌اند چنانچه تفصیل آن در فتاوی امدادیه موجود است.

و نیز در فتاوی دارالعلوم و العقودالدریة مسطور است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الآخر ١۴٠٦ هـ ق

۱– ردالمحتار: ۴۲۱/۳، الوقف. مطلب فی اشتراط الواقف الولایة لنفسه.

۲–امداد الفتاوی: ٦۳۹/۲. فتاوی دارالعلوم دیوبند (عزیز الفتاوی): ۵ و ۲۳٦/٦. العقود الدریة: ۱۲۲/۱

اگر امام از قرائت در نماز بند شد، چکار کند

الاستفتاء: اگر امامی در نماز چیزی خوانده بود و از قرائت بند شد، آیا به رکوع برود یا از جای دیگر شروع کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر کمتر از سه آیت کوچک یا یک آیه بزرگ خوانده بود، لزوماً از جای دیگر اگر یادش آید شروع کند و اگر بیشتر خوانده است، برای اتمام سنت اگر جای دیگر گیرد، بهتر است وگرنه به رکوع برود. **المسئلة مذکورة فی الفقه**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۴ ربیع الاول ۱۳۸٦ هـ ق

نماز مقتدی‌ها در صورتی که امام مسافر چهار رکعت تمام کرد و سجده سهو هم نکرد

الاستفتاء: چند نفر مقیم به مسافری اقتداء کردند و مسافر که امام بود در قاعده اولی که مکان سلام دادن این امام مسافر است، سلام نداد و برخاست به رکعت سوم و هر چهار رکعت را تمام کرد و سجده سهو نکرد. آیا نماز مقتدیان فاسد است؟ پس اقتداء این مقیمان به همین امام مسافر دوم جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این مقتدیان به طور اتباع او با او همراهی کردند، نمازشان فاسد است و اگر بعد از برخاستن امام به رکعت سوم دانستند که امام خطاء کرد و حالا ما همراه او نیستیم ولی در صورت ادا توافق افتاد، اما در دل خود فهمیدند که ما تابع او نیستیم و تنها می‌خوانیم نمازشان صحیح است.

و در صورت دوم فساد نمازشان، با این امام که اعاده‌ی نماز خود می‌کند، اقتداء بکنند زیراکه نماز امام به سبب فوت شدن سجده سهو و واجب الاعاده است. برای تکمیل فرض اول گویا ذاتاً همان نماز است ولی تکمیل وصف ناقص آن می‌کند.

پس ذاتاً نماز او و مقتدیان یک فرض است قواعد و نظائر در این باب در فقه بسیار است.

و فی الشامیة:

«یوخذ من هذا انه لو اقتدی مقیمون بمسافر و اتم بهم بـلانية اقـامة و تـابعوه فسـدت صلواتهم لكونه متنفلا فی الاخیرین».

و فی التنویر و الدر:

«و لامفترض بمتنفعل و بمفترض فرضاً آخر لان اتحاد الصلواتين شرط عندنا»

و فی الشامية تحت هذا القول:

«سواء تغاير الفرضان اسماً او صفة...»

و فی الدر:

«ولا ناذر بحالف لان المنذورة اقوی...»[1]

پس بعد از تدبر تام در این نقول آن دو صورت مسئوله در سوال بر می‌آید چنان که نوشته شد. و در امداد الفتاوی نیز موجود است.[2]

و اعاده‌ی اتیان مثل اول است ذاتاً مع صفة الکمال، کذا فی الرد.

و قال بعد بحث کثیر: «و حاصله توقف الحکم بفرضية الاولی علی عدم الاعادة»[3]

و فیه:

«فاذا اعادها الولی وقعت فرضاً مکملاً للفرض الاول نظیر اعادة الصلواة المواداة بکراهـة فان کلاً منهما فرض کما حففناه فی محله»[4]

از این عبارات معلوم شد که فرض ثانی در حقیقت هـمان فـرض اول است فـقط تنقیص صفت چون آمده بود ادای دوم آن را مکمل کرد.

پس فرقی در میان نماز امام و مقتدی ذاتاً نیامد لذا اتحاد ذاتی قائم است اگر چه تغائر اعتباری هست اما برای جواز اقتداء، فقط اتحاد ذاتی شرط است نه اتحاد من کل الوجوه. نظائر آن در فقه بسیار است مثل اقتداء معتقد وجوب وتر خلف معتقد سنیت آن و غیره.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۹ رجب ۱۳۹۰ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۴۲۹/۱ و ۴۳۰ الامامة

۲-امداد الفتاوی: ۳۳۷/۱

۳- ردالمحتار: ۵۳۵/۱ و ۵۳۶ قضاء الفوائت

۴- ردالمحتار: ٦۵۲/۱ الجنائز

اگر امام سجده‌ی سهوی را که بر او واجب شده بود فراموش کرد، نماز مقتدی‌ها چطور می‌شود؟

الاستفتاء: چند نفر اقتداء به امامی مسافر کردند و بر امام سجده‌ی سهو لازم شد و سجده‌ی سهو نکرد. آیا این مقتدیان سجده‌ی سهو به وقت انفرادی خود کنند یا نه؟ و نماز اینها و امام چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مقتدیها حکم مسبوق دارند که حکم لاحق است. پس اگر در رکعاتی که بعد از امام می‌خوانند اگر سهو کردند سجده‌ی سهو کنند اصح همین است و آن سهو که بر امام واجب شده بود ونکرد بر ایشان هم تنها لازم نیست. اما بر امام و مقتدیها برای جبر نقصان اعاده واجب است.

قال فی الدر:

«والمقیم خلف المسافر کالمسبوق و قلی کالاحق».

و فی الشامیة:

«قوله (والمقیم) ذکر فی البحر ان المقیم المقتدی بالمسافر کالمسبوق فی انه یتابع الامام فی سجود السهو ثم یشتغل بالاتمام...»[1]

و فی الرد:

«و الظاهر ان المقتدی تجب علیه الاعادة کالامام ان کان السقوط بفعله العمد لتقرر النقصان بلاجابر من غیر عذر» [2]

و فی الرد:

«قوله (و کذا کل صلاة) و ان النقص اذا دخل فی صلواة الامام و لک یجبر و جبت الاعادة علی المقتدی ایضاً»[3]

از این عبارت معلوم که این مقتدی مثل مسبوق است. و نیز ومعلوم شد که اگر در

۱- ردالمحتار: ۵۵۰/۱ باب سجود السهو ۲- ردالمحتار: ۵۴۹/۱

۳- ردالمحتار: ۳۳۷/۱ صفه الصلاة مطلب کل صلاة ادیت مع کراهة التحریم تجب اعادتها

نماز امام خللی واقع شد در نماز مقتوی هم واقع می‌شود لذا او را نیز برای جبر نقصان اعاده واجب است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۹ رجب ۱۳۹۰ هـ ق

اقتدای حنفی به امام شافعی مذهب در وتر

الاستفتاء: اقتداء حنفی در وتر به شافعی مذهب مطلقاً در نمازها و خواندن قنوت حنفی که قبل یا بعد رکوع چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله علماء احناف دو عده شده‌اند؛ گروهی فرمودند که اعتبار به رأی مقتدی است و گروهی رأی امام را اعتبار کرده‌اند. هرگروه موافق تحقیق خود، فروع مرتب نموده است. در بحر و فتح و ردالمحتار و فتاوای لکنوی تفصیل آن مذکور است. اما رأی محققین احناف مثل جصاص، رازی، و ابن وهبان، علامه شامی، و علمای دیوبند، آن است که جائز است اقتداء حنفی پس امام شافعی المذهب و عکس آن مطلقاً. اگر چه امام فصل به سلام کند یا نکند.

پس مقتدی بوقت سلام او سلام ندهد و چون او برمی‌خیزد به همراه او برخیزد و تمام کند و قنوت به همراه او خواند و قنوت خود احناف را بخواند. اما اگر امام حنفی موجود است ، اقتداء به او افضل است و اگر دو جماعت شد و جماعت اولی جماعت شوافع است و مسجد مقرره است نزد همه احناف به جماعت اولی اقتداء کند.

و نزد بعضی محققین در آن صورت که فصل به سلام می‌کند اقتداء جائز نیست و نیز در صورت اقتداء مطلقاً تفصیل است به این طور که نزد کسانی که رأی مقتدی معتبر است، اگر مقتدی یقین باشد که امام مراعات مواضع خلاف نمی‌کند و محتاط است اقتداء او مکروه نیست و اگر شک باشد مکروه است و اگر عدم مراعات یقین است جائز نیست و مراد از مراعات، مراعات شروط و ارکان است نه مراعات واجبات و سنن. و نزد کسانی که رأی امام معتبر است، اگر چه امام محتاط نباشد نیز اقتداء صحیح است تا وقتی که مفسد و مبطل نزد او محقق نگردد و مؤید این قول است اقتدای ابو یوسف با هارون بعد از فصد.

مسئله با وجوهات خود درکمی و بیشی در شامی و فتاوی لکهنوی و فتاوی دارالعلوم و عرف الشذی موجود است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱٦ محرم ۱۳۹۵ هـ ق

مثل سؤال بالا / حکم رفع الیدین و آمین به جهر گفتن حنفی در نماز صبح

الاستفتاء: بنده در امارات العربیة المتحدة امام مسجد هستم و اکثر مقتدی‌های مسجد، حنفی می‌باشند و سنت وترکه می‌خوانیم حنفی‌ها همراه ما نمی‌خوانند، البته در رمضان و می‌گویند وتر ما همراه شما نمی‌شود، می‌گویند که ما یک رکعت نداریم و یک رکعت نیست. با وجودی که در مذهب شافعی یک رکعت درست است و سه رکعت با هم نیز درست است. لطفاً بفرمایید که وتر حنفی‌ها همراه شافعی‌ها درست می‌باشد یا خیر؟ و در نماز صبح وقتی امام قنوت می‌خواند اگر یکی از حنفی‌ها دستش را بالا بگیرد و آمین بگوید نمازش باطل می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر شما سه رکعت به یک سلام می‌خوانید که خود در مذهب امام شافعی ـ ﷬ ـ هم روا است پس اقتداء احناف پشت سر شما به قول محقق روا است و اگر در میان به سلام فصل می‌کنید اقتداء احناف صحیح نمی‌گردد چراکه در مذهب احناف نماز یک رکعتی ثابت نیست و نزد احناف یک رکعت نماز بتیراء است که از آن در حدیثی نهی وارد است.

قال فی الدر:

«و صح الاقتداء فیه (ای فی الوتر) بشافعی مثلا لم یفصله بسلام لا ان فصله علی الاصح...»[۲]

البته قولی دیگر از احناف برای جواز هم از علامه هندوانی که مبنایش این است که در این مورد اعتقاد امام اعتبار دارد یعنی اگر امام معتقد به جواز است نماز مقتدی هم

۱– ردالمحتار: ۴۱٦/۱ اول باب الامامة و ۴۹۴ الوتر و النوافل. فتاوی لکهنوی: ۵۳/۳. فتاوی دارالعلوم دیوبند (عزیز الفتاوی): ۲و۱۱۷/۱. العرف الشذی شرح سنن الترمذی: ۱۷۰/۴.

۲– ردالمحتار: ۴۹۴/۱ الوتر و النوافل.

می شود. و مبنای قول اصح آن است که اعتقاد مقتدی اعتبار دارد، **کما فصله الشامی و البحر و فی الهندیة مثله**[۱]

وکلیه این مسئله به قول اصح که اعتقاد مقتدی در این جا معتمد است این است که اگر امام شافعی المذهب یا مالکی المذهب یا حنبلی المذهب در طهارت و دیگر مسائل خاصه که بر آنها مدار صحت نماز احناف است رعایت آنها می‌کند پس بلاکراهة اقتدای آنها روا است و اگر عدم رعایت یقین باشد اقتداء صحیح نیست و اگر رعایت مشکوک است اقتداء مکروه تنزیهی است.[۲]

و فصل به سلام در وتر از قسم دوم است. البته آمین در صبح مفسد نیست هر که گفته مفسد است، بی جاگفته است. البته آمین را اخفاء کند به غیر دست بلند کردن و اگر کرد، باز هم نماز باطل نمی‌گردد.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۹ شوال ۱۴۰۷ هـ ق

نحوه‌ی اقتداء به امامی که نوع نماز او معلوم نیست

الاستفتاء: در ماه رمضان اگر کسی در حین قیام به جماعت برسد و نمی داند که امام چه نمازی را شروع کرده، آیا فرض می خواند یا تراویح و یا وتر؟ پس این شخص چکار کند؟ آیا به نماز امام شریک شود و فرض خود را تنها بخواند و یا منتظر شود تا از حال نماز امام معلوم شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب:

قال فی الهندیة:

«و لو وجد الامام فی الصلواة و لم یدر انها الفریضة او التراویح فقال ان کانت العشاء اقتدیت به وان کانت التراویح ما اقتدیت به لایصح الاقتداء سواء کانت فی العشاء او فی التراویح...»[۳]

۱- الهندیة: ۴۳/۱
۲-کذا فی فتاوی رحیمیه: ۱۶۸/۱، نقلاً عن البحر و غیره
۳- الهندیة: ۱۱۷/۱ ط کویته

و فی الهندیة ایضاً:

«و فی العصر و المغرب و الفجر یخرج فان مکث و لم یدخل معهم اعنی فی الظهر و غیره یکره»[۱]

و فی الخانیة علی حاشیة الهندیة، بعد بیان ینوی من لایعرف حال الامام:

«و الاحسن ان یقول نویت ان اصلی مع الامام ما یصلی الامام» [۲]

از این عبارت سه چیز معلوم شد:

۱) شخص آینده باید اقتداء کند خالی نه نشیند چراکه چون گنجایش اقتداء هست خالی نشستن او آن جا مکروه است به علت اینکه صورت اعتراض لازم می‌آید چنان‌که از عبارت دوم هندیه واضح است.

۲) دوم اینکه در نیت خود تردد نکند و اگر کرد نماز او صحیح نمی‌شود.

۳) سوم اینکه نیت نماز امام کند عموماً پس اگر او فرض می‌خواند یا تراویح یا وتر پس در صورت فرض، فرض ادا می‌گردد. و اگر معلوم شد که وتر می‌خواند وتر او هم صحیح شد اعاده نمی‌خواهد.

البته اگر معلوم شد که تراویح می‌خواند و این شخص تا حال فرض نخوانده است این نفل شد دوباره فرض خوانده و به تراویح یا غیره اقتداء کند زیراکه تراویح و سنت تابع فرض اند. قبل از متبوع خود ادا نمی‌شود ولو سهواً و نسیاناً باشد، اما وتر نزد امام همام تابع فرض نیست و صحیح شده است.

قال فی الهندیة:

«و الصحیح ان وقتها ما بعد العشاء الی طلوع الفجر قبل الوتر و بعده حتی لو تبین ان العشاء صلاها بلاطهارة دون التراویح و الوتر اعاد التراویح مع العشاء دون الوتر لانها تبع للعشاء...»[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۰ شوال ۱۳۹۸ هـ ق

۱- الهندیة: ۱۳۰/۱

۲- الفتاوی الخانیة بهامش الهندیة: ۸۳/۱

۳- الهندیة: ۱۱۵/۱

حکم نماز مقتدی‌ها در صورتی که امام مسافر چهار رکعت خواند

الاستفتاء: اگر امام مسافر و مقتدی مقیم و امام مثلاً در نماز چهار رکعتی بود ولی اشتباهاً پس از تحیات رکعت دوم قیام کرد، نماز مقتدی‌ها چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مقتدی‌ها اگر همراه او برخاسته رکوع و سجده کردند نمازشان فاسد است و اگر امام را ترک کرده باقی نماز خود را خود سرانه ادا کردند نمازشان صحیح شد.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۰ شوال ۱۴۰۰ هـ ق

مسئولیت اشتباه بیان کردن امام مسائل را و روش توبه از آن

الاستفتاء: اگر امام مسئله را به اشتباه و خطاء بیان کرد، پس آن مقتدی به همان نحو عمل کند بعداً مسئله برای او واضح شد که خلاف گفتهٔ اوست، آیا این ذمه که به گردن امام است حقوق الله است یا حقوق العباد و آیا حقوق العباد به توبه بخشیده می شوند یا خیر؟

دوم اینکه اگر امام در حال امامت یک جایی سهو و خطائی کرد یا چنین فعلی که مفسد نماز است انجام داد، اگر نماز مقتدیان فاسد می شود این از حقوق العباد است یا از حقوق الله؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این هم از حقوق الله است و هم از حقوق العباد، حقوق الله است به این طور که مأمور است برای بیان صحیح نه غلط، و حقوق العباد است که ایشان را درگناه انداخته است لهذا لازم است که اعلان کامل کند و توبه این عمل همین اعلان است دیگر توبه ندارد.

سهو مفسد هم در همین حکم بالا داخل است راه توبه او هم همین است که مذکور شد به اعادهٔ نماز. **کذا فی الفقه**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۹ جماوی الاول ۱۴۰۲ هـ ق

۱- احسن الفتاوی: ۲٦۴/۳

اگر امام قبل از نشستن اقتداء کننده، سلام گردانید، آیا این اقتداء درست است؟

الاستفتاء: اگر قبل از نشستن مقتدی، امام سلام گفت، این اقتداء صحیح است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح است، اگر تکبیر تحریمه گفت و قبل از نشستن او، امام سلام گفت همان نماز را تمام کند.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۷ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

حکم اقتداء در نماز واجب الاعاده

الاستفتاء: اگر شخصی به سبب ترک واجبی دوباره اعاده نماز خود می‌کند و در همین اثناء کسی ندانسته به فرض وقت به او اقتداء کند، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت، صحت نماز اقتداء کننده ارجح و اوسع است و عدم صحت احوط است لهذا اگر به لاعلمی اقتداء کرد نمازش صحیح است و با وجود علم اقتداء نکند.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۹ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

اقتداء به امامی که نمازش را منفرداً شروع کرده است

الاستفتاء: امام مسجد به وقت عدم حضور مردم نماز را خود تنها شروع کرد. بعد از شروع کردن نماز وی، مقتدی‌ها آمدند. آیا امام نماز منفرده‌ی خود را تکمیل کند یا نماز را نقض کند دوباره امامت کند یا مقتدیان به او اقتداء کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز خود را ادامه دهد و مقتدیان به او اقتداکنند هر جاکه برسند و امام اگر در دو رکعت اولی و دوم است بعد اقتداء مقتدیها به جهر خواندن شروع کند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۲ شوال ۱۴۰۳ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۴۳٦/۱، واجبات الصلاة، قبیل مطلب مهم فی تحقیق متابعة الامام.

۲-احسن الفتاوی: ۳۵۲/۳

اقتداء در نماز واجب الاعاده

الاستفتاء: اگر به سبب ترک سجده‌ی سهو خواستند که اعاده‌ی نماز کنند، کسی دیگر در نماز وقتی که تا حال نکرده است به این امام می‌تواند اقتداء کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌تواند اگر اقتداء کرد نماز او صحیح نمی‌باشد.[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱ محرم الحرام ۱۴۰۵ هـ ق

امامت شخصی که فحاشی از زبانش برمی‌آید

الاستفتاء: آیا اقتدا کردن به امامی که سخنان فحش و ناسزا از زبانش جاری شود، جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائزاست، ولی مکروه می‌باشد. **کذا فی الشامی.**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ ربیع الآخر ۱۴۰۷ هـ ق

تحقیقی در مورد نماز خواندن با کفش

الاستفتاء: آیا اقتدا کردن به امامی که با کفش نماز می‌خواند درست می‌باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر کفش‌های این مُلا چنان هستند که وقت سجده شکم انگشت‌های پای او بر زمین می‌رسد و قرار می‌گیرد و کفش‌های او هم پاک و تمیز است، نماز و اقتداء به او صحیح است، اگرچه بر خود مُلا در این زمان با کفش در مسجد رفتن و نماز خواندن خلاف ادب و تشبه به کفار است، که در عبادت‌خانه‌های خود با کفش می‌روند.

و اگر کفش‌های او مانع رسیدن شکم انگشت‌های پای است بر زمین یا کفش‌های او

۱- رحیمیه: ۱۹۸/۱ (این مسئله، مختلف فیها است. صاحب فتاوی رحیمیه، عدم جواز را ترجیح می‌دهد و از روی دلیل، قولش قوی است، از این وجه بنده طبق قول او فتوا صادر کرده‌ام. البته عملاً قول آنان که جواز را ترجیح می‌دهند، راجح است و عملاً راجح همین است. (مؤلف) (همچنانکه طبق قول مجوزین، فتوا صادر شده است).

ناپاک است، يقيناً يا به غالب گمان، پس نماز اين امام به جميع مذاهب روا نيست و نماز شما هم پشت سر او صحيح نيست.

قال فی معارف السنن نقلاً عن مقالات العلامة الشيخ محمد زاهد الکوثری المصری:

«و اما الصلواة بالنعل فصحيحة اذا کانت طاهرة و لاتمانع وضع باطن رؤس الاصابع علی الارض کما هو شان تمام السجدة علی ما ذکرة الخطاب و غيره. و النعال فی عهد النبی ـ ﷺ ـ کانت لينة ذات قبال بين الاصابع کنعال الحجاز اليوم بخلاف مداسات اليوم الصلبية التی لايتمکن المصلی من اتمام السجود فيها و کان مسجد النبی ـ ﷺ ـ مفروشا باالحصباء و حجرات ازواج النبی ـ ﷺ ـ کانت فی اتصال المسجد فلم تکن نعله عـليه الصـلواة و السلام مظنة اصابة قذر اصلا لانه لم يکن يطأبها شوارع قذرة و کانت المدينة المـنورة طاهرة الازقة من الارواث و الارجاس انصياعا عن الصحابة ـ رضی الله عنهم ـ لامر الرسول الله ـ ﷺ ـ فی مراعات النظافة الکاملة فی البيوت و افنيتهافضلاً عن بيوت الله فکان الماشی فيها يتمکن من التحفظ من المشی من وطأ الاقذار و اراضيها کانت رملية رخوة يؤمن مـعها الرشاش. و عند ارادة صب المآء کانوا يتبعدون عن الازقة و المساکن و يتطلبون رمثا من الارض لايرش و کان عليه الصلواة و السلام اذا اراد البراز انطلق حتی لايراه احد و کان ينهی عن الثلاث و کان ينهی عن التخلی فی طريق الناس او ظلهم کما اخرجه ابوداود و غيره بخلاف شوارع اليوم و مرا حيض اليوم فانها لايمکن فيها التحفظ من وطأ الاقذار و الرشاش عن النعال لکون مراحيضها صلبة ترش حتماً عن النعال و لاسيما اذا بال الشخص و هو قائم لانها علی طراز افرنجی لايتمکن المرءمن البول فيها الا و هو قائم. و قد صح انه عليه الصلواة السلام خلع نعله عند الصلواة فی فتح مکة فيکون هذا آخر الامرين کما انه خلع حينما اعلمه جبريل ان بنعله اذی و الترحيص عند التحقيق من طـهارة النـعل و هـو مقتضی الادلة عند المحققين.

و من يری استحباب لبسها بشرط انما استحب لمخالفة اليهود لکن اهل الکتاب اصبحوا اليوم يدخلون کنايسهم و يصلون بنعالهم فتکون المخالفة لهم فی خلع النعال لافی لبسها.

و اما قول انس ـ رضی الله عنه ـ نعم، لمن سأله اکان يصلی فی النعلين لايدل علی المواظبة کما يجد ما يوضح ذالک فی شرح النووی لمسلم عند کلامه فی صلواة الليل فتکون دعوی بـعض الحـنابلة

الشذاذ سنية لبس النعل فی الصلواۃ غیر قایمة الحجة بل یعد الیوم من سوء الادب دخول المساجد بالنعال کما ذکره النووی و الابی فی شرح و علی القادری فی شرح المشکواۃ و المقرئی فی فتح المتعال و اللکنوی فی غایة المقال و ابن ابی سعید السجستانی فی منیة المفتی و الحموی فـی الاشباه بل لهم سلف فی الصحابة ـ رضی الله عنهم ـ و الیک تفصیل ما یدل علی ذالک: قد صح عن انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ انه سئل اکان النبی ـ صلی الله علیه وسلم ـ یصلی فی نعلیه فقال نعم کما فی الصححین و غیرهما و قال النووی فی باب قیام اللیل من شرح مسلم ان المختار الذی علیه الاکثرون و المحققون مـن الاصولیین ان لفظة کان لایلزم عنها الدوام و التکرار و انما هی فعل ماض یدل علی و قوعه مرة فان دل دلیل علی ذالک عمل به و الا فلا تقتضیه بوضعها اهو فی حاشیة معانی الآثار قال النووی لایؤخذ منه لغیره ـ صلی الله علیه وسلم ـ لان حفظ غیره لایلحق به ثم ان فعل لایفعل فی المساجد لئلا یفضی الی الفساد بل لایدخل المسجد بالنعل مخلوعة الاوهی فی کی یحفظها.

و فی المجموع للنووی: ۳-۴۲۷ قال الشافعی ـ رحمه الله ـ و احب ان لم یکـن الرجـل مـتخففا ان یفضی بقدمیه الی الارض و لایسجد متنعلا اه و مصداقه ما فی الامام للشافعی: ۱-۹۹

واجب اذا لم یکن الرجل متخففا ان یفضی بقدمیه و لایسجد مستنعلا فتحول النعلان بین قذمیه و الارض اه

قال ابن بطال الحدیث محمول علی ما اذالم یکن فیهما نجاسة.

ثم هو من الرخص کما قال ابن دقیق العید لامن المستحبات لان ذالک لایدخل فـی المـعنی المطلوب من الصلواۃ و هی و ان کانت من ملابس الزینة الا ان ملامستها الارض التی تکثیر فیها النجاسات قد تقصر عن هذه الرتبة و اذا تعارضت مراعـاة مـصلحة التـحسین و مـراعـات ازالة النجاسة قدمت الثانیة لانها من باب دفع المفاسد الاخری من باب جلب المصالح الا ان یرد دلیل بالحاقه بما یحتمل به فیرجع الیه و یترک هذا النظر کما هو فی شرح البخاری و انت تعلم منزلة ابن دقیق العید فی الحفظ و الاجتهاد و الجمع بین مذهبی مالک و الشافعی اتم جمع.

قال ابن حجر ورد فی کون الصلواۃ فی النعال من الرتبة المأمور بـاخذها فـی الآیـة حـدیث ضعیف جداً ورده ابن عدی فی الکامل و ابن مردویه فی تفسیره من حدیث ابی هریرة و العقیلی من حدیث انس اه و لاشأن لمثل هذالضعیف فی باب الاحکام فیبقی نظر ابن دقیق العید ماخوذا به. و فی شرح جامع الترمذی للعراقی اختلف نظر الصحابة و التابعین فی لبس النعال فی الصلواۃ

هل هو مستحب او مباح او مكروه و الذى يترجح التسوية بين اللبس و النزع مالم يكن فيهما نجاسة محققة او مظنونة اه فخلافهم فيما اذا كانت طاهرة لا فى النعل اللتى يمشى فيها لا لبسها فى مثل شوارعنا و ازقتنا و مراحيضنا اصلاً كما توضح ذالک و استحب من استحب لبسها انم هو باعتبار مخالفة اليهود لحديث ابى داود و الحاكم عن شداد بن اوس لكن فى سنده مروان ابن معاوية و هو مدلس و قد عنعن و يعلى بن شداد و عنه يقول الذهبى بعض الائمة توقف فى الاحتجاج بخبره اه على ان اهل الكتاب اصبحوا يصلون فى نعالهم فتكون المخالفة لهم فى نزعها لا فى لبسها فى الصلواة كما فى بذل المجهود و كما هو مشهور و قال الابى فى شرح مسلم – ٢ – ٣٥١ – فى شرح حديث انس السابق ظاهرة التكرار: و لايؤخذ منه جواز الصلواة فى النعل و ان كان الاصل التأسى. لان تحفظه (صلى‌الله‌عليه‌وسلم) لايلحق به غيره بل الناس تختلف حالهم فى ذالک فرب رجل لايكثر المشى فى الازقة و الشوارع و ان مشى لايمشى فى كل الشوارع التى هى مظنة النجاسة و انما يؤخذ جواز الصلواة فيها من فعل الصحابة ـ رضي الله عنهم ـ منضماً الى اقراره ـ ﷺ ـ لهم ثم انه و ان كان جائز ـ يعنى عند امكان اتمام السجدة فيها مع طهارتها ـ فلا ينبغى ان يفعل لاسميا فى المساجد الجامعة فانه قد يؤدى الى مفسدة اعظم كما اتفق فى رجل يسمى هداجاً من اكابر اعراب افريقية اذ دخل الجامع الاعظم بتونس باخفافه فزجر عن ذالک فقال دخلت بها كذالک و الله على السلطان فاستعظم ذالک العامة منه و قاموا عليه و افضت الحال الى قتله و كانت فتنة. و ايضاً فانه يودى الى ان يفعله من العوام من لايحفظ المشى بنعله بل لايدخل المسجد بالنعل مخلوعة الاوهى فى كى يحفظها اه و انت تعلم الابى بين شراح مسلم و من نظر اليه بمنظار مصفر فهو مختل البصر عليل النظر. ترجمة فى نيل الابتهاج ٢٨٧. و قد تابعه السنوسى شارح مسلم.

و قال الابى ايضاً فى – ٢ – ٦٦ – :

و اما ادخال الانعلة غير مستورة فسأل الشيخ الصالح ابو على القروى الشيخ الفقيه الصالح ابا الحسن المختصر عن ذالک فقال يا سيدى الم تخبر فى ان سيدى ابا محمد الزواوى رآک وضعت نعلک غير مستوره باذاء سارية فقال انتم ايها الرهط يقتدى بكم فلا تفعل فكان القروى بعد ذالک يقول حدثنى المنتصر عنّى ان الزواوى اه و مثل ذالک فى مدخل ابن الحاج المالكى هكذا كان علماء المالكية فى التحفظ سؤة باخوانهم من علماء باقى المذاهب و مخالفة هؤلاء جميعاً ليست بالامر الهين و قضية ندب الصلواة فى النعال و

الخفاف لکن قال الخطابی و نقل عن الامام الشافعی ان الادب خلع النعال فی الصلواۃ و ینبغی الجمع بحمل ما فی الخبر علی ما اذا تیقن طهارتهما و یتمکن معهما من تمام السجود بان یسجد علی جمیع اصابع رجلیه و قول الامام فیما اذا کان علی خلاف ذالک... ورد علیه القاری فی المشکواۃ: ۱-۴۸۳، و قال هذا خطأ ظاهر لانه یلزم منه انه اذا یتقن الطهارۃ و لم یکن معهما اتمام السجود یکون خلع النعل ادباً مع انه حینئذٍ واجب فالاولی ان یحمل قول الشافعی علی ان ادب الذی استقر علیه آخره امره علیه الصلواۃ و السلام خلع نعلیه، او الادب فی زماننا عند عدم الیهود و النصاری او عدم اعتیادهما الخلع ثم سنح لی ان معنی الحدیث خالفوا فی تجویز الصلواۃ مع التعال و الخفاف فانهم لایصلون ای لا یجوز ون الصلواۃ فیهما ولایلزم منه الفعل و انما فعله علیه الصلواۃ و السلام تاکیداً للمخالفة خصوصاً علی مذهب من یقول ان الدلیل الفعلی اقوی من الدلیل القولی اھ

و نعال الصحابة کانت لینة مکشوفة الاصابع کالنعال المعروفة فی الحجاز الی الیوم فیسهل معها اتمام السجدۃ بخلاف مداسة الیوم فانها صلبة وضع الرجل فیها کوضعها فی صندوق فلا تمکن المصلی من اتمام السجدۃ فیها و حدیث السجود علی سبعة آراب مما اخذ به جمیع الفقهاء فی جمیع المذاهب و فی شرح المنیة ۲۸۵. المراد من وضع القدم وضع اصابعها و قال الزاهدی و وضع رؤس القدمین حالة السجود فرض و فی مختصر الکرخی سجد و رفع اصابع رجلیه عن الارض لاتجوز و کذا فی الخلاصة و البزازیة و المراد بوضع الاصابع توجیهما نحو القبلة لیکون الاعتماد علیها و الافهو وضع ظهر القدم و هو غیر العتبر و هذا مما یحب التنبیه له فان اکثر الناس عنه فاعلوه اھ

و ذالک بعد ان رد علی صاحب العنایة وهمه و قال عن قوله: فی عدم وجوب وضع الاصابع فی السجود، انه یعید عن الحق و بضده احق اذلا روایة تساعده و الدرایة تسفیه اھ

و من الدلیل علی ان نزع النعلین آخر الامرین حدیث عبد الله بن السائب عند ابی داود انه رآه عام الفتح یصلی و قد خلع نعلیه ثم ما وقع فی حدیث انس عند الطبرانی و غیره فانه علیه الصلواۃ و السلام لم یخلع نعلیه فی الصلوات الامرۃ فالمراد به خلعهما اثناء الصلواۃ تصریح لفظه الحدیث نفسه لان الصلواۃ فی الحدیث جعلت ظرفا لخلع فلا یتصور

ان تكون الصلواة ظرفا لخلع الا اذا وقع الخلع فى اثناء الصلواة كما لايخفى فيكون تخيل انه عليه الصلواة و السلام لم يخلع النعلين قبل الصلواة طول عمره الامرة خروجاً عن نص الحديث و دلالة الصريحة فلا ينافى هذالحديث كثرة خلعه قبل الصلواة على ان فى سند حديث انس ثمامة بن عبدالله و هوممن يشير ابن معين على ضعفه و كان غير محمود فى القضاء و ان كان ممن ينتفى بعض حديثه فى الصحيح ايضاً على ان خبر انس هذاتعارضه روايات عن ابن عباس و ابى هريرة و ابن مسعود و عبدالله الشخير ـ رضي الله عنهم ـ حيث لم يوجد فيها القصر على مرة واحدة بل فيها ذكر الخلع اثناء الصلواة فقط من غير قصر مرة و هو الموافق لاحاديث عبدالله بن عمرو ابن العاص و ابى هريرة و عائشة و عبدالله السائب ـ رضي الله عنهم ـ فى سنن ابى داود و البيهقى و مسند احمد و معجم الطبرانى الاوسط و غيرها فى صلاته عليه الصلواة و السلام و هو غير لابس النعلين على ان المسجد النبوى كان مفروشا بالحصباء فى مبدأ الامروليس له سقف يحمى ارضه من حرارة الشمس فكان يحوج ذالک الى اتخاذ نعال خاصة اتقاء من حرارة الحصباء و خشونتها و اين هذا مما استقر عليه الامر فيما بعد ولالوم على من اتخذ نعاله لينة كا خفاف لينة دون الكعبين لتلبس اثناء الصلواة خاصة كما كان اصحاب شيخ مشائخنا الضياء المحدث يفعلون ذالک لان مثل هذه النعال لاتحول دون التمكن من اتمام السجود و لاهى مظنة لصوق النجاسة بها لعدم المشى فى الازقة و الشوارع و فى حديث الطحاوى بطريق شعبة عن النعمان بن سالم عن عثمان بن عمرو بن اوس قال كان جدى. يعنى اوس بن ابى اوس ـ رضي الله عنه ـ يصلى فيا مرنى ان اناوله نعليه فيتنعل و يقول رئيت رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ فى نعليه اه

و هذا اتخاذ نعل خاصة للصلاة و هذا مما لاكلام فيه كما سبق و من لم يعترف بمبلغ تحفظ النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ و تحفظ اصحابه ـ رضي الله عنهم ـ من الاقذار فى ثيابهم و مساجدهم و منازلهم و ازقتهم مع كثرة ماورد فى ذالک من الاحاديث التى اشرت الى بعضها و لم يلتفت الى صنوف الارجاس و الانجاس المشهود فى ازقة اليوم و المراحيض بل منعرجات الشوارع التى اتخذها حمير البشر مذاهب و مبالات تسيل ارجاسها الى تلک الشوارع المرشوشة و حمل العامة على ان يوسخو المساجد بنعالهم القذرة و عرض صلواتهم هكذا اللفساد بنجاسة نعالهم و عدم تمكنهم من اتمام السجود فيها لصلابتها فهو مريض القلب زنح

العقل وسخ الفعل متعام عن الحقائق مكابر فلايستحق الخطاب و قد تطابقت كلمات اهل العلم على ان الصلواة فى نعال الشوارع اليوم خلاف الادب و ان كانت طاهرة بل سؤالادب كما تجد تفصيله فى منية المفتى للسجستانى و فتح المتعال للعلامة المقرى و شرح المشكواة لعلى القارى و غايد المقال للمحدث عبد الحى و غيرها.

و اما طهارة النعل بالمسح على الارض ففيما اذا كان الاذى فيها ذا جرم غير رطب تتشرب النعل رطوبة النجاسة لان لفظ الحديث عن ابى داود فى الصلواة من روايته عن موسى بن اسماعيل عن حماد بن سلمة عن ابى نعامة السعدى عن ابى نضرة عن ابى سعيد الخدرى مرفوعاً اذا جآء احدكم المسجد فلينظر فان رأى فى نعليه قذرا او قال: اذىً فليمسحه و ليصل فيهما و لفظ الطيالسى بطريق حماد و بهذا الاسناد مرفوعاً. فاذا اتى احدكم المسجد فلينظر فان راى فيه نعليه اذى فليخلعهما والافليصل فيهما.

و هذا ساكت عن المسح بل آمر بالخلع فيكون الخلاف فى حديث ابى سعيد بعيد الشفة كماترى مع ان سند حديثى الاوزارعى عند ابىداود فى لفظ ان وجد فدل لفظ ان راى و لفظ ان وجد على ان المراد باالاذى هو المرى و نحو البول لايرى بعد الجفاف فيكون عند ابى داود بين تطهيرهما بقوله عليه الصلواة و السلام: فطهورهما التراب و من المعلوم ان التراب لايزيل الرطوبة التى تتشربها النعل فيكون التطهير بالتراب.

و اما تطهير الرطب او المائع فلا يكون الا باالمآء لنص قوله تعالى: و ثيابک فطهر– الآية ۴ من سورة المدثر، ولصرائح السنة فى عذاب من كان لايتبرء من بوله فى الصحيحين و غيرهما و الامر بالاستنزاه من البول فى كتب السنن و المسانيد و من لم يغسل نعله من البول و نحوه لم يطهر ثيابه و لم يستنزه من البول و هذا ظاهر جداً فمن تساهل فى المتشرب و الجاف غير المريئين يكون حسية لاتزول الا بازالة عينها لاحكمية حتى نحكم عليها بالزوال بدون مزيل حسى بخلاف التيمم المزيل للحدث بل اخرج ابن ابى شيبة فى مصنفه عن حفص بن غياث عن الاعمش عن يحيى بن وثاب قال سئل ابن عباس ـ رضي الله عنه ـ عمن خرج الى الصلواة فوطىء على عذرة قال ان كانت رطبة غسل ما اصابه و ان كانت يابسة لم تضره اه و رجاله رجال الصحيح. و لفظ ابن عباس عند رزين العيدرى فى جامعهاى جامع الصحاح المعروف اذا مرثوبک او وطئت قذراً رطبا فاغسله

و ان كان يابساً فلا عليک فعلم ان القول بوجوب غسل الرطب والاكتفاء باالمسح فى ذى جرم يابس فى غاية من القوة و سلامة الفهم فيتعين الغسل اذا اصاب النعل بولا او خمراً و مشى لابس النعل فى شارع مرشوش من النجاسة كما هو مـذهب جـمهور مـذهب ائـمة الهدى قال البدر العينى فى شرح البخارى ٢٨٩/٢

قال مالک و ابوحنيفه لايجزيه ان يطهر الرطب الا باالماء فى الخف و النعل و غيرهما اه

و اما محاولة استغلال ما يروى عن مالک من ان طهارة الثياب ليست بشرط فى صحة الصلواة فعلى مخالفتها للادلة الصريحة لم يصح عن مالک اصلاً بل الصحيح هو ماوراه ابو طاهر عن ابن وهب عنه ان طهارة الثياب فى الصلواة فرض و من مـثل ابـن وهب بـين اصحاب مالک فى قبول مروياته جمعا عند جميع الفقهاء و المحدثين قـال النـووى فـى المجموع – ٣ –٣٢ – عند الكلام فى اشتراط الطهارة من النجاسة فى الصلواة: هذا مذهبنا و به قال ابو حنيفه و احمد و جمهور العلماء من السلف و الخلف و عن مالک فى ازالة النجاسة ثلاث روايات اصحها و اشهر انه ان صلّى عالما بها لم تصح صلاته و ان كاجاهلا اونا سياً صحت و هو قول قديم للشافعى و الثانية لاتصح الصلواة علم او جهل او نسـى والثانية تصح الصلواة مع النجاسة و ان كان عالماً متعمداً و ازالتها سنة اه فاالاولى رواية المدونة و الثانية روايت ابن وهب كما فى المنتفى للباخى و الثالثة رواية محمد ابن احمد العتبى المتوفى سنة ٢٥٥ ھ صاحب المستنخرجة المعروفة باالعتبية و عنها يقول محمد بن عبد الحكيم رئيت جلها كذبا و مسائل لااصول لها و قال ابن وضاح فى المستخرجة خطأ كثير قال ابن الغابه:كثرفيها من الروايات المطروحة و المسائل الشاذة و كان يؤتى بالمسئلة الغريبة فاذا اعجبته قال ادخلوها فى المستخرجه كما فى الديباج لابن فرحون – ٢٣٩ – فلا يعول على رواية مثله المخالفة لما عليه الجماعة و لروايات ثقات اصحاب مـالک فـاذا اختلفت الروايات عن امام فالمتعين هو الاخذ بما يوافق الجماعة منها اذا تساوت الروايات قوة و ضعفا لئلا يعد فى موقف الشذوذ عن الجماعة فكيف اذا كانت الرواية المخالفة لما عليه الجماعة واهية كما هنا لكونها رواية العتبى الواهى الروايات و اما الاولى فـروايـة المدونة التى لها المقام الاول عند المالكية وايده الباجى و اما الثانية فروايـة ابـن وهب

المتفق بين الفرق على جلالة قدره و هى الموافقة لما عليه الجماعة كل المخالفة فتهجر لضعفها رواية و تفاهتها دراية بل قال الباجى فى المنتقى – ۱ – ۴۲ – : فمن راى نجاسة من بول او غيره فى ثوبه او فى جسده و هو فى صلاته فروى ابن القاسم عن مالک بقطع الصلواة اه

و قال ايضاً – ۴ – ۴۱ –: قال القاضى ابو محمد يعنى عبد الوهاب فى التلقين ان ازالة النجاسة واجبة لاخلاف فى ذالک من قوله و انما الخلاف فى الازالة هل هى شرط فى صحة الصلواة ام لا و هذا هو الصحيح عندى ان شاء الله. و باالله التوفيق اه

فتبين من ذالک و مما تلقاه عن رجال مذهب مالک الثقات انه لامجال للتمسک بمذهب مالک اصلاً فى التساهل فى امر طهارة الثياب عند مناجاة العبد ربه فى صلواته و صدق من قال من تتبع شواذ العلماء ضل و من حمل الشاذ حمل شراًكبيراً و لايحمل الشاذ الا الرجل الشاذ كما فى شرح علل الترمذى لابن رجب و تبين ايضاً انه لامجال لمغالط ان يحاول التشغيب فى التساهل فى امر الطهارة فى لاصلواة لوضوح حجة الجمهور فى مسئلة فى نص الكتاب على تطهير الثياب و فى صرايح السنة الآمرة باالاستنزاه من البول اطلاقا او المبنية ان عامة عذاب القبر من عدم الاستنزاه من البول كما فى السنن و الصحاح و اما حديث المضى على الصلواة بعد خلع النعل اثناء الصلواة فقذ اختلفت الفاظه فى الروايات من شىء او اذى او قذر او خبث فيكون احدهما هو لفظ الرسول ـ ﷺ ـ و ما سواه لفظ الراوى على طريقة الرواية بالمغى فلايستعين قصد النجاسة بتلک الالفاظ و القذر قد يطلق على المستكره طبعا و كذالخبث قد يطلق على على المستخبث و قد يطلقان على النجاسة اطلاق المشترک على المعنين لااطلاق العام على متناولاته لان الطاهر غير الطاهر حقيقتان مختلفان فلا تندر جان تحت عام فيحتاج الامرالى بيان يعين المراد من المجمل على تقدير ثبوت تلک الالفاظ المتفاوتة المعانى من المعصوم ـ ﷺ ـ مع ان الرواية بالمعنى واضحة فى تلک الالفاظ المتعددة على ان شيئاً من رواية هذالحديث اعنى المضى على الصلواة بعد خلع التعلين لاذى فيهما لم يرد فى الصحيحين و تساهل الحاكم و ابن حبان فى التصحيح مشهور اشار المؤلف الى تساهلهما فى ۴۰ و ۶۹ – و غيرهما بل ليس سند من اسانيد هذا الحديث فى السنن والمسانيد يسلم من المأخذ من

انقطاع او وجود رجل متكلم فيه فى سنده او اختلاف و صلاً و ارسالا او غير ذالک مما ينزل درجة الحديث من مرتبة الصحة الى منزلة ما يقوى بعض رواية ببعض و مثله لايصلح ان يكون منا هضا لنص الآية و صرائح وجوب الاستنزاه من البول فى السنة الصحيحة بل تحمل تلک الدلائل الواضحة على حمل احاديث المضى على الصلواة بعد خلع النعل لاذى فيها على معنى الامر المستخبث الذى لايمنع صحة الصلواة كالطين و المخاط و دم حملته كما ورد فى بعض الروايات مما لايمنع صحة الصلواة والاعاد عليه الصلواة و السلام الصلواة و لم يعدها فاذا علم ان روايات المضى على ان الصلواة بعد خلع النعل متكلم فيها و انها من قبيل مايتقوى بعض ببعض ظهر انها لاتمكن معارضتها للكتاب و السنة الصحيحة الصريحة و لاسيما فيما يخالف القياس اللهم الا ان يؤخذ بها فيما و افق يابسا لانه بالنسح يزول بخلاف الرطب الذى تتشرب النعل رطوبة النجاسة و هذا هو وجة قول القائلين بوجوب غسل الرطب كما سبق و اما العفو عن طين الشوارع فلا يتعلق به فى مثل هذالبلاد الخالية من الاوحال على انه انما هو عند الضرورة ولاضرورة فى استبقاء النعلين على القدمين فى مثل هذالبلاد ثم مايباح للضرورة انما يقدر بقدرها عند اهل الفقه فلايستساغ الاسترسال فى ذالک ارسالا غير محدود.

و اما اناخة رواحل بعض الوفود قرب المسجد النبوى ـ ﷺ ـ فلا تصح لاتخاذها وسيلة لرمى ازقة المدينة المنورة بالقذارة فى عهد النبى ـ ﷺ ـ و عهد اصحابه ـ رضي الله عنهم ـ لانها امرٌ نادر لا يبنى عليه حكم عام فسرعان ما كانت آثار تلک الاناخة تزال لان ازالة الاذى عن الطريق من تعاليم هذا الشرع الاغر فضلاً عن ابواب المساجد و كان صحابة من ارعى الامة لتلک التعاليم على ان كلامنا ليس فيما اختلف فيه و ان كان الحريص على دينه يتبعد عن مواضع الخلاف ليطمئن الى صحة صلابة من غير خلاف.

و اما صاحب الخمور فى الازقة فما كان الايوم تحريمها فمثل هذالامر الطارى بعيد عن الدوام بل يزال اثره فى الحال فلايصح لاتخاذه وسيلة لاستباحة استدامه الوساخة اصلاً و لايعد الصحابة ـ رضي الله عنهم ـ يطئون بنعالهم الارجاس و يصلون فيها حاشاهم عن ذالک بخلاف خمارات اليوم فانها دائمة الارجاس فى الشوارع التى هى بما فوطا تلک الشوارع بالانعال لايسما اثناء رشها بمناسبة الحر ثم الصلواة فى تلک النعال مما لايتفق و التحفظ

فی شئون الدین و صفوة القول ان حمل الناس علی الصلواة فی لامساجد بنعالهم التی یطئون بها هذالشوارع وهذالازقة و تلک المراحیض تعریض لصلواتهم للفساد بسبب النجاسة التی تشربتها النعال و بعدم امکان اتمام السجدة فی هذه المداساة الصلبة عند جمهور الفقهاء وتو سیخ المساجد التی امرنا بتطیبها و تطهیرها و نشر للجراثیم التی تحملها تلک النعال القذرة الی القدس بقعة حیث یناجی المصلی ربه و کل ذالک شر یجب ابعادة عن المساجد بالسهر علی اهوال ائمة المساجد الذین منهم یتساهل فی ذالک بکل اسف و من لاینصاع منهم لاحکام فی ذالک ذاعما ان ما فعله هو السنة یزعم ان یبتعد عن الامامة فی مساجد اهل الحق و ان کان لابد من الاعضاء عن ذالک باسم الحریة فی المعتقد و العمل فلیکن عمله و دعوته الی نحلته فی معبد خاص تنبیه عشرته و خیطرة خاصة تحولها طائفته باموالهم التی یکبتونها بکد یمینهم و عرق جبینهم لا بالاوقاف المرصدة لجوامع المسلمین الهمنا الله سبحانه الرشد و السداد والابتعاد عن وجوه الفساد»[1]

و قدم قبیل هذه الصفحات فی الکتاب المذکور (معارف السنن شرح الترمذی) بحثا اینقا عن شرح المنیة الکبیر للحلبی و الدرالمختار و ردالمحتار و الهندیة قریباً من ورقتین فراجعه.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
١٦ صفر ١٣٩٧ هـ ق

حکم نماز امام مسافر و مقتدی‌ها در صورتی که امام برای رکعت سوم بلند شد

الاستفتاء: امام مسافر بعد از قعده یا قبل از قاعده اولی قیام کرد در صورت دوم مقتدی اتباع کند یا انتظار؟ و اگر امام رکعت سوم را سجده کرد در هر دو صورت نماز او و مقتدیان چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر بعد قاعده قیام کرد یا قبل، مقتدی انتظار کند

۱-معارف السننی: ۴/۴ الی ١٦

اتباع نکند و اگر در هر دو صورت قبل از سجده رکعت سوم نشست خیر. در صورت اول سلام داده سجده‌ی سهو کند و در دوم، تشهد خوانده سـجده‌ی سهو کند. و برای مقتدی تشهدِ خوانده‌ی اول،کافی است و در این صورت نماز همه صحیح می‌شود. بعد سهو امام مقتدی مقیم نماز خود را تمام‌کند. و اگر در هر دو صورت رکعت سوم را سجده کرد پس در صورت اولی مـقتدی مسـافر سلام دهد و مقتدی مقیم برخاسته بغیر اتباع او نماز خود را تمام‌کند و امام چهار رکعت را تکمیل کرده سجده سهو کند نماز او هم تمام شد و در صورت دوم که قبل از قعده برخاسته بود و رکعت سوم را سجده کرد، فرض همه باطل شـد. ایشان هم به همراه او سجده کرده نماز همه نفل می‌شود. دوباره نماز فرض را اعاده کنند دلیل همه این عبارت مختلف‌اند.

قال فی التنویر:

«**فلو اتم مسافران قعد فی الاولی تم فـرضة و اسـاء و مـازاد نـفل و ان لم یـقعد بـطل فرضه**»[۱]

و فی الرد:

«و فی الفتح: **و لایتا بعونه اذاقام و اذاعاد لایعیدون التشهد**»[۲]

و فی الدر و التنویر:

«**ثم الاصح ن القوم ینتظرونه فان عاد تبعوه و ان سجد للخامسة سموا لانه تم فرضة اذلم یبق علیه الاالسلام و سجد للسهو فی الصورتین...**»[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الآخر ۱۳۹۸ هـ ق

امامت معتاد مواد مخدر

الاستفتاء: آیا اقتدا کردن به امامی که تریاک می‌کشد جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص فاسق است و امامت فاسق مکروه تحریمی

۱- ردالمحتار: ۵۸۳/۱ باب صلاة الساقر

۲- المرجع السابق: ۵۵۲/۱ باب سجود السهو تحت قوله (لم تفسد صلاتهم)

۳- المرجع السابق: ۵۵۳/۱

است لهذا چنین اشخاص را تا امکان باشد امام نکنند مگر به ضرورت شدیده و نمازی که پس این خوانده شود واجب الاعاده است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۳ ربیع الاول ۱۴۰۵ هـ ق

امامت کسی که ریش ندارد

الاستفتاء: شخصی که تمام شرائط امامت و شرائط اولویت را دارد، اما ریش ندارد، آیا امامت چنین شخصی درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت امامی دیگر و متقی، پشت سر او نماز نخوانند و اگر کسی دیگر برای امامتی نباشد پشت سر او، نماز خواندن، او همراه کراهیت تحریمی روا است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۷ ذیحجة ۱۴۰۷ هـ ق

امامت شخصی که ریش کوتاه می‌کند و به آن وسمه می‌زند

الاستفتاء: اگر ملائی ریش خود را کوتاه کند و به آن وسمه بزند، نماز خواندن پشت او چطور است؟ و اگر ملائی بهتر و پرهیزگارتر پشت این ملا نماز بخواند، چطور است آیا نمازش فاسد می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این ملاء را به شرط وجود ملائی دیگر، متقی، امام نکنند و اگر کردند نماز با کراهیت پشت سر او روا است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۱ جماوی الآخر ۱۴۰۹ هـ ق

اگر امام در حال خواندن قرائت بود، آیا مقتدی ثناء بخواند

الاستفتاء: وقتی که مقتدی آمد و دید که امام در قرائت خواندن است و نیت کرد آیا می تواند سبحانک اللهم را بخواند یا سکوت کند و بایستد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در نماز جهری است، خاموش شود نخواند و اگر نمار

خفیه است، بخواند. و اگر مسبوق است دو یا سه رکعت مانده است و امام در جهری، بلند می خواند، خاموش شود سبحان را نخواند. و اگر نماز خفیه است، پشت سر امام هم بخواند و چون برای تکمیل نمودن رکعات باقی بلند می شود، دو مرتبه سبحان را خوانده و بعد قرائت را شروع کند[1].

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱٦ جمادی الاول ۱۴۱۰ هـ ق

اگر امام در رکوع و غیره بود، مسبوق چه وقت ثناء را بخواند

الاستفتاء: وقتی مقتدی آمد و دید امام در رکوع است یا در قعده نشسته است، مقتدی می تواند در رکعت‌های سوم ثناء را بخواند یا بدون ثناء نماز را به پایان برساند و نماز بدون ثناء کراهیت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ثناء را بخواند چنانچه در مسئله بالا تحریر است این شخص در اول آمدن هم اگر نماز خفیه است بخواند و بعد بلند شدن به تکمیل نماز خود هم بخواند سبحان خواندن سنت ذاتیه است و بدون آن کراهیت دارد.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱٦ جمادی الاول ۱۴۱۰ هـ ق

اقتدای عالم به امی

الاستفتاء: نماز عالم پشت سر غیر عالم جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز عالم پشت سر امی روا نیست البته امامت امی برای امیها مثل خودش جائز است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱ ذیحجة ۱۴۱۰ هـ ق

۱-کذا فی ردالمحتار: ۳٦۱/۱، مطلب فی حکم القراءة بالفارسیة.الشرح الکبیر للحلبی: ۲۹۷. احسن الفتاوی: ۳۸۲/۳.
۲-المراجع السابقة.

عالم به نماز چه کسی را می‌گویند؟

الاستفتاء: عالم در نماز به چه کسی گفته می شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: عالم در نماز آن است که به احکام نماز وارد باشد اگر چه دیگر علوم نخوانده است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱ ذیحجة ۱۴۱۰ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: کسی تا الم‌ترکیف و فرائض و سنن نماز را می داند و از کل احکام آگهی ندارد، نماز عالم پشت سر چنین فردی جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص اگر احکام سجده‌ی سهو و واجبات و مفسدات و مکروهات و فرائض و سنن نماز را می داند، عالم نماز شمار است و اگر نه عالم نیست. (۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱ ذیحجة ۱۴۱۰ هـ ق

اتمام تشهد برای شخصی که در عین تشهد اقتداء کرده است، لازم است.

الاستفتاء: شخصی در تشهد اولی پشت امام اقتداء کرده نشست و به مجرد خواندن لفظ التحیات لله، امام به رکعت ثالث بلند شد. آیا این مقتدی تشهد را تمام کرده بلند شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تشهد را تمام کرده بلند شود.

علامه شامی می‌فرمایند:

«و الحاصل ان متابعة الامام فی الفرائض و الواجبات من غیر تأخیر واجبة فان عارضها

۱-کذا فی الهندیة: ۴۳/۱

واجب لاينبغی ان ينونة بل يأتی به ثم يتابع كما لوقام الامام قبل ان يتم المقتدی التشهد فانه يتمه ثم يقول...»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۵ ربيع الاول ۱۴۱۱ هـ ق

مقتدی چه زمانی نیت اقتداء را کند؟

الاستفتاء: مقتدی نیت اقتداء را چه وقت بکند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: افضل آن است که وقت تکبیر تحریمهٔ امام یا بعد تکبیر او اقتداء کند.

واجود آن است که وقت قیام امام قبل از تحریمه نیت اقتداء کند جائز است.

قال الطحطاوی:

«و اما نية الماموم الاقتداء ففی القهستانی: ولايجوز تقديم نية اقتدائه عن تحريمة الامام عند بعض ائمة البخاری و صحح و قيل ينوی بعد قول الامام و هو اجود كما فی المنظم»[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ ربيع الثانی ۱۴۱۱ هـ ق

به خواب رفتن یا باز ماندن از امام در ارکان نماز

الاستفتاء: کسی پشت سر امام اقتداء کرده و بعد از اقتداء در یک رکن مانده، خواه از سستی خودش ماند یا که به خواب رفت، پس این نقص را چه موقع قضاء کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم او این است که همان رکن را اولاً اداکند سپس و امام را دریابد. و اگر امام را پیروی کرد و بعد سلام او آن را اداکرد هم صحیح می شود ولی مکروه است.

مثلاً اگر شخصی در نماز عشاء در رکعت سوم در خواب رفت و در رکعت چهارم بیدار شد اولاً همان رکعت خود را بدون قرائت با رکوع و سجود کرده امام را بگیرد و

۱- ردالمحتار: ۳۴۷/۱ مطلب مهم فی تحقيق متابعة الامام

۲- حاشية الطحطاوی علی المراقی ۱۲۹، وكذا فی ردالمحتار: ۳۰۷/۱، شروط الصلواة بحث النية.

نماز را همراه او تمام کند، و اگر اولاً امام راگرفت و بعد سلام امام یک رکعت را تمام کرد هم صحیح ولی مکروه است، و اگر در رکوع یا سجود در خواب رفت و امام به سجده‌ی دوم رفت پس بعد بیدار شدن اولاً رکوع یا سجده‌ی خود را بکند و امام را بگیرد و نماز را با امام تمام کند.

قال الشامی فی ردالمحتار:

«(قوله ان امکنه ادراکه)... فلو نام فی الثالثة و استیقظ فی الرابعة فانه یأتی بالثالثة بلا قراءة فاذا فرغ منها صلی مع الامام الرابعة و ان فرغ منها الامام صلاها وحده بلا قراءة ایضاً. فلو تابع الامام ثم قضی الثالثة بعد سلام الامام صح و اثم اهـ»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ ربیع الاول ۱۴۱۲ هـ ق

تکبیر تحریمه گفتن امام هنگام قد قامت الصلاة

الاستفتاء: امام هنگام رسیدن اقامه وینده به قد قامت الصلاة همیشه تکبیر تحریمه می‌گوید، این چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خوب است هیچ اشکال ندارد. قول امام زفر ـ رحمه الله ـ همین است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم الحرام ۱۴۱٦ هـ ق

اقتدای حنفی به شافعی و بالعکس

الاستفتاء: اگر فردی حنفی با وجود اینکه مشاهده کند که از دست و جای دیگر امام، که شافعی مذهب است، خون جاری شده، آیا می‌تواند به او اقتدا کند؟ و همچنین برای فردی شافعی مذهب اگر ببیند که امام حنفی مذهب است و قبل از نماز با همسرش دست داده است، آیا می‌تواند به این امام اقتدا کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر همان مقتدی حنفی یا شافعی را یقین باشد که امام من

۱- ردالمحتار: ۴۴۰/۱، احکام المسبوق...

در شرائط و ارکان نماز ملاحظهٔ مذهب غیر را می‌کند، اقتداء پشت سر او بلا چون و چرا جائز است. و اگر یقین باشد که رعایت مذهب دیگر نمی‌کند پشت او اقتداء روا نیست. و اگر حال او معلوم نباشد اقتداء پشت او جائز و مکروه است. [۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ ذیقعده ۱۴۱۸ هـ ق

مقتدی مسافر خلف امام مقیم نیت چند رکعت کند؟

الاستفتاء: اگر مقتدی مسافر و امام مقیم بود، مقتدی به چه صورت نیت کند؟ آیا تعیین رکعات اولی است یا عدم تعیین؟ و اگر معلوم بود از حال امام که مقیم است چهار رکعت به تعیین نیت کرد چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: هر دو صورت جائز است فرق ندارد. ولی نیت چهار، اولی است بوجه اتباع امام. [۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم الحرام ۱۴۰۹ هـ ق

امامت کسی که فیلم‌های مبتذل نگاه می‌کند

الاستفتاء: اگر امام جماعت، فیلم مفتضح و مبتذل نگاه کند، نماز خواندن پشت چنین امامی درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نگاه کردن او به فیلم به تکرار ثابت است و ترک نمی‌کند، نماز پشت سر او مکروه می‌باشد. البته در صورتی که دیگر امام متقی نباشد، از تنها نماز خواندن پشت سر او نماز خواندن بهتر است تا جماعت فوت نگردد.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۶ شوال ۱۴۰۹ هـ ق

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۲۸۲/۳

۲-کذا فی الشامی ج ۱ و احسن الفتاوی: ۸۳/۱

امامت معذور

الاستفتاء: آیا امامت کسی که سرانگشت‌های او قطع هستند و یا از سرانگشت‌های او خون و ریم می‌آید درست می‌باشد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر خون و ریم همیشه جاری است، حتی که یک وقت نماز کاملاً یا بیشتر جاری است پس او معذور است امامت معذور، برای افراد سالم روا نیست نماز سالمین به پشت او ادا نمی‌شود.

قال فی التنویر:

«و لا یصح اقتداء...طاهر. بمعذور»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ ذیحجة ۱۴۰۹ هـ ق

امامت برده

الاستفتاء: بعضی از ملایان می‌گویند امامت غلام تـا مـدتی کـه آزاد نشـده است، مکروه است. علت مکروه بودن امامت غلام چیست؟ لطفاً در این مورد توضیح دهید.

الجواب بسم ملهم الصواب: سؤال از امامتی غلام در این زمانه بی سود است چراکه در این دوره غلام وکنیز شرعی در سراسر دنیا دیده نمی‌شود محض بر ظلم و سلطه بعض افراد را غلام گرفته‌اند.

و اصل مسئله این است که اگر غلام عالم به علم نماز باشد نماز پشت او و امامتی او بدون کراهیت، جایز است. البته اگر شخصی آزادی و عالم مثل او آنجا باشد که متقی باشد، فاسق و فاجر نباشد، امامتی آن آزاد افضل است و با وجود این اگر غلام امام باشد هم جائز است و اگر غلام به علم از آزاد بالاتر و به تقوی از او متقی‌تر باشد پس امامت غلام از آزاد افضل است.

و فی الرد:

۱- ردالمحتار: ۵۷۸/۱، الامامة، موانع الاقتداء. شرح حلبی الکبیر ص ٥١٦، من لا یصح الاقتداء به.

«قوله (ای غیر الفاسق) تبع فی ذالک صاحب البحر حیث قال قید کراهیة امامة الاعمی فی المحیط و غیره ان لایکون افضل القوم فان کان افضل القوم فهو اولی ثم ذکر انه ینبغی جریان هذاالقید فی العبد و الاعرابی وولد الزنی (الی ان قال) لکن ما بحثه فی البحر صرح به فی الاختیار حیث قال و لو عدمت ای علة الکراهة بان کان الاعرابی افضل من الحضرمی و نحوه فی شرح الملتقی للبهسنی و شرح دروالجار»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۰ هـ ق

امامت کسی که قلیان و سیگار و... استفاده می‌کند

الاستفتاء: درباره‌ی کسانی که قلیان یا سیگار یا ناس استعمال می‌کنند و باز امامت می‌کنند، امامت چنین اشخاصی چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: امامتی این اشخاص صحیح است چراکه ناس جائز است و قلیان مکروه است کسی که مرتکب حرام باشد و توبه نکند فاسق می‌گردد و امامتی فاسق مکروه است و مرتکب مکروه تحریمه که آن را ادامه دهد هم فاسق می‌گردد و قلیان اگر به کدام عذر مرضی باشد گنجایش دارد بدون عذر مکروه تنزیهه است.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ جمادی الاول ۱۴۱۰ هـ ق

امامت غسال میت

الاستفتاء: آیا می‌توان پشت سر امامی که مرده‌شور است، نماز خواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز خواندن پشت سر امام غسال و مرده‌شو، بلاکراهت جائز است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ شوال ۱۴۱۰ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۴۱۴/۱، اول باب الامامة. امداد الفتاوی: ۲۵۰/۱

۲-کذا فی فتاوی دارالعلوم دیوبند (عزیزالفتاوی): ۱و۲ /۱۱۰.

بلند شدن امام به رکعت پنجم پس از اتمام رکعت چهارم

الاستفتاء: اگر در نمازی چهار رکعتی امام تمام رکعات را خواند و همچنین تمام مقتدی‌ها، سپس امام به رکعت خامس بلند شد و اقتداء کنندگان قسمتی به نادانی بلند شدند، یعنی ندانستند که رکعت پنجم است و قسمتی دیگر بطور دانش و دانستن هم بلند شدند و قسمتی دیگر چون که می دانستند بلند نشدند حالا شما بفرمائید که نماز کدام گروه صحیح است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله دو صورت اند شما تعیین نکرده‌اید ولی حکم آن هر دو نوشته می شود.

یکی اینکه‌امام بعد از قرائت تشهد و قعده، قیام کرد به جانب پنجم پس مقتدی را لازم است که اتباع او نکند و قیام نکند نشسته انتظار کند اگر امام دو مرتبه عود کرده سلام داد، همراه او سلام دهد نماز او در این هر دو صورت صحیح است. و اگر همراه امام برخاست عمداً یا سهواً، در این صورت پس اگر امام عود کرد، نماز همه صحیح شد و اگر امام به سجده رفت و مقتدیها هم همراه شدند و سجده کردند و امام برخاست و سجده‌ی سهو کرد یا دو رکعت ضم کرده سجده‌ی سهو کرد، نماز امام صحیح شد و نماز مقتدیها فاسد. **للاقتداء فیما لیس من صلاتهم**

صورت دوم اینکه‌امام بدون قعده برخاست مقتدی نشسته انتظار کند اگر عود کرده قاعده و تشهد و سجده سهو کرد نماز همه صحیح شد و اگر امام رکعت پنجم را سجده کرد و سجده‌ی سهو هم کرد یا ششم را ضم کرد و سجده سهو کرد برای امام این همه نقل شدند و فرض امام و مقتدی همه فاسد شدند و سلام مقتدی تنها فائده نمی دهد.
قال فی مراقی الفلاح و شرحه الطحطاوی:

«و لو زاد الامام سجدة اوقام بعد العقود الاخیر ساهیالا یتبعه المؤتم فیما لیس من صلواة بل یمکث فان عاد الامام قبل تقییده الزائدة بسجدة سلم معه فان جلس عن قیامه یسلم معه و ان قیدها ای الامام ای الرکعة الزائدة بسجدة سلم المقتدی وحده ولاینتظر لخروجه الی غیر صلواته. و ان قام الامام قبل القعود الاخیر ساهیاً انتظره المأموم و سبح لینتبه امـامه

فان سلم المقتدی قبل ان یقید امامه الزائدة بسجدة فسد فرضه لانفراده برکعة القعود و حال الاقتداء کما تفسد بتقیید الامام الزائدة لترکه القعود الاخیر فی محله»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ صفر ۱۴۱۱ هـ ق

باز ماندن مقتدی از امام در نماز به علت سرعت امام

الاستفتاء: شخصی پشت ملایی نماز می‌خواند که آن ملا چنان با سرعت نماز می‌خواند که مقتدی هنوز به سجده‌ی اول نرسیده ملا از سجده اول فارغ شد و فوراً به سجده‌ی دوم رفت، حالا آن مقتدی چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت مقتدی سجده‌ی خود را اداکرده برخیزد و امام را در قیام برساند و هم چنین هر جاکه در رکنی همراه امام نرسید آن رکن را تنها ادا کرده امام را در جای دیگر برساند تا وقت سلام و اگر در سلام هم جلوتر رفت بعد سلام او سلام دهد نمازش صحیح می‌گردد.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ صفر ۱۴۱۱ هـ ق

ترک جماعت برای فرد معذوری که برای قرائت طولانی پشت سر امام نمی‌تواند بایستد

الاستفتاء: فردی نمی‌تواند با امام با قرائت طویل در حالت ایستادن نماز بخواند، فقط به اندازه‌ی مایجوز به الصلواة می‌تواند بایستد. وقتی که امام قرائت را طولانی می‌کند این فرد خسته می‌شود و قعود می‌کند و اگر تنها نماز بخواند می‌تواند به قیام بخواند، آیا برای چنین فردی جائز است که تارک جماعت شود یا قیام را ترک کند؟ قیام فرض است و جماعت سنت و یا واجب است و ترک فرض به اداء واجب جائز است یا خیر؟

۱- حاشیة الطحطاوی: ۱۸۵. وکذا فی غنیة المستملی: ۵۲۸. الفتاوی الهندیة: ۴۷/۱ ط کانفور

۲-کذا فی الشامیة: ۴۴۰/۱، احکام المسبوق...

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت بهتر آن است که زید در خانه خود با قرائتی مختصر اقامهٔ جماعت کند، اگر گنجایش دارد. و اگر گنجایش امامت در خانه نیست و قدرت قیام در جماعت با امام مسجد ندارد، پس در خانه بدون جماعت ایستاده نماز بخواند. و برای او ترک جماعت مسجد در این صورت جائز است.

قال فی الدر:

«و لو اضعفه عن القیام الخروج لجماعة صلی بیت قائماً به یفتی».

و قال ابن عابدین ـ رحمه الله ـ:

«و ما مشی علیه الشارح تبعاً للنهر جعله فی الخلاصة اصح و به یفتی قال فی الحلیة و لعله اشبه لان القیام فرض و لایجوز ترکه للجماعة التی هی سنة بل یعد هذا عـذراً فـی ترکها»[1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

١٦ جمادی الاول ۱۴۱۱ هـ ق

امامت شخص مجرّد

الاستفتاء: بعضی اشخاص از عوام و خواص می‌گویند امامت غیر متأهل جـایز نیست، آیا این درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بنده ندیده‌ام و هیچ فقهی ازدواج را شرط امامت قـرار نداده است. البته امامت امرد بالغ که زیبارو باشد، مکروه تنزیهه است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ رجب ۱۴۱۱ هـ ق

امامت کسی که فیلم‌های مبتذل نگاه می‌کند

الاستفتاء: آیا نماز خواندن پشت سر ملایی که فیلم سکس نگاه می‌کند، جائز است یا نه؟

۱- ردالمحتار: ۳۲۹/۱، صفة الصلاة بحث القیام.

۲-کذا فی ردالمحتار: ٥٦٢/١، الامامة. امداد الفتاوی: ۲۳۸/۱. فتاوی دار العلوم: ۱ و ۱۱۹/۲

الجواب بسم ملهم الصواب: شخصی که چنین فیلم‌هایی را نگاه می‌کند، فاسق می‌گردد و اگر توبه نکند و ادامه دهد نماز پشت سر او مکروه تحریمه می‌باشد و او را امام دائمی کردن روا نیست.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ شوال ۱۴۱۱ هـ ق

امامت زانی

الاستفتاء: اگر در مسافرت یا در جای دیگر افراد جماعت زیاد باشند و امام نداشته باشند، اما یک فرد زانی که مسایل و قرائت نماز را به خوبی می‌داند و افراد جماعت نماز را به خوبی نمی‌دانند، آیا نماز پشت سر چنین فردی بخوانند یا منفرداً بخوانند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت که هیچ فردی برای امامت وجود ندارد، پشت سر همین فاسق نماز خواندن از تنها خواندن بهتر است، ولی احتیاطاً اعاده کنند، و این شخص را امام دائمی کردن نارواست.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ ذیقعده ۱۴۱۱ هـ ق

امامت شخصی که غیرالله را حاجت روا بداند

الاستفتاء: اقتدا به کسی که غیرالله را حاجت‌روا بداند، درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این اعتقاد کفر است و کسی که این عقائد را داشته باشد، او را امام نباید کرد و پشت سر او نماز اصلاً روا نیست.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ ذیقعده ۱۴۱۱ هـ ق

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۳۳۸/۳ و غیره

ترک جماعت در چنین زمانی که اجتماع فاسد باشد

الاستفتاء: در چنین زمانی که حاجی‌ها بر منبر و محراب دروغ می‌گویند، و جلو ظلم را نمی‌گیرند و نهی عن المنکر و امر بالمعروف را عمداً فراموش می‌کنند، و در راه اسلام مقدس گامی برنمی دارند، آیا بهتر نیست انسان درگوشه منزل نماز بخواند و دور از اجتماع فاسد باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: با وجود این امور هم ترک جماعت روا نیست. موجب وبال اخروی می‌گردد. اگر در مسجد او امامی چنین باشد، باید به مسجدی دیگر که اهل صلاحی آنجا باشد برود و اگر اهل صلاح ممکن هم نباشد، باید در مسجد برود و پشت همین امام موصوف نماز به جماعت بخواند به درجه‌ها از نماز تنها خواندن بهتر است. جرم آن امام برگردن خود اوست. البته اگر امامی متدین پیدا شود، چنین اشخاصی را امام کردن روا نیست.

در حدیث است که «**صلوا خلف کل بر و فاجر**»: نماز بخوانید پشت سر هر نیک و بدی.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱٦ ذیحجة ۱۴۱۱ هـ ق

امامت مبتدع

الاستفتاء: یک شخص عالم اگر در اول همراه داری علماء ربانی کرد و خدمت دین کرده ولی در آخر بدعت و رسوم را جاری کرد و مردمان را در این باره تشویق دهد و بگوید تا مادامی که من زنده هستم در اینجا کسی را نمی‌گذارم که خدمت کند و خودش هم کاری نمی‌کند، آیا پشت چنین عالم نماز خواندن جائز است یا نه؟ و در صورتی که مسجد دیگری نیست آیا در خانه نماز خواندن افضل است یا در مسجد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این چنین شخصی مبتدع است و در این حالت فاسق می‌باشد و نماز پشت سر او مکروه است. اگر او را امامی و مسجدی دیگر میسر است، پس پشت این نماز نخواند.

البته اگر جایی دیگر نماز جماعت میسر نگردد، پس پشت او نماز خواندن برای تحصیل فضیلت جماعت از نماز انفرادی افضل است، و نماز خود را اگر بعداً اعاده کند بهتر است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۴ صفر ۱۴۱۲ هـ ق

امامت کسی که حروف قرآن را اشتباه تلفظ می‌کند

الاستفتاء: ملایی که قرآن مجید را اشتباه می‌خواند و بعض الفاظ را ترک می‌دهد، مثلاً در سوره‌ی فلق، **کل اعوذ برب الفلک** می‌خواند، و در سوره‌ی ضحی و **وجدّک ضالاً فهدی** و در سوره‌ی اخلاص **کل** و **الله احد** می‌خواند، اقتدا به چنین شخصی چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این چنین اشخاص را امام دائم کردن و پشت سر او نماز دائم خواندن اصلاً روا نیست، بلکه بر سر این شخص فرض است، که اولاً تصحیح حروف یادگرفته، امام شود و کسی که از او بهتر می‌داند و تصحیح حروف می‌تواند نماز او پشت سر این امام روا نیست. البته کسانی که مثل او هستند و امامت آنها را یکی دو بار کرد، گنجایش دارد نه دائماً. چراکه نماز این شخص به نسبت خودش هم نزد متقدمین صحیح نیست و احوط و ارجح قول متقدمین است، و نزد متأخرین هم در خطر است؛ چراکه این ملا در همه اقسام غلطی گرفتار است، یعنی ترک حروف و تبدیل حرف به حرف با تغییر معنی فاحش و تغییر اعراب و غیرها.

قال العلامة ابن عابدین:

«ان الخطأ اما فی الاعراب ای الحرکات و السکون و یدخل فیه تخفیف المشدد و قصر المدود و عکسها او فی الحروف بوضع حرف مکان آخر او زیادته او تقدیمه او تأخیره او فی الکلمات او فی الجمل کذالک او فی الوقف و مقابله (الی ان قال) قال قاضیخان: و ما قاله المتأخرون اوسع و ما قاله المتقدمون احوط. فالاولی الاخذ فیه بقول المتقدمین

۱- فتاوی رشیدیه: ۲۹۵ و ۲۹٦ و ۲۹۹

لانضباط قواعدهم»[1] (یعنی فی الخطأ بأبدال حرف بحرف)

و فی الرد ایضاً:

«قوله (الا ما یشق): و هذا کله قول المتأخرین و قد علمة انه اوسع و ان قول المتقدمین احوط قال فی شرح المنیة و هو الذی صححه المحققون و فرعوا علیه فاعمل بما تـختار والاحتیاط اولی سیما فی امر الصلواة التی هی اول ما یحاسب العبد علیها»[2]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاول ۱۴۱۲ هـ ق

امامت غسال میت

الاستفتاء: شخص غسال که میّت را غسل می‌دهد آیا می‌تواند امام شـود و نـماز جنازه را بخواند؟ مخصوصاً اگر شخص میّت جنب باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند، اگر چه میّت جنب باشد، البته برای او تجدید وضوء و غسل افضل است و اگرنکرد و وضوی قبل داشت، می‌تواند.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ ربیع الاول ۱۴۱۲ هـ ق

توضیح مسئله و عبارتی از کتاب موارد الشوارد

الاستفتاء: در موارد الشوارد نوشته است: اگر بر سر کوهی نماز جماعت خواندند، باد وزید و امام به زمین افتاد، بفرمایید آیا نماز او فاسد می‌شود یا فاسد نمی‌شود؟ زیرا درکتاب مذکور به نحوی واضح خوانده نمی‌شود.

الجواب بسم ملهم الصواب: اصل مسئله موارد الشوارد که در صفحه ۲۹۰ سطر اخیر واقع است، در آن ازکاتب دو اشتباه واقع شده است.

یکی در تحریرکه نوشته است: «فاسد نمی‌شود» این اشتباه است. بلکه صحیح این است که فاسد می‌شود.

۱- ردالمحتار: ٦٣٠/۱

۲- ردالمحتار: ٦٣٢/۱ مسائل زلة القاری

دوم در حواله، چراکه این مسئله مأخوذ از ردالمحتار شامی است و در تحریر مشخص نیست، چنان معلوم می شود که عالمگیریه آورده است. حواله و منبع مسئله مذکور چنین است:

قال فی الرد:

« (فرع) فی التتار خانیة عن الصیرفیة: لوام قوما علی شاهق جبل فالقته الریح و لم یدراحی ام میت و لم یستخلفوا احداً فی الحال فسدت صلواتهم» [1]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ جماوی الاول ۱۴۱۲ هـ ق

امامت کسی که سر قبر گوسفند و... می‌کشد

الاستفتاء: اقتداکردن به شخصی که بر سر قبر گوسفند ذبح می‌کند، درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: روا نیست، نماز صحیح نمی شود.

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ جمادی الاول ۱۴۱۲ هـ ق

اقتداء در نمازی که دو مرتبه اعاده کرده می‌شود

الاستفتاء: اگر امام نماز ظهر را خوانده و دوباره به اشتباهی شروع بکند، و چند مقتدی نماز ظهر را اقتداء کردند و آن را به پایان رساندند، بعداً از حال امام معلوم شدند، نماز مقتدیان چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سؤال شما واضح نیست، اگر غرض از اشتباه این است که در نماز اشتباه کرده بود و دو مرتبه ادا می‌کند، اقتدای این مقتدیان به او صحیح است که هر دو فرض یک وقت می خوانند. و اگر غرض از اشتباه این است که نماز فرض اداکرده بود ولی اشتباه شد که شاید ادا نکرده‌ام دو مرتبه ادا کرد در این صورت اقتدای آنها

۱- ردالمحتار: ۴۴۶/۱، باب الاستخلاف

صحیح نیست. **لعدم الاتحاد.**

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ شوال ۱۴۱۲ هـ ق

طریق فهماندن خلیفه به انجام سجده تلاوت در صورتی که امام بی‌وضوء شد و بر او سجده‌ی تلاوت لازم شده باشد

الاستفتاء: اگر امام در نماز بی وضو شد در حالی که قبلاً بر او سجده‌ی تلاوت لازم شده بود و برای ادامهٔ نماز خلیفه گرفت، خلیفه را چگونه بفهماند که بر من سجده‌ی تلاوت لازم شده است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این امام خلیفهٔ خود را به این طور بفهماند که انگشت خود را بر پیشانی و بر زبان بنهد.

قال فی الهندیة:

«**و لسجدة التلاوة یضع اصبعه علی الجبهة و اللسان**»(1)

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ ذیقعده ۱۴۱۲ هـ ق

امامت معذور

الاستفتاء: آیا معذور (یعنی کسی که دائماً از وی باد خارج می‌شود) می‌تواند امام مردم برای نماز باشد، در صورتی که دیگری نباشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: معذورکه عذرش شرعاً ثابت شده است در هیچ وقت با وجود عذر، امام مقتدیان سالم یا معذورکه خلاف عذر او هستند، نمی‌تواند باشد. البته امامت معذورین مثل خود برای او جائز است. مثلاً همین معذور باد، می‌تواند معذورین بادی را امامت کند، نه مردم سالم و کسانی راکه معذور قطرات و ادرار و غیره‌اند.

۱- الهندیة: ۵۰/۱، ط کانفور

قال فی الهندیة:

«و یجوز اقتداء المعذور بالمعذور ان اتحد عذرها و ان اختلفت فلایجوز»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ ذیحجة ۱۴۱۲ هـ ق

بحثی مفصل پیرامون امامت مبتدع

الاستفتاء: آیا امامت کسی که بدعات اعتقادی انجام می دهد (همانند بریلوی‌ها) جائز است یا نه؟ ؟ اگر اقتداء اهل سنت و الجماعة به امام بریلوی جائز نیست آیا مبلغین می توانند پشت سر آنها اقتداء بکنند و نماز را اعاده هم نگردانند به علت اینکه اگر نماز را دو مرتبه اعاده کنند و یا اصلاً پشت سر آنان اقتداء نکنند، آنها از جماعت تبلیغی بدبین شده و جماعت تبلیغی را در مساجد خویش نمی‌گذارند و تبلیغ ایشان را گوش نمی کنند.

الجواب بسم ملهم الصواب: بدعت از دو حال خالی نیست: **فی العقیده یا فی العمل**. هر یکی از این، از دو حال خالی نیست: همان عقیده یا عمل او را به سر حد شرک وکفر رسانیده است یا نه، اگر او را به سر حد شرک یا کفر رسانیده است پس پشت او اقتداء هیچ فردی از مسلمین در هیچ حال و در هیچ زمانی و به هیچ عذری روا نیست و اگرگاه وقتی کسی نادانسته اقتداء کرد بر سر او لازم و فرض است که نماز خود را اعاده کند.

و اگر او را به سر حد شرک وکفر نرسانیده است اقتداء پس پشت او روا است اگر دیگر امام نباشد و او را ثواب جماعت می‌رسد و اعاده در این صورت بر سر او لازم نیست بلکه احتیاط در اعاده است.[۲]

تحریرات این کتب و فتاوی‌ها اگر چه کم و بیش دارند ولی خلاصه‌ی همه‌ی آن، آن است که تحریر شد و بالخصوص اقتداء پس پشت بریلویها هم همین حکم دارد، اگر

۱- الهندیة: ۴۴/۱، الامامة الفصل الثالث

۲-کذا فی ردالمحتار: ۵٦۰/۱، باب الامامة و غیره من کتب الفقه، وکذا فی کتب الفتاوی. من عزیز الفتاوی: ۱۳۱/۱ کفایت المفتی: ۲۴/۳ فتاوی رحیمیه: ١٦٣/۱ الی ١٦٥. فتاوی محمودیه: ۸۱/۲ و ۹٦ و ۷۳. فتاوی رشیدیه ۲۹۵ و ۲۹۷ و ۲۹۸. و امدادیه: ۲۲۰/۱.

بریلوی عقیده‌ی شرک دارد مثلاً قائل به غیب دانی انبیاء و اولیاء بالا ستقلالست یا حاضری و ناظری آنها قائل است یا ضار و نافع بودن آنها را معتقد است و امثالها پس پشت او نماز روا نیست.

و اگر به این درجه نرسیده است اقتداء پس پشت اوکراهیت تحریمی دارد.[۱]

حکم جماعت تبلیغی هم مثل دیگر مسلمانان است. اگر بریلوی و بدعتی درجهٔ اول است برای آنها هم در هیچ حال و هیچ بهانه‌ای، اقتداء صحیح نیست. نماز، بهانه و سیاست نمی‌خواهد.

و اگر به درجهٔ دوم است اقتداء صحیح است و اعاده واجب نیست فقط احتیاط در اعاده است، پس اگر به همین بهانه در این صورت اعاده نکند گنجائش دارد. و تبلیغ هر فرد بر جماعت تبلیغی به این درجه واجب نیست که به خاطر تبلیغ آنها مرتکب مکروه تحریمه یا حرام گردد چراکه تبلیغ به این هیئت خاصه فقط کاری شایسته و مستحسن است. و قاعده شرعیه این است که اگر انسان به دو بلا مبتلاگردد و آن هر دو مساوی باشند یا یکی اهم‌تر باشد پس اگر مساوی‌اند اهون و آسان‌تر را اختیارکند و در صورت اهم‌تر ادنی را ترک کرده اهم‌تر را بگیرد. چنانچه در شامی و غیره نوشته است:

«اذا تردد الحکم بین السنة و بدعة کان ترک السنة راجحاً علی فعل البدعة»[۲]

و فی منحة الخالق للعلامة ابن عابدین الشامی:

«قوله (بین سنة و بدعة) قید بالسنة لان ما تردد بین واجب و بدعة یاتی به احتیاطاً»[۳]

و قواعدی که در این مورد در باب موجوداند در آنها لازم است که ملاحظه طرفین و تحقیق آنهاکرده شده سپس اقدام عمل به یکی از آنهاکرده شود نه کیف ما اتفق. مثل قاعده **«المشقة تجلب الیسیر»** و مثل **«الامر اذا ضاق انسع»** یا مثل **«الضرورات تبیح المحظورات»** یا مثل **«الضرورة الاشد یزال بالاخف»** یا مثل **«اذا تعارض مفسدتان روعی اعظمها ضرراً بارتکاب اخفها»** یا مثل **«یختار اهون الشرین»** و امثال اینها. و عمل بر این

۱-کذا فی احسن الفتاوی ۲۹۰/۳. فتاوی محمودیه: ۷۸/۲

۲- ردالمحتار: ٦۴۲/۱، مکروهات الصلاة. البحر الرائق: ۲۱/۱.

۳- منحة الخالق علی البحر الرائق: ۲۱/۱، مکروهات الصلاة.

قواعد هم در جای و مکانی با مراعات شرائط گنجائش دارد که در آنها حکم منصوص صریح نباشد و اگر منصوص باشد نمی‌تواند عمل کند مگر در حالت اضطرار.

در شرح مجله للاتاسی می‌نویسد:

«واعلم انه قد خرج عن هذه القاعدة مانص علیه و ان کان فیه مشقة و عمت فیه البلوی»(۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم الحرام ۱۴۱۳ هـ ق

امامت حافظ نابالغ در تراویح

الاستفتاء: آیا امامت حافظ نابالغ در نماز تراویح درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد ما احناف روا نیست، البته مثل خود نابالغین را می‌تواند که امامت کند نه بالغین را.

قال فی الدر والتنویر:

«و لا یصح اقتداء...وصبی مطلقاً و لو فی جنازة و نفل علی الاصح»

و فی الرد:

«قوله (و نفل علی الاصح) قال فی الهدایة و فی التراویح والسنن المطلقة جوزه مشایخ بلخ و لم یجوزه مشایخنا...و المختارانه لا یجوز فی الصلوات کلها اهـ»

و فی الدر ایضا:

«وصبی بمثله» (ای صح اقتداء صبی بمثله).(۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاول ۱۴۱۳ هـ ق

امامت فاسق

الاستفتاء: آیا اقتداء پشت فاجر و فاسق و شخصی که مواد مخدر می‌کشد و یا می‌فروشد جائز است یا نه؟

۱- ص ۵۰ و ۵۲.

۲- ردالمحتار: ۵۷۸/۱، باب الامامة.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر اتفاقاً گاهی پس پشت او نماز خواند مکروه تحریمه و واجب الاعاده است. و او را امام دائمی کردن در مسجدی اصلاً روا نیست. [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ ربیع الاول ۱۴۱۳ هـ ق

فوت شدن رکنی در نماز از مقتدی به علت خواب و...

الاستفتاء: در نماز امام به رکوع رفت و از رکوع برخاسته به سجده رفت، اما مقتدی که پشت سر امام اقتداء کرده است به سبب غفلت یا خواب در حال قیام ایستاد و به همراه امام رکوع نکرد، وقتی که امام را به سجده دید فوراً به سجده رفت، خلاصه اینکه رکوعش فوت شد. آیا نمازش درست است یا اعاده کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم این مقتدی این است که اگر رکعت دیگر از نماز امام مانده است در آن رکعت دو رکوع کند و اگر این رکعت اخیره است بعد سجده بلند شده رکوع کند و همراه امام نشسته تشهد خوانده سلام دهد نمازش تمام است و اگر اصلاً رکوع نکرده نمازش را تمام کرد این نماز صحیح نیست دو مرتبه ادا کند. [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۳ هـ ق

تلفیق و خروج از مذهب به خاطر امامت

الاستفتاء: آیا برای مقلد عالم حنفی درست است که برای خوشنودی مردم هر مذهبی طبق مذهب آنها نماز بدهد یعنی اگر شوافع او را امام بکنند طبق مذهب شافعیه نماز دهد مانند جهر بسملة و سکوت مقدار سوره‌ی فاتحه بعد از قرائت فاتحه و رفع الیدین و غیره در حالی که حنفی‌ها نیز پشت سرش اقتداء داشته باشند، در حالی که تأخیر در رکن در مذهب احناف موجب سجده سهو می‌شود. آیا در نماز احناف

۱-کما فی احسن الفتاوی: ۲٦۰/۳.

۲-کذا فی الشامی: ۴۴۰/۱، الامامة، مطلب فیما لواتی بالرکوع او السجود...

خللی پیش می‌آید یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بیرون رفتن از مذهب خود و تقلید مذهبی دیگر در مسائل اصولی و فروعی وکلی و جزئی برای عامی و عالم غیر محقق و محققی که به درجهٔ اجتهاد نرسیده است، حرام و نادرست است و مرتکبش فاسق می‌گردد وگمراه شمرده می‌شود چرا که تقلید مذهب بعد از دخول بر او واجب است. البته وقت ضرورت شرعی تقلید مذهب غیر رواست. و ضرورت شرعی آن است که چون شخصی مبتلا گردد، به علمای راسخین و محققین مراجعه کند که دارای علم و تقوی و طهارت و دیگر صفات عالیه باشند و از آنها بپرسد و آنها به او فتوی دهند که این ضرورت شرعیه است وگنجایش دارد پس او عمل کند. و قول و تحقیق خود شخص و هر عالم هم معتبر نیست و در غیر این صورت بیرون رفتن از مذهب خود و عمل بر مذهب دیگر حرام و اتباع هوا و تلاعب بالمذهب است.(۱)

و در امامت هم باید به روش مذهب خود امامت کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـ ق

اقتداء به کسی که تلفیق در مذهب می‌کند

الاستفتاء: مسئله تلفیق را توضیح فرمائید که آیا از نظر فقه اربعه اهل سنت و الجماعة جائز است یا نه؟ مثلاً یک روز شافعی باشد و روز دیگر حنفی و غیره و آیا اقتداء احناف بر چنین کسی صحیح است یا که اجتناب بهتر است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تلفیق در مذهب با جماع امت باطل است. و پشت سر ملفق نزد هیچ امام نماز روا نیست زیرا نماز خود او صحیح نیست.

قال فی الدر والشامی:

۱-کذا فی الدر المختار بهامش رد المحتار: ۵۱/۱، و احسن الفتاوی: ۴۲۰/۱ تا ۴۲۱/۱، فتاوی محمودیه ۳۹۰/۱، نقلاً از عقدالمجید، و انصاف، و سبیل الرشاد، والاقتصاد، وانتصار الحق، و تیسیر، والتقریروالتحبیر. و فتاوی عزیزیه، و فتاوی رشیدیه، وایضاح الادلة، والکلام الفرید، و خیرالتنقید و غیرها.

«و ان الحکم الملفق باطل بالاجماع» [(۱)]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۳ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـ ق

مقتدی حنفی به امامِ شافعی مذهب، مطابق مذهب خودش نماز بخواند

الاستفتاء: مقتدی حنفی در اقتداء امامی که شافعی المذهب است، مثل شوافع نماز بکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خیر به طریق خود احناف پشت سر او نماز بخواند در افعالی که در مذهب او نیستند سکوت کند تقلید نکند. **کذا فی الشامی و بحر و فتح القدیر و عالمگیری و غیرها.**[(۲)]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۳ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـ ق

امامت شافعی مذهب

الاستفتاء: اگر امام شافعی المذهب به علت خون فصد و رعاف و غیره وضوء نکند، اقتداء حنفی به این چنین شافعی درست است یا نه؟ به عبارت دیگر، جواز اقتداء به شافعی المذهب بدون قید است یا مقید به قید است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مقید به قید است نه مطلق. مثلاً اگر امام شافعی المذهب موثوق و معتمد است که رعایت مذهب احناف می‌کند و در بیرون شدن خون و غیره وضوء می‌کند و در ارکان و شرائط نماز رعایت احناف می‌کند پس اقتداء به او جائز است. و تا هم اگر کدام حنفی آنجا باشد و متقی باشد پشت او افضل است. و اگر به یقین معلوم است که رعایت مذهب حنفی نمی‌کند به او اقتداء روا نیست و اگر حال او مبهم است رعایت او معلوم نیست اقتداء به او مکروه است[(۳)]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۳ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هـ ق

۱- رد المحتار ۵۵/۱.
۲- از احسن الفتاوی: ۳۱۵/۳.
۳-کذا فی رد المحتار الشامی: ۴۱٦/۱ و فتاوی محمودیه ۹۴/۲ و احسن الفتاوی: ۲۸۲/۳.

امامت کسانی که گرگ در پوستین میش هستند

الاستفتاء: آیا کسانی که گرگ در پوستین میش هستند پشت سر آنها نماز جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اینها اگر مذهباً مسلمان و گرگ در پوستین میش بودن آنها به حجت شرعیه روشن شده است پس نماز پشت سر آنها با کراهیت تحریمی جائز است و وقتی که امامی دیگر متدین نباشد از تنها خواندن نماز پشت سر او نماز بهتر است که اجر جماعت به او می‌رسد و آن کراهیت را جبران می‌کند.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هـ ق

حکم امامت امامی که مقتدی به او اعتقاد ندارد

الاستفتاء: شخصی که به امامی اعتقاد ندارد پشت سر آن امام نماز جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر امام جرمی شرعی دارد که او معتقد نیست پشت سر او نماز جائز و مکروه است و از تنها کردن بهتر است و اگر جرم ندارد محض به درگیری دنیوی سلب اعتقاد کرده است نمازش پشت سر او بلاکراهت جائز است و خود شخص مجرم و قابل توبه است. **کذا فی فتح القدیر و غیره.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: شخصی که می‌گوید بایستی مغز باشم نه پوست و در یک شهر بیست مسجد می‌باشد که نماز می‌خوانند مثل شهر سراوان و این شخص دنبال باطن است و با این بیست امام که در این شهر نماز ارائه می‌نمایند حتی روزهای جمعه به این امام‌ها اعتقاد ندارد. و همیشه تنها نماز می‌خواند (زیرا بعضی انسان‌ها مسائل را درک

۱-کذا فی الشامی و غیره. ۴۱۵/۱، الامامة قبیل مطلب امامة الامرد.

می‌نمایند و بعضی خیر) آیانمازهای این شخص درست است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این شخص فی الواقع از این امامها جرمی شرعی ثابت می‌کند که موجب فسق این ائمه باشد باز هم برای او نماز پشت سر آنها خواندن، از تنها خواندن افضل است.

جناب رسول الله ـ ﷺ ـ فرمودند: «**صلوا خلف کل برو فاجر**». **الحدیث.**

و صحابه ـ رضی الله عنهم ـ با این کمال بزرگی که داشتند پشت سر حجاج بن یوسف و عبدالملک بن مروان و غیرهما که ظالم زمانهٔ خود و مثل یزید فاسق و ظالم نماز می‌خواندند.

پس این چه جوری صاحب باطن و طالب است که از صحابه ـ رضی الله عنهم ـ و از امام ربانی ـ رحمه الله ـ خود را بهتر می‌داند بلکه باید این شخص اصلاح خود را کند. و اگر جرمی چنین ندارند و او از خود اینها را الزام می‌کند پس این شخص به سبب این عمل در الحاد و زندقه داخل می‌گردد العیاذبالله. **کذا فی الفقه.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هـ ق

اقتداء به مولوی که در امر به معروف اقدام نمی‌کند و در فکر مادیات است

الاستفتاء: آیا مولوی‌ای که هیچ وقت حاضر نیست در جامعه در موارد امر به معروف و نهی از منکر کوچکترین اقدامی و حرفی بزند، فقط به فکر مادیات پی در پی باشد، پشت سر این آقا نماز جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جناب رسول الله ـ ﷺ ـ فرموده است: «**صلوا خلف کل بر و فاجر**». (**الحدیث**). نماز بخوانید پشت سر هر نیکوکار و صالح و پشت سر هر فاسق و فاجر وقتی که مسلمان باشد.

موقعی که خلیفهٔ سوم سیدنا امیرالمؤمنین ذوالنورین جامع قرآن شهید مظلوم حضرت عثمان بن عفان داماد حضرت محمد مصطفی ـ ﷺ ـ به دست سبائیها که مقتدای فسق و فجور است، در محاصره قرار می‌گیرند امامت می‌کند ما مردم سر پشت او نماز بخوانیم یا تنها نماز بخوانیم، ارشاد فرمودند که نماز بهترین موضوعیست وقتی

که مردمان کار خوب می‌کنند شما هم بکنید و پشت سر آنها نماز بخوانید.

این حدیث در سنن صحاح موجود است هزاران صحابه مثل حضرت علی المرتضی ـ ﷺ ـ امام دائره‌ی ولایت و مثل حضرت طلحه و زبیر ـ ﷺ ـ که از عشره‌ی مبشره‌اند، پشت سر همین سبائیۀ فساق و فجار نماز می‌خوانند. پس این مولوی‌ها خدا مخواسته از سبائیها و از قاتلین سیدنا حضرت عثمان ـ ﷺ ـ بدتراند یا از حجاج بن یوسف امام الظلم بدتراند و ممکن است که به سبب مجبوری مخارج خود، در فکر مادیات افتاده‌اند که آن خود امری شرعی است. لهذا کسانی که پشت سر اینها نماز نمی‌خوانند در فریب شیطان و نفس رفته‌اند و این امر موجب خرابی عاقبت آنها می‌باشد. باید زودتر از این حرکات باز بیایند. خداوند کریم ما و ایشان را هدایت فرماید.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هـ ق

امامت کسی که به ازای امامت حقوق می‌گیرد

الاستفتاء: مولوی‌ای که کارمند اداره‌ای می‌باشد و از آن اداره و سایر جاها حقوقی دریافت می‌کند. از او خواسته شده که در مسجدی امامت کند، اما او می‌گوید اگر ماهی دوازده هزار تومانی بدهید، امامت شما می‌کنم و به ده و نه هزار تومان در ماه راضی نمی‌شود، آیا پشت سر این عالم نماز جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است. در کتب فقه مثل شامی و بحر و فتح و درو غیرها نوشته شده است که در این زمان فتوی بر آن است که مزد گرفتن و مقرر کردن و طلب کردن برای شغل امامت و اذان و غیرها جائز است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هـ ق

نماز خواندن مقتدی پشت سر امامی که به او رضایت ندارد

الاستفتاء: شخصی با امام ناراضی است، آیا اگر پشت سر امام نماز کند، نمازش صحیح می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر امام عیب شرعی ندارد یعنی فاسق نیست نمازش صحیح می‌شود و اگر فاسق است مکروه است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ شعبان ۱۴۱۳ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: در همین صورت بالا، اگر مقتدی با حافظی ناراضی بود و با وجود این در ماه رمضان سامعش بود، آیا در این صورت نماز خواندنش درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اشکال ندارد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ شعبان ۱۴۱۳ هـ ق

به خواب رفتن مقتدی در قعده‌ی اولی یا قعده اخیره

الاستفتاء: مقتدی در نماز فرض یا وتر یا تراویح در قعده اخیر یا قعده‌ی اولی به خواب رفت و در اثر صدای امام از خواب بیدار شد، اکنون چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در قعده‌ی اخیره است بعد بیدار شدن تشهد خوانده سلام دهد و اگر در قعده‌ی اولی است اگر می‌تواند آن را تمام کرده برخاسته متابعت امام کند و اگر خوف دارد که در قیام امام نمی‌رسم برخیزد و متابعت امام کند [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

۱-کذا فی رد المحتار: ۴۴۰/۱، احکام المسبوق و...

چرا کودکان نابالغ در صف مقدم جای ندارند؟

الاستفتاء: برای چه کودکان نابالغ را در صف مقدم نماز جای نمی دهند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای اینکه در حدیث صحیح است: «**لیلنی منکم اولوالاحلام والنهی**» یعنی باید که قریب شود با من در صف اول و نماز از باب بلوغ و اهل عقل.

و نیز در حدیثی دیگر است که نبی ـ ﷺ ـ نماز خواند و ایستاده کرد بالغین را نزدیک خود و کوچکان و اطفال را صف کرد پشت بالغین، **کما فی الطحطاوی علی المراقی و حاشیة المراقی.**[1]

البته اگر طفل یکی باشد و صف خالی باشد به کنار بالغین بایستد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

اقتداء به امامی که همسر یا یکی از اقارب او در حجاب نیست

الاستفتاء: آیا نماز خواندن پشت سر امامی که زنش در حجاب نباشد، جائز است یا خیر؟ و در ضمن نماز همه پشت سر این جائز نیست یا فقط نماز کسی که زنش در حجاب است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در کتب مصرحست که تمام بدن زن آزاد بدون چهره و هر دوکف دست و هر دو قدمین فی نفسه عورت اند و چهره وکف دست و غیره بعارض فتنه واجب السترا‌ند و ترک واجب معصیت است و منع نکردن از معصیت با وجود قدرت و سکوت و تسامح کردن از آن فسق است و نماز پشت سر این امام، علی الأرجح مکروه تحریمه است پس معلوم شد که هرکسی همسر او در ستر شرعی نباشد یا یکی از ارقاب او مثل خواهر و دختر و غیره او در ستر نباشند و او قدرت منع دارد و منع نکند او در این حکم داخل است و نماز هرکسی پس پشت او مکروه تحریمی است لهذا این

۱- حاشیه الطحطاوی علی المراقی ص ۱۸۳.

شخص امام دائمی کرده نشود مگر وقتی که امامی متقی‌تر از او نباشد نماز پس پشت او از تنها خواندن بهتر است[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیقعده ۱۴۱۳ هـ ق

امامت معذور برای افراد سالم اصلاً جائز نیست

الاستفتاء: ملایی با تقویٰ و خوب وجود دارد، اما معذور است اتفاقاً در آن محل غیر از او ملایی دیگر نیست که جماعت قائم کند. آیا امامت ملای معذور برای مقتدیان در نمازهای پنجگانه جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر معذور شرعی است امامت او برای سالمین روا نیست اگر دیگر ملائی بی تقوی غیر معذور آنجا هست او امامت کند و اگر هیچ یکی به امامت پیدا نشود نماز را انفراداً بخوانند زیرا امامت معذور روا نیست[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ ذیحجه ۱۴۱۳ هـ ق

امامت شخصی که قماربازی می‌کند

الاستفتاء: اگر چنانچه احدی قمار را انجام داد، بعداً وضو نگرفت و رفت به مردم نماز داد. نماز اینها درست و صحیح می‌گردد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز اداء می شود ولی مکروه تحریمه است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر کسی پتابازی بکند و سپس برود امامت عده‌ای را بکند. آیا امامت این

۱- امداد الفتاوی ۲۲۲/۱ و امداد المفتین ۱۳۵/۱ و احسن الفتاوی ۲۸۸/۳.

۲- کذا فی الشامی ۵۷۸/۱، الامامة.

شخص صحیح می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر به شرط پول می‌کند نماز پس پشت او مکروه تحریمه است و اگر به شرط پول نمی‌کند نماز پشت سر او رواست ولی خلاف اولی و مکروه تنزیه می‌گردد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

حکم اقتداء به امامی که نماز واجب‌الاعاده می‌خواند

الاستفتاء: بر امام سجده‌ی سهود لازم بود و فراموش کرد، بعد از تمام شدن نماز به یادش آمد. دوباره نماز را اعاده می‌کند و اگر اعاده‌کرد و دیگری آمد و اقتداءکرد، اقتداء او صحیح می شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح می شود چراکه این نماز دوم مکمل فرض اول و فرض است و اقتداء مفترض به مفترض است.

قال فی رد المحتار باب الجنائز:

«فاذا أعادها اولی وقعت فرضاً مکملا للفرض الاول نظیر اعادة الصلواة المؤداة بکراهـة فان کلاً منهما فرض کما حققناه فی محله»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر نماز امام به نحوی فاسد شد و از سر نو نماز را شروع کرد. شخصی دیگر آمد و اقتداء کرد، آیا نماز اقتداء کننده صحیح می شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح و درست می شود البته این مسئله معرکة الآراء بین علماء شده است. در احسن الفتاوی (ج ۳) به صورت رساله‌ی مستقلی نوشته شده

۱- رد المحتار: ٦٥٢/١، و ٣٢٧، واجبات الصلاة. امداد الفتاوی: ٣٣٧/١.

است. حضرت مفتی اعظم دیوبند مفتی عزیز الرحمن و حضرت مفتی اعظم دیار الهند والعرب مفتی محمد کفایت الله و حضرت مفتی عبدالرحیم دهلوی ـ رحمهم الله ـ بر قول طحطاوی که عدم شرکت را ترجیح داده و فتوی داده‌اند. اما حضرت حکیم الامت و حضرت علامه شامی و حضرت علامه مخدوم محمد هاشم شهوی رحمهم الله بر شرکت کردن فتوای داده و آن را ترجیح داده‌اند بنابراین راحج و مفتی به وقتی که مقتدی حال امام را نداند که اعاده می‌کند یا نه؟ شرکت کردن است، و نمازش صحیح است و اگر حال امام را بداند احوط و اولی، عدم شرکت است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

فتح دادن مقتدی به امام مفسد نماز نیست

الاستفتاء: اگر امام وقتی که در نمازهای پنجگانه از قرائت خواندن بند شد یا اشتباه خواند، مقتدی او را راهنمایی کند چطور است؟ و نماز مقتدی و امام چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز مقتدی و امام هر دو صحیح است لیکن امام اگر به قدر ما تجوز به الصلواة خوانده است انتظار لقمه نکند انتظار کردن او مکروه است. و مقتدی هم برای کمک کردن او عجله نکند که عجله برای مقتدی هم مکروه است [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۴ هـ ق

امامت غسال میت

الاستفتاء: آیا غسل دادن میت برای پیش نماز از نظر شرعی اشکالی دارد یا نه؟ و اگر اشکال ندارد ولی مردم او را به چشم حقارت و لقب ناشایسته ملقب می‌کنند به این سبب بسیاری از فوائد علم محروم می‌شوند؟

۱- احسن الفتاوی ۲۸۰/۳ نقلاً عن الشامی ۵۸۲/۱

الجواب بسم ملهم الصواب: غسل دادن میت از وظائف امام نیست.[۱]

آری! اگر کسی نباشد که مرده را بشوید پس بر امام لازم می‌گردد که آن را بشوید و اگر بدون اجرت می شوید رواست اتفاقاً ولی اگر دیگر غسال هست بر او این عمل بهتر نیست خلاف اولی است و اگر به اجرت می شوید در این صورت اختلاف است گروهی امامت او را مکروه تحریمی گفته‌اند وگروهی جائز و خلاف اولی. بهتر آن است نشوید اگر دیگری هست.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ جمادی الاخر ۱۴۱۴ هـ ق

امامت شخصی که شناخت ندارد

الاستفتاء: درباره‌ی شخصی که شناخت ندارد، امامت وی به عنوان امام دائم مسجد بلا اشکال است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر هدف از عدم شناخت، عدم شناخت مذهب اوست،پشت سر او نماز خواندن مکروه است و اگر در مذهب اسلام شک است، امامت او روا نیست و اگر عمل او ناشناخت است و ظاهرش عادل است نماز پس پشت او رواست.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

رتبه و درجهٔ امام بر مقتدی‌ها

الاستفتاء: درجهٔ امام جماعت بر مقتدی چقدر است و اگر مقتدی به امام فحاشی کند حکم آن چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: درجهٔ امام و حق شرعی او بر مقتدیان خیلی زیاد است اگر

۱-کذا فی فتاوی عثمانیه: ۱۴۳/۱.
۲- فتاوی دارالعلوم: ۱۱۰/۱ و ۱۱۴ و ۱۲۳.
۳-کذا یفهم من الشامیة من الجلدالاول.

مقتدی چنین حرکتی نازیبا کند، فاسق و مردودة الشهادة می‌گردد، برایش دو مرتبه ارضای امام واجب است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

اقتدای زنان به امام از طبقه بالای مسجد

الاستفتاء: مساجدی که دو طبقه دارند در طبقهٔ پائین مردان نماز می‌گذراند و در طبقهٔ بالا زنان، آیا اقتدای زنان پشت امام صحیح می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز زنان در مسجد پشت سر امام مکروه تحریمی است ولی اگر با این همه رفته اقتداء کردند در طبقهٔ بالا، وقتی که حرکات امام به ایشان مشتبه نمی‌شود مثل این زمان که بلندگو و غیره هست که حال امام را واضح می‌کند نمازشان باکراهیت تحریمی روا می‌باشد به شرطی که در سطح بالا جلوتر از صف مردان نباشند و اگر یک صفی کامل از زنان در سطح بالا یا پائین جلوتر از صفهای مردان باشد نماز همه مردانی که در صفهای عقبی هستند فاسد می‌شود و روا نمی‌گردد.

قال فی الهندیه:

«ولو قام علی سطح المسجد و اقتدی بامام فی المسجد ان کان للسطح باب فی المسجد و لا یشتبه علیه حال الامام یصح الاقتداء و ان اشتبه علیه حال الامام لا یصح» (۱)

و فی الشامیة:

«و فی الولوالجیة: قوم صلوا علی ظهر ظلة فی المسجد و تحت قد امهم نساء لا تجزیهم صلواتهم لانه تخلل صف من النساء فمنع اقتدائهم و کذا الطریق اهـ فهذا باطلاقه صریح بان الارتفاع غیر معتبر فی صف النساء و فی المعراج عن المبسوط فان کان صف تام من النساء و ورائهن صفوف الرجال فسدت تلک الصفوف کلها استحسانا» (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ رجب ۱۴۱۳ هـ ق

۱- الفتاوی الهندیه: ۴٦/۱، ط کانفور.

۲- رد المحتار: ۴۳۲/۱، الامامة، موانع الاقتداء.

امامت شخصی که گاهی نماز می‌خواند و گاهی نمی‌خواند

الاستفتاء: کسی که گاهی موقع نماز می خواند وگاهی نماز را ترک می دهد، پس اگر همین شخص امام جماعتی شود، آیا نماز آنان صحیح می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح می‌شود. جرم سستی او برگردن خودش هست امامت را ضرر نمی دهد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۹ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

اقتدای حنفی به شافعی

الاستفتاء: اقتداء کردن حنفی مذهب به شافعی مذهب جائز است یا نه؟ و او رفع الیدین می‌کند و در نماز صبح دعاء قنوت می خواند و بعد از سلام نماز فرض صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء روی خود را به طرف مقتدیان می‌گرداند تا چند دقیقه‌ای بعد دعاء می خواند. آیا ما هم اتباع بکنیم یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اقتداء کردن هر یکی از مقلدین مذاهب ائمه اربعه بر پشت سر امام مذهب دیگر جائز است مگر در چند موارد جزئیه و حنفی پشت سر او رفع یدین نکند. و چون او دعای قنوت می خواند حنفی بایستد و اگر در دعایش هم بنشیند گنجائش دارد و اگر برخاسته برود بهتر است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱٦ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

امامت لوطی (مفعول)

الاستفتاء: نماز خواندن پشت سر امامی که لواطت می‌کند، یعنی مفعول مـی شود چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این شخص امام دائمی باشد پس پشت او روا نیست اگرگاه وقتی نماز داد که دیگر امام وجود نداشت باکراهیت تحریمی نماز پس پشت او

روا است و اگر امامی دیگر باشد روا نیست.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

امامت شخصی که وسمهٔ سیاه استفاده می‌کند

الاستفتاء: آیا سیاه کردن ریش جائز است؟ و اگر فردی ریش خود را سیاه کرده باشد پشت سر ایشان نماز خواندن جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سیاه کردن ریش برای ترسانیدن دشمن کافر، برای خاطر داری همسر جوانه که ناراحت و موجب درگیری نگردد رواست و برای زینت و اظهار جوانی مکروه تحریمه و نارواست. کسی که بدون ضرورت و به خاطر زینت چنین کند و بر آن دوام کند فاسق می شود و نماز پشت سر فاسق مکروه است [2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ شوال ۱۴۱۴ هـ ق

حکم امامت با اجرت در مسجدی دیگر غیر از مسجد محله خویش

الاستفتاء: طالب العلمی که وضعیت مادی رضایت‌بخشی ندارد و سخت محتاج پول است، هنگامی که تعطیلات دو ماههٔ «شعبان و رمضان» از راه می‌رسند، می‌خواهد ماه رمضان را در یکی از مساجد منطقه خود نماز بدهد، اما در محلهٔ خود که مردمش کمک چندانی به او نمی‌کنند، نماز نمی‌دهد و به جای آن به محلهٔ دیگری که طالب او هستند و کمک بیشتری به او می‌کنند، می‌رود، آیا این کار برای او جائز است و امامتش چگونه است؟

۱- قال العلامة ابن عابدین: (قوله و فاسق) من الفسق و هو الخروج عن الاستقامة و لعل المراد به من یرتکب الکبائرکشارب الخمر والزانی و آکل الربا و نحوذ لک...» (ردالمحتار: ۵٦۰/۱، الامامة). البته اگر توبهٔ‌کامل‌کرده است بعد از توبه امامت او جائز است (کذا فی فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۲۰۸/۳).

۲-کذا فی الشامیة: ۵٦۰/۱ وکذا فی احسن الفتاوی: ۲۹۴/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲ ربیع الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

رفتن ائمه مساجد به جماعت تبلیغ

الاستفتاء: بعضی امامان مساجد حقوق می‌گیرند و بعضی بدون حقوق نماز می‌دهند و ماهی سه روز و سالی چهل روز به تبلیغ هم می‌روند. رفتن ایشان چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رفتن ایشان جائز است، ولی به دو شرط؛ یکی اینکه در ایام غیبت کسی را نائب کنند تا جماعت مقتدیان فوت نشود و اگر نائب ندارد نرود. دوم اینکه حقوق ایام غیبت را نگیرد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هـ ق

رفتن ائمۀ مساجد روستاها جهت ادای نماز جمعه و ترک امامت

الاستفتاء: بعضی از امامان روستایی که در محلۀ خود امام هستند و حقوق می‌گیرند یا نمی‌گیرند در روز جمعه به شهرستان‌ها می‌روند برای ادا کردن نماز جمعه، رفتن ایشان چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: از قواعد فقهیه چنان معلوم می شود که اگر نائبی مقرر کرده برود گنجائش دارد و اگر از رفتن او جماعت روستائیها فوت می شود، نرفتن بهتر است؛ چراکه انجام جماعت برای روستائیها مثل روزهای دیگر واجب یا سنت مؤکده است و رفتن به جمعه برای آنها جائز و امر مستحب است. ظاهر است که در صورت تعارض واجب یا سنت یا مستحب، مستحب ترک داده شود و ترجیح مفضول بر افضل بدعت و غیر صحیح است.

قال العلامة الشامی:

«قوله (فی مصر) بخلاف القری لانه لا جمعة علیهم فکان هذا الیوم فی حقهم کغیره من الایام، شرح المنیة و فی المعراج عن المجتبی من لا تجب علیهم الجمعة لبعد الموضوع صلو الظهر بجماعة» [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هـ ق

امامت عبد

الاستفتاء: امامت عبد یعنی غلام که قرآن خوان و طالبی از مدرسه دینی هم می‌باشد. سال اول عربی هم خوانده و به سال دوم یعنی به دوره‌ی قدوری قبول شده و از بقیه قوم قرآن بهتر می‌تواند بخواند. آیا بدون کراهیت امامت او جائز می‌باشد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در فتاوی عثمانیه می‌نویسد: کراهت نماز پس عبد بوجه جهل است پس اگر عبدی که از دیگر اهل جماعت زیاده خوانده است پس آن نماز به غیر کراهت جائز است. **تحت کلیه اذا فات الشرط فات المشروط.** علاوه از این آن‌که نوکران مکران عبد شرعی نیستند زور برده‌اند [2]

و در همین صفحه در جوابی دیگر می‌نویسد: امامت عبد عالم جائز بلاکراهت است. **کما فی البدائع: ۱۵۶/۱، روی عن ابی سعید مولی بن اسد انه قال عرست فدعوت رهطاً من اصحاب رسول الله ـ ﷺ ـ فیهم ابوذر و حذیفة و ابوسعید الخدری فحضرت الصلواة فقد مونی فصلیت بهم و انا یومئذ.**

اصحاب کرام ـ رضوان الله تعالی علیهم اجمعین ـ درباره‌ی نماز خیلی محتاط بودند و به پس ابوسعید که مولی بنی امیه بود نماز خواندند به عدم کراهیت صلاة حلف عبد

۱- ردالمحتار: ۶۰۴/۱ شروط الجمعة.

۲- فتاوی عثمانیه: ۲۹۶/۱ از مولانا مفتی محمد عثمان بلوچ.

عالم دال است.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۱ شوال ۱۴۱۴ هـ ق

اگر امام در وسط نماز بی‌وضوء شد، چکار کند؟

الاستفتاء: اگر امام در هنگام نماز جماعت و در اثناء نماز وضویش باطل شود، چکار کند و مقتدی‌ها چطور نماز خود را تمام کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: امام فوراً به عقب رفته و شخصی دیگر با اشاره نائب خود کند و به وضو برود و چون برگشت اگر نائب نماز را تمام کرده است، نماز خود را تمام کند هر جا که بخواهد. و اگر تمام نکرده است در صف آمده تمام کند. البته این در صورتی است که در میان رفت و آمد کاری چنان نکرده است که نماز بشکند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۸ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

نحوه‌ی اقتداء به امامی که حال او معلوم نیست

الاستفتاء: کسی که حال امام را نمی داند که امام مقیم است یا مسافر، پس چطور به او اقتداء کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بگوید «اقتدیت بهذالامام» کفایت می‌کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ ذیقعده ۱۴۱۵ هـ ق

اقتداء به امامی که نماز واجب‌الاعاده می‌خواند

الاستفتاء: امامی با مقتدی‌ها نماز را شروع کرد، دو رکعت خواندند سپس نمازشان به علتی فاسد گردید و می خواستند از سر نو نماز را شروع کنند، کسی که در این جماعت مذکوره همراه نبوده، آیا می تواند امام باشد؟

۱- فتاوی عثمانیة: ۹٦/۱ الی ۹۸، بحواله‌ی طحطاوی علی الراقی و ردالمحتار شامی: ۴۱۴/۱ و...

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند. قال فی الدر:

«و لا مفترض بمتنغل و بمغترض فرضاً آخر»

و **قال الشامی تحت قوله:**

«سواء تغایر الفرضان اسماً او صفة کمصلی ظهر امس بمصلی ظهر الیوم بخلاف ما اذا فاتتهم صلواة واحدة من یوم واحدة فانه یجوز. و کذا لوصلی رکعتین من العصر فغربت الشمس فاقتدی به آخر فی الاخر بین لان الصلواة واحدة و ان کان هذا قضاء للمقتدی»[1]

از این عبارت معلوم شد عبارت معلوم شد اگر فرض هر دو یکی باشد و از یک وقت باشند، اقتداء یکی به آن دیگر روا نیست برابر است که هر دو در عین وقت می‌خوانند مثل مسئله مذکوره یا امام نماز وقتی می‌خواند و مقتدی قضائی همان وقت پس پشت او می‌خواند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱ ذیحجة ۱۴۱۵ هـ ق

شخصی که نماز عشاء را تنها خوانده است، می‌تواند در تراویح امامت کند

الاستفتاء: شخصی که نماز عشاء را به جماعت نخوانده، می‌تواند برای نماز تراویح امام باشد؟ در کفایت المفتی ۳۴۸/۳ نوشته که می‌تواند.

الجواب بسم ملهم الصواب: آنچه آن حضرت مفتی صاحب نوشته است، صحیح است.

و در فتاوی دارالعلوم دیوبند هم همین طور است[2]. البته در این مسئله اختلاف است.

رجحان شامی به این طرف است که این شخص امامت تراویح را نمی‌تواند ولی علامه طحطاوی در حاشیه‌ی خود علی الدر نوشته است که صحیح است و همین قول را علماء دیوبند مثل حضرت گنگرهی ـ ﷺ ـ و حضرت یعقوب نانوتوی ـ ﷺ ـ ترجیح داده‌اند. آری اگر اصلاً فرض عشاء را تا حال نخوانده است پس امامت او در تراویح نزد

۱- ردالمحتار: ۴۲۹/۱، الامامة.

۲- فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۲۴۲/۱.

همه صحیح نیست. چنانچه در مسائل امامت بحواله‌ی فتاوی رحیمیه نوشته شده است و از کبیری هم همین طور معلوم می‌شود.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱ ذیحجه ۱۴۱۵ هـ ق

حافظی که نماز عشاء را با امام خوانده است، امامت او در تراویح درست است

الاستفتاء: حافظی که نماز فرض را پشت سر امام خوانده، آیا می‌تواند در نماز تراویح امام باشد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری می‌تواند. [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱ ذیحجة ۱۴۱۵ هـ ق

حکم نماز خواندن بر ساعات معین و تأخیر امام از وقت

الاستفتاء: نماز خواندن بر ساعات معین نه کم و نه بیش، چه حکم دارد؟ و اگر امام از وقت معینه نماز را تأخیر کرد مقتدیان حق اعتراض دارند یا خیر (و در بعضی جاها التزاماً این کار را می‌کنند).

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز بلکه در این زمان ضروریست که مشاغل مردم، آنها را مثل زمان گذشته به آزادی هر وقت نمی‌گذارند.

و اگر امام از وقت معین همیشه عادتاً بدون عذر تأخیر کند و مقتدی ناراحت شوند حق اعتراض بلکه حق عزل امام از امامت دارند. اما اگر اتفاقاً یا به عذری گاهی تا مقدار پنج یا ده دقیقه تأخیر کند اشکال ندارد و در این صورت مقتدیها حق اعتراض ندارند.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم ۱۴۱٦ هـ ق

۱- مسائل امامت ص ۱۱۸ بحواله فتاوی رحیمیه: ۳۸۵/۴. حلبی کبیر ص ۴۰۳.

۲- مسائل امامت ص ۱۹۹ بحواله رحیمیه ص ۳۱۴/۴ و فتاوی هندیه: ۷۴/۱.

۳-کذا حققها فی احسن الفتاوی: ۳۰۱/۳.

نیّت اقتداء برای مقتدی شرط و لازمی است

الاستفتاء: مفتیان شرع در مورد این مسئله چه می‌فرمایند: اگر کسی قصداً یا به فراموشی به امام اقتداء نکرد، چطور است اگر در اثناء نماز متذکر شد که اقتداء نکرده است چکار بکند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش صحیح نمی‌شود و اگر در میان متذکر شد سلام گردانیده دو مرتبه نیت اقتداء کرده تکبیر گوید.

قال فی نور الایضاح و شرحه المراقی:

«و شروط صحة الاقتداء اربعة عشر شیئاً تقریباً نیة المقتدوی المتابقه مقارنة لتحریمته...»

و قال الطحطاوی:

«و لو نوی الاقتداء به لا غیر الاصح انه یجزیه و تنصرف الی الامام و ان لم یکن للمقتدی علم بهالانه جعل نفسه بتعاً للامام» (۱)

البته در نماز جمعه و عیدین نیة المتابعة شرط نیست در قول مختار چرا که آنها مختص به جماعت‌اند پس در آنها نیاز به نیت اقتداء نیست.

قال الطحطاوی:

«و نیة المتابعة شرط فی غیر جمعة و عید علی المختار...» (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم ۱۴۱٦ هـ ق

نحوه‌ی استخلاف و حکم انحراف سینه در این هنگام

الاستفتاء: در کتب فقه موجود است که اگر شخصی سینه‌اش از قبله بگردد نمازش باطل است. حالا اگر بر امام در اثناء نماز عذری پیش آمد و می‌خواست خلیفه بگیرد. الف) اگر خلیفه در یکی از گوشه‌های صف بود یا در صف دوم یا هر چند صف بودند،

۱- حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۱۷۲، الامامة.

۲- المرجع السابق ص ۱۷۳.

آیا همان جا برود و خلیفه را بفرستد؟ ب) خلیفه در چه حالتی بیاید؟ دست‌ها را باز کند یا در حالت بسته بیاید؟ ج) حال آنکه سینۀ امام از قبله می‌گردد، نماز مقتدیان بستگی به نماز امام دارد آیا خللی در نماز مقتدیان وارد می شود؟ د) خلیفه هنگام آمدن هم سینه‌اش از قبله می‌گردد، نمازش چطور می شود؟ ه) اگر امام نمی دانست که کدام شخصی را خلیفه بگیرد چکار بکند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آنجا نرود فقط به انگشت اشاره کند که بیاید، خلیفه دست بسته بیاید بهتر است و اگر دست بازکرده آمد هم رواست و اگر سینه امام یا خلیفه این وقت از قبله برگردد مفسد نماز نیست بنابر ضرورت شرعیه و آنجا که فاسد می شود ضرورت شرعیه نیست.

ه) اشاره کند اگر کسی آمد چه بهتر و او را خلیفه کند و اگر کسی نبود نماز را اعاده کنند.(1)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ محرم ۱۴۱٦ هـ ق

توضیح مسئله اقتداء عالم به امی

الاستفتاء: نماز عالم یا طالب العلم پشت سر کسی که قرآن مجید را اصلاً نخوانده و نمی داند البته چند سوره‌ای از قرآن مجید را از بر یادگرفته مثل تبلیغی‌ها و غیره چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همین تبلیغی و غیره که ده سورت یا کم و بیش یادگرفته است اگر آنها را از نظر تجوید صحیح می‌خواند چنان غلط نمی‌خواند که نماز فاسد گردد، پس نماز عالم و طالب پس پشت او رواست. واگر غلط می‌خواند به حدی که نماز فاسد یا مکروه تحریمه می‌گردد پس نمازشان در اقتداء به او روا نباشد چراکه نماز قاری پشت سر امی روا نیست. نزد ما احناف، امی آن است کـه قـرائت مـفروضه را صحیح نمی‌خواند نه آن که هیچ نخوانده است.

۱-کذا فی رد المحتار والرد: ۴۴۴/۱ الی ۴۴۵/۱.

قال فی الدر:

«و لا حافظ آیة من القرآن بغیر حافظ لها و هو الامی».

قال الشامی:

«قوله: (بغیر حافظها) شمل من یحفظها او اکثر منها لکن مفسد للمعنی لما فی البحر: الامی من لا یحسن القراءة المفروضة»[۱]

آری اگر امی به همین درجه هست که هیچ نمی‌داند یا می‌داند ولی چـنان غـلط می‌خواند که نماز فاسد یا مکروه می‌گردد، پس اگر پشت او عالمی و امی اقتداء کردند نماز همه نزد امام بزگ ـ ﷺ ـ فاسد می‌گردد و نزد صاحبین تنها نماز عالم فاسد می‌گردد.

قال فی الدر:

«واذا اقتدی امی و قاری بامی تفسد صلواة الکل»

و فی االرد:

«قوله (تفسد صلاة الکل) ای عنده و عندهما صلواة القاری فقط...»[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۷ رجب ۱۴۱٦ هـ ق

حکم نماز مقتدی که با امام خود رضایت ندارد

الاستفتاء: نماز مقتدی که با امام محلهٔ خود قهر است، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در امام عیبی شرعی نیست و او به امری دنیوی با امام قهر است پس در نماز امام خللی نیست البته چون او خودش عناد دارد ممکن است که در نماز مطمئن نباشد نمازش مکروه می‌گردد. و اگر امام عیبی شرعی دارد یا هـمان مقتدی به امامت از امام احق است پس برای امام در این صورت امامت آن مردمان مکروه می‌باشد.

قال فی الهندیة:

«رجل ام قوماً و هم له کارهون ان کانت الکراهة لفساد فیه اولا نهم احق بالامامة یکره له

۱- ردالمحتار: ۴۲۸/۱، الامامة.

۲- المرجع السابق: ۴۳۸/۱.

ذلک و ان کان هو احق بالامامة لا یکره کذا فی المحیط» [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۷ رجب ۱۴۱٦ هـ ق

حکم اقتداء به امام ساحر

الاستفتاء: نماز خواندن پشت ساحر و کسی که مردم را سحر می‌کند چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز پشت سر چنین ساحری که سحر او به حد کفر رسیده است جائز نیست و ساحری که سحر او به کفر نرسیده است در صورت وجود دیگر امام بهتری، امامتی وی مکروه است و اگر امامی غیر از او نیست اشکال ندارد.

باید دانست ارتکاب هر نوع سحر کفر نیست فقط همان سحر کفر است که در آن اهانت قرآن کریم یا اینکه کلمات کفرآمیزی در عملیات او دیده شود او **غیر ذالک من عملیات الکفریة.**

قال فی الشامی:

«للسحر فصول کثیر فی کتبهم فلیس کل ما یسمی سحراً کفراً اذ لیس التکفیر بـه یـترتب علیه من الضرر بل لما یقع به مما هو کفر کاعتقاد انفراد الکواکب بالربوبیة او اهانة قرآن او کلام مکفر و نخوذ الک» [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۳ محرم ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

امامت نابینا

الاستفتاء: مردی نابیناست و چشمهایش ضعیف هستند و به خوبی نمی‌تواند که راه مسجد را تشخیص بدهد مگر به راهنمایی شخصی دیگر. آیا پشت سر چنین اشخاصی

۱- الفتاوی الهندیه: ۴۵/۱.
۲- ردالمحتار: ۴۵/۱.

نماز خواندن جائز است یا نه؟ اگر جائز نیست آن نمازهایی که قبل از عدم علم به عدم جواز، به مردم داده است آیا آن نمازها را اعاده کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: امامتی نابینا مکروه تنزیهی است البته اگر نابینا از تمام افضل باشد و در مسائل واقفیت دارد هیچ نوع کراهیتی ندارد بلکه امامتی چنین نابینا افضل است.

قال العلامة ابن عابدین:

«قيد كراهة امامة الاعمى فى المحيط و غيره بان لا يكون افضل القوم فان كان افضلهم فهو اولى... لكن ورد فى الاعمى نص خاص هو استخلافه (صلى‌الله‌عليه‌وسلم) لابن ام مكتوم و عتبان على المدينة و كانا اعميين لانه لم يبق من الرجال من هو اصلح منهما و هذا هو المناسب لاطلاقهم و اقتصارهم على استثناء الاعمى اه و حاصله ان قوله الا ان يكون اعلم القوم، خاص بالاعمى» (۱)

از جواب واضح گشت که در صورت مسئوله اعاده کردن هیچ نماز لازم نمی‌گردد.

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ ربیع الاول ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: در محله‌ای حافظ و مولوی همه موجود است و مردم محله اگر پشت سر پیرمردی که زن ندارد و مزید کور است بدون عینک نمی‌تواند راه برود، نماز بخوانند آیا نماز اهل محله پشت این امام جائز است یا خیر؟ با وجودی که بسیاری از اهل محله به امامتی او راضی نیستند و آن حافظ و مولوی نماز خود را تنها می‌خوانند.

الجواب بسم ملهم الصواب: صاحب هدایه کراهیت امامت نابینا را دو وجه نوشته است.

یکی اینکه او نمی‌تواند از نجاسات خود را محفوظ دارد.

۱- ردالمحتار: ۵٦٠/۱ الامامة.

دوم اینکه: مردم از امامتی وی تنفر می‌کنند، اگر این دو وجه دیده نشـود و او از مسائل نماز واقف است امامتی وی بلاکراهیت روا است.

خلاصه‌ی کلام اینکه اگر غیر از نابینا دیگر امام اعلم و حافظ موجود است و مردم از امامتی وی متنفر هستند بهتر این است که این نابینا امام نباشد و اگر باشد مقتدی باید پشت وی اقتداء کنند نماز خواندن پشت او از تنها خواندن افضل است.

قال فی الهدایة:

«و یکره تقدیم العبد والاعمی لانه لا یتوقی النجاسة... و لان فـی تـقدیم هـؤلاء تـنفیر الجماعة فیکره» [۱]

و فی الرد:

«قید کراهة امامة الاعمی فی المحیط و غیره بان لا یکون افضل القوم فان کان افضلهم فهو اولی... لکن ورد فی الاعمی نص خاص هو استخلافه علیه السلام لابن ام مکتوم و عتبان علی المدینة و کانا اجمعین لانه لم یبق من الرجال من هو اصلح منهما»[۲]

اما آنچه در سوال مذکور است که بعضی اهل محله به امامتی وی ناراضی هستند.

اقول: در کتب فقه نوشته است که اگر امام نقص و عیب و خلل نـدارد نـاراحـتی مقتدیها در نماز هیچ اثر نمی‌کند بلکه نماز امام بلاکراهـیت درست است و گـناه بـر مقتدیان عائد می‌گردد و اگر در امام نقص و عیب هست به علت همان نقص و عیب مقتدی از او ناخوش‌اند در این صورت مؤاخذه بر امام است و برای وی امامتی مکروه است و مورد حدیث (**من ام قوماً...**) همین امام مراد است.

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارلافتاء منبع‌العلوم

۱۸ جمادی الاول ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

امامت شخصی که رفتار و اعمال ناشایسته‌ای دارد

الاستفتاء: در مورد امام جماعت پنجگانه و جمعه و عیدین که اعمالش به اینطور می‌رسد: مغازه‌ای اجاره نموده صاحبش حتی به خدا مـتوسل شـده کـه تـخلیه کـن،

۱- هدایة: ۱۱۰/۱.

۲- ردالمحتار: ۵۶۰/۱ الامامة.

نمی‌کند حتی کرایه را برابر بقیه نمی دهد و مغازه‌ی خود را به بیشتر از این به کرایه داده، به مغازه خودش نمی‌رود. صاحبش می‌گوید لازم دارم یا می‌فروشم. می‌گوید خودم می‌خرم. صاحب می‌گوید همانطور که خریدند، بخر. می‌گوید من از آن قیمت کمتر می‌خرم و هم قسطی در صورتی که بقیه نقد می‌خرند. در مورد ادعاء و مدعا با کسی شدیداً پافشاری می‌کند، صالح نیست، چه می‌فرمائید؟ آیا پشت این امام نماز صحیح است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: امامی که دارای چنین افعال نادرست می‌باشد امامتی چنین اشخاص مکروه است اگر دیگر امام اولی‌تر موجود است چنین اشخاص امام کرده نشوند و اگر دیگر نیست از تنها خواندن پشت اینها بخواند بهتر است.

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارلافتاء منبع‌العلوم.

۴ محرم ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نماز خواندن پشت سر شخصی که اتهام می‌بندد

الاستفتاء: اگر کسی بر عالمی که حافظ و قاری است بهتان زد و بعد از بهتان بستن اعتراف نمود که من به دروغ بهتان بستم، آیا به چنین افرادی اقتداء صحیح است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این عمل فسق وگناه کبیره است. در حدیث شریف آمده است: «**سباب المسلم فسوق**» و امامت فاسق مکروه است بنابراین اقتداء به چنین افراد مکروه است و اینها اهلیت امامت ندارند. [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارلافتاء منبع‌العلوم

۱۴ ربیع الاول ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱-کذا فی ردالمحتار: ٥٦٠/١، الامامة فتاوی دارالعلوم دیوبند: ١٤٠/٣. فتاوی محمودیه: ٢٤٢/١٦ و ٢٤٨. فتاوی مفتی محمود: ٦٥/٢.

اقتداء به ملایی که با کاهن همکاری می‌کند

الاستفتاء: ملایی که باکاهن همراه است و تعویذ به او می دهد تاکاهن بفروشد و پول را نصف می‌کند، آیا پشت سر این ملا نماز اداء می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز پشت سر چنین ملا مکروه است. **کذا فی کتب الفقه**

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارلافتاء منبع‌العلوم.

۱۴ ربیع الاول ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اعاده‌ی نمازی که با جماعت ثانیه خوانده شد، لازمی نیست

الاستفتاء: اگر در یک مسجد دوبار جماعت قائم کردند، آیا جماعت ثانیه نماز خود را برگرداند یا نه؟ شاید نفهمیدند وگذاشتند.

الجواب بسم ملهم الصواب: جماعت ثانیه که کرده‌اند برگردانیدن نماز لازم نیست ولی به قائم کردن جماعت ثانیه بعد جماعت اولی بد کرده‌اند.

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ذیقعده ۱۳۸۹ هـ ق

اقتداء از پائین به امامی که در بالای مسجد قرار دارد

الاستفتاء: اگر امام با جماعتی بالای مسجد است و چندی دیگر در زیر اقتداء کنند آیا جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت اگر چیزی مردم در مکانی که امام است اقتداء کرده‌اند و چیزی بر بالای مسجد یا زیر مسجد باشند جائز است و مکروه نیست و اگر فقط امام تنها و اونها هم تنهااند مکروه است در صورتی که حال امام به ایشان

مشتبه نشود و اگر مشتبه شود نماز جائز نیست.[۱]

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
٢٦ ذیقعده ١٣٨٩ هـ ق

تکرار جماعت در مسجدی که امام و جماعت معین دارد

الاستفتاء: در مساجد محله که امام و جماعت معین دارند، تکرار جماعت چه حکم دارد؟ جائز است یا ناجائز یا مکروه؟ بعضی می‌گویند که جائز است بلاکراهیت و از عبارات مندرجه ذیل استدلال می‌گیرند، عبارت نقل است از کتاب فقه علیٰ مذاهب الاربعة جزء اول قسم العبادات ص ۴۳۶ «**قالو لا یکره تکرار الجماعة فی مساجد الطریق. و هی مالیس لها امام و جماعة معینون. و اما مساجد المحلة و هی مالها امام جماعة معینون فلا یکره تکرار الجماعة فیعا ایضاً ان کانت علی غیر الهیئة الاولی، کما صلیت الاولی فی المحراب والثانیة صلیت بعد ذالک**»

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله چند صورت وجود دارد: اول اینکه در مسجد محله غیر اهل مسجد اولاً جماعت کردند.

دوم اینکه اهل محله به غیر اذان و اقامت نماز خواندند.

سوم اینکه مسجد بر سر طریق و راه است.

چهارم اینکه در آن مسجد، امام و مؤذن معین نیست.

پنجم اینکه مسجد محله است و امام و مؤذن مقرر با جماعت اولی و اذان نماز خواندند.

پس در چهار صورت اولی به اتفاق جماعت دوم جائز بلکه اولی است البته در صورت پنجم اگر به هیئت اولی نیست نزد امام ابویوسف ـ ﷺ ـ از حنیفه، مکروه نیست و نزد امام همام، صاحب مذهب، امام اعظم صاحب در ظاهر روایة، مکروه است. البته در روایتی از امام ـ ﷺ ـ اگر مقتدی یکی تا سه باشند جائز. و اگر زیاده باشند مکروه است. و در این صورت اگر قول امام و ابویوسف ـ ﷺ ـ را متعارض بگوئیم قول امام به

۱-کذا فی الشامیة: ٥٦٨/١، الامامة و ٦٤٧، مکروهات الصلاة.

دلیل نقل و عقل هر دو قوی‌تر است از قول ابویوسف ـ﵀ ـزیراکه در حدیث طبرانی و اوسط از ابوبکر روایت است که پیغمبر ـ ﷺ ـ از یک طرف مدینه در مسجد رسید و مردم نماز خوانده بودند در خانه رفته و با اهل خود جماعت کردند، اگر مکروه نمی‌بود مسجد را ترک نمی‌کردند. حضرت فاروق ـ﵁ ـ تکرار جماعت را منع می‌فرمودند، چنانچه در طحاوی از روایت نخعی ـ﵀ ـموجود است و روایت انس ـ﵁ ـکه تکرار کرد، بر مسجد طریق محمولست.

و روایت صحابی متصدق، محمول بر اقتدای متنفل خلف مفترض است نه مفترض خلف مفترض.

و آنچه از روایت کتاب الفقه نقل کرده‌اید به کتاب مذکور مراجعه کردم در ص ۴۳۶. قول ابویوسف است که جواب و حالش را بالا نوشتم و دلیل عقلی امام صاحب در شامی هم موجود است و اگر روایت امام و ابویوسف ـ﵀ ـرا تطبیق دهیم هم نتیجه این برمی آید که امام صاحب مثبت کراهیت تنزیهیه هستند و ابویوسف ـ﵀ ـنافی کراهیت تحریمیه و صرفاً جواز را قائل‌اند مع الکراهة التنزیهیه پس ثوابی در این جماعت نماند.[1]

مشوره: چون در مسئله مورد بحث اختلاف هست اگر کسی کرد به او دست گریبان نشوند خصوصاً کسانی که پایبند جماعت بودند و ناگهان از آن ماندند.

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ جمادی الاول ۱۳۹٦ هـ ق

ترک جماعت برای مزدور جایز نیست

الاستفتاء:ترک جماعت برای مزدور که آقای او را ارفاق نکند جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز نیست اگر او را نمی‌گذارد آن مزدوری را ترک کردن

۱-کذا فی الشامیة: ۲۹۱/۱ و ۴۰۹ و امداد الفتاوی: ۲۲۸/۱ تا ۲۳۴ و فتاوی رشیدیه ۲۹۴ و ۲۸۹ و ۲۹۵ و فتاوی دارالعلوم دیوبند ۱۱۴/۱ و ۱۲۰ و ۱۲۴.

واجب است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
۸ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

ترک جماعت برای معذور

الاستفتاء: برای مریضی که انفلات ریح یا سلسل بول دارد و می‌ترسد اگر به جماعت برود در عین نماز عذرش ظهور کند او را ترک جماعت جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است و او را تنها خواندن ثواب جماعت می‌رسد.[۲]

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
۸ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

ترک جماعت به خاطر تکمیل خواهش زن

الاستفتاء: برای تکمیل خواهش زن ترک جماعت جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز نیست. البته اگر شوهر را این قدر تمایل باشد که در نماز خلل افتد، جائز است.[۳]

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
۸ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

نحوه‌ی پر کردن خلاء صفوف به علت نقص وضوی فردی که از صف بیرون می‌رود

الاستفتاء: اگر کسی وضویش شکست و از صف بیرون رفت، آن خلأ صف چگونه پر کرده شود؟

۱- احسن الفتاوی: ۲۸۲/۳.
۲- ردالمحتار: ۵۵۵/۱. حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۱٦۳.
۳- احسن الفتاوی: ۲۹۲/۳.

الجواب بسم ملهم الصواب: بر شخصی از صف عقبی واجب است که جلو رفته آن خلأ را پر کند اگر نکرد از صف دوم یا سوم یکی برود.(۱)

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم ۱۴۱۸ هـ ق

حکم جماعت زنان / فوت کردن در مسجد

الاستفتاء: جماعت زنان چطور است؟ یعنی نماز خواندنشان با جماعت. و اگر کسی در مسجد بمیرد چطور است؟ شهید است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر مقصد شما این است که جماعت زنان بـا هـمدیگر چطور است، پس این مکروه است.(۲) و اگر مقصد شما این است در مسجد به جماعت نماز بخوانند، این هم مکروه است به کراهیت تحریمی، به جماعت نیاید در خانه نماز بخواند.(۳)

و مُردن در مسجد شهادت نیست.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ شوال ۱۴۱۰ هـ ق

شرکت کردن زنان به نماز تراویح در مساجد

الاستفتاء: اگر زنان بزرگسال که عمر ایشان به ۲۵ الی ۳۰ سال و بالاتر از آن بوده و خودشان به علت اینکه نماز تراویح را نمی‌توانند بخوانند درخواست می‌کنند که امام صاحب به ما اجازه بدهید تا در ماه مبارک رمضان ما فقط نماز عشاء با تراویح را با شما بخوانیم، و اگر جائز است این زنان خارج از مسجد یک جای در نظر بگیرند که یک الی نیم متر از مسجد پائین‌تر باشد چطور است؟

۱–احسن الفتاوی: ۲۹۷/۳.

۲–کذا فی ردالمحتار: ۵٦۵/۱، الامامة. ردالمحتار: ۵٦٦/۱.

۳–احسن الفتاوی: ۳۸۳/۱. فتاوی دارالعلوم دیوبند (حصۀ عزیز الفتاوی):۱ و۱۲۳/۲.

الجواب بسم ملهم الصواب: شرکت زنان مطلقاً در این زمانه به جماعت مسجد مکروه تحریمه است، مساویست که جوانه باشند یا پیر سالخورده، و مساویست که جماعت پنجگانه باشد یا جمعه یا عید یا تراویح، با پرده باشند یا بی‌پرده، جدا از مـردان در مکانی دیگر باشند یا نه.

قال فی الدر:

«و یکره حضورهن الجماعة و لو لجمعة و عید و وعظ مـطلقاً و لو عـجوزاً لیـلاً عـلی المذهب المفتی به لفساد الزمان».

قال الشامی نقلاً عن النهر:

«کان المنع فیها اظهر من الظهر»[1]

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
۲۱ شوال ۱۴۱۱ هـ ق

توضیح مسئله جماعت دوم در یک مسجد

الاستفتاء: در یک مسجد دو مرتبه نمازگزاردن با جماعت شرعاً چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صورت‌های تکرار جماعت مختلف‌اند و حکم آنها هم مختلف است لهذا حکم هر یکی جداگانه نوشته می‌شود.

(۱) مسجد بر سر راه باشد که امام معین ندارد. (۲) در آن مسجد امام و مؤذن مقرر نباشد.

(۳) در مسجد محله غیر اهل محله قبلاً امامت کردند. (۴) در مسجد محله اهـل محله بلا اذان و اعلان اذان جماعت اولی کردند.

در این هر چهار صورت تکرار جماعت ولو اینکه به تکرار اذان و اقامت باشد بالا جماع جائز بلکه افضل است.

(۵) در مسجد محله اهل محله همراه اذان جماعت اولی کرده‌اند و تکرار جماعت دوم را هم همراه اذان دوم کردند.

۱- ردالمحتار ۵٦٦/۱. وکذا فی احسن الفتاوی: ۲۸۳/۱. عزیزالفتاوی: ۱و۱۲۳/۲.

(۶) در صورت مذکوره تکرار جماعت بدون اذان باشد، ولی جماعت بر هیئت اولی باشد یعنی **عدول عن المحراب** نباشد. در این هر دو صورت جماعت ثانیه به اتفاق ائمه مکروه تحریمی است.

(۷) در همین صورت مذکوره، جماعت ثانیه به هیئت اولی نباشد، بلکه **عدول عن المحراب** باشد و امام وسط مسجد مقابل محراب هم نباشد، فقط در این صورت واحده، شیخین در کراهت آن اختلاف دارند. تفصیل مسئله در ردالمحتار شامی، باب الامامة، جلد اول و ترجمه‌اش همین است.[1]

صورت تطبیق در قول شیخین: حضرت امام همام ـ ﷬ ـ مثبت کراهت تنزیهی هست و حضرت امام ابویوسف ـ ﷬ ـ نافی کراهت تحریمی.

یعنی در تکرار جماعت در صورت مختلف فیها، نزد امام بزرگ کراهت تنزیهی هست ولو اینکه **عدول عن المحراب** دیده شود، و نزد امام دوم مکروه نیست ولی ثواب هم ندارد.

و در ترک جماعت ثانیه نزد امام بزرگ ثواب می‌رسد، و نزد امام دوم حرمان عن الثواب نیست.

از این وجه در این صورت هم ترک جماعت اولی شد، چرا که در تکرار فائده نیست، بلکه احتمال کراهت است. و در ترک تکرار هیچ نقصانی نیست، بلکه امید ثواب هست.

این همه تحقیق مسئله فی نفسها هست وگرنه در تکرار جماعت مفاسد خارجیه بسیار هست. خصوصاً در این زمان پرفتن و تکاسل در جماعت، امید است که اگر این مفاسد در زمان حضرت امام دوم در جلو او پیش می‌آمدند، هرگز اجازت تکرار نمی‌دادند. نزد احقر قول حضرت امام همام ـ ﷬ ـ راجح است.

اگر این امر جائز و ادامه داده شود مفاسد زیر جمع و به وجود خواهند آمد:

(۱) مخالفت طریق عمل جناب رسول الله ـ ﷺ ـ و خلفاء و صحابهٔ او ـ ﷡ ـ لازم می‌آید.

۱- ردالمحتار: ۵۵۳/۱.

(۲) تقلیل و تهاون در جماعت اولی پیدا می‌گردد.
(۳) در نفس جماعت تهاون پیدا می‌گردد و اهمیت آن از بین می‌رود.
(۴) از تخلف جماعت اولی گناه شدید لازم می‌آید.
(۵) صورت افتراق بین اهل محله پیدا می‌شود.

والله اعلم و علمه اتم محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ جمادی الاول ۱۴۱۲ هـ ق

شرکت زنان در نمازهای پنجگانه و جمعه

الاستفتاء: رفتن زنان به مساجد برای ادای نمازهای پنجگانه و جمعه که در طبقه بالای مسجد نماز می‌خوانند از نظر شرع و اقوال فقهاء، چه حیثیت دارد؟ مسئله را مدللاً توضیح فرمایید.

الجواب بسم ملهم الصواب: رفتن زنان برای جماعت و جمعه و اعیاد و مجالس وعظ و استسقاء و تبلیغ، در این زمان پرفتن مطلقاً مکروه تحریمه است برابر است که زن جوانه باشد، یا سالخورده در نمازهای روز باشد یا شب. بلکه تا حدودی که ممکن باشد باید زن در مکانی مخفی و پوشیده نماز اداکند و تبلیغ و وعظ گوش کند برای او فضیلت و ثوابش بیشتر است حتی که برای زن برای جماعت در بیت الحرام و مسجد نبوی - ﷺ - در این دور پرفتن رفتن مکروه تحریمه است.

به دلیل قوله تعالی: ﴿**و قرن فی بیوتکن**﴾ و قال: **(صلی الله علیه و سلم) صلواتها فی قعر بیتها افضل من صلواتها فی صحن دارها و صلواتها فی صحن دارها افضل من صلواتها فی مسجد و بیوتهن خیر لهن) و لانه لا یؤمن الفتنة من خروجهن اطلقه فشمل الشابة والعجوز والصلواة النهارية والليلية. قال المصنف فی الکافی: والفتوی الیوم علی الکراهة فی الصلواة کلها لظهور الفساد.**

و متی کره حضور المسجد للصلواة فلان یکره حضور مجالس الوعظ خصوصاً عند هؤلاء الجهال الذین تحلوا بحیلة العلماء اولی ذکر فخر الاسلام اه و فی فتح القدیر المعتمد منع الکل فی

الکل...»[۱]

و در منحة الخالق از علامه شامی بر حاشیۀ بحرالرائق می‌فرماید:

«کان المنع فیها اظهر من الظهر و اذا منعت عن حضور الجماعة فمنعها من حضور الوعظ والاستسقاء اولی»[۲]

و قال العینی ـ رحمه الله ـ فی البنایة شرح الهدایة:

«قلت المراد من الکراهة التحریم لاسیما فی هذا الزمان لفساد اهله.... اما فی زماننا فیکره خروج النساء فی الجماعة لغلبة الفسق والفساد.»

(الی ان قال): «فعند ذالک یمنعن عن الخروج الی جمیع الصلواة نظر الی ذالک.... و کان ابن عمر ـ رضی الله عنه ـ یحسب النساء یوم الجمعة و یخرجهن من المسجد و قال ابوعمر والشیبانی حلف ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ حلفة فبالغ فی الیمین ما صلت امرأة احب الی الله من صلواتها فی بیتها الا فی حج او عمرة. و عن ام سلمة ـ رضی الله عنها ـ انه علیه السلام قال خیر مساجد النساء قعر بیتهن. رواه احمد»[۳]

و از این دلایل این هم ثابت شد که برای زنان خروج به جماعت تبلیغی، اگر چه با برقعه و محرم و احتیاط باشد هم حرام است هم چنانکه از فتاوی رحیمیه می‌آید.

علامه فخرالدین الزیلعی ـ رحمه الله ـ در شرح کنز می‌فرماید:

«والمختار فی زماننا المنع فی الجمیع لغیر الزمان و لهذا قالت عائشه ـ رضی الله عنها ـ لوان رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ رأی من النساء ما رأینا لمنعهن من المسجد کما منعت بنو اسرائیل نساءها. و النساء احدثن الزینة والطیب و لبس الحلی و لهذا منعهن عمر ـ رضی الله عنه ـ و لا ینکر تغیر الاحکام لتغیر الزمان»[۴]

امام ابوبکر علاءالدین ملک العلماء الکاسانی در بدائع الصنائع می‌فرماید:

«و اما المرأة لانها مشغولة بخدمة الزوج ممنوعة عن الخروج الی محافل الرجال لکون

۱- البحر الرائق: ۳۸۰/۱.
۲-نفس المرجع السابق، نقلاً عن النهر.
۳- البنایة: ۷۳۹/۱ و ۷۴۰.
۴- تبیین الحقائق: ۱۴۰/۱ و مثله فی حاشیة للامام العلامة الشیخ الشبلی ـ رحمه الله ـ ۱۴۰/۱ و مثله فی فتح القدیر شرح الهدایة: ۲۵۹/۱ و مثله فی حاشیة الفتح اعنی العنایة لعلامة البابرتی: ۲۵٦/۱ و قربیه فی الجوهرة النیره شرح القدوری: ۷۲/۱.

الخروج سبباً للفتنة و لهذا لا جماعة عليهن و لا جمعة عليهن ايضاً والد ليل انه لا جمعة على هؤلاء ماروى عن جابر ـ رضی الله عنه ـ عن رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ انه قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه الجمعة الا مسافراً او مملوكاً او صبياً او امرأة او مريضاً، الحديث»(۱)

حضرت شیخ حسن شربنلالی ـ رحمه الله ـ در مراقی الفلاح شرح نور الایضاح می‌فرماید:

«و لا يحضرن الجماعات لما فيه من الفتنة والمخالفة»

و قال الشيخ الطحطاوی ـ رحمه الله ـ:

«لقوله ـ صلی الله علیه وسلم ـ صلواة المرأة فی بيتها افضل من صلاتها فی حجرتها و صلواتها فی مخدعها افضل من صلواتها فی بيتها... فالا فضل لها ما كان استرلها لا فرق لها بين الفرائض و غيرها كالتراويح...(المخالفة) ای مخالفة الامر لان الله تعالی امرهن بالقرار فی البيوت فقال تعالی و قرن فی بيوتكن، و قال ـ صلی الله علیه وسلم ـ بيوتهن خير لهن لو كن يعلمن»(۲)

و فی الدر والتنویر:

«و يكره حضورهن الجماعة ولو لجمعة و عيد و وعظ مطلقاً ولو عجوز ليلاً على المذهب المفتى به لفساد الزمان» و مثله فی حاشية للعلامة السيد محمد امين ابن عابدين الشامی (رحمه‌الله تعالی)»(۳)

و در تمام متون فقه احناف از اول گرفته تا آخر این حکم مصرحست ، و همین طور در تمام فتاواهای احناف این حکم واضح و روشن است برای نمونه چند حواله تحریر می شود.

حضرت مفتی دیار الهند والعرب ـ رحمه الله ـ در کفایت المفتی می‌فرماید:

حنیفه کی نزدیک عورتون کی جماعت مکروه هی(۴)

اگر چه اینجا ذکر جماعت زنان با همدیگر است ولی در همین کتاب ذکر رفتن آنها به جماعت هم موجود است(۵)

۱- حاشيد الطحطاوی علی المراقی ص ۱۸۲ و قريبه فی المبسوط للامام شمس الائمة السرخسی ـ رحمه الله ـ من الجلد للاول و قريبه فی الفتاوی التاتار خانية:٦٢٨/١.

۲- حاشية الطحطاوی علی المراقی ص ۱۸۲. ۳- ردالمحتار: ٥٦٦/١، الامامة.

۴- ۳ / ۱۰۱.

۵- هكذا در فتاوی دارالعلوم ديوبند عزيز الفتاوی ۱و۱۲۳/۲. و هكذا در احسن الفتاوی ۲۸۳/۳.

و حضرت حافظ و قاری مفتی سید عبدالرحیم لاجپوری راندیری ـ ﷬ ـ در فتاوی رحیمیه می‌فرماید در جواب این سؤال:

سؤال: بعضی جگهون پرمتولی امام عالم یا مسلمان مسجد مین عورتون کی لئی فرض تراویح کی جماعت کا انتظام کرتی هیی اور بعض اوقات رات کویادن کو محرم کی ساته یا بلامحرم کی دور دراز سی عورتون مسجد مین آکر جماعت سی الگ جگه مین نماز پرط هتی وه استدلال کرتی هین که مکه مین مسجد حرام مین جماعت سی پرط هتی هین عورتون اور مرد ساته نماز پرط هتی هیی اور آن حضرت ـ ﷺ ـ که زمانی مین عورتین مسجد مین جماعت سی نماز پرط هتی تهین مذکوره حقیقت صحیح هی تو کیون نهیی آتین بحواله کتب جواب عنایت کرین.

جواب: عورتون کی لئی جها تک ممکن هو مخفی مقام پر اور چهپ کر نماز پرط هتی مین زیاده فضیلت اور ثواب هی، رسول الله ـ ﷺ ـ فرماتی هین که ایک خاتون بیت کمره مین نماز پرط یه صحن کی نماز سی بهتر هبی اور کمره کی اندر چهوطی کوطهری بخاری مین نماز پرط هی یه کمره کی نماز سی بهتر هی. **عن النبی ـ ﷺ ـ قال:**

صلاة المرأة فی بیتها افضل من صلواتها فی حجرتها و صلواتها فی مخدعها افضل من صلواتها فی بیتها. (ابوداود: ۹۱/۱)

ایک حدیث مین هی که عورتون کو جماعت سی نماز پرط هنی کی بجائی اکیلی نماز پرط هنی مین پچیس درجه زیاده ثواب ملتاهی (مسندالفردوس)

بی شک آن حضرت ـ ﷺ ـ کی دور مبارک مین خواتین کو مسجد مین حاضر هونی اور نماز پرط هنی کی اجازت تهی کیونکه رحمة للعالمین موجودتهی تعلیمات کاسلسله جاری تها احکام نازل هور هی تهی. وه دور مقدس تهاجس کو خیر القرون فرما یاگیاهی یه دور ختم هونی لگا تو رابیان پیدا هونی لگیی چنانچه حضرت عمر ـ ﷛ ـ نی عورتون کو مسجد مین جانی سی منع فرما یا اس کی شکایت حضرت عائشه ـ ﷞ ـ سی کی گئی تو سیده عائشه صدیقه رضی الله عنها نی فرما یا اگر آن حضرت ـ ﷺ ـ یه حالت دیکتهی جو حضرت عمر نی دیکهی هی تو عورتون کو مسجد مین آنی کی اجازت نه دیتی. **ان عائشه ـ ﷞ ـ زوج النبی ـ ﷺ ـ قالت:**

لو ادرک ما احدث النساء لمنعهن المسجد کما منعه نساء بنی اسرائیل (ابو داود: ۹۱/۱)

ان وجوهات کی بنا پر حضرات فقهاء کرام نی بهی فتوی یا که عورتون کو مسجد مین جانا مکروه هی خواه پنج وقته نماز ون کی جماعت کی لئی جائیی یا جمعه اور عید کی نماز کیلئی یا مجلس وعظ مین شرکت کرنی کی لئی. و یکره حضورهن الجماعة و لو لجمعة و عید و وعظ مطلقاً ولو عجوزاً لیلاً علی المذهب المفتی به لفساد الزمان[۱]

یه حکم عام هی حرم شریف هو یا مسجد نبوی هو. هندوستان هو یا عربستان سب کیلئی هی حکم هی.[۲] و هم چنین در کتاب مذکور در جواب این سؤال می‌نویسد:

سؤال: عورتون کو برقع اور کو مسجد میی نماز کی لئی جانا هی یا نهیی.

جواب: آن حضرت ـ ﷺ ـ کی مبارک زمانه مین عورتون کو مسجد میی جانی کی اجازت تهی اور ساتهـ‌بی یه ارشاد بهی تها که بیوتهن خیرلهن.

یعنی ان کی گهران کی لئی مسجد سی بهتر هی (مشکواة ص ۹۶)

ام حمید ایک جان نثار خاتون نی عرض کیا که یا رسول الله ـ ﷺ ـ مجهی آپ کی پیچهی نماز پرط هنی کابهت شوق هی. آپ نی فرمایاکه تم ٹهیک کهتی هو لیکن تماری لئی بندکو طهری مینی نماز پرط هنا صحن کی نماز سی بهتر هی اور صحن کی نماز برآمده کی نماز سی بهتر هی اور محله کی مسجد نماز هماری مسجد یعنی مسجد نبوی مین آکر پرهنی سی اس کی بعد ام حمید نماز کی لئی اند هیوی کو لهری متعین کرلی اور وفات تک و هیی نماز پرط هتی رهی مسجد مین نهیی گیئی (تزغیب ج ۱ ص ۱۸۰)

جب حضرت عمر ـ رضی الله عنه ـ کادور آیا اور عورتون کی حالت مین تبدیلی عمده پوشاک زیب وزینت اور خوشبو کا استعمال و غیره دیکهر آپ نی ان عورتون کوجو مسجد مین آتی تهیی روکدیا تو تمام صحابه کرام نی اس بات کو پسند کیا کسی نی خلاف نهیی کیا، البته بعضی عورتون نی حضرت عائشه صدیقه ـ رضی الله عنها ـ سی اس شکایت کی تو حضرت صدیقه نی بهی فیصلهٔ فاروقی سی اتفاق کرتی هوئی فرما یا اگر حضور اکرم ـ

۱- ردالمختار مع طحطاوی ۳۸۳/۱ و ۳۸۴. ۲- فتاوی رحیمیه: ۱۷۱/۱ الی ۱۷۳.

ﷺ ـ نی ان چیز ون کود یکتهی جواب عورتون مین نظر آتی هی تو آن حضرت ـ ﷺ ـ بهی ضرور عورتون کو مسجد مین آنی سی منع فرماتی (صحیح بخاری شریف و مسلم شریف)

حضرت عمر جمعه کی روز کهرطی هو کر عورتون کی کنکریان مـاتی اور ان کـو مسجد سی نکالتی (عینی شرح بخاری) [1]

حالا ما و شما فکر کنیم که این حالت منع و تاکید و تهدید زنان از زبان گرامی آن حضرت ـ ﷺ ـ و خلفاء و صحابۀ او و آن هم در دوره‌ی خیرالقرون و نزول وحی و در زمانی که شرم و حیاء و تقوای زنان به مرتبۀ عالیه بود این گفت و شنید شده بود.

حالا قیاس کن زگلستان من بهار مرا، در زمان ما که پرفتن و همه شر و فساد برملا و زنها خود بهانه جو، چگونه غیرت ایمانی مرد مؤمن برداشت می‌کند که زن را به مسجد به جماعت یا جمعه یا عید یا تراویح، و بدتر از این همه ان که به صورت جـماعت تبلیغی روستا به روستا و شهر به شهر بگردد و بهانه برقع و محرم را بکند، جواب برقع و محرم را بالا دیدید.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ ذیحجه ۱۴۱۲ هـ ق

استیضاح از مسئله فوق و جواب آن

الاستیضاح: خدمت مخدومی حضرت صاحب السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، اما بعد؛ اینکه فتوایی که در تاریخ ۲۸ ذیحجه. ۱۴۱۲ هـ ق در مورد رفتن و شرکت زنان در مساجد برای ادای نماز و یادگرفتن مسائل عقیدتی و غیره نوشته بودید و دلائلی که در ذیل آن شرح داده بودید مسلم‌اند لیکن اگر کسی بگوید: رفتن و شرکت کردن زنان در مجامع و مجالس دینی جائز است به دلیل این که این زمان جنگ فرهنگی است و این مسئله متفق علیه است که اگر کفار بر شهری از شهرهای مسلمین حمله کردند زنان هم اجازه‌ی خروج جهت دفاع را دارند بلکه برای زنان خروج واجب می‌گردد بنابراین الآن

۱- فتاوی رحیمیه: ۲۳۱/۱.

که جنگ فرهنگی است و علوم و تبلیغات غیر مذهبی درکشور چنان افشاء شده و دارد می‌شود، اگر زنان اجازه‌ی رفتن در مجامع تعلیم و وعظ داده نشوند تبلیغات غیر مذهبی چنان بر مردم مؤثر می‌گردند که از مذهب خویش بی‌خبر شده حتی مجبور شده می‌گویند: مذهبی که تعلیم اسلام را برای مردان منحصر کرده و زنان را چنان چیزی حقیر فهمیده که آنهارا به خروج جهت تعلیم گرفتن دین و افشاء آن بین زنان دیگر، اجازه نمی‌دهد (العیاذبالله) آن را نخواهیم پذیرفت پس این منعشان از تعلیم گرفتن باعث شده مردم از مقتدایان دوری می‌جویند. و آن‌که حضرت عمر ـ رضی الله عنه ـ زنان را از حضور در مسجد جهت گوش وعظ و خواندن نماز منع کزده است گرچه سببش فساد اهل زمانه بوده است لیکن از جهتی دیگر بنگریم خواهیم یافت که در آن زمان حکومت اسلامی بوده بنابراین توانسته است اسبابی دیگر غیر از جمع شدنشان در مساجد جهت تعلیم دادن زنان آماده بکند اما در این زمان این امر مشکل است. لذا گرچه به مکروهیت آن اجماع شده است ولی به خاطر وجود ضرورت مذکوره جائز قرار داده شود، در جوابش چه باید گفت؟ و آیا حکم‌های شرعی مقدس چه منصوص باشند یا چه غیر منصوص تا چه حدی طبق مقتضای زمان تغییر داده شوند شرعاً؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این سوال ناشی از عدم تدبر در امر دین است. این سوال را کسی مطرح می‌کند که در امر دین بی‌لگام و آزاد خیال است و امور اسلام و شریعت مقدسه را بازیچهٔ اطفال و چو مطرب که هر روز در خانه‌ایست تصور کرده است.

پری نهفتهٔ رخ و دیو در کرشمهٔ و ناز فتاده عقل به حیرت که این چه بوالعجبی است

اولاً یک تمهید عرض کرده شده، بر آن تدبر شود، مشکلات حل می‌گردند.

(الف) اسلام و شریعت دینی مستحکم الاصول والقواعد است که برای هر قرن و زمان و احکام آن یکسان نمایان می‌گردد.

(ب) مسائل منصوصه‌ی آن صاف و روشن‌اند در آنها بنابر خاطرداری یک فرد یا قومی و یا ضد قوم و فردی، تبدیل کرده نمی‌شود و به احوال زمان اصول مسلمه آن تغییر نمی‌خورد.

(ج) اگر به اعتبار تغییر از منه و احوالات سیاست‌های شرعیه متغیر گردند آن وقت

هم لازم است که تبدیلی و تغییر آن در ما تحتی مذهب باشد نه د رما تحتی عقل سقیم. اعنی همان مقدر اجتهاد و تغییر در اصول گنجائش دارد که اصل مذهب اجازت دهد نه هر چه که ثمرهٔی عقل پوچ و ساختهٔ ذهن زید و بکر باشد چرا که مذهب عین سیاست شرعیه و عکس آن است.

(د) اگر چه این یک قاعده اصل است «**المشقة تجلب التسیر**» و نیز «**الضرورات بتیح المحظورات**».

اما این هم یک اصول و قاعده است: «**دفع المضرة اولی من جلب المنفعة**» و نیز: «**الضرورات تقدر بقدر الضرورة**» هر یکی از این قواعد را به جای خود باید نهاد، کور کورانه نباید رفت.

(ه) معیار حق عقل نیست بلکه معیار حق شریعت مقدسه است.

بعد از توجه به این تمهید باید دانست که تعلیم و تبلیغ و شنیدن مواعظ هم اصول شرعی دارد و آن از نظر قرآن و حدیث و فقه این است: زنان اگر کوچک‌اند می توانند که در مدارس دینی عقائد و فرائض و احکام را بخوانند و از مذاهب خود آگاه شوند و اگر در کوچکی متوجه نشدند بعد از بلوغ بر آنها حکم ستر به درجهٔ فرض و وجوب عائد می‌گردد. و چون این فرض مهمی است به طوری که منکر وجوب و فرضیت ستر کافر می‌گردد، پس این وقت ملاحظهٔ دو امر بر زن لازم آمد. یکی ستر دوم تعلیم عقائد و فرائض مذهبی. پس در هر دو مقام که این هر دو جمع شوند پس نور علی نور است یعنی محرمش یا شوهرش یا زنی مثل او او را تعلیم و تبلیغ و مواعظ دینی کند.

و اگر جائی امکان ندارد پس لازم است که احکام فرض و واجب مذهبی را با ملاحظهٔ ستر پیش عالمی معتمد و مبلغی معتبر و واعظی متقی پس پرده حاصل کند آن هم نه در خلوت و نه بدون محرم.

البته اگر برای تحصیل سنن و مستحبات به حالت ستر برود هم لازم نیست و اگر نرود مسئول نیست.

حالا باید دید که ایا تحصیل این اشیاء به این طرق شرعیه ممکن نیست؟ خیر بلکه ممکن است.

و آیا تحصیل این امور موقوف است که زن بدون ستر و محرم لازم در مسجد برود یا به تبلیغ بیرون آید؟

خیر بلکه این همه آزاد خیالی و تغلب بر ستر شرعی و حمله بر دین و دعوت الی الشر است.

الآن جواب تفصیلی مدعاهای خود راگوش کنید:

قولک: به دلیل اینکه این زمان جنگ فرهنگی است، می‌گویم: در خیر القرون و دور سلف ضرورت همین جنگ فرهنگی بیشتر می‌بود که مسلمانان از سواد خیلی بی‌خبر بودند و دیگر اقوام به اوج ترقی رسیده بودند.

و آن زمان نه کتابی اسلامی بود و نه رساله و نه درسگاهی و نه سائل مواعظ و تبلیغ و احکام رسانی مثل دستگاه‌های رادیو و غیره که امروزه هست در هر خانه این امور خود به خود بدون کفش در پا کردن می‌رسند پس چرا آن وقت سلف همین امور را ترویج ندادند و ما را با وجود این وسائل چه ضرورت بیرون شدن پیدا شد. بدین عقل و دانش باید گریست.

آن وقت مردم به همین فرهنگ و تبلیغ و تعلیم احتیاج اشد از این زمان داشتند پس چرا همین فکر آزادانه را انجام ندادند یا من و تو برای مذهب از آنها غمخوارتریم کلا و حاشا بلکه نه این است و نه آن است، این همه جلوه کمالات من و آن است.

قولک: (و این مسئله متفق علیها است که اگر کفار بر کدام شهری از شهرهای مسلمین حمله کردند زنان هم اجازه خروج به دفاع دارند بلکه برای آنان خروج واجب می‌گردد...)

می‌گویم: این قیاس مع الفاروق و فاسد است، به چند وجه:

یکی اینکه زن در جهاد اصلاً اهل جهاد نیست. **کما قال الشامی:**

«بخلاف المرئة فانه لیس لحق الزوج بل لکونها لیست من اهله و لذا لم یحب علی غیرالمزوجة»[1]

و در تعلم و غیره زن اهل است چنانچه در حدیث است (**طلب العلم فریضة علی کل**

۱- ردالمحتار: ۱۲۵/۴، الجهاد.

مسلم و مسلمة) صفت اهلیت را بر صفت نااهلیت قیاس کردن قیاس مع الفارق است.

دوم: بر زن غیر حالت هجوم عدو اصلاً جهاد مستحب هم نیست و تعلیم و تعلم در همه وقت لازم است. و صف وقتی را بر دائمی قیاس کردن، مع الفاروق است.

سوم: علت تحصیل علم و وعظ و تبلیغ، واقفیت مذهب و دین است و دفاع الجهل عن دینها. و علت جهاد زن در وقت هجوم، دفع از ضرر نفس و جان خود است که بر هر کسی آن وقت دفاع از جان خود لازم می‌گردد. قیاس این علت با آن؛ قیاس مع الفاروق است و این دفع بدون معارضۀ جسمی نمی شود.

و دفع مذهبی و فرهنگ غیر قومی به جسم نیست که زن در بازار گردد و دفع کند بلکه به همان طریق مشروع علم حاصل کرده دفاع کند چنان‌که در صدر و قرون اول هم همین طور کردند.

و نیز این جنگ فرهنگی به عنوان جدید قبل از چهارصد سال در دنیا فشار آورده است در حدود این چهار صد سال هیچ عالمی دراک و فهیم پیدا نشد که این فتوی را آزاد کند بلکه برعکس آن همین علما دنیا و خصوصاً علما دیوبند که حامی شریعت بودند این اجازت را برای زنان ندادند چنانچه از فتاواهای آنها نقل کرده شد، پس مردم اگر بگویند که امروزه علم عربی مشکل است باید قرآن به زبانهای دیگر خوانده شود و در نماز هم هر کسی به میل دلی خود بخواند و همچنان از خطبۀ جمعه و قرآن فیلم برداری شود که بهتر به هرکسی می‌رسد و ستر یک نوع ذلتی است و یا فلان و فلان. امر دین مشکل‌اند پس باید تخفیف کرده شوند اگر نه ما دین را ترک می‌کنیم پس آیا همین طور کرده می شود؟ که زمانه همین طور است پس العیاذ بالله دین و مذهب بازیچۀ اطفال می‌گردد. دین مقدس، مستغنی است. هر کسی طبق اصولش اگر آن را تحویل بگیرد و اگر نه اسلام به احلام این افراد که می خواهند که اسلام را تابع خود کنند ضرورت ندارد.

حکم و قاعده‌ی «**الضرورات تبیح المحظورات**» و «**المشقة تجلب التیسیر**» با قاعده «**الضرورة تقدر بقدر الضرورة**» و «**دفع المضرة مقدم من جلب المنفعة**» جمع و وفق داده می شود.

هیچ حکمی از احکام شرعی به مقتضای زمانه تغییر داده نمی‌شود چنانکه بالا توضیح داده شد.

البته بنا به ضرورت دینی که درجهٔ فرض و واجب باشد یا ضرورت دنیوی که به جان یا آبروی یا قطع عضو او تمام شود، در امر شرعی، خود شریعت چنین وقت اجازت تخفیف داده است.

ولی آنچه که مورد بحث است نه در آن ضرورت دینی به خروج زنان موقوف است نه ضرورت دنیوی مثل جهاد وقت هجوم عدو (**شتان ما بینهما**) بلکه حضرت مفتی محمد شفیع ـ رحمه الله ـ نوشته است:

ضرورت که تخفیف در احکام می‌آرد فقط خوف جان است و بس. البته در بعضی فروع فقهیه به اعتبار احوال زمانه تغییر و تبدیل با ملاحظهٔ قواعد بالا می‌آید.

اما مسئله‌ی ستر و پرده امری منصوص قطعی است اگر ملاحظهٔ ستر زنان نمی‌بود و زن از اهل جهاد و سفر و نقل حرکت کیف ما اتفاق می‌بود پس ضرورت جهاد و تعلیم و تعلم و تبلیغ و مبارزه فرهنگی در قرن اول بیشتر می‌بود چنانچه مشاهده و معقول است این را انکار نمی‌کند مگر کسی که از تاریخ اسلام بی‌خبر و اکنون چشم به دنیا بازکرده است یا آزاد خیالی او او را وادارکرده است که احکام شرعی را به هم بزند و مرد و زن را در یک ردیف درآرد.

امتیازی که شرع مقدس بین رجال و نساء مهیاکرده است این قانون را به هم زند و هر دو را در یک رشته درآرد. **نعوذ بالله، هدانا الله و ایاهم، و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم الحرام ۱۴۱۳ هـ ق

جواب از دارالافتاء عبیدگاه کبیر والا «پنجاب»

الجواب: فقهاء ـ رحمهم الله ـ نی اس زمانه مین عورتون کو عیدین جمعه اور پنجوقته نماز اور تراویح کی نماز مساجد مین جاکر با جماعت اداکرنی سی منع فرمایا هی اب کسی شخص کویه حق حاصل نهیی هی که فقهاء کی فیصلی کو چهورکر الگ راه اختیارکری اور ترمذی مین حضرت عائشه رضی‌الله عنها کی روایت سی که اگر عورتون کی اس

حالت کو حضور اقدس ـ ﷺ ـ دیکھتی تو عورتون کو جماعت کیلئی نکلنی سی منع فرما دیتی اور اشارت منع فرما چکی تھی. و فی **درالمختار**:

«و یکره حضورهن و لو لجمعة و عید و وعظ مطلقاً»[1]

والله اعلم ـ کتبه محمد رفیق، دارالافتاء دارالعلوم عیدگاه کبیروالا

۱۴۱۸/۱۱/۱۰ ھ ق

الجواب الصواب ـ عبدالقادر (عفی عنه)

جواب از دارالافتاء نیوتاون کراچی

الجواب و منه الصدق والصواب: عورتون کیلئی جمعه و عیدین و غیره نماز ون کیلئی مساجد و عیدگاهون مین جانا مکروه هی. جیسا که در مختار مین هی:

«و یکره حضورهن الجماعة ولو لجمعة و عید وعظ مطلقاً ولو عجوزاً لیلاً علی المذهب المفتی به لفساد الزمان اه»[2]

کتبه مشتاق احمد (غُفِرَله)، دارلافتاء بنوری تاون کراچی

۱۴۱۸/۱۱/۱۱. ھ

الجواب صحیح ـ محمد عبدالمجید دین پوری

جواب از دارالافتاء دارالعلوم کراچی

الجواب و منه الصدق والصواب: مستورات کو نماز جمعه، نماز تراویح یا کسی اور نماز کیلئی مساجد مین جانا درست نهین هی بلکه انهینی اپنی گهرون مین ی نمازین ادا کرنی چاهیی لیکن اگر وه نماز جمعه و غیره کیلئی مسجد مین چلی جائین تو نماز هو جائیگی، مگر گهرون سی نکلنی کاگناه هوگاه اسی طرح مسجد کی بالائی یا کسی اور حصی مین عورتون کی صفین امام کی پیچهی اور مرون کی صفون سی آگی هون تب بهی نماز هو جائیگی مگر ایسا کرنا اچها نهیی هی.

بهتر یه هی که عورتون کی صفین مردون کی پیچی هون.

۱– شامی: ۴۱۸/۱.

۲– در المختار ۵۵٦/۱، باب الامامة.

و فی تنویر الابصار مع الشرح:

«(و یکره حضورهن الجماعة) و لو لجمعة و عید و وعظ (مطلقاً) و لو عجوزاً لیلاً (علی المذهب) المفتی به لفساد الزمان».

و فی ردالمحتار:

«(قوله ولو عجوزاً) بیان للاطلاق: ای شابة او عجوزاً لیلاً او نهاراً» (۱/۵۶۶).

و فی الدرالمختار:

«(و شرط لافترا فیها) تسعة تخصص بها (اقامة بمصرو صحة و حریة و ذکورد) محققه» (۱۵۳/۲ و ۱۵۴).

و فیه ایضاً:

«(و فاقدها) ای هذه الشروط او بعضها (ان) اختاز العزیمة و (صلاها و هو مکلف) بالغ عاقل (وقعت فرضاً) عن الوقت» (۱۵۳/۲ و ۱۵۴)

و فیه ایضاً:

«و یصف الرجال ثم الصبیان ثم الخناثی اثم النساء» (۱/۵۶۸ و ۵۷۱)

و فی ردالمحتار:

«و حاصله انه اذا کان صف النساء امام صف الرجال یمنع الا اذا کان احد الصفین علی حائط مرتفع قدر قامة او کان بینهما حائل مقدار مؤخر رحل البعیر او خشیة منصوبة او حائط قدر ذراع» (۱/۵۸۴)

کذا فی الهندیة (۱ / ۸۷ و ۸۸).

والله سبحانه و تعالی اعلم ـ کتبه محمد حنیف خالد (عفی عنه)، دارالافتاء دارالعلوم کراچی ۱۴۱۹/۳/۷ هـق.

الجواب صحیح ـ احقر محمود اشرف ـ غفرالله له ـ

جماعت ثانیه در مسجد محله‌ای که کنار جاده قرار دارد

الاستفتاء: چه می‌فرمایند مفتیان دین مبین اسلام درباره‌ی اقامت برای جماعت ثانی در مسجد محله‌ای که درکنار جاده واقع است، مقیمان نماز خوانده‌اند و قائم کنندگان

جماعت دوم مسافرین می باشند.

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسجد بدون جماعت و اقامه نماز بخوانند چرا که در این مسجد، جماعت دوم مکروه است چون که این مسجد، مسجد محله است و امام و مقتدی معین دارد و محلیها هم با اذان و اقامة نماز جماعت خوانده‌اند پس در این مسجد، دو مرتبه جماعت مکروه است آن مسجد که کنار جاده است و جماعت دوم در آن رواست، آن همان مسجد است که فقط برای نماز راه‌گذر و مسافرین درست کرده شده است و در محله نیست و جماعة و امام مقرر ندارد[1].

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ربیع الاول ۱۴۱۳ هـ ق

اگر کسی نمازش را منفرداً شروع کرده بود و متوجه شد که جماعت برگزار می‌شود

الاستفتاء: شخصی وقت نماز عصر در مسجد دو رکعت از فرض خوانده بود که جماعت قائم شد، در این صورت چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بر همین دو رکعت سلام داده و از سر نو به امام اقتداء کند. و این دو رکعت نفل است.

تفصیل مسئله: اگر قبل از اینکه رکعت اول را به سجده برساند، امام تکبیر تحریمه گفت، نماز را قطع کرده و به امام اقتداء کند. و بعد از سجده رکعت اول، در فجر و مغرب نماز را قطع کرده اقتدا کند و در بقیه نمازها، دو رکعت تکمیل کرده سپس اقتدا کند. و این دو رکعت نفل به شمار می‌روند.

بعد از سجده رکعت دوم، در فجر و مغرب نماز را کامل کرده و اقتدا نکند اما در بقیه نمازها، این دو رکعت را تکمیل کرده و اقتدا نماید.

۱-کذا فی احسن الفتاوی ۳۲۳/۱ و شامی: ۴۰۸/۱ و ۴۰۹.

اگر رکعت سوم را به سجده رسانده است، نماز را به پایان برساند و به نیت نقل اقتدا کند **الا فی العصر**.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اطاعت پدر برای ترک جماعت به خاطر امور دنیوی ناجایز است

الاستفتاء: پدری فرزندش را به خاطر کارهای دنیوی (مثل دکان داری) و دیگر کاری مباح او را شرکت کردن در نمازهای یومیه با جماعت در مسجد و شرکت در نماز جمعه مانع می شود، آیا در این صورت اطاعت فرزند از پدر واجب است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: واجب نیست، بلکه ناجائز است به حکم حدیث «**لا طاعة مخلوق فی معصیة الخالق**». برود نماز و جمعه را ادا کند و به حرف اوگوش نکند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ شوال ۱۴۱۳ هـ ق

به زنانی که در مکه مکرمه در خانه‌ها نماز می‌خوانند، ثواب نماز جماعت مردان در مسجدالحرام می‌رسد

الاستفتاء: زنانی که در مکه مکرمه در خانه‌ها نماز می‌خوانند مثل مسجد ایشان را ثواب می‌رساند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ایشان را ثواب می‌رسد فقط در مکه مکرمه نه در مدینه طیبه[1].

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

۱- احسن الفتاوی: ۳۵/۳.

ایستادن نابالغ در صف بالغان

الاستفتاء: آیا جائز است نابالغ در صف بالغان بایستد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نابالغ یک نفر است، در صف بالغان بایستد و اگر بیشتراند جداگانه صف ببندند. در این صورت ایستادنشان در صف بالغان مکروه است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲ محرم ۱۴۰۵ هـ ق

در صورت بازماندن از جماعت، نماز را کجا بخواند؟

الاستفتاء: کسی که به جماعت نرسید نماز انفرادی خود را در مسجد بخواند بهتر است یا در خانه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در خانه یا جایی غیر از مسجد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

ایستادن امام داخل صف، هنگام ضرورت

الاستفتاء: اگر مکان تنگ شد و امام در میان صف ایستاد چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این حالت جائز است و بلا ضرورت مکروه است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

ایستادن یک نفر مقتدی پشت سر امام

الاستفتاء: اگر دو نفر نماز جماعت برپا کردند و نفر اول به عنوان امام و دوم به عنوان مقتدی برابر پشت او ایستاد و کنار و نزدیک او نه ایستاد، آیا نماز این دو نفر صحیح

۱- البحرالرائق: ۳۵۳/۱، ردالمحتار: ۵۲۴/۱.
۲- احسن الفتاوی: ۳۱۴/۳.

است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازشان صحیح است البته این عمل خلاف سنت و مکروه است. باید در برابر امام بایستد[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲٦ ذیقعده ۱۴۱٦ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اگر مقتدی نیّت کرد با امام نماز می‌خوانم و یا در نماز امام داخل می‌شوم چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: اقرء علیکم التحیة والسلام، و أدعو من الله سبحانه و تعالی ان یصونکم من دوائر الدهر و نوائبه الطاریة الناشیة و بعد فاستفتی مسئلد و ارجوأن یشبکم الله بجوابها. اذ انوی المصلی اصلی الامام هل تصح صلواته امرلا؟ و کذالک ان نوی ادخل فی الصلواة الامام.

الجواب بسم ملهم الصواب: لا تصح صلواته فی الصورة الاولی اعنی اصلی مع الامام لان لیس فیها ما یدل علی متابعة الامام و نیة المتابعة شرط حقیقتاً او حکما و تصح صلواته فی الصورة الثانیه لان فیها نیة المتابعة ضمناً، کما قال فی العلائیة والدر:

«و ینوی المقتدی المتابعة، لم یقل ایضاً لانه لونوی الاقتداء بالامام او الشروع فی صلواة الامام ولم یعین الصلواة صح فی الاصح و ان لم یعلم بها لجعله نفسه تبعاً لصلواة الامام بخلاف ما لونوی صلواة الامام»

و فی الرد:

«قوله (فی الاصح) کذا نقله الزیلعی و غیره، بحر، قلت: لکن ذکر مسئلة الاولی فی الخانیة و قال لا یجوز لان الاقتداء بالامام کما یکون فی الفرض یکون فی النفل و قال بعضهم یجوز اه قال شرح المنیة فظهر ان الجواز قول البعض و عدمه هو المختار. اقول: یؤیده قول المتون ینوی المتابعة ایضاً و کذا قول الهدایة: ینوی الصلواة و متابعة الامام و مثله فی

۱–کذا فی ردالمحتار: ۵٦۷/۱، الامامة مطلب هل الاساءة دون الکراهیة...

المجمع و کثیر من الکتب بل قال فی المنبع: انه بالاجماع. و اما المسئلة الثانیة فلا تخالف المتون لان فیها التعیین مع المتابعة»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ رجب ١۴١٦ هـ ق

بنای نیم طبقه در مسجد به خاطر حضور زنان به نمازها

الاستفتاء: بناکردن نیم طبقه در داخل مسجد جامع برای نماز زنان آیا در نماز مردان و زنان اشکال وارد می‌شود یا خیر؟ اگر می‌شود به چه دلیل؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در مورد اینکه مردان در طبقه بالا نماز ادا می‌نمایند و زنان در طبقه پائین البته صف زنان از صف مردان جلوتر است راجع به صحت و عدم صحت نماز مردان عبارات فقهاء مختلف هستند. در مفتاح السعادة و در مختار قول صحت را نوشته است.

در خانیة، بحر، ولو الجیة و غیره صراحةً و در معراج و مبسوط دلالة قول عدم صحت منقول است طحطاوی از ابوالسعود اصحیت قول صحت را نقل کرده است. خاتمة المحققین علامه شامی ـ ﷺ ـ قول عدم صحت را اختیارکرده و به تقیید عبارت مفتاح السعادة و در مختار پرداخته است و در مقابل رافعی قول صحت را اختیار و عبارت خانیة را مقید ساخته است.

قال فی العلائیة:

«و یمنع من الاقتداء صف من النساء بلا حائل قدر ذراع او ارتفاعهن قدر قامة الرجل، مفتاح السعادة.

و فی الشامیة (تحت قوله بلا حائل):

«و حاصله انه اذا کان صف النساء امام صف الرجال یمنع الا اذا کان احد الصفین علی حائط مرتفع قدر قامة او کان بینهما حائل مقدار مؤخر رحل البعیر او خشبة منصوبة او حائط قدر ذراع و هذا مخالف لما فی الخانیة والبحر و غیرهما و هو قوم صلوا علی ظهر

۱– ردالمحتار: ۴۲۰/۱، شروط الصلاة، مطلب فی حضورالقلب والخشوع.

ظلة فی المسجد و بخدائهم من تحتهم نساء اجزأتهم صلاتهم لعدم اتحاد المکان بخلاف ما اذا کان قد امهم نساء فانها فاسدة لانه تخلل بینهم و بین الامام صف النساء و هو مانع من الاقتداء اه و فی الولو الجیة قوم صلوا علی ظهر ظلة المسجد و تحتهم قد امهم نساء لا تجزیهم صلاتهم لانه تخلل صف من النساء فمنع اقتدائهم و کذا الطریق اه فهذا باطلاقه صریح بان الارتفاع غیر معتبر فی صف من النساء و فی المعراج عن المبسوط فان کان صف تام من النساء و وارئهن صفوف الرجال فسدت تلک الصفوف کلها استحساناً و القیاس ان لا تفسد الا صلواة واحد و لکن استحسن لحدیث عمر ـ رضی الله عنه ـ مرفوعاً و موقوفاً علیه من کان بینه و بین الامام نهر او طریق او صف من النساء فلا صلاة له اه فهذا صریح فی ان الحائل غیر معتبر فی صف النساء والا لفسدت صلاة الصف الاول من الرجال فقط لکونه صار حائلاً بین من خلفه و بین صف النساء کما هو القیاس فظهر ان ما ذکره الشارح من اعتبار الحائل او الارتفاع انما هو فیما دون الصف التام من النساء کالواحدة و الاثنین اه اما الصف فهو خارج عن القیاس اتباعاً للاثر هذا ما ظهر فتدبر والله اعلم[1]

قال الرافعی:

قوله (فهذا صریح فی ان الحائل غیر معتبر) هو صریح فی ان الصف الاول من الرجال لایعد حائلاً و لا یمکن ان یقال غیره من الحوائل مثله لنقل اهل المذاهب ان الحائل یمنع الفساد کعبارة مفتاح السعادة و ما نقله عن ابی السعود فی اهل مسئلة المحاذاة تقوله و لو کان ورائهن حائط خلفه صفوف لا تفسدو صلاتهم علی الاصح و لو کان ورائهن صف من الرجال ثم الحائط ثم الصفوف فسدت صلاة الکل و حینئذ بقید اطلاق ما فی الخانیة و غیرها بما فی مفتاح السعادة[2]

حالا در این مورد قول را حج کدام است؟ علامه محقق جناب مفتی رشید احمد صاحب می‌فرماید پس از تفکر و تدبر قول عدم صحت مرجح به نظر می‌رسد زیرا این قول اکثر است علاوه از این مقتضای قیاس علی الطریق والنهر نیز همین است اگر چه ابوالسعود قول صحت را اصح قرار داده است والله اعلم.

اگر زنان در طبقه دوم یا نیم طبقه مسجد نماز ادا می‌نمایند و یا در طبقه پائین در

۱- ردالمحتار: ۵۴۷/۱.
۲- التحریر المختار ۷٦/۱.

صحت و عدم نماز مردان فرقی وارد می‌آید یا خیر؟ چنین فرقی در کتب فقه به نظر نمی‌رسد به ظاهر حکم همه یکی است چه در طبقه بالا باشند یا در طبقه پائین این مسئله هم نیاز به بررسی دارد که علت فساد نماز مردان محاذات است یا تقدم زنان اگر محاذات را علت قرار دهیم چندها اشکال وارد می‌گردد. نیز معنی عرفی محاذات در مورد علت قرار دادن آن منافی این مطلب است لذا در اینجا علت عدم صحت محاذات نمی‌تواند شد بلکه علت تقدم زنان است [1]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه محمد یوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱٦ جمادی الاول ۱۴۱۸ هـ ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

فتح دادن امام، مفسد نماز نیست

الاستفتاء: در کتب فقهیه آمده است که اگر امام بیشتر از سه آیه یعنی قدر ما تجوز به الصلواة خواند و بعداً امام گیر کرد و مقتدی فتح داد، نماز مقتدی فاسد می شود و اگر امام حرف او را قبول کرد نماز هر دو فاسد می‌گردد پس قدر ما تجوز به الصلواة تنها فاتحه است چون که ضم سوره واجب است و ترک او نماز را فاسد نمی‌کند بلکه نماز ناقص می شود و اعاده‌ی آن لازم است پس حل این مسئله چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فتح دادن امام خود نه مفسد نماز مقتدی است و نه نماز امام برابر است که ضرورت فتح باشد یا نباشد و اگر چه امام هر قدر خوانده است.

خلاصه فتح دادن در نماز به هیچ وجه مفسد نماز نیست البته برای امام بعد از خواندن مقدار **ما تجوز به الصلواة** انتظار فتح مقتدی، مکروه تحریمی است و همچنان برای مقتدی هم به زودی بدون انتظار، فتح دادن مکروه است، **کما فی الدر:**

«بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقاً الفاتح و آخذ بکل حال...»

و فی الرد:

۱-احسن الفتاوی: ۳۵۹/۳.

«ای سواء قرءالامام قدر ما تجوز به الصلواة ام لا انتقل الی آیة اخری ام لا تکرار الفتح ام لا هو الاصح نهر (تتمه) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی آیة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلواة اوالی سورة اخری او یرکع اذا قرء قدر الفرض کما جزم به الزیلعی و غیره و فی روایة قدر المستحب کما رجحه الکمال بانه الظاهر من الدلیل و اقره فی البحر و النهر و نازعه فی شرح المنیة و رجح قدر الواجب لشدة تاکده»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)،دارالافتاء منبع‌العلوم
١٦ جمادی الثانی ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

امامت قاتل

الاستفتاء: پشت سر امام قاتل نماز چه حکمی دارد؟ در صورت توبهٔ او از گناه قتل مقرر کردن او برای امامت دائمی چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این قاتل به سبب ارتکاب گناه کبیره فاسق شده و بر او توبه کردن و طلب عفو از وارثان و اولیاء مقتول لازم است اگر این مرد توبه کرد و اولیاء مقتول او را مورد عفو قرار دادند پس امامت او صحیح است و اگر توبه کرد و وارثان میت او را نبخشودند تنها توبه او کافی نیست هم چنانکه در حدیث است و **عن معاویة** ـ رضی الله عنه ـ **قال: رسول الله ـ ﷺ ـ کل ذنب عسی الله ان یغفره الا الرجل یموت کافراً والرجل یقتل مؤمناً متعمداً (الترغیب والترهیب)**

لذا در پشت سر این امام نماز خواندن مکروه تحریمی است و از مقرر کردن او به عنوان امام دائمی احتیاط کرده شود.

۱- ردالمحتار: ۵۸۲/۱ وکذا احسن الفتاوی: ۲۸۰/۳، فتاوی دارالعلوم: ۲۱۹/۲، فتاوی رشیدیه: ۵۸ آپ کا مسائل اور انکاح:۲۴۹/۲.

«و یکره امامة عبد... و فاسق (در مختار) بل مشی فی شرح المنیة ان کراهة تقدیمه کراهة تحریم» (ردالمحتار: **۵۲۳/۱، باب الامامة**[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه یار محمد پناد، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۸ جمادی الثانی ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

امامت کسی که ریشش را می‌تراشد

الاستفتاء: امام مسجد محلهٔ ما یک جوان ریش تراش است و مقتدی‌های او که هیچ چیز از قرآن یاد ندارند، ریش دار هستند، آیا نماز آنها پشت این امام ریش‌تراش درست است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز پشت چنین شخصی مکروه است اگر چه به حکم **صلوا خلف کل بر و فاجر** نماز پشت چنین اشخاصی صحیح می‌شود لیکن امام کردن چنین افراد مناسب نیست. **لان فی امامته تعظیم و تعظیم الفاسق حرام.** البته در صورت نداشتن دیگر امام نماز پشت چنین اشخاصی از تنها خواندن بهتر است برای احراز فضیلت جماعت[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۷ شوال ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

مثل سؤال بالا / احق بالامامة

الاستفتاء: گروه مبلغین در مسجد یک محله قیام کردند و از میان آنها جوان پرهیزگار که قرآن شریف خوانده اما ریش می‌تراشد، موجود است و بقیه مردم ریش دارند، اما

۱-کذا حققه فی فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۲۸۴/۳ و ۱۵۸.
۲- فتاوی دارالعلوم: ۱۸۱/۳، بحواله ردالمحتار باب الامامة: ۵۲۳/۱.

بیش از ده سوره از قرآن مجید حفظ ندارند، پس کدام شخص از اینها احق به امامت است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای امامتی همان شخص افضل و بهتر است که او از مسائل نماز واقف و قاری‌تر باشد لذا در صورت مسئوله اگر جوان در مسائل نماز از بقیه مردم واقف و اقرأتر است او احق به امامت است و اگر بقیه مردم واقف‌تر و اقرأاند آنها احق ترند اگر چه ده سوره یاد دارند.

«والا حق بالامامة تقديما بل نصبا الاعلم باحكام الصلواة فقط صحة و فسادا بشرط اجتنابه للغوا حش الظاهرة ثم الاحسن تلاوة و يجويداً، افاد بذالک ان معنی قولهم اقرأ ای اجود لااکثرهم حفظا و معنی الحسن فی التلاوة ان يکون عالما يکفية الحروف والوقوف و ما يتعلق بها.»(۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۷ شوال ۱۴۱۸ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اگر امام شافعی باشد، مقتدی حنفی در نماز صبح قنوت نخواند

الاستفتاء: در نماز صبح، در مذهب شافعی قنوت می‌خوانند، مقتدی حنفی چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد احناف قنوت فجر چون که مشروع نیست لهذا در آن مطابقت امام شافعی المذهب نکند بلکه خاموش بایستد.

قال فی التنویر و الدر:

«و يأتی الاموم بقنوت الوتر و لو يشا فعی و يقنت بعدالرکوع لانه مجتهد فيه لا الفجر لانه

۱- فتاوی دارالعلوم: ۹۸/۱ بحواله الدر المختار علی هامش ردالمحتار: ۵۲۰/۱.

منسوخ بل یقف ساکتاً علی الاظهر مرسلاً یدیه»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۳۰ ذیقعده ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

سکوت و توقف امام جهت فاتحه و قنوت خواندن مقتدی‌های شافعی مذهب

الاستفتاء: اگر امام حنفی و مقتدیان تماماً شافعی باشند و آنها بعد از فاتحه خواندن امام تنها فاتحه می خوانند و امام سکوت می‌کند، آیا جائز است وقف‌کردن امام یا نه؟ و همچنین در مسائل دیگر امام چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در احسن الفتاوی نوشته است که اگر در نماز فجر امام حنفی المذهب و مقتدی شافعی المذهب بودند و مقتدی در نماز فجر مشغول به دعای قنوت شدند و امام نخواند لیکن بعد رکوع به خاطر مقتدیها توقف‌کرد و خاموش گردید نماز او با مقتدیها واجب الاعاده می‌گردد.[۲]

لذا حکم مسئوله هم همین طور است که امام در این مدت مشغول به دعاء باشد خاموش نایستد اگر خاموش بایستد نماز او و مقتدیها واجب الاعاده می شود.

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۳۰ ذیقعده ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

ایستادن امام داخل محراب هنگام ضرورت

الاستفتاء: اگر امام داخل محراب مسجد در وقت تنگ شدن جایی برای مقتدیان بایستد، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ایستادن امام داخل محراب به حدی که پاهایش داخل محراب قرارگیرند بدون ضرورت مکروه است اما وقت ضرورت و مانند صورت

۱- ردالمحتار: ۴۹۴/۱، الوتر والنوافل.

۲- احسن الفتاوی: ۳۱۳/۳.

مسئوله جائز است.

قال فی العالمگیریة:

«و یکره قیام الامام وحده فی الطاق و هو المحراب و لا یکره سجوده فیه اذا کان قـائماً خارج المحراب و اذا ضاق المسجد عن خلف الامام فلا بأس بان یقوم فی الطاق»(۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۰ ذیحجه ۱۴۱۹ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نماز خواندن و اقتدا از جای اذان گفتن

الاستفتاء: اگر جای اذان اندازه‌ی نصف قامت باشد در حالت ازدحام بر آن یکی از نمازهای پنجگانه پشت امام بخواند یا خود شخص تنها غیر از امام در آنجا نماز بخواند چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: وقت ضرورت و ازدحام هر دو صورت جائز است بدون ضرورت مناسب نیست، مکروه است.

قال فی البحر:

«و اما عکسه و هو انفراد القوم علی الدکان بان یکون الامام اسفل فهو مکروه ایضاً فی ظاهر الروایة... و جواب ظاهر الروایة اقرب الی الصواب... و هذا کله عند عدم العذر اما عندالعذر کما فی الجمعة والعیدین و ان القوم یقومون علی الرفوف والامام علی الارض و لم یکره ذلک لضیق المکان»(۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۰ ذیحجه ۱۴۱۹ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- الفتتاوی العالمگیریة (الهندیة): ۱۰۸/۱. خیرالفتاوی: ۴۴۹/۲.
۲- البحر الرائق: ۲۸/۲ مکروهات الصلاة.

جهت امامتی، امام قدیم احق است یا جدید؟

الاستفتاء: چه می‌فرمایند علماء دین در مورد مسئله‌ی ذیل:

در یک روستا امام مسجدی بیست سال در آن محل امامت کرده و از نظر قرائت هم قابل قبول و نزد مردم روستا مورد اعتماد می‌باشد، اما اکنون عده‌ای از مردم، امام جدیدی که مولوی می‌باشد را برای امامت از جای دیگر برای همین مسجد آورده‌اند. گروه اول پشت سر امام قدیمی نماز خوانده از مسجد بیرون می‌روند وگروه دوم پشت سر امام جدید، بعداً نماز می‌خوانند. گروه دوم مدعی هستند که نماز گروه اول پشت سر امام قدیمی جائز نیست.

حالا سؤال اینجاست که نماز جماعت کدام یکی از دوگروه از نظر شرع قابل قبول است؟ آیا نماز جماعت امامی که از قدیم امامت مسجد را انجام داده برای امامت احق است یا امامت امام جدید؟ ثانیاً آیا نماز هر دو جماعت از نظر شرع مقدس اداء می‌شود یا خیر؟ توضیح دهید.

الجواب بسم ملهم الصواب: فردی که اعلم به احکام نماز است، برای امامت احق است؛ اگر هر دو در مرتبه علم برابر هستند، پس فردی که قاری‌تر است و می‌تواند حروف را به طور کامل و صحیح از مخارج اداء نماید حق‌دارتر است.

قال فی التنویر و الدر:

«و الاحق بالامامة تقديماً بل نصباً مجمع الانهر الا علم باحكام الصلواة فقط صحةً و فساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة و حفظه قدر فرض، و قيل واجب و قيل سنة ثم الاحسن تلاوةً و تجويداً للقراءة...»[1]

و قال فی شرح التنویر:

«و لا غير الا لثغ به اى بالالثغ على الاصح كما فى البحر عن المجتبى و حرز الحلبى و ابن

۱- ردالمحتار: ۵۵۷/۱.

الشحنة انه بعد بذل جهده دائماً حتماً کالامی فلا یؤم الامثله و لا تصح صلواته اذا امکنه الاقتداء بمن یحسنه او ترک جهده او وجد قدر الفرض مما لا لثغ فیه هذا هو الصحیح المختار فی حکم الا لثغ و کذا من لا یقدر علی تلفظ حرف من الحروف او لا یقدر علی اخراج الفاء»

نماز هر دو جماعت اداء می‌شود، البته نماز جماعت دوم در صورتی که بر هیئت اول باشد یعنی عدول عن المحراب یا محاذی محراب باشد، مکروه تحریمه است.(۱)

و اگر عدول از محراب باشد و محاذی هم نباشد، جماعت دوم که با امام جدید می‌خوانند نزد طرفین مکروه تحریمه است و نزد ابویوسف جائز و بی‌ثواب امامت است، یعنی جوازش **لا بأس به** است.

اما ادامهٔ عمل برگزاری دو جماعت در یک مسجد شناعت بسیاری در بر دارد.

اگر مسئله امامت مسجد به مشاجرت و اختلاف نظرکشیده شده است و هر دو امام از هر نظر برابر و مساوی هستند و چنین فردی واجد شراط که مورد رضایت طرفین باشد وجود ندارد، پس اکثریت مردم محله صلاحیت چه امامی را تأیید می‌نماید، همان شخص را به امامت مسجد بگمارند. **لان الاعتبار للاکثر**(۲)

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه محمد یوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم.
۲۱ ذیحجه ۱۴۱۸ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

امامت پسر پانزده ساله

الاستفتاء: پسری نابالغ صبیح الوجه پانزده ساله و حافظ قرآن می‌باشد، آیا امامت این پسر در فرائض و نمازهای تراویح جائز است، یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پانزده سال به بالا به قول اصح بالغ به شمار می‌آید. پشت سر او نماز خواندن جائز است، اگر صبیح الوجه باشد، و اگر بالغ غیر صبیح الوجه یا

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۳۲۲/۳.
۲-کذا فی فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۷۸/۳.

دارای ریش باشد بهتر است. و نابالغ که سنش از پانزده سال کمتر است، امامت او به قول مختار نزد احناف در هیچ نماز، نه فرض و نه نفل، صحیح نیست.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ شوال ۱۴۲۰ هـ ق

امامت بدون عمامه

الاستفتاء: در منطقهٔ ما امام جماعت و جمعه با کلاه و بدون عمامه نماز می دهند، آیا فضیلتی در بستن عمامه هست یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: با کلاه بدون عمامه به هر حال نماز خواندن جائز است، امام باشد یا مقتدی یا منفرد. البته برای این همه، نماز با عمامه افضل است.

آری! اگر شخصی حضور مجالس و مجامع بدون عمامه بد می داند و بدون عمامه نمی رود و در وقت نماز عمامه نمی بندد مکروه است و اگر بدون عمامه هر جایی رود، در نماز هم ترک آن مانعی ندارد. در این حکم امام و مقتدی و منفرد همه برابراند.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ شوال ۱۴۲۰ هـ ق

اگر مسافر بعد از استخلاف، نیّت خود را تغییر دهد

الاستفتاء: فردی مسافر پشت سر مقیمی اقتدا کرد، بعد از اتمام یک رکعت امام که مقیم بود بی وضو شده و این امام مقیم فرد مسافر را خلیفهٔ خود کرد و فرد مسافر زمانی که در جای امام، خلیفه قرار می‌گیرد از فرصت استفاده کرده، نیّت خود را عوض می‌کند و یک رکعت دیگر را خوانده نماز را تمام می‌کند. ۱. آیا نماز مسافر صحیح است؟ ۲. نماز مقتدیان چه حکمی دارد؟ لطفاً مسئله را با ذکر دلیل روشن فرمائید.

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت نماز این امام مسافر که خلیفه کرده شد و

۱-احسن الفتاوی: ۵۲۵/۳ به حواله ردالمحتار شامی: ۵۴۰/۱.

۲-امداد الفتاوی: ۲۴۲/۱.

نماز مقتدیان که پشت سر او نماز خوانده‌اند، همه فاسد شده، لازم است که این نماز را قضا کنند. آری مقتدیان که مقیم بودند، چهار رکعت قضا کنند و آن امام مسافر که نمازش فاسد شده، دو رکعت قضا کند؛ چراکه در این صورت چون این امام مسافر به پشت سر مقیم اقتدا کرده بود، بر سر او تمام کردن چهار رکعت لازم شد و قعده‌ی اخیره بر او فرض شد. پس وقتی که مقیم او را خلیفه کرد، لازم بود که چهار رکعت را تمام کند و چون عمداً آن را تمام نکرد و فرض قعده‌ی اخیره را ترک کرد و نیّت چهار را به همراه گفتن تکبیر تغییر داد، نمازش فاسد و چون مقتدی‌ها به او اقتدا کردند به طور خلافتِ او، وقتی که نماز امام فاسد شد، نماز ایشان هم فاسد شد؛ چراکه ایشان بی‌جا در غیر موقع اقتداء بر او اقتدا کردند.

در طحطاوی شرح مراقی می‌نویسد:

زمانی که مسافر اقتداء به مقیم کرد، بر او اتمام فرض شد. **کما صرح بقوله: «و یفترض الاتمام...»**[1]

و قال فی نورالایضاح و المراقی:

«و یفسدها التکبیر بنیّة الانتقال لصلواة اخری غیر صلواته»

قال الطحطاوی:

«قید بالتکبیر لانه لو نویٰ بقلبه فقط لا یکون قاطعاً للاولیٰ کما فی المنح»[2]

و فی الدر و التنویر:

«و اما اقتداء المسافر بالمقیم فیصح فی الوقت و یتم»

و قال الشامی:

«قوله (فیصح فی الوقت) لتغیّر فرضه بالتبعیة لاتصال المغیر بالسبب و هو الوقت و لو افسده صلی رکعتین لزوال المغیر»[3]

و نماز مقتدی‌ها به سبب فساد نماز امام، فاسد شده و به سبب اقتداء در محل انفراد.

۱- حاشیة الطحطاوی ص ۱۷۴. ۲- المرجع السابق ص ۲۰۱.

۳- ردالمحتار: ۵۸۴/۱، صلاة المسافر. امدادالفتاوی: ۳۵۹/۱.

و فی الدر:

«لما تقر ان الاقتداء فی موضع الانفراد مفسد کعکسه... و اتم تبعاً لامامه»[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ صفر ۱۴۲۱ هـ ق

آیا نیّت امامت مقتدیان برای امام لازم است؟

الاستفتاء: یک فرد مُلا تنها نماز می‌خواند، چند نفر آمده پشت سر او اقتداء کردند، آیا اقتداء و نماز این مقتدیان صحیح است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز این مقتدیان و امام صحیح می‌گردد و برای امام لازم و ضروری نیست که نیّت امامت مقتدیان بکند.

قال فی الهندیة:

«و لا یحتاج الی نیّة الامامة حتی لو نویٰ أن لا یؤم فلاناً فجاء فلان و اقتدی به جاز هکذا فی فتاوی قاضیخان»[۲]

«قال جابر: سرت مع النبی ـ ﷺ ـ فی غزوة فقام یصلی فجئت حتی قمت عن یساره فاخذ بیدی فادارنی عن یمینه»[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۱ هـ ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

امامت معذور

الاستفتاء: در محله‌ای فقط یک ملا وجود دارد که معذور است (سلس البول دارد) مردم او را مجبور کرده‌اند که امامت کند، او شرم می‌کند از این‌که بگوید من معذورم یا چون قبلاً امامت کرده و ندانسته است که امامت معذور درست نیست، حالا این

۱- ردالحمتار: ۴۳۰/۱، الامامة.

۲- الهندیة: ٦٦/١، شروط الصلاة، الفصل الثالث فی النیّة.

۳- خیر الفتاوی: ۳۹۲/۲ به حواله شامی از صحیح مسلم: ۴۲۰/۱.

شخص چه کار کند؟ آیا می‌تواند امام شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز غیر معذور پشت سر معذور اصلاً درست نیست. البته اگر این معذور وضو گرفت و امامت نمود و در هنگام وضو گرفتن تا تمام شدن وقت نماز، قطره‌ی ادرار منقطع شد، در این صورت امامت او صحیح و نماز او و مقتدی‌ها درست می‌شود و الا نه.(۱)

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۵ جمادی الثانی ۱۴۲۳ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

امامت برای محارم خویش در خانه

الاستفتاء: آیا شوهر می‌تواند با همسر یا پدر یا دختر یا برادر یا خواهر یا پسر یا مادرش امامت کند؟ اگر جائز است، بفرمایید طریقهٔ جماعت‌شان چطور است؟ در صورتی که مثلاً مقتدیه یک نفر باشد یا چند نفر؟

در صورت مسئوله که مقتدیه متعدد و به همراه مثلاً دختر خاله یا زن برادرش، یا زن بیگانه‌ای باشد، جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است که این فرد با چنین زن امامت کند. طریقهٔ جماعت ایشان به این نحو است که اگر مقتدی زن یکی یا بیشتر باشد، باید پشت سر امام قیام کنند.(۲)

اگر زن نامحرم پشت سر او اقتداء کند، ولی زنان دیگر محارم امام هم اقتداء می‌کنند، جائز است که این زن نامحرم هم پشت سر این امام اقتداء کند. و برای زنان محرم اقتداء پشت سر امام اجنبی، مکروه تحریمی است، در صورتی که با آن زن

۱- خیر الفتاوی: ۳۳۱/۲. احسن الفتاوی: ۲٦۴/۳، به حواله در مختار.

۲-احسن الفتاوی: ۲۹۹/۳.

نامحرم، زن محرم دیگر شریک نباشد. اگر شریک باشد، جائز است. اما الآن بنابر فساد احتیاط ضروری است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم
۲٦ جمادی الاول ۱۴۲۴ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

احق بالامامة و حق انتخاب آن

الاستفتاء: فردی ملا نیست ولی قبلاً پدرش امام بوده، آیا تعیین کردن امام در اختیار او می‌باشد یا مقتدیان مسجد یا چه کسی؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مقرر کردن امام در اختیار بانی و متولی مسجد و یا در اختیار اهل محله است. هر طرف که اکثریت باشد، به رأی آنها امام تعیین شود. در امامت وراثت نیست و بنابر اینکه پدر این شخص فقط امام بوده، بانی و متولی نبوده است، حق انتخاب امام را ندارد، بلکه این امر متعلق به متولی مسجد یا بانی آن و یا اهل محله می‌باشد نه دیگران.

قال فی الدر:

«ولایة الاذان و الاقامة لبانی المسجد مطلقاً و کذا الامامة لو عدلاً»

و فی الرد:

«قوله (مطلقاً) و فی الاشباء: ولد البانی و عشیرته اولی من غیرهم اهـ و سیجیء فی الوقف ان القوم اذا عینوا مؤذنا و اماماً و کان اصح بما نصبه البانی فهو اولی»[۲]

و فی الدر:

«او الخیار الی القوم فان اختلفوا اعتبروا اکثرهم و لو قدموا غیر الاولی اساءوا»[۳]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم
۱۲ ذیقعده ۱۴۲۴ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- احسن الفتاوی: ۲۸۴/۳.
۲- ردالمحتار: ۴۰۰/۱، آخر باب الاذان.
۳- المرجع السابق: ۵۲۲/۱، الامامة.

امامت کسی که از ردی دینی خارج شده و اخلاق خوب ندارد

الاستفتاء: مولوی‌ای که از ردی دینی خارج شده و به دنبال سیاست می‌باشد و هر وقت که دلش بخواهد به مسجد می‌آید و با لحن بد و دشنام با مردم رفتار مـی‌کند، می‌توان پشت سر او نماز خواند یا نه؟ در حالی که امام جمعه می‌باشد و مردم از پشت غیبت او می‌کند.

الجواب بسم ملهم الصواب: شخصی که دارای چنین صفات باشد، گرچه این اوصاف بیانگر فسق او نیستند، ولی امامت چنین افراد خلاف اولی است.

قال فی الدر و التنویر:

«و الاحق بالامة الاعلم باحکام الصلاة فقط صحةً و فساداً بشرط اجتنابه للفواحش الظاهرة... ثم الاورع ثم الاسن ثم الاحسن خلقاً بالضم انفة بالناس اه»[1]

و فی الغنیة:

«والمراد بحسن الخلق الحلم و الرفق و الحیاء»[2]

ولی به هر حال نماز خواندن با جماعت پشت سر چنین امام و حتی امام فاسق، از تنها خواندن بهتر است. و فی الدر:

«صلی خلف فاسق او مبتدع نال فضل الجماعة»

قال المحقق ابن عابدین:

«قوله (نال فضل الجماعة) افاد ان الصلاة خلفهم اولی من الانفراد»[3]

و الله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالملک آرامش، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴ ذیقعده ۱۴۲۴ هـ ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۴۱۲/۱.

۲- غنیة المتملی ص ۵۱۳.

۳- ردالمحتار: ۴۱۵/۱.

كتاب الصلاة / باب

صفة الصلاة و ما يتعلق بها

فرائض، واجبات و سنن نماز

الاستفتاء: در نمازهای پنجگانه چند چیز فرض و چند چیز واجب می‌باشند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بیست و هفت چیز در نماز شرط و رکن است:

طهارت از حدث، طهارت بدن مکان، لباس و مکان، نـهادن دست و پـا و زانـو و پیشانی و سر، ستر عورت، رو به قبله کردن، دخول وقت، نیت تکـبیر اولی بـه غـیر فاصل، ایستاده تکبیر اولی گفتن، عدم تأخیر نیّت از تحریمه، گفتن تحریمه به حدی که خود بشنود، نیّت متابعت امام برای مقتدی، تعیین فرض و واجب، قیام در غیر نفل، قرائت یک آیت دراز و سه آیة کوچک، رکوع، سجده، رفع سر از سجده به نزدیک قعود، قعده‌ی اخیره به قدر تشهد و تأخیر قعود اخیر، از ارکان.

ارکان از اینها صرفاً چهاراند: قیام، قرائت، رکوع، سجده، و بعضی قعده اخیره هم را هم داخل کرده‌اند و باقی شرائط‌اند.

و هیجده چیز واجب است: خواندن فاتحه، ضم سوره، معین‌کردن قرائت در اولیین از فرائض، تقدیم فاتحه بر سوره، ضم بینی با پیشانی در سجده، مراعات تـرتیب در میان سجده، طمانینه در ارکان، نشستن اول و تشهد در آن، قیام به رکعت سوم بعد از تشهد اول بدون تراخی، لفظ سلام گفتن، تکبیرات عیدین، تعیین لفظ تکبیر در شروع هر نماز، تکبیر در رکوع در رکعت دوم عیدین، بلند خواندن امام در فجر و دو رکعت مغرب و عشاء و جمعه و عیدین و تراویح و وتر در رمضان، خفیة خواندن در ظهر و عصر و رکعت سوم در مغرب و در رکعت اخیر عشاء.

و پنجاه و یک چیز سنت است: برداشتن دست وقت تکبیر اولی به مقابل نرمهٔ‌گوش برای مرد، کشادن انگشتان وقت، مقارنتِ تحریمهٔ مقتدی با تحریمهٔ امام، نهادن دست راست برچپ در زیر ناف برای مردان و بر سینه برای زنان، خواندن سبحان و تـعوذ برای منفرد و صاحب قرائت، بسم الله خواندن در اول هر رکعت، آمین‌گفتن، و ربنالک الحمد گفتن، برابر و راست بودن وقت گفتن تحریمه، جهر امام برای تکبیر و سمع الله، کشادگی میان دو قدم در قیام به قدر چهار انگشت، سورت در نمازهای فجر و ظهر از

طوال مفصل و در نمازهای عصر و عشاء از اوساط مفصل و در نماز مغرب از قصار باشد، تطویل رکعت اول از رکعت دوم در نماز فجر، تکبیرات رکوع و سجده، اتـمام قومه، اتمام جلسه، تسبیح در رکوع و سجده سه سه بار، گرفتن هر دو زانو به هر دو کف در رکوع، کشاده کردن انگشتان برای مرد، بلند نگاه داشتن هر دو ساق، هموار کردن پشت در رکوع و برابر کردن سر به کمر در رکوع، بلند شدن از رکوع، اطمینان در قومه، به ترتیب نهادن زانو سپس دست و سپس رو وقت رفتن به سجده، عکس آن وقت قیام از سجده، دور نگاه داشتن شکم از ران برای مرد و آرنج از پهلو، نهادن دست بر ران در تشهد، افتراش پای چپ و بلند کردن پای راست در تشهد، وقت شهادت به انگشت مسبحه اشاره کردن، قرائت فاتحه در اخیر فرض، دورد خواندن در تشهد اخیر، دعا بعد از درود، به جانب راست و چپ گردانیدن سلام نـیت کـردن در سـلام امـام را بـرای مقتدیان و ملائکه و نیت مقتدی امام و دیگران رابه چپ و راست، آهسته‌تر گفتن سلام دوم از اول، مقارنت مقتدی در سلام با امام، از جانب راست شروع کردن سلام و انتظار کردن مسبوق تا فارغ شدن امام از هر دو سلام.(۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۴ صفر ۱۳۸۴ هق

مؤخر کردن نیّت از تکبیر تحریمه

الاستفتاء: اگر نیّت در نماز بعد از تکبیر اولیٰ باشد، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این نیّت غیر صحیح است و نماز او صحیح نـیست دو مرتبه اعاده کند چرا که نزد ما احناف اگرچه مقارنت نـیت بـه تکـبیر شـرط نـیست، مستحب است اما تأخیر آن از جملهٔ «الله اکبر» یا فقط از لفظ «الله» روا نیست پس اگر از تمام جمله یا فقط از لفظ جلاله نیت را مؤخر کرد نماز او روا نیست دو مرتبه اعاده کند البته تقدیم نیت قبل از تکبیر بعد دخول وقت هر قدر که دیر باشد جائز است به شرط نبودن فاصل مفسد برای نماز مثل خوردن و نوشیدن و حرف زدن و غیره. حتی اگر بعد

۱- مأخوذ از: نور الایضاح.

دخول وقت از خانه با اراده و نیت نماز بیرون آمد و تا مسجد رسید و قاطع نماز دیده نشد و به مجرد رسیدن به مسجد تکبیر گفت، نمازش صحیح است به همان نیت قبل.

قال فی التنویر والدر:

«و جاز تقدیمها علی التکبیرة و لو قبل الوقت»

و فی الرد تحت هذا القول بعد بحث:

«لان النیة و ان لم تشترط مقارنتها للشروع یشترط عدم المنافی لها و لا یخفی ان عدم دخول الوقت مناف لنیة فرض الوقت لانه لا یفرض قبل دخول وقته»

و فی التنویر و الدر:

«ما یوجد بینهما قاطعها من عمل غیر لائق بصلواة و هو کل ما یمنع البناء و شرط الشافعی قرانها فیندب عندنا و لا عبرة بنیة متأخرة عنها علی المذهب و جوزه الکرخی ـ ﷺ ـ الی الرکوع»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۶ محرم الحرام ۱۴۰۷ هق

حکم اشاره به سبابه در تشهد و جواب تردید حضرت مجدّد الف ثانی ـ ﷺ ـ

الاستفتاء: در مورد اشاره به سبابه در تشهد، امام مجدِّد الف ثانی تند و تیز تردید می‌نماید، و برای ثبوت نظریاتش از بسیاری کتب فقهی حواله داده است، در این کتابها بعضی جاها وجود دارد که اشاره به سبابه مکروه است و جای دیگر حرام قرار داده شده است. و قول مفتی را نیز همین قرار داده‌اند که اصلاً با سبابه اشاره کرده نشود، در حالی که در بسیاری کتابهای فقهی دیگر این عمل به عنوان عملی سنت و مستحب مذکور است. پس تطبیق گفتار و دلایل امام ربانی ـ ﷺ ـ و فتوای علماء این زمان چگونه می‌باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اشاره در تشهد نزد ائمه‌ی ثلاثه سنت است و نزد احناف

۱- ردالمحتار: ۳۰۶/۱ و ۳۰۷، شروط الصلاة، بحث النیة.

دو قول وجود دارد، سنیت و استحباب، بعضی اول را و بعضی دوم را ترجیح داده‌اند، نزد احقر قول اول مرجح است.

یعنی آن یک سنت متفق علیهاست حدیثاً و فقها و در این موضوع کم و بیش سی رساله نوشته شده است.

از ما احناف دو رساله ملا علی قاری، یکی علامه شامی و یکی شیخ محمد صادق فرزند ارجمند خواجه مجدد الف ثانی و یکی دیگر فرزند دیگرش شیخ محمد سعید و یکی شاه عبدالعزیز و یکی شیخ علی المتقی و... ـ رحمهم الله تعالی ـ در این مورد نگاشته‌اند.

و در معارف السنن می‌فرماید:

«فالاشارة سنة باتفاق ائمتنا الثلاثة فذکر محمد فی موطئه و قال: قال محمد و بصنیع رسول الله ـ ﷺ ـ نأخذ و هو قول ابی حنیفة و کذالک ابویوسف عمل بها کما فی امالیه. (الی ان قال) ذکرها اعیان المذهب و کبار اهل التالیف کالفقیه ابوجعفر الهندوانی و صاحب المحیط البرهانی و ابی‌بکر الکاسانی و صاحب الذخیرة والملتقط و معراج الدرایة والظهیریة والنهایة و فتح القدیر والحلیة و شرحی المنیة الکبیر والصغیر والنهر...»

الی ان قال:

«و قد قال القاری فی بعض رسائله فی حق صاحب الکیدانی لانکاره الاشارة. و لو لاحسن الظن به و تأویل کلامه لکان کفره صریحاً وارتداده صحیحاً...»[1]

و آنچه حضرت مجدد ـ رحمه الله ـ زور داده و استدلال کرده است، عبارت خلاصه‌ی کیدانی و امثالها که غیر معتبراند هست. و دوم حدیث اشاره را مضطرب و قابل عمل قرار نداده است. اما جواب ایشان را خود دو فرزند ارجمند مذکور الصدر ایشان داده و توجیه او را رد کرده‌اند، خلاصه‌ی جواب این است که حضرت را با جلالت قدر و علوشان در تحقیق حدیث اشتباه شده است، **والحق لیس معه فی هذه المسئلة.** حدیث

۱-معارف السنن: ۹۹/۳الی ۱۱۰.

مضطرب نیست و مزید بر آن سنیت این امر اجماع شده است. اختلافی که در این حدیث است در اصطلاح محدثین آن را اضطراب نمی‌گویند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاخر ۱۴۱۲ هـق

کیفیت درود خواندن پیامبر ـ ﷺ ـ در تشهد و...

الاستفتاء: حضور اکرم ـ ﷺ ـ در تشهد چگونه درود می‌خواندند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: درود خواندن بر خود حضرت اکرم ـ ﷺ ـ در هیچ وقت و هیچ حال فرض و واجب نبود چرا که خود ایشان در خطاب **قوله تعالی**: ﴿**یا ایها الذین امنوا صلوا علیه...**﴾ داخل نیستند ایشان در خطاب ﴿**یاایها الناس**﴾ و ﴿**یا عبادی**﴾ داخل می‌شوند نه در خطاب ﴿**یا ایها الذین امنوا**﴾

قال فی الدر:

«و فی المجتبی لا یجب علی النبی ـ ﷺ ـ یصلی علی نفسه»(۱)

و مثله فی الطحطاوی علی المراقی و مثله فی البحر و غیره.

و در تشهد فرائض، در حدیث و روایتی فقهی بعد تفتیش و تلاش کثیر به چشم نخورد که درود خوانده یا نخوانده است و چگونه خوانده یا نخوانده است.

امام ابوعوانة در مسند خود از روایت عائشه صدیقه ـ رضی الله عنها ـ روایتی صحیحه در ذکر نماز وتر آورده است که در رکعت اخیر وتر در تشهد درود خوانده است.(۲)

این دلیل صریح است که وقتی که در وتر می‌خواندند، ضرور در نمازهای دیگر هم می‌خوانده‌اند. خصوصاً در فرائض اگر چه بر سر ایشان فرض و واجب نبود اما به طریق دعاء می‌خواندند و نیز معلوم شد که ایشان درود را مثل امت به صیغهٔ انشای خطابی می‌خوانده‌اند نه به صیغهٔ متکلم ذات خود یعنی **اللهم صلی علّی** نمی‌خوانده‌اند، بلکه

۱- ردالمحتار: ۵۱۵/۱، باب صفة الصلاة. حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۱۶۳ و...

۲-مسند ابی عوانة: ۳۲۴/۲، ذکر الخبر المبین ان النبی ـ ﷺ ـ اوتر بتسع.

اللهم صل علی محمد... می‌خوانده‌اند. و در سعایه شرح شرح وقایه به همین حواله نوشته‌اند.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۳ صفر ۱۴۱۳ هق

نماز خواندن با لباس‌هایی که از کشورهای کفار وارد می‌شوند

الاستفتاء: استعمال پارچه‌هایی که از مملکت‌های کفار می‌آیند و مستعمل‌اند، به غیر شستن چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر علم یا ظن غالب به نجاست آنها نیست، نماز در آنها رواست مگر غسل اولی‌تر است برابر است که قمیص باشد یا شلوار و غیره.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

حکم شخصی که به علت باران یا سردی و... نمی‌تواند بیرون رفته و وضوء بگیرد

الاستفتاء: شخصی در خیمه یا کلبه نشسته است و بیرون آن باران تند یا سردی سخت یا باد تند یاگرمی تند یا پشه بسیار است و می‌ترسد که اگر بیرون رود هلاک شود و وقت نماز هم به آخر رسیده است، چه کار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر خوف هلاک و نگذاشتن به نماز متیقن یا ظن غالب است در خیمه و غیره اگر آب میسر است خیر و اگر میسر نیست تیمم کرده نماز بخواند.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۰ محرم ۱۴۰۰ هق

۱- السعایة: ۲۳۵/۲، الکلام فی الصلاة علی النبی ـ ﷺ ـ
۲- ردالمحتار: ۱۵۱/۱، باب المیاه، مطلب فی احکام الدباغة.
۳- الهندیة: ۲۸/۱.

حکم نماز و روزه‌های فوت شده‌ی ادوار گذشته

الاستفتاء: نماز و روزه‌ی ادوار ماضی یک نفر مسلمان که از خدا غفلت ورزیده و سپس توبه و رجوع به خدا نموده، چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تا قدرت ادا کردن دارد توبه فائده نمی‌بخشد بلکه فکر کرده به فکر غالب خود آن مقدار را قضا کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ صفر ۱۴۰۰ هق

«صلاة الوسطی» کدام نماز است؟

الاستفتاء: منظور از صلاة الوسطی چیست؟ در تفسیر قرآن شیعه دیده‌ام که گفته صبح است، ولی هیچ مشابه به صبح نیست، شما چه می‌فرمائید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صلواة وسطی نزد جمهور صحابه و تابعین و امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ نماز عصر است و نزد امام شافعی ـ رحمه الله ـ و بعضی نماز صبح است و نزد بعضی نماز ظهر است و نزد بعضی نماز مغرب است و نزد بعضی عشا است. خلاصه تقریباً چهل و خورده‌ای اقوال راجع به این مسئله موجود است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ رجب ۱۴۱۰ هق

اگر خانه یکی است و به علت دود زیاد نمی‌توان در آن نماز خواند چکار باید کرد؟

الاستفتاء: خانه‌ای طوری پر از دود شده که هر کسی داخل آن بایستد چمشهایش اشک می‌ریزند، خلاصه به خوبی نماز او ادا نمی‌گردد و غیر از این خانه اینجا چنین خانه‌ای دیگر نیست که بتوان آنجا رفته و نماز خواند و وقت هم فصل زمستان است و در بیرون باران می‌بارد و اگر چنانچه باران نمی‌بارد، ولی بیرون نم و پلید است، آیا داخل این خانه که دود دارد در حالت نشستن نماز خواندن جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در نماز فرض قیام فرض است ان را فقط به اینکه چشمش

اشک می دهد ترک نکند البته اگر دود این قدر زیاد است که او را خفه می‌کند که خوف سکته یا خوف عدم قدرت به قرائت مقدار فرض نداشته باشد پس می‌تواند که قیام را ترک کند ولی اگر بیرون همراه چتر یا پتو می‌تواند که نماز بخواند نشستن روا نیست و اگر خوف خفگی دارد هم تکبیر ایستاده بگوید و قرائت را بعد فاتحه مقدار یک آیهٔ بزرگ و یا سه آیه کوچک زود خوانده رکوع کند ولی ترک قیام نکند و اگر این قدر هم قدرت نداشته باشد و دیگر امکانات هم نباشد باز هم تکبیر تحریمه ایستاده گفته بنشیند و همین مقدار که قیام می‌تواند، قیام کند. و اگر در عین نماز دود خاموش شد در باقی مانده قیام لازم است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ رجب ۱۴۱۱ هق

عبور از جلو نمازگزار

الاستفتاء: اگر شخصی نماز می‌خواند و پشت سرش دیگری نماز می‌خواند، اگر آن شخص جلوی او روی عقبی بگذرد، گناهکار می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: گنهکار می‌شود، مگر اینکه چادر یا عصائی به جانب روی نمازگزار به یک دست حائل کرده و از این طرف بگذرد و در این صورت گنهکار نمی‌شود [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۷ ذیقعده ۱۴۱۱۱ هق

هر دو سجده در نماز فرض هستند

الاستفتاء: آیا در نماز هر دو سجده فرض‌اند یا یکی واجب است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سجده‌ی دوم هم مثل اول فرض است. **کما قال فی الهندیة:**

۱-کذا فی الشامی: ۴۷۰/۱.

«السجود الثانی فرض کالاول باجماع الامامة کذا فی الزاهدی»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲۴ ذیقعده ۱۴۱۲ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

مقدار صدا در نمازهای سرّی

الاستفتاء: در نماز خفیه مقدار صوت (آواز) چه قدر باشد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قول کرخی همین است که حروف را تصحیح کند، گرچه خود یا دیگری نشنود. **کذا فی الهدایة**[۲] **و به أفتی.**

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۷ محرم ۱۴۰۳ هق

آیا زن هم می‌تواند بنا کند؟

الاستفتاء: آیا زن هم می‌تواند در نماز بنا کند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در مسئله بنا زن و مرد یکسان است، فرقی ندارد.

در هندیه می‌نویسد:

«والمرأة ان نزلت عن مصلاها فسدت صلاتها لانه بمنزلة المسجد فی حق الرجل...»[۳]

از این جزئی معلوم شد که زن هم می‌تواند بنا کند؛ چراکه معنی این جزئی این است که اگر همان زن به گمان این‌که مرا حدث شده است، از مصلای خود حرکت نمود که برای وضو برود و بیاید بنا کند، بعد از جدا شدن از مصلا، معلوم شد که حدث نشده است.

البته تحقیق احقر این است که عوام زنان و مردان از مسائل باریک بنا بی‌خبراند. به

۱- ۱ / ۷۰.

۲- الهدایة: ۸۱/۱، صفة الصلاة فصل فی القراءة.

۳- الهندیة: ۵۰/۱، ط کانفور.

آنها حکم بنا داده نشود، بلکه آنها را به اعاده حکم کرده شود؛ زیرا اعاده خودش افضل است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۵ رجب ۱۴۱۴ هق

عدم قیام در نماز برای زن به خاطر رعایت حجاب

الاستفتاء: زنی که مسافر است در هنگام مسافرت در مسیر راه به علت رعایت حجاب، آیا قیام برایش واجب است و یا اینکه می‌تواند نشسته نماز بخواند؟ البته زن عذر خاصی بجز رعایت حجاب ندارد.

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌تواند نشسته نماز بخواند؛ چراکه قیام برای مرد و زن فرض است و از ترک فرض، نماز صحیح نمی‌شود مگر در حالت عذر، و این عذری محسوب نمی‌شود. زن به سفر می‌رود و رعایت حجاب نمی‌کند فقط در قیام نماز ملاحظه و رعایت حجاب می‌کند. این زن باید چادری و... بر خود پوشیده و با رعایت حجاب نماز بخواند.

قال فی الهندیة:

«و هو فرض فی صلاة الفرض و الوتر»(۱)

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۵ محرم ۱۴۲۵ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

اشاره به انگشت سبابه در تشهد برای خواص و عوام است

الاستفتاء: هم چنین این ملا می‌گوید: بلند کردن انگشت مسبحه در شتهد برای خواص است؛ چراکه آنها می‌دانند که چه جایی بلند کنند، نه عوام. وگاه وقت جایی بلند می‌کنند که کافر و سخت گناه‌کار می‌شود. و در حدیث که آمده مراد خواص است

۱- الهندیة: ٦٩/١.

نه عوام.

الجواب بسم ملهم الصواب: این هم اشتباه است. در مورد اشاره، فرقی بین خواص و عوام ندارد. محل رفع و وضع آن در فقه تصریح شده است.

قال فی الدر:

«و یرفعها عندالنفی و یضعها عندالاثبات»(۱)

و برای عوام هم ضروری است حتماً محل مشخص وضع و رفع را رعایت کنند، زیرا این عمل از مستحبات است.

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالملک آرامش، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۲ صفر ۱۴۲۵ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

نحوه‌ی سجده رفتن

الاستفتاء: می‌گوید هنگام رفتن به سجده در نماز نباید دستها را به زانو گرفته به سجده برود، بلکه دستها همانطورکه آزادند، به سجده برود؛ زیرا آن وقت دو رکوع لازم می‌آید و این جایز نیست، آیا صحت دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این هنگام دستها را به زانو گرفته به سجده برود هم چنانکه از سجده به قیام می‌رود و دست‌ها را به زانو می‌گیرد. اشکالی ندارد(۲).

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالملک آرامش، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۲ صفر ۱۴۲۵ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

حیثیت اشاره به سبابه در تشهد

الاستفتاء: در تشهد اشاره به انگشت سبابه از نظر مذهب احناف چه حیثیت دارد؟ بعضی از احناف این عمل را بدعت می دانند خصوصاً صاحب خلاصه کیدانی در باب

۱- ردالمحتار: ۳۷٦/۱.

۲- فتاوی محمودیه: ۳۷۹/۱٦.

محرمات ذکر کرده و امام ربانی نیز در مکتوبات خود این عمل را تردید کرده است، **بینوا بالدلیل القاطع اجرکم عندالله تعالی.**

الجواب بسم ملهم الصواب: در تشهد اشاره به انگشت سبابه از نظر مذهب احناف حیثیت مسنونیت دارد به دلیل اینکه روایاتی که در مورد اشاره آمده‌اند به درجهٔ شهرت رسیده‌اند.

دیگر اینکه واقف‌ترین شخص به مذهب امام ابوحنیفه، امام ربانی محمد بن حسن شیبانی می‌باشد.

امام محمد در کتاب خود مؤطا بعد از سرد کردن روایت اشاره بالسبابه می‌گوید:

«قال محمد و بصنیع رسول الله ـ ﷺ ـ نأخذ و هو قول ابی حنیفة»(۱)

امام ابویوسف در کتاب خود به نام «امالی ابی یوسف» بر سنیت اشاره تصریح نموده است و در باره‌ی مسئله اشاره بالسبابه حدود ۳۰ رساله نوشته شده است.

در باره‌ی مسنونیت اشاره هیچ شکی نیست پس بعد از ثبوت اشاره از روایات مشهوره و تصریح امام ابویوسف و امام محمد، نوشتهٔ خلاصه‌ی کیدانی و غیره نامسموع و غیر مقبول است. محدث بزرگ علامه مولانا محمد یوسف بنوری ـ رحمه الله ـ درباره‌ی رساله خلاصه‌ی کیدانی می‌گوید:

«والخلاصة الکیدانیة رسالة صغیرة فی مسائل صفة الصلواة (الی ان قال) و فیها مسائل ضعیفة و مصنفها لم یعرف حاله بل لم یعرف اسمه جزماً»(۲)

حضرت خاتمة المحققین محدث بزرگ مولانا ملا علی قاری در رساله خود به نام «**تزیین العبارة بتحسین الاشارة**» در حق صاحب خلاصه کیدانی می‌گوید:

«لو لا حسن الظن به و تاویل کلامه لکان کفره صریحاً و ارتداده صحیحاً فهل یحل لمومن ان یحرم من فعله ـ ﷺ ـ ما یکاد یتواتر معنی»(۳)

پس ثابت شد که قول صاحب خلاصه کیدانی که اشاره را بدعت و حرام قرار داده

۱- مؤطا امام محمد ـ رحمه الله ـ ۱۰۹.
۲-معارف السنن: ۱۰۰/۳.
۳-معارف السنن: ۱۰۰/۳ الی ۱۰۱.

است از ضعف و غلط خالی نیست.

اگر امام ربانی مجدد الف ثانی درکتاب خود اشاره را تردید نموده است، باز هم قول امام قابل اخذ و عمل نیست چراکه در مقابل روایات صحیح و قول صاحب مذهب، قول هیچ یکی از بعدیها مورد قبول و حجة نیست ولو اینکه شیخ عبدالقادرگیلانی ـ﷫ ـیا شیخ سرهندی باشد. هر قدر مقام علمی و عرفانی این بزرگواران در سطح بالا باشد باز هم به اجتهاد و استنباط امام ابوحنیفه نخواهند رسید. علت انکار اشاره از امام ربانی اینکه به نظر تحقیق امام ربانی روایات درباره کیفیت اشاره مضطرب شماراند اما به نظر دیگر، علماء ماهرین فن حدیث دربارهٔ کیفیت اشاره اضطراب ندارند بلکه هدف از اختلاف روایات توسعهٔ امر و تخییر است که در کیفیت آن هر چه مورد پسند و اختیار آنها باشد عمل نمایند فرزندان و خلفاء حضرت امام ربانی به قول امام عمل نکرده‌اند بلکه اشاره را معمول به خود مانند جمهور علماء قرار داده‌اند پس از این ثابت گردید که امام ربانی در این مسئله مصیب بالحق نیست بلکه قول امام ربانی مرجوح شمار است و قابل عمل نیست.

علامه بنوری ـ﷫ ـ می‌نویسد:

«لکن الحق ان الحق لیس معه فی هذه المسئلة مع جلالة قدره و کبر شانه فی العلوم والمعارف و علو کعبه فی الحقائق وامکاشفات الصحیحة علی ما یوافق الشرع علی ان الامام الربانی من اکبر ممن قام لنشر السنة و ربوع الجهل والبدعات و دعا الناس الی اتباع السنة صوفیة عصره بانه لا یجتح باقوال ابی الحسین النوری والبسطامی و فلان فلان فی مثل هذا و انما یجتح بمثل ابی حنیفه و ابی یوسف و محمد فلکل فن رجال...»(۱)

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه) دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۷ ذیحجه ۱۴۱٦ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱–معارف السنن: ۱۰۱/۳ تا ۱۰۲.

«سلام» تشهد انشاءً گفته شود یا حکایتاً؟

الاستفتاء: سلام در عین تشهد حکایتاً گفته شود یا انشاءً؟

الجواب بسم ملهم الصواب: انشاءً هست و تمام تشهد هم انشاءً خوانده می شود. بلکه تمام وظائف نماز بجز از قرائت، انشاءً خوانده می شود.[1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هق

۱-احسن الفتاوی: ۴۸/۳، بحواله ردالمحتار.

كتاب الصلاة /

باب التجويد و القراءة

آیا فرشته‌ها در نماز قرآن می‌خوانند؟

الاستفتاء: فرشته‌ها هم مثل انسان‌ها در نمازها قرآن می‌خوانند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعضی گفته‌اند قرآن می‌خوانند و بعضی گفته‌اند که فقط فاتحه می‌خوانند و بعضی گفته‌اند قرائت قرآن، کرامت بشر است، فرشته را نداده‌اند مگر سماع آن را و این قول اقرب الی الصواب است.(۱)

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۰ هـ ق

قرائت در نماز حکایتاً است

الاستفتاء: قرائت در نماز حکایتاً هست یا انشاءاً؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکایتاً است.(۲)

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

حکم شخصی که اصلاً قرآن را نمی‌داند

الاستفتاء: کسی که اصلاً قرآن را نداند چگونه قرائت کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: کلمه تمجید خواند ولی زودتر چیزی از قرآن یادکردن بر او فرض می‌گردد.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

قرائت خلف‌الامام

الاستفتاء: آیا قرائت خلف‌الامام جائز است یا نه، و اگرکسی خواند چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قرائت مطلقاً نزد ائمه احناف پشت امام برای مقتدی

۱-کما فی معارف السنن: ۱۵/۳ و ٦١.

۲-کما حققه المفتی رشید احمد ـ رحمه الله ـ فی احسن الفتاویٰ.

مدرک روا نیست، بلکه مکروه تحریمی است و ادامه کننده‌ی آن فاسق می‌گردد، البته نمازش با کراهت تحریمی صحیح می‌باشد.

لما قال فی التنویر و الدر:

«والمؤتمّ لا یقرأ مطلقاً و لا الفاتحة فی السریة اتفاقاً و ما نسب لمحمد ضعیف کما بسطه الکمال فان قرأ کره تحریما و تصحّ فی الاصح، و فی دررالبحار عن مبسوط خواهرزاده انها تفسد و یکون فاسقاً و هو مروی عن عدة من الصحابة فالمنع احوط.

و قال الشامی فی الرد:

«قوله (و لا الفاتحة...الخ) بالنصب معطوف علی محذوف تقدیره لا غیر الفاتحة و لا الفاتحة و قوله فی السریة یعلم منه نفی القراءة فی الجهریة بالاولیٰ والمراد التعریض بخلاف الامام الشافعی و بردّ ما نسب لمحمد. قوله اتفاقاً ای بین ائمتنا الثلاثة.

قوله و ما نسب لمحمد – ای من استحباب قراءة الفاتحة فی السریة احتیاطاً ـ قوله کما بسطه الکمال – حاصله ان محمداً قال فی کتاب الآثار لا نری القراءة خلف الامام فی شیء من الصلوات یجهر فیه او یسر و دعوی الاحتیاط ممنوعة بل الاحتیاط ترک القراءة لانه العمل باقوی الدلیلین و قد روی الفساد بالقراءة عن عدة من الصحابة فاقوا هما المنع (الی ان قال) و منع المؤتمّ من القراءة ماثور عن ثمانین نفراً من کبار الصحابة منهم المرتضیٰ والعبادلة»[1]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ جمادی الاخر ۱۴۱۲ هـ ق

مقدار مفروض قرائت در نماز

الاستفتاء: شخصی بعد از سوره الحمد، دو آیه آخری سوره‌ی قمر را خواند در نماز فرض، یعنی از **ان المتقین**... تا آخر خوانده، آیا نمازش جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خواندن یک سوره یا سه آیه که مجموعۀ آنها کم ازکم سی حرف باشد، ضروری است مثل ﴿**ثم نظر ثم عبس و بصر ثم ادبر واستکبر**﴾ یا یک آیه

۱– ردالمحتار: ۴۰۲/۱، صفة الصلاة قبیل باب الامامة.

بزرگ مثل آیة الکرسی یا آیه المدائیه است.

و دربارهٔ مقدار فرض قرائت از بعغی قول هیجده حروف منقول است مگر احتیاط در این است که کم از کم مقدار سی حروف باشد.

قال العلاء:

«و فرض القراءة آیة علی المذهب هی لغة العلامة و عرفاً الطائفة من القرآن مترجمة اقلها ستة احرف و لو تقدیراً کلم یلد الا اذا کانت کلمة فالاصح عدم و ان کـررها مـراراً (الی قوله) قرأ آیة طویلة فی الرکعتین فالاصح عدم الصحة اتفاقاً لانه یزید علی ثلاث آیات قصار».

قال فی الشامیّة:

«(قوله فالاصح عدم الصحة) کذا فی المنیة و هو شامل لمثل مدهامّتان و مثل صٓ و قٓ و نٓ لکن ذکر فی الحلیه والبحر ان الذی مشی علیه الاسبیجابی فی‌الجـامع الصـغیر و شـرح الطحطاوی و صاحب البدائع الجواز فی مدهامّتان عنده من غیر حکایة خلاف (قوله لانه یزید علی ثلاث آیات تعلیل للمذهبین لان نصف الآیة الطویلة اذا کان یزید علی ثـلاث آیات قصار یصح علی قولهما فعلی قول ابی‌حنیفة ـ ﷺ ـ المکتفی بالآیة اولیٰ ح قال فی البحر و علم من تعلیلهم ان کون المقرؤ فی کل رکعة النصف لیس بشرط بـل ان یکـون البعض یبلغ ما یعد بقراءته قارئاً عرفاً، و ایضاً فیها لکن التعلیل الاخیر ربما یفید اعـتبار العدد فی‌الکلمات او الحروف (الی قوله) کقوله تعالیٰ ثم عبس الی و استکبر و قدرها من حیث الکلمات عشر و من حیث الحروف ثلاثون»[1]

و فی الشامیّة:

«ای مثل ثم نظر... و هی ثلاثون حرفاً فلو قرأ آیة طویلة قدر ثلاثین حرفاً یکون قد اتی بقدر ثلاث آیات لکن سیأتی فی فصل یجهر الامام ان فرض القراءة آیة و ان الآیة عرفاً طائفة من القرآن مترجمة اقلها ستة احرف و لو تقدیراً کلم یلد الا اذا کانت کلمه فالاصح عدم الصحة و مقتضاه انه لو قرأ آیة طویلة قدر ثمانیة عشر حرفاً یکون قد اتیٰ بقدر ثلاث آیات متوالیة علی النظم القرآنی مثل ثـم نـظر...الخ و لا یـوجد ثـلاث مـتوالیـة اقـصر

۱- ردالمحتار: ۵۰۲/۱.

منها...الخ»[1]

در صورت مسئوله چون که از **ان المتقین** تا آخر سوره قریب سی و هشت حروف می‌باشند لذا نماز صحیح می شود که مقدار فرض قرائت دیده شده است.[2]

و الله اعلم و عمله اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۰ صفر ۱۴۱۹ هـ.ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

کسی که دو رکعت اول سوره ناس را خواند در رکعت دوم نیز سوره ناس را بخواند

الاستفتاء: اگر کسی اول نماز شروع کرده سوره‌ی ناس به دهن او آمد پس در رکعت دوم از کجا بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت در رکعت دوم نیز سوره‌ی ناس را بخواند مگر وقتی که حافظ قرآن مجید در رکعت اول ختم قرآن کرد، پس او در رکعت دوم از سوره‌ی بقره شروع کند.

قال فی الشامیة:

«فان اضطر بأن قرأ فی الاولی «قل اعوذ برب الناس» اعادها فی الثانیة ان لم یختم - نهر... و اما لو ختم القرآن فی رکعة فیأتی قریباً انه یقرأ من البقرة»[3]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۴ جمادی الاول ۱۳۸۵ هـ ق

حکم خواندن ظاء به جای ضاد

الاستفتاء: به جای ضاد، «ظا» خواندن چگونه است؟ بعضی از مولوی‌های نواحی سرباز چنین می‌گویند که اگر در **غیر المغضوب علیهم ولاالضالین** بـه جـای ضـاد، «ظـا»

۱- ردالمحتار :۴۲۷/۱.

۲-احسن الفتاوی ۷۰/۳. فتاوی محمودیه ۲۰۹/۲ الی ۲۱۰ به حواله ردالمحتار ۳٦۱/۱.

۳- ردالمحتار: ۴۰۳/۱.

خوانده شود، نماز فاسد می‌گردد یعنی خواندن، «ضاد»، حتماً ضروری است این مورد چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسئله‌ی ضاد یک مسئله معرکة الآراء است. از زمان متقدمین تا این زمان، در این مورد رساله‌های مستقل نوشته شده است. شیخ طریقت احقر، حضرت مولوی غوث محمد ـ ﷫ ـ رساله‌ای جامع به عربی به نام (**سهام الجاری علی قلب من بدل الضاد بالظآء عمداً فی کلام الباری**) و حضرت حکیم الامت ـ ﷫ ـ رساله‌ای به نام (**الاقتصاد فی الضاد**) نوشته است. و دیگر علماء دیوبند هم نوشته‌اند. حضرت مفتی رشید احمد ـ ﷫ ـ هم رساله‌ای به نام (**الارشاد الی مخرج الضاد**) نوشته که جزو جلد سوم احسن الفتاوی است.

خلاصه‌ی مسئله این است که خواندن لفظ ضاد پنج صورت دارد:

۱. ضاد را از مخرج اصلی آن که بیخ طواحن بالا و پائین است، طبق مشق استاد کامل چنان بخواند که از تمام حروف امتیاز پیدا کند نه عین حرفی دیگر باشد و نه مشابه آن. صورت اصلی تلفظ آن که به اتفاق ائمه و علماء صحیح و بی غبار است، همان قرائتی است که قاری حافظ محمد ایوب، امام مسجد نبوی و قاری حافظ حذیفی، امام مسجد حرام و قاری محمد خلیل حصری و قاری عبدالباسط در نوارها می‌خوانند، آن راگوش کنید. احقر هم چون که از اساتید همین طور خوانده‌ام با تکلیف همین طور می‌خوانم.

۲. آن را به صورت دال خواند یا به صورت دال باریک یا به صورت دال پر یا به صورت ذال یا به صورت ظا خالص عمداً می‌خوانند در این صورت به اتفاق متقدمین و متأخرین نمازش فاسد می‌گردد.

۳. آن را مشابه دال یا مشابه ذال یا زاء بخواند در این صورت هم نمازش فاسد می‌گردد.

۴. آن را مشابه دال پر خواند.

۵. آن را مشابه «ظا» خواند در این دو صورت اختلاف است؛ بعضی اول را ترجیح

داده‌اند و محققین دوم را ترجیح داده‌اند و همین راجح است.

باید دانست که این همه قیل و قال در صورتی است که خواننده برای خواندن سعی کرده است، ولی علیرغم کوشش‌هایش نمی‌تواند صحیح بخواند، اما اگر می‌تواند صحیح تلفظ کند ولی با وجود این به صورت «ظا» خالص می‌خواند، نمازش صحیح نیست و اگر مشابه خواند گنجائش دارد.

تقریباً شصت و چهار کتاب ضاد را مشابه ظا قرار داده‌اند. در احسن الفتاوی می‌نویسد:

«ضاد کو علی الاطلاق ظاء پرط هنی کی جواز کاکوئی قائل نهین. البته جو شخص ضاد کی مخرج پر قادر نه هوا سکی لئی ظاء پرط هنی کی جواز کی اجازت هی (اعنی مشابه ظاء) قادر علی المخرج کو عمداً ظاء پرط هنا جائز نهین خطأ پرط ها تو نماز هوجا ئیگی»[۱]

اگر میل تحقیق بیشتر دارید در احسن الفتاوی ج ۳، این بحث به صورت یک رساله است، مطالعه کنید.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ذیحجه ۱۴۱۳ هـ ق

خواندن قرآن کریم از رو بدون رعایت تجوید موجب ثواب است یا خیر؟

الاستفتاء: مسلمین (طبقه عام) در نماز یا غیر نماز قرآن مجید را بدون رعایت تجوید و صداکشیدن حروف از جای اصلی می‌خوانند و تلاوت می‌کنند، اما سیاه خوانی شان درست است. آیا این طور تلاوت جائز و موجب ثواب است یا ناجائز است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر سیاهس خوانی شان صحیح است به این طور که حروف متشابهه را فرق می‌کنند مثلاً ضاد، ظا، ذال، زا، و سین، صاد، ثاد، و تا و طا را فرق می‌کنند، پس این تلاوت جائز و موجب ثواب است و نمازشان جائز است و اگر نه

۱- احسن الفتاوی: ۱۰۱/۳.

باید کوشش کنند که این حروف را درست بخواند ولی تلاوت و غیره را به هر حال ترک نکنند.[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادى الثانى ۱۴۱۵ هـ ق

حکم خواندن فاتحه در دو رکعت اخیر

الاستفتاء: ما قولكم رحكم الله فى قراءة الفاتحة فى ما بعد الاوليين من الفرائض و فيها ثلاثة اقوال:

(۱) القول بالاختيار فى قراءتها والسكوت كما هو معلوم عن على و ابن مسعود ـ رضي الله عنهما ـ

(۲) الافضل قراءتها دون الوجوب و هو ظاهر الرواية و اختيار ابراهيم النخعى.

(۳) الوجوب و هو رواية الحسن عن الامام كما رجحها ابن الهمام و صاحب غنية المستملى ونصه.

فالاحوط رواية الحسن هذا ملخص ما اختتاره الشيخ كمال الدين ابن الهمام فى الاستدلال. غنية المستملى ۲۷۷ ـ ۲۷۸ و ايضاً رجحها العينى فى البناية: ۶۳۱/۲.

والعلامة ظفر احمد العثمانى فى اعلاء السنن: ۱۱۳/۳، نظراً لقوة الاستدلال والادلة و اليكم النص العثمانى ـ رحمه الله ـ قلت ففى المسألة للامام قولان مصححان فاختر ايهما شئت و لكن الاحوط هو العمل بالوجوب والله تعالى اعلم. و نظراً الى العبارات المذكورة هل يجوز لمن يتصدى امر الافتاء ان يقول بوجوب قراءة الفاتحة فى الاخريين من الفرائض ام لا و ما رأيكم؟

(المستفتى عبدالحليم القاضى از دارالعلوم زاهدان)

الجواب بسم ملهم الصواب: الراجح فى تحقيقى و ما اختاره، القول الثانى الذى هو ظاهر الرواية و اختاره ابراهيم النخعى ـ رحمه الله ـ لأن الاخبار فى ذالک متعارض و عند وجود التعارض لا يثبت الوجوب باعتبار الاصول و قد رجحه الشامى بعد نقل الدر، الاقوال الثلاثة و هذا نص الدر:

«واكتفى المفترض فيما بعد الاوليين بالفاتحة فانها سنة على الظاهر و لو زاد لا بأس به و هو مخير بين قراءة الفاتحة و صحح العينى وجوبها»

۱-احسن الفتاوى: ۸۶/۳. فتاوى رشيديه ص ۲۶۴.

و فی الرد:

«قوله (و صحح العینی...) هذا مقابل ظاهر الروایة و هو روایة الحسن عن الامام و صححها ابن الهمام ایضاً من حیث الدلیل و مشی علیها فی المنیة فاوجب سجود السهو بترک قراءتها ساهیاً و الا ساءة بترکها عمداً لکن الاصح عدمه لتعارض الاخبار کما فی المجتبی واعتمده فی الحلیة»[1]

و قد افتی بهذالقول المفتی المجرب والمعتمد المولانا الشیخ رشید احمد الدهیانوی (مد ظله و عم فیضه) فی احسن الفتاوی[2]

اما قولکم هل یجوز لمن یتصدی امر الافتاء...، اقول:

ان کان المفتی مفتیاً بمعنی الحقیقی و مجتهداً أو فقیه النفس یقدر ترجیح بعض الدلائل علی بعضها و یمیز بین الصحیح والسقیم مطابقاً للاصول، فیجوز له ذالک و لکنه أنّیٰ هذالیوم الذی انا و انت فیه. فاما انا و انت الیوم ناقل قولهم، لسنا مفتیاً حقیقیاً.

قال ابن عابدین فی الرد فی مبادی رسم المفتی:

«قال فی فتح القدیر و قد استقر رأی الاصولیین علی ان المفتی هو المجتهد فاما غیر المجتهد ممن یحفظ اقوال المجتهد فلیس بمفت والواجب علیه اذا سئل ان یذکر قول المجتهد کالامام علی وجه الحکایة فعرف ان ما یکون فی زماننا من فتوی الموجودین لیس بفتوی بل هو نقل کلام المفتی لیأخذ به المستفتی...»[3]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ جمادی الاول ۱۴۱۷ هـ ق

۱- ردالمحتار: ۳۷۸/۱، صفة الصلاة، عند مطلب مهم فی عقد الاصابع عند التشهد.

۲- ۷۱/۳.

۳- ردالمحتار: ۵۱/۱.

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بمستحبات الصلاة

بستن دست‌ها زیر ناف عیبی ندارد بلکه افضل است

الاستفتاء: برای مردان بستن دست‌ها زیر ناف بهتر است یا روی سینه؟ بعضی می‌گویند که برای مردان بستن دستها روی سینه ثابت است زیراکه بر ناف دست بستن، نزد ذکر است پس جائز نیست.

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد احناف دست بستن زیر ناف بهتر است. این هم از اثر حضرت علی ـ رضی الله عنه ـ در سنن ابی داؤد و مسند احمد موجود است.[1]

اگر دست بستن نزد ذکر عیب دارد، پس بر سینه عیبی بزرگتر به سه وجه: ۱. تشبه به زنان است و تشبه به زنان به حکم حدیث صحیح، حرام است.

۲. سینه بین پهلوهای نفس اماره است که ذکر و غیره به حکم او کار می‌کنند و او حاکم است، پس دست بستن نزد آن بدتر است از زیر ناف که به نفس اماره بلکه بر سینه آن بسته است.

۳. دل در زیر پهلوهای سینه و محل وسواس شیطان است، به حکم حدیث صحیح. پس دست بستن بر آنجا، اتصال به وساوس شیطان دارد.

این جواب الزامی و ترکی به ترکی است وگرنه نزد احناف هم دست بستن بر سینه جائز است. اگر چه زیر ناف بهتر است.

و الله اعلم و عمله اتم – محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ربیع الثانی ۱۴۱۴ هـ ق

پاک نمودن غبار و خاک از پیشانی

الاستفتاء: بعد از نماز غباری بر رو می‌ماند، دور کرده شود یا نه؟ و در کدام وقت صاف کرده شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مسئله چهار صورت هست.

۱. آن را صاف کند بعد از سلام، و این مستحب است.

۱–معارف السنن: ۱۰۰/۳ الی ۱۰۱.

۲. بعد از فراغت از اعمال نماز و قبل از سلام صاف کند، این هم **لا بأس به** است به اجماع.

۳. بعد از رفع سر از سجده‌ی اخیر و قبل از تشهد، صاف کند، این مختلف فیه است، بعضی مکروه و بعضی ناجائز گفته‌اند.

۴. در میان نماز صاف کند، در صحیح روایت این صورت، مکروه است.

قال فی الطحطاوی شرح الملاقی:

«کره مسح جبهته من نحو تراب کحشیش او عرف فی خلالها الا لحاجة تدعوا الی ذالک فان دعت الیه الحاجة بان ضرّه او شغله عن الخشوع فلا کراهت و اما بعد السلام فلا یکره لما روی ابن السنی فی کتابه عن انس قال کان رسول الله ـ ﷺ ـ اذا قضی صلواته مسح جبهته بیده الیمنی ثم قال اشهد ان لااله الاالله الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن.

قال المحقق ابن امیر حاج:

حاصل هذه المسئلة اربعة وجوه: احدها ان یمسح جبهته من العرق والتراب بعد السلام فذالک مستحب لانه خرج من الصلواة و فیه ازالة الاذی عن نفسه.

الثانی ان یمسح بعد الفراغ من اعمال الصلواة قبل السلام قال فی البدائع لا بأس به بالاجماع لانه لو قطع الصلواة فی هذه الحالة لا یکره فلان یکره ادخال فعل قلیل اولی.

الثالث ان یمسح بعد ما رفع رأسه من السجدة الاخیرة قبل ان یقعد قدر التشهد فقال السرخسی لا بأس به و قال الحلوانی فیه اختلاف الفاظ الکتب ففی بعضها اکره و فی بعضها لا اکره ذالک و لکل دلیل من السنة.

والرابع ان یمسح فی خلال الصلواة اه

و ظاهر الروایة کما فی التحفه انه یکره و هو الصحیح»[1]

و الله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۳ رجب المرجب ۱۳۸۵ هـ ق

۱– حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۲۰۸.

کیفیت و مقدار بلند کردن دست‌ها هنگام دعا

الاستفتاء: در دعاء دست تا کجا برداشته شود، و در دعاء متصل کردن کف با کف اولی‌تر است یا فصل؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تا مقابل سینه، و فصل از وصل افضل است و وصل هم جائز است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

تکیهٔ کف بر زانو هنگام سجده رفتن

الاستفتاء: وقت رفتن به سجده تکیه کف بر زانو چه حکم دارد، آیا مستحب است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مستحب نیست، بلکه احتراز از آن بهتر است. البته وقت قیام این عمل مستحب است.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

رفع الیدین در دعای اللهم انت السلام

الاستفتاء: رفع یدین بعد از فرائض در دعای اللهم انت السلام و امثال آن به حدیث ثابت است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ثابت است به روایات ضعیفه، اما در فضائل اعمال عمل بر روایات ضعیفه هم جائز است و به روایات دیگر قوت هم پیدا می‌گردد و در دعای مطلق رفع یدین به احادیث صحاح ثابت است و در آن کلیه دعاء بعد الفرائض هم داخل است.

۱- احسن الفتاوی: ۵۱/۳.

۲- ردالمحتار: ۴۷۳/۱.

بعضی از آن روایات ضعیفه در عمل الیوم و اللیلة و در مصنف ابن ابی شیبه و فضـ الوعاء و ترمذی و نسائی و ابن خزیمه موجوداند. و بعضی از آنها در احسن الفتاوی نقل فرموده است.[۱]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم الحرام ۱۴۰۳ هـ ق

دعای اضافی بر اللهم انت السلام

الاستفتاء: بعد از اللهم انت السلام اگر دیگر دعاء هم در این وقت خوانده شود، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست ولی زیاده طول ندهد و عادت چنان نکند.[۲]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱ محرم ۱۴۰۵ هـ ق

ازدیاد لفظ «سیدنا» در درود

الاستفتاء: زیاده لفظ سیدنا در درود نماز چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: زیادت لفظ سیدنا در نام هر دو رسول (علیهما الصلواة والسلام) افضل است.[۳]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم ۱۴۰۳ هـ ق

ازدیاد الفاظ دیگر بر تسبیحات فاطمی

الاستفتاء: در اطرافِ «لاشار» بعضی از ملاهای کبیر السن به جای تسبیحاتی که بعد از نماز خوانده می‌شوند، چیزهای دیگر اضافه می‌کنند مثلاً در سبحان‌الله، حق عبادتک و در الحمدلله، نشکرک و در الله اکبر شأنه و برهانه را اضافه می‌آورند، آیا این طریق از

۱-احسن الفتاوی: ۶۰/۳الی ٦٨.
۲- فتاوی رحیمیه: ۲۰۵/۱.
۳-احسن الفتاوی: ۲۷/۳.

حدیث ثبوتی دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: از حدیث و اقول ائمه اربعه ثبوتی ندارد، در این مقام فقط تسبیح و تمجید و تکبیر مجرد مروی است.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم ۱۴۰۹ هـ ق

دعای ثانی بعد از دعای اللهم انت السلام و رو گردانیدن به سوی مقتدی‌ها

الاستفتاء: در اطراف ما ملایان بعد از فرض نماز فجر و عصر دعای **اللهم انت السلام** را می‌خوانند دوباره رو به سوی مقتدیان می‌کنند دیگر دعاهای مختلف با دست جمعی می‌خوانند آن هم به جهراً. بعد از تسبیحات این عمل را انجام می‌دهند، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این طور خلاف سنت است. فقط یک بار دعاء کردن بعد فرائض، یا بعد فرائض که سنن بعد آنها هست، فقط **اللهم انت السلام**...گنجائش دارد، لیکن دو مرتبه دعاء کردن خلاف سنت و التزام آن بدعت است.[1]

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ محرم ۱۴۰۹ هـ ق

حکم دعای متصل بعد از فرائض

الاستفتاء: دو تن از علماء بر این عقیده هستند و اعلام کرده‌اند که دعای متصل بعد از فرض بدعت است، چه می‌گویند اهل تسنن به خصوص علمای دیوبند که اکثرشان حنفی مذهب‌اند، خواهشمند است جواب را کتباً اعلام نمایند تا رفع نگرانی شود و برای مردم روشن شود.

الجواب بسم ملهم الصواب: اولاً یک تمهید که مشتمل بر چند مقدمه است در ذهن باید داشت تا در فهم و توضیح مسئله مساعد گردد.

۱-کذا فی النفائس المرغوبة فی الدعاء بعد المکتوبة.

۱. تعریف بدعت شرعی و اصطلاحی: «**طریقة فی الدین مخترعة تضاهی الشرعیة یقصد بالسلوک علیها ما یقصد بالطریقة الشرعیة**»

نزد کسانی که عادات را در معنی بدعت داخل می‌کنند و نزد کسانی که عادات را داخل نمی‌کنند، تعریفش این است: «**طریقة من الدین مخترعة تضاهی الشرعیة یقصد بالسلوک علیها المبالغة فی التعبد لله سبحانه**»

و دیگر تعریفی مختصر و جامع دارد نزد محققین که در ذیل التزام نوشته می‌شود.

۲. **التزام ما لا یلتزم** نیز به اتفاق علماء در حکم بدعت داخل است یعنی امری که شریعت به وجوب اعتقادی یا عملی آن وارد نشده است، آن را خود عقیده و لازم دانستن مثل نوافل و مندوبات و مباحات را لازم دانستن بدعت می‌گردد چراکه این هم یک نوع تغییر حکم شرعی و احداث امری از مخترعات ذهن خود است که شریعت آن را به درجۀ مندوب و مباح نهاده است وکسی آن را بالاتر ببرد.

مأخذ التزام حدیث ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ است که حضور اکرم ـ صلی الله علیه وسلم ـ بعد از نمازها از راست و چپ منصرف می‌شدند و اگر کسی یک طرف را لازم گرفت، بـرای شـیطان حصه و سهمیه‌ای از عمل خود دارد. (مشکوٰة)

تعریف جامع و مختصر بدعت:

هر چیز که در سنت وجود نداشته باشد و در زمان صحابه و ائمه (رضی الله عنهم) بر طریق تحصیل ثواب بر آن عمل کرده نشده است.[۱]

این تعریف عیناً مأخوذ از حدیث «**من احدث فی امرنا هذا ما لیس منه فهو رد**» هست. چراکه از لفظ «**من احدث**» معلوم شد که بدعت کاری نو باشد.

«**فی امرنا هذا**» دلالت می‌کند که آن را جزء دین دانسته و در دین داخل کرده عمل کند، چراکه مصداق «**امرنا هذا**»، دین اسلام است و معنی «**فی**» داخل و شامل است. «**ما لیس منه**» عام است یعنی به هیچ وجه به جانب دین مستند نباشد، نه بـه طـریق

۱-کذا فی فضل الباری شرح صحیح بخاری: ۴۴/۲، با ترجمه.

ادله‌ی اربعه کتاب و حدیث و اجماع و قیاس و نه به وجهی موقوف علیه کدام امر شرعی باشد، پس اگر به یک دلیل از اینها ثابت باشد یا موقوف علیه امری شرعی باشد، بدعت گفته نمی شود. مثلاً اگر دکتری به مریض گفت که برای مرض شما معجون جالینوس مفید است و در فلان درمانگاه موجود است گرفته استعمال کنید، مریض در درمانگاه نفس معجون درست کرده ندیده، اجزاء و مفردات آن را خرید کرده، درست کرد، دکتر ناراض نمی‌گردد که چرا ذات معجون را نیاوردید و اجزاء را آوردید، بلکه خوش می‌گردد که خوب کردی چون ذات نباشد، اینها بعد ترکیب کار ذات می‌کنند.

۳.دوام عمل یا ادامۀ عمل. آن است که عملی نفل یا مندوب یا مباح را ادامه می دهد عملاً ولی اعتقاداً می داند که به ترک آن کسی مجرم نمی شود و قابل ملامت نیست، البته کردن آن موجب ثواب است و ترک آن خلاف استقامت فی العمل است و در مرتبۀ رخصت است، عزمیت نیست.

در این شریعت مرغوب و محبوب است به دلیل حدیث صحیح بخاری شریف که صدیقه (رضی الله عنها) فرمودند: «محبوب‌ترین اعمال نزد حضور ـ ﷺ ـ عمل دایم بود»[1]

و به دلیل حدیث دیگر بخاری که حضور ـ ﷺ ـ به عبدالله ابن عمرو ـ رضی الله عنه ـ فرمودند: «مثل فلان نباش که اول تهجد می‌کردند و الآن ترک کردند»[2] (یعنی بر شب خیزی مداوم باش)

فرق میان التزام و ادامه:

اگر اعتقاداً آن را لازم و ترک آن را موجب اثم داند و دیگران را به ترک آن ملامت کند و قابل ملامت داند، پس التزام است و اگر اینها نیستند، فقط دوام عمل دارد بدون این عقاید و فقط مقصودش تحصیل ثواب و تقویت استقامت است، این خوب و محبوب و مرغوب و مؤکد در شریعت است.

۱- رواه البخاری فی صحیحه عن محمد بن المثنی، کتاب الایمان، باب ۳۳.

۲- رواه البخاری ایضا فی صحیحه عن العباس بن الحسین، کتاب التهجد، باب ۱۹.

۴. اتباع نبی اکرم ـ ﷺ ـ در چهار چیز است. قول، فعل، تقریر. و محبوب و مرغوب دینی و عادی. البته فرق مراتب هست، در بعضی صورت‌ها اتباع او واجب و در بعضی سنت، و در بعضی مستحب، و در بعضی مباح و جائز است.

و در قسم چهارم هم اتباع ایشان درجهٔ استحباب دارد. مثلاً حضور اکرم ـ ﷺ ـ نقض بناء کعبه و آن را بر بنیان حضرت خلیل ـ علیه‌السلام ـ کردن را محبوب می‌داشتند و بنابر مصلحتی نکردند. حضرت ابن زبیر ـ رضی‌الله‌عنه ـ آن را انجام دادند و هم چنین تراویح در رمضان با جماعت را محبوب داشتند و بنابر مصلحتی ترک کردند و دوام مسواک را محبوب داشتند و صلواة الضحی و ادامهٔ آن را محبوب داشتند و نکردند.

و حضرت صدیقه (رضی‌الله‌عنها) اکثر انجام می‌دادند و دعای بعد فرائض را ترغیب می‌دادند و از تمام اوقات دعاء به استثنای دعای سحر بر مقبولیت ترجیح می‌دادند و خود به اجتماع نمی‌کردند.

۵. اتباع صحابه ـ رضی‌الله‌عنهم ـ هم برای ما امت یک نوع سنت و موجب نجات و هدایت است به حکم قرآن و حدیث صحیح.

۶. اتباع سلف و ائمه هم بر ما بعدی‌ها مأموربه و موجب هدایت است به حکم قرآن و احادیث صحاح.

۷. ورود ماده‌ی هر جزئی از عبادات و معاملات و غیرهما در نصوص قرآن و حدیث لازم نیست به حکم خود قرآن و حدیث بلکه ثبوت مفهوم آنها هم کافی است بلکه ورود نظائر آنها فی‌الجمله هم در بعضی جا کفایت می‌کند.

بعد از استماع تمهید با مقدمات هفتگانه، به اصل مسئله متوجه باشید که اصلی از شریعت بر این دعاء بعد مکتوبات هست یا نه؟ و آیا این دعاء به هیئت اجتماعیه ثبوتی دارد یا نه؟

خلاصه‌ی مطلوب دو چیز است؛ یکی ثبوت نفس دعاء بعد الفرائض. دوم ثبوت دعاء در این وقت به هیئت اجتماعیه. پس صورت اولی به اتفاق امت و ائمه به درجهٔ سنیت یا استجابیت به سبب ورود کثرت احادیث صحاح ثابت است. چنانچه مفتی

دیار الهند والعرب حضرت مولانا محمد کفایت الله دهلوی (رحمة الله علیه) در «نفائس مرغوبه و صحائف مرفوعه» تحریر فرموده و در آن امضائات و تصحیحات علماء دهلی و تصدیقات و تحریرات علماء رنگون و مولمین و برهما و دیوبند و سورت وراندیر و گجرات و لاهور و پنجاب و پانی پت و ریاست جنید و رهتک و ندوة العلماء وکاپنور و دربهنگه و بهار و میرئه و مراد آباد و بلند شهر و امروهه و بریلی و شاهجهان پوروسها راپنور و سرسه و بهوپال و ریواری و اجمیر و تهانه‌بون و امرت سروکلکته و حیدر آباد و لکهنو ورتلام و سرای میر و مونگیر و بلگرام و نواکهالی وگلاؤئهی و هائهزار. غرض امضاء تمام مواهیر هندوستان در آن درج است.

و نیز حضرت حکیم الامت (قدس سره) در امدادیه رساله‌ای مستقله از احادیث و از مذاهب اربعه جدا جدا مفصلاً ثبوت آن را نقل فرموده است.

و هم چنین حضرت مفتی رشید احمد لدهیانوی ـ رحمه الله ـ در احسن الفتاوی از جلد اول به صورت رساله مدلل تحریر کرده است[1]

و صورت دوم. اگر چه این هیئت خاص و هیئت اجتماعیه بعد فرائض عملاً از آن حضرت ـ ﷺ ـ در صحاح سته ثابت نیست ولی از اقوال و ترغیبات آن حضرت ـ ﷺ ـ ثابت است و در نوافل و دیگر جاهای عملاً هم از آن حضرت ـ ﷺ ـ ثابت است. چنانچه در ترمذی شریف و مشکاة از فضل ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ مروی است.

۱. قال:

قال رسول الله ـ ﷺ ـ مثنی مثنی تشهد فی کل رکعتین و تخشع و تضرع و تمسکن ثم تقنع یدیک یقول ترفعهما الی ربک مستقبلا ببطونهما وجهک و تقول یا رب یا رب و من لم یفعل ذالک فهو کذا و کذا و فی روایة فهو خدا»[2]

قال فی المرقات:

۱- امداد الفتاوی: ۵۴۳/۱ الی ۵۶۲. احسن الفتاوی: ٦٠/١ الی ٦٨. وکذا فی فتاوی مظاهر العلوم (فتاوی خلیلیه): ۳۳۰/۱. فتاوی محمودیه: ۱۲۳/۲. فتاوی رحیمیه: ۱۰۵/۱.

۲- مشکوة ص ۷۷.

«ثم تقنع عطف علی محذوف ای اذا فرغت منها فسلم ثم ارفع یدیک سائلاً حاجتک و کذا فی اللمعات و اشعة اللمعات و مظاهرالحق.»

حالا در این لفظ **ثم تقنع** چون دیده می‌شود لفظ امر است، اگر چه برای وجوب نیست ولی اتفاقاً از آن استحباب ثابت می‌گردد که فرمودند چون از نماز فارغ شدید، هر دو دست خود را بلند کرده دعاء کنید.

و این خطاب برای همه نمازی‌هاست. یعنی **(ایها المصلی)** و **مصلی** عام است که تنها باشد یا با جماعت باشد همه داخل‌اند همانطور که فرد مخاطب است در این اسم جنس، جمع هم مخاطب است.

۲. عن انس ـ رضی الله عنه ـ ان النبی ـ صلی الله علیه وسلم ـ قال:

«ما من عبد یبسط کفیه فی دبر کل صلواة یقول اللهم الهی و اله ابراهیم و اسحق و یعقوب و اله جبرئیل و میکائیل و اسرافیل اسئلک ان تستجیب دعوتی فانی مضطر و تعصمنی فی دینی فانی مبتلی و تنالنی برحمتکم فانی مذنب و تنفی عنی الفقر فانی متمسکن الا کان حقا علی الله ان لا یرده خائبین عمل الیوم واللیلة»[1]

اگر چه روایت ضعیف است ولی در فضائل اعمال به اتفاق علماء معتبر است.

در این حدیث لفظ «**ما من عبد**» و لفظ «**دبر کل صلواة**» هر دو عام‌اند در اول همه مردم فرداً و جمعاً داخل‌اند و **دبر کل صلواة** همه نمازها را از فرائض و نوافل شامل است.

۳. احادیث فضیلت دعاء بعد فرائض به طریق اطلاق و عموم در تمام صحاح سته به کثرت وارداند، مراجعه کنند. و عملاً هم از آن حضرت ـ صلی الله علیه وسلم ـ با اجتماع در قنوت نازله در عین نمازها و آمین صحابه در تمام صحاح سته مروی است و در مواقع جهاد و در استسقاء هم با جمعیت و رفع یدین در تمام صحاح ثابت است.

علامه طبرانی در اوسط می‌آورد به روایت قیس مدنی که شخصی نزد حضرت زید بن ثابت آمده و از موضوعی سؤال کردند. حضرت زید ـ رضی الله عنه ـ او را حواله‌ی ابوهریرة ـ

۱-کذا فی امداد الفتاوی: ۵۴۴/۱.

ﷺ ـ کردند و ابوهریرة ـ ﷺ ـ در مسجدی با گروهی دعاء می‌کردند و از حسن اتفاق حضور اکرم ـ ﷺ ـ در آن مجلس تشریف فرما شدند و مجلس ما را رونق افروز کردند و ما خاموش شدیم. حضور ارشاد فرمودند که در همان کار خود مشغول باشید که شما بودید. حضرت زید می‌فرماید که ما دو مرتبه مشغول دعاء شدیم حضور اکرم ـ ﷺ ـ آمین می‌گفت. دو مرتبه ابوهریرة ـ ﷺ ـ دعاء کرد، حضور با مجمع آمین می‌گفت.

هیثمی می‌فرماید: غیر قبس تمام رواتِ این حدیث، ثقه هستند.[۱]

و نیز در حیات الصحابة دعای اجتماعی بسیاری از صحابه از کتب معتبره به اسناد قویه نقل کرده‌اند مثل امیرالمؤمنین حضرت عمر فاروق و غیره (رضی الله عنهم)[۲]

و حافظ ابوبکر ابن ابی شیبة در مضف خود از اسود عامری از پدر خود روایت می‌کند که **قال صلیت مع رسول الله ـ ﷺ ـ الفجر فلما سلم انحرف و رفع یدیه و دعاء (الحدیث)**

ببین در این حدیث تصریح است که حضور اکرم ـ ﷺ ـ بعد نماز صبح دعاء خواند.

و علامه سیوطی ـ ﷺ ـ در فض الوعاء می‌گوید:

«اخرج ابن ابی شیبة قال حدثنا محمد یحیی الاسلمی قال رأیت عبدالله ابن الزبیر ورأ رجلاً رافعاً یدیه یدعو قبل ان یفرغ من صلواته فلم فرغ منها قال له ان رسول الله ـ ﷺ ـ لم یکن یرفع یدیه حتی یفرغ من صلواته، رجاله ثقات»[۳]

در این حدیث تصریح است که ابن زبیر ـ ﷺ ـ عمل حضور اکرم ـ ﷺ ـ را بیان کردند که بعد نمازها دعاء می‌کردند. و عمل تمام مذاهب اربعه از سلف و خلف به این دعاء همین طور به اجتماع مروج بوده و هست، **کما فصله فی الامدادیه.**

خلاصه‌ی تحریرات بالا.

۱. معلوم شد که این دعاء از قسم بدعت اولی نیست.

۲. معلوم شد که از ادامهٔ عمل است به حکم مقدمه سوم.

۳. معلوم شد که از اتباع صاحب شریعت بیرون نیست به حکم مقدمهٔ چهارم.

۱- حیاة الصحابة: ۳۶۹/۳. ۲- حیاة الصحابة: ۳۷۰/۳.

۳-کذا فی امداد الفتاوی: ۵۴۵/۱.

۴. و از اتباع صحابه هم بیرون نیست به حکم مقدمهٔ پنجم.
۵. از اتباع سلف صالح و ائمه هم خارج نیست به حکم مقدمهٔ ششم.
۶. ورود ماده‌ی جزئیه هم فی الجمله ثابت شد به حکم مقدمهٔ هفتم.

البته به حکم مقدمهٔ دوم اگر همین دعای اجتماعی را با این هیئت مروجه اگر کسی آن را لازمی و ضروری داند به این طور که تارک آن را ملامت کند و قابل ملامت داند، پس در التزام مالایلتزم داخل شده بدعت می‌گردد.

لهذا وقتاً فوقتاً ترک داده شود، بهتر است تا که در اذهان عوام، اعتقاد لزوم راسخ نگردد.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
١٦ ربیع الاخر ۱۴۰۹ هـ ق

رفع الیدین در دعا

الاستفتاء: آیا بلند نکردن دست‌ها بعد هر نماز فرض بدعت است یا خیر؟ چون که با بسیاری از برداران افغانی برخورد نمودیم و آنها می‌گویند بدعت است و یک رساله به نام نور العلاوة دارند و از همان فتوی می دهند و مردم را از این کار منع می‌کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سؤال شما واضح نیست، اگر مقصود شما این است که آن ملاها دست بلند نکردن را بدعت می دانند و دست بلند کردن را سنت قرار می دهند، پس جواب این است که این قولشان غیر صحیح است وکتابی که حواله می دهند، این کتاب غیر معتبر است و اگر مقصود شما این است کـه دست بـلند کـردن را بـدعت می‌گویند، پس جواب این است که دست بلند کردن بعد فرائض به مـقدار **اللـهم انت السلام... قولاً عموماً** از احادیث و فعلاً یک مرتبه ثابت است، البته التزام کردن آن بدعت است آن را بدون عقیده لزوم کرده باشد. چنانچه در احسن الفتاوی و غیره مرقوم است.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۲ رجب ۱۴۱۰ هـ ق

حکمت اشاره با انگشت سبابه در تشهد

الاستفتاء: حضرت محمد ـ ﷺ ـ بلند و پائین‌کردن انگشت شهادت را در تشهد چرا مروج کرد چه چیزی باعث این امر گردید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بنابر چند حکمت با ارزش این عمل را اجراء کردند:

۱. چون‌که در زمان جاهلیت مروج بود که اگر کسی این انگشت را به طرف شخص بلند کرده اشاره می‌کرد این یک نوع دشنام بزرگی به شمار می‌رفت که در اثرش هنگامه به قتل و کشتار منجر می‌شد. از این وجه این انگشت را «سبابه» (به صیغهٔ مبالغه) نامیدند (یعنی دشنام دهنده).

حضور اکرم ـ ﷺ ـ برای تغییر این رسم بد و برای ایجاد اصلاح و اتفاق بین امت، او را تبدیل کرده «مسبحه» نام نهاد و همان طور که شیطان آن وقت این انگشت را باعث فتنه و افتراق بین بشر کرده بود که اقوام را بدین وسیله در هم بر هم می‌کرد، شارع ـ علیه السلام ـ آن را آله‌ی توحید و اصلاح و اتفاق مردم‌گردانید و شیشهٔ ابلیس را به کبریت احمر خود نابود گردانید.

۲. این انگشت و رگ‌های آن را به پی‌های قلب تعلق کامل هست که اثر این حرکت به دل مؤمن می‌رسد و اثر می‌کند.

۳. این یک اعتراف و اشاره است برای تطبیق توحید فعلی به قولی.

۴. این اشاره برای تخویف شیطان وارگان به منزله‌ی تخویف دشمن است با اسلحه. دیگر حکمتها هم موجود است.

و الله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ صفر ۱۴۱۱ هـ ق

مقدار بلند کردن دستها هنگام تکبیر تحریمه گفتن

الاستفتاء: از بعضی احادیث معلوم می‌شود که دست‌ها وقت تکبیر تحریمه تا منکبین و از بعضی معلوم می‌شود که تاگوش‌ها بلند کرده شود و بنده چنان بلند می‌کنم که ناخن سبابه و ابهام مقابل منکب و خنصر و وسطی برابر گوش باشد ولی بر من

اعتراض می‌کنند. در این مورد چه می‌فرمائید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این مورد سه نوع روایت وارد شده است: ۱ـ دست‌ها برابر منکبین (هر دو شانه). ۲ـ تا نرمهٔ گوش. ۳ـ تا برابر گوش‌ها بلند کرده شوند. پس نزد احناف تا برابر گوش‌ها افضل است. البته بعض علماء فرموده‌اند که بهترین طریق و عمل این است که دستها را نحوی بلند کند که سر انگشتان برابر گوش‌ها برسد نه بالاتر چنانچه جنابعالی انجام داده‌اید و خوب کرده‌اید. چون در این صورت بر تمام احادیث عمل شده و هیچ یکی ترک نخواهد شد. **کما اشار الی هذا العلامة النووی فی شرح صحیح مسلم و غیره من العلماء.**

اما این فقط در افضلیت و استحباب است ورنه طبق هر حدیثی عمل شود، خوب است.

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۴۲۱/۷/٦ هق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

محل بستن دستها در نماز

الاستفتاء: حد بستن دست‌ها در نماز مطابق فقه امام ابوحنیفه تا کجاست؟ بستن دست‌ها روی سینه آیا از فقه امام ابوحنیفه است یا از فقه امام شافعی؟ بعضی از اهل حدیث می‌گویند که حدیث تحت السرة ضعیف است، صحت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برای مردان بستن دست زیر ناف سنت است.

«و یضعها ای الرجل تحت السرة... قال الشیخ کمال‌الدین بن همام کون الوضع تحت السرة او الصدر لم یثبت فیه حدیث یوجب العمل فیحال علی المعهود من وضعها حال کون قصد التعظیم فی القیام و المعهود فی الشاهد منه تحت السرة و ذکر عن علی من السنة فی الصلوة مع وضع الکف عن الکف تحت السرة. رواه ابوداوود و احمد و اللقطاله...»[1]

۱- غنیة المستملی ص ۱۹۴.

و نزد احناف حدیث تحت السرة مأخوذ و معمول به است و حدیث فوق السرة معمول نیست و اگر کسی دست را بالای ناف (**فوق السرة**) بست، نماز ادا می‌شود ولی نزد ما خلاف اولی است.

و **فی الهندیة:**

«**و یعتمد بیدیه الیمنی علی السیری تحت السرة لقوله علیه الصلاة و السلام ان من السنة وضع الیمین علی الشمال تحت السرة... و لان الوضع تحت السرة اقرب الی التعظیم**»(۱)

مذهب احناف بستن دستها روی سینه نیست، بلکه این مذهب و فقه امام شافعی است. «**و وضع یمینه علی یساره تحت سرته مستقیماً لما روینا و هو سنة القیام**»(۲)

و عن وائل بن حجر قال:

«**رأیت النبی ـ ﷺ ـ وضع یمینه علی شماله تحت سرته**»(۳)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴۲۲/۷/۵ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

مقدار بلند کردن دستها هنگام گفتن تکبیر تحریمه

الاستفتاء: در تکبیر تحریمه برابر بودن دست‌ها به شانه‌ها ضروری است یا برابر هر دو نرمهٔ گوش؟

الجواب بسم ملهم الصواب: برابر بودن دست‌ها با هر دو نرمهٔ گوش مستحب و از آداب نماز است، نه برابر شانه‌ها. البته ضروری و فرض نیست.

قال فی الهندیة:

«**اذا اراد الدخول فی الصلاة کبّر و رفع یدیه خذاء اذنیه حتی یحاذی بابهامیه شحمتی اذنیه**

۱- الهندیة: ۹۵/۱، صفة الصلاة وکذا فی احسن الفتاوی ۵۰/۳.

۲- زیلعی ص ۱۱۱

۳- اعلاء السنن: ۱۴۸/۲.

و برؤس الاصابع فروع اذنیه کذا فی التبین»[1]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۵ / ۷ / ۱۴۲۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

حکم و ثبوت دعا خواندن در قومه و جلسه

الاستفتاء: بعد ازگفتن «سمع الله لمن حمده» تا دیر وقت مقتدی را در قیام نگهداشتن از حدیث و فقه ثابت است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در قومه و جلسه خواندن دعا و مأثوره ثابت و مستحب است. در فرائض و نوافل، فرض نیست. البته در نماز جماعت بنابر رعایت حال ضعفا و مقتدیها برای امام نخواندن بهتر است.

قال فی المحتار:

«قال ابو یوسف سألت الامام أیقول الرجل اذا رفع رأسه من الرکوع و السجود اللهم اغفرلی. قال ربنا و لک الحمد و سکت و لقد احسن فی الجواب اذا لم ینه عنه الاستغفار، نهر و غیره، اقول بل فیه اشارة الی انه غیر مکروه اذ لو کان مکروها لنهی عنه کما ینهی عن القراءة فی الرکوع و السجود و عدم کونه مسنوناً لا ینافی الجواز کما لتسمیه بین الفاتحة و السورة بل ینبغی ان یندب الدعاء بالمغفرة بین السجدتین خروجاً من خلاف الامام احمد لابطاله الصلاة بترکه عامداً و لم أر من صرح بذالک عندنا لکن صرحوا باستجاب مراعاة الخلاف... و عن الحلیة ان یثبت فی المکتوبه فلیکن فی حالة الانفراد او الجماعة و المأمون محصورون لا یثقلون بذلک کما نص علیه الشافعی و لا ضرر فی التزامه و ان لم یصرح به مشایخنا»[2]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۵ ذیقعده ۱۴۲۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- الهندیة: ۷۳/۱.

۲- رد المحتار: ۴۷۲/۱. احسن الفتاوی: ۲۸/۳.

رفع الیدین وقت قیام از رکوع و برداشتن سر از سجده

الاستفتاء: رفع الیدین بعد ازگفتن **سمع الله** و وقت برداشتن سر از سجده ثابت است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رفع الیدین در هفت جا سنت مؤکده است به شرح زیر:

وقت تحریمه، قنوت، تکبیرات عیدین، استلام حجر، صفا و مروه، عرفات و جمرات[۱].

علاوه از این مواضع در دیگر جاها سنت مؤکّده نیست، بلکه سوای این هفت جا در جاهای دیگر رفع الیدین منسوخ شده است. و نزد شوافع در هر خفض و رفع، رفع الیدین ثابت است که در این مورد احادیث هم هست که امام شافعی از آنها استدلال می‌کند.

عن علمقه قال:

«قال عبدالله بن مسعود «الا اصلی بکم صلاة رسول الله ـ ﷺ ـ فصلی فلم یرفع یدیه الا فی اول مرة رواه الثلاثة و هو حدیث صحیح».[۲]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)

۱۵ ذیقعده ۱۴۲۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- رد المحتار: ۵۴۸/۱.

۲- آثار السنن ۹٦/۱. فتاوی محمودیه ۱۲۷/۷ و ۱۱۹/۲ و ۲۹۰/۵. و فتاوی دارالعلوم ۱۷۲/۲ و ۱۷٦ و ۱۷۹ و ۱۸۳ و ۱۸۸.

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بالمسبوق و اللاحق

اگر امام در رکوع یا در قعده باشد، و شخصی در عین حال اقتدا کند

الاستفتاء: اگر شخصی در حالی آمد که امام به رکوع رفته بود یا امام نماز را تمام کرده به التحیات نشسته بود، حالا چکار بکند نشسته و التحیات را بخواند یا در صورت اول به رکوع برود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت سبحان نخواند رکوع را بگیرد و در صورت دوم تحیات را بگیرد و هر وقت که نماز به ترک فرض و واجب عمداً باطل شد از سرنو اعاده کند سجده‌ی سهو نمی‌شود و اگر واجب را به فراموشی ترک کرد سجده‌ی سهو کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ ربیع الثانی ۱۳۸۴ هق

اگر امام مقیم یا مسافر بود، مسبوق نمازش را چگونه به پایان برساند؟

الاستفتاء: اگر امام مقیم باشد و مقتدی هم و یک رکعت باز ماند، یا امام مسافر بود و مقتدی یک رکعت باز ماند در چند رکعت قرائت را کامل بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسبوق اگر پس امام مقیم اقتداء کرده است اگر یک رکعة مانده است، در آن یک رکعت، ثنا و تعوذ و تسمیه و قرائت بخواند و اگر دو رکعت مانده است در هر دو قرائت بخواند البته در رکعت ثانی ثنا و تعوذ نخواند.

و اگر از سه رکعت مانده است دو رکعت اولین را قرائت کند و سوم را خالی کند، فقط فاتحه بخواند.

قال فی الدر:

«و يقضى اول صلواته فى حق قرائة و آخرها فى حق تشهد...»(1)

صورت دوم که امام مسافر و مسبوق مقیم باشد، اگر از یک رکعت بازمانده است، مثل صبح، در آن رکعت قرائت را کامل بخواند و اگر از دو رکعت بازمانده است؛ مثل

۱- ردالمحتار: ۵۵۸/۱، احکام المسبوق و...

مغرب، در هر دو قرائت را کامل بخواند. و اگر از سه رکعت بازمانده و به یک رکعت رسیده است؛ مثل ظهر، عصر و عشاء، در این صورت اختلاف وجود دارد: بعضی او را صرفاً مسبوق گفته‌اند، بنابراین روایت، دو رکعت اولین را پر بخواند. و بعضی دیگر او را لاحق و مسبوق گفته‌اند و بنابراین روایت، در دو رکعت اخیر، قرائت را کامل بخواند. اما اگر شخصی به علت عدم تحقیق، اتفاقاً و عادتاً به هر جانب عمل کند، قابل ملامت نیست[۱].

و **قال الشامی:**

«و قد یکون مسبوقا ایضاً ای اللاحق کما اذا فاته اول صلواة امامه المسافر»[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ ربیع الثانی ۱۳۸۴ هق

الجواب صحیح ـ العبد تاج محمد بزرگزاده.

اگر مسبوق، امام را در تشهد اول دریافت و بلافاصله امام برخاست

الاستفتاء: اگر شخصی امام را در تشهد اولی درک کرد و چند کلمه از تشهد خوانده بود که امام برخاست. تشهد را تمام کند یا به همراه امام برخیزد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر می‌تواند بعد از تمام‌کردن تشهد امام را در قیام دریابد، تمام کرده برخیزد و اگر نه تشهد را ترک کند[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ جمادی الاول ۱۳۸٦ هق

مسبقوق چه وقت ثنا بخواند؟

الاستفتاء: مسبوق ثناء را کدام وقت بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نماز سرّیست هر وقت که رسید بخواند و در نماز

۱- امداد الفتاوی (بر حاشیة،: ۳۲٦/۱. ۲- ردالمحتار: ۵۵٦/۱.

۳- ردالمحتار: ۳٦٦/۱، صفة الصلاة، مطلب فی اطالة الرکوع للجائی.

جهری، نخواند.

قال فی التنویر:

«الا اذا کان مسبوقاً و امامه یجهر بالقرائة».

و فی الشامیة تحت قوله بعد بحث:

«و ینبعی التفصیل ان کان الامام یجهر لا یثنی و ان کان یسر یثنی فکان المعتمد ما مشی علیه المصنف فافهم» (۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۵ هق

تسلیم مسبوق سهواً مع الامام

الاستفتاء: اگر مسبوق به همراه امام سلام کرد بر او سجده‌ی سهو لازم می‌آید یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر مسبوق عمداً به همراه امام سلام کرد به گمان اینکه نماز او ختم شده است نماز او فاسد می‌گردد. و اگر سهواً سلام کرد به همراه امام، سجده‌ی سهو لازم نمی‌شود.

اما معیّت امام حقیقناً چون که مشکل است لذا سجده‌ی سهو کند مگر وقتی که خوب متیقن شد که همه الفاظ سلام را به همراه امام گفته و عقب او نگفته است یا جلوتر گفته است، پس سجده نکند (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۴ ربیع الثانی ۱۳۹٦ هق

کیفیت نماز خواندن مسبوق بعد از فراغت امام

الاستفتاء: بعد از فراغت امام مسبوق نماز خود را چگونه بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اول برخاسته مثل اول نماز، قرائت بخواند و در تشهد

۱- ردالمحتار: ۳٦۰/۱، صفة الصلاة، مطلب فی بیان امتواتر والشاذ.

۲-کذا فی الشامیة: ۴۴۳/۱، قبیل باب الاستخلاف.

حکم اخیرش اختیارکند یعنی اگر در ظهر یا عصر یا عشاء یک رکعت رسید و سه رکعت نرسیده ایستاده ثناء و تعوذ و قرائت خوانده تشهد کند و در دوم قرائة خواند تشـهد نکند و در اخیر بجز از فاتحه، قرائت دیگر نخوانده تشهد کند. و اگر در مغرب به یک رکعت رسید، برخاسته در هر دو رکعت قرائت هم بخواند و در هر دو تشهد هم کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

جهر خواندن مسبوق در قضای مافات

الاستفتاء: مسبوق اگر در نماز جهر در قضای مافات جهر بخواند چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است اگر یک مسبوق باشد یا بیشتر از یک[1].

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ه. ق

مسبوق چه وقت منتظر سلام امام نباشد؟

الاستفتاء:مسبوق کدام وقت انتظار سلام امام نکند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در هر وقت که مسبوق می‌بیند که اگر تا سلام امام انتظار کنم نماز من فوت می‌گردد انتظار سلام امام نکند جلوتر برخاسته نماز خود تمام‌کند.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

اگر مسبوق به یک رکعت مغرب، دو تشهد نکرد

الاستفتاء: مسبوق در یک رکعت مغرب که بعداً اداء می‌کند اگر در اول آن دو تشهد نکرد سجده‌ی سهو واجب است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت بر او سجده‌ی سهو واجب نیست زیرا که

۱- از امداد الفتاوی ج ۱ صفحات مختلفه. ۲-امداد الفتاویٰ: ۳۲۷/۱.

این رکعة من وجه رکعت اولی است استحساناً نه قیاساً.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

تعریف لاحق مسبوق و مسبوق لاحق.

الاستفتاء: تعریف لاحق مسبوق، و مسبوق لاحق چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لاحق مسبوق آن است که از اول نماز اقتداء کرد ولی در خواب یا غفلت رفت تا امام یک رکعة یا بیشتر کرده پس او بیدار شد

مسبوق لاحق آن است که یک رکعت یا بیشتر با امام نرسید و بعداً اقتداء کرد پس یک رکعة کرده مثلاً در خواب رفت و از او چند رکعة دیگر فوت شده سپس بیدار شد.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

مسبوق امام را در تشهد دریافت و در این حال امام برخاست.

الاستفتاء: اگر امام قبل از اتمام مسبوق تشهد خود قیام کرد مسبوق اتباع او کند یا تشهد را تمام کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تشهد خود تمام کرده برخیزد مگر وقتی که ببیند که امام قبل از تشهد من دوباره به رکوع و سجده می‌رود پس چیزی خوانده اتباع کند.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

لاحق و مسبوق لاحق نماز خود را چگونه ادا کنند؟

الاستفتاء: لاحق و مسبوق لاحق نماز خود را چطور ادا کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لاحق برعکس مسبوق کند یعنی در حین نماز امام هر چه

۱- فتح القدیر: ۲۷۸/۱، آخر باب الحدث فی الصلاة. ردالمحتار: ۴۴۱/۱، احکام المسبوق و...

۲- ماخوذ از فتاوی شامی: ۴۴۰/۱، مطلب فی احکام المسبوق...

مانده است اولاً اداکند پس به همراه امام اگر رسید و اگر نه بعداً تمام کند و اگر یک رکعت سوم مانده بود اولاً چهارم با امام کرد پس همان سوم خود تمام کرد نماز او صحیح شد ولی گناه است. و مسبوق لاحق اولاً آنچه در خواب رفته اداکند پس نماز امام را بگیرد بعداً مافات را اداکند[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

اگر مسبوق مافات را در اثنای نماز به جا آورد و با امام سلام بدهد

الاستفتاء: اگر مسبوق ما سبق خود را در بین نماز امام تمام کرده با امام تمام و سلام کرد مفسد است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فتوی بر این است که نماز او فاسد نمی‌گردد[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

حکم نماز متلقی از قول کسی که خارج از نماز است

الاستفتاء: اگر مسبوق برخاست برای تمام کردن نماز خود کسی از خارج نماز او را گفت: «چنین کن» و مسبوق اتباع قول او کرد نماز او چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله فرع عملی مصلی است به قول خارج. قول صحیح، عدم فساد است با کراهیت تحریمی.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

اگر مسبوق با امام سجده سهو نکرد، چه حکم دارد؟

الاستفتاء: اگر امام سجده‌ی سهو کرد و مسبوق نکرد آیا بعداً بر او سجده هست یا نه؟

۱- ردالمحتار: ۴۴۰/۱، احکام المسبوق و...

۲- ردالمحتار: ۴۴۱/۱، احکام المسبوق و...

۳-امداد الفتاوی: ۳۱۷/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

مسبوق بعد از قیام و رکوع، با امام به سجده سهو رفت.

الاستفتاء: اگر بعد از قیام و رکوع مسبوق دید که امام به سجده سهو رفت و مسبوق هم رفت پس دوباره بر مسبوق قیام و رکوع دیگر می‌خواهد یا همان کافی است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دوباره قیام و رکوع کند زیرا اول باطل شدند و اگر نکرد، نمازش فاسد می‌گردد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

اگر مسبوق مافات را در اثنای نماز بجا آورد و با امام سلام دهد

الاستفتاء: اگر مسبوق ایستاده و امام را در قعود گذاشت و رکعت خود را تمام کرده به همراه امام نشسته سلام داد، حکمش چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش صحیح می‌شود مگر وقتی که در تشهد و قعده دوباره اقتداء کرد، آن وقت نمازش فاسد می‌گردد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

امام اشتباهاً سجده‌ی سهو به جا آورد و مسبوق متابعت او کرد

الاستفتاء: اگر امام به اشتباهاً سجده‌ی سهو کرد و مسبوق هم کرد نماز او فاسد شد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح این است که فاسد نمی‌شود.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

٦ ربیع الاخر ۱۳۹۸ هق

اگر مسبوق به دو رکعت از نماز مغرب، در قعده اولی ننشست و سجده‌ی سهو هم نکرد

الاستفتاء: در نماز مغرب مسبوق به دو رکعت در التحیات اول ننشست و سجده‌ی سهو هم نکرد، نمازش درست شد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: استحساناً درست است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱ محرم ۱۴۰۵ هق

اگر مسبوق، با امام هر دو سلام را داد و در همین وقت به قضای مافات بلند شد

الاستفتاء: اگر مسبوق بر هر دو طرف همراه امام سلام دهد و تسبیح خواند بعداً متوجه شود و یا متوجه کرده شد و در همین وقت برخاست، آیا نمازش فاسد می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش فاسد نمی‌شود، بلکه بعد از اتمام نماز، سجده‌ی سهو کند و در صورت متوجه کردن اندکی توقف کرده برخیزد، زیرا که برای نمازگزار عمل بر قول کسی که خارج از نماز است، نزد بعضی مفسد نماز است اگر چه اصح، عدم فساد است[۳].

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ذیحجه ۱۳۹۹ هق

۱-کذا فی الفتاوی الهندیة: ۹۲/۱، الامامة، الفصل السابع.

۲- رحیمیه: ۱۹۹/۱

۳- فتاوی امدادیه (امداد الفتاوی): ۳۱۷/۱ بحواله‌ی شامی: ۴۱۸/۱ و ۵۰۵. وکذا فی عزیز الفتاوی: ۱و۲۵۲/۲.

اقتدای مسبوق به امامی که حال او معلوم نیست که آیا مسافر است یا مقیم؟

الاستفتاء: اگر کسی در وقت نماز، جماعتی را دید که با امام نماز می خوانند و خود او مسافر است و هیچ قرینه‌ای نیست که بداند اینها مسافراند یا مقیم، نیّت مسافری را بگیرد یا نیّت مقیمی را؟ قبل از اینکه این شخص نماز خود را تمام بکند آن جماعت نماز خوانده و رفتند که از آنها تحقیق کند، نماز این شخص چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر این جماعت در روستا یا شهری است و هم دو رکعت خوانده سلام گردانیدند و آن مقتدی حال آنان را ندانسته اقتداء کرد، نمازش فاسد است مسافر باشد یا مقیم؟ اگر اول یا آخر از حال امام معلوم شد که مسافر است یا مقیم نمازش صحیح شد.

و اگر این جماعت در بیابان است، نیت مسافری کند و نمازش به هر حال صحیح است حال امام را بداند یا نداند؟

قال فی الشامیة:

«والحاصل انه یشترط العلم بحال الامام اذا صلی بهم رکعتین فی موضع اقامة والافلا»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ذیحجه ۱۴۰۵ هق

اگر شخصی در وقت عصر دو رکعت فرض خوانده بود، جماعت قائم شود

الاستفتاء: شخصی وقت نماز عصر در مسجد دو رکعت از فرض خوانده بود که جماعت قائم شد در این صورت چه کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بر همین دو رکعت سلام داده اقتداء کند. با امام از سر نو و این دو رکعت نفل کند.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ جمادی الاول ۱۳۸٦ هق

۱- ردالمحتار: ۵۸۴/۱، باب صلاة المسافر تحت قوله (أن العلم بحال الامام شرط).

۲- ردالمحتار: ٦٦٧/۱

اگر امام به مجرد نشستن مسبوق به قعده، برخاست

الاستفتاء: اگر به مجرد نشستن مسبوق در قعده، امام برخاست، فرد مسبوق چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تشهد را کاملاً خوانده برخیزد و اگر نخوانده برخاست نمازش روا است اما مکروه تحریمی است. و حکم تشهد اخیر هم همین است اگر قبل از تمام کردن تشهد، امام سلام گفت، تشهد را تمام کند[1].

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ محرم ۱۴۰۳ هق

مسبوق مقیم پشت سر امام مسافر، مافات را چگونه ادا کند؟

الاستفتاء: اگر فرد مسبوقی مقیم پشت سر امام مسافر اقتداء کرد، نماز باقی مانده را چگونه ادا کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در رکعت دوم اقتداء کرده است پس چون از امام جدا شد در رکعت اولی فاتحه و سورة خوانده قعده کند و در دو رکعت دیگر به فاتحة کفایت کند و در رکعت سوم ننشیند.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ محرم ۱۴۰۳ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر مسبوق مقیم و امام مسافر است، در نماز چهارگانه مسبوق در رکعت اول نرسیده و در رکعت اخیره رسید. الحمد، تسبیح در رکوع و سجود و در قعده التحیات خوانده می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مسبوق پشت امام مسافر بعد از برخاستن برای اتمام نماز خود، در دو رکعت اول پشت سر هم، فاتحه و سوره همه را بخواند. و در دو رکعت اخیره سوره نخواند. تسبیحات دیگر و غیره همه را بخواند.

۱- ردالمحتار: ٣٦٦/١، صفةالصلاة، مطلب فی اطالة الرکوع للجائی.

۲-کذا فی احسن الفتاوی: ٣٨٦/١، رسالة(القول المسافر...)

قال فی الدر:

«و یقضی اول صلاته فی حق قراءة و آخرها فی حق تشهد فمدرک رکعة من غیر فجر یأتی برکعتین بفاتحة و سورة و تشهد بینهما و برابعة الرباعی بفاتحة فقط و لا یقعد قبلها» (۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ ربیع الاخر ۱۴۱۰ هق

عدم صحت اقتداء در عین سلام گفتن امام

الاستفتاء: اگر در عین گفتن امام «السلام»، مسبوق اقتداء کرد، روا باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خیر، این اقتدا صحت و اعتبار ندارد. (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱ محرم ۱۴۰۵ هق

حکم نماز متلقی از قول خارج

الاستفتاء: شخصی به یک رکعت از نماز امام نرسید، شخص مسبوق هم همراه امام سلام داد، دیگری از مقتدی‌های که پهلو او بودند به او گفتند نماز خود را تمام کنید، شما به یک رکعت به امام نرسیده‌اید. او هم بدون از تأخیر بلند شد نماز خود را تمام کرد، آیا نماز او درست می شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر به مجرد شنیدن قول خارج عمل کرد نمازش فاسد می شود و اگر بعد شنیدن اندکی توقف کرد به رأی خود عمل کرد برخاست، نمازش فاسد نمی‌گردد؛ اگر در آخر سجده‌ی سهو کرده است. (۳)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ ربیع الاخر ۱۴۱۰ هق

۱- ردالمحتار: ۴۴۱/۱، احکام المسبوق و المدرک...

۲-کذا فی فتاوی رحیمیه: ۲۰۵/۱، الصلاة، متفرق مسائل.

۳-کذا فی فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۵۳/۱، مفسدات صلاة، نقلاً عن الشامی ج ۱. (البته نمازش به علت کراهیت تحریمی واجب الاعاده است. چون کراهیت تحریمی نزد فقهاء هم به فساد استعمال می‌گردد. فتدبر (مؤلف)

تسلیم مسبوق سهواً مع‌الامام / حکم نماز متلقی از کسی که بیرون نماز است.

الاستفتاء: یک مسئله در فتاوی واحدی می‌باشد آیا از نظر شما این مسئله صحیح می‌باشد یا خیر؟

سؤال: **ما قولهم رحمهم الله تعالی** اندر آنچه شخصی مسبوق بعد سلام امام سلام داده، پس کسی گفتش که نماز تمام‌کن پس به مجرد گفتن آن شخص برخاسته نماز تمام‌کرده در این صورت نماز مذکور فاسد شده یا نه و بعضی طالبان علم می‌گویند که درست شده و بعضی می‌گویند درست نشده. بینوا بیاناً شافیاً.

جواب: **الظاهر ان سلام العمد مفسد للصلواة لکن سلام المسبوق سهواً لا یفسد مطلقاً فکان المحرر لم یطالع مفتاح الصلواة ایضاً اذ فیه .**

اگر مسبوق سهواً همراه امام یا قبل از او سلام‌گوید هیچ باک نیست و اگر بعد از امام گوید سجده لازم می‌شود **انتهی.**

و **فی العالمگیریة:**

و لو سلم مع السلام فینظر ان کان ذاکرا لما علیه من القضاء لا یفسد لانه سلام الساهی فلا یخرجه عن حرمة الصلواة انتهی. فظهر ان سلام المسبوق ساهیا لیس بمفسد بخلاف ما اذا ظن ان علیه السلام مع الامام للاقتداء لانه لیس سلام الساهی فلا یساعد ما فی المتانة لان بینهما بون بعید ثم المسبوق ساهیا و ان کان لا تفسد صلواته کما مر لکن علیه السهو ان سلم ساهیا بعد سلام الامام لانتهاء حکم الاقتداء بسلام الامام فلا یرفع سهوه الامام بخلاف ما اذا سلم قبله او معه لان حکم الاقتداء باق بعد.

قد مر ذالک من المفتاح و فی امداد الفتاح و اذا سلم المسبوق مع الامام مقارنا له او سلم قبله ساهیا فلا سهو علیه لانه فی حال اقتداء و ان سلم بعده یلزمه السهو لانه منفرد. انتهی و اما القول بفساد الصلواة بالامتشال بامر الغیر لاصلاح الصلواة فیرده ما فی البیاض الهاشمی اعلم ان المصلی اذا سلم علی ثلاث رکعات مثلاً ساهیاً فذکره رجل او قال له اتم صلواتک فتذکر و اخذ بقوله و قام یقضی تلک الرکعة الرابعة فانه لا یفسد صلواته و قدتوهم بعض الناس فسادها جابة غیر المصلی قلنا هذه الاجابة لاصلاح الصلواة فلا تضر و لهذا لو کان اعمی یصلی الی غیر القبلة فجاء رجل فاداره الی القبلة فاستدار الاعمی

بادارته لا یفسد صلواته کما فی شرح منیة المصلی و غیره انتهی. و فیه ایضاً من الدلیل علی عدم فساد الصلواة بقوله اتم صلواتک و اخذ المصلی بقوله ما ذکروه فی باب المسافر ان المسافر اذا ام مقیمین یستحب له ان یقول لهم اتموا صلواتکم فانا قوم سفر کما صرح باستحبابه فی شرح المنیة و شرح الوقایة والبحر و غیر ذالک والله اعلم. حرره الفقیر عبدالواحد سیوستانی (فتاوی واحدی ص ۲۱۹ ج ۱)

الجواب بسم ملهم الصواب: جواب حضرت سیوستانی ـ ﷫ ـ متضمن دو مسئله است زیرا که سوال مستلزم آن هر دو هست. یکی حکم نماز مسبوق در صورت سلام مع الامام.

دوم حکم نماز متلقی از کسی که بیرون نماز است. جواب اول و دوم ایشان در نظر احقر هر دو صحیح هستند. تأیید حکم اول در شامی به این الفاظ موجود است.

«و لا سجود علیه ان سلم سهوا قبل الامام او معه و ان سلم بعده لزمه لکونه منفرداً حنیئذ، بحر»[1]

و اگر با وجود تذکر حال خود عمداً سلام همراه امام گفت، نمازش فاسد می‌گردد. در همین صفحات مذکوره موجود است.

و تأیید مسئله دوم او در ردالمحتار شامی موجود است. در جایی به این عبارت مختصر مذکور است:

«و قد منا عن الشر نبلالی عدم الفساد و تقدم الکلام علیه هناک»[2]

(اقول: یعنی فی باب الامامة)

در امدادیه به اردو در جواب چنین سوالی به حواله‌ی شامی می‌فرماید:

«اور دو سری کی کهنی سی کهطری هونی مین احتیاط یه هی که اس کی کهنی کی ذرا بعد کهطر اهوتا که قیام اپنی رائی سی هواس کا امتثال نه هو کیونکه نمازی کو غیر

۱- ردالمحتار شامی: ۴۴۹/۱. امداد الفتاوی: ۳۱۷/۱. احسن الفتاوی: ۲۴/۴.

۲- ردالمحتار: ۴٦۰/۱، مفسدات الصلاة، قبیل مطلب فی التشبه باهل الکتاب، و ص ۴۲۲، الامامة، مطلب فی الکلام علی الصف الاول، و ص ۴۷٦، مکروهات الصلاة. و ایضاً فتاوی دارالعلوم دیوبند ۲ و ۱۵۳/۱، مفسدات و مکروهات صلاة بحواله‌ی شامی.

نمازی کی امتثال کامفسد و غیر مفسد هونا مختلف فیه هی اگر چه اصح عدم فساد هی...»[1]

البته در این عبارت سؤال شما، «**و اذ اسلم المسبوق مع الامام مقارناله**» نوشته است که سجده‌ی سهو لازم نمی‌آید، محقق آن است که احتیاطاً لازم می‌آید چرا که مقارنت حقیقی متعذر است پس در این صورت هم احتیاط آن است که سجده‌ی سهو کند. علامه سید ابن عابدین شامی تحریر فرموده است که معیة حقیقةً نادرالوقوع است[2] و فتاوی دارالعلوم هم به همین تحقیق فتوی داده است.[3]

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۲ جمادی الاول ۱۴۱۲ هق

مسبوق اگر قصداً با امام سجده‌ی سهو و قعده نکرد

الاستفتاء: اگر مسبوق قصداً سجده‌ی سهو نکند همراه امام و قعده هم نکند، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر مسبوق عمداً همراه امام سجده سهو نکرد و اصلاً قعده هم نکرد، نه تنها خودش و نه با امام، نمازش فاسد می‌گردد، به سبب ترک واجب که قعده بود و از ترک واجب عمداً، نماز فاسد می‌گردد. و اگر همراه امام سجده‌ی سهو نکرد ولی تشهد خوانده برخاست و همراهی امام عمداً ترک کرد، پس در این صورت تا رکعت خود را به سجده مقید نکرده است رجوع کند و همراه امام سجده سهو کند و آن قرائت اول او به هدر رفت و دو مرتبه برخاسته قرائت خوانده رکعات خود را تمام کرده و در اخیر سجده‌ی سهو نکند. و اگر برخاست و قرائت خواند قبل از مقدار نشستن امام به قدر تشهد و دو مرتبه همراه امام نه نشست و نماز تمام کرد پس اگر مسبوق به یک رکعت یا دو رکعت است، نمازش فاسد شد و اگر بعد مقدار نشستن امام به قدر تشهد

۱- امداد الفتاوی: ۳۱۷/۱، احکام اللاحق والمسبوق.

۲- ردالمحتار: ۴۴۳/۱، قبیل باب‌الاستخلاف.

۳- فتاوی دارالعلوم دیوبند (عزیزالفتاوی): ۲۵۲/۱، باب سجود السهو.

قرائت خواند و نماز تمام‌کرد نمازش با کراهیت تحریمی صحیح شد.

و اگر در سه یا چهار رکعت مسبوق است برای صحت نماز او این شرط نیست، البته این ضروریست که بعد نشستن امام به قدر تشهد یک حصه از قیام مسبوق که به قدر قرائت ما تجوز به الصلواة نباشد، دیده شود به شرطی که در دو رکعت اخیره، فاتحه و سورة خواند،

نمازش با کراهیت تحریمی ادا می‌گردد و در اخیر بر او سجده نیست[1].

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ جمادی الاول ۱۴۱۲ هق

حکم نماز متلقی از کسی که بیرون نماز است

الاستفتاء: اگر کسی نمازش تمام نیست، اشتباهاً سلام داد و کسی دیگر برایش گفت، نماز را تمام کن، آیا فوراً بلند شود یا تأخیر کند بعداً بلند شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بهتر آن است که بعد از گـفتن او مـقداری تـوقف کـرده برخیزد و اگر فوراً برخاست هم نمازش درست است، ولی مکروه است.[2]

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ جمادی الاول ۱۴۱۲ هق

مسبوق مقیم پشت سر امام مسافر در چند رکعت قرائت بخواند؟

الاستفتاء: اگر امام مسافر می‌باشد و مقتدی مقیم و به یک رکعت از امام در نماز ظهر رسید، آیا وقتی مقتدی برای تمام‌کردن نماز بلند می‌شود در هر سـه رکـعت قـرائت بخواند یا در یک رکعت بخواند؟

۱-کذا فی ردالمحتار شامی: ۴۴۲/۱، احکام المسبوق... احسن الفتاوی: ۳۷۷/۳.

۲-کما فی الامدادیة: ۳۱۷/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: در یک رکعت، بخواند. در مراقی الفلاح شرح نور الایضاح می‌فرماید:

«و لا یقرء المؤتم المقیم فیما یتمه بعد فراغ امامه المسافر فی الاصح لانه ادرک مع الامام اول صلاته و فرض القرائة قد تأدی بخلاف المسبوق» (۱)

از جملۀ «بخلاف المسبوق» ثابت شد: قول اصح آن است که مؤتم مدرک نخواند و خاموش ایستاده مقدار فاتحه، بعداً رکوع و سجده کند نه مسبوق بلکه او اگر یک رکعت نرسیده است در آن بخواند و اگر هر دو را نرسید، در سجده‌ی رکعت اخیره رسید، در هر دو قرائت بخواند.

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۷ جمادی الاخر ۱۴۱۳ هق

آیا مسبوق در قعده‌ی اخیره امام تشهد و درود را بخواند؟

الاستفتاء: زید مسبوق است پس وقتی که امام سلام می‌دهد در قعده اخیره این مسبوق در همین قعده اخیره فقط تشهد را بخواند یا تشهد و درود هر دو را بخواند؟ اگر تشهد و درود را خواند وقتی که نماز را تمام می‌کند او را سجده‌ی سهو لازم می‌آید یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فقط تشهد را بخواند و درود و دعاء نخواند، البته بهتر آن است که اگر امام در سلام دیر می‌کند مسبوق کلمه شهادت را تکرار کند یعنی اشهد ان لا اله الا الله... یا تشهد را یواش یواش بخواند تا امام سلام دهد. و اگر دعا و درود خوانده سجده سهو بر او لازم نمی‌شود که در این وقت تابع امام است.(۲)

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲ رجب ۱۴۱۴ هق

۱- مراقی الفلاح علی هامش الطحطاوی ص ۲۵٦، باب صلاة المسافر.
۲-کذا فی الفتاوی الهندیة: ۹۱/۱، الامامة، الفصل السابع.

به خواب رفتن مقتدی در نماز تا سلام دادن امام

الاستفتاء: اگر شخصی که پشت سر امام نماز می‌خواند بعد از یک یا دو رکعت به خواب رفت تا اینکه امام به یک یا هر دو جانب سلام داد، بعداً بیدار شود، حکمش چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حکم او این است که چون بیدار می‌شود بقیه رکعات را بدون قرائت اداکند و سلام دهد نمازش صحیح می‌شود و سجده‌ی سهو ندارد و این را لاحق می‌گویند.

قال الشامی:

«فلو نام فی الثالثة و استیقظ فی الرابعة فانه یأتی بالثالثة بلا قراءة فاذا فرغ منها صلی مع الامام الرابعة و ان فرغ منهما الامام صلاها وحده بلا قراءة ایضاً» (۱)

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ رجب ۱۴۱۴ هق

استخلاف مسبوق

الاستفتاء: جماعتی قائم شد امام با همین جماعت دو یا سه رکعت خواند، بعداً یک فرد ملا یا مولوی آمد با همین جماعت شریک شد پس به علتی نماز فاسد شد می‌خواستند که نماز را اعاده کنند، آیا همین ملا یا مولوی که در اول نماز شریک نبوده می‌تواند در این مرتبه دوم امام بشود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خلیفه گرفتن مسبوق جائز است ولی بهتر آن است که مدرکی را خلیفه بگیرد. و مسبوق چون نماز امام را تمام کرد، یک نفر مدرک را بگیرد که با مردم سلام دهد و خودش برخاسته نماز خود را تمام کند.

قال العلامة الشامی:

۱- ردالمحتار: ۴۴۰/۱، صفة الصلاة، احکام المسبوق و...

«قوله (و ان صح استخلافه فی حد ذاته) ای اذا سبق امامه حدث فاستخلفه یصح»[۱]

و فی الدر والتنویر:

«و لو استخلف الامام و لو مسبوق اولا حقاً او مقیماً و هو مسافر صح والمدرک اولی»[۲]

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ رجب ۱۴۱۴ هق

کیفیت نماز خواندن مسبوق بعد از فراغت امام از نماز

الاستفتاء: شخصی در رکعت چهارم شریک نماز جماعت شد، آیا این شخص بعد از سلام امام اول رکعت سوم را بخواند و بعد دو رکعت اول را یا اول دو رکعت اول را بخواند بعداً رکعت سوم را؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص اول یک رکعت بخواند و تشهد کند و در این رکعت قرائت بخواند و سپس قیام کند دو رکعت دیگر را اداء کند. و در این دو رکعت، در رکعت اول هم قرائت بخواند نه در رکعت دوم.

قال العلامة الشامی:

«و فی الفیض عن المستصفی لو ادرکه فی رکعة الرباعی یقض رکعتین بفاتحة و سورة و تشهد ثم یأتی باالثالثة بفاتحة خاصة عند ابی حنیفة و قالا رکعة بفاتحة و سورة و تشهد ثم رکعتین اولا هما بفاتحة و سورة و ثانیتهما بفاتحة خاصة» [۳]

والله اعلم و اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه) دارالافتاء منبع‌العلوم

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۴۴۱/۱، احکام المسبوق و...

۲- المرجع السابق: ۴۵۱/۱، قبیل باب ما یفسد الصلاة و...

۳- المرجع السابق: ۴۴۱/۱.

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر کسی به دو رکعت آخر نماز فرض جماعت می‌رسد و بعد از سلام دادن امام آیا آن دو رکعت دیگر را پر بخواند یا خالی و وقت آمدن دو رکعت اول یا دوم آیا سبحانک اللهم رابخواند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این شخص دو رکعت بقیه را پر بخواند و دو رکعت اول سبحان و نعوذ هم بخواند.

قال فی التنویر و الدر:

«والمسبوق من سبقة الامام بها او ببعضها و هو منفرد حتی یثنی و یتعوذ و یقرء».

و فی الرد:

«قوله (حتی یثنی) و یقرء لانه یقضی اول صلاته فی حق القراءة کما یاتی حتی لو ترک القراءة لفسدت» [1]

والله اعلم و اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه) دارالافتاء منبع‌العلوم.
۳۰ ذیقعده ۱۴۱۸ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

۱- ردالمحتار: ۴۴۱/۱.

كتاب الصلاة / باب

مفسدات الصلاة و مكروهاتها

محدث می‌تواند ادعیهٔ وضوء را هنگام بنای وضو بخواند

الاستفتاء: اگر محدث در عین نماز، برای بنای وضوء رفت و در وضوء ادعیهٔ وضوء خواند، نمازش فاسد می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خیر فاسد نمی‌شود.

قال فی الشامیة:

«قوله (لا دائه رکنا)... ثم رئیت فی المعراج عن المجتبی احدث فی قیامة فسبح ذاهباً او جائیاً لم تفسد»[۱]

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیحجه ۱۳۹۵ هق

نماز خواندن با لباس‌های نازک

الاستفتاء: نظریهٔ شما راجع به نماز زن‌هایی که در خانه نماز می‌خوانند و روسری نازک بر سر دارند، آیا نماز اینها صحیح است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آن روسری مقداری نازک است که موی سر یا موی آویزان یا گردن یا گوش زن همه یا ربع یکی از آنها ظاهر باشد و در نظر بیننده می‌آید، نماز او روا نیست، بلکه نماز او اصلاً ادا نمی‌شود.[۲]

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۱ ذیقعده ۱۴۱۱ هق

به همراه داشتن نجاست در نماز

الاستفتاء: شایع است که پزشکان بعضی قرص‌ها را به آب شراب خیس می‌کنند، اگر کسی چند عدد از این قرص‌ها را در وقت نماز در جیب داشته باشد، آیا نمازش درست

۱- ردالمحتار: ۴۴۷/۱، باب الاستخلاف.

۲-کذا فی احسن الفتاوی: ۴۰۳/۱، ردالمحتار: ۲۹۸/۱ و ۳۰۲، شروط الصلاة، مطلب فی ستر العورة.

است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر متیقن یا ظن غالب آن است که این قرصها از همان قسم‌اند و وزن آنها اکثر از مقدار در هم باشد، نماز روا نیست.

قال فی الشامی:

«قوله (بدباغ)... فلو صلی و معه تریاق فیه لحم حیة مذبوحة لا تجوز صلواته لو اکثر من درهم»(۱)

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

پیوند اعضا و نماز خواندن با این حالت

الاستفتاء: در این زمانه پیوندکاری اعضاها جاری است، اگرگوش یکی را بر دیگری پیوند دهند، آیا نمازش درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر وزن همین‌گوش یا اعضای دیگر اکثر از درهم است تا جوش نخورده و در آن حیات نمودار نشده است، نماز خواندن با آن درست نیست، بعد از جوش خوردن، قضای همه‌ی نمازها واجب است. و چون حیات نمودار شد، پاک می‌گردد، آری اگر اعضای شخص را بریده بر بدن خود او جائی پیوند کردند اگر چه از مقدار درهم هم اکثر است نماز او روا است(۲).

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم‌الحرام ۱۴۰۰ هق

اگر کودکی با لباس پلید یا سگ و... بر سر نمازگزار نشست

الاستفتاء: اگر شخصی در نماز باشد و طفلی با پارچه و بدن نجس در حجر او بشیند یا سگ یا گربه‌ای بر سر او نشست نمازش چطور است؟

۱- ردالمحتار: ۱۵۰/۱، باب المیاه، مطلب فی احکام الدباغة.

۲- المرجع السابق: ۱۵۲/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نمازگزار او را نگرفته و آن طفل و غیره خود نشسته‌اند، نماز او روا است اگر اوگرفته و داشته است، روا نیست.

والله اعلم و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

اگر کسی در وقت نماز تخم‌مرغ پوسیده یا تخمِ مرغِ مرده را در جیب داشت

الاستفتاء: اگر شخصی تخم مرغ پوسیده یا مغز یا تخم مرغ مرده جوجه را در جیب داشت و نماز خواند چه حکمی است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

نماز خواندن در ملک غیر

الاستفتاء: در ملک دیگری نماز خواندن چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله سه صورت دارد:

۱. اگر ملک کافر است روا نیست.

۲. اگر ملک مسلمانی و مزروع است هم روا نیست یعنی کراهیت دارد.

۳. و اگر غیر مزروع است لابأس به است.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

اگر یک طرف راه و در طرف دیگر زمین غیر باشد، کجا نماز بخواند؟

الاستفتاء: اگر وقت نماز فرا برسد، یک طرف راه راست و یک طرف زمین غیر باشد، در این حالت چکار کند؟

۱- الفتاوی الخانیة علی هامش الهندیة: ۲۱/۱، الطهارة، فصل فی النجاسة...

۲- المرجع السابق: ۳۰/۱، فصل فی النجاسة.

الجواب بسم ملهم الصواب: به راه نماز بخواند.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۰ محرم الحرام ۱۴۰۰ هق

نماز خواندن با کوت و پتلون

الاستفتاء: با کوت و پتلون نماز خواندن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است، ولی مکروه تحریمه است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ رجب ۱۴۱۲ هق

نماز خواندن با لباسی که از طریق دزدی و قاچاق به دست آمده است

الاستفتاء: در لباس دزدی و در لباسی که از قاچاق گرفته‌اند و می‌فروشند نماز چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از علم نماز خواندن در آن مکروه تحریمی و واجب الاعاده است.[۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

رومال و عقال در سدل داخل نیست

الاستفتاء: رومال و عقال در سدل خدال است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در سدل ثوب داخل نیست.[۴]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

۱- المرجع السابق: ۳۰/۱.

۲- احسن الفتاوی ۴۰۸/۳.

۳- احسن الفتاوی ۴۳۰/۱.

۴- احسن الفتاوی ۴۰۸/۳.

خاریدن بدن در نماز بلاضرورت

الاستفتاء: در نماز بدون ضرورت بدن را خاراندن چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به غیر ضرورت یک بار هم مکروه تحریمی و نماز واجب الاعاده است و با ضرورت تا دو بار گنجائش دارد اما سه بار خاریدن به هر حال مفسد نماز است؛ اگر در میان هر خاریدن به قدر یک رکن توقف نکند.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

نماز خواندن بالای سقف سینما

الاستفتاء: نماز خواندن بالای سقف سینما خانه چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه تحریمه است.[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

در تسلیم «سلام علیکم» (به صورت نکره) گفتن

الاستفتاء: در سلام نماز، اگر امام فقط سلام علیکم گوید به غیر الف و لام چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خلاف سنت و مکروه است.[3]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

نماز خواندن در خانه‌ای که تصویر وجود دارد

الاستفتاء: در خانه‌ای که تصویر ظاهراً موجود است، نماز خواندن چطور است؟

۱-احسن الفتاوی ۴۱۷/۳. ۲-احسن الفتاوی ۴۲۱/۳...

۳- ردالمحتار: ۵۲٦/۱، صفة الصلاة، مطلب فی وقت ادراک فضیلة الافتتاح.

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه تحریمی است و نماز واجب الاعاده است.

قال فی التنویر و الدر:

«و لبس ثوب فیه تماثیل و ان یکون فوق راسه او بین یدیه او بحذائه یمنة و یسرة او محل سجوده تمثال ولو فی و سادة منصوبة لا مفروشة واختلف فیما اذا کان التمثال خلفه والا ظهر الکراهة»[1]

و فی الرد عن البحر:

«فالحاصل أن من ترک واجباً من واجباتها او ارتکب مکروهاً تحریمیاً لزمه وجوبا ان یعید فی الوقت... و قال فی المعراج: و فی جامع التمرتاشی لو صلی فی ثوب فیه صورة یکره و تحب الاعادة»

و بعد اسطر:

«اقول فتلخص من هذا کله ان الارجح وجوب الاعادة...» [2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

نماز خواندن با کراوات

الاستفتاء: نماز خواندن با کراوات چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه تحریمی و واجب الاعاده است.[3]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ محرم ۱۴۰۳ هق

محاذات زن در نماز انفرادی

الاستفتاء: در نماز انفرادی محاذات زن چه حکم دارد؟ مثلاً شوهر و همسر در خانه نماز می‌خوانند و زن از شوهر جلوتر باشد.

۱- الدر المختار علی هامش ردالمحتار: ٦٤٨/١، مکروهات الصلاة.

۲- ردالمحتار: ٦٤/٢، اول قضاء الغوائت.   ۳- احسن الفتاوی: ۴۲۹/۳.

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۱ محرم ۱۴۰۳ هق

نماز خواندن با کلاه‌هایی که از برگ نخل درست شده‌اند

الاستفتاء: کلاه‌هایی که از برگ نخل و غیره درست شده به نیت اینکه اگر کسی بدون سرپوش به مسجد آید، آن را بر سر کرده نماز بخواند چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۱ محرم ۱۴۰۳ هق

ترک رکوع و سجده در نماز

الاستفتاء: در «مالابد منه» موجود است که اگر در رکعت اول یک سجده فراموش کرد پس در رکعت دوم سه سجده کند و سجده‌ی سهو بکند نماز درست می‌شود آیا اگر در یک رکعت فراموش کرد در رکعت دوم دو رکوع بکند یا که نماز فاسد شد به سبب ترک قرض؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر قبل از رکوع رکعت دوم هر جا که یادش آمد رکوع فوت شده را قضا کرده هر چه از سجده و غیره که قبلاً کرده است، دوباره بکند و بعد نماز سجده سهو هم کند، نماز تمام می‌شود. و اگر بعد رکوع رکعت دوم متوجه شد، هم رکوع اول را قضا کرده باقی سجده و رکوع را هم دوباره کرده و در آخر سجده سهو کند، نمازش صحیح می‌شود.

قال الحلبی فی الکبیر:

۱- احسن الفتاوی: ۴۳۳/۳.
۲- احسن الفتاوی: ۴۳۷/۳.

«و كذا لو تذكر ركوعاً قضاه و قضا ما بعده من السجود»[۱]

چراکه ترتیب بین دو رکن شرط است لهذا آن رکن که قبل از رکوع ادا شد، به علت عدم ترتیب لغو گردید دوباره بجا آورده شود نماز فاسد نمی‌شود. **كذا حققها الشامی**[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۳ هق

اگر از جیب نمازگزار عکس به زمین افتاد

الاستفتاء: اگر از جیب نمازگزار پولی عکس دار یا عکسی به زمین افتاد، آیا به نظر کردن آن عکس نماز وی فاسد می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فاسد نمی‌شود، ولی اگر عکس را جلو خود گذاشت و نماز خواند مکروه است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ شوال ۱۴۰۳ هق

نگاه کردن به مکتوب در نماز

الاستفتاء: اگر از جیب نمازگزار کاغذی به زمین افتاد پس آیا به نظر کردن و فهمیدن محتوای آن کاغذ نماز وی فاسد می‌گردد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تا به زبان آن را تلفظ نکند، نمازش فاسد نمی‌گردد.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ شوال ۱۴۰۳ هق

آیا به علت شدت باران می‌توان بدون نقض نماز به داخل مسجد رفت؟

الاستفتاء: اگر امام با مقتدیان در پیشگاه مسجد به نماز مشغول بودند، آیا به ذریعهٔ باران زیاد می‌توانند داخل مسجد و سالن بروند، بدون نقض نماز یا نه؟

۱-شرح حلبی الکبیر ص ۲۷۹، ط لاهور. ۲- ردالمحتار: ۳۴۰/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر کمتر از سه قدم بدون تواتر رفتند نماز فاسد نمی‌گردد.

قال فی الدر:

«و یفسدها کل عمل کثیر لیس من اعمالها و لا لاصلاحها»

و فی الرد:

«... الثالث، الحرکات الثلاث المتوالیة کثیر والا فقلیل...» [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۲ شوال ۱۴۰۳ هق

خاریدن بدن در نماز

الاستفتاء: اگر امام در رکعت اولی سه بار بدن خود را به یک دست بخارد یا فاژه را دفع کند یا در گوش او چیزی رفت آن را بیرون کرد یا به علت عذری دیگر دست برداشت، نماز فاسد می‌گردد یا نه؟ و آیا قیام از اول تا آخر یک رکن شمار است؟ اگر امام با مقتدیان نماز را با این نحو ادا کرد که سه بار دست برداشته به عذر یا بدون عذر، مفتی فتوی به فساد نماز دهد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در نماز بلا ضرورت خاریدن یک بار هم مکروه تحریمی است و نماز واحب الاعاده می‌گردد. البته اگر چنین ضرورت پیش آمد که به جز خاریدن در نماز یکسوئی حاصل نمی‌گردد، فقط یک بار یا دو بار بخارد و بس و اگر سه بار به این طور خارید که در میان هر خاریدن به قدر سه تسبیح توقف نکرد و رکن هم همان یک بود و متواتر کرد، به هر حال نماز فاسد شده است.

خلاصه اگر در یک رکن متواتر سه بار که هر بار دست برداشته خاریده و نهاده و بار دوم و سوم همچنان کرد، نماز فاسد شده است واگر رکن جدا جدا بودند یا بعد از هر خاریدن به قدر رکنی توقف کرده دوباره خارید یا همان یک بار که دست بلند کرده بود نه نهاده چند بار خارید نماز فاسد نشده است. و اگر بدون ضرورت بود، مکروه

۱- ردالمحتار: ۶۲۵/۱ و ۶۲۷، مفسدات الصلاة.

تحریمی و نماز واجب الاعاده است و اگر به ضرورت بود هیچ اشکال ندارد.[۱]
والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۲ شوال ۱۴۰۳ هق

گفتن «الحمدلله» هنگام عطسه زدن و جواب آن به الحمدلله در نماز

الاستفتاء: شخصی در نماز بود عطسه‌ای زد و الحمدلله گفت، آیا نمازش فاسد می‌شود یا نه؟ و یا اینکه چون عطسه زد خودش الحمدلله نگفت ولی دیگری الحمدلله گفت نمازشان فاسد می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت اول که خود نمازگزار عطسه زد و الحمدلله گفت، نمازش فاسد نمی‌گردد.

و در صورت دوم که نمازگزاری دیگر الحمدلله گفت اختلاف است، ولی صحیح همین است که فاسد نمی‌گردد.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۳ ذیقعده ۱۴۰۸ هق

اکتفاء به آب هنگام ادرار کردن و نماز خواندن با این حالت

الاستفتاء: چه می‌فرمایند علماء کرام و مفتیان عظام در مورد مسئله ذیل. آیا نماز افرادی که حالتشان این طور است که بعد از ادرار کردن محض به آب اکتفاء می‌کنند، نمازشان صحیح است یا نه؟ و افرادی که تمام عمر همین کار را کرده‌اند، آیا اعاده‌ی نمازهای گذشته لازم است یا نه؟ و همچنین افرادی که اقتداء به امامی کردند که امام هم این گونه عمل کرده باشد، آیا نمازهایی که پشت سر این امام خوانده‌اند، دوباره اعاده کنند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اکتفاء کردن به آب بعد از ادرار کردن جائز است به شرط اینکه مقداری نشسته اعضای خود را به خوبی از قطرات خشک کرده، مطمئن شده و

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۴۱٦/۳ و ۴۱۷.
۲-کذا فی ردالمحتار: ۴۵۸/۱، مفسدات الصلاة.

شروع به استنجاء کند. خلاصه اگر این اشخاص که به آب اکتفاء کرده‌اند بعد از اینکه از آمدن قطرات مطمئن شده آب استعمال کرده‌اند وضوء و نمازشان درست شده است و اگر قبل از خشک شدن و اطمینان از قطرات، وضوء کرده و نماز خوانده‌اند، همه فرائض و واجبات را اعاده و قضا کنند. اگر نمی‌دانند که چه قدر نماز بوده‌اند، به ظن غالب عمل کنند یا بیشتر کنند. چرا که قبل از اطمینان شدن به عدم وجود قطرات، وضوء و نماز روا نیست. و نفس استبراء تا اطمینان قلب به ختم قطرات، فرض است.

قال فی الشامیة:

«اما نفس الاستبراء حتی یطمئن بزوال الرشح فهو فرض و هو المراد بالوجوب...»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ ذیحجه ۱۴۰۸ هق

تأخیر مقتدی از متابعت و مشارکت امام در ارکان نماز

الاستفتاء: چند نفر با جماعت نماز می‌خوانند و امام از سجده به قیام بر می‌خیزد و یک مقتدی موجود است که همیشه بعد از قیام امام، وقتی که امام قریب به رفتن رکوع می‌شود، او قیام می‌کند، این شخص آثم می‌شود یا نه؟ و در همین صورت اگر امام از قیام به رکوع رفت هنوز هم آن مقتدی قیام نکرد، آیا نماز این مقتدی فاسد می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر عمداً بدون عذر چنین کند، آثم می‌گردد و اگر معذور است ملامت نیست ولی باید به رکوع برسد اگر نرسید و رکوع خود را بعداً کرد، نمازش صحیح می‌شود ولی گنهکار می‌گردد و اگر اصلاً رکوع را ترک کرد، نمازش فاسد می‌گردد.

قال فی الدر:

«والصغری (ای الامامة) ربط صلواة المؤتم بالامام بشروط عشرة (الی ان قال) و مشارکته فی الارکان».

۱- ردالمحتار: ۲۵۳/۱، الانجاس.

قال الشامی:

«قوله (و مشارکته) ای فی اصل فعلها اعم من ان یأتی بها معه او بعده لا قبله الا اذا ادرکه امامه فیها»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۵ ربیع الاول ۱۴۱۰ هق

نماز خواندن در حالی که مقداری تریاک و غیره در جیب داشت

الاستفتاء: شخصی در جیب او تریاک یا هروئین یا چرس بود و نماز خواند، نمازش می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش درست می‌شود چراکه جرم این اشیاء پلید نیست اگر چه خوردن آنها حرام است، البته خلاوف اولی است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ذیقعده ۱۴۱۳ هق

نماز خواندن در حالی که در جیب سیگار داشت

الاستفتاء: بعضی ملاها می‌گویند که سیگار را همراه داشتن در نماز، نماز را فـاسد می‌کند آیا قول این ملاها صحیح است یا نه و اگر صحیح نیست چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: صحیح نیست، البته بهتر نیست کـه بـوی بـد دارد ولی نمازش صحیح است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ صفر ۱۴۱۳ هق

اگر بر اثر آروغ مقداری خوراک به دهان نمازگزار آمد، چکار کند؟

الاستفتاء: شخصی در قعده اخیر نماز یا در رکن دیگری بود که در اثر آروغ مقداری خوراک به دهانش آمد حالا این شخص چکار بکند؟

۱- ردالمحتار: ۴۰۷/۱، اول باب الامامة.

الجواب بسم ملهم الصواب: به دست بیرون کرده بیندازد. و اگر خورد پس اگر کمتر از دانهٔ نخود بود آن را بدون خائیدن فرو برد یا مکیده فرو برد، مکروه است.

اگر مقدار نخود و بیشتر بود، اگر آن را سالم فرو برد، نمازش فاسد می‌گردد و اگر مکیده تمام کرد، نمازش مکروه و اگر سه مرتبه یا بیشتر خائیده فرو برد هم نمازش فاسد می‌شود. این همه در صورتی است که در دهن بود.

و اگر از بیرون و در دهن انداخت یا افتاد و سالم فرو برد، نمازش فاسد می‌گردد اگر چه به قدر دانهٔ کنجد یا قطره‌ی آب باشد و اگر خائید و سه مرتبه شد هم فاسد می‌شود و اگر در دهن نگه داشت و طعمش فرو برود، مکروه است[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۳ هق

بلند کردن هر دو پا در سجده

الاستفتاء: اگر شخصی در حالت سجده هر دو قدم خود را از زمین برداشت، آیا نماز این شخص فاسد می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نهادن قسمتی از هر دو قدمین در سجده به قدر یک تسبیح، به قول راجح، واجب است و در قولی فرض و در قولی سنت است، پس اگر در تمام سجده به قدر یک تسبیح هیچ جزئی از هر دو پا به زمین نگذاشت، نماز او واجب الاعاده می‌گردد و اگر پشت پا نهاد هم واجب ادا می‌گردد بدون عذر، چنین کردن مکروه است[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هق

۱-کذا فی ردالمحتار: ۴۶۰/۱، مفسدات الصلاة.

۲-کذا فی احسن الفتاوی ۳۹۸/۳، مفسدات الصلاة، نقلا عن ردالمحتار للشامی: ۴۶۷/۱.

اگر بر اثر آروغ مقداری آب به دهان نمازگزار آمد، چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: شخصی در حال نماز بود که مقداری آب به وسیلهٔ آروغ از معده به دهانش آمد این شخص چکار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آن آروغ به مقدار پری ذهن باشد، آن را بیرون بریزد و وضوء او می‌شکند نه نمازش، رفته و وضوء کرده نماز را بناء یا اعاده کند. و اگر از پری دهن کمتر باشد، آن را بریزد و نماز را تمام کند نه وضوئش می‌شکند و نه نمازش. در صورت اول اگر فرو برد با وجود قدرت ریختن، نماز او فاسد می‌گردد و اگر در صورت دوم است یعنی پری دهن نیست و فرو برد نزد ابویوسف ـ ﷺ ـ نمازش فاسد نمی‌گردد و نزد امام محمد ـ ﷺ ـ فاسد می‌گردد. و احوط قول امام محمد ـ ﷺ ـ است.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۹ رجب ۱۴۱۳ هق

به دست گرفتن قرآن کریم و خواندن از روی آن در نماز

الاستفتاء: حضرت مولانا محمد عمر صاحب مسئله زیر را خدمتتان عرضه می‌دارم خواهشمندم از روی تحقیق علمی همراه با ذکر دلیل بنده را به ارجح و اصح ارشاد و راهنمائی بفرمائید. مسئله را طوری عنوان می‌کنم که واقع شده است: در ابتدای شبهای ماه مبارک رمضان حافظی آورده بودیم که در تراویح ختم قرآن بکنیم از پی سامع گشتیم ولی سامع پیدا نشد تا آنکه در شبی از شبها آیه‌ای از قرآن کریم اشتباه خوانده شد. خداوند درباره‌ی منافقین می‌فرماید: ﴿**ان المنافقین فی الدرک الاسفل... و لن تجدلهم ولیاً و لا نصیراً**﴾ حافظ به جای و **لن تجد** خواند «**و لهم اجر عظیم**» متوجه شدم و فتح دادم بعد بنده مصحفی جیبی داشتم که در سه جزء ده پاره‌ای بود. شب در نماز تراویح آن را در دست راست گرفته و یک انگشت وسط اوراق بود و دستهایم بسته هرگاه در آیـه‌ای حافظ گیر می‌کرد یا مشکوک می‌شدم که از روی معنی اشتباه می‌خواند فقط چشم را

۱-کذا فی الفتاوی الهندیة: ۵۳/۱، کانفور، بحواله‌ی قاضیخان.

روی مصحف می‌انداختم و در جای ضرورت‌ها حافظ را فتح می‌دادم و شاید در چند رکعتی گاه‌گاهی لازم می‌شد که به وسیلۀ انگشت همان دست راست که قرآن راگرفته و به سینه چسپانیده بودم، ورقی بگردانم. این عمل بنده به صورت استفتاء به دارالافتاء مدرسه ارجاع داده شد و از مدرسه فتوی صادر و نوشته و به دست مردم دادند که نماز امام وکلیۀ مأمومین فاسد شده است.

جناب مولانا بنده قبل از انجام این دلایل را بررسی نموده بودم دلیل بر جواز را بنده حسب گفته بعضی از ائمه مجتهدین از عمومات قرآن‌کریم و احادیث پیامبر ـ ﷺ ـ که نفس قراءة به صورت عموم در نماز از قرآن و سنت ثابت است بدون اینکه قرائت را حفظ خاص کند یا از رو خاص کند و در اصول فقه می‌خوانیم که عام در حالت خود باقی است تا هنگامیکه خاص ذکر شود و در اینجا تا جائی که تحقیق ناقصۀ بنده بوده خاص برای این عام از قرآن و سنت به صورت صریحه ندیده‌ام و نیز برای جواز این مسئله از عمل ام المؤمنین عائشه صدیقه ـ رضي الله عنها ـ که به صورت معلق در صحیح بخاری و به صورت مسند در مصنف ابن ابی شیبه عن وکیع بن الجراح عن هشام ابن عروة عن ابی ملکیة ابوبکر بن عبدالله بن ابی ملکیة از عائشه ثابت است که وی غلام خود ذکون را قیام لیل رمضان امام خود و جمعی از مردم فرمود و زکوان از روی مصحف تلاوت می‌فرمود و به روایت، فی المصحف، و من المصحف ثابت شده است. و به طریق دوم عبیدالله بن ابی ملکیة که یکی از ثقات تابعین است می‌فرماید که بنده و مسوربن مخرمة و اناس کثیر بر بالای رودخانه‌ای می‌رفتیم و نماز می‌خواندیم. عبیدالله در سال ۱۱۷ هـ وفات می‌کند.

روایتی درکنزالعمال ذکر شده از ابن عباس که می‌فرماید ما را حضرت عمر نهی فرمودند که در نماز امام باشیم و از روی مصحف بخوانیم و شیخ تقی آن را به ابن ابی داود در مصاحف خویش عزوکرده است. بنده سند این اثر را نتوانستم تا حال پیدا نمایم ولی متن حدیث به ذهن بنده منکر به نظر می‌رسد. **والله اعلم** . به این صورت که حضرت عمر در سال ۲۳ هـ وفات می‌نماید و تفاوت بین وفات عبیدالله و حضرت عمر ـ رضي الله عنه ـ ۹۴ سال است و عبیدالله بین ۸۰ تا ۴۰ صحابی بیش درک نفرموده است پس

دلالت می‌کند که این عمل را عائشه ـ رضی الله عنها ـ بعد از وفات حضرت عمر ـ رضی الله عنه ـ انجام می دهد.

و در هدایه و فتح القدیر علت فساد نماز را نزد امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ عمل کثیر می دانند.

و لطفاً از روی معانی که در مذهب ما دربارهٔ عمل کثیراً مشاهده می شود لطفاً این عمل ما را با آن مقایسه نمائید و تلقین و تلقن را نیز از روی دلیل صحیح و ارجح در این مسئله در نظر بگیرید و لطفاً این مسئله را همراه با دلیل، قرآن، سنت، آثار صحابه، اجماع، قیاس و اقوال ائمه بیان بفرمائید و به راجحترین و صحیح‌ترین اقوال را راهنمائی نمائید.

الجواب بسم ملهم الصواب: در مسئلهٔ قرائت از مصحف در عین نماز، از سلف اختلاف موجود است نزد حضرت سعیدبن المیب و حسن بصری و شعبی و سلمی و ابوحنیفه و ظاهریه رحمهم الله، این عمل مفسد نماز است. و نزد صاحبین و شافعی و احمد رحمهم الله جائز است. البته مکروه است. و نزد شافعی در قولی مکروه هم نیست چنانچه علامه عینی ـ رحمه الله ـ در شرح هدایه و بخاری و نووی در شرح مسلم نقل کرده‌اند.

دلیل گروه اول این است که حمل مصحف در نماز و تقلیب اوراق آن و نظر و امتیاز بین الحروف عمل کثیراند و عمل کثیر در نماز مفسد نماز است به دلیل قوله تعالی: ﴿**و قوموالله قانتین...**﴾ **الآیة** و عمل کثیر خلاف قنوت است و از حدیث «**ان فی الصلواة لشغلاً**» و مثل این حدیث دیگر احادیثی که در موارد خاص برای منع حرکات مخصوصه و غیره آمده‌اند. البته امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ غیر این دلیل دلیلی دیگر هم قیاس آورده و آن اینکه این عمل یک نوع تلقن من الخارج است. کسی که در نماز است برای او تلقن از کسی که خارج نماز است مفسد نماز اوست. دلیل دیگر امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ همان حدیث ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ است که از اثر حضرت عمر ـ رضی الله عنه ـ آورده است.

و دلیل گروه دوم که قائل کراهیت‌اند، این است که تلقن از مصحف، تشبه به اهل کتاب است که اهل کتاب چنین می‌کردند. **قال علیه السلام:**

«لا تشبهوا بالیهود و لکن خالفوهم»

و دلیل جواز این‌گروه اثر صحیح صدیقه ـ رضی الله عنها ـ و زکوان است.

گروه اول اثر زکوان را دو توجیه کرده‌اند یکی اینکه محمول است بر آنکه ذکوان قبل شروع نماز از مصحف به طور تکرار و تثبیت حفظ می‌خواند نه در عین نماز.

دوم اینکه بین هر دو شفع از مصحف نظر می‌کرد و برخاسته در نماز می‌خوانـد، برای تذکر محفوظ.

عمومات قرآن و احادیث را به آیهٔ بالا که قنوت را لازم کـرده است و ایـن چـنین حرکات و تکلم و سلام و کلام که در اول امر در نماز بودند همه را منسوخ کرد. و نیز برای دلیل خصوص از حدیث «**ان فی الصلواة لشغلاً**» و امثاله استدلال کرده و عام را تخصیص نمودند.

و سند اثر ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ را عینی و غیره ثابت داشته‌اند و چون که اصل را وی ابن عباس است نه عبیدالله که فاصله بین امیرالمؤمنین ـ رضی الله عنه ـ و او داشته باشد. ابن عباس که اصل راویست، فاصله ندارد لهذا حدیث، اثرِ منکر یا منقطع‌نمی‌شود بلکه اثر متصل و مسند است.

و نتیجهٔ دلیل اول امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ این است که اگر مصحف بر رحل یا بر دیوار چسپانده یا در دست دیگری باشد و بخواند نمازش صحیح است یا همان مصحف خیلی کوچک باشد که احتیاج حمل به دو دست ندارد و اوراق‌گردانی آن احتیاج به دو انگشت دو دست ندارد بلکه به یک انگشت گردانیده می‌شود، نمازش صحیح است؛ چراکه عمل کثیر نزد او سه تفسیر دارد: یکی اینکه به دو دست ضرورت دارد نه به یک دست. دوم اینکه مبتلی به آن کثیر داند.

سوم اینکه نگاه کننده از بیرون، از کثرت عمل او تصور کند که او در نماز نیست. نزد امام، تعریف دوم اوفق است و نزد عموم مشائخ احناف تعریف سوم اصح است.

و مفاد دلیل دومش این است که مطلقاً تلقن از خارج مفسد نماز است کم باشد یا بسیار؟ شمس الائمة سرخسی همین دلیل را صحیح گـفته است و صـاحب کـافی و فضلی هم آن را اختیارکرده‌اند و بعضی گفته اگر مقدار یک آیه یا مقدار فاتحه تلقن کند

مفسد است والا لا.

و نزد صاحبین و شافعی و احمد رحمهم الله اگر قصد و اراده‌ی تشبه نداشته باشد، اصلاً مکروه نیست.

و محل این تمام اختلافشان هم برای غیر حافظ قرآن است چراکه آنکه حافظ قرآن است اگر ببیند و بخواند او از حفظ خود تلقن می‌کند نه از خارج، البته عملش به عمل کثیر نرسد و در این صورت او متلقن عن الغیر گفته نمی‌شود.

همین است خلاصهٔ اصل این مسئله که تفصیل آن را در عینی شرح هدایه، البحر الرائق شرح کنز الدقائق و منحة الخالق حاشیهٔ البحر الرائق، تبین الحقائق شرح کنز الدقائق و حاشیهٔ آن از شبلی، فتح القدیر شرح هدایه و عنایة و حاشیهٔ فتح القدیر، فتاوی التاتار خانیه، فتاوای عالم گیریه، مراقی الفلاح و طحطاوی، تنویر بصار و در مختار و ردالمحتار شامی و شروح قدوری ذکر کرده‌اند.[1]

حالا بعد از تدبر و نظر دقیق از عبارات کتب، این نتیجه برآوردیم که اگر شخصی به این عمل مرتکب شد و حنفی المذهب بود پس اگر او قرآنی بزرگ در دست داشت و در ورق گردانی او به دو دست کارگرفت به طوری که بیننده از خارج او را غیر نمازگزار تصور می‌کرد، احتیاط برای او عمل بر قول امام است که ظاهر روایت است و نماز اهم العبادات است، در آن احتیاط مهم است.

و اگر عمل کثیر از او سرزد نشد فقط تلقن از خارج شد، در این صورت اگر امام، حافظ قرآن بود و سامع او اگر حافظ بود یا نبود و او را لقمه داد و حافظ از اوگرفت یا حافظ خود بدون عمل کثیر مصحف را وقتی که نسیان می‌کرد باز می‌کرد و خواند، نمازش صحیح است که او تلقن از غیر نکرده است. و اگر با وجود تلقن در این صورت نماز را اعاده نکرد، طبق قول صاحبین رحمها الله نماز او واجب الاعاده نیست فقط نزد

۱- عینی شرح هدایة: ۷۸۴/۱. البحرالرائق و حاشیهٔ آن: ۱۱/۲. تبیین الحقائق و حاشیهٔ آن: ۷۸۴/۱. فتح القدیر و حاشیهٔ آن: ۲۸٦/۱. فتاوی تاتار خانیة: ۵۸۲/۱. فتاوی هندیة: ۵۳/۱، ط کانفور. حاشیهٔ طحطاوی علی المراقی ص ۲۰۲، ردالمحتار: ۴٦۱/۱، مفسدات الصلاة.

فتاوی هندیة: ۵۳/۱، ط کانفور. حاشیهٔ طحطاوی علی المراقی ص ۲۰۲، ردالمحتار: ۴٦۱/۱، مفسدات الصلاة.

امام اعاده کند، اگر چه مفتی محمد کفایت الله در کفایت المفتی و مفتی رشید احمد صاحب در احسن الفتاوی مطلقاً نوشته‌اند [۱] اما تفصیل همین است که بنده تحریر کردم.

حکم صورة مسئوله شما چنانچه تحریر است، در تحقیق احقر این است که نماز امام و مردم و لقمه دهنده فاسد نشده است چراکه امام خود که حافظ بوده نه او عمل کثیر کرده نه تلقن از خارج کرده است و سامع هم وقتی که مرتکب عمل کثیر نشده که مصحف خیلی کوچک بوده که به یک دست حمل کرده و به یک انگشت اوراق را گردانیده است این عمل قلیل است نه کثیر چراکه به یک دست است و برای مبتلا به هم کثیر نبود و بیننده از خارج گفته نمی‌شود که در ذهن او و یاد این آیت بود نه اینکه فی الحال یاد کرد. **هذا ما فهمت من عبارات الکتب.**

والله تعالی اعلم و علمه اتم و احکم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ شوال ۱۴۱۳ هق

به خواب رفتن نمازگزار در قعده‌ی اخیر

الاستفتاء: شخصی در قعده‌ی اخیره در نماز فرض یا وتر یا سنت و یا نفل به خواب رفت و در اثر صدای ناگهانی از خواب پرید حالا چه کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حالا آنچه خواب رفته است اعتبار ندارد بعد بیدار شدن تشهد خواند قعده‌ی اخیره تمام‌کرده سلام دهد و اگر جلوتر از خواندن تشهد سلام کرد نمازش فاسد شد دو مرتبه اعاده کند.

قال فی الدر:

«و عدم اعادة رکن اداه نائماً» [۲]

والله تعالی اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۸ ذیقعده ۱۴۱۳ هق

۱-کفایت المفتی: ۴۰۹/۳. احسن الفتاوی: ۴۴۵/۳، مفسدات صلاة.

۲- در مختار علی الرد: ٤٦٦/۱، مفسدات صلاة، قبیل مطلب زلة القاری.

گذاشتن قرآن کریم جلو روی خود و نماز خواندن

الاستفتاء: اگر کسی قرآن را در جلو خود بگذارد و نماز بخواند وقتی که آن شخصی به سجده می‌رود ظاهر است زیر سینهٔ او قرار می‌گیرد، آیا این عمل درست است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سوال شما واضح نیست. اگر مقصود شما این است که قرآن را باز کرده و در نماز از قرآن دیده و قرائت می‌خواند در این صورت نماز روا نیست.

و اگر مقصود شما این است که قرآن را بر سر چیزی نهاده و جلو رویش هست یا که برگردن خود بر سینه آویزان کرده و... وقتی که به سجده می‌رود قرآن کریم زیر سینهٔ او می‌شود در این صورت که از ناظره قرآن نمی‌خواند فقط نهاده و آویزان است و قرائت از هر می‌خواند پس نمازش صحیح است ولی این عمل مکروه و سوء ادب است با قرآن کریم.

والله اعلم و علمه و اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۲ رجب ۱۴۱۴ هق

فراموش کردن قعده‌ی اولی و بلند شدن و رجوع مجدد

الاستفتاء: اگر کسی به فراموشی بعد از دو رکعت بلند شد و راست ایستاد بعد از راهنمایی مقتدیان نشست، آیا نمازش فاسد می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قول راجح آن است که فاسد نمی‌شود.

قال فی التنویر و الدر:

«والا ای و ان استقام قائما لا یعود لاشتغاله بفرض القیام و سجد للسهو لترک الواجب فلو عاد الی القعود بعد ذالک تفسد صلواته لرفض الفرض لما لیس بفرض و صححه الزیلعی، و قیل لا تفسد لکنه یکون مسیئاً و یسجد لتأخیر الواجب و هو الاشبه کما حققه الکمال و

هو الحق، بحر»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ رجب ۱۴۱۴ هق

تکان خوردن در نماز به مقدار یکی دو قدم

الاستفتاء: شخصی بعد از نیّت نماز و تکبیر گفتن دید محل سجده‌اش نجاست هست یک یا دو قدم پس یا طرف راست یا چپ رفت، نمازش چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش درست است، ولی یک قدم برود بهتر است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ رجب ۱۴۱۴ هق

نماز خواندن با ساعات زنگ‌دار

الاستفتاء: نماز خواندن با ساعتی که زنگ دار است، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است، هر چیزی که مخل خشوع نماز باشد و دل نمازگزار را به جانب خود متوجه کند، استعمال آن در نماز مکروه است و این ساعت زنگ دارگذشته از خود نمازگزار بلکه خیال دیگر نمازیها را هم به خود منصرف می‌کند.

در نور الایضاح و شرح آن مراقی الفلاح می‌نویسد:

«و تکره بحضرة کل ما یشغل البال کزینة و بحضرة ما یخل بالخشوع کلهو و لعب و لذا نهی النبی ـ ﷺ ـ عن الاتیان للصلواة سعیا بالهرولة» [2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۵ رجب ۱۴۱۴ هق

نماز خواندن در حالتی که تنباکو در دهن باشد

الاستفتاء: کسی که در دهن تنباکو دارد با همین تنباکو نماز خواندن جائز است یا

۱- در مختار مع الرد: ۵۵۰/۱، باب سجود السهو.

۲- حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۲۱٦، فصل المکروهات.

خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر تنباکو در دهن دارد و اثرش کاملاً به شکم فرو می‌رود، نمازش فاسد می‌گردد و اگر اثر و ذراتش در حلق فرو نمی‌رود فقط ذائقه‌اش در حلق محسوس می‌شود، نماز مکروه است و فاسد نمی‌شود.

البته اصل در این مورد این است که مفسد نماز، یا خائیدن کثیر یا وصول عین ماکول است در شکم به خلاف طعم تنها.

علامه شامی می‌نویسد:

«قوله (کسکر) «افاد ان المفسد اما المضغ الکثیر او وصول عین المأکول الی الجوف بخلاف الطعم. قال فی البحر عن الخلاصة و لو اکل شیئاً من الحلاوة وابتلع عینها فدخل فی الصلواة فوجد حلاوتها فی فیه وابتلعا لا تفسد صلواته و لو ادخل الفانید او الکسر فی فیه و لم یمضغه لکن یصلی والحلاوة تصل الی جوفه تفسد صلواته»[1]

ولی تحقیق احقر این است که تنباک در دهن گذاشتن به هر حال مفسد نماز است، چرا که فرو رفتن ذرات و و اثر آن بار بار در گلو و شکم متقین است. چنانچه در فتاوی عثمانی کتاب الصوم تحقیق اینق فرموده است[2]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ رجب ۱۴۱۴ هق

نماز خواندن با لباس‌های تنگ

الاستفتاء: امروزه زنان قمیص‌های خود را چنان تنگ می‌کنند که اعضاهای آنها معلوم‌اند پس آیا نماز خواندن در چنین لباس‌هایی جائز است یا نه؟ و حکم پوشیدن چنین لباس چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در لباس تنگ و چست برای مردان و زنان همه، نماز خواندن، مکروه است و نفس پوشیدن این لباسها هم حرام است بالخصوص برای

۱- ردالمحتار: ۴۶۱/۱، مفسدات صلاد، وکذا فی الهندیة: ۵۳/۱، کانفور.

۲- فتاوی عثمانیة: ۱۶۱/۱.

زنان.[۱]

البته اگر زن وقت نماز به وسیلۀ چاردگرد تمام بدن را پوشیده نماز بخواند، مکروه نمی‌باشد ولی نفس پوشیدن این لباس که پستان یا نشتگاه، صورت و هیکلشان از پشت لباس نمایان گردد، حرام است.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ رجب ۱۴۱۴ هق

اگر در جلو نمازگزار چراغ بخاری یا آتش قرار داشت

الاستفتاء: اگر در جلوی نمازگزار بخاری یا چراغ یا آتش باشد، نماز خواندن جائز است یا نه؟ و آیا تشبه به آتش پرستان نمی‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بخاری و چراغ اشکالی ندارد ولی اگر تنوری و آتشکده‌ی در جلو هست و آتش هم روشن است پس نماز به طرف آن مکروه است.

قال فی الهندیة:

«و من توجه فی الصلواة الی التنور فیه نار تتوقد او کان فیه نار یکره ولو توجه الی قندیل او الی سراج لم یکره، کذا فی محیط السرخسی و هو الاصح...» [۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)
۲۵ رجب ۱۴۱۴ هق

سلام دادن مقتدی قبل از تسلیم امام

الاستفتاء: مقتدی قبل از سلام امام سلام داد، نمازش چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر تشهد خوانده و مقدار تشهد نشسته است و امام سلام اول نگفته بود و بدون ضرورت سلام داد، نمازش صحیح است ولی مکروه تحریمه است. و اگر قبل از قدر تشهد نشستن سلام داد، نمازش فاسد است. و اگر بعد از نشستن

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۴۰۳/۳.
۲- دلیلها فی احسن الفتاوی نقلاً: ۳۸۱/۱، نقلاً عن الشامی.
۳-الفتاوی الهندیة: ۵٦/۱. ط کانفور، مکروهات الصلاة.

و بعد از سلام اول امام از دوم سبقت کرد، اشکال و کراهیتی ندارد. و اگر امام سلام اول هم نکرده ولی ضرورتی شدیده به مقتدی رخ داد و سلام داد قبل از امام خود، هیچ اشکالی ندارد بلکه بهتر است که سلام دهد. مثلاً خوف حدث او را پیدا شد یا خوف خروج وقت فجر یا جمعه یا عید یا خوف تمامی مدت مسح یا خوف مرور کسی جلو نماز او.

قال فی نور الایضاح و شرحه مراقی الفلاح:

«و کره سلام المقتدی بعد تشهد الامام لوجود فرض القعود قبل سلامه لترکه المتابعة و صحت صلواته حتی لا تبطل بطلوع الشمس...»

و قال الطحطاوی تحت قوله (و کره):

«ای تحریم، للنهی عن الاختلاف علی الامام الا ان یکون القیام لضرورة صون صلواته عن الفساد کخوف حدث لو انتظر السلام و خروج وقت فجر و جمعة و عیداً» [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیقعده ۱۴۱۴ هق

گفتن «لا حول و لاقوة» در نماز

الاستفتاء: شخصی در نماز خمیازه کشید یا عطسه زد بعداً به صورت جهر لاحول و لاقوة گفت آیا خللی در نمازش پیدا می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: پیدا نمی شود البته اگر شیطان او را وسوسهٔ دنیوی کرد و به دفع آن لاحول خواند نمازش فاسد می شود.

قال فی الهندیة:

«ولو وسوسه الشیطان فقال لاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم ان کان ذالک فی الامر الاخرة لا تفسد و ان کان فی امر الدنیا تفسد، کذا فی التمرتاشی» [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیقعده ۱۴۱۴ هق

۱- حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۱۸٦، فصل فیما یفعله المقتدی بعد فراغ امامه.

۲- الفتاوی الهندیة: ۵۲/۱، ط کانفور.

ناس در بینی کردن و با این حالت نماز خواندن

الاستفتاء: کسی که ناس در بینی می‌کند با همین ناس نماز می خواند، نمازش صحیح می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: و اگر در نماز ناس راگرفته در بینی می‌کشد یا ناس را قبلاً در بینی کرده است ولی در نماز تا حال همان ناس در بینی مانده و در عین نماز اثرش به بینی بالا می‌کشد یا می‌رود و او متوجه همان اثرش هست، در این صورتها نماز مکروه است، و اگر فقط اثری اندک در بینی مانده ولی او بدان جانب متوجه نیست، مکروه نیست.

قال فی الهندیة:

«و یکره ان یشم طیباً او ریحاناً، کذا فی الذخیرة» (۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۳ ذیقعده ۱۴۱۴ هق

خاریدن بدن در نماز

الاستفتاء: اگر در نماز شخصی بدن خود را بیش از سه مرتبه خارید نمازش می شکند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در نماز بلا ضرورت یک بار هم خاریدن بدن مکروه تحریمی است، و نماز واجب الاعاده است و اگر به سبب ضرورت که او را پشه یا چیز دیگر نیش زد و ناراحت کرد و ترسید که خشوعم از بین می‌رود و بدن را خارید پس در این صورت یک بار یا دوبار بلاکراهیت جائز است. و اگر بدون ضرورت یا با ضرورت سه بار به این طور خارید که یک بار خاریده دست را دورکرد و بدون توقف به قدر رکنی دو مرتبه خارید پس سه مرتبه هم همین طور خارید نمازش فاسد می‌گردد. و اگر یک بار دست بلند کرد و سه بار به تکرار خارید یا یک مرتبه خارید و دست بست و مقدار رکنی

۱- الفتاوی الهندیة: ۵٦/۱، ط کانفور، مکروهات الصلاة.

توقف کرده بعداً خارید به همین طور سه مرتبه کرد، نماز فاسد نمی‌شود البته اگر بلا ضرورت است و اگر با ضرورت است جواز دارد.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ ربیع الثانی ۱۴۱۵ هق

راست نمودن قمیص با دو دست هنگام بلند شدن از رکوع

الاستفتاء: اگر شخصی وقت بلند شدن از رکوع قمیص خود را به هر دو دست راست کند، نمازش فاسد می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بدون ضرورت مکروه تحریمی است و نماز واجب الاعاده می‌گردد البته با ضرورت جائز است. و در این مورد دو نوع ضرورت پیدا می‌شود:

۱. اینکه دامن قمیص گاهی با کمربند معلق می‌گردد و مخل خشوع نماز می‌گردد.

۲. اینکه دامن بین نشستگاه او فرو می‌رود و در خشوع او مخل می‌گردد.

در این هر دو صورت راست کردن آن به یک دست روا است و به دو دست مکروه تحریمی است؛ زیرا به یک دست می‌تواند این کار را بکند.[۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ ربیع الثانی ۱۴۱۵ هق

پوشیدن سر در نماز سنت است.

الاستفتاء: آیا پوشاندن سر در نماز لازم است یا اینکه مسنون است؟ چون در کتابی ندیدم که در این مورد بنویسد آیا بدون پوشش سر نماز نمی‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم نیست، مستحب و مسنون است. بدون سر پوشیدن

۱- هذا هو مفهوم ما فی الشامیة: ۵۹۹/۱. فتح القدیر: ۲۹۵/۱. احسن الفتاوی از: ۴۱۷ الی ۴۱۸ مفسدات صلاة.

۲-کذا فی احسن الفتاوی: ۴۳۲/۳، مفسدات صلاة احالة الی ردالمحتار: ۵۹۹/۱.

نماز مکروه می‌گردد البته در نوافل و در خلوت به نیت کثرت خشوع، مکروه نیست.[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۶ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هق

امام قعده اولی را مثلاً فراموش کرد، مقتدی با دست دامن او را گرفت تا بنشیند

الاستفتاء: دو نفر به همراهی نماز خواندند یکی امام شد و دیگری مقتدی. امام، در نماز سهوی کرد مثلاً: قعود اول را ترک داد می خواست که بلند بشود به رکعت سوم پس مقتدی به دست دامن او راگرفت اشاره کرد تا بلند نشود التحیات را بخواند پس آیا نماز مقتدی فاسد می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: فاسد نمی شود مکروه است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ ذیقعده ۱۴۱۵ هق

بیدار کردن نائم با دست در نماز

الاستفتاء: چند نفر پشت امامی نماز خواندند، یکی به خواب رفت و دیگری که پهلویش بود دست به او زد تا بیدار شود، نمازش چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز دست زننده فاسد نمی‌شود چون این عمل قلیل است البته خلاف اولی است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۲۶ رجب ۱۴۱۶ هق

اگر امام در نمازهای سری قرائت را طوری بخواند
که صدای ادای حروف، شنیده شود

الاستفتاء: در نمازهای سرّی وقت خواندن قرائت امام، صوت ادای حرف را از او بشنود نماز امام فاسد می شود یا نه؟

۱–کذا فی ردالمحتار: ۶۴۱/۱، مکروهات الصلاة.

الجواب بسم ملهم الصواب: در نمازهای جهریه جهر خواندن و سریه را خفیه خواندن واجب است اگر امام در نمازهای سریه به قدر مایجوز به الصلواة قرائت به جهر اداکرد بر وی سجده‌ی سهو لازم می‌گردد و اگرکمتر خوانده سجده‌ی سهو بر او در ظاهر روایة واجب نمی‌گردد ولی در صورة مذکوره در سوال اگر جهر امام به مقداری بودکه خودش و مردم قریب صدای او شنیدند نه مردمان دور وصف دوم این مقدار جهر گفته نمی‌شود و نمازش صحیح است اگر چه دو سه کلمه چنان بلند خواند که صف دوم و سوم شنید هم اشکال ندارد. **کما جاء فی حدیث ابی قتاده فی الصحیحین**(۱)

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ شوال ۱۴۱٦ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله)

خندیدن در نماز

الاستفتاء: اگر شخصی که امام بود در نمازهای جهری داشت می‌خواند ناگهان شیطان در ذهن او قضیه‌ای خنده‌آور حاضر کرد مثلاً در مد ولاالضالین صدایش به صورت خنده در آمد بدون اینکه قرائت را ترک گوید ولی مقتدیها خنده‌ی او را نفهمیدند فکر کردند شاید صدایش به سبب تنگی نفس این طور شد یا این امر مفسد وضوء و نماز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خنده اگر به درجهٔ ضحک رسید مفسد نماز می‌گردد و اگر به درجهٔ قهقهه رسد مفسد نماز و وضوء است و در صورت مسئله اگر صدای خنده‌ی او ممتاز از صدای قرائت به گوش مردم رسید قهقهه و مفسد است و اگر خنده‌ی او از صدای قرائت جهری ممتاز نباشد و فهمیده نشد، نماز صحیح است.

قال الحلبی:

«و کذا لقهقهة فی کل صلاة ذات رکوع و سجود تنقض الوضوء والصلواة جمیعاً سواء کان

۱- ردالمحتار: ۵۴۹/۱.

عامداً او ناسياً)الى ان قال) و حدالقهقهة قال بعضهم ما يظهر فيه القاف والهاء و كان و يكون مسموعاً له و لجيرانه»[۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲۸ شوال ۱۴۱٦ ه‍ق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

به جهر گفتن تکبیر تحریمه در نمازهای جهری / قرائت را جهر خواندن و به جهر سلام گفتن منفرد

الاستفتاء: مايقول علماء الدين و مفتيوا الشرع المتين فى هذه المسئلة: اذا كبر المنفرد للتحريمة جهراً او قرء القراءة فى الجهرية جهراً أتصح صلاتهام تفسد و كيف اذا سلم المنفرد جهراً؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لا تفسد صلاته اذا جهر المنفرد فى الجهرية او السرية و كذا اذا كبر للتحريمة او سلم جهراً لان المنفرد مخير فى الصلاة الجهرية نحو المغرب والعشاء الفجر ان شاء جهر واسمع نفسه لانه امام فى حق نفسه و ان شاء خافت لانه ليس خلفه من يسمعه والافضل هو الجهر ليكون الاداع على هيئة الجماعة و بدليل ما قال فى الهندية:

«والمنفرد لا يحب عليه السهو بالجهر والاخفاء لانها من خصائص الجماعة» [۲]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۱۷ ذیقعده ۱۴۱٦ ه‍ق.

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

به جا آوردن سجده سهو در صورتی که بر او سجده سهو واجب نشده بود

الاستفتاء: من سجد سجدة السهو فى الصلواة بعد تكميل التشهد والسلام و لم تجب عليه سجدة السهو أتصح صلاته ام تفسد؟

۱- غنية المتملى شرح منية المصلى للحلبى ص ۱۴۳.

۲- الفتاوى الهندية: ۱۲۸/۱، باب سجود السهو، وكذا فى الخانية على هامش الهندية: ۱۲۰/۱، سجود السهو. العناية على هامش فتح القدير: ۳٦۱/۱، سجود السهو. بدائع الصنائع: ۱٦۷/۱.

الجواب بسم ملهم الصواب: الاصح انه لا تفسد صلاته.

قال فی الفتاوی العثمانیة بحوالة الکبیری:

«و لو ظن الامام ان علیه سهوا فسجد و تابعه المسبوق ثم علم ان لاسهو علیه ففیه روایتان و نباءً علیها اختلف المشائخ واشبهها فساد صلاة المسبوق و قال ابوحفص الکبیر: لا، و به اخذ صدر الشهید والاول بناءً علی ان زیادة سجدتین کزیادة الرکعة مفسد والحق انها لا تفسد مع انه زاد سجدتین غیر معتبرتین لانه لا یجزئی بها بل علیه ان یسجد لذالک السهو فی آخر الصلواة بل الموجب للفساد الاقتداء فی موضع لزمه فیه الانفراد»[1]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۱۸ ذیقعده ۱۴۱٦ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

نماز خواندن در خانه‌ای که تصویر موجود است ولی پنهان‌اند

الاستفتاء: اگر در خانه کسی عکس موجود است ولی از نظر چشم مخفی می باشد آیا در این خانه نیز فرشته نمی‌آید و نماز خواندن مکروه است در آن خانه یا نه؟ و اگر عکس در داخل کتاب چاپ شده و آن بسته باشد حکمش چطور است؟

الاستفتاء: این عکس مانع دخول ملائکه نیست و نماز در آن مکروه نیست و حکم عکس چاپ شده درکتاب هم همین حکم را دارد که نه مانع دخول ملائکه است و نه مانع نماز. البته گذاشتن عکس در خانه مکروه است [2]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۴ ذیقعده ۱۴۱٦ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

۱- فتاوی عثمانیه: ۱۱۴/۱.

۲-کذا فی ردالمحتار: ٦۴۸/۱، مکروهات الصلاة.

راست نمودن قمیص با دو دست هنگام بلند شدن از رکوع

الاستفتاء: مردم که از رکوع بلند می‌شوند عموماً قمیص‌شان به کمرشان می‌چسبد اگر کسی این قمیص را با دو دست کشیده راست کرد آیا از این فعل که با دو دست انجام می‌گیرد مفسد نماز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: از این عمل نمازش فاسد نمی‌گردد؛ چرا که وقتی که او دامن جامه خود را به طرف پائین می‌کشد دستهایش آویزان هستند فقط از انگشتان کار می‌گیرد. بلند کردن و پائین بردن دو دست دیده نمی‌شود که عمل کثیر گفته شود فقط توسط انگشتان دامن جامه را به پائین می‌برد.

قال فی الهندیة:

«و لا بأس بان ینقض ثوبه کیلا یلتف بسجده فی الرکوع» (۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱ ربیع الثانی ۱۴۱۷ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

شخصی در قعده اخیره اقتداء کرد و با امام به فراموشی سلام گردانید

الاستفتاء: امام در آخر تحیات بود، شخصی از خارج آمد و اقتداء کرد و امام سلام گرداند به طرف راست و او هم به فراموشی سلام گرداند نمازش فاسد می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این هر دو صورت نماز این شخص که در التحیات با امام شریک شده و با امام به یک طرف یا هر دو طرف سلام گردانید تا زمانی که از او عملی که منافی نماز باشد صادر نشود فاسد نمی‌شود البته سجده سهو لازم است.

قال فی الشامیة تحت (قوله والمسبوق یسجد مع امامه):

فاذا سلم الامام قام الی القضاء فان سلم فان کان عامداً فسدت و الا لا و لاسجود علیه ان

۱- الفتاوی الهندیة: ۱۰۵/۱، الفصل الثانی فیما یکره فی الصلاة و ما لا یکره.

سلم سهواً قبل الامام او معه و ان سلم بعده لزمه لکونه منفرداً خنیئذ (بحر) واراد بالمعیة المقارنة و هو نادر الوقوع کما فی شرح المنیة» [1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه یارمحمد پناد، دارالافتاء منبع‌العلوم
۲٦ شوال ۱۴۱۷ هق
الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

تطویل رکعت اول از رکعت دوم

الاستفتاء: رکعت اول نماز را به غیر از نماز صبح درازکردن از والضحی به پائین یا سه آیه از رکعت دوم کراهیت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تطویل رکعت اول از رکعت دوم مکروه نیست بـلکه در نماز فجر سنت است و مخصوص به نماز فجر است. البته رکعت دوم را از رکعت اول درازتر کردن مکروه است اگر مقدار سه آیه یا بیشتر باشد و در بقیه نمازها هر دو رکعت برابر باشند.

قال فی الدر و التنویر:

«و تطاول اولی افجر علی ثانیتها فقط و قال محمد: ولی الکل حتی التراویح قیل و علیه الفتوی»

و فی الرد:

«قوله (قبل و علیه الفتوی)... و قال فی الحلیة بعد أن حقق دلیلهما: فیظهر علی هـذا أن قولها احب لا قوله و أن الاولی کون الفتوی علی قولها لا قوله، و اقره فی البحر والشر

۱- ردالمحتار: ۴۴۳/۱، قبیل باب‌الاستخلاف، وکذا حققه فی احسن الفتاوی: ۲۷/۴ و ۲۸.

بنلالية واعتمد قولهما فی الکنز والملتقی والمختار والهداية فلذا اعتمده المصنف ايضاً»[۱]

والله اعلم و علمه اتم - دارالافتاء منبع‌العلوم کوه‌ون
۱۳ ذیقعده ۱۴۱۷ هـ‌ق
الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

دعاء بمایشابه کلام الناس مفسد نماز است

الاستفتاء: آیا در وسط نماز اگر کسی این دعاء را کرد که یاالله مرا با فلان دختر نکاح بده آیا جائز است یا خیر نمازش فاسد می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز نیست و نمازش فاسد می‌گردد.

و فی الفتاوی التتارخانية:

«و ان دعا بما يشبه كلام الناس تفسد صلاته والفرق بين ما يشبه ما فی القرآن و ذالک نحو قوله اللهم اغفرلی اللهم ادخلنی الجنة و کل ما يسئل به غيره فهذا من جملة ما يشبه کلام الناس و ذالک نحو قوله اللهم زوجنی فلانة اللهم اقض دينی اللهم اکسنی ثوبا»[۲]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۲ محرم‌الحرام ۱۴۱۸ هـ‌ق
الجواب صحيح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

رد شدن از جلو نمازگزار

الاستفتاء: ۱. رد شدن و عبور، در برابر و جلوی مصلی از نظر شرعی چطور است؟

۲. آیا مقدار و اندازه‌ای که شخص مرورکننده از مرور به آنجا منع شده است محدود می‌باشد یا نه و اگر محدود است حدش چیست؟

۳. اگر کسی خارج از موضوع سجده‌ی نماز خواندن رد شود (در مسجد یا جای

۱- ردالمحتار: ۵۴۲/۱، صفة الصلاة، فصل فی القراءة. گرچه در فتاوی هندیه: ۷۸/۱ و... قول امام محمد ـ رحمه‌الله ـ را مفتی به نوشته است.

۲- الفتاوی التتارخانية: ۵۷۵/۱ الی ۵۷٦.

دیگر) آیا گنه‌کار می‌شود یا نه؟

۴. حکمت و فلسفه اتخاذ ستره چه می‌باشد در چه فاصله‌ای گذاشته شود.

امیدوارم که اقوال رسول الله ـ ﷺ ـ و نظرات ائمه دین خصوصاً نظریه و قول امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ تعالی و فقهاء حنیفه که در ذیل ذکر شده‌اند. صحیح‌ترین را بیان نموده و بفرمائید کدام یک مورد تأیید جنابعالی و یا حضرتعالی کدام نظریهٔ دیگری دارند.

قال صاحب ردالمختار (۳۹۸/۲) و مرور مار فی الصحراء او فی مسجد کبیر بموضع سجوده فی الاصح او مرور بین یدیه الی حائط القبلة (فی) بیت و (مسجد) صغیر فانه کبقعة واحد.

قوله بموضع سجوده‌ای من موضع قدمه الی موضع سجوده کما فی الدر. و هذا مع القیود التی بعده انما هوالاثم و الا فالفساد متف مطلقاً. قوله فی الصح: هو ما اختار شمس الائمة و قاضیخان و صاحب الهداید، واستحسنة فی المحیط و صحه الزیلعی و مقابلة ما صححه التمرتاشی و صاحب البدائع و اختاره فخرالاسلام و رجحه فی النهایة والفتح انه قدر ما یقع بصره علی المار لو صلی بخشوع ای راميا ببصره الی موضع سجوده وارجع فی العنایة الاول الی الثانی بمحل موضع السجود علی القرب منه و خالفه فی البحر و صحح الاول و کتبت فیما علقته علیه عن التجنیس ما یدل علی ما فی العنایة.

قال علامة الفقیه علاءالدین ابی‌بکر بن مسعود الحنفی فی بدائع الصنائع. ۵۶۹/۲: و یکره للمار ان یمر بین یدی المصلی لقوله علیه السلام: لو علم المار... و لم یوقت یوماً او شهر او سنة و لم یذکر فی الکتاب قدر المرور واختلف المشائخ فیه:

قال بعضهم قدر موضع السجود و قال بعضهم مقدار الصفین و قال بعضهم قدره ما یقع بصره علی المار لو صلی بخشوع و فیما وارء، ذالک لا یکره و هو الاصح.

و قال ابن نجیم فی البحر الرائق (۱۶/۲):

و عن ابی هریرة قال قال رسول الله ـ ﷺ ـ لو یعلم احدکم ما له ان یمر بین یدی اخیه معترضاً فی الصلاة کان لان یقیم مائة عام خیر له من الخطوة التی خطی و بهذا علم ان الکراهة تحریمیة لتصریحهم بالاثم و هوالمراد بقوله: و ان اثم المار بین یدیه الثالث فی الموضع الذی یکره المرور فیه، و فیه اختلاف، و اختار المضف انه موضع سجوده و صححه فی الکافی لان هذا القدر من

المکان حقه فی تحریم ماورا علی المارة و هو یفیدان المراد بموضع سجوده موضع صلاته و هو من قدمه الی موضع سجوده کما صرح به الشارح و هو مختار صاحب الهدایة و شمس الائمة السرخسی و قاضی خان و فی المحیط انه الاحسن لان ذالک القدر موضع صلاته دون ماوراء قال الشیخ الامام کمال الدین محمد بن عبدالواحد فی شرح فتح القدیر (۴۰۵/۱) لقوله علیه السلام لو علم المار بین یدی المصلی ماذا علیه من الوزر لوقف اربعین و انمایأ ثم اذا مرفی موضع سجوده علی ما قبل و لا یکون بینهما حائل.

و قال العلامة معین الدین الهروی المعروف بملا مسکین علی شرح کنز الدقائق. ص ۶۲:

فان کان فی المسجد نظر ان کان بینهما حائل کانسان او اسطوانة لا یکره و ان لم یکن بینهما حائل والمسجد صغیر کره فی ای مکان کان و قیل ثلاثة ازرع و قیل قدر صفین او ثلاثة والمسجد الکبیر کاالصحراء. و قال علامه انور شاه کشمیری فی فیض الباری علی شرح صحیح البخاری (۸۳/۲):

ثم ان المصلی اذا کان فی الصحراء فجاز المرور امامه فیما وارء موضع سجوده عند فخرالاسلام واعتبر الشیخ موضع نظره فلا یجوز له المرور فیه. اما اذا کان فی المسجد الکبیر یجوز له المرور و ان کان صغیراً فلا. والکبیری عندی ما کان فی اربعین زراعاً. قال علامه طاهربن عبدالرشید البخاری فی خلاصة الفتاوی مع مجموعة الفتاوی (۵۹/۱):

و حد ذالک قال بعضهم قدر صفین و قال بعضهم موضع سجوده و قال ابونصر قدر ما بین الصف الاول و بین مقام الامام. قال مشائخنا اذا صلی رائیا ببصره الی موضع سجوده فلم یقع بصره علیه لم یکره و هو الصحیح. قال عبدالرحمن الحریری فی کتاب الفقه علی المذهب الاربعة (۲۷۳/۱): الحنفیة قالوا: ان کان یصلی فی مسجد کبیر او فی الصحراء فیحرم المرور بین یدیه من موضع قدمه الی موضع سجوده و ان کان یصلی فی مسجد صغیر فانه یحرم المرور من موضع قدمیه الی حائط القبلة و قدر باربعین ذراعاً علی المختار.

قال الدکتور وهبة الزحیلی فی فقه الاسلامی (۷۵۸/۱) قال الحنیفة: یکره تحریماً المرور بین یدی المصلی و یأثم المار فی موضع سجوده المصلی اذا تخذ سترة دون ان یکون بینهما عمود و جدار و تحاذت بعض اعضاء المار اعضاء المصلی لمحاذاة رأس المار قدمی المصلی: و ذالک اذا

كان يصلى فى الصحراء و لو مر رجلان، فالا ثم على من يلى المصلى.

قال امام داود ابن يوسف الخطيب على مذهب الامام الاعظم فى الفتاوى الغياثيه (۱/۳۰):

والصحيح ان مقدار ما يكره له المرور مقدار منتهى بصره و هو موضع سجوده فان زاد على ذالک لا يكره هذا فى الصحراء والمسجد الكبير كاالجامع على هذا.

قال المحدث الناقد ظفر احمد العثمانى فى اعلاء السنن (۶۵/۵): و قال الحافظ الفتح فى معنى قوله بين يدى المصلى، اى امامه بالقرب منه، وعبر باليدين لكون اكثر الشغل يقع بهما، واختلف فى تحديد ذالک فقيل: اذا مر بينه و بين مقدار سجوده و قيل: بينه و بين قدر ثلاثة اذرع و قيل بينه و بين قدر رمية بحجزاه

و قال العينى فى العمدة (۴/۲۹۱):

فى مقدار موضع يكره المرور فيه: فقيل: موضع سجوده و هو اختيار شمس الائمة السرخس و شيخ الاسلام و قاضيخان. و قيل مقدار صفين او ثلاثة و قيل بثلاثة اذرع و قيل بخمسة اذرع. و قيل باربعين ذراعاً. و قدر الشافعى و احمد بثلاثة اذرع. و لم يجد ما لک فى ذالک حداً الا ان ذالک بقدر ما يركع فيه و يسجد و يتمكن فى البناية فى شرح الهداية (۲/۵۱۰).

و انما يأثم المار اذا مرفى موضع سجوده) هذه اشارة الى بيان مقدار موضع يكره المرور فيه و هو موضع السجود والكلامها هنافى عشرة مواضع كلها مذكورة فى الكتاب.

والثانى هو مقدار موضع يكره المرور فيه و قد بينه بقوله: فى موضع سجوده(على ما قيل) و هذا اختيار شمس الائمة السرخسى و شيخ الاسلام و قال قاضيخان و قال فخرالاسلام اذا صلى راميا بصره الى موضع سجوده و لا يقع عليه بصره لا يكره، و منهم من قال مقدار صفين او ثلاثة، و منهم من قدره بثلاث اذرع و منهم من قدره بخسمة اذرع و منهم من قدره باربعين ذراعاً.

قال الفقيه المحقق عبدالله بن الشيخ محمد بن سليمان فى مجمع الانهر فى شرح ملتقى الابحر (۱/۱۲۱):

و ان مر مار فى موضع سجوده اذا كان على الارض او حاذى الاعضاء اذا كان على الدكان اثم المار و لا تفسد يعنى بشرط فى كون المار اثما ان يمر فى موضع سجوده اذا كان المصلى قائماً على الارض او ان يحاذى جميع اعضائه اعضاء المصلى كلها عندالبعض او اكثرها عندالاحد اذا كان

المصلی قائماً علی مکان مرتفع دون قائمة حتی لو کان المکان بقدر قامة الرجل فلا یأثم و فی تفسیر موضع السجود تفصیل فاعلم ان الصلواة ان کانت فی المسجد الصغیر هو اقل من ستین ذراعاً و قیل من اربعین فالمرور امام المصلی حیث کان یوجب الاثم لان المسجد الصغیر مکان واحد فامام المصلی حیث کان فی حکم موضع سجوده و ان کانت فی المسجد الکبیر او فی الصحراء فعند بعض المشائخ ان مرفی موضع السجود یأثم والا فلا و عند البعض الموضع الذی یقع علیه النظر اذا کان المصلی ناظراً فی موضع سجوده فی حکم موضع السجوده و فیأثم بالمرور فی ذالک الموضع کما فی شرح الوقایة (۱۹۴/۱).

قال شبیر احمد الدیوبندی فی فتح الملهم شرح صحیح مسلم (۱۰۸/۲): قوله: بین یدی المصلی...ای امام بالقرب منه و عبر بالیدین لکون اکثر الشغل یقع بهما واختلف فی تحدید ذالک فقیل الاصح الی موضع سجوده واختاره شمس الائمة و قاضیخان و صاحب الهدایة واستحسنه فی المحیط و صححه الزیلعی و مقابله ما صححه التمرتاشی و صاحب البدائع واختاره فخر اللسلام و رجحه فی النهایة والفتح انه قدر ما یقع بصره علی المار لوصلی بخشوع ای رام ببصره الی موضع سجوده و ارجع فی العنایة الا قل الی الثانی بحمل موضع السجود علی القریب منه و خالفه فی البحر و صحح الاول. و قیل مقدار صفین او ثلاثة و قیل ثلاثة اذرع و قیل خمسة و قیل اربعون و قیل رمیه بحجر.

و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و اصحابه اجمعین. (حامد هوتی متعلم حوزه علمیه حقانیه ایرانشهر) (۷۶/۲/۱۸).

الجواب بسم ملهم الصواب: رد شدن از جلوی مصلی از دیدگاه شریعت مکروه تحریمه است و عبور کننده گنهکار می شود.

قال فی البحر:

«ان المار آثم للحدیث لو یعلم المار بین یدی المصلی ماذا علیه من الوز لوقف اربعین خیر له من ان یمر بین یدیه... و بهذا علم ان الکراهة تحریمیة لتصربحهم بالاثم و هو المراد و

ان اثم المار بین یدیه» [1]

رواه البزار عن ابی النضر عن بشر بن سعید قال ارسلنی ابوجیهم الی زیدبن خالد فساقه و فیه: لکان ان یقف اربعین خریفاً و سکت عنه البزرا. قال فی مجمع الزوائد: رجاله رجال الصحیح.

۲. چرا محدوده‌ای وجود دارد، اما به اختلاف اماکن مختلف خواهد شد.

اگر در مسجد یا اطاقی که کل رقبه آن کمتر از چهل ذراع مربع باشد، پس عبور در جلوی مصلی در هر محدوده‌ای که باشد تا دیوار مطلقاً ناجائز است.

اگر در صحراء و فضای باز یا در مسجد نماز می‌خواند پس گذرکردن جلوتر از جائی که نظر در جای سجده جمع کرده شود، تبعاً دیده می‌شود، جائز نیست.

و اگر آن جائی که جلوتر از محل سجده است به تبع نظر محل سجده دیده می‌شود جائز است.

این مقدار به اندازه‌ی دو صف خواهد بود. مقدار دو صف تقریباً ۹۶ اینچ معادل با ۲/۴۱ سانتی متر است می‌باشد. این اندازه را ترک کرده بگذرد جائز است.

قول دو صف و پنج ذراع و موضع خشوع با هم قریب هستند و تفاوت زیادی ندارند.

و یؤیده ما رواه الشیخان: «عن ابی النضر عن بسر بن سعید ان زید بن خالد ارسله الی ابی جهیم یسأله ماذا سمع من رسول ـ ﷺ ـ فی المار بین یدی المصل فقال ابوجهیم قال رسول‌الله ـ ﷺ ـ لو یعلم المار بین یدی المصلی ماذا علیه کان لان یقف اربعین خیر له من ان یمر بین یدیه» [2]

قال المحقق ابن الهمام فی الفتح:

«و منشأ هذه الاختلاف ما یفهم من لفظ بین یدی المصلی فمن فهم ان بین یدیه یخص ما بینه و بین محل سجوده قال به. و من فهم انه یصدق اکثر من ذالک و عیّن ما وقع

۱- البحر الرائق: ۱٦/۲، ما یفسد الصلاة و ما یکره فیها.

۲- مثله فی اعلاء السنن: ٦۴/۵.

عنده»[۱]

۳. کسی که در صحراء یا فضاء باز از پشت ستره و یا به سمت قبله در مسجد بزرگ جلوتر از اندازه‌ی دو صف رد شود گنهکار نخواهد شد. البته اگر مسجد کوچک است تا دیوار مسجد رد شدن ناجائز است وگذرنده گنهکار می شود.

یستفاد هذه المسئلة عن حدیث: «رواه البخاری عن ابی عباس ـ رضی الله عنه ـ قال اقبلت راکبا علی حماراتان و انا یو مئذ قدنا هزت الاحتلام و رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ یصلی بالناس بمنی الی غیر جدار فمررت بین یدی بعض الصف فنزلت وارسلت الاتان ترتع و دخلت فی الصف فلم یـنکر ذالک علی احد، و رواه البزار بلفظ والنبی صلی الله علیه و سلم یصلی المکتوبة لیس شیء یستره کذا فی الفتح»

قال الشیخ ظفر احمد العثمانی:

«قلت: و فی حدیث ابن عباس هذا دلالة علی ان المرور بین یدی المصلی و لو لم یکن بین یدیه سترة لا یکره علی الاطلاق بل هو مقید بحد والا لأنکر النبی علیه السلام علی ابن عباس رضی الله عنه و قد زعم الحافظ ابن عبدالبر ان قول ابن عباس رضی الله عنه الی غیر جدار لا ینفی کون السترة هناک و قد ذکرت فی المتن ما یدل علی خلافه فعاد الاشکال ولا یرتفع الابان یقال انه کان قد مر وراء الموضع الممنوع منه، افاده الشیخ کما ذکره بعض الناس فی مسودته عنه» [۲]

و فی التتارخانیة:

«قال بعض المشائخ فانما یکره المرور بین المصل و بین السرة اذا کان بین المصلی والمار اقل من مقدار الصفین اما اذا کان مقدار الصفین فصاعداً فلا یکره»[۳]

۴. حکمت و فلسفه ستره این است تا خاطر و فکر مصلی جمع می‌گردد، ذهن و خیال او پراگنده و این طرف و آن طرف نرود، و به خشوع و خضوع نماز مشغول گردد.

۱- فتح القدیر: ۲۸۸/۱، ما یفسد الصلاة و ما یکره فیها.

۲- اعلاء السنن: ٦٩/٥.

۳- الفتاوی التتار خانیة: ٦٣٠/١، الفصل التاسع فی المار بین یدی المصلی.

و از گذشتن گذرنده در خشوع او خللی نیاید، زیرا که اگر ستره نصب نگردد، ممکن است بعضی متوجه نباشند که این شخص نماز می‌خواند در جلو او می‌گذرد و در خشوع او خلل وارد می‌شود، اما ستره دلیل بر این است که این شخص نماز می‌خواند و گذرکننده از نزدیک نگذرد، اگر می‌گذرد در صورت امکان از پشت مصلی بگذرد یا از پشت ستره. اگر این حکمت پذیرفته نشود پس در نصب آن هم هیچ ضرری وجود ندارد.

وقتی که اتخاذ ستره از حدیث ثابت است و پیامبر اکرم ـ ﷺ ـ فرموده است:

«اذا صلی احدکم فلیصل الی سترة» اخرجه ابن حبان فی صحیحه والحکام و احمد والبزاز و ابوداود[1]

وقتی که از حدیث ثابت است و پیامبر اکرم ـ ﷺ ـ دستور داده بالرأس والعین قبول داریم و به آن تن در می‌دهیم،

اگر چه حکمت و فلسفه آن در فکر فاتر ما نیاید، زیرا امثال این چنین احکام در شرع اسلامی خیلی زیاد هستند، مگر حکمت و فلسفهٔ همه را می‌دانیم، و اگر ندانیم به آنها عمل نکنیم، و عمل آنها موقوف به دانستن فلسفهٔ آنهاست هرگز نه، بلکه هر چه در شرع مقدس اسلامی ثبوت دراد به آن عمل نمائیم چه حکمت آن را بدانیم یا ندانیم.

قال الشلبی:

«و فائدتها قبض الخواطر من الانتشار و کف البصر من الاسترسال حتی یکون المصلی مجتمعاً لمناجاة ربه و محض عبودیته»[2]

و قال الامام النووی فی شرحه علی صحیح مسلم:

«قال العلماء والحکمة فی السترة کف البصر عما وراءها و منع من یجتاز بقربه»

و هکذا یفهم ما قالوا عن حدیث: رواه مسلم فی صحیحه عن موسی بن طلحة عن ابیه

۱- مثله فی اعلاء، السنن: ۵۹/۵.

۲- حاشیة الشلبی علی هامش تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق: ۱٦۰/۱ وکذا یفهم من المراقی و شرحها الطحطاوی ص ۲۰۱ و شرح المنیة ص ۳٦۹ والبحر: ۲۰/۲.

قال: «کنا نصلی والدواب تمر بین ایدینا فذکرنا ذالک لرسول الله صلی الله علیه و سلم فقال: مثل مؤخرة الرحل تکون بین یدی احدکم ثم لا یضره مامر بین یدیه و قال ابن غیر فلا یضره من مر بین یدیه» (۱)

و ستره در فاصلهٔ زیاد گذاشته نشود بلکه در فاصله‌ای گذاشته شود که امکان سجده وجود داشته باشد **لقوله علیه السلام:**

«اذا صلی احدکم فلیصل الی سترة ولیدن منها» رواه ابوداود **والحاکم** (۲)

این اندازه تقریباً سه ذراع خواهد بود.

قال الحلبی فی شرح المنیة:

«و ینبغی ان یقرب منها» (۳)

و فی البحر:

«و ذکر العلامة الحلبی ان السنة ان لا یزید ما بینه و بینها علی ثلاثة اذرع» (۴)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه محمد یوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۳ ربیع الاول ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح ـ محمد عمر (غُفِرَله).

استیضاح از مسئله فوق و جواب آن:

الاستفتاء: جنابعالی که جواب سؤالات را فرموده‌اید. شماره‌ی ۲ و ۳ نامعلوم می‌باشند که این قول از کدام علماء می‌باشد و در چه کتابی مذکور است یا اینکه نظریه و قول خود جنابعالی می‌باشد یا خیر؟ پس از جواب شماره‌ی ۲ این چنین معلوم می‌شود که این قول با استناد نیست چون که این حدیث و قول صاحب فتح القدیر را با همان اختلافاتی که بنده ارسال نموده‌ام شما ارسال فرموده‌اید و جنابعالی نفرموده‌اید که صحیح‌ترین قول کدام است و از این اقوال فقهاء که بنده آنها را ذکر نموده است در

۱-شرح صحیح مسلم: ۱۹۵/۱.
۲- اعلاء السنن: ۵۹/۵.
۳- حلبی کبیر شرح المنیة ص ۳۶۸.
۴- البحر الرائق: ۱۹/۲.

همان سوالهای قبلی که ارسال داشته‌ام و این قول که مسجد کمتر از چهل ذراع مربع باشد و درکتابهای فقهی با لفظ قیل آمده و هر جاکه لفظ قیل ذکر باشد آن قول چندان صحت ندارد و علامه سرخسی و صاحب الهدایة و... موضع سجوده اعتبار نموده‌اند که مرور بین یدی مصلی حرام می‌باشد و جنابعالی فرموده‌اند در مسجد عبور در جلوی مصلی کمتر از چهل ذراع مطلقاً ناجائز است و در صحراء تا اندازه‌ی ۲/۴۱ سانتی متر محدوده نموده‌اند.

امیدوارم که دفع این اشکالات را با یاری خداوند متعال پاسخگو باشید.

الجواب بسم ملهم الصواب: قولی که بنده نوشته بودم مختار فخر الاسلام است. **وایضاً صححه التمرتاشی و صاحب البدائع و صاحب الخلاصة و رحجه فی النهایة والفتح. قال الشلبی قال شیخ مشائخی هوا شبه الی الصواب و قال صاحب العنایة نقلاً عن فخرالاسلام انه حسن و هو ایضاً عنده حسن.**

خود جنابعالی از نقل عبارات ما را مستغنی ساختند وکلیه زحمات را به دوش خودش گذاشته بود فقط فیصله را به ما محول نمود. لذا فیصله بر این شد که اگر در صحراء و فضای باز یا مسجد بزرگ نماز ادا می‌نماید. پس عبور جلوتر از جائی که جلوتر از محل سجده است جمع کرده شود، بالتبع دیده می‌شود جائز نیست و اگر آن جائی که جلوتر از محل سجده است به تبع نظر محل سجده دیده نمی‌شود جائز است. این مقدار به اندازه دو صف می‌باشد و مقدار دو صف تقریباً ۲/۴۱ سانتی متر می‌باشد. قولی که ذکرکرده بودم کاملاً مستند است در خود عباراتی که جنابعالی نقل کرده بودی، به نظر دقیق اگر بنگرید، سند این قول را در همانجا می‌یابید و صرفاً جنابعالی در ضمن نقل عبارت این حدیث را نوشته بودی و نگفتی که این حدیث دلیل فلان قول است.

بنده پس از ذکر کردن قول مختار آن را به حدیث مستند کردم چگونه جنابعالی می‌گوید که این حدیث و قول صاحب فتح القدیر را با همان اختلافاتی که بنده ارسال نمودم شما ارسال کرده‌اید.

و جنابعالی نفرموده‌اند که صحیح‌ترین قول کدام است و...

وقتی که از میان این همه اقوال قولی را برگزیدیم این خودش دلیلی واضح و روشن است که قول صحیح همین است. استناد قول مذکور را در کتابهای ذیل ملاحظه فرمائید.[۱]

از استناد شماره‌ی ۲ و شماره‌ی ۳ نیز مستند گردید. چون شماره‌ی ۲ شامل شماره‌ی ۳ می‌باشد. این قول که مسجد کمتر از چهل ذراع باشد، در کلیه کتابهای فقهی به لفظ «قیل» ذکر نشده است دیده شود.

قال الشامی فی الرد:

«فی القهتسانی: البیت کالصحراء والاصح انه کالمسجد و لهذا یجوز الاقتداء فیه لا تصال الصفوف، کما فی المنیة و لم یذکر حکم الدار فلیراجع لکن ظاهر التقیید بالصحراء والمسجد الکبیر جداً ان الدار کالبیت تأمل: ثم رأیت فی حاشیة المدنی عن جواهر الفتاوی ان قاضیخان سئل عن ذالک فقال: اختلفوا فیه فقدر بعضهم بستین ذراعاً. و بعضهم قال ان کانت اربعین ذراعاً فهی کبیرة والا فصغیرة هذا هو المختار»[۲]

و قال الجزیری فی کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة:

«و ان کان یصلی فی مسجد صغیر فانه یحرم المرور من موضوع قدمیه الی حائط القبلة و قدر باربعین ذراعاً علی المختار» [۳]

باز هم وقتی که فقهاء لفظ «قیل» را ذکر می‌کنند، در هر جا دلیل بر ضعف آن قول نیست بلکه گاهی حکایة عن الغیر ذکر می‌کند. یعنی بعضی این قول را تضعیف کرده‌اند این مستلزم آن نخواهد بود که نزد خود او (یعنی ناقل آن قول) این قول نیز ضعیف باشد.

۱- ردالمحتار: ٦٣۴/١ . بدائع الضائع: ٢١٧/١ . فتح القدیر: ٢٨٨/١. عنایه علی هامش الفتح: ٢٨٨/١، غنیة المتملی: ٣٦٧، فتاوی عالمگیری: ١٠۴/١، منحة الخالق علی هامش البحر: ١٦/٢، بنایه: ٧٨٨/١، حاشیة الشبلی علی التبیین: ١٦٠/١، خلاصة الفتاوی: ۵٩/١، شرح وقایة: ١٦٦/١ و نهایه، و احسن الفتاوی: ۴٠٩/٣، عمدة القاری: ۴٨٢/٢، فتح الملهم: ١٠٨/٢، اعلاء السنن: ٦٦/۵.

٢- ردالمحتار: ۵٨۵/١، الامامة، موانع الاقتداء. ٣-کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة: ٢٦٣/١.

قال الشامی:

«قوله (و مسجد صغیر) هو اقل من ستین ذراعاً و قیل من اربعین، و هو المختار»[۱]

قال فی عمدة الرعایة تحت قوله: (فی المسجد الصغیر):

«هو اقل من ستین ذراعاً و قیل من اربعین و هو المختار. کما فی جامع الرموز عن الجواهر»[۲]

وقتی که در مسئله دو قول صحیح وجود داشته باشد، بر هر یکی اگر فتوی صادر کرده شود، هیچ اشکالی ندارد.

بر این قول که فتوی صادر شد، قول علامه سرخسی داخل است.

اما اگر بر قول علامه سرخسی عمل شود، این قول متروک می‌گردد، چون قول سرخسی تا موضع سجود است و موضع خشوع تا حدودی جلوتر از موضع سجود است (فتفکر)

والله اعلم بالصواب - کتبه محمد یوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

٦ ربیع الثانی ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح و ثابت عن المصادر الا لمن کان سؤاله کسؤال المکابر - محمد عمر (غُفِرَله)

اگر در جلو نمازگزار آئینه‌ای قرار داشت چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: اگر روبروی شخص نمازگزار آئینهٔ بزرگی و یا کوچکی بود و نمازگزار خود را در آئینه می دید، آیا نمازش درست است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در توجه نمازگزار خلل پیدا کند مکروه است وگرنه پس نه.[۳]

والله اعلم و علمه اتم - کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه) دارالافتاء منبع‌العلوم

٢٦ جمادی الاول ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ٦٣۴/۱، ما یفسد الصلاة و ما یکره فیها.

۲- حاشیة شرح الوقایه (عمده‌ی الرعایة): ٦٦۱/۱.

۳- آپ کی مسائل اور انکا حل : ۳۱۲/۱.

مقتدی به گمان اینکه یک رکعت از نماز امام عقب مانده است، یک رکعت اضافی می‌خواند در حالی که مدرک بوده، چه حکمی دارد؟

الاستفتاء: کسی که نماز خودش را با امام دارد می خواند اگر او را در آخر رکعت نماز خیال پیدا گردد که من یک رکعت از امام عقب مانده‌ام و یک رکعت را اضافه می خواند حال آنکه از هیچ رکعتی عقب نمانده است پس ایا نماز او تمام می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش با کراهیت تمام می شود.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ رجب ۱۴۱۲ هق

اگر نماز به خاطر چنده و دیگر کارها تأخیر شود

الاستفتاء: حکم تأخیر نماز از وقت اصلی برای چنده و انتظار مقتدیان که حدود یک ساعت یا نیم ساعت از وقت آن تأخیر شود، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر وقت نماز مقرر رسیده انتظار به خاطر کدام شخص خاص و معین جائز نیست مگر در صورتی که گنجائش وقت مستحبه داشته باشد و بر قوم هم ملامت و ثقل داشته نباشد و اگر آن شخص شریر و فتنه‌انگیز باشد آن وقت هم در انتظار قلیل مضائقه نیست حکم انتظار برای چنده هم به همین تفصیل است.

«رئیس المحلة لا ینظر ما لم یکن شریرا والوقت متسع، (در مختار) و اما الانتظار قبل الشروع فی غیر ما یکره تأخیره کمغرب و عند ضیق وقت فالظا هر عدم الکراهة و لو لمعین الا اذا ثقل علی القوم. (طحطاوی)»[1]

والله اعلم بالصواب - کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۶ ذیحجه ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- فتاوی محمودیه: ۲۲۳/۲.

فتح دادن امام، مفسد نماز نیست

الاستفتاء: حافظ قرآن در نماز فرض سوره‌ی صافات را تمام کرده و به جای سوره‌ی ص سوره‌ی ق را شروع کرد و حافظ دیگر از پشت لقمه داد، یک آیه بعد دوباره اشتباه کرد، حافظ عقبی لقمه دیگر داد، آیا نماز فاسد است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز از لقمه دادن فاسد نمی‌گردد **کما فی ردالمختار:**

«بخلاف فتحه علی امامه فانه لا یفسد مطلقاً لفاتح و آخذ بکل حال اهـ»

و فی الرد:

ای سواء قرء الامام قدر ما تجوز به الصلواة ام لا انتقل الی آیة اخری ام لا تکرر الفتح ام لا هو الاصح، نهر»

و بعد اسطر:

«(تتمه) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی آیة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلواة اوالی سورة اخری او یرکع اذا قرأ قدر الفرض کما جزم به الزیلعی و غیره و فی روایة قدر المستحب کما رجحه الکمال بانه الظاهر من الدلیل و اقره فی البحر والنهر و نازعه فی شرح المنیة و رجح قدر الواجب لشدة تأکده»[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۰ صفر ۱۴۱۹ هـق

الجواب صحیح– محمد عمر (غُفِرَله)

حکم تنحنح در نماز

الاستفتاء: اگر امام در نماز چند مرتبه تنحنح کرد به علت گرفتگی صدایش، نمازش چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قال فی الفتاوی الهندیة:

التنحنح بلا عذر فان لم یکن مدفوعاً الیه و حصل منه حرف و لو لم یظهر له حرف فانه لا

۱– ردالمحتار: ۵۸۲/۱. احسن الفتاوی: ۲۸۱/۳.

یفسد اتفاقاً لکنه یکره کذا فی البحر الرائق و ان کان بعذر بان کان مدفوعاً الیه لا تفسد ـ الی قوله – و لو تنحنح لاصلاح صوته و تحسینه لا تفسده علی الصحیح»[۱]

از این عبارت معلوم شد که اگر به ضرورت طبعی و بدون اختیار تنحنح کرد مثلاً برای تحسین و صاف کردن آواز و یا به منظور تنبه امام باشد یا مقصود از آن اطلاع دادن این باشد که مردم بدانند که من مشغول نماز هستم پس فاسد نمی شود.

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۱ محرم ۱۴۲۱ هق

الجواب صحیح– محمد عمر (غُفِرَله)

دعای شفا و... نمودن برای شخص معین و نام بردن او در نماز

الاستفتاء: شخصی در نماز بعد از تشهد و درود خواندن، چنین دعا نمود و گفت: «**اللهم اهد و اشف ابنی ادریس**» و مردی را مشخصاً نام برد آیا نمازش فاسد می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جزئی مسئله در نظرم نگذشت اما از قواعد معلوم می شود که نمازش اشکالی ندارد و فاسد نمی شود و مکروه هم نیست.

قال فی الدر:

«والمختار کما قاله الحلبی ان ما هو فی القرآن او فی الحدیث لا یفسد و ما لیس فی احدهما ان استحال طلبه من الخلق لا یفسد و الا یفسد لو قبل قدر التشهد و الا تتم به ما لم ینذکر سجدة»[۲]

و این مسلم است، طلب شفا و هدایت از غیر الله محال است. و اسم بردن شخصی در نماز از حدیث ثابت است:

«اللهم انج الولید و سلمة بن هشام والعیاش ابن ربیعة»[۳]

و فی الدر:

۱– الفتاوی الهندیة: ۱۰۱/۱. ردالمحتار: ٦۱۸/۱، مفسدات الصلاة.

۲– ردالمحتار علی الدر: ۵۲۳/۱ و ۵۲۴، صفة الصلاة، مطلب فی خلف الوعید و حکم الدعاء بالمغفرة.

۳– هذا جزء من حدیث، رواه البخاری فی صحیحه، کتاب الا ذان باب ۱۲۸.

فلا تفسد بسؤال المغفرة مطلقاً و لو لعمی او لعمر و کذا الرزق ما لم یقیده بمال» [۱]

و فی الرد:

«قوله (لنفسه و ابویه واستاذه المؤمنین)... فیقتضی عد الفساد فی اللهم اغفر لزید» [۲]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۱هق

درود خواندن مقتدی هنگام شنیدن (ان الله و ملائکته یصلون علی النبی) از امام

الاستفتاء: وقتی که امام در نماز آیهٔ ﴿**ان الله و ملئکته یصلون علی النبی**﴾ را خواند، مقتدی به شنیدن این آیه دورد شریف بخواند حکم مقتدی چیست آیا نمازش فاسد می‌شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر نماز خوان در نماز اسم پیامبر اکرم ـ ﷺ ـ شنید و به قصد جواب، درود شریف را بر زبان آورد، نمازش فاسد می‌شود. و اگر به محض شنیدن اسم آن حضرت ـ علیه السلام ـ بدون نیت جواب، درود خواند باز هم نمازش فاسد می‌شود. و اگر اسمش نشنیده بلکه خود به خود از زبانش درود برآمده و خواند، نمازش فاسد نمی‌شود. اما در صورت مسئوله نماز مقتدی فاسد می‌شود چراکه به نیت جواب خوانده یا به تعظیم اسم او و این هر دو اجابت هستند.

لما فی البحر:

«و کذلک اذا سمع اسم النبی ـ ﷺ ـ فصلّیٰ علیه فهذا اجابة فتفسد و ان صلی علیه و لم یسمع لا تفسد» [۳]

والله اعلم و علمه اتم ـ دارالافتاء منبع‌العلوم

۴ جمادی الثانی ۱۴۲۱ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار: ۵۲۴/۱.

۲- ردالمحتار: ۵۲۲/۱، مطلب فی الدعاء بغیر العربیة.

۳- البحر الرائق: ٦/۲، ما یفسد الصلاة...

نماز خواندن روی جانمازی منقش

الاستفتاء: نماز خواندن روی جای نمازی که به رنگ سرخ و زرد باشد چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز جایز است آن قسمت که سرخ و زرد و منقش هست پیش نظر او نباشد بهتر است که موجب انحلال خشوع می شود.

قال فی الرد:

«و لا باس بنقشه خلا محرابه فانه یکره لانه یلهی المصلی فینسحل بخشوعه من النظر الی موضع سجوده و نحوه و یکون منتهی بصره الی موضع سجوده» (۱)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۱۱ ربیع الثانی ۱۴۲۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

همراه داشتن نجاست در نماز

الاستفتاء: لباسی که خونین و نجس است، اگر کسی در جیب گذاشته و نماز بخواند، نمازش درست خواهد بود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر آن نجاست از مقدار معفو بیشتر است، نماز صحیح نمی شود؛ چون او حامل نجاست است. و مقدار معفو از نجاست جرم دار، یک مثقال و از غلیظه مثل خون، مدفوع و ادرار، به قدر یک تومان سکه‌ای بزرگ و از خفیفه، مثل ادرار حیوانات، حلال گوشت به قدر چهارم حصۀ آستین یا دامن و... می باشد.

قال فی المراقی:

«واذا امسک حبلاً مربوطاً به نجاسة و بقی من عمامته طرف طاهر و لم یتحرک الطرف النجس بحرکته صحت والا فلا کما لو اصاب راسه» (۲)

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲۹ شوال ۱۴۲۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- ردالمحتار للشامی: ٦١٦/١ باب ما یفسد الصلاة، مطلب احکام المسجد.

۲- مراقی الفلاح ص ۱۱۲. خیر الفتاوی: ۴۴۸/۲.

اگر امام از قرائت بند شود و یک مقتدی بدون استخلاف، قرائت و نماز امام را ادامه داد و در آخر امام قدرت پیدا کرده و نماز را به پایان برساند.

الاستفتاء: امام در نماز عشاء در رکعت اول بعد از فاتحه چند آیه خواند، احیاناً به علت مرضی بند شد و نتوانست قرائتش را ادامه دهد و رکوع هم نکرد. یکی از مقتدیها بدون خلیفه گرفتن از صف مقداری جلوتر آمد و به قرائت امام ادامه داد و امام و مقتدیان از وی پیروی کردند، تا سه رکعت به همین حالت خواندند و در رکعت چهارم باز امام قدرت پیدا کرده و تکبیرات را خواند و مقتدیها از هر دو پیروی کردند تا اینکه نماز تمام شد و بدون سجده‌ی سهو سلام گردانیدند. حالا بفرمائید حکم نماز پیشنماز و مقتدیان چیست؟ توضیح دهید.

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت مذکوره نماز همه‌ی ایشان صحیح نشده است، چراکه حصر در قراءت نادرالوقوع نیست بلکه وقوع آن بسیار می‌باشد.

قال فی الدر والتنویر:

«و کذا یجوز له ان یستخلف اذا حصر عن قراءة قدر المفروض»

و اگر از قدر مفروض هم بیشتر خوانده است و حصر شد، به قول صحیح و راجح باز هم استخلاف جایز است.

و فی الرد:

«قوله (عن قراءة قدر المفروض)... فکذا هنا یجوز الاستخلاف مطلقاً اه و أیده فی الشر بنلالیة بما فی شرح جامع الصغیر ان الاستخلاف هنا لا یفسد»[1]

خلیفه گرفتن گرچه حق امام هست اما اگر امام خلیفه نگرفت و قوم خلیفه گرفتند و یا اینکه فردی خودش بدون استخلاف جلو رفت و نماز را تکرار کرد مثل مسئله مذکوره هم صحیح و نماز همه، صحیح می‌گردد.

و فی الرد:

«قوله (استخلف) اشار الی ان الاستخلاف حق الامام... و ان قدم القوم واحداً او تقدم

۱- ردالمحتار: ۴۴۶/۱، باب الاستخلاف.

بنفسه لعدم استخلاف الامام جاز ان قام مقام الاول قبل ان یخرج من المسجد و لو خرج منه فسدت صلاة الکل دون الامام» [۱]

و ضرورت سجده سهو هم نیست، چراکه اینجا هیچ سببی از اسباب وجوب سجده سهو دیده نشده است.

والله اعلم و علمه اتم ـ محمد عمر (غُفِرَله)

۱۹ ذیقعده ۱۴۲۳ هق

خواندن آیات متفرقه از یک سوره یا سوره‌های مختلف در نماز

الاستفتاء: نمازگزار بعد از خواندن فاتحه، سوره‌ای را شروع کرد و بعد از خواندن یک دو آیه، سوره‌ی دیگری شروع کرد، حکم این نماز و این شخص چیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: افضل این است که در یک رکعت فرائض بعد از فاتحه یک سوره کامل بخواند. خواندن آیات متفرق در فرائض خلاف استحباب است.

قال فی الهندیة:

«الا فضل ان یقرأ فی رکعة الفاتحة و سورة کاملة فی المکتوبة»

«ولو قرأ فی رکعة من وسط سورة و من آخر سورة و قرأ فی الرکعة الاخری من وسط سورة اخری او من آخر سورة اخری لا ینبغی له ان یفعل ذلک علی ما هو ظاهر الروایة و لکن لو فعل ذلک لاباس به» [۲]

و در فتاوی محمودیه نیز نوشته است که خواندن آیات متفرق در فرائض، مکروه است[۳].

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲۵ ذیقعده ۱۴۲۳ هق

الجواب صحیح– محمد عمر (غُفِرَله)

۱– ردالمحتار: ۴۴۴/۱.

۲– الفتاوی الهندیة: ۷۸/۱، فی القراءة.

۳– فتاوی محمودیه: ۲٦۳/۱.

حکم ترک دادن سلام دوم

الاستفتاء: شخصی مشغول نماز بود و خواست سلام بگرداند اما فقط یک طرف سلام گرداند و سخن گفت، آیا نمازش فاسد می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز او صحیح و ادا می‌گردد، زیرا از سلام اول نماز تمام می شود اما چون سلام دوم هم واجب است، اگر این شخص در صورتی که بعد از سلام دادن یک طرف تا حال سینه‌اش را از قبله نگردانیده و سخن نگفته است، سلام دوم را ادا کند و بهتر است که بنشیند و به طرف چپ سلام دوم را بگرداند و اگر در حال ایستاده انجام داد، واجب ادا می‌گردد البته خلاف سنت می باشد.[1]

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۴ محرم ۱۴۲۴ هق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

حکم دعا به غیر مایشابه کلام الناس در نماز

الاستفتاء: شخصی در نماز پس از استفتاح و یا فاتحه چیزی دیگر گفت که از قرآن نبود و بدون قصد به زبان وی جاری شد، مانند این دعاء «**اللهم طهر قلبی من النفاق**» و یا ادعیهٔ دیگری، آیا نماز این شخص فاسد می‌گردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: از قواعد معلوم می شود که نمازش فاسد نمی شود.

قال فی الدر:

«کما قاله الحلبی ان ما هو فی القرآن او فی الحدیث لا یفسد و ما لیس فی احدهما ان استحال طلبه من الخلق لا یفسد و الا یفسد لو قبل قدر التشهد والاتتم به ما لم یتذکر سجدة» [2]

۱-کذا فی احسن الفتاوی: ۳۸/۴ به حواله‌ی ردالمحتار شامی.

۲- ردالمحتار: ۳۸۷/۱.

و این مسلم است که طهارت قلب از نفاق، از غیر الله محال است.

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۲٦ ربیع الاول ۱۴۲۴ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

سهو نمودن در سجده‌ی سهو

الاستفتاء: شخصی در نماز واجبی را ترک داد و سجده سهو نمود ولی سه بار سجده کرد آیا نماز او فاسد می شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز این شخص فاسد نمی شود بلکه صحیح است و سجده‌ی سهو دیگری هم بر او لازم نیست.

قال فی الهندیة:

«السهو فی سجود السهو لا یوجب السهو لانه لا یتنهاهی کذا فی التهذیب» (۱)

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۵ جمادی الثانی ۱۴۲۳ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

اگر سلام را ترک کند، نماز چه حکم دارد؟

الاستفتاء: اگر شخصی نماز خوانده و به پایان رساند ولی سلام نگردانیده بلند شد و رفت، نماز او چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش صحیح می شود؛ به همراه کراهیت تحریمی که خروج به فعل مصلی دیده شده، اما کراهت تحریمی باقی است که گفتن لفظ سلام واجب بود و ترک داد.(۲)

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع العلوم

۵ جمادی الثانی ۱۴۲۳ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- الفتاوی الهندیة: ۱۳۰/۱.

۲-کذا فی ردالمحتار: ۴۱۸/۱.

كتاب الصلاة / باب

ما يتعلق بزلّة القارى

قول مفتیٰ‌به در مورد مسئله اشتباه خواندن قرآن کریم

الاستفتاء: دربارهٔ غلط خواندن قرآن کریم در نماز، امام ابویوسف ـ ﷬ ـ و طرفین اختلاف کرده‌اند، فتوی بر کدام قول است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در اصل این مسئله، راجح قول طرفین است، کما فی احسن الفتاوی. اما اکثر متأخرین و علماء دیوبند بنابر عموم البلوی فتوی به قول ابویوسف ـ ﷬ ـ داده‌اند.

احقر هم به عمل ذاتی خود به قول طرفین ـ ﷬ ـ عمل را احواط می‌دانم ولی برای سهولت عوام، فتوی به قول امام ابویوسف ـ ﷬ ـ می‌دهم. تفصیل مسئله در ردالمحتار شامی و احسن الفتاوی موجود است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله

۹ رجب ۱۴۱۳ هق

اشتباه خواندن حروف قرآن در نماز و عدم رعایت تجوید

الاستفتاء: وقتی که قرائت امام صحیح نباشد به جای **الحمد**، **الهمد** و **الرحمن الرحیم**، **الرهمن الرهیم** می‌خواند، نماز خواندن پشت سر این امام چه حکم دارد؟ و نماز کسی که قرائت او صحیح‌تر باشد، درست می‌شود و افشای حال این امام برای مردم که این امام قرائت نمی‌داند، جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این چنین اشخاصی را امام دائمی کردن روا نیست اقتداء امثال او بر پس پشت او مکروه تحریمه است و کسی که صحیح خوانست اقتدایش به این امام اصلاً صحیح نیست و خود نماز این امام در خطر است. و با آدمهای فهمنده از حال او معلوم کردن، خوب است ولی اعلان عمومی نکند. کذا حققه الشامی و غیره.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله

۲ ربیع الثانی ۱۴۱۵ هق

۱– ردالمحتار: ۴٦٦/۱. احسن الفتاوی: ۹۳/۳ الی ۱۰۲.

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: کسی که در نماز فرض، به جای «تحویلاً» مثلاً «تبدیلاً» خواند در آیه «... و **لن تجد لسنتا تحویلاً**» حکمش چیست.

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت نمازش فاسد نمی‌گردد. **کذا فی الشامی ج ۱ زلة القاری.**

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله

۳۰ ذیقعده ۱۴۱۵ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: شخصی به جای «مستقیم» «مستقین» خواند چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این اشتباه از قبیل تبدیل حرف به حرف است که میم رابه نون به تبدیل می‌کند و این هر دو حرف قریب المخرج‌اند که میم از حروف شفوی و نون از حروف زلقیه است ولی این هر دو حرف از همان نوع‌اند که امتیاز بین میم و نون خیلی سهل است در هر زبان برای امتیاز آنها هیچ مشکلی نیست. پس حکم این چنین اشتباه که در قرآن کریم هم مثل آن نباشد مثل مستقین که در قرآن کریم نظیر ندارد و معنی این ماده‌ی استقان در لغتهای مشهوره نیست و نظیر آن قرائت سرائل است به جای سرائر که در فتاوی شامی مذکور است. حالا حکم این مسئله نزد فقهاء متقدمین، فساد نماز است.

کما قال الشامی:

«فان لم یکن مثله فی القرآن والمعنی بعید متغیر تغیراً فاحشاً یفسد ایضاً لهذا الغبار مکان الغراب و کذا اذا لم یکن مثله فی القرآن و لا معنی له کالسرائل باللام مکان السرائر و ان کان مثله فی القرآن والمعنی بعید و لم یکن متغیراً فاحشاً تفسد ایضاً عند ابی حنیفة و محمد رحمها الله تعالی و هو الا حوط و قال بعض المشائخ لا تفسد لعلوم البلوی و هو قول ابی یوسف رحمه الله تعالی»

و در صورت سهولت امتیاز بین حرفین و احتیاط نکردن باتفاق متقدمین و متأخرین

رحمهم الله مفسد نماز است. **کما نقله الشامی عن قاضیخان.** و قول طرفین راجح است.
نقل کلها فی احسن الفتاوی تفصیلاً و توضیحاً[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله

۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هق

غلط فاحش در قرائت و سپس تصحیح آن

الاستفتاء: اگر کسی در نماز غلط فاحش کرد؛ مثلاً چنین خواند «**فاما من ثقلت موازینه فامه هاویه**» و فوراً آن را تصحیح هم کرد، نمازش چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش صحیح می‌شود.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم ۱۴۰۳ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: اگر کسی در نماز چنان غلط فاحش کرد که نماز فاسد می‌شود، اما دو مرتبه آن را تدارک کرده و صحیح خواند، چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اینجا دو قول وجود دارد: یکی اعاده‌ی نماز، دوم صحت نماز و همین قول راجح است[۳].

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۴ محرم الحرام ۱۴۰۵ هق

خواندن یدع الیتیم به تسکین دال

الاستفتاء: شخصی در نماز در سوره‌ی ماعون به جای «**یدعُّ الیـتیم**» یـدع الیـتیم بـه تسکین دال می‌خواند، چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قال فی الشامیة:

۱- ر.ک: احسن الفتاوی: ۹۳/۳ الی ۱۰۲.
۲- احسن الفتاوی: ۴۴۵/۳.
۳- فتاوی رحیمیه: ۲۵۱/۳.

«و عامة المشائخ علی ان ترک التشدید والمد کالخطأ فی الاعـراب لا یـفسد فـی قـول المتأخرین، و فی البزازیة: و لو ترک التشدید فی ایاک نعبد او رب العالمین المختار انه لا یفسد علی قول العامة فی جمیع المواضع اهو قدمنا عن الفتح انه الاصح»[۱]

و فی الخانیة:

«و لو قرء یدع الیتیم بتسکین الدال تفسد صلاته»[۲]

با توجه به عبارات فـوق، ایـن مسـئله دو جـنبه دارد: ۱. عـمداً بـه تسکـین دال می‌خواند، در این صورت نمازش فاسد می‌گردد. و همین است محمل قـول مـذکور قاضیخان و علامه حلبی در شرح منیة[۳]

۲. سهواً به تسکین دال خواند یا اینکه بعد از کوشش و تمرین زیاد، نتوانست آن را به ضم دال و تشدید عین و به طور صحیح ادا نماید، در این صورت نمازش درست است؛ هم چنانکه عبارت شامی نقل شد. و در احسن الفتاوی نیز دیده شود[۴].

البته بهتر این است که نماز را اعاده کند **لتغیر المعنی اذ الدعاء یناقض الدفع کما هو مذهب الطرفین و هو الاحوط.**

والله اعلم و علمه اتم - کتبه محمد یوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۳ محرم الحرام ۱۴۱۷ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

خواندن عین به جای همزه در آیهٔ «من بین ایدیهم»

الاستفتاء: اگر کسی در نماز به جای همزه، عین بخواند، نمازش فاسد می‌شود یـا خیر؟ مثلاً به جای **«من بین ایدیهم سداً» من بین عیدیهم**، خواند.

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله از قبیل تبدیل حرفی به جـای حـرف دیگـر است. اگر از روی خطا یا نادانسته چنین بخواند، طبق فتوا و قول متأخرین احـناف،

۱- ردالمحتار: ۶۳۲/۱، زلة القاری.

۲- الفتاوی الخانیة بهامش الهندیة: ۱۴۷/۱.

۳- غنیة المـتملی ص ۴۸۸.

۴- احسن الفتاوی: ۹۳/۳ الی ۱۰۲، رساله‌ی «الارشاد...».

نمازش فاسد نمی‌شود؛ **لعموم البلویٰ.**

و فی الهندیة:

«و ان کان لا یمکن الفصل بین الحرفین الا بمشقة... اختلف المشائخ قال اکثرهم لا تفسد صلاته، قال الامام ابوالحسن و ابوعاصم فسدت و ان جریٰ علی لسانه او کان لا یعرف التمییز لا تفسد و هو اعدل الاقاویل والمختار»(۱)

و قال العلامة الشامی:

«فاکثرهم علی عدم الفساد لعموم البلویٰ»(۲)

و فی البزازیة:

«ان قرأ حرفاً مکان حرف و لم یتغیر المعنی... و ان لم یمکن الا بمشقة کالظاء مع الضاد والصاد مع السین والطاء مع التاء فالاکثر علی انه لا یفسد لعموم البلویٰ...»(۳)

والله اعلم و علمه اتم - کتبه ابواسحاق حملی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۷ هـ ق

الجواب صحیح - محمد عمر (غُفِرَله)

ترک دادن کلمه «فربکم» در آیهٔ (فربکم اعلم بمن هو اهدی سبیلا)

الاستفتاء: شخصی در نماز در آیهٔ ﴿فربکم اعلم بمن هو اهدی سبیلا﴾ کلمهٔ «فربکم» را گذاشت، در حالی که قبل از این پنج و شش آیه خوانده بود، آیا نمازش فاسد می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش فاسد نمی‌شود؛ زیراکه از این تغییر، در معنی تغییر فاحش نمی‌آید که نماز فاسد گردد. و قاعده در این مورد نزد متقدمین این است که خطا در قرآن، یا در اعراب می‌شود یا در حروف یا در زیادت و نقصان یا در کلمات و یا در

۱- الهندیة: ۷۹/۱، صفة الصلاة، زلة القاری. ۲- ردالمحتار: ۶۳۰/۱، زلة القاری.

۳- البزازیة بهامش الهندیة: ۴۲/۴.

جمله. و در تمامی این صورت‌ها اگر معنی متغیر شود، نماز فاسد می‌گردد و اگر متغیر نمی‌شود، نماز فاسد نخواهد شد[1].

والله اعلم و علمه اتم - دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۴ جمادی الثانی ۱۴۱۷ هـ ق
الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

۱- فتاوی دارالعلوم دیوبند: ۷۵/۴، به حواله شرح المنیة، و ۷۲، به حواله شامیه.

كتاب الصلاة / باب

الوتر و النوافل و السنن

حکم شخصی که دعای قنوت را یاد ندارد

الاستفتاء: اگر کسی دعای قنوت نداند، به جای آن چه بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: «ربنا آتنا فی الدنیا الآیة» بخواند یا «اللهم اغفرلی» یا «یا رب» سه بار بخواند.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ جمادی الاول ۱۳۸٦ هق

درود خواندن بعد از قنوت

الاستفتاء: بعد از قنوت درود هم هست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری درود خواندن مستحب و افضل است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الاخر ۱۳۹۸ هق

شخصی که فرض عشاء یا تراویح یا هر دو را تنها خوانده است، می‌تواند به جماعت وتر شرکت کند

الاستفتاء: اگر شخصی فرض عشاء یا تراویح را تنها خوانده، آیا در وتر با جماعت شرکت می تواند کرد یا نه؟ و نیز کسی که هر دو را به غیر جماعت خواند حق شرکت در وتر با جماعت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این هر دو صورت شرکت در جماعت وتر می‌تواند طبق تحقیق علامه حلبی. علامه شامی در این مسئله اختلافی دارد ولی عمل بر او اولی‌تر است.[۳]

۱-کذا فی ردالمحتار: ٦٦۴/۱.

۲- ردالمحتار: ۳۸۳/۱، صفة الصلاة، استحباب الصلاة علی النبی ـ ﷺ ـ فی مواضع.

۳- غنیة المستملی للحلبی ص ۲۱۰، والمسئلة فی ردالمحتار: ۵۲۳/۱، صلاة التراویح.

اما کسی که فرض را به غیر جماعت خواند به هر حال تراویح را با جماعت ادا می‌تواند کرد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ محرم ۱۴۰۳ هق

حکم تکبیر قنوت و رفع یدین در آن

الاستفتاء: آیا تکبیر قنوت واجب است و رفع یدین در آن ثابت است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: آری! سنت است و رفع یدین در آن از حضرت عمر و حضرت ابن مسعود ـ رضی الله عنهما ـ ثابت است و از ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ مرفوعاً هم ثابت است. تمام روایات در احسن الفتاوی به حواله‌ی اعلاء السنن مروی‌اند[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

ثبوت دعای قنوتی که حنفیه در وتر می‌خوانند

الاستفتاء: آیا دعای قنوت در وتر که نزد احناف مروج است، سندی ثابت دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سند کامل و ثابت دارد. در احسن الفتاوی به حواله‌ی المدونة الکبری، الاعتبار للحازمی معزیا الی مراسیل ابی داود، اعلاء السنن و طحطاوی نوشته است[2].

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

خواندن دعایی دیگر به جای قنوت

الاستفتاء: اگر در رکعت سوم وتر به جای قنوت به فراموشی «**سبحانک اللهم**» خواند

۱- ر.ک: احسن الفتاوی: ۴۸۹/۳، باب الوتر والنوافل.

۲- ر.ک احسن الفتاوی: ۴۹۵/۳.

قنوت ادا می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ادا می شود، چراکه قنوت واجب معین نیست، هر دعاء و ثناکه باشد حتی علماء بعض قرائت اخلاص را هم جائز داشته‌اند [۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۸ جمادی الاخر ۱۴۰۳ هق

فراموش کردن قنوت و رفتن به رکوع و رجوع مجدد

الاستفتاء: اگر از قنوت سهو کرده به رکوع رفت و فتح داده شد و به قنوت عود کرد، چه کار کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این مسئله چند صورت دارد:

۱. سوره نخواند به رکوع رفت، در این صورت رجوع کرده، سوره را بخواند و رکوع کرده در آخر سجده‌ی سهو کند.

۲. در این صورت اگر دوباره رکوع نکرد، نمازش فاسد می شود.

۳. اگر بعد از یاد آمدن در رکوع، به طرف قیام عود نکرد و سوره نخواند، نمازش فاسد می شود، طبق قواعد فقهیه.

۴. اگر قراءت خواند اما فقط قنوت نخواند و به‌کوع رفت، در این صورت عود نکند به طرف قیام بلکه در آخر سجده‌ی سهو کند، البته اگر عودکرد نماز فاسد نمی شود اما دوباره رکوع نکند فقط سجده‌ی سهو کند و اگر دوباره رکوع کرد، چون این تأخیر عمدی است از این وجه تدارک آن به سجده‌ی سهو نمی شود بلکه نماز واجب الاعاده می‌گردد[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۲ ذیحجه ۱۴۰۳ هق

۱-کذا فی السعایة شرح شرح الوقایة للامام اللکنوی: ۱۳۸/۲، صفة الصلاة.

۲-احسن الفتاوی: ۲۳/۴، سجود السهو.

قنوت نازله در کدام نماز خوانده شود؟

الاستفتاء: قنوت نازله درکدام نمازها و چه وقت خوانده شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد محققین فقط نماز در صبح از رکوع در رکعت دوم بخواند و نزد بعضی در هر نماز جهر نماز جائز است [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱ محرم ۱۴۰۵ هق

شخصی دعای قنوت را فراموش کرد و بعد از تسلیم به یادش افتاد چکار کند؟

الاستفتاء: شخصی نماز وتر را می‌خواند و دعاء قنوت را فراموش می‌کند تا اینکه هر دو جانب سلام می‌گرداند به خیال می‌افتد که دعاء قنوت را نخوانده‌ام آیا در همین حالت دوباره سجده‌ی سهو کند یا نماز را از سر نو اعاده کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر از قبله رونگردانیده است و دیگر حرکتی که شکننده‌ی نماز باشد انجام است مثل تکلم کردن و خوردن و نوشیدن و غیره اگر چه دیرگذاشته است و تسبیح و تهلیل خوانده است، سجده‌ی سهوکند نماز تمام می‌شود، و اگرکاری مفسد نماز، انجام داده است از سر نو اعاده کند.

قال فی الدر والتنویر:

«و یسجد للسهو و لو مع سلامه ناویاً للقطع لان نیة تغییر المشروع لغو ما لم یتحول عن القبلة او یتکلم...» [2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ صفر ۱۴۱۱ هق

حکم ازدیاد بر دعای قنوت

الاستفتاء: در قنوت وتر زیاده از قنوت خواندن رواست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رواست. قال فی الدر:

۱- رحیمیه: ۱۹۲/۱.

۲- ردالمحتار: ۵۵۵/۱، اواخر باب سجود السهو.

«و یسن الدعاء المشهور و یصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم به یفتی».

و فی الرد:

«و ذکر فی البحر عن الکرخی ان القنوت لیس فیه دعاء موقت لانه روی عن الصحابة ـ رضی الله عنهم ـ ادعیة مختلفة (الی ان قال) ثم ذکران الاولی ان یضم الیه اللهم اهدنی...و منه ما عن ابن عمرانه کان یقول بعد عذابک الجد بالکفار ملحق اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات...»[1]

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ ربیع الثانی ۱۴۱۱ هق

جهر خواندن دعای قنوت

الاستفتاء: در نماز وتر دعاء قنوت را به جهر خواندن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است ولی اخفاء افضل است؛ چراکه دعا هست. امام باشد یا مقتدی یا منفرد. البته بعضی گفته‌اند اگر در رمضان امامست و مقتدی‌ها قنوت وتر را نمی‌دانند بنابر تعلیم و یادگرفتن آنها جهر خواندن افضل است ولی قول اول اصح است البته اخفاء واجب هم نیست اگر جهر خواند بر وی سجده سهو نمی‌آید.

قال التنویر و الدار:

«وقنت فیه مخافتا علی الاصح مطلقاً ولو اماماً لحدیث خیرالدعاء الخفی»

و فی الرد:

قوله (علی الاصح) کذا «فی المحیط. و فی الهدایة و هو المختار و مقابله ما فی الذخیرة واستحسنوا الجهر فی بلاد المعجم للامام لیتعلموا و فصل بعضهم بین ان یعلمه للقوم فالافضل للامام الاخفاء و الافالجهر (قوله و لواماما) قال فی الخزائن اماما کان او مؤتما او منفرداً اداءً او قضاءً فی رمضان او غیره. (قوله لحدیث... الخ) افادان المخافتة لیست واجبةً»[2]

۱– ردالمحتار: ۴۹۳/۱، باب الوتر والنوافل. ۲– ردالمحتار: ۴۹۳/۱.

البته اگر جهر می‌خوانند مثل جهر قرائت نخواند، بلکه خفیةً خواند. ناگفته نماند این در مورد قنوت وتر است، اما در قنوت نازله جهر خواندن افضل است به اتفاق علماء.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ ربیع الاول ۱۴۱۳ هق

اقتداء در عین رکوع رکعت سوم وتر

الاستفتاء: اگر شخصی در رکعت سوم نماز وتر در حالی که امام در رکوع قرار دارد، به نماز برسد، آیا بر این مسبوق خواندن دعاء قنوت لازم است یا از او ساقط می‌گردد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: لازم نیست.

قال فی نور الایضاح و شرحه:

«و لو ادرک الامام فی رکوع الثالث من الوتر کان مدرکاً للقنوت، حکماً»[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ ربیع الاول ۱۴۱۳ هق

حکم نماز وتر

الاستفتاء: در ماه مبارک رمضان امسال شخصی فتویٰ داده بود که نماز وتر، نافله است؛ یعنی اگر خواستید بخوانید و یا نخوانید. آیا این صحت دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد امام اعظم ـ رحمه الله ـ و عده‌ای از علماء وتر واجب است و نزد صاحبین و ائمه ثلاثه سنت است. چنانچه در عمدة القاری شرح بخاری و در فتح الباری و تمام شروح احادیث و کتب فقه مذکور است آن را نقل گفتن عقیده‌ی غیر مقلدین و بعضی نجدیان است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هق

۱- حاشیة الطحطاوی علی المراقی ص ۲۳۱، باب الوتر.

شرکت در جماعت وتر برای کسی که فرض عشاء را نخوانده است

الاستفتاء: اگر شخصی نماز عشاء را نخوانده باشد، می‌تواند در جماعت وتر شرکت کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمی‌تواند. اولاً فرض خوانده سپس شریک جماعت شود.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ محرم ۱۴۱۳ هق

فراموش کردن قنوت و رفتن به رکوع و رجوع مجدد

الاستفتاء: اگر امام دعاء قنوت را فراموش کرد و به رکوع رفت سپس یادش آمد که دعاء قنوت را نخوانده است، بعداً بلند شد و دعاء قنوت را خواند و دو مرتبه رکوع کرد، آیا نمازش فاسد می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بر وی سجده‌ی سهو لازم می‌شود، نمازش فاسد نمی‌گردد، در قول صحیح و راجح. و رکوع دوم لغو می‌گردد.

قال فی الدر و التنویر:

«و لو نسیه ای القنوت ثم تذکره فی الرکوع لا یقنت فیه لفوات محله و لا یعود الی القیام فی الاصح لان فیه رفض الفرض للواجب».

و فی الرد:

«و هو مبطل للصلواة علی قول، و موجب للاساة علی قول آخر والحق الثانی کما یأتی فی باب سجود سهو»(۲)

و فی الرد فی باب سجود السهو:

«قوله (اثم اعاد الرکوع)... و هذا کله بخلاف ما لو تذکر القنوت فی الرکوع فالصحیح انه لا

۱- احسن الفتاوی: ۵۱۷/۳.
۲- ردالمحتار: ۴۹۵/۱، باب الوتر.

یعود و لو عاد وقنت لا یرتفض رکوعه و علیه و علیه السهو...» [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاول ۱۴۱۳ هق

اقتدای حنفی به شافعی در نماز وتر

الاستفتاء: در مسجدی همه و یا اکثریت مقتدی‌ها حنفی مـذهب و امـام مسـجد شافعی است. امام می‌گوید که وترها را تابع امام انجام دهید، و ضمناً بعضی از علمای احناف که در ابوظبی هستند و یا بعضی دیگر که زیارتی در اینجا می‌آید هر یکی یک رأی می دهد و مردم همه سرگردان هستند بعضی از مقتدی‌ها نماز فرض و تراویح را با امام می خوانند و وتر را تنها می خوانند و بعضی دیگر از مقتدی‌ها تمام نمازها را جمعاً با امام می خوانند و در حالی که امام دو رکعت شفع و یک وتر می خواند البته امام دو رکعت که خواند سلام می‌گرداند و این نوع مقتدی‌ها سلام نمی‌گردانند و انتظار می‌کنند تا امام یک رکعت وتر را شروع می‌کند و آخر سلام می‌گردانند.

الجواب بسم ملهم الصواب: اقتداء مقلد حنفی در نماز غیر وتر پشت سر ائمهٔ مذاهب دیگر رواست. البته جائیکه امامی حنفی مذهب باشد پشت سر او نماز خواندن افضل است.

و در نماز وتر اقتداء به ائمهٔ مذاهب دیگر روی این تفصیل است. اگر همان امام غیر وتر هر سه رکعت را وصل کرده می خواند پس اقتدای حنفی به او به اتفاق ائمهٔ احناف صحیح است و نمازش درست می شود. و اگر فصل می‌کند که دو رکعت شفع می خواند و یکی بعد سلام برود و جدا وتر می‌کند، در این صورت ائمه احناف اختلاف دارند، شیخ ابوبکر جصاص ـ ﷫ ـ رازی و برخی دیگر این صورت را هم جائز می دانند. ولی این قول مرجوح و صحیح نیست.

عده‌ای دیگر که جمهور علمای احناف ـ ﷭ ـ اند، می‌گویند که در این صورت اقتداء

۱- ردالمحتار: ۵۴۸/۱، اوائل باب سجود السهو.

مقلد حنفی دو وتر پشت سر آنها روا نیست و نمازش اصلاً صحیح نمی‌شود باید دو مرتبه بخواند و همین قول صحیح و راجح است.

در فتاوی عثمانی نقلاً از بحر و شامی می‌فرماید:

«کما فی البحر ج ۲ ص ۴۰ ان المذهب الصحیح صحة الاقتداء بالشافعی فی الوتر ان لم یسلم علی رأس الرکعتین وعدمها ان سلم، و کما فی الشـامی ج ۱ ص ۴۹۴ و لم یـذکر الشارح تعلیل اشتراط عدم الفصل بسلام اکتفاء بما اشار الیه قبله ان الاصح اعتبار اعتقاد المقتدی والسلام قاطع فی اعتقاده فصح اقتداءه...»[1]

دلائل احناف در این مسئله که وتر سه رکعت است به یک سلام احادیث ذیل‌اند.

(۱) عن عائشة رضی الله عنها ان رسول الله صلی الله علیه و سلم کان لا یسلم فی رکعتی الوتر.

رواه السنانی: ۲۴۸/۱ و سکت عنه. و فی آثار السنن: ۱۱/۲ اسناده صحیح.

اخرجه الحکام فی المستدرک: ۲۰۴/۱ بلفظ: قالت کـان رسـول الله ـ ﷺ ـ لا یسـلم فـی الرکعتین الاولیین من الوتر. و قال هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین. واقره علیه الذهبی فی تلخیصه و قال علی شرطهما.

(۲) و عنها قالت کان رسول الله ـ ﷺ ـ یوتر بثلث لایسلم الا فی آخرهن (اخرجـه الحکـام ۲۰۴/۱).

واستشهد به و قال هذا وتر امیرالمؤمنین عمربن الخطاب ـ رضی الله عنه ـ و عنه اخذه اهل المدینة و سکت عنه الذهبی فی تلخیصه، فهو حسن و کذا نقله الزیلعی ۲۷۷/۱. فی نصب الرایة: بلفظ لا یسلم الی فی آخرهن و کلاهما عزاه الی الحکام.

(۳) عن عمرة عن عائشة رضی الله عنها ان رسول الله ـ ﷺ ـ کان یوتر بثلث یقرء فـی الرکـعة الاولی بسبح اسم ربک الاعلی و فی الثانیة قل یا ایها الکافرون و فی الثالثة قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس. رواه الدر قطنی والطحاوی والحکام و صـححه (آثـار السنن ۱۲/۲).

۱- فتاوی عثمانیه: ۱۱۱/۱.

و قال الحافظ ابن حجر فی التخلیص الخبیر ۱۱۸/۳: قال العقیلی اسناده صالح و لکن حدیث ابن عباس و ابی بن معب باسقاط المعوذتین اصح. و قال ابن الجوزی انکر احمد و یحیی بن معین زیادة المعوذتین.

(۴) حدثنا ابوالنضر ثنا محمد یعنی ابن راشد عن یزیر بن یعفر عن الحسن البصری عن سعد بن هشام عن عائشة رضی الله عنها ان رسول الله ـ ﷺ ـ کان اذا صلی العشاء دخل المنزل ثم صلی رکعتین ثم بعدهما رکعتین اطول منهما ثم اوتر بثلث لا یفصل بینهن. رواه احمد و اسناده بعتبربه (آثار السنن ص ۱۱).

قلت اما ابوالنضر فلا یسئل عنه فان شیوخ احمد ثقات کلهم. محمد بن راشد متکلم فیه و قد وثق و یزیدبن یعفر قال الدارقطنی یعتبربه. و ذکره ابن حیان فی الثقات و قال الذهبی فی المیزان لیس بحجة. (تعجیل المنفعة ص ۴۵۵) و هذا تلبین هین. فالاسناد حسن و ذکره الحافظ فی التخلیص (۱۱۶/۱) ایضا و سکت عنه.

(۵) عن ابی سلمة بن عبدالرحمن انه سأل عائشة ـ رضی الله عنها ـ کیف کانت صلواة رسول الله ـ ﷺ ـ فی رمضان فقالت ما کان رسول الله ـ ﷺ ـ یزید فی رمضان و لا غیره علی احدی عشرة رکعة یصلی اربعاً فلا تسئل عن حسنهن و طولهن رواه البخاری: (۱۵۴/۱ و مسلم: ۲۵۴/۱).

(۶) و فی رواید ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ ثم اوتر بثلث. الحدیث. رواه مسلم بطریق علی بن عبدالله بن عباس عنه (۲۶۱/۱).

(۷) ایضاً روایة ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ قال کان رسول الله ـ ﷺ ـ یقرء فی الوتر بسبح اسم ربک الاعلی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد فی رکعة رکعة. (و فی تخریج العراقی ۱۷۶/۱) رواه الترمذی والنسائی و ابن ماجة بسند صحیح.

(۸) و فی روایة عبدالرحمن بن ابزی ـ رضی الله عنه ـ ایضاً رواه الطحاوی و احمد و عبد بن حمید والنسائی و اسناده صحیح (آثار السنن ۱۰/۲ و ۱۱)

(۹) و فی روایة ابی بن کعب ـ رضی الله عنه ـ ایضاً، اخرجه النسائی والشوکانی فی نیل الاوطار (۲۹۷/۲)

رجاله ثقات الاعبد العزیز بن خالد و هو مقبول.

و فيه ايضاً (۲/۲۸۷) قال العراقى اسناده صحيح. و فى آثار السنن اسناده حسن (۲/۱۰) وللدار قطنى (۱/۱۷۵) فى هذا الحديث باسناده صحيح.

(۱۰) عن المسور بن مخرمة ـ رضي الله عنه ـ قال دفنا ابابكر ليلاً فقال عمر ـ رضي الله عنه ـ انى لم اوتر فقام و صففنا و راءه فصلى بنا ثلث ركعات لم يسلم الا فى آخرهن، اخرجه الطحطاوى. و فى آثار السنن اسناده صحيح (۲/۱۲)

(۱۱) عن عبدالرحمن بن يزيد عن عبدالله بن مسعود ـ رضي الله عنه ـ فقال الوتر ثلاث كوتر النهار صلواة المغرب رواه الطحطاوى (۱/۱۷۳) و فى آثار السنن (۲/۱۲) اسناده صحيح اھ

قلت و اخرجه محمد فى مؤطاه (ص ۱۴۶) بسند رجال مسلم بلفظ الوتر ثلث كصلواة المغرب.

(۱۲) عن انس ـ رضي الله عنه ـ قال الوتر ثلث ركعات، و كان يوتر بثلث ركعات.

قال الحافظ فى الدراية (ص ۱۱۵) اسناده صحيح اخرجه الطحاوى فى معانى الاثار (۱/۱۷۳)

(۱۳) عن عقبه بن مسلم قال سألت ابن عمر عن الوتر فقال اتعرف وتر النهار قلت نعم صلواة المغرب قال صدقت واحسنت، اخرجه كثير من المنصفين.

(۱۴) ايضاً رواية الشعبى عن ابى عمر و ابن عباس، اخرجه الطحاوى (۱۶۵) و رجاله رجال الصحيح.

(۱۵) ايضاً رواية ابى خالدة فى آثار السنن اسناده صحيح (۱/۱۷۳).

(۱۶) ايضاً رواية القاسم رواه البخارى: (۱/۱۳۵).

(۱۷) ايضاً رواية ابن الزناد عن الفقهاء السبعة فى المدينة ان الوتر ثلث لا يسلم الا فى آخرهن رواه الطحاوى: (۱/۱۷۵) و فى آثار السنن: اسناده حسن (۱/۱۳).

(۱۸) عن ابى الزناد ايضاً قال: اثبت عمربن عبدالعزيز الوتر بقول الفقهاء ثلاثا لا يسلم الا فى آخرهن رواه الطحاوى و فى آثار السنن: اسناده صحيح (۱/۱۷۵).

(۱۹) ايضاً رواية يونس.

(۲۰) ايضاً رواية سلام بن سليم.

(۲۱) ايضاً رواية ابوحنيفه ـ رحمه الله ـ صاحب المذهب عن ابى جعفر محمد الباقر ـ رحمه الله ـ

(۲۲) ایضاً روایة ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ عن حماد.

(۲۳) ایضاً روایة اسماعیل بن ابراهیم.

(۲۴) ایضاً روایة یحیی بن زکریا الکوفی.

(۲۵) ایضاً روایة ثابت عن انس.

(۲۶) ایضاً روایة حفض عن عمر و عن الحسن:

قال اجمع المسلمون علی ان الوتر بثلث لا یسلم الا فی آخرهن...[1]

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادی الثانی ۱۴۱۴ هق

خواندن دو وتر در یک شب

الاستفتاء: مسئله دیگر آنکه مقتدی‌هایی که همه نمازها را با امام می‌خوانند یعنی خصوصاً وتر که بعداً در شک می‌افتند که نماز ما صحیح است یا خیر؟ دو مرتبه وتر را تنها طبق مذهب خودشان یعنی احناف می‌خوانند آیا دو نماز وتر در یک شب هست یا خیر؟ و بعضی از مقتدیها همه نماز را کاملاً چه فرض و چه وتر و چه تراویح امام چطوری انجام می‌دهد همه را تابع امام انجام می‌دهند. خلاصه ما سرگردانیم که تابع کدام یکی از این مقتدیها باشیم که از این مقتدیها باشیم که نماز وتر ما صحیح ادا شود البته امام تابع ما مقتدیها وتر را انجام نمی‌دهد که اکثریت رأی را با امام به مقتدیها بدهد و دلیلی که امام مسجد از کتاب فتح الباری شرح البخاری جلد دوم برای ما نشان داد که حدیثی از حضرت عائشه ـ رضی الله عنها ـ ص ۴۸۱ حدیث ۹۹۴ بود که چرا نماز وتر شبیه نماز مغرب خوانده نشود و ما علم چندانی نداریم حالا به شما عالم حقانی رجوع می‌کنم تا انشاءالله اختلاف و مشکل آسان شود.

الجواب بسم ملهم الصواب: در یک شب نزد تمام علماء دو وتر مشروع نیست طبق حدیث قیس بن طلق بن علی عن ابیه قال:

سمعت رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ یقول: «لا وتران فی لیلة» اخرجه الترمذی و قال حدیث حسن

۱– مأخوذ و اقتباس از اعلاء السنن: ۲۳/٦ الی ص ۵۵ . هر روایتی که سندش اینجا مذکور نیست، به آن مراجعه شود.

غریب [1]

آری نزد امام اسحق بن راهویه مسئله نقض وتر هست که اگر اول شب وتر خواند و دو مرتبه به تهجد بیدار شد، اولاً یک رکعت به نیت نفل بخواند که همان وتر اول شب را شفع می‌کند و وتر منقوض می‌گردد پس بعد تهجد دو مرتبه وتر را بخواند.[2]

و از حضرت عبدالله بن عمر ـ رضی الله عنه ـ هم همین طور مروی است.

اما این حنفی‌ها که دو مرتبه تنها رفته و وتر می‌خوانند ایشان خوب می‌کنند و این روا است، این وتر دوم نیست بلکه این همان یک مرتبه است چرا که آن وتر اول ایشان پس پشت امام شافعی المذاهب به علت فصل کردن شفع و وتر به سلام روا نبوده است، لهذا ایشان را دو مرتبه جائز است.

والله اعلم و عمله اتم – محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادی الثانی ۱۴۱۴ هق

حکم نمازهای شخصی که دعای قنوت را یاد نداشته و مدت مدیدی با همین حالت وتر را ادا نموده است

الاستفتاء: از ترک دعای قنوت سجده‌ی سهو لازم می‌شود. اگر کسی اصلاً دعاء قنوت را نمی‌داند و دعاء قنوت را به طور کلی نمی‌خواند، نمازش فاسد می‌شود یا خیر؟ و به جای دعاء قنوت چه دعایی بخواند و اگر در تمام طول عمر این عمل را کرده باشد، قضاء نماز لازم می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دعای قنوت را اگر نداند سه بار «**اللهم اغفرلی یا ربنا آتنا**»... را بخواند یا فقط بگوید «یارب» سه بار، و اگر نخوانده است، نماز با کراهیت تحریمی ادا شده است بعد از یادگرفتن اگر اعاده کند بهتر است.

والله اعلم و عمله اتم – محمد عمر (غُفِرَله)

۲ ربیع الثانی ۱۴۱۵ هق

۱–معارف السنن: ۲۵٦/۴.　۲–کذا فی درس ترمذی: ۲۳۹/۲.

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: در منطقه‌ای به نام «پزم» در نزدیکی کنارک سالیان دراز زنان نماز وتر را ناقص می‌خوانده‌اند، بدین صورت که رکعت سوم را بدون «قنوت» و بدون سورت تنها با فاتحه می‌خواندند، تا اینکه در سال گذشته که حافظان در مساجد با بلندگو نماز می‌کردند، متوجه شده که اشتباه می‌کرده‌اند، نماز اینها در این مدت دراز چگونه بوده و چه کار باید کنند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد امام اعظم چون که وتر واجب است و ایشان عمداً قنوت و سورة نخوانده‌اند، این دو واجب را عمداً ترک کرده‌اند، وترشان ادا نشده است لهذا ایشان طبق ظن غالب خود وترها را قضاء کنند تا حدودی که یادشان آید و مزید بر آن استغفار و توبه کند شاید چیزی برگردن آنها بماند و ندانند [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ ذیقعده ۱۴۱۵ هق

شخصی در نماز وتر ندانسته با نیت تراویح اقتداء کرد

الاستفتاء: امام با مقتدی‌ها نماز وتر می‌خوانند. شخصی آمده به خیال اینکه امام تراویح می‌خواند به نیت تراویح تکبیر تحریمه گفت، پس از اینکه امام به رکعت سوم بلند شد، فهمید که وتر است و در همین حالت نیت خود را به وتر تغییر داد نمازش چگونه است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر در اول نیت تراویح را تعیین کرده است، تغییر آن به وتر نمی‌تواند کرد، وتر را بعداً اداکند.

قال فی الهندیه:

«و لا یجوز بدون نیة الوتر، کذا فی الکفایة» [2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۴ ذیقعده ۱۴۱۵ هق

۱-کذا فی الشامی: ۴۹۱/۱ باب الوتر.

۲- الفتاوی الهندیة: ۵۸/۱، صلاة الوتر.

انصراف امام به سوی مقتدی‌ها جهت خواندن «اللهم انت السلام...»

الاستفتاء: اگر بعد از هر نماز فرض امام روی خود را به طرف مقتدیان کرده دعای اللهم انت السلام... را بخواند، جائز است یا نه؟ و بعضی حضرات نوشته‌اند که این امر لازمی و سنت است هرکه نکند خلاف سنت کرده است و در این مورد امضاء بسیاری از علماء دیگر را نیز گرفته است. این حضرات بر ثبوت دعوی خویش از عبارت ردالمحتار علی الدر المحتار للعلامة سید محمد امین المعروف بابن عابدین، دلیل می‌گیرند.

عبارت این است: **واستقباله الناس بوجهه و لو دون عشرة ما لم یکن بخدائه مصل و لو بعیداً علی المذهب** ص ۴۹۶ فهرست جزءالاول علی حاشیة ردالمحتار علی در المختار.

احقر جهت تحقیق نظریهٔ شما، این استفتاء را نوشته ارسال نمودم، امیدوارم مسئله مسئوله را بیان فرمائید. **بینوا بعبارة الکتاب توجروا یوم الحساب.**

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از نمازها از صاحب شریعت ـ ﷺ ـ سه نوع عمل در روایات مذکور است.

۱ـ نشستن مختصری بعد فرائض رخ به قبله بدون انصرافی.

۲ـ انصراف و انتقال از راست و چپ.

۳ـ استقبال قوم بعد نمازها.

پس اینجا سه مسئله و سه نوع روایات شدند. بعضی آنها را امتیاز نداده تخلیط و یکی یا دوکرده‌اند. اما محققین فن این سه نوع را امتیاز داده هر یکی را بر حالی محمول کردند.

اول را به حالت بعد سلام بخواندن مقدار **اللهم انت سلام...** محمول کردند یعنی بعد از سلام برای خواندن **اللهم انت السلام** یا مقدار آن وگاهی بعد صبح و مغرب مقدار ده مرتبه کلمه توحید حضور اکرم ـ ﷺ ـ رخ به قبله نشسته خوانده‌اند برای خواندن اینها

یک مرتبه هم به راست و چپ و مستقبل نه نشسته‌اند. **من ادعی فعلیه البیان.** چنانچه در زیر ذکر کرده می شوند.

دوم محمول است برای بیرون رفتن بعد «**اللهم انت السلام**» از مسجد به جانب خانهٔ مبارکه.

مراد از این انصراف، انصراف به خواندن «**اللهم انت السلام**» و دیگر ادعیه هرگز نیست البته گاهی برای صحبت مردم چنین نشسته‌اند آن هم کم برای بیان جواز کسی که این انصراف را برای دعاء لازم داند، از مسیر تحقیق بیرون است.

سوم محمول است برای بعد نمازهائی که از پس آنها نوافل نیست و آن هم دائمی نبود و اگر بود مستقبل مردم بود و آن هم برای صحبت و موعظه و امری دیگر نه برای دعاء؛ چراکه دعای اجتماعی به **اللهم انت السلام** و غیره از حضور اکرم ـ ﷺ ـ به روایات صحیحه ثابت نیست.

توضیحات دلائل را در زیر نگاه فرمائید.

حضرت مفتی محمد کفایت الله مفتی دیار الهند والعرب قدس سره در رساله‌ای مستقله بنام «النفائس المرغوبة فی الدعاء بعد المکتوبة» در این مورد تحریر فرموده است.

و حضرت شیخ بنوری ـ رحمه الله ـ در معارف السنن می‌فرماید:

«قال الشیخ (اعنی سید انور شاه کشمیری رحمة الله) معنی الانصراف فی حدیث الباب هوالذهاب ای الانصراف عن القبلة ذاهباً فی حاجته کما فهمه المحدثون الکبار ـ رحمهم الله ـ فان عامة صنیعهم تدل علی انهم ارادوا من الانصراف هوالاخذ فی الذهاب و هوالذی فهمه الشامی والبخاری و غیرهما من الاکابر. انظر شرح التهذیب: ۴۹۰/۳. والعمدة (۲۱۳/۳) والفتح (۲۸۰/۲).»

و قال البنوری بعد سرد الروایات والاقوال:

«قال الراقم و لیکن غرض الحدیث کما اختاره الشیخ و یدل علیه کل ما ذکرناه. (والی ان

قال.) وبالجملة ههنا امور ثلاثة:

الاول الانصراف والذهاب الى الحاجة آخذاً فيه جانب اليمين او جانب اليسار.

الثانی التحويل عن جانب اليمين او اليسار لاجل الاقبال على القوم.

الثالث الجلوس مقبلاً على القوم بالتيامن قليلاً و بالتياسر قليلاً...... و لو يذكر فقهاء نااللامام اربعة امور بعد التسليم.

الذهاب حاجة او استقبال القوم واستدبار القبلة اوالتحويل اليهم بالتيامن او التياسر. كما فی شرح المنية و غيره (۱)

سیدنا حضرت علامه کشمیری (قدس سره) در فیض الباری شرح بخاری می‌فرماید:

«اعلم ان الامام ان اراد الانصراف الى بيته سلم وانصرف و ان اراد القعود فالسنة له ان يستقبل القوم و به جزم المنصف ـ ﷺ ـ تعالى و صرح به الجوز جانی فی مبسوطه. و اما التيامن او التيا سرالمعمول بهما فی زماننا فليسا من السنة فی شیء و انما هما عند ارادة الانصراف الى البيت لا عند الجلوس بعد الصلوٰة فعن علی عندالترمذی انه قال ان كانت حاجته عن يمينه اخذ عن يمينه و ان كانت حاجته عن يساره اخذ عن يساره فهما عندالانصراف لحاجته». (۲)

و مثله فی العرف الشذی شرح سنن الترمذی مع ذكر قرنية من سنن ابی داود و حاشيته و مثله فی المرقات شرح المشكواة لخاتمة المحققين ملا علی القاری و مثله فی غنية المستملی للحلبی و حاشية الطحطاوی شرح المراقی و بدائع الضائع و اعلاء السنن. و رساله‌ی انصراف الامام الی جهة الانام از حضرت مفتی رشید احمد لد هیانوی مدظله. (۳)

و آنچه علامه شامی ـ ﷺ ـ تعالی. در ردالمحتار :۴۹۶/۱ یا ص ۳۳۲ یا آنچه

۱-معارف السنن شرح ترمذی: ۱۲۵/۳ الی ۱۲۹. ۲- فیض الباری: ۳۱٦/۲ و ۳۱۸.

۳-العرف الشذی: ۱۴۲، مرقاة المفاتیح: ۳۵۲/۲، غنیة المستملی ص ۳۳۰. حاشیة الطحطاوی علی المراقی، بدائع النسائع: ۱٦۰/۱، اعلاء السنن: ۱۸۹/۳. احسن الفتاوی: ۳٦۸/۳ الی ۳۷۳.

نورالایضاح و شروح آن و بحر و دیگر شروح کنز و جوهرة و دیگر شروح قدوری و فتح القدیر و دیگر شروح هدایه و دیگر کتب فقه از شروح و متون و فتاوی که نوشته‌اند از استقبال یا انصراف راست و چپ، معنایش همان است که حضرت انور شاه کشمیری و شیخ الاسلام حضرت مدنی و حکیم الامت حضرت تهانوی و قطاب الارشاد حضرت گنگوهی در لامع الدراری شرح بخاری و شیخ بدرالدین عینی در عمدة القاری و شیخ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی در فتح الباری رضی الله عنهم اجمعین نوشته‌اند نه آنکه بعضی حضرات فهمیده‌اند بلکه آن یک نوع تخلیط در روایات احادیث و فقه است[۱].

حفظناالله و ایاهم من العدول عن الحق هذا ما وجد فی فهمی القاصر من عبارات المحققین.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۷ ربیع الاخر ۱۴۱۳ هق

حیثیت و فضیلت شش رکعت نفل بعد از مغرب

الاستفتاء: بعضی می‌گویند که شش رکعت بعد از مغرب از نفل که می‌خوانند ثواب دوازده سال عبادت دارد و در ماه ذیقعده روز پنج شنبه و جمعه و شنبه روزه گیرد، ثواب هفتصد سال عبادت به او می‌رسد، آیا اینها صحیح‌اند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: شش رکعت که بعد از مغرب می خوانند ثواب دوازده سال عبادت دارد، از حدیثی ضعیف و ثابت و مروی است. این حدیث اگر چه ضعیف است، لیکن در فضائل اعمال باکی نیست عمل کند امید ثواب دارد. چنانچه در مظاهر حق نوشته است.[۲]

در ماه ذیقعده بالتخصیص این روزه دیده نشد اما عموماً فضیلت سه روز روزه

۱- لامع الدراری: ۴۰۰/۳. عمدة القاری: ۱۳٦/۳. فتح الباری: ۲۷۷/۲.

۲- مظاهر حق شرح مشکوة: ۳۷۸/۱، سنن ابن ماجة: ۴۱۴/۱.

داشتن از هر ماه در حدیث موجود است و همین سه روز هم در بعضی احادیث وارد شده‌اند و در بعضی دیگر. غرض: اگر کسی روزه دارد امید ثواب دارد اگر لازمی نداند ورنه بدعت می‌شود و ثواب هفتصد سال بالتخصیص دیده نشد و به روزهای نه اول ذوالحج ثواب روزه یک سال به عوض هر روزی مرویست و به قیام هر شب ثواب لیلة القدر مرویست چنانچه در مظاهر حق شرح مشکواة موجود است نقلاً از مرقاة.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱٦ ذیحجه ۱۳۸۳ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: بعد از مغرب شش رکعت نفل چه درجه ثواب دارند؟ شخصی می‌گوید که دوامشان بدعت است.

الجواب بسم ملهم الصواب: در حدیثی ضعیف موجود است که هر که بعد از مغرب شش رکعت بخواند و در میان آنها سخن لغو نکند، برابر می‌شود ثواب آنها به عبادت دوازده سال، اگر چه این حدیث ضعیف است ولی در فضائل اعمال عمل به حدیث ضعیف هم گنجانش دارد.

حدیث مذکور در جامع ترمذی و مشکوٰة مسطور است.[۲]

و آنچه گفته‌اند که دوام آنها بدعت است، صحیح نیست زیرا که بدعت در صورت التزام مالایلتزم اعتقاداً یا عملاً می‌شود نه در دوام عمل، در این دو چیز مذکور فرقی موجود است که حمل دوام بر التزام صحیح نیست، دوام این نوافل زمانی خطره بدعت دارد که اعتقاد لزومشان کند به اینطور که آنها را ضرری داند یا التزام عملی کند به اینطور که به ترکشان دیگران را ملامت کند نه اینکه دوام عملشان بدعت می‌گردد. فتفکر.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

غره‌ی جمادی الاول ۱۳۸۵ هق

۱- مظاهر حق: ۱۷٦/۲.

۲- ر.ك: مشکواة: ۱۰۴/۱.

خواندن دو رکعت نفل بعد از نماز عشاء از تهجد کفایت می‌کند.

الاستفتاء: دو رکعت نفل بعد از نماز عشاء قبل از خواب قائم مقام تهجد می‌تواند باشد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در بعضی روایات آمده است:

«من صلی بعد العشاء فی اولهما اذا زلزلت الارض و فی الثانیة قل یا ایها الکافرون کفتاه عن التهجد» [۱]

و فی روایة الطبرانی مرفوعاً:

«لابد من صلواة بلیل و لو حلب شاة و ما کان بعد صلواة العشاء فهو من اللیل» [۲]

از این روایات معلوم شد که این دو رکعت هم به وقت ضرورت کفایت می‌کند اگر چه افضل واعلی نماز سحر است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادی الاول ۱۳۸۵ هق

بعد از قعده‌ی دو رکعت نفل سهواً به رکعت سوم برخاستن

الاستفتاء: اگر شخصی دو رکعت نفل نیّت کرد و تشهد خوانده به فراموشی به رکعت سوم برخاست، سپس یادش آمد، بنشیند یا دو رکعت دیگر به نیّت دل بنا کند؟ کدام صورت بهتر است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بنشیند سجده سهو کرده سلام دهد و در بنای دو رکعت دیگر، به تحریمهٔ دیگر ابتدا کند. به غیر تحریمهٔ جدیده، بنای دو رکعت دیگر مکروه است.[۳]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۰ جمادی الاول ۱۳۸٦ هق

۱- فیض الباری شرح بخاری: ۴۰۷/۲.

۲- ردالمحتار: ۵۰٦/۱، مطلب فی صلاة اللیل.

۳-کذا فی ردالمحتار للشامی: ۷۰۲/۱.

حیثیت نماز استخاره

الاستفتاء: حیثیت نماز استخاره چیست؟ یک ملا آن را بدعت گفته است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز استخاره مستحب است چنانچه در احادیث و فقه مذکور است، بدعت گفتن آن اشتباه است.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ ربیع الاخر ۱۳۸۹ هق

ثبوت دو رکعت نفل بعد از نماز وتر

الاستفتاء: بعد از نماز وتر، دو رکعت نفل که نشسته می‌گذارند ثبوت دارد یا نه ؟

الجواب بسم ملهم الصواب: رکعتان بعد الوتر ثابتة من فعل الرسول ـ ﷺ ـ کما فی سنن ابی‌داود عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ:

«ان النبی صلی الله علیه و سلم کان یصلی من اللیل ثلاث عشرة رکعة کان یصلی ثمان رکعات و یوتر برکعة ثم یصلی قال مسلم بعد الوتر رکعتین و هو قاعد فاذا ارداد ان یرکع قام فرکع و یصلی بین اذان الفجر والاقامة رکعتین و فی روایة عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ فی سنن ابی داود ایضاً: «ثم یصلی رکعتین و هو جالس» بغیر ذکر القیام[۱]

و عن سلمة ـ رضي الله عنه ـ:

«ان النبی صلی الله علیه و سلم کان یصلی بعد الوتر رکعتین خفیفتین و هو جالس» [۲]

۱– سنن ابی داود: ۱۸۹/۱ و ۱۹۰، باب فی صلاة اللیل.

۲– رواه ابن ماجة فی سننه، باب الرکعتین بعد الوتر جالساً.

امام مالک این دو رکعت را منکر است و نزد ما جایز است [1]

و مزید تفصیلش در معانی الاثار موجود است، اگر چه بعضی به عدم استحباب قائلند.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۵ شعبان ۱۳۹۲ هق

با جماعت خواندن نماز تهجد و...

الاستفتاء: آیا نزد احناف نماز تهجد را با جماعت گاه گاهی وبالخصوص در ماه مبارک رمضان جواز دارد یا نه؟ و **علی هذا القیاس** با جماعت خواندن نماز تسبیح و دیگر نوافل در بعضی اوقات جواز دارد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جواز ندارد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۲ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: در رمضان مبارک جماعت در نوافل و تهجد چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه و بدعت است، چراکه در مذهب احناف با بیشتر از سه مقتدی اتفاقاً جماعت نوافل مکروه و بدعت است البته با سه نفر به غیر تداعی اختلاف است و با دو و یکی جائز است به غیر حصول ثواب.[2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

۱- حاشیة سنن ابی ماجة، باب الرکعتین بعدالوتر جالساً

۲- ر.ك: ردالمحتار: ٦٦۴/١. احسن الفتاوی از ۴٦٩/٣ الی ۴٧٦/١.

خواندن تحیة الوضوء و تحیة المسجد بعد از فجر صادق مکروه است

الاستفتاء: تحیة الوضوء و تحیة المسجد بعد از صبح صادق و قبل از فرائض جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مکروه است، جائز نیست.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

تحیة المسجد در شبانه‌روزی یک بار سنت است

الاستفتاء: تحیة المسجد هر بار در مسجد سنت است یا فقط یک بار در شبانه‌روز؟

الجواب بسم ملهم الصواب: یک بار در شباروزی سنت مؤکده است فقط در دخول اول ادا کند یا در دخول اخیر. و اگر به نمازی دیگر مشغول شد و وقت تحیة نرسید هم سنیت او تمام شد.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

هنگام قیام به رکعت دوم و چهارم نماز تسبیح، تکبیر گفته نشود

الاستفتاء: در نماز تسبیح بعد از سجده‌ی رکعت اولی و سوم که تکبیر گفته می‌نشینند، بعد از خواندن تسبیح چون برخیزد تکبیری دیگر بگوید یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تکبیر اول کافی است، دیگر تکبیر نگوید[۳].

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

۱- ردالمحتار: ٦٣٥/١ تحیة المسجد.

۲- ردالمحتار: ٦٣٦/١، تحیة المسجد.

۳- احسن الفتتاوی: ۴۹۱/۳.

دست بستن در قومهٔ نماز تسبیح مسنون است

الاستفتاء: در قومه نماز تسبیح دست بسته شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دست بستن مسنون است، طبق قاعده‌ی کلیه که در هر قیام طویل بستن دستها سنت است.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

خواندن اوراد بعد از ادای سنن و نوافل افضل است

الاستفتاء: اوراد را باید بعد از فرائض خواند یا بعد از سنن؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از سنن و نوافل افضل است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

حیثیت نیّت با زبان در نماز وتر

الاستفتاء: نیت سه رکعت وتر را چطور به زبان اداکند، آیا وتر واجب گفتن و یا مطلق وتر گفتن؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به زبان نیت کردن نه از قرآن ثابت است و نه از حدیث و نه از ائمهٔ مجتهدین چراکه اصل نیت به دل است اما چون که افکار وساوس و خیالات مردم امروزه غلبه کرده است لذا بنابر علت مذکوره چون که دل متوجه نمی‌باشد، علماء متأخرین به خاطر متوجه کردن دل فتوی داده‌اند که نیت به اداکردن الفاظ زبان بهتر است تا به گفتن زبان دل هم متوجه باشد.

و برای نیت، تعیین کردن نماز کافی است. حساب رکعات ضروری نیست و گفتن

۱- احسن الفتاوی: ۴۹۱/۳.

۲- احسن الفتاوی: ۴۹۸/۳.

وقت عشاء برای وتر ضروری نیست البته نیت کردن ضروریست که من وتر الآن یا امروزه را می‌خوانیم[۱]

والله اعلم و عمله اتم ـ کتبه عبدالغنی (عفی عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم
۱۳ ذیقعده ۱۴۱۷ هق
الجواب صحیح– محمد عمر (غُفِرَله)

کسی که نشسته نماز می‌خواند در قومه دست‌ها را آویزان کند یا بر زانو بنهد؟

الاستفتاء: کسی که نفل نشسته می‌خواند چون رکوع می‌کند در قومه دست‌ها را به کنار دو بغل آویزان کند که سنت ارسال ادا می‌شود یا اگر بر زانو نهد هم ادا می‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در هر دو صورت ادا می‌شود چرا که ارسال، ترک وضع است به هر کنار که باشد. از کلیات چنین معلوم می‌شود

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ جمادی الاخر ۱۴۰۳ هق

حیثیت و ثبوت دو رکعت نفل بعد از سنت‌های عشاء.

الجواب بسم ملهم الصواب: دو رکعت نماز نفل که بعد از سنت عشاء می‌خوانند، چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این دو رکعت نفل که بعد از سنت عشاء می‌خوانند باتفاق علماء خوب و در حدیث شریف ثبوت آنها وارد شده است. در صحیح بخاری شریف درکتاب العلم به روایت ابن عباس موجود است:

«فصلی النبی صلی الله علیه و سلم العشاء ثم جاء الی منزله فصلی اربع رکعات ثم نام»

و نیز در سنن ابی داود از روایت عائشه ـ رضی الله عنها ـ و از حدیث ام حبیبه ـ رضی الله عنها ـ در سنن اربعه موجود است.

۱– آپ کی مسائل اوران کاحل: ۱۸۷/۲. احسن الفتاوی: ۱۴/۳.

این چهار رکعت بعد نماز عشاء، همین دو رکعت سنت مؤکده و دو رکعت نفل بودند.

البته در دو رکعت نفل بعد وتر اختلاف شدید است. امام مالک ـ رحمه الله ـ آنها را انکار کرده و بدعت گفته است. و از امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ و امام شافعی در موضوع آنها روایتی منقول نیست و از امام احمد در عمرش یک بار خواندن آنها مرویست، امام اوزارعی ـ رحمه الله ـ آنها را مباح دانسته است و ابی الحسن آمدی آنها را سنت مؤکده گفته است[1]. امام طحطاوی ـ رحمه الله ـ بابی مستقل به آنها بسته است و در صحاح هم موجود است.

فیصلهٔ احقر در نظر قاصرم در موضوع دو رکعت بعد لوتر این است که گاه وقتی آنها را بخواند و اکثر اوقات ترک کند ادامه ندهد.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ ربیع الاول ۱۴۰۷ هق

خواندن تحیة المسجد و تحیة الوضوء بعد از اذان فجر

الاستفتاء: بعد از اذان فجر و قبل از فرض نماز تحیة الوضوء و تحیة المسجد خواندن جائز است یا نه؟ و دربارهٔ دخول مسجد که مردم در انتظار نماز هستند، آیا بدون نفل خواندن نشستن در مسجد در انتظار نماز هستند گناه است یا نه؟ بعضی می‌گویند که بعد از دخول مسجد باید دو رکعت نفل بخواند و اگر نخواند و همین طور انتظار کند گناه است.

الجواب بسم ملهم الصواب: در میان سنت و فرض صبح خواندن نوافل از تحیة الوضوء و تحیة المسجد و غیرهما مکروه است. تحیة المسجد در غیر اوقات مکروهه مستحب است وکم ازکم در شباروزی یک بار تحیة المسجد تأکید است البته اگر نخوانده نشست گنهکار نمی شود. و اگر در اوقات مکروهه در مسجد داخل شد سه بار

۱–کذا فی معارف السنن: ۲۰۵/۴ و ۲۵۸.

کلمه تمجید به عوض تحیة المسجد بخواند.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)
۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۸ هـ ق

ادای سنن صبح اذان اهل تشیع

الاستفتاء: شیعه‌ها اذان صبح را قبل از اذان ما می‌گویند، آیا سنت ما بعد از اذان شیعه‌ها درست می شود یا نه؟ یا اینکه شخصی در عین خواندن نماز نفل است ،اذان شیعه‌ها شروع شد نماز را بشکند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: حقیقت صبح طلوع، فجر است. اگر در وقت اذان آنها، فجر طلوع کرده است، سنت روا است و نفل روا نیست و اگر طلوع نکرده است، سنت روا نیست و نفل رواست.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ جمادی الاول ۱۴۰۹ هـق

خواندن سوره‌ی اخلاص در نماز تهجد به تعداد رکعات

الاستفتاء: در دشتیاری و غیره در نماز تهجد دوازده رکعت نماز می‌خوانند و در رکعت اول بعد از فاتحه دوازده مرتبه سوره‌ی اخلاص را می خوانند و در رکعت دوم سوره‌ی اخلاص را یازده مرتبه می خوانند تا خاتمه دوازده رکعت همچنین می‌کنند یعنی در آخرین رکعت یک مرتبه سوره‌ی اخلاص خوانده می شود، آیا این صورت جائز است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این طریق در تهجد جائز است البته آن را لازم ندانند. و اگر دیگر سوره هم یاد دارند پس بهتر آن است که گاهی دیگر سوره بخوانند وگاهی همین طور خوانند. **کذا فی الشامی.**

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)
۵ ذیحجه ۱۴۰۹ هـق

طریقهٔ خواندن تهجد

الاستفتاء: طریقهٔ تهجد خواندن را کاملاً به طریق اسهل تحریر فرمائید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اقل تهجد دو رکعت است و وسط آن چهار و اکثر آن هشت تا دوازده رکعت است. طریق خواندنش این است که دو دو رکعت نماز تهجد یا نفل تهجد نیت کند و بعد از فاتحه هر سوره‌ای که یاد دارد، بخواند مثل دیگر نوافل و سنن و غیره تا هر مقدار که موفق گردد، یا بعد از هر فاتحه در هر رکعت سوره یاسین شریف را هر مقدار که می‌تواند، بخواند.

و یا در رکعت اولی بعد فاتحه سوره‌ی اخلاص را دوازده بار بخواند پس در هر رکعت بعدی یک مرتبه کم کند تا آخر. یا در هر رکعت ۳۳ مرتبه سوره‌ی اخلاص را بخواند.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ربیع الاول ۱۴۱۱ هق

تفاوت بین مرد و زن در نشسته نماز خواندن

الاستفتاء: آیا در نشسته خواندن نماز نفل در میان مرد و زن فرق هست یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: همان فرقی که در رکوع ایستاده نماز خواندن هست، در رکوع قعوداً هم هست. آن فرق این است که مرد در رکوع در حالت قیام باشد و یا در قعود، سر و پشت را پهن و هموار کند.

زن فقط اندکی سر را پائین کند همه جسم را هموار نکند و در رکوع نشسته هم مرد سر را به مقابل زانوی خود ببرد و زن فقط سر و پشت را اندکی خم کند که نشستگاه او حرکت نکند.

قال فی الشامیة:

«قوله (و یسن ان یلصق کعبیه... قال فی المعراج و فی المجتبی هذا کله فی حق الرجل، و اما المرأة فتنحنی فی الرکوع یسیراً و لا تفرج و لکن تضم و تضع یدیها علی رکبتیها

وضعاً و تحنی رکبتیها و لا تجا فی عضدیها لان ذالک استرلها...»[۱]

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۳ محرم الحرام ۱۴۱۲ هق

مفهوم و توجیه (ان علمت) در نماز استخاره

الاستفتاء: دربارهٔ استخاره آمده است: (**ان علمت**) ان شرطیه در شأن خداوند چطور درست می‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قال العلامة علی القاری فی المرقات:

«اللهم ان کنت تعلم، ای ان کان فی عملک و قال الطیبی معناه اللهم انک تعلم، فاوقع الکلام موقع الشک علی معنی التفویض الیه والرضا بعلمه فیه و هذا النوع یسمیه اهل البلاغة تجاهل العارف و مزج الشک بالیقین و یحتمل ان الشک فی ان العلم متعلق بالخیر اوالشر لا فی اصل العلم اه» [۲]

و فی المرعاة:

«الترديد راجع الی عدم علم العبد بمتعلق علمه تعالی...»[۳]

خلاصه: از این عبارات معلوم شد که این «**ان**» سه توجیه و احتمال دارد، برای شرط محض و شک و تردد محض نیست. یکی اینکه این کلمه از قبیل تجاهل العارف و تفویض و رضاست به علم او پس معنی آن این است: «ای الله من متیقنم که تو می دانی خیر و شر مرا در این امر از این وجه من رضا را به علم تو می سپارم، اگر تو خیر می‌بینی مرا موفق کن و اگر شر می‌بینی مرا بازدار».

دوم اینکه این شک در این است که من نمی‌دانم که علم تو متعلق به خیر است یا به شر نه اینکه شک در علم خداست در این صورت معنی این است: «ای الله تو یقیناً می‌دانی که حقیقت چطو راست ولی من نمی‌دانم که علم تو متعلق به کدام یکی از این

۱– ردالمحتار: ۳٦۵/۱، صفة الصلاة، قبیل مطلب فی اطالة الرکوع للجائی.

۲– المرقاة شرح المشکواة: ۲۰۷/۳ و مثلها فی تخفة الاحوذی: ۳۴۹/۱.

۳– مرعاة المفاتیح شرح المشکواة: ۲۴۷/۲.

دو امر است مرا به طریقی صحیح رهنمائی فرما»

سوم اینکه من مترددم که تعلق علم تو به کدام یکی از این دو امر است مرا به راه صواب رهنمائی فرما.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ ذیقعده ۱۴۱۲ هق

نوافل دو رکعتی خوانده شود یا چهار رکعتی؟

الاستفتاء: در نورالایضاح موجود است:

«والافضل فیهما رباع عند ابوحنیفه ـ ﷺ ـ و عندهما الا فضل فی اللیل مثنی و به یفتی»

معمولاً بنده در نوافل شبانه‌روزی چهار رکعت چهار رکعت می‌خوانم، آیا این خلاف مفتیٰ‌به نیست؟

الجواب بسم ملهم الصواب: مفتیٰ‌به در شب، قول صاحبین است یعنی دو رکعت و به همان عمل کنید و در روز اتفاقاً چهار افضل است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هق

شخصی برای ده شب تهجد خواندن نذر کرد

الاستفتاء: شخصی نذر کرده است که ده شب پشت سر هم از خواب بیدار شده و تهجد بخواند، آیا این فرد می‌تواند بعد از نماز عشاء قبل از خفتن تهجد خوانده بخوابد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ظاهر است که هدف نذر او ادای تهجد است نه بیداری از خواب و برای نفس بیداری از خواب نذر منعقد هم نمی‌گردد و نزد علماء وقت تهجد بعد نماز عشاء شروع می‌گردد لهذا اگر بعد از نماز عشاء تهجد کرد نذر تهجد او ادا می‌گردد (المأخوذ من القواعد)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ شوال ۱۴۱۳ هق

در نمازهای شش یا هشت رکعتی چند قعده وجود دارد؟

الاستفتاء: در نمازهای شش رکعتی تا هشت رکعتی چند قعده کرده شود؟ و درکدام قعده التحیات واحد بخواند و درکدام قعده التحیات و درود و غیره را جمع کند و چند قعده نیز دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در نوافل شش رکعتی و هشت رکعتی در هر تشهد درود و دعاء بخواند و در رکعت سوم و پنجم و هفتم چون قیام می‌کند سبحان هم بخواند ولی بیشتر از چهار رکعت در نوافل روز و زیاده از هشت در نوافل شب با یک نیت مکروه است[۱].

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۴ جمادی الاول ۱۴۱۴ هق

شخصی نیت چهار رکعت نفل کرد و قبل یا بعد از قعده اولی آن را فاسد کرد

الاستفتاء: شخصی نیت چهار رکعت نماز نفل کرده بود، قبل از قعده اولی یا بعد از قعده نماز را فاسد کرده، چند رکعت نماز قضاء کند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: دو رکعت قضاء کند.

قال فی التنویر و الدر:

«و قضی رکعتین لو نوی اربعاً غیر مؤکدة علی اختیار الحلبی و غیره و نقض فی خلال الشفع الاول و تشهد للاول...»[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۱۳ رجب ۱۴۱۴ هـ ق

۱-کذا فی الدر والشامی: ۴۹۹/۱ و ۵۰۰، مطلب فی السنن والنوافل.
۲- ردالمحتار: ۵۱۱/۱، مطلب فی صلاة الحاجة.

رو گرداندن امام به طرف مقتدی‌ها بعد از ادای سنت‌ها و دعای اجتماعی و...

الاستفتاء: مستحب است اینکه امام بعد از سلام دادن به طرف چپ محراب برای خواندن نماز سنت که بعد از ادای فرض ظهر و مغرب و عشاء است مایل شود و بعد از ادای سنت رو به طرف مردم نماید وکلمه استغفار را بگویند و آیة الکرسی را بخوانند و هر یک از جمله متبرکه سبحان الله والحمدلله و الله اکبر را ۳۳ مرتبه امام و مقتدیان بگوید. و یک مرتبه جمله مبارکه لااله الاالله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر را بگویند در حالی که دستها را به بارگاه کبریائی بلند نموده برای خود و برای مسلمین دعاء نمایند.

این مسئله از کتاب «خلاصة المسائل» جلد اول بیان حالات بعد از نماز ص ۷۵ نوشته شده است. آیا این مسئله ثبوتی دارد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: خواندن این تسبیحات و دعاء فرداً فرداً در حدیث صحیح مرویست اما با اجتماع از هیچ روایتی صحیح ثابت نیست، بنابراین بهتر آن است که تنها کنند نه با اجتماع اگر اتفاقاً گاهی کردند ولی ادامه ندادند، اشکال ندارد ولی ادامهٔ آن با التزام بدعت می‌گردد.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۶ رجب ۱۴۱۴ هق

تهجد از شخصی که پایبند آن بود، فوت شد، آیا قضا لازم است؟

الاستفتاء: آیا افرادی که دائم الوقت نماز تهجد را خوانده و می‌خوانند، چنانچه به علت خواب رفتن فرد یا مریض بودن یا اینکه در مسافرت بودن، فوت شد، آیا قضای آن بر ایشان واجب می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: قضای تهجد بر او واجب نیست البته اگر قضائی کند بهتر است چون برای او ثواب تهجد می‌رسد. کذا فی الفقه.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ شوال ۱۴۱۴ هق

حکم جماعت در نوافل

الاستفتاء: خواندن نماز نفل از قبیل صلاة التسبیح و غیره با جماعت قلیل یعنی ۲ و ۳ نفر یا بیشتر چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نماز نفل هر چه باشد غیر از تراویح در مذهب احناف آن را به جماعت اداکردن در رمضان باشد یا غیر آن که بدون امام با چهار مقتدی و بیشتر باشد مکروه تحریمی است.

البته با یک مقتدی یا دو سه جواز دارد. اما با سه نفر، درکراهیت آن اختلاف است و با دو و یک نفر اگر چه بلاکراهیت جائز است، ولی در آن فضیلت جماعت و ثواب جماعت نمی‌رسد، چنانچه در تمام کتب فقه مصرحست، و تفصیل آن در احسن الفتاوی موجود است[1].

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ ذیقعده ۱۴۱۵ هق

بهترین زمان ادای نماز تهجد

الاستفتاء: بهترین زمان تهجد چه وقت است؟ عده‌ای می‌گویند مابین سنت و وتر عشاء هم می‌شود، آیا نوافل را قبل از وتر بخوانیم یا بعد از آن مسنون کدام یک است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بهترین زمان تهجد، سوم حصهٔ اخیر شب است و اگرکسی بر نفس خود اطمینان دارد که در وقت سحر بیدار می‌شود وتر را بعد تهجد بخواند بهتر است و اگر مطمئن نیست بعد سنت و نفل عشاء وتر بخواند بهتر است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

٦ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هق

۱- احسن الفتاوی: ۴٦۹/۳ الی ۴۷٦.

با هم خواندن چهار رکعت به نیت اشراق و چاشت

الاستفتاء: متصل خواندن چهار رکعت، دو رکعت به نیّت اشراق و دو به نیّت چاشت چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است، چراکه نزد اکثر علماء نماز اشراق و چاشت یکی هستند، اگر به وقت طلوع آفتاب بخواند، اشراق و اگر بعد از بلند شدن آفتاب و حرارت آن بخواند نماز چاشت می‌گویند، و به قول بعضی جدا هستند ولی باتفاق، وقت آنها یکی است که از طلوع آفتاب شروع شده تا بلندی آفتاب که «ضحوة کبری» می‌گویند، ادامه دارد.

قال فی التنویر والدر:

«و اربع فصاعداً فی الضحی علی الصحیح من بعد الطلوع الی الزوال و وقتها المختار بعد ربع النهار»(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هق

اگر بعد از خشک شدن اعضاء وضوء کسی داخل مسجد شود، تحیة المسجد بخواند یا تحیة الوضوء؟

الاستفتاء: شخصی کنار مسجد وضوء گرفته و داخل مسجد شد اولاً تحیة المسجد بخواند یا تحیة الوضوء؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر تا به حال اعضای وضوء خشک نشده است، تحیة الوضوء نیت کند و اگر خشک شده‌اند، تحیة المسجد اداکند.

قال فی التنویر والدر:

«و ندب رکعتان بعدالوضوء یعنی قبل الجفاف کما فی الشر بنلالیة عن المواهب»(۲)

و **قال ایضاً:**

۱- ردالمحتار: ۵۰۵/۱.

۲- ردالمحتار: ۵۰۴/۱.

«و یسن تحیة رب المسجد وهی رکعتان و اداء الفرض او غیره و کذا دخوله بنیة فرض او اقتداء ینوب عنها بلانیة»(۱)

از این عبارت معلوم شد که اگر یکی از این دو را بخواند، از هر دو کفایت می‌کند، البته اگر هر دو را بخواند، بهتر است و اگر هر دو را می‌خواند به همان تفصیل بخواند که بالا نوشتم یعنی اگر اعضای وضوء خیس باشد اولاً تحیة الوضوء و اگر نه اولاً تحیة المسجد را بخواند.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ هق

دعای دست جمعی پس از نماز تراویح

الاستفتاء: چه می‌فرمایند علماء و مفتیان شرح متین راجع به مسئله ذیل پس از نماز تراویح و وتر در ماه مبارک رمضان دست جمعی دعاء با رفع الیدین چه حکمی دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: ثابت نیست و التزام آن بدعت است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۷ محرم ۱۴۱٦ هق

اوراد منثوره بعد از نماز

الاستفتاء: اوراد بعد از نماز و نوافل در حدیث وارد شده را با دلایل حدیثی بگویبد.

الجواب بسم ملهم الصواب: اوراد زیادی از آن حضرت ـ ﷺ ـ ثابت است.

۱- منها ما رواه مسلم عن کعب بن عجره عن عن رسول الله ـ ﷺ ـ قال:

«معقبات لا یخیب قائلهن او فاعلهن دبر کل صلاة مکتوبة ثلاثاً و ثلاثین تسبیحة و ثلاثاً و ثلاثین تحمیدةً و اربعاً و ثلاثین تکبیرةً»(۲)

۲ـ ما رواه مسلم عن ابی هریرة عن رسول الله ـ ﷺ ـ قال:

من سبّح دبر کل صلاة ثلاثاً و ثلاثین و حمدالله ثلاثاً و ثلاثین و کبّرالله ثـلاثاً و ثـلاثین

۱- ردالمحتار: ۵۰۱/۱.

۲- رواه مسلم: ۲۱۹/۱.

فتلک تسعة و تسعون و قال تمام المأة لااله‌الاالله وحده لاشریک له، له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر، غفرت خطایاه و ان کانت مثل زبد البحر.[1]

۳ـ ما رواه النسائی عن عطاء بن ابی مروان عن ابیه:

ان کعباً حلف له بالله الذی خلق البحر لموسیٰ انا لنجد فی التوراة ان داوود نبی الله کان اذا انصرف من صلاة قال اللهم اصلح لی دینی الذی جعلته لی و عصمة و اصلح لی دنیای التی جعلت فیها معاشی. اللهم انی اعوذبک برضاک من سخطک و اعوذ بعفوک من نقمتک و اعوذ منک لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذالجد. قال و حدثنی کعب ان صهیباً حدثه ان محمداً ـ ﷺ ـ کان یقولهن عند انصرافه من صلاته[2]

و دیگر اوراد زیادی هست که در کتب حدیث موجوداند.

والله اعلم و عمله اتم- کتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۵ محرم الحرام ۱۴۱۸ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

ثبوت و سند معتبر سنت مؤکده بودن چهار رکعت بعد از نماز جمعه

الاستفتاء: اصالت و سند معتبر برای چهار رکعت نماز سنت بعد از نماز جمعه چیست؟ آیا سنت مؤکده می‌باشند یا غیره مؤکده؟ در هر صورت غرض اصلی دانستن سند از نص صریح قرآن مجید و یا حدیث معتبر از صحاح سته، و روشن شدن نقل از رسول خدا ـ ﷺ ـ می‌باشد.

الجواب بسم ملهم الصواب: سند معتبر برای سنت مؤکده بودن چهار رکعت بعد از نماز جمعه در حدیث صحیح، صحیح مسلم و روایتی دیگر در تمام صحاح سته موجود است غیر از بخاری.

روایت مسلم این است:

عن ابی هریرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ـ ﷺ ـ: «اذا صلیتم بعد الجمعة فصلوا اربعاً»

۱- مسلم: ۲۱۹/۱.

۲- رواه النسائی: ۱۹۷/۱.

و روایت باقی صحاح مع المسلم غیر بخاری این است:

«اذا صلی احدکم الجمعة فلیصل بعدها اربعاً»

حدیث مسلم دلالت می‌کند بر استحباب و روایت دوم صیغهٔ امر است دلالت می‌کند بر وجوب پس ما احناف هر دو حدیث را به اینطور جمع کردیم که از هر دو نتیجهٔ سنت مؤکده برآمد.(۱)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۶ شوال ۱۴۰۷ هق

فوت شدن سنت فجر و قضا نمودن بعد از فرض

الاستفتاء: وقت نماز فجر تنگ شد، و سنت ادا نشد، آیا بعد از فرض فجر سنت را قضا کند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از نماز فجر قبل طلوع آفتاب با جماع ائمه احناف نخواند و بعد از طلوع آفتاب قضای آن سنت هست نزد محمد ـ ﷺ ـ سنت و خوب است. و نزد شیخین، نفل است. البته این همه در صورتی است که قبل از زوال ادا می‌کند. بعد از آن نکند.(۲)

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳ جمادی الاول ۱۳۸۷ هق

حیثیت و حکم سنن و وتر و تفاوت آنها با فرائض

الاستفتاء: آیا سنن مؤکده و وتر حکم فرض دارند یا حکم نفل و آیا در قعده‌ی اولی تحیات پر خوانده می شود یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در بعضی اشیاء حکم فرض را دارند و در بعضی حکم نوافل، وتر چون که نزد امام اعظم صاحب واجب است، عملاً مثل فرض است یعنی

۱-کذا فی غنیة المتملی للحلبی المسمی بالکبیری شرح المنیة ص ۳۸۸ و ردالمحتار للشامی: ۴۹۸/۱.

۲-کذا فی حاشیة الکنز ص ۳۷، باب ادراک الفریضة.

قیام و غیره در آن ضروری است.

امام سنن چون که یکسان نیستند حکم آنها هم فرق دارد مثلاً سنت فجر مؤکدترین سنت‌ها است و در آن قیام هم بدون عذر واجب است و بر سواری صحیح هم نمی‌شود. و در باقی سنن قیام سنت است، و واجب نیست اگر نشسته ادا کرد به غیر عذر ادا می‌شود و بر سواری هم ادا می‌شود. اما در تمام سنن قرائت را در جمیع رکعات بخواند و در رکعت سوم استفتاح و در قعده‌ی اولی درود و دعاء نخواند و اگر خواند سجده‌ی سهو لازم می‌شود و اگر قعده‌ی اولی را ترک کرده قیام نمود، نماز فاسد نمی‌گردد و اگر بعد قیام یاد آمد نه نشیند و سجده‌ی سهو کند و در حق قرائت هر شفع را نمازی جداگانه گفته‌اند احتیاطاً زیرا که مشابهت فرائض و نوافل در آنها موجود است و رعایت جانبین کرده‌اند.[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ رجب ۱۳۹۹ هق

اگر در سنت فجر قعده نکرد و چهار رکعت کامل کرد

الاستفتاء: اگر در سنت فجر قعده نکرد و به رکعت سوم برخاست و رکعت چهارم هم کرده سجده‌ی سهو کرد، نمازش چطور می‌شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نمازش صحیح شد، دو رکعت سنت و دو رکعت نفل شد چون که این نفل ضمنی شد جائز است و عمداً مکروه[2]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

ثبوت حدیث رفع و وضع انگشت شهادت در تشهد

الاستفتاء: برای رفع و وضع انگشت شهادت در تشهد ثبوتی در حدیث هست یا نه؟

۱- ردالمحتار: ۵۰۰/۱، مطلب فی السنن و النوافل و ص ۵۰۹. الفتاوی الهندیة: ۵۸/۱، فتح القدیر: ۳۱۲/۱، باب النوافل.

۲- احسن الفتاوی: ۴۶۴/۳.

الجواب بسم ملهم الصواب: احادیث بسیار آمده است قریب یازده حدیث صحیح آمده است برای رفعش البته برای وضع کامل سوای انحناء دیگر روایتی و نص حدیثی نیست مگر نص مذهبی هست از امام حلوانی ـ﷫ـ از این سبب حضرت گنگوهی ـ﷫ـ محض اماله‌ی انحنائیه اختیار کرده‌اند که در حدیث، وضع صریح نیامده است.(۱)

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۵ محرم ۱۴۰۰ هق

سنت مؤکده و نفل را به یک سلام خواندن

الاستفتاء: سنت مؤکده و نفل را به یک سلام خواندن چه حکم دارد؟ مثلاً با سنت مغرب دو رکعت نفل شامل کند.

الجواب بسم ملهم الصواب: جائز است.(۲)

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۱ محرم ۱۴۰۳ هق

تسمیه در ابتدای هر رکعت سنت است

الاستفتاء: آیا تسمیه در هر رکعت نماز سنت هست یا نه؟ و اگر چنانچه کسی آن را ترک کرد چه حکم دارد؟

الجواب بسم ملهم الصواب: تسمیه در ابتداء هر رکعت سنت یا مستحب است و اگر کسی ترک کرد، خلاف استحباب و سنت کرده و نمازش روا است.(۳)

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ شوال ۱۴۰۹ هق

۱–کذا حققه فی معارف السنن: ۱۰۵/۲ و ۱۰٦.
۲–احسن الفتاوی: ۴۵۲/۳.
۳–کذا فی ردالمحتار: ۴۹۰/۱.

دو رکعت سنت مغرب در اوابین داخل‌اند

الاستفتاء: سنت بعد از مغرب در اوابین داخل‌اند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: داخل‌اند.[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

اگر سنت‌های قبلی جمعه فوت شدند، چه وقت آنها را بخواند؟

الاستفتاء: اگر سنت‌های قبلی جمعه ماندند، چه وقت آنها را بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: بعد از سنت‌های بعدیه بخواند اولاً بعدیه را بخواند سپس قبلیه را. و ضرورت این تعیین نیست فقط هشت رکعت سنت بخواند کافی است.[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۰۳ هق

گفتن «سنت رسول الله» در نیت سنت‌ها

الاستفتاء: در نمازهای سنت بعضی نیّت می‌کنند و می‌گویند «سنة رسول الله تعالی» آیا این طور گفتن چطور است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این نیت جائز است ولی «سنت مؤکده» گفته و نیت کند بهتر است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۳۰ جمادی الاخر ۱۴۰۳ هق

ترک دادن سنت‌های مؤکده در سفر

الاستفتاء: در سفر سنن مؤکده را ترک دادن مطلقاً بهتر است یا خواندن آنها بهتر است؟

۱- ردالمحتار: ٦٣١/١.

۲-کذا فی احسن الفتاوی: ۴۸۵/۳.

الجواب بسم ملهم الصواب: سفر مطلق علت رخصت جواز ترک سنن مؤکده است اما علت اولویت ترک، اتیان خوف و سرعت سیر و امن و نزول است.

این مسئله دو جنبهٔ تحقیقی می‌خواهد، یکی فقهی، دوم حدیثی. جنبهٔ تحقیق فقهی این است که اگر مسافر در رفتن عجلت دارد و اختیار سواری در دست او نیست مثل ماشین راه و کرایه‌ای و خوف باز ماندن و غیره هست، پس ترک دیگر سنن غیر سنت صبح و مغرب بهتر است و ترک این دو هم جائز است. و اگر در غیر حالت مذکور است پس اتیان به سنتهای غیر صبح و مغرب هم بهتر و خواندن این دو همچنان که در خانه و اقامت، مهم است، در این حالت نیز مهم است.

قال فی مبسوط السرخسی:

«و من الناس من قال بترک السنن فی السفر و یرون عن بعض الصحابة انه قال لواتیت بالسنن لأتممت الفریضة و تأویل هذا عندنا فی حالة الخوف علی وجه لا یمکنه المکث فی موضع لا داءالسنن»(۱)

و فی البحر:

«واختلفوا فی ترک السنن فی السفر فقیل الا فضل هوالترک ترخیصاً و قیل الفعل تقرباً، و قال الهند و انی الفعل حال النزول والترک حال السیر و قیل یصلی سنة الفجر خاصة و قیل سنة المغرب ایضاً و فی التجنیس والمختار انه کان حال امن و قرار یأتی بها لانها شرعت مکملات والمسافر الیه محتاج و ان کان حال خوف لا یأتی بها لانه ترک بعذر اه» (۲)

و فی حاشیة تبیین الحقائق:

«و فی المحیط اختلف فی السنن و لا قصر فیها بالاتفاق لانه شرع تخفیفاً و هو فی الفرائض بل هو مخیر بین الفعل والترک فقیل الترک افضل ترخصاً و قدروی عن ابی بکر ـ رضی الله عنه ـ و غیره من الصحابة ترکها و قیل الفعل تقرباً. و قال الهند و انی حال النزول الفعل افضل و حال السیر الترک افضل و قیل یصلی سنة الفجر لفوتها و قیل سنة المغرب ایضاً، و فی المبسوط: لا بأس بترک السنن و هذا یدل علی ان الفعل افضل و تأول ماروی عن

۱-المبسوط للسرخسی: ۲۴۸/۱. ۲- البحر الرائق: ۱۴۱/۲، صلاةالمسافر.

بعض الصحابة انه حال السير على وجه لا يمكنه المكث لا دائها»[۱]

و قال الشامی فی منحة الخالق على البحر:

«قال الرملی قال فی شرح المنية والاعدل ما قاله الهند و انی» [۲]

و جعل الشامی فی ردالمحتار مآل قول الهند و انی و قول التجنيس واحداً[۳]

و فی غنية المستملی المعروف بالحلبی الکبير شرح المنية، قول الهند و انی، اعدل الاقوال، و اخذ فی الهندية بقول التجنيس فقط[۴]

و قال فی البزازية:

«و بعض جوز واله ترک السنن والامام الفضلی ابی جواز ترکها»... و اختار البزازی ما قال فی التجنيس. و ذکر القاضی خلن قول الامام الشيخ ابوبکر محمد الفضلی فقط»[۵]

حضرت مفتی عزیز الرحمن ـ ﷺ ـ به قول در مختار که قول تجنیس است فتوی داده است، می‌فرماید:

«حاصل یه هی که اگر مسافر کسی جگه تهیرا هوا هی اور عجلت نهین هی تو سنتین پرهی اور اگر سفر کی جلدی هی یا خوف هی تو سنتین چهور دی پهرکها که عندالبعض سنة فجر پهر بهی نه چهوری»[٦]

حضرت قطب الارشاد گنگوهی ـ ﷺ ـ نیز به همین قول فتوی داده‌اند، می‌فرماید:

«اگر جلدی و تقاضانه هوا اور اطمینان هو تو سنت ضرور پرهنی چائیس»[۷]

از این معلوم شد که این بزرگواران تطبیق شامی را بین القولین تسلیم نکرده‌اند.

خلاصۀ این قول بعد از تطبیق و تجزیه و تحلیل، نزد احقر همان است که اولاً نوشتم.

جنبۀ دوم این مسئله تحقیق حدیثی است مختصر نوشته می‌شود.

۱- تبيين الحقائق: ۲۱۱/۱، اوائل صلاة المسافر. ۲- منحة الخالق على البحر الرائق: ۱۴۱/۲.

۳- ردالمحتار: ۱ / ۵۸۵، صلاة المسافر.

۴- غنية المستملی ص ۵۴۵. الهندية: ۱۳۹/۱، صلاة المسافر.

۵- البزازية بهامش الهندية: ۷۳/۴. الخانية بهامش الهندية: ۱۷۰/۱.

٦- فتاوی دارالعلوم ديوبند (عزيز الفتاوی): ۲و۱ / ۲٦۵.

۷- فتاوی رشيديه ص ۳۲۸.

قال فی معارف السنن شرح الترمذی:

«اختلف العلماء فی التنفل فی السفر (الی ان قال) و بالجملة فالاقوال خمسة: فمذهب مالک والشافعی و احمد و اسحاق و ابی ثور و ابن المنذر علی ما ذکره ابن قدامة الحنبلی فی المغنی: ۱۴۱/۲: ان یأتی بالسنن قبل الفرائض و بعدها قال وروی عن الحسن قال کان اصحاب رسول الله ـ ﷺ ـ یسافرون فیتطوعون قبل المکتوبة و بعدها وروی ذالک عن عمر و علی و ابن مسعود و جابر و انس و ابن عباس و ابی ذرو جماعة من التابعین واحتج بحدیث ابن عباس عند ابن ماجة و حدیث البراء عندالترمذی و ابی داود. ثم ذکر ابن قدامة مذهب ابن عمرو حدیثه المروی عندالشیخین و قال و حدیث ابن عمر یدل علی انه لا بأس بترکها فیجمع بین الاحادیث.

و نقل العینی فی العمدة: ۵۳۰/۳ فی التوقیف بینهما عن شیخة العراقی:

ان النفل المطلق و صلواة اللیل لم یمنعها ابن عمر و لا غیره فاما السنن الرواتب فیحمل حدیثه المقدم یعنی فی الصحیح فی المنع علی الغالب من احواله فی انه لا یصلی فی الرواتب و حدیثه فی الترمذی علی انه فعله فی بعض الاوقات لبیان استحبابها فی السفر و ان لم یتأکد فعلهاکتأکدها فی الحضر أو انه کان نازلاً فی وقت الصلواة و لا شغل له یشتغل به عن ذالک او سائر او هو علی راحلته و لفظة کان فی حدیثه لا یقتض الدوام بل و لا التکرار علی الصحیح فلا تعارض بین حدیثیه و کذا اجاب عن حدیث البراء بحمل الرکعتین علی سنة الزوال انتهی ملخصاً. و لم اقف فیه علی قول ابی حنیفة خاصد و لعله لم ینتقل عنه شیء و لذا اختلفت اقوال الشمائخ الخنیفة فوصلت الی ستة ففی البحر فقیل الافضل الترک ترخیصاً و قیل الفعل تقرباً و قال الهند و انی الفعل حال النزول والترک حال السیر و قیل یصلی سنة الفجر خاصة و قیل سنة المغرب ایضاً (الی ان قال) و فی العمدة: ۵۶۰/۳، قال هشام رئیت محمداکثیرا لا یتطوع فی السفر قبل الظهر و لا بعدها و لا یدع رکعتی الفجر والمغرب و ما رئیته یتطوع قبل العصر و لا قبل العشاء و یصل العشاء ثم اوتر... یمنع ابن یتمیة اداوها فی السفر مطلقاً و یدعی کذالک صاحبه ابن القیم فی الهدی و لکنه یستثنی سنة الفجر والوتر»[1]

۱-معارف السنن: ۴۷۸/۴ الی ۴۸۰، فی التطوع فی السفر. و قریبها فی بذل المجهود فی حل ابی داود: ۳۱۱/٦،

و قال فی حاشیة الکوکب الدری عن شیخ الحدیث:

«و اختار شیخ مشائخنا الشاه عبدالغنی بان النفی فی حالة السیر والاثبات فی حالة القرار اه والاوجه عندی ان النفی محمول علی الصلواة فی الارض والاثبات فی الصلواة علی الدابة راکباً» (۱)

خلاصه از روایات حدیثی هم معلوم شد که برای نفی و اثبات هر دو، روایت موجود است لذا نتیجهٔ این امر برآمد که در سفر تأکید سنن کاهش یافته و فقط مرتبهٔ استحباب می ماند و بس.

و نیز ظاهر است که امر مستحب مدارش، بر سهولت ویسر است، بنابراین تا هر قدر میسر گردد، انجام دادن مستحب،

امری مرغوب و افضل است البته در هر صورت عسر و تنگی خود و تنگی رفقاء و عجلة در مسیر یا خوف و غیره ترک، اولی می‌گردد و نیز معلوم شد که اگر شخصی مقتد است گاه‌گاهی ترک کند تا عوام اعتقاد تأکد در سفر پیدا نکند چنانچه ابن عمر ـ رضی الله عنهما ـ و امام محمد ـ رحمه الله ـ کردند. **هذا ما عندی.**

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر(غُفِرَله)

۷ ربیع الاول ۱۴۰۳ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: کسی که با ماشین شخصی خود مسافرت می‌کند، و هر جایی بخواهد می تواند نگه دارد و نماز بخواند، دیگر خوف و خطر نیست، آیا سنت‌ها را بخواند یا فقط فرائض را بخواند؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت خواندن سنن مؤکده ضروریست و ترک آن فسق است البته اگر زیاد عجله است به علتی شرعی پس ترک آنها روا است.

در احسن الفتاوی به زبان اردو می‌نویسد که ترجمه‌اش در فارسی این است:«به

باب التطوع فی السفر، و فی الکوکب الدری اخصر من کلام البذل: ۲۰۹/۱، اول ابواب السفر.

۱- حاشیة الکوکب الدری: ۲۱۰/۱.

حالت اطمینان خواندن سنن مؤکده ضروری است از حضور اکرم ـ ﷺ ـ در سفر خواندن سنن ثابت است. (اعلاء السنن ص ۱۹۱ تا ۱۹۳) و **قال فی العلائیه و یأتی المسافر بالسنن ان کان فی حال امن و قرار والا بان کان خوف و فرار لایأتی بها هو المختار لانه ترک لغدر تجنیس قبل الاسنة الفجر** (در المختار ص ۷۴۲/۱)[۱]

والله اعلم و علمه اتم– محمد عمر(غُفِرَله)

۲٦ صفر ۱۴۰۹ هق

تعریف و حکم سنن مؤکده

الاستفتاء: تعریف سنت مؤکده را نوشته و حکم آن را بیان دارید؟

الجواب بسم ملهم الصواب: سنت مؤکده آن است که حضور اکرم ـ ﷺ ـ یا خلفاء راشدین بعد او بر آن مواظبت کرده‌اند، بدون منع ترک [۲]

تارک آن مستحق ملامت و ظلالت، محروم عن الشفاعة و فاسق است، اگر ترک آن بدون عذر شرعی باشد، **لقوله علیه الصلواة والسلام: «من ترک سنتی لم ینل شفاعتی»**[۳]

و اگر سنت مؤکده را اهانت خفیف دانسته و نکند، کافر می‌گردد.[۴]

والله اعلم و علمه اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ صفر ۱۴۰۹ هق

مثل سؤال بالا

الاستفتاء: آیا نماز تهجد سنت مؤکده است؟ اگر سنت مؤکده است، اگر کسی آن را ترک کند آیا مستحق عذاب می‌گردد یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به قول محقق سنت مؤکده است.[۵]

حکم ترک سنت مؤکده همان است که در جواب سوال بالا نوشته شد، اگر بدون

۱–احسن الفتاوی: ۷۲/۴. فتاوی دارالعلوم (عزیز الفتاوی): ۱و۲٦۵/۲.

۲– ردالمحتار: ۷٦۱/۱ و ۷۷، مطلب فی السنة و تعریفها السنة...

۳– المرجع السابق: ۷۷/۱، و ٦۱۱، باب العیدین. ۴–کذا فی ردالمحتار: ۴۹۱/۱، باب الوتر والنوافل.

۵–کذا فی ردالمحتار: ۵۰٦/۱. تفسیر مظهری: ۴٦۸/۵. معارف القرآن: ۵۰۳/۵ الی ۵۰٦، سوره‌ی اسراء.

عذر شرعی ترک کند. اما ترک تهجد حکم ترک سنت مؤکده در فسق و حرمان شفاعت ندارد؛ چرا که تهجد عملاً سنت مؤکده است نه حکماً، بلکه حکماً نفل به شمار می‌رود.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر(غُفِرَله)
۱۸ صفر ۱۴۰۹ هق

فصل بین سنن و فرائض به خواندن نفل

الاستفتاء: اگر شخصی سنت قبل از ظهر یا قبل از جمعه در منزل خواند و به مسجد برای خواندن فرائض آمد و هنوز وقت باقی بود، آیا می‌تواند تحیة المسجد بخواند یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: می‌تواند. بنده خودم بسا اوقات چنین می‌کنم البته در میان سنن قبلیه و فرائض بلا عذر چنین فعلی انجام دادن که خلاف تحریمه باشد موجب تنقص ثواب می‌گردد، و بعضی مسقط سنن گفته‌اند ولی این صحیح نیست، و حکم سنن بعدیه نیز هیمن است.

تفصیل آن در علائیه و شامی و در احسن الفتاوی موجود است.[1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر(غُفِرَله)
۲۰ شوال ۱۴۱۱ هق

در صورت برپا شدن جماعت نماز فجر، مقتدی اولاً سنت را بخواند یا با جماعت شریک شود؟

الاستفتاء: اگر مقتدی به نماز فجر آمد، نماز شروع شده بود، آیا مقتدی اولاً سنت‌ها را بخواند یا به نماز جماعت شریک شود؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت تا امکان رسیدن به جماعت باشد اگر چه به تشهد برسد، اولاً سنت را اداکند، اما جائی که فرض می‌خوانند، ادا نکند بلکه پشت

۱- ردالمحتار: ٦٣٦/١. احسن الفتاوی: ۴۹۱/۳.

دیواری یا بیرون مسجد اداکرده در جماعت شریک شود و اگر امکان رسیدن جماعت اصلاً ندارد پس سنت را ترک کند و جماعت را بگیرد و بعد از بلند شدن آفتاب اگر قضائی سنت را بکند مستحب است.

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر(غُفِرَله)
۲۰ شوال ۱۴۱۱ هق

در قعده‌ی اولی سنن زوائد درود شریف خوانده شود و...

الاستفتاء: در سنن زوائد در رکعت‌های دوم بعد از تحیات، درود شریف بخواند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: درود و دعاء همه را بخواند و در رکعت سوم تعوذ و تسمیه هم بخواند و حکم تمام نوافل که چهار رکعت نیت کند، همین است، و در سنت مؤکده اینطور نکند که حکم آنها در تشهد و تعوذ مثل فرائض است.

قال فی التنویر و الدر:

«و فی البواقی من ذوات الاربع یصلی علی النبی ـ ﷺ ـ و یستفتح و یتعوذ»[1]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر(غُفِرَله)
۱۸ جمادی الاخر ۱۴۱۲ هق

۱- ردالمحتار: ۵۰۰/۱، مطلب فی السنن والنوافل.

رسالة

ارغام العاتب

لمؤدى الرواتب

الاستفتاء: ما تقولون رحمكم الله تعالى فى ثبوت السنن الراتبة كالاربع قبل الظهر والاثنتين بعده و ما الى ذالک؟ فان طائفة من المسلمين قد انكرت تلك السنن و ما حكم من لا يصليها و من لا يرى ثبوتها؟ و ما معنى ماورد فى الحديث من لفظ التطوع فى هذه السنن؟ و ما معنى حديث عائشة ـ رضي الله عنها ـ لم يكن النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ على شيء من النوافل اشد تعاهد امنه على ركعتى الفجر؟

برهنوا المسئلة بالبراهين القاطعة والاحالة على الماخذ فى الموضوع و لكم جزيل الشكر والامتنان (المستفتى: عبدالرؤف سعيدى)

الجواب بسم ملهم الصواب: سؤالكم متضمن لاربعة اجزاء فنتكلم على كل جزء على حدة ان شاءالله تعالى.

الاول فى ثبوت السنن الراتبة:

اقول و به استعين: السنن الراتبة ثابتة بالاحاديث الصحاح المروية مسندا فى الصحاح الست و غيرهما من كتب الحديث، فمنها ما رواه البخارى:

(۱) عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ ان النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ كان لا يدع اربعاً قبل الظهر و ركعتين قبل الغداة[۱]

(۲) و عن ابن عمر ـ رضي الله عنه ـ قال: حفظت من النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ عشر ركعات: ركعتين قبل الظهر الحديث [۲]

(۳) و عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ ان النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ كان يصلى ركعتين، فان كنت مستيقظد حدثنى والا اضطجع، قلت لسفيان: قال بعضهم: يرويه ركعتى الفجر، قال سفيان: هو ذاک [۳]

و فى رواية: اذا صلى سنة الفجر الحديث، و اخرجه عنها بعد باب قالت: لم يكن النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ

۱- الصحيح للبخارى: ۱۵۷/۱، ابواب التطوع، باب التطوع بعد المكتوبة.

۲-نفس المرجع السابق. و اخرجه ايضاً فى كتاب الجمعة فى باب الصلواة بعد الجمعة و قبلها أ و اخرجه ايضاً فى باب ما جاء فى التطوع مثنى مثنى.

۳- عمدة القارى: ۲۲۷/۷.

على شيء من النوافل اشد منه تعاهداً على ركعتى الفجر.

و بعد باب ايضاً بقولها: ثم يصلى اذا سمع النداء بالصبح ركعتين خفيفتين.

و تفصيل رواية ابن عمر ـ رضي الله عنه ـ هكذا: قال:

صليت مع النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ سجدتين قبل الظهر و سجدتين بعد الظهر و سجدتين بعد المغرب و سجدتين بعد العشاء و سجدتين بعد الجمعة، فاما المغرب والعشاء ففى بيته و حدثتنى اختى حفصة ان النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ كان يصلى سجدتين خفيفتين بعد ما يطلع الفجر، الحديث.

و منها ما رواه مسلم فى صحيحه:

(۱) عن ابى عمر ـ رضي الله عنه ـ ان حفصة ام المؤمنين ـ رضي الله عنها ـ اخبرته ان رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ كان اذا سكت المؤذن من الاذان لصلواة الصبح و بدا الصبح ركع ركعتين خفيفتين قبل ان تقام الصلواة. اخرجه بطريق مختلفة صحيحة[۱]

(۲) عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ قالت: كان رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ اذا طلع الفجر لا يصلى الا ركعتين خفيفتين. اخرجه بطرق كثيرة[۲]

(۳) عن ام حبيبة زوج النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ انها سمعت رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ يقول: ما من عبد مسلم يصلى لله فى كل يوم ثنتى عشرة ركعة تطوعاً غير فريضة الا بنى الله له بيتاً فى الجنة او الا بنى له بيت فى الجنة. اخرجه بطرق كثيرة[۳]

(۴) اخرج حديث ابن عمر ـ رضي الله عنه ـ عنهما كما اخرجه البخارى بتغيير يسير.

(۵) عن عبدالله بن شقيق قال: سألت عائشة عن صلواة رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ عن تطوعه فقالت: كان يصلى فى بيتى قبل الظهر اربعاً ثم يخرج فيصلى بالناس ثم يدخل فيصلى ركعتين، و كان يصلى بالناس المغرب، ثم يدخل فيصلى ركعتين، و يصلى بالناس العشاء و يدخل بيتى فيصلى ركعتين، و كان يصلى من الليل تسع ركعات، فيهن الوتر و كان يصلى

۱– فتح الملهم: ۲۸۰/۲.
۲–نفس المرجع السابق.
۳– المرجع السابق: ۲۸۳/۲.

لیلاً طویلاً قائماً و لیلاً طویلاً قاعداً و کان اذا قرأ و هو قائم رکع و سجد و هو قائم، و اذا قرأ قاعداً رکع و سجد و هو قاعد، و کان اذا طلع الفجر صلی رکعتین [١]

و منها ما اخرجه الترمذی فی سننه:

(١) عن علی ـ رضي الله عنه ـ قال: کان النبی ـ صلى الله عليه وسلم ـ یصلی قبل الظهر اربعاً و بعدها رکعتین، و قال حسن [٢]

(٢) عن ام حبیبة ـ رضي الله عنها ـ زوج النبی ـ صلى الله عليه وسلم ـ تقول: سمعت رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ یقول: من حافظ علی اربع رکعات قبل الظهر و اربع بعدها حرمه الله علی النار و قال: حسن صحیح غریب من هذا الوجه [٣]

(٣) و اخرج عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ قالت: قال رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ: من ثابر علی ثنتی عشرة رکعة من السنة بنی الله له بیتاً فی الجنة. اربع رکعات قبل الظهر و رکعتین بعد المغرب و رکعتین بعد العشاء و رکعتین قبل الفجر. قال: و فی الباب عن ام حبیبة و ابی هریرة و ابی موسی و ابن عمر [٤]

(٤) عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ قالت: قال رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ: رکعتا الفجر خیر من الدنیا و مافیها: قال: و فی الباب عن علی و ابن عمر و ابن عباس. قال ابو عیسی: حدیث عائشة حدیث حسن صحیح [٥]

و منها ما اخرجه ابوداود و غیره:

(١) عن ابی هریرة ـ رضي الله عنه ـ قال: قال رسول الله ـ صلى الله عليه وسلم ـ لا تدعوهما و ان طردتکم الخیل (ای خیل العدو من الکفار و غیرها) رواه ابوداود و سکت [٦]

(٢) عن عائشة ـ رضي الله عنها ـ قالت: لم یکن النبی ـ صلى الله عليه وسلم ـ علی شیء من النوافل اشد تعاهداً منه

١- فتح الملهم: ٢٨٤/٢.
٢- سنن الترمذی: ٥٧/١.
٣-نفس المرجع السابق.
٤-معارف السنن: ٥٥/٤.
٥-معارف السنن: ٥٧/٤.
٦- اعلاء السنن: ٢/٧.

علی رکعتی الفجر. نیل الاوطار: ۲/۲۶۳ [۱]

(۳) عن ابی هریرة ـ رضی الله عنه ـ قال: قال رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ اذا صلی احدکم یوم الجمعة فلیصل بعدها اربعاً. مسلم ۱/۲۸۸ [۲]

(۴) عن ابی عبدالرحمن السلمی قال: کان عبدالله یأمرنا ان نصلی قبل الجمعة اربعاً و بعدها اربعاً، رواه عبدالرزاق فی مصنفه، کذا فی نصب الرایة: ۱/۳۱۸.

و فی الدرایة: رجاله ثقات. ص ۱۳۳ و فی آثار السنن: اسناده صحیح ۲/۹۶ و هو موقوف فی حکم المرفوع[۳]

(۵) و فی الطبرانی عن علی ـ رضی الله عنه ـ قریبه. و فی ابن ماجة والطبرانی و مجمع الزوائد عن ابن عباس ـ رضی الله عنه ـ قریبه[۴]

و فی آثار السنن الطحاوی والنسائی و صحیح ابن خزیمة والترغیب و کنز العمال و صحیح ابن حبان و غیرها روایات کثیرة امثال ما کتبنا تکفی للمسلم هذه، و للمعاند لا یکفی مجلدات کثیرة، والله یهدی الیه من نیبب.

الجزء الثانی من السؤال، و ما حکم من لا یصلیها...

واعلم ان جمهور الامة والائمة متفقة علی ثبوت السنن الرواتب المؤکدة، و لکن اختلفوا فی تحدیدها فقال مالک رحمه الله فی قول: لا تحدید فیها: و قال الثلاثة غیره بتحدیدها، فعند ابی حنیفة ثنتی عشرة فی یوم و لیلة، و کذا عند احمد فی قول. و عند الشافعی عشر رکعات فی یوم و لیلة، و کذا عند احمد فی قول[۵]

و عند الکل تقسم السنن علی قسمین ۱ـ راتبة ۲ـ و غیر راتبة[۶]

۱- اعلاء السنن: ۴/۷. ۲- اعلاء السنن: ۶/۷.

۳-کذا فی اعلاء السنن: ۷/۷. ۴- اعلاء السنن: ۱۰/۷.

۵-کذا فی شروح البخاری و مسلم والترمذی و ابی داود و غیرها و کتب الفقه.

۶-کذا فی کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة: ۱/۳۲۶ الی ۳۲۸.

و اوکدها عند الکل رکعتا الفجر حتی قال بعضهم بوجوبهما کالحسن البصری و قول هذا عن امامنا (رحمه الله) ثم اوکدها عندنا سنة المغرب ثم اللتان بعد العشاء ثم اللتی قبل الظهر ثم اللتان بعد الظهر(۱)

اما حکم من لا یصلیها او من یری ثبوتها، فقال السید محمد امین ابن عابدین الشامی:

«اعلم ان المشروعات اربعة اقسام: فرض و واجب و سنة و نفل: فما کان فعله اولی من ترکه مع منع الترک ان ثبت بدلیل قطعی ففرض او بظنی فواجب و بلا منع الترک ان کان مما واظب علیه الرسول ـ ﷺ ـ اوالخلفاء الراشدون من بعده فسنة والا فمندوب و نفل. والسنة نوعان: سنة الهدی و ترکها یوجب اساءة و کراهیة کالجماعة والا ذان والاقامة و نحوها و سنة الزوائد و ترکها لا یوجب ذالک کسیر النبی علیه الصلواة والسلام فی لباسه و قیامه و تعوده والنفل و منه المندوب یثاب فاعله و لا یسئی تارکه (الی ان قال) بخلاف سنن الهدی و هی السنن المؤکدة القریبة من الواجب التی یضلل تارکها لان ترکها استخفاف بالدین»

«و لکن فی التلویح، ترک السنة المؤکدة قریب من الحرام یستحق حرمان الشفاعة لقوله علیه الصلواة والسلام: من ترک سنتی لم ینل شفاعتی اه و فی التحریر: ان تارکها یستوجب التفصیل واللوم اه والمراد الترک بلا عذر علی سبیل الاصرار. کما فی شرح التحریر لابن امیر حاج».

«ثم قال فی البحر: والذی ظهر للعبد الضعیف ان السنة ما واظب علیه النبی ـ ﷺ ـ لکن ان کانت لا مع الترک فهی دلیل السنة المؤکدة، و ان کانت مع الترک احیانا فهی دلیل غیر المؤکدة و ان اقترنت بالانکار علی من لم یفعله فهی دلیل الوجوب، فافهم هذا فان به یحصل التوفیق اه» (۲)

۱-کذا قال العینی فی شرح الهدایة: ۸۳۹/۱.

۲- ردالمحتار: ۷٦۱/۱ و ۷۷، مطلب فی السنة و تعریفها.

و قال ایضاً:

«الحاصل ان السنة ان کانت مؤکدة قویة لا یبعد کون ترکها مکروها تحریماً و ان کانت غیر مؤکدة فترکها مکروه تنزیها»[۱]

و فی الرد ایضاً:

«لو ترک السنن فان راها حقا اثم والا کفر، لانهم عللوه بانه ترک استخفافاً کما عزاه فی البحر الی التجنیس والنوازل والمحیط و لقوله فی شرح المنیة و لا یکفر جاحده الا ان استخف و لم یره حقا علی المعنی الذی مرض السنن اه و اداد بما مرهوان یقول هذا فعل النبی ـ ﷺ ـ و انا لا افعله (الی ان قال) و قد صرح بعض المحققین من الشافعیة بان من انکر مشروعیة السنن الراتبة او صلواة العیدین یکفر لانها معلومة من الدین بالضرورة و سیأتی فی سنن الفجر انه یخش الکفر علی منکرها، قلت: و لعل المراد الانکار بنوع تأویل و الا فلا خلاف فی مشروعیتها و قد صرح فی التحریر فی باب الاجماع بان منکر حکم الاجماع القطعی یکفر عند الحنیفة و طائفة و قالت طائفة لا. و صرح ایضاً بان ما کان من ضروریات الدین و هو ما یعرف الخواص والعوام انه من الدین کوجوب اعتقاد التوحید والرسالة والصلوات الخمس و اخواتها یکفر منکره و مالا کفساد الحج بالوطی قبل الوقوف و اعطاء السدس للجدة و نحوه مالا یعرف کونه من الدین الا الخواص، و لا شبهة ان ما نحن فیه من مشروعیة الوتر و نحوه یعلم الخواص والعوام انهامن الدین بالضرورة فینبغی الجزم بتکفیر منکرها ما لم یکن عن تأویل بخلاف ترکها فانه ان کان عن اسخفاف کما مر یکفر و لا بان یکون کسلاً او فسقاً بلا استخفاف فلا»[۲]

و قال ایضاً:

«و لهذا کانت السنة المؤکدة قریبة من الواجب فی لحوق الاثم کما فی البحر و یستوجب

۱- المرجع السابق: ۴۳۸/۱، مفسدات الصلاة، مطلب فی بیان السنة والمستحب...

۲- ردالمحتار: ۴۹۱/۱، باب الوتر والنوافل.

تارکها التضلیل واللوم کما فی التحریر ای علی سبیل الاصرار بلا عذر کما فی شرحه»[۱]

الخلاصة: یستنبط و یعلم من هذه العبارات اشیاء: منها ان تارک السنة المؤکدة ان کان تکاسلاً مرة او مرتین بغیر عذر شرعی یکره له ذالک و لا یحکم علیه بشیء و ان ترکها اصراراً، تکاسلاً لا استخفافاً یکون فاسقاً لا کافراً بل ضالاً و ملوما و ان ترکها استخفافا یکون کافرا. و ان انکرها رأساً بلا تأویل یکون ایضاً کافراً لانها سنة بل لانها من ضروریات الدین و منکر الضروریات کافر و لو کان الضروری سنة او واجباً او غیرهما کما صرح به الشامی فی قوله: (و لا شبهة...)

الجزء الثالث من السؤال، عن ورود لفظ التطوع فی السنن:

اعلم انه ورد فی الروایات الفاظ مختلفة من السنة والنفل والتطوع کما تری فی الروایات المحررة سابقاً.

قال القاری فی المرقات:

السنة والنفل والتطوع والمندوب والمستحب والمرغب فیه الفاظ مترادمة معناها واحده و هو ما رجح الشارع فعله علی ترکه و جاز ترکه و ان کان بعض المسنون آکدمن بعض اتفاقاً»[۲]

و قال العینی فی شرح العدایة:

«والتطوع فی الاصل فعل الطاعة و فی الشرع والعرف مخصوص بطاعة غیر واجبة»[۳]

و فی البحر شرح الکنز:

«لان السنة تطوع فتتأدی بنیة التطوع» [۴]

قال ابن منظور فی لسان العرب:

«والتطوع ما تبرع به من ذات نفسه مما لا یلزمه فرضه المتطوع هو الذی یفعل الشیء

۱- المرجع السابق: ۴۹۷/۱.

۲- المرقاة شرح المشکوة: ۱۰۸/۳، اول باب السنن و فضائلها. و فی مرعاة المفاتیح: ۱۴۱/۲، نقلاً عن المرقاة.

۳- البدایة شرح الهدایة: ۸۳۸/۱. ۴- البحر الرائق: ۵۲/۲.

تبرعا من نفسه» [1]

و قال الزبیدی فی تاج العروس شرح القاموس:

«و صلواة التطوع النافلة و کل متنفل خیر تبرعاً متطوع: قال الله تعالی: فمن تطوع خیراً فهو خیر له: والتطوع ما تبرع به من ذات نفسه مما لا یلزمه فرضه» [2]

اقول: ثبت من هذه العبارات ان التطوع له اطلاقان: اطلاق لغوی بمعنی فعل الطاعة کما قال العینی، فبهذا الاطلاق یطلق عموما علی کل ما زاد عن الفرائض والواجبات من السنن مؤکدة کانت او زائدة والنوافل والمستحبات والمندوبات و کل التبرعات و بهذا الاطلاق العمومی اطلق فی الاحادیث علی السنن المؤکدة ایضاً لانها فی حکم التطوع النافلة فی کل حال فتدبر.

و اطلاق شرعی و اصطلاحی، و بهذا الاطلاق یطلق علی المندوبات والمتبرعات و امثالها فلا یلزم بما جاء فی الاحادیث ان السنن المؤکدة فی حکم النوافل العامة لان الدلائل الکثیرة تدل علی تأکیدها دون غیرها من النوافل کحدیث لا یتعاهد علی شیء الحدیث و حدیث ان طردتکم الخیل و امثالها.

و معنی الجزء الرابع من السوال واضح و قد اوضحناه فی ضمن ما کتبناه من حکم السنن الؤکدة والاحادیث المصرحة فلا یحتاج الی مزید بیان.

استطراد فی بیان حکمت السنن القبیلة والبعدیة:

قال فی المرعات:

«قال ابن دقیق العید فی شرح العمدة ۱/۱۷۰ فی تقدیم السنن علی الفرائض و تأخیرها عنها معنی لطیف مناسب. اما فی التقدیم فلان الانسان یشتغل بامور الدنیا و اسبابها فتتکیف النفس فی ذالک بحالة بعیدة عن حضور القلب فی العبادة والخشوع فیها الذی هو روحها فاذا قدمت السنن علی الفریضة تأنست النفس بالعبادة و تکیفت بحالة تقرب من

۱- لسان العرب: ٦٢٦/٢. ۲- تاج العروس: ۴۴۵/۵.

الخشوع فيدخل فى الفرائض على حالة حسنة لم يكن يحصل له لو لم تقدم السنة فان النفس مجبولة على التكيف بما هى فيه لا سيما اذ اكثر اوطال و ورد الحالة المنافية لما قبلها قد تمحوا اثر الحالة السابقة او تضعفه، و اما السنن المتأخرة فلما ورد ان النوافل جابرة لنقصان الفرائض فاذا وقع الفرائض ناسب ان يكون بعده ما يجبر خللا فيه ان وقع، انتهى» [۱]

اقول ايضاً: ان السنن من مكملات الفرائض والمكملات اما ان تكون قبلية او بعدية او وسطية كما فى الوضوء غسل اليدين من الرسغين والتسمية قبيلة والتيامن والتثليث وسطية والشهادة والادعية بعدية و هكذا فى الصلواة كالسنن القبيلة والوسطية و البعدية.

فثبت من هذا الحكم ان الرجل اذا لم يأت بالسنن قبلها و لا بعدها لا يمكن ان يأتى صلواته خاشعاً كاملاً و لا يمكن تكميل صلواته بغير اتيان المكملات فيبقى صلواته ناقصة والصلواة الناقصة احرى بعدم القبول عندالله سبحانه و تعالى.

فيالهفاً و وااسفاً على من ينكر اولا يثبت اولا يأتى بالسنن التى فيها اتباع لسيد بنى عدنان صلى الله عليه و سلم.

هدانا الله و اياكم على جميع الخيرات و لا سيماً لالتزام سنن امام الكائنات ـ ﷺ ـ و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين و صلى الله تعالى على خير خلقه خاتم الانبياء والمرسلين و على آله و اهل بيته و اصحابه و اتباعه و احبابه اجمعين ابداً ابداً مع سلام و بركات و عنايات كاملة خالدة مكررات ابد الآبدين.

والله اعلم و عمله اتم– محمد عمر (غُفِرَله)

غزهى جمادى الثانية ۱۴۱۲ هق

۱– مرعاة المفاتيح شرح مشكواة المصابيح: ۱۴۱/۲.

خواندن سنت‌های فجر در داخل مسجد پشت صف‌های جماعت

الاستفتاء: خواندن دو رکعت سنت مؤکده صبح در مسجد هنگام قیام نماز جماعت فرض صبح، پشت صف بدون اینکه دیواری حائل باشد چه حکمی دارد؟ بعضی می‌گویند که فقط در صورتی خواندن آنها در مسجد مکروه است که در وسط صفی که مردمان جهت ادای فرض صبح بسته‌اند، ایستاده باشد. آیا این قولشان صحیح است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در آن فضا که جماعت ایستاده است سنت صبح یا دیگر سنن یا نوافل، ادا کردن مکروه تحریمه است، این قول مذکور غیر صحیح است، البته چونکه سنت صبح خیلی مؤکد است که آن را در خانه یا بیرون مسجد ادا کرده و سپس در مسجد برود، و اگر در مسجد داخل شد و جماعت نه ایستاده است هر جا که بخواند اختیار دارد و اگر جماعت شروع شده اشت هم ترک نکند حتی اگر امید رسیدن به تشهد فرض را دارد، ادا کند و اگر اصلاً امید رسیدن فرض ندارد پس ترک کند و افضل و مستحب است که بعد از طلوع آفتاب ادا کند و بعد نماز صبح قبل از طلوع آفتاب ادا نکند که مکروه است پس اگر جماعت در حصهٔ داخل مسجد شروع شده است در حصهٔ بیرونی مسجد ادا کند اگر اینجا صف جماعت نرسیده است و اگر در حصهٔ بیرونی جماعت شروع شده است پس بیرون مسجد جائی ادا کرده و به جماعت شریک شود یا پشت دیوار یا حائلی دیگر ادا کرده شامل جماعت گردد.

در تنویر الابصار و شرح آن در مختار می‌نویسد:

«و اذا خاف فوت رکعتی الفجر لاشتغاله بسنتها ترکها لکون الجماعة اکمل والابأن رجا ادراک رکعة فی ظاهر المذهب و قیل التشهد واعتمده المضف والشرنبلالی تبعاً للبحر لکن ضعفه فی النهر لا یترکها بل یصلیها عند باب المسجد ان وجد مکانا والا ترکها لان ترک المکروه مقدم علی السنة.»

و فی الرد:

«قوله (لکن ضعفه فی النهر) قلت لکن قواه فی فتح القدیر... لان المدار هنا علی ادراک فضل الجماعة و قد اتفقوا علی ادراکه بادراک التشهد فیأتی بالسنة اتفاقاً کما او ضحه فی الشرنبلالیة ایضاً و اقره فی شرح المنیة و شرح نظم الکنز و حاشیة الدر نوح آفندی و شرحها للشیخ اسماعیل و نحوه فی القهستانی و جزم به الشارح فی مواقیت الصلواة (قوله عند باب المسجد) ای خارج المسجد کما صرح به القهستانی و قال فی العنایة لانه لو صلاها فی المسجد کان متنفلاً فیه عند اشتغال الامام بالفریضة و هو مکروه فان لم یکن علی باب المسجد موضع للصلواة یصیلها فی المسجد خلف ساریة من سواری المسجد و اشدها کراهة ان یصیلها مخالطا للصف مخالفاً للجماعة والذی یلی ذالک خلف الصف من غیر حائل اه و مثله فی النهایة والمعراج»

و قالت تحت قوله (والا ترکها):

«اذا کان للمسجد موضعان والامام فی احدهما ذکر فی المحیط انه قیل لا یکره لعدم مخالفة القوم و قیل یکره لانهما کمکان و احد قال فاذا اختلف المشائخ فیه فالا فضل ان لا یفعل قال

فی النهر و فیه افادة انهاتنزیهیة... لکن فی الحلیة قلت و عدم الکراهة اوجه للآثار اللتی ذکرناها»[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۶ صفر ۱۴۱۳ هق

حیثیت و حکم سنن

الاستفتاء: امسال شایع کرده‌اند و شخصی در کله‌گان فتوی داده است که نماز سنت لازم نیست همان فرض کافی است، (نظر شما در این باره چیست؟)

الجواب بسم ملهم الصواب: سنت دو قسم است: سنت مؤکده که از ترک دائمی آن،

۱- ردالمحتار للشامی: ۵۲۹/۱ الی ۵۳۰، فتاوی امدادیه: ۲۸۵/۱، عزیز الفتاوی (فتاوی دارالعلوم دیوبند):۱و۲۴۸/۲ مبوب، احسن الفتاوی: ۲۵۷/۳ و ۴۶۰.

انسان فاسق و محروم عن الشفاعة می‌شود و تارک آن عاصی و مجرم و قابل زجر و ملامت است. و ترک سنت نافرمانی جناب رسول الله ـ ﷺ ـ است.

و در حدیث صحیح فرموده‌اند:

«کل امتی یدخلون الجنة الا من ابی قیل من ابی قال من اطاعنی دخل الجنة و من عصانی فقدابی»

ترجمه: تمام امت من در جنت داخل خواهند شد به استثنای کسی که انکار کند. گفته شد چه کسی منکر است؟ فرمود: کسی که اطاعت من کرد داخل جنت می‌شود و کسی که نافرمانی من کرد او منکر است[1].

و نتیجه این شد که او داخل عذاب می‌گردد و در این مورد خیلی احادیث آمده است. و از قول این اشخاص خیلی خیلی دوری لازم است.

دوم سنت زوائد است که حکم آن مثل نوافل است اگر کند به او اجر می‌رسد و اگر نکند مجرم نیست.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ هق

کیفیت نیّت ادای سنن

الاستفتاء: بنده بیست و پنج ساله می‌باشم که در مورد اختلاف قلبی بین نیت کنونی و نیت قبلی در نماز می‌باشد که قبلاً با توبه به پاره حمد نیت برای سنت مؤکده یا غیر مؤکده به این ترتیب مکتوب گردیده است. **نویت ان اصلی لله تعالی اربع یا رکعتین صلواة الفجر من سنة رسول الله تعالی متوجهاً الی جهة الکعبة...** که هم اکنون اسم رسول کریم را حذف می‌نمایند. و می‌دانم که نیت باید قلبی باشد ولی چرا اسم مبارک رسول کریم حذف شده اگر چنین باشد چرا علماء پیشین درباره حمد جزء نیت را به این طریق کتاب کرده‌اند؟ به طور واضح مراتب بالا را جواب گو باشید.

الجواب بسم ملهم الصواب: نیت سنن به چهار صورت جائز است.

یکی اینکه فقط در دل بدون تلفظ لسانی نیت ادای نماز کند.

۱- مشکوة ص ۲۷، باب الاعتصام بالکتاب والسنة.

دوم اینکه به تلفظ می‌گوید **نویت ان اصلی رکعتین او اربع رکعات**

سوم اینکه می‌گوید **نویت ان اصلی رکعتین یا اربع رکعات سنة مؤکده**

چهارم اینکه می‌گوید **نویت ان اصلی لله تعالی رکعتین یا اربع رکعات سنة الفجر او الظهر سنة رسول الله...** این همه جائزاند. و نزد احقر سوم بهتر است.

چهارم اگر چه جائز است ولی بهتر نیست به علت اینکه شاید یکی از عوام‌گمان ببرد که من سنت را برای رسول می‌کنم.

و این دو صورت نیت ناروا است: یکی اینکه «**نویت أن أصلی سنة الرسول**» این مکروه است به علت عدم ورود و به علت اینکه اسم الله را نیاورده شبیه پیدا می‌شود که سنت محض برای رسول ادا می‌شود.

دوم اینکه گوید: «**نویت ان اصلی السنة لرسول الله**» این شریک است چراکه معنای این جمله این است که من سنت را خاص برای رسول می‌خوانم نه به خداوند متعال[1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۸ ذیحجه ۱۴۱۳ هق

در صورت فوت شدن چهار رکعت سنت ظهر، آیا بعد از ادای فرض اولاً چهار رکعت را بخواند یا دو رکعت را؟

الاستفتاء: اگر کسی سنت ظهر را نخواند، بعد از نماز فرض اولاً چهار رکعت را بخواند یا دو رکعت را؟ کدام صورت بهتر است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اول دو رکعت را بخواند بهتر است و اگر چهار رکعت را خواند هم جائز است.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ربیع الاول ۱۴۱۴ هق

۱- مأخوذ از امداد المفتین ص ۷۳، فتاوی دارالعلوم دیوبند (عزیز الفتاوی)، ۱و۲۲۱/۲ و احسن الفتاوی: ۱۸/۳.

حکم قیام در سنن مؤکده

الاستفتاء: در نماز تراویح قیام فرض است یا نه؟ همچنین در سنت مؤکده ظهر، عصر، مغرب، عشاء و بدون عذر نماز تراویح را نشسته می‌تواند بخواند یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: به قول صحیح فرض نیست بلکه سنت مؤکده است و ترک قیام بدون عذر مکروه است، نزد بعضی تنزیهی و نزد بعضی تحریمی راجح است[1].

و همین حکم است در سنن مؤکده‌ی دیگر به استثنای سنت صبح که در آن قیام واجب است و نشسته خواندن روا نیست[2].

تراویح را بدون عذر نشسته خواندن مکروه تحریمه است، ولی نماز ادا می‌شود.

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲٦ ربیع الاول ۱۴۱۴ هق

فصل بین سنن و فرائض به خوردن و سخن گفتن و...

الاستفتاء: بعد از خواندن سنت جمعه و یا سنت ظهر و غیرهما قبل از خواندن فرائض خوردن و نوشیدن و سخن‌گفتن جائز است یا نه؟

الجواب بسم ملهم الصواب: اگر خوف دارد که همان غذا سرد و فاسد، یا آب گرم می‌شود یا به طوری دیگر فاسد می‌گردد یا همان سخن شرعی و نیک یا ضرورت دنیوی باشد، جائز است و اشکالی ندارد.

اما اگر خوف فساد غذا، و آب نیست و سخن غیر شرعی یا بی ضرورت می‌کند، به قول راجح مکروه است و ثوابش را ناقص می‌کند ولی فاسد نمی‌کند.

قال فی التنویر والدر:

۱-کذا فی الدر والشامیة: ۵۲۳/۱، بحث صلاة التراویح.

۲-المرجع السابق: ۴۹۹/۱، مطلب فی السنن والنوافل.

«و لو تکلم بین السنة والفرض لا یسقطها و لکن ینقص ثوابها و قیل تسقط»[۱]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۳ شوال ۱۴۱۵ هق

ترک نمودن سنن در سفر

الاستفتاء: آیا در مسافرت سنت‌های مؤکده را خواندن جائز است یا خیر؟ و اگر جائز است آیا واجب است یعنی الزامی است یا رخصت و یا افضل است؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در صورت عجله بودن در سفر به استثنای سنت صبح، سنت‌های دیگر را ترک دادن جائز است، و در صورت اطمینان خواندن سنت مؤکده ضروری است از حضور اکرم ـ ﷺ ـ در سفر خواندن سنت به روایات صحیح ثابت است[۲]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)
۲۸ ربیع الاول ۱۴۱٦ هق

فصل بین دو سوره‌ی کوچک فقط در فرائض مکروه است

الاستفتاء: کسی در نماز سنت مؤکده سوره‌ای در میان ترک داد، یعنی در رکعت اول سوره اذا جاء را خواند و در دوم سوره‌ی اخلاص را چه حکم دارد؟ آیا مثل فرض مکروه می‌شود یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: این فصل در میان دو سوره‌ی کوچک به سوره‌ای کوچک دیگر، فقط در فرض مکروه است نه در سنت و نوافل.

قال فی الهندیة:

۱- ردالمحتار: ۵۰۳/۱، مطلب فی السنن والنوافل.
۲- اعلاء السنن: ۱۹۱/۷ تا ۱۹۳. ردالمحتار شامی: ۷۴۲/۱. احسن الفتاوی: ۷۱/۴.

«هذا كله فی الفرائض و اما فی السنن فلا يكره هكذا فی المحيط» [1]

والله اعلم و عمله اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۲۳ جمادی الاول ۱۴۱٦ هق

کسی در حال خواندن چهار رکعت سنت‌ها بود که جماعت برگزار شد، بعداً قضای چند رکعت واجب است؟

الاستفتاء: اگر کسی در وقت نماز ظهر سنت ادا می‌کرد، نماز جماعت شروع شد پس در رکعت دوم سلام گردانید و شریک نماز جماعت شد، آیا بعد از چهار رکعت اداکند یا دو رکعت باقی مانده را؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نزد امام ابوحنیفه ـ رحمه الله ـ و محمد ـ رحمه الله ـ دو رکعت اداکند و نزد امام ابویوسف چهار رکعت.

قال فی التتارخانية:

«فان قطعها قضى ركعتين عند ابی حنيفة ـ رحمه الله ـ و محمد و علی قياس ابی يوسف ـ رحمه الله ـ يقضيها اربعاً كما فی سائر التطوعات اذا شرع فيها ينوی اربع ركعات و افسدها يلزمه ركعتين عندهما و عند ابی يوسف يلزمه قضاء الاربع و كان الشيخ الامام الجليل ابوبكر محمد بن الفضل يفتی فی سنة الظهر انه يقضيها اربعاً متى قطعها» [2]

والله اعلم و عمله اتم ـ كتبه عبدالغنی (عفی‌عنه)، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۲ شوال ۱۴۱۷ هق

الجواب صحيح- محمد عمر (غُفِرَله)

خواندن دو رکعت نفل به نیت تحية المسجد و تحية الوضوء و حاجت

الاستفتاء: مردی وضوء گرفته و به مسجد می‌رود و یک نفل دو رکعتی می‌خواند و در همین نفل نیت تحية الوضوء و تحية المسجد و نیت حاجت را دارد، آیا این نفل از

۱- الفتاوی الهندية: ۴۱/۱، الفصل الرابع فی القراءة.

۲- الفتاوئی التتار خانية: ٦۵۱/۱ تا ٦۵۲.

همه ادا می‌گردد یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: نیت کردن تحیة الوضوء و تحیة المسجد و حاجت در یک نفل دو رکعتی، از همه ادا خواهد شد و ثواب همه‌ی آنها انشاءالله به او می‌رسد.

و فی الدر المختار:

«و لو نوی فرضین کمکتوبة و جنازة فللمکتوبة... الی قوله: و لو نافلتین کسنة فجر و تحیة مسجد فعنهما» [۱]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه محمدیوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۲ هـ ق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

فصل در میان سنن و فرائض به خوردن و نوشیدن و سخن گفتن

الاستفتاء: آیا بعد از سنت‌های ظهر و فجر، خوردن و نوشیدن و حرف زدن، جائز است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: عن عائشة – رضی‌الله عنها – قالت: کان النبی – ـ ﷺ ـ – اذا صلی رکعتی الفجر فان کانت له الی حاجة کلمنی و الا خرج الی الصلاة[۲]

در مورد فاصله گذاشتن بین سنت‌های قبلیه و فرائض به امور دنیوی بلاعذر، دو قول از فقها منقول است، بعضی قائل به بطلان سنت هستند. قول صحیح و راجح این است که سنت فاسد نمی‌شود، اما این عمل موجب کاهش ثواب می‌باشد.

قال فی الشامیة:

«و لو تکلم بین السنة و الفرض لا یسقطها و لکن ینقص ثوابها و قیل تسقط و کذا کل عمل ینافی التحریمة علی الاصح»[۳]

البته خاطر نشان باید ساخت که سکوت محض، سنت و عبادتی به شمار نمی‌رود. حکمت و فلسفهٔ افضلیت عدم و اشتغال به امور دنیوی بین سنن و فرائض را

۱- ردالمحتار: ۴۴۰/۱، قبیل باب صفة الصلاة. ۲- رواه الترمذی فی سننه.

۳- ردالمحتار: ٦٣٦/١. وکذا فی خلاصة الفتاوی: ٦٢/١. احسن الفتاوی: ۴۹۱/۳. خیر الفتاوی: ۴۷۳/۲.

حضرت علامه سید محمد یوسف بنوری - رحمه الله ـ چنین می نویسد:

حکمت تقدیم نوافل بر فرائض این است که تا انسان به سبب خواندن نوافل، به حضور قلبی و نشاط و خشوع کامل راه یافته و آن را دریافت کند، و آن وقت برای فرائض آماده می شود و با همین حالت به فرائض بپردازد. پس ظاهر است که به سبب اشتغال به کلام دنیوی و... آن رابطه و نشاط از دست می‌رود و منافی آن است. بنابر همین رمز برخی از فقهاء فرموده‌اند که فاصله بین سنن و فرائض زیاد نباشد، بلکه تأخیر سنن و متصل خواندن آن با فرائض، افضلیت دارد.

البته چون به تکلم و عملی دیگر نیاز پیدا کند و ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد.[1]

والله اعلم و علمه اتم ـ کتبه محمدیوسف سربازی، دارالافتاء منبع‌العلوم

۲۸ ربیع الاول ۱۴۱۲ هق

الجواب صحیح- محمد عمر (غُفِرَله)

حکم زنی که همیشه وترش را در آخر شب می‌خواند و یک شب بلند شده خود را حائض می‌بیند

الاستفتاء: زنی نماز وترش را در آخر شب می خواند (برای ثواب بیشتر) اتفاقاً شبی بلند می شود و خودش را حائض می‌بیند، آیا قضای وترش بعد از پاک شدن واجب است یا خیر؟

الجواب بسم ملهم الصواب: در این صورت بر این زن قضای وتر واجب نیست؛ چراکه برای ارباب اعذار، آخر وقت اعتبار دارد. اگر شخصی در اول وقت سالم بود، عذر حیض و نفاس نداشت، اما تنبلی به کار برد، نماز را در اول و اوسط وقت ادا نکرد تا آخر وقت رسید و در آخر وقت به عذر حیض و غیره، معذور شد، این نماز از او ساقط می شود؛ چراکه تا حال وقت نماز ادامه داشت و در عین وقت معذور شد. و وقت وتر تا ظهور صبح صادق، نزد احناف موجود است. **دلیلها ما قال فی الهندیة:**

۱-معارف السنن باختصار: ۶۴/۴. ٦١، باب ما جاء فی الکلام بعد رکعتی الفجر.

«اذا حاضت فی الوقت او نفست سقط فرضه بقی من الوقت ما یمکن ان تصلی فیه او لا هکذا فی الذخیرة. و لو افتحت الصلاة فی آخر الوقت ثم حاضت لا یلزمها قضاء هذه الصلاة بخلاف التطوع، کذا فی الخلاصة»[۱]

والله اعلم و علمه اتم- محمد عمر (غُفِرَله)

۱۳ محرم ۱۴۲۴ هق

■ ■ ■

۱- الهندیة: ۱۹/۱ ط کانفور.

فهرست مطالب

باب صفة الصلاة و مایتعلق بها........... ۳۲۵

باب التجوید و القراءة ۳۴۱